

سخن نو

در تفسیر قرآن

(به ترتیب نزول)

جلد ششم

از: جمال گنجه ای

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شناسنامه کتاب

نام کتاب : سخن نو در تفسیر قرآن – جلد ششم

نام مولف: جمال گنجه ای

تاریخ انتشار ویرایش جدید در فضای مجازی:

تابستان ۱۴۰۰

<https://tafsir.ganjei.com>

jamalganjei@gmail.com

فهرست

صفحه	موضوع
۵	مقدمه
۶	فهرست الفبائی همه سوره ها
۱۴	فهرست مندرجات هر جلد کتاب تفسیری
۱۷	تفسیر سوره مومنون
۷۲	تفسیر سوره ابراهیم
۱۰۰	تفسیر سوره اسراء
۱۸۰	تفسیر سوره هود
۲۳۱	تفسیر سوره شعراء
۲۷۰	تفسیر سوره یونس
۳۲۶	تفسیر سوره انبیاء
۳۸۰	تفسیر سوره صافات
۴۲۰	تفسیر سوره ص (صاد)

مقدمه

تفسیر قرآن، کوششی است مستمر برای فهمیدن، و بهتر فهمیدن پیام وحی.

همانطور که در هر تلاش و کوشش بشری، مجهز بودن به ابزار مناسب و درخور، یاریگر و بلکه لازمه رسیدن به هدف و مقصود است، مفسر قرآن هم در تفسیر کلام خداوند بی نیاز از ابزارهای لازم و مناسب نیست.

با مطالعه تفاسیر کلاسیک قرآن می‌توان دید که مفسران سرشناس، هر چند در بالاترین درجات عالی علم و فضل هم بوده‌اند، ولی چون ابزار مناسب برای چنین تلاش مهمی نداشته‌اند، بعضاً به خطا رفته‌اند و از مشهورترین و معتبرترین تفاسیر کلاسیک هم می‌توان اشکال‌های زیادی گرفت.

رویگرد نو ما در «تفسیر تحلیلی قرآن»، ابزاری به مفسر قرآن پیشنهاد می‌کند که امیدواریم مورد توجه اهل فن قرار گیرد و دوره‌ای نو در ادراک پیام خداوند آغاز شود.

برای آشنایی با مبانی این روش توصیه می‌کنم :

۱۶۰ صفحه ابتدایی کتاب «علوم قرآنی» ما مطالعه شود. (در سایتی که در اول این کتاب نشانیش داده شده) برای دانشمندی که تنگی وقت‌شان در این حد هم مجال نمی‌دهد توصیه می‌کنم ۹۰ صفحه ابتدایی را از دست ندهند.

چندین کلیپ ویدئویی کوتاه در معرفی این روش تهیه شده است که به علاقمندان توصیه می‌کنم در سرویس‌های رایج اشتراک ویدئو با جستجوی «تفسیر تحلیلی قرآن مجید» مشاهده کنند.

فهرست الفبائی همه سوره ها

ردیف	نام سوره	جلد
۱	ابراهیم	۶
۲	احزاب	۱۰
۳	احقاف	۵
۴	اسراء	۶
۵	اعراف	۷
۶	اعلی	۲
۷	آل عمران	۹
۸	انبیاء	۶
۹	انشراح	۹
۱۰	انشقاق	۳
۱۱	انعام	۷
۱۲	انفال	۹
۱۳	انفطار	۳

۴	بروج	۱۴
۹	بقره	۱۵
۲	بلد	۱۶
۹	بینه	۱۷
۴	تبت	۱۸
۱۰	تحریم	۱۹
۱۰	تغابن	۲۰
۲	تکائر	۲۱
۳	تکویر	۲۲
۱۰	توبه	۲۳
۱	توحید	۲۴
۱	تین	۲۵
۵	جاثیه	۲۶
۹	جمعه	۲۷
۴	جن	۲۸

۳	حاقه	۲۹
۹	حج	۳۰
۷	حجر	۳۱
۱۰	حجرات	۳۲
۱۰	حدید	۳۳
۹	حشر	۳۴
۱	حمد	۳۵
۵	دخان	۳۶
۳	دھر	۳۷
۴	ذاریات	۳۸
۳	رحمان	۳۹
۸	رعد	۴۰
۸	روم	۴۱
۵	زخرف	۴۲
۱	زلزال	۴۳

۸	زُمر	۴۴
۵	سباء	۴۵
۸	سجده	۴۶
۶	شعراء	۴۷
۱	شمس	۴۸
۵	شوری	۴۹
۶	ص	۵۰
۶	صافات	۵۱
۹	صف	۵۲
۱	ضحی	۵۳
۱	طارق	۵۴
۱۰	طلاق	۵۵
۳	طور	۵۶
۷	طه	۵۷
۹	عادیات	۵۸

٢	عبس	٥٩
١	عصر	٦٠
٢	علق	٦١
٨	عنكبوت	٦٢
٣	غاشيه	٦٣
٨	فاطر	٦٤
١٠	فتح	٦٥
٢	فجر	٦٦
٨	فرقان	٦٧
٥	فصلت	٦٨
١	فلق	٦٩
٤	فيل	٧٠
٣	ق	٧١
١	قارعه	٧٢
١	قدر	٧٣

٢	قريش	٧٤
٧	قصص	٧٥
٣	قلم	٧٦
٤	قمر	٧٧
٣	قيامت	٧٨
٢	كافرون	٧٩
٤	كوثر	٨٠
٧	كهف	٨١
٨	لقمان	٨٢
١	ليل	٨٣
١٠	مائدة	٨٤
٩	معاون	٨٥
١٠	مجادله	٨٦
٩	محمد	٨٧
٤	مدثر	٨٨

٣	مرسلات	٨٩
٧	مريم	٩٠
٢	مزمّل	٩١
٣	مطففين	٩٢
٤	معارج	٩٣
٨	ملك	٩٤
١٠	ممتحنه	٩٥
٩	منافقون	٩٦
٥	مومن	٩٧
٦	مومنون	٩٨
٤	نازعات	٩٩
١	ناس	١٠٠
٣	نبا	١٠١
٢	نجم	١٠٢
٨	نحل	١٠٣

۱۰	نساء	۱۰۴
۱۰	نصر	۱۰۵
۷	نمل	۱۰۶
۴	نوح	۱۰۷
۱۰	نور	۱۰۸
۳	واقعه	۱۰۹
۲	همزه	۱۱۰
۶	هود	۱۱۱
۵	یاسین	۱۱۲
۷	یوسف	۱۱۳
۶	یونس	۱۱۴

برای یافتن سوره ها ئی که به بیش از یک نام معروف میباشند نام های دیگرشان نیز ذیلا ذکر شده که توصیه میشود به نامی که در فهرست الفبائی فوق ذکر شده مراجعه شود :

اخلاص : توحید - انسان : دهر - الم سجده : سجده - برائت : توبه - حم سجده : فصلت - شرح : انشراح - فاتحه الكتاب : حمد - قتال : محمد - غافر : مومن - ملائکه: فاطر - مسد : تبت -

فہرست مندرجات ہر جلد کتاب تفسیری (بدون ذکر صفحہ)

جلد ۱

۱ عصر - ۲ توحید - ۳ حمد - ۴ زلزال - ۵ قارعہ - ۶ ضحیٰ - ۷ فلق -
۸ ناس - ۹ تین - ۱۰ لیل - ۱۱ شمس - ۱۲ طارق - ۱۳ قدر

جلد ۲

۱۴ علق - ۱۵ قریش - ۱۶ تکاثر - ۱۷ بلد - ۱۸ ہمزہ - ۱۹ فجر - ۲۰
نجم - ۲۱ عبس - ۲۲ کافرون - ۲۳ اعلیٰ - ۲۴ مزمل

جلد ۳

۲۵ انفطار - ۲۶ تکویر - ۲۷ حاقہ - ۲۸ مرسلات - ۲۹ قلم - ۳۰ غاشیہ -
۳۱ نباء - ۳۲ طور - ۳۳ واقعہ - ۳۴ رحمان - ۳۵ دھر - ۳۶ مطفین -
۳۷ قیامہ - ۳۸ انشقاق - ۳۹ ق

جلد ۴

۴۰ مدثر - ۴۱ نازعات - ۴۲ نوح - ۴۳ قمر - ۴۴ فیل - ۴۵ بروج - ۴۶
مسد - ۴۷ معارج - ۴۸ ذاریات - ۴۹ جنّ - ۵۰ کوثر

جلد ۵

۵۱ دخان - ۵۲ زخرف - ۵۳ فصلت - ۵۴ جائیہ - ۵۵ احقاف - ۵۶
مومن - ۵۷ یس - ۵۸ شوری - ۵۹ سباء

جلد ۶

۶۰ مومنون - ۶۱ ابراہیم - ۶۲ اسراء - ۶۳ ہود - ۶۴ شعراء - ۶۵ یونس
- ۶۶ انبیاء - ۶۷ صافات - ۶۸ ص

جلد ۷

۶۹ قصص - ۷۰ نمل - ۷۱ مریم - ۷۲ یوسف - ۷۳ حجر - ۷۴ طہ -

٧٥ انعام - ٧٦ اعراف - ٧٧ كهف

جلد ٨

٧٨ فرقان - ٧٩ سجده - ٨٠ زمر - ٨١ لقمان - ٨٢ عنكبوت - ٨٣ نحل
- ٨٤ فاطر - ٨٥ روم - ٨٦ رعد - ٨٧ ملك

جلد ٩

٨٨ انشراح - ٨٩ حج - ٩٠ بقره - ٩١ بينه - ٩٢ ماعون - ٩٣ عاديات - ٩٤
صف - ٩٥ محمد - ٩٦ انفال - ٩٧ حشر - ٩٨ منافقون - ٩٩ جمعه -
١٠٠ آل عمران

جلد ١٠

١٠١ تغابن - ١٠٢ حديد - ١٠٣ احزاب - ١٠٤ نساء - ١٠٥ نور - ١٠٦
طلاق - ١٠٧ فتح - ١٠٨ ممتحنه - ١٠٩ نصر - ١١٠ توبه - ١١١ حجرات
- ١١٢ مجادله - ١١٣ تحريم - ١١٤ مائده

مرحله ششم

افزایش فشارها

و

دلداری خداوند به پیامبر و مومنان

و امید پیروزی

سوره مومنون

﴿ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴾

قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١﴾ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ ﴿٢﴾ وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ ﴿٣﴾ وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ ﴿٤﴾ وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ ﴿٥﴾ إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ ﴿٦﴾ فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ ﴿٧﴾ وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ ﴿٨﴾ وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ ﴿٩﴾ أُولَٰئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ ﴿١٠﴾ الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿١١﴾ وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِّن طِينٍ ﴿١٢﴾ ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نَفْثَةً فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ ﴿١٣﴾ ثُمَّ خَلَقْنَا النَّفْثَةَ عِلْقَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ ﴿١٤﴾ ثُمَّ إِنَّكُمْ بَعْدَ ذَلِكَ لَمَيِّتُونَ ﴿١٥﴾ ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تُبْعَثُونَ ﴿١٦﴾ وَلَقَدْ خَلَقْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعَ طَرَائِقَ وَمَا كُنَّا عَنِ الْخَلْقِ غَافِلِينَ ﴿١٧﴾ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَسْكَنْتَاهُ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّا عَلَىٰ ذَهَابٍ بِهَ لَقَادِرُونَ ﴿١٨﴾ فَأَنْشَأْنَا لَكُمْ بِهِ جَنَّاتٍ مِّن نَّجِيلٍ وَأَعْنَابٍ لَّكُمْ فِيهَا فَاوَاكِبٌ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿١٩﴾ وَشَجَرَةً تَخْرُجُ مِنْ طُورِ سَيْنَاءَ تَنْبُتُ بِالذَّهْنِ وَصَبِغٍ لِللَّكْلِينَ ﴿٢٠﴾ وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً نُّسْقِيكُم مِّمَّا فِي بُطُونِهَا وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿٢١﴾ وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ ﴿٢٢﴾

پیش تفسیر

۱- استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یعنی «درس» سوره)، برای کل ۱۱۴ سوره قرآن، در کتاب «خودآموز تفسیر قرآن» (از همین قلم) وجود دارد، و خود کتاب مذکور را میتوانید در سایت (<https://tafsir.ganjei.com>) بیابید، و البته مبانی این موضوع نیز در ۱۶۰ صفحه اول کتاب «علوم قرآنی» (موجود در همان سایت) شرح داده شده است. و در مورد این سوره، عصاره محتوا، همان است که ذیلا دیده میشود.

درس: پیامبران با مردمی مواجه بودند که از خداوند آیات و الطافش غفلت داشتند و آخرت و پیامبران را تکذیب میکردند و در نتیجه در دو جهان زیانکار گشتند.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: ارائه اعمال مطلوبی که بهتر است مومنان داشته باشند تا در دو جهان رستگار گردند، و نیز اینکه از الطاف و نعمت های الهی غفلت نورزند.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

فَدَّ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١﴾ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ ﴿٢﴾ وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ ﴿٣﴾ وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ ﴿٤﴾ وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ ﴿٥﴾ إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ ﴿٦﴾ فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ ﴿٧﴾ وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ ﴿٨﴾ وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ ﴿٩﴾ أُولَٰئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ ﴿١٠﴾ الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿١١﴾

ریزدرب: تشویق مومنان به تکمیل صفات پسندیده ای که تاکنون کسب کرده اند.

۲

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَانَ مِنْ سَلَالَةٍ مِّن طِينٍ ﴿١٢﴾ ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ ﴿١٣﴾ ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَبَارَكُ اللَّهُ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ ﴿١٤﴾ ثُمَّ إِنَّكُمْ بَعْدَ ذَلِكَ لَمَيِّتُونَ ﴿١٥﴾ ثُمَّ إِنَّكُمْ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ تُبْعَثُونَ ﴿١٦﴾

ریزدرب: ای مردم! به نظر عبرت بنگرید که چه بودید و اینک چه شده اید و فکر کنید که بعدا چه ها خواهید شد.

۳

وَلَقَدْ خَلَقْنَا فُوقَكُمْ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمَا كُنَّا مِنَ الْخَلْقِ غَافِلِينَ ﴿١٧﴾ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَسْكَنَّا فِي الْأَرْضِ وَإِنَّا عَلَىٰ ذَهَابٍ بِهِ لَفَادِرُونَ ﴿١٨﴾ فَأَنْشَأْنَا لَكُمْ بِهِ جَنَّاتٍ مِّن نَّجِيلٍ وَأَعْنَابٍ لَّكُمْ فِيهَا فَوَاكِهَ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿١٩﴾ وَشَجَرَةً تَخْرُجُ مِنْ طُورِ سَيْنَاءَ تَنْبُتُ بِاللَّهُنِّ وَصِنَعٍ لِأَكْلِيلٍ ﴿٢٠﴾ وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً نُّسْقِيكُم مِّمَّا فِي بُطُونِهَا وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿٢١﴾ وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ ﴿٢٢﴾

ریزدرب: ای مردم! به نظر عبرت بنگرید که چه بودید و اینک چه شده اید و فکر کنید که بعدا چه ها خواهید شد! زیرا این مائیم و این علم و قدرت ها را داریم و میتوانیم آنچه را میگوئیم کنیم.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لَبِّ مَطْلَب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۶ - سوالات

- ۱ - زکات در آیه ۴ به معنی لغوی آمده یا اصطلاحی؟
- ۲ - در آیه ۱ چرا از زمان ماضی استفاده شده؟
- ۳ - با توجه به روال سخن در این پاراگراف مراحل تکوین جنینی را یاد داشت نموده و آنگاه با توجه به بدیهیات پزشکی، کلماتی مانند نطفه و علقه و مضغه و غیره را معنی کنید.
- ۴ - کلمه «طین» به معنی لغوی آمده یا اصطلاحی؟
- ۵ - آیا این مطالب که به بخش «مادی» مکانیزم آفرینش تک تک افراد بشر اشاره دارد، ربطی به داستان حضرت آدم دارد؟
- ۶ - چرا مراحل خرد و کلان (علقه و مضغه و ... و موت و بعث) را با هم ذکر فرموده؟
- ۷ - «طرائق» (آیه ۱۷) جمع چیست؟ (طریق؟ طریقه؟ یا...؟)
- ۸ - منظور از «عن الخلق» چیست؟ («خلقنا»؟ «کم»؟ یا...؟)
- ۹ - چرا مفسران «سبع» را به «زیاد» تعبیر کرده اند؟
- ۱۰ - منظور از «الخلق» در همان آیه چیست؟ (مخلوقات؟ آن آفرینش خاص که در کلمه «خلقنا»ی ابتدای آیه آمده؟ یا...)

۷ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

در بازه زمانی از نزول سوره معارج تا مقارن نزول این سوره، چنانکه از آیات ۱ تا ۱۱

بر می آید، کیفیت های ایمانی مومنان ارتقاء قابل ملاحظه داشته، که از مقایسه چک لیست موجود در آیات مذکور و چک لیست موجود در سوره معارج به وضوح مشهود است.

از آیه ۲۰ معلوم میشود مردم مقارن نزول این سوره از کالاهای مورد استفاده در شامات استفاده میکردند.

از آیه ۲۲ فهمیده میشود مردم عرب این دوره با مسافرت های دریایی آشنا بوده اند.

۸ - زاویه با تفاسیر رایج

۱: (المیزان): در این سوره بر ایمان به خدا و روز قیامت دعوت شده و فرقهایی که میان مؤمنین و کفار هست شمرده شده است.

«درس سوره» که بر اساس محاسبه استخراج کرده ایم، چنین است: پیامبران با مردمی مواجه بودند که از خداوند و آیات و الطافش غفلت داشتند و آخرت و پیامبران را تکذیب میکردند و در نتیجه در دو جهان زیانکار شدند.

۲ - بحثی که ذیلا تحت عنوان «مراحل مختلف» در آفرینش انسان، در بخش شرح مختصر عرض کرده ایم با تفاسیر رایج زاویه دارد، ولی گرچه برای رعایت اختصار در اینجا نیاورده ایم، اما توصیه مطالعه آن را در محل خودش داریم.

۹ - پیشگویی های تحقق یافته (علمی)

اطلاعات عمومی تاریخی به ما میگوید که تمدن های قدیم از قبیل یونان و مصر و ایران باستان و غیره، و نیز قرون وسطا، نوعی کالبد شکافی داشته اند.

اما این جزئیات دقیقی که در این آیات ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ ذکر شده، خیلی بالاتر از حد اکثر توان علمی و پژوهشی تمام آن دوره ها بوده، و تنها دویست سال اخیر در حد لیاقت فهم جزئیات ذکر شده در این پاراگراف است، و این هم برگ زرین دیگری است که باید به کتاب پُربرگ اعجاز علمی قرآنی افزوده شود.

۱۰ - قرآن مایه اصلی چه علمی را دارد؟

آیات ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ مایه اصلی علمی از قبیل جنین شناسی را دارد که برای زمان نزولش نو و خارج از دسترس علم بشر مخاطب بوده و پس از تقریباً ۱۰۰۰ سال بعد درک شده است.

همچنین است آیه ۱۸ که مایه اصلی زمین شناسی را دارد.

۱۱ - آیات برجسته این پاراگراف

آیات ۱ تا ۱۱ از لحاظ کثرت تکرارشان در کاشیکاری های مساجد و زیارتگاه ها قطعاً داخل عنوان فوق میشوند، اما به نظر این قلم، از لحاظ محتوا نیز نقش قوی «چک لیست»ی مجموعه آیات مذکور، از آنجا که بار سازندگی بالائی دارند، به آنها برجستگی خاصی میدهد.

همچنین است موقعیت جمله انتهائی آیه ۱۴ که از بس در محاورات مردم تکرار میشود برجستگی خاصی یافته است.

۱۲ - آیات مشکل

آیه ۱۷ از این لحاظ که در باره «سبع طرائق» بین مفسران اختلافات زیادی وجود دارد ذیل تیترو فوق قرار میگردد، البته ما هم با توجه به درس و درب عرض خویش را ذیلا تقدیم نموده ایم.

۱۳ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

موضوع «سبع طرائق» از آنجا که هنوز در باره اش سخن فصل الخطاب مرضیّ عموم یافت نشده، فوق ذهنیات مخاطب امروز است، و به طریق اولی فوق ذهنیات مخاطبان اولیه نیز هست.

موضوع ثابت بودن تقریبی مقدار نزولات آسمانی (ماء بقدر) چیزی نیست (آیه ۱۸) که تا قبل از قرن ۱۸ میلادی مکشوف بشر بوده باشد، و لذا این نیز بطور قطع فوق ذهنیات آنان بوده است.

۱۴ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیات ۶ و ۷ و ۸ و ۱۵ و ۱۶ بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

ترتیب نزول (مطلب، تفسیر، اشاره):

در آیه ۱ یک مورد بارز تیتیر فوق را می‌بینید، آنجا که می‌فرماید «قد افلح...» (حتماً رستگار شد...)

به عبارت دیگر آیات ۲ تا ۹ این پاراگراف دارد جمله «قد افلح من زکیها»ی سوره شمس را تفسیر می‌کند.

مثل این است که کسی درسوره شمس بپرسد «رشد دهد...» یعنی چه؟ و جواب بشنود: یعنی به مدول آیات ۲ تا ۹ سوره مؤمنون عمل کند.

ذکر مصادیق دلیل بر حصر نیست.

آیات ۱۸ تا ۲۲ که به ذکر برخی از آیات و نعمتها پرداخته از باب تیتیر فوق است و به معنی انحصار نعمتها در موارد احصاء شده نمیباشد.

مسلمانان از باب «تشریف» مومن خطاب شده اند.

آیه ۱ را با توجه به تیتیر فوق بهتر می‌فهمیم.

رفع چند شبهه رایج در باره قرآن کریم:

الف - رفع شبهه موید مردسالاری بودن

ب - رفع شبهه محاط بودن در گرامر «سیبویه»ی

دو شبهه هنوز هم در باره قرآن - حتی در اذهان مومنان به آن هست که باید اصلاح شود:

الف - قرآن گرامر خودش را دارد و گرامر «سیبویه»ی محاط در آن است و نه اینکه به گرامر قرآنی محیط باشد،

چرا؟ زیرا سیبویه در زمان ساختن صرف و نحو عربی (تقریباً ۱۳۰۰ سال قبل) تحت تاثیر قرآن و فرهنگ غالب تفسیری قرآن بود و آن را ساخت، و طبیعی است که در آن

زمان و فقر سوادِ آن زمان، به چیزهایی توجه نکرده و لحاظ نکرده باشد.
 ب - قرآن، چون برای همه جا و همه کس و همه زمانها است، ناچار از این است که همه گفتمان های صحیح و مقبول را، الی یوم القیامه، در احتوای خویش داشته باشد.
 آیاتی که در ذیل ارایه شده، هم از لحاظ استقلال نسبت به گرامر سیبویه و هم از لحاظ مخالفت با گفتمان ناقص حاکم بر زمان نزول، کاملا گویا است،
 اما توجه داشته باشید: نه مثالها محدود به آیات مذکور است و نه موضوعات محدود به آنها است، و جا دارد پایان نامه های زیادی تولید شود که هم ناظر به مثال های آیه ای بیشتر و هم ناظر به مثال های گفتمانی متنوع تر باشد:

مثال ها از لحاظ گرامری اشاره ای به ضمائر «هم» و «کم» دارد که چنانکه از متن آیات فهمیده میشود منحصر در جنس مذکر نیست،
 و از لحاظ گفتمانی به مستقل و مخالف بودن گفتمان «اصالت مرد سالاری» است، و برای تاکید در جاهایی «مِن ذکر و انثی» را هم ذکر کرده است.

۱ - (سوره معارج) وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ ﴿٢٩﴾ إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ ﴿٣٠﴾

۲ - (سوره مومنون) [عین همین در اوایل سوره مومنون]

۳ - (سوره غافر) مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزَىٰ إِلَّا مِثْلَهَا وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٤٠﴾

۴ - (سوره نحل) مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاتًا طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٩٧﴾

۵ - (سوره نحل) همان آیه لنحییینه حیوه طیبه

۶ - (سوره یوسف) رایتهیم لی ساجدین . . (آیه ۴)

۷ - (سوره بقره) وَيَسِّرْ لِّلَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِن ثَمَرَةٍ رَّزَقُوا قَالُوا هَٰذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِن قَبْلُ وَأَنُؤَا بِهِ مُتَشَابِهًا وَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٥﴾

۸ - (سوره آل عمران) فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِّنْكُمْ مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنثَىٰ بَعْضُكُمْ مِّنْ بَعْضٍ فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِن دِيَارِهِمْ وَأُودُوا فِي سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ ﴿١٩٥﴾

۹ - (سوره نساء) - وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظَلَّمُونَ فِيهَا شَيْئًا ﴿١٢٤﴾

ضمایر قرآن بر مبنای مونث و غیر مونث تنظیم شده است. و در غیر مونث موارد زیر قرار می‌گیرد (۱) مونث (۲) مذکر (۳) مونث و مذکر (۴) اشیاء (۵) ملایکه (۶) خدا با توجه به محتوی و موضوع باید تشخیص داده شود که ضمیر مورد نظر در خصوص کیست؟ مثال در آیات ۱۹۰ تا ۱۹۵ ال عمران ضمایر بکار رفته شامل مذکر و مونث می‌باشد.

«لغو» یک مفهوم نسبی است

در آیه ۳ «لغو» یک مفهوم نسبی است و بستگی به تشخیص هر کسی دارد. در حالیکه تعریف آن (= چیزی که فایده دنیائی و آخرتی نداشته باشد، حتی اگر از مشعول شدن به آن خوشمان بیاید) واضح است اما تشخیص مصادیق آن (با رعایت صداقت شخص نسبت به خویش) ممکن است از هر کس تا دیگری فرق کند. مثلاً از نظر کسی حل کردن جدول لغو است و از نظر دیگری ورزش فکری و یافتن آموزش عمومی و مبارزه با بیماری آلزایمر است و لذا نه تنها لغو نیست بلکه لازم و ضروری هم هست.

«ارث بردن» فردوس

چرا در آیه ۱۱ فرموده آنها فردوس را «به ارث» می‌برند؟ اگر توجه نموده باشید در مورد ارث، چیزی به کسی می‌رسد که برای آن زحمتی نکشیده است.

در این نوع بیان، این نکته هم هست که مقام «فردوس» یک مقام بالائی است و حق بدست آوردن آن، این است که شخص برای آن خیلی زحمت بکشد، اما خداوند به کسانی که تا این حد - که در آیات فوق اشاره شده - مقید به افکار و اعمال دینی باشند (که کار چندان سختی هم نیست) آن مقام را «به راحتی» به آنها می‌دهد.

«چک لیست»، اما در سطح بالاتر

در این پاراگراف، به چند مشخصه رفتاری مؤمنان اشاره نموده و آنها را برنده نهائی و خوشبخت واقعی، و ساکن جاودانی فردوس قلمداد کرده اما اشاره‌ای به افکار و عقاید آنها ننموده، در حالیکه در کل سوره، در مواضع عدیده‌ای، ضمن برشمردن رفتارهای غلط و باطل کافران، به عقاید باطل و غلط آنها نیز به تفصیل پرداخته و آنها را بطور مستدل رد نموده است.

علت اینکه در این پاراگراف، راجع به مؤمنان، به عقاید صحیح آنها نپرداخته، شاید این باشد که این رفتارهای ذکر شده فقط از صاحب عقیده و فکر صحیح بر می‌آید و نیاز

به ذکر آن نیست.

صفات و اعمالی که در این پاراگراف، آنها را ذکر نموده، بطور خلاصه چنین است:

۱- اهمیت دادن به نماز،

۲- پرداختن به زکات،

۳- رعایت عهد و امانت،

۴- دوری از لغو.

شبیبه به همین آیات (آیات از ۲ تا ۹) قبلاً در سوره معارج نیز آمده بود، منتها آن آیات تفاوت‌هایی با این آیات داشت.

در سوره معارج بجای آیه ۴ این سوره، داشت «و آنهایی که در اموالشان حق معینی برای سائل و محروم هست»، اما در این سوره صراحتاً راجع به «زکات» تصریح نموده، و طبیعی است، زیرا این سوره بعد از سوره معارج نازل شده و این حکم در آنجا حالت داوطلبانه داشت و در اینجا الزامی شده است.

دیگر اینکه در سوره معارج، صفتی که برای نماز مسلمانها ذکر شده بود، «دوام» آن بود یعنی اینطور نباشد گاهی نماز بخوانند گاهی نخوانند بلکه نمازشان باید مرتب و همیشگی باشد.

در فاصله زمانی از نزول آن سوره تا این سوره؛ ظاهراً موضوع نماز خواندن و دائمی بودن آن در بین مسلمانان جا افتاده و عادت شده بود و لذا در اینجا به کیفیت آن می‌پردازد که نمازشان را با «خشوع» بخوانند.

بعبارت دیگر، در اثر گذشت زمان و رشد شخصیتی مسلمانان، از آن تاریخ (نزول سوره معارج) تاکنون (نزول سوره مؤمنون) کمیت نماز جا افتاده و اینک برای بهبود کیفیت آن توصیه می‌شود.

نکته دیگر اینکه در سوره معارج، به واجدین آن شرایط، وعده «مورد احترام بودن در بهشت‌ها» را می‌دهد اما در اینجا سطح وعده بالاتر است. در اینجا وعده بدست آوردن آسان «فردوس» و جاودانگی در آن را می‌دهد.

البته این خودش شامل سه وعده است: ۱- رسیدن به «فردوس»، ۲- براحته بدست آوردن آن، ۳- جاودانگی در آن.

از آنجا که «فردوس» درجه خاصی است از بهشت، و بالاتر از مطلق «بهشت‌هایی» است، نتیجه می‌شود که سطح شخصیتی و روحی عده‌ای از مسلمانان در فاصله زمانی نزول این دو سوره، تفاوت قابل توجهی در جهت اعتلاء نموده است.

«مراحل مختلف» در آفرینش انسان

ممکن است آفرینش انسان از «خلاصه‌ای از گل» مربوط به همان دوره‌ای باشد که در ابتدای سوره دهر دیدیم (لم یکن شیئا مذکوراً) به این معنی که در آن دوره چیزی داشته شکل می‌گرفته، نوعی مواد رسوبی داشته بوجود می‌آمده، که اولین سلول‌های زنده از آنها بوجود آمده که عبارت «سلاله من طین = خلاصه‌ای از گل» اشاره به آن دوره داشته باشد که آن ماده اصل و اساس هر نوع حیات، اعم از دریایی و سپس دوزیستی و آنگاه جانداران زمینی بوده است. بنابراین اگر بگوییم انسان بدست خداوند آفریده شده صحیح است، و اگر هم بگوییم از خاک آفریده شده با توجه به معنی فوق باز هم صحیح است، و اگر هم بگوییم از علق آفریده شده، باز هم صحیح است، و اگر هم بگوییم از پدر و مادرش آفریده شده باز هم صحیح است.

آفرینش آدم از خاک یعنی چه؟

«ال» در ابتدای «الانسان» از چه نوع است؟

بطور قطع الف لام مذکور از نوع الف لام جنس است، یعنی همه انسانها. زیرا اگر آن را از نوع الف لام عهد یا الف لام تعریف بگیریم با بقیه آیه سازگاری ندارد. زیرا اگر سازگاری داشت می باید قرینه ای در آیه یا آیات بعد می بود که بر آن دلالت کند و نیست.

لذا می توانیم این نتیجه را بگیریم که «همه انسان ها» (و طبعاً آدم هم که یکی از انسان ها است) از نطفه و علقه و مضغه و بوجود آمده است.

البته اینکه همه انسانها از عصاره ای از خاک آفریده شده اند به این معنی است که قبل از نطفه بصورت مواد غذایی که از خاک بوجود می آیند در بدن انسان به صورت سلول های تشکیل دهنده اسپرم و اوول در دستگاه های تناسلی مرد و زن وجود دارند. بنا بر این آفرینش آدم از خاک مانند آفرینش همه ما انسان ها از خاک است که از طریق مواد غذایی حاصل از خاک صورت میگیرد.

البته باید توجه داشت که مواد غذایی حیوانی از قبیل گوشت و شیر و مشتقات آن نیز منشاء خاکی دارد.

بنا بر این «از خاک آفریده شدن آدم»، هم، همانطور است که من و شما از خاک آفریده شده ایم، و همانطور است که همه میلیارها انسان از خاک آفریده شده اند و میشوند و خواهند شد.

فرق «علقه» در اینجا و «علق» در سوره علق

آنچه در سوره علق گفته ایم اشاره به اسپرم دارد و آنچه در اینجا مطرح است به ترکیب اسپرم و اوول که از طریق رگ خونی (که لوله تغذیه موجود جدید است) به جدار رحم آویزان است مربوط میشود و البته هردو آویزان اند، اولی به اوول و دومی به رحم. این هم یک نمونه از هزاران مورد کمکی است که رعایت ترتیب نزول به فهم قرآن میکند!

هفت راه در بالای سرتان

اکثر قریب به اتفاق مفسران و مترجمان «سبع طرائق» مذکور در آیه ۱۷ را به «آسمان‌های هفتگانه» تعبیر کرده اند.

البته ما برای فهم آن به درس و درب دسترسی داریم و طبق آن میدانیم که این پاراگراف دارد گوشه ای از نعمت های الهی را به یاد بشر می آورد. البته باید توجه داشته باشیم که «طرائق» ذکر شده جمع «طریقه» است و ترجمه مناسب آن «روش‌ها» و «منش‌ها» است و ضمناً با توجه به اینکه خود عدد «هفت» نیز در ادبیات قرآنی نماد «زیاد» است ترجمه کلمه «طرائق» «روش‌های زیاد» و یا «روش‌های دارای تنوع زیاد» میباشد.

چه نعمتهایی را در قرآن می شناسیم که «از راه‌های بالای ما» بسویمان می آید؟ چیزهایی که در جواب سوال فوق فوراً به ذهن می آید اینها است: ۱ - باران، ۲ - وحی، ۳ - تدبیرات وقوع قیامت، ۴ - ملائکه، ۵ - روح، ۶ - تقدیرات، ۷ - ؟ البته اینهایی که در سطر فوق بر شمردیم برخی «در طول» و برخی «در عرض» یکدیگرند و علم ما فعلاً در آن حدودی نیست که بتوانیم دقیقاً تعیین کنیم که چه با چه رابطه طولی یا عرضی دارد و یا اینکه اساساً نازل شونده‌های آن «طرائق» منحصر به همانها که بر شمردیم است یا نه (گرچه اجمالاً عرض میکنیم که به نظر نمی آید منحصر به آنها باشد) اما، هرچه باشد، خود بکار بردن کلمه «طریقه» در آیه مذکور نشان میدهد که «راه» مورد نظر از قبیل «سییل» و «صراط» نیست، بلکه یکنوع «راه هوشمند» است.

در آیات ۱۸ تا ۲۲ فقط به یکی از آن نعمت‌ها و مشتقات آن، که از آن راه‌ها به ما میرسد، یعنی باران، اشاره‌های کوتاهی فرموده، ولی راجع به نعمت‌های دیگر به عهده خودمان گذاشته که در آنها بیندیشیم.

«به اندازه» بودن نزولات آسمانی

امروزه جزء بدیهیات علمی ما است که باران سالانه مقدار ثابتی است، گر چه این امر خیلی دور از دسترس علم و فهم مردم آن روزها بوده و این خودش یکی از عناصر معجزه علمی است.

ضمناً با توجه به جمله «فاسکناه فی الارض» (و آن را در زمین جای دادیم) به منابع روی زمینی (دریاها و دریاچه ها) و نیز منابع زیرزمینی آب اشاره فرموده است.

زیتون

آیه ۲۰ اشاره به زیتون دارد که آن روزها بر خلاف امروز در همه جا کشت نمی‌شده و یک نوع «کالای مدیترانه‌ای» بوده و عبارت «طور سینا» به قسمت فلسطینی آن اشاره دارد.

«منافع» از چارپایان

«منافع»ی که از چارپایان داریم که در آیه ۲۱ به آن اشاره شده، غیر از شیر که در آیه تقریباً تصریح شده، چه بسا مو و پشم و کرک باشد، «و از آنها می‌خورید». یعنی از گوشت آنها می‌خورید، و در سوره یس نیز مطالبی در خصوص آنها گذشت. اما، دائماً به دامنه استفاده از حیوانات اضافه میشود، مثلاً تهیه پودر استخوان، تهیه فرآورده های خونی، وغیره، و معلوم نیست در آینده چه قلمرو های جدیدی در این قسمت باز خواهد شد.

ترجمه تفسیری آزاد

بسم الله الرحمن الرحيم

البته مومنان رستگار خواهند شد (۱)

همان کسانی که در نمازهایشان فروتن اند (۲)

و همانها که از چیزهای بیهوده روی برمیگردانند (۳)

و همانها که پرداخت کننده زکاتند (۴)

و همانها که راجع به آمیزش جنسی عقیف اند (۵) مگر با همسرانشان یا مملوکانشان که در آنصورت درخور سرزنشی نیستند (۶) و اگر کسی بیش از این بخواهد تجاوز کار است (۷)

و همانها که عهد و امانت را رعایت می کنند (۸)
و همانها که مواظب نمازهای خویش میباشند (۹)
آنها همان کسانی هستند (۱۰) که فردوس را ارث میبرند و در آن جاودانند (۱۱)

والبته همه انسان ها را از عصاره ای از گل آفریده ایم (۱۲)
سپس آنها را در جایگاهی نگهدارنده، نطفه ای نمودیم (۱۳)
سپس آن نطفه را علقه و آن علقه را مضغه و آن مضغه را استخوانی نمودیم و بر آن
استخوان نیز گوشتی پوشانیدیم.

آنگاه آن را به حالت آفرینش نهایی ساختیم،
پس توجه داشته باشید که برای شما بسیار پر منفعت است خداوندی که بهترین
آفرینشگر است (۱۴)

آنگاه شماها پس از آن خواهید مُرد (۱۵)
آنگاه شماها روز قیامت حتماً برانگیخته خواهید گردید (۱۶)

و البته بالا سرتان هفت راه آفریدیم و هرگز از آفریدگان غافل نبوده ایم (۱۷) و از
آسمان آبی به اندازه فرستادیم و آن را در زمین جای دادیم،
و البته برای ازبین بردن آن نیز توانائیم (۱۸)
و بوسیله آن برای شما باغهایی از خرماها و انگورها درست کردیم که در آن میوه های
زیاد دارید و از آنها می خورید (۱۹)
و نیز درختی که از طور سیناء می روید که برای خوردگان روغن و خورش دارد (۲۰)

و البته در خصوص چارپایان نیز برایتان عبرتی است، از آنچه در شکمهایشان است به
شما می نوشانیم و در آنها منافع زیادی دارید و از گوشت آنها می خورید (۲۱) و بر آنها
و بر کشتی سوار می شوید (۲۲)

مومنون ۲ آیات ۲۳ تا ۵۴

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿٢٣﴾ فَقَالَ الْمَأْمُورُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُرِيدُ أَنْ يَتَفَضَّلَ عَلَيْكُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً مَا سَمِعْنَا بِمِثْلِهِ فِي آيَاتِنَا الْأُولَىٰ ﴿٢٤﴾ إِنَّ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ بِهِ جِنَّةٌ فَرَيْضُوا بِهِ حَتَّىٰ حِينٍ ﴿٢٥﴾ قَالَ رَبِّ انصُرْنِي بِمَا كَذَّبُونَ ﴿٢٦﴾ فَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ أَنْ اصْنَعْ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوْحَيْنَا فَاذًا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنْوِيرُ فَاسْلِكْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ مِنْهُمْ وَلَا تُخَاطِبُنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُّعْرِضُونَ ﴿٢٧﴾ فَاذًا اسْتَوَيْتَ أَنْتَ وَمَنْ مَعَكَ عَلَى الْفُلْكَ فَقِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي نَجَّانَا مِنْ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٢٨﴾ وَقَالَ رَبِّ انزِلني منزلاً مباركاً وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنزِلِينَ ﴿٢٩﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ وَإِنْ كُنَّا لَمُبْتَلِينَ ﴿٣٠﴾ ثُمَّ أَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ ﴿٣١﴾ فَأَرْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿٣٢﴾ وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِلِقَاءِ الْآخِرَةِ وَأَتْرَفْنَاهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُونَ مِنْهُ وَيَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُونَ ﴿٣٣﴾ وَلَئِنْ أَطَعْتُمْ بَشَرًا مِثْلَكُمْ إِنَّكُمْ إِذَا لَحَاسِرُونَ ﴿٣٤﴾ أَيْعِدْكُمْ أَنْكُمْ إِذَا مِتُّمْ وَكُنْتُمْ تُرَابًا وَعِظَامًا أَنْكُمْ تُخْرَجُونَ ﴿٣٥﴾ هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ لِمَا تُوعَدُونَ ﴿٣٦﴾ إِنَّ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ ﴿٣٧﴾ إِنَّ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا وَمَا نَحْنُ لَهُ بِمُؤْمِنِينَ ﴿٣٨﴾ قَالَ رَبِّ انصُرْنِي بِمَا كَذَّبُونَ ﴿٣٩﴾ قَالَ عَمَّا قَلِيلٍ لِيُصِيعُنَّ نَادِمِينَ ﴿٤٠﴾ فَأَخَذْتَهُمُ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ فَجَعَلْنَاهُمْ عَذَابًا فِعْدًا لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٤١﴾ ثُمَّ أَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرُونًا آخَرِينَ ﴿٤٢﴾ مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجْلَهَا وَمَا يَسْتَأْخِرُونَ ﴿٤٣﴾ ثُمَّ أَرْسَلْنَا نُوحًا تَتْرَا كُلَّ مَا جَاءَ أُمَّةً رَسُولًا كَذَّبُوهُ فَأَتْبَعْنَا بَعْضَهُمْ بَعْضًا وَجَعَلْنَاهُمْ أَجَادِيثَ فَبِعَدَا لِقَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٤٤﴾ ثُمَّ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ وَأَخَاهُ هَارُونَ بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُّبِينٍ ﴿٤٥﴾ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلِكِهِ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا عَالِينَ ﴿٤٦﴾ فَقَالُوا أَنْوْمُنْ لِنَشْرِبِنِ مِثْلِنَا وَقَوْمُهُمَا لَنَا عَابِدُونَ ﴿٤٧﴾ فَكَذَّبُوهُمَا فَكَانُوا مِنَ الْمُهْلَكِينَ ﴿٤٨﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ ﴿٤٩﴾ وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ آيَةً وَآوَيْنَاهُمَا إِلَىٰ رَبْوَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ وَمَعِينٍ ﴿٥٠﴾ يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ﴿٥١﴾ وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ ﴿٥٢﴾ فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبُرًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ ﴿٥٣﴾ فَذَرَهُمْ فِي غَمَرِهِمْ حَتَّىٰ حِينٍ ﴿٥٤﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:

طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یعنی «درس» سوره) در قسمت اول نشان داده شده که نتیجه مطابق ذیل است:

درس: پیامبران با مردمی مواجه بودند که از خداوند آیات و الطافش غفلت داشتند و آخرت و پیامبران را تکذیب میکردند و در نتیجه در دو جهان زیانکار گشتند.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: قوم نوح و اقوام پس از نوح پیامبرشان و آخرت را تکذیب نمودند و نابود شدند.

ای پیامبر! دو پیامبر قبل از تو نیز همین مشکل را داشتند، و بطور کلی، گروندگان

پیامبران، پس از مدتی دچار همین مشکل می شدند.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿٢٣﴾ فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُرِيدُ أَنْ يَتَفَضَّلَ عَلَيْكُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آيَاتِنَا الْأُولَىٰ ﴿٢٤﴾ إِنَّ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ بِهِ جِنَّةٌ فترَبَّصُوا بِهِ حَتَّىٰ حِينٍ ﴿٢٥﴾ قَالَ رَبِّ انصُرْنِي بِمَا كَذَّبُونِ ﴿٢٦﴾ فَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ أَنْ اصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوْحَيْنَا فَإِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُورُ فَاسْلُكْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ مِنْهُمْ وَلَا تَخَافِ فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ مُعْرِضُونَ ﴿٢٧﴾ فَإِذَا اسْتَوَيْتَ أَنْتَ وَمَنْ مَعَكَ عَلَى الْفُلْكَ فَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي نَجَّانَا مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٢٨﴾ وَقَالَ رَبِّ انزِلْنِي مُنْزَلًا مُبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنزِلِينَ ﴿٢٩﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ وَإِنْ كُنَّا لَمُبْتَلِينَ ﴿٣٠﴾

ریزدرج: ذکر قوم نوح که یکی از مصادیق واضح فوق (یعنی درس سوره) است.

۲

ثُمَّ أَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخِرِينَ ﴿٣١﴾ فَأَرْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿٣٢﴾ وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِإِلقاءِ الْآخِرَةِ وَأَتْرَفْنَاهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُونَ مِنْهُ وَيَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُونَ ﴿٣٣﴾ وَلَئِنْ أَطَعْتُمْ بَشَرًا مِثْلَكُمْ إِنَّكُمْ إِذًا لَحَاسِرُونَ ﴿٣٤﴾ أَيْعِدُكُمْ أَنْكُمْ إِذَا مِتُّمْ وَكُنْتُمْ تُرَابًا وَعِظَامًا أَنْكُمْ تُخْرَجُونَ ﴿٣٥﴾ هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ لِمَا تُوعَدُونَ ﴿٣٦﴾ إِنَّ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ ﴿٣٧﴾ إِنَّ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا وَمَا نَحْنُ لَهُ بِمُؤْمِنِينَ ﴿٣٨﴾ قَالَ رَبِّ انصُرْنِي بِمَا كَذَّبُونِ ﴿٣٩﴾ قَالَ عَمَّا قَلِيلٍ لِيُصِيبَكُمْ نَارُ دِيمِينَ ﴿٤٠﴾ فَأَخَذَهُمُ الصَّبْحَةُ بِالْحَقِّ فَجَعَلْنَاهُمْ غَنَاءً فَبِعَدْلٍ لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٤١﴾

ریزدرب: ذکر قوم پس از نوح که آنهم یکی از مصادیق مطلب فوق است.

۳

﴿ ۴۲ ﴾ مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسْتَأْخِرُونَ ﴿ ۴۳ ﴾ ثُمَّ أَرْسَلْنَا
رُسُلَنَا تَتْرًا كُلًّا مَا جَاءَ أُمَّةً رُسُلُهُمْ كَذَّبُوهُ فَاتَّبَعْنَا بَعْضَهُمْ بَعْضًا وَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ فَبُعْدًا لِقَوْمٍ لَّا
يُؤْمِنُونَ ﴿ ۴۴ ﴾

ریزدرب: ذکر اقوام پس از قوم نوح که مثال هایی برای مطلب فوق میباشند.

۴

﴿ ۴۵ ﴾ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَأَهُ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا
عَالِينَ ﴿ ۴۶ ﴾ فَقَالُوا أَنُؤْمِنُ لِبَشَرَيْنِ مِثْلِنَا وَقَوْمُهُمَا لَنَا عَابِدُونَ ﴿ ۴۷ ﴾ فَكَذَّبُوهُمَا فَكَانُوا مِنَ
الْمُهْلَكِينَ ﴿ ۴۸ ﴾

ریزدرب: ذکر قوم فرعون که که مثالی برای مطلب فوق است.

۵

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ ﴿ ۴۹ ﴾ وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ آيَةً وَآوَيْنَاهُمَا إِلَىٰ رَبْوَةٍ ذَاتِ
قَرَارٍ وَمَعِينٍ ﴿ ۵۰ ﴾ يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُّوَا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ﴿ ۵۱ ﴾
وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ ﴿ ۵۲ ﴾ فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبُرًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ
فَرِحُونَ ﴿ ۵۳ ﴾ فَذَرَهُمْ فِي غَمَرَتِهِمْ حَتَّىٰ حِينٍ ﴿ ۵۴ ﴾

ریزدرب: ای پیامبر! تکذیب و مخالفت با پیامبران امر عجیبی نیست (همیشه بوده) لذا،
با اینها تا مدتی صبر کن، درست میشود.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقا با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لبّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که
فوقا می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه
استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ مؤمنان را مژده میدهد که وارث فردوس می‌باشند و در آن جاودان خواهند بود. به عبارت دیگر خداوند دارد به آن دسته از مسلمانان که استعداد بیشتری برای صعود در نردبان فضیلت و معنویت دارند، «برنامه» ای برای خودسازی و «ورزش معنوی» میدهد و مراحل قبلی و بعدی آفرینش انسان‌ها را به اشاره به یاد می‌آورد که ببینید در آفرینش شما چه ظرائف و دقایقی بکاررفته! اینها را از پروردگارتان دارید، آیا سزاست به توصیه‌های همان پروردگار (که به نفعتان هم هست) بی‌اعتنائی کنید؟ و فرستاده‌اش را تکذیب نموده، و نامهای ناصحیح بر او بگذارید؟ و نیز برخی از نعمتهایی که همه انسان‌ها مستمرا از آن استفاده می‌کنند (بطوری که عادتشان شده) را یادآوری فرموده، با این زمینه که ای انسان‌ها! خداوند همان کسی است که اینهمه آیات و نعمتها را از او دارید، آیا آن رفتارها نسبت به فرستاده‌اش سزا است؟

در این پاراگراف می‌فرماید: ای کافران! در صورتی که میخواهید آن چیزهایی را که باید به آنها توجه کنید مورد بی‌اعتنائی قرار دهید ممکن است به عاقبتی دچار شوید که قوم نوح و اقوام برخی پیامبران دیگر دچارش شدند. و ضمنا به پیامبر میفرماید دنبال پیشرفت امور رسالت بطور معجزه آسا نباش، امت‌های سابق هم راه تفرقه پیمودند، لذا فعلا مخالفان را به حال خویش واگذار.

۴- سوالات

- ۱- در آیه ۳۰، «ان» چه ماهیتی دارد؟ (نافیه؟ یا ...؟)
- ۲- با توجه به آیه ۲۷، وحی چه نقشی در تکامل حیات انسانی دارد؟ و با توجه به اینکه اینک در وحی بسته شده، نقش مذکور هم تعطیل شده؟
- ۳- در همان آیه، «کلّ» یعنی چه؟
- ۴- در آیه ۴۰ فاعل «قال» کیست؟
- ۵- منظور از «قرن» (آیه ۴۲) چیست؟
- ۶- در این پاراگراف یکی از قوانین حاکم بر جوامع بشری ذکر شده است، آن را پیدا کنید.
- ۷- «فبعدا للقوم الظالمین» (آیه ۴۱) یعنی چه؟ (نوعی اظهار خشم به معنی رحمت ما از قوم ظالمان دور باد؟ یا...؟) «فبعدا للقوم لا یؤمنون» (آیه ۴۴) چطور؟
- ۸- آیه ۴۴ چه موقعیتی دارد؟ (جمع بندی؟ یا...؟)
- ۹- چرا در باره حضرت موسی به سلطان مبین و فرعون و مشکلات رسالتش با آنهمه جزئیات اشاره فرموده اما راجع به حضرت عیسی به وجود خود آن دو بزرگوار و اینکه خود وجود آنها «آیه» بوده متمرکز شده؟
- ۱۰- در آیه ۵۰ چرا بجای «الی» نفرموده «فی»؟

- ۱۱- ذکر رفاه اعطا شده به حضرت عیسی و مادرش در اینجا برای چیست؟ (دلداری؟ وعده تلویحی تغییر وضعیت پیامبر و پیروانش در آینده نزدیک؟ یا...؟)
- ۱۲- چرا حضرت عیسی را به عنوان «پسر مریم» ذکر فرموده؟
- ۱۳- ظرف زمانی موضوع ماوی دادن آن دو بزرگوار (آیه ۵۰) چه زمانی است؟
- ۱۴- در آیه ۵۰، چرا از آن محیط مطلوب، فقط آن دو مشخصه (آرامش و گوارائی آب) را ذکر فرموده؟
- ۱۵- «عابدون» (آیه ۴۷) یعنی چه؟ (مطیعون؟ یا...؟)
- ۱۶- «عالین» (آیه ۴۶) از نظر چه کسانی؟
- ۱۷- در آیات ۴۵ تا ۵۰، موضوع شهروند درجه ۱ و درجه ۲ را در کجا می بینید؟
- ۱۸- مخاطبان آیه های ۵۱ و ۵۲ معلوم است، ظرف زمانی خطاب مذکور چه زمانی است؟
- ۱۹- ظرف زمانی اتفاق موضوع آیه ۵۳ چه وقت است؟
- ۲۰- منظور از «طیبات» چیست؟ آیا طیبات چیزهای معلومی است یا بسته به اقوام و زمان ها و فرهنگ های مختلف، ممکن است فرق داشته داشته باشد؟ (جواب با ذکر دلیل)

۵- زاویه با تفاسیر رایج

موضوع این قسمت چون پرحجم از کار درآمده، ذیلاً در قسمت «شرح مختصر» ذکر شده است.

۶- پیشگویی های تحقق یافته

ذکر داستان نوح در آیات ۲۳ تا ۳۰ نوعی نوید تلویحی خلاصی از مشکلات را متضمن است.

نیز ذکر فلسفه تاریخ در آیات ۳۱ تا ۴۴ همین پیشگویی تلویحی را در بر دارد.

همچنین ذکر داستان موسی و عیسی (ع) در آیات ۴۵ تا ۵۲.

نیز آیه ۵۴ که میگوید پس آنها را تا مدتی در گرفتاری شان واگذار.

از این نوع بیان فهمیده می شود که قرآن برای پیامبر اکرم(ص) پیروزی قریب الوقوع پیشگویی نموده است که چون وقایع تاریخی، صحت پیش بینی مذکور را تایید نموده، این آیه نیز در عداد پیشگویی های تحقق یافته می باشد.

۷ - آیات برجسته این پاراگراف

آیات ۵۰ تا ۵۳ در طبقه مربوط به تیتیر فوق قرار میگیرند، و برجستگیشان هم به محتوایشان مربوط است که در قرآن نظیر دیگری ندارد و آیه های ۵۰ و ۵۱ شباهت عمقی و مفهومی با بخشی از قَسَم های سوره تین دارد.

۸ - آیات مشکل

آیه های ۵۲ و ۵۳ از این لحاظ که مورد اختلاف شدید در بین مفسران شده تحت تیتیر فوق قرار میگیرند. ما مداخله ای در آراء آنان نمیکنیم، اما چون به ترتیب نزول کار میکنیم و به درس و درب متکی هستیم، به سهولت آنها را فهم میکنیم و از نظر ما در آنها «مشکل»ی دیده نمیشود، همان فهمی که در قسمت آخر این قطعه تفسیری تحت عنوان «ترجمه آزاد تفسیری» ارائه کرده ایم.

۹ - در این پاراگراف، کدام فقرات، فوق ذهنیات معاصران نزول است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد) آیات ۲۳ تا ۳۰ به اقوام درگذشته مربوط است، و علم باستانشناسی آنقدر پیشرفت نکرده که جزئیات احوالات آنها را بدانیم، لذا، آیات مذکور فوق ذهنیات ما است چه رسد به عرب ۱۴۰۰ سال قبل. همچنین است آیات ۳۱ تا ۴۱. نیز آیات ۴۲ تا ۴۴. و آیات ۴۵ تا ۴۸.

۱۱ - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟

فلسفه تاریخ!

۱۲ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

در این پاراگراف آیاتی وجود دارد که برخی از فقرات آنها در سوره های قبلی (قبل و بعد نسبت به این سوره و بر اساس جدول ترتیب نزول ما) آمده، اما با تفاوت در لغت و الفاظ، لذا اگر بگوئیم قبلا نیامده، ناصحیح است، و اگر بگوئیم آمده، باز هم ناصحیح است، از جمله این نوع آیات، آیه های ۲۳ و ۲۶ و ۳۲ تا ۴۱، و ۴۵ تا ۴۹، و ۵۴ است و بقیه آیات پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

یک نمونه خطای همه مفسران در اثر بی توجهی به ترتیب نزول

کلمه «مبتلین» می‌تواند هم صیغه جمع برای اسم فاعل و هم برای اسم مفعول باشد، تقریباً تمام مفسران و مترجمان مهم، کلمه مبتلین را به وجه فاعلی گرفته‌اند که ذیلاً ترجمه‌هایشان را نقل می‌کنیم:

«..... و ما بندگان را به اینگونه حوادث آزمایش خواهیم کرد» و «..... و به یقین ما آزمایش‌کننده (بندگان) ایم» و «..... و ما آزمایش‌کننده بوده ایم» و «..... و قطعاً ما آزمایش‌کننده بودیم» و «..... and we are the one who put men to trial»

اما وجود «ان» اگر آن را نافی بدانیم - که وجه غالب آن هم همین است زیرا هیچ محلی برای شرطیه بودن آن ندارد - مانع است از اینکه مبتلین را صیغه جمع اسم فاعل بدانیم زیرا در آن صورت این معنی را خواهد داشت که خداوند از مبتلاکنندگان نیست، در حالیکه هست، زیرا فرموده اذ ابتلی ابراهیم... و فرموده ان الله مبتلیکم بنهر... (و موارد زیاد دیگر)

لذا موضوع را اینطور حل کردند که برای «ان» یک معنی شاذ و نادر پیدا کردند (به مفهومی که در آیه ۱۰ سوره قصص آمده) و پرونده مطلب را بستند و ترجمه‌های فوق را بجا گذاشتند.

اما اشکالی که دارد این است که «ل» تاکید روی کلمه «لمبتلین» چه میشود؟ زیرا مقام، مقام تاکید نیست. خداوند برای اینکه بگوید من ابتلا دهنده هستم نیاز به «ل» تاکید ندارد (چنانکه هم در دو مورد فوق - ابتلای ابراهیم و ابتلای به نهر - و هم در موارد بسیار زیاد دیگر - این مفهوم را بدون کوچکترین تأکیدی فرموده)

اما، اگر به ترتیب نزول به قرآن نگاه کنیم می‌بینیم خداوند در باره اقوامی که از حد گذرانده و راجع به پیامبرانشان و پیروان آنها وارد فاز عملی و تعرض جدی شده‌اند (تا قبل از سوره مومنون) این سخنان را فرموده است:

در سوره شمس (که در اوایل نزول است): فدمدم علیهم ربهم بذنبهم فسویها و لا یخاف عقبیها

در سوره دخان در قضیه فرعونیان: فما بکت علیهم السماء والارض و ما کانوا منظرین در سوره زخرف: فلما آسفونا انتقمنا منهم فاغرقتناهم اجمعین فجعلناهم سلفا و مثلاً للاخیرین

در سوره سباء و پس از ذکر عاقبت آنها: ذلک جزیناهم بما کفروا و هل نجازی الا الکفور

چنانکه دیده میشود راجع به آنها این تعابیر بکار رفته :
راجع به نتیجه هلاکت جمعی آنها نگرانی نداریم ،
هلاکت جمعی آنها برای آسمان و زمین اهمیتی ندارد ،
آنها بعد از هلاکت به پیشینیان تبدیل و مایه مَثَل (یا عبرت) آیندگان شدند ،
آنها به چیزی که سزایشان بود رسیدند .

با توجه به آنچه تا کنون گفته شد ترجمه آیه ، در صورت مفعولی گرفتن آن کلمه ،
اینطور میشود : البته در آن نشانه های مهمی هست و البته ما جزء مبتلا شدگان
نبودیم .

و به زبان ساده تر یعنی: البته آن کسی که به گرفتاری افتاد ما نبودیم. (که هم مفهوم
با این مصراع است: بر دامن کبریا نشینند گرد)

اگر کسی قرآن را به ترتیب نزول بررسی کند این «خط» را به سهولت «میگیرد» و می
شناسد و وقتی در سوره های متاخر جملاتی هم مفهوم با مفاهیم قبلی دید آنها را به
درستی درک میکند و در معنی آنها دچار اشتباه نمیشود.

اما اگر ترتیب نزول را سر لوحه کار خود قرار ندهد اساسا این «خط» را «نمیگیرد» و
ممکن است اشتباه کند که چنانکه دیدیم تقریبا تمام اشخاص قدر هم در این مورد
مشخص به اشتباه افتادند (که منحصر به این مورد هم نیست و نظایر زیادی نیز دارد)
دلیل خطا بودن ترجمه و تفسیر فوق همان است که در بالا عرض شد یعنی ترجیح
معنی فاعلی کلمه مبتلین به معنی مفعولی آن ، که سبب دو خطای دیگر هم شد ، و
البته خود دلیل این ترجیح هم بی توجهی به رعایت ترتیب نزول است .

یک جمله سه کلمه ای (ان کنا لمبتلین) و سه خطا در ترجمه اش؟! («ل» تاکید
غیر ضرور، و «ان» دارای کاربرد شاذ، و انتخاب صیغه فاعلی بجای مفعولی)
اما اگر مبتلین را مفعولی و ان را هم نافی می گرفتند به مفهومی می رسیدند که با آنهمه
آیات قبل و بعد خویش که همه در مفهوم «بر دامن کبریا نشینند گرد» مشترکند
هم مفهوم و ضمنا دلنشین و مقبول بود.

چرا تقریبا همه مفسرین و مترجمین مهم ، دچار این خطا شدند؟

سوال فوق فقط یک جواب دارد: در نظر نگرفتن ترتیب نزول

البته این را هم بگویم:

چندی پیش این تکه را در یک گروه قرآنی گذاشتم، واکنش منفی زیاد و پر حجم بود،
جواب نهائی من نیز چیزی بود که در ذیل می آید، که پس از آن سکوت کامل حکمفرما

شد:

۱ - کار من شبیه کار مندلیف است

او نگاه به کلان و به «کلیت» داشت، و متوجه قانون هایی شد که در کلیت پیدا کرد،
آنگاه یافته هایش را مرتب کرد، و آن یافته ها را در اجزاء دنبال کرد و برخی چیزهایی
را در جستجو نیافت و لذا جدولی ترتیب داد که نشان میداد انتظار دارد آن چیزها
بعدا کشف شود، که شد

درس و درب ها و زیردرب ها در کار من چنین است و از آن ها چیزهایی در می آید که
تاکنون موجود نبوده

مثلا در همین مورد مانحن فیه درس و درب چنین است:

درس: پیامبران با مردمی مواجه بودند که از خداوند آیات و الطافش غفلت داشتند
و آخرت و پیامبران را تکذیب میکردند و در نتیجه در دو جهان زیانکار گشتند.

درب: قوم نوح و اقوام پس از نوح پیامبران و آخرت را تکذیب نمودند و نابود شدند.
ای پیامبر! دو پیامبر قبل از تو نیز همین مشکل را داشتند و بطور کلی، گروندگان

پیامبران، پس از مدتی دچار همین مشکل می-شدند

برای مبتلین در آیه ۳۰ مذکور دو معنی ارائه شده :

الف : قاطبه مفسران و مترجمان : ابتلاء دهنده

ب : من : ابتلاء ناپذیر

انصافا به درس و درب کدام بهتر می نشیند و بهتر فیت میشود؟

۲ - این معنی ای که اختیار کرده ام حاصل روشم است که از کلان به خرد می آیم و
در این راه از ابزارهایی سود می برم که خودم آنها را از طریق دقت در قرآن ساخته ام
(مانند درس و درب و ترتیب نزول محتوایی و تاریخ سالهای نزول وحی که مستخرج
از قرآن است و . .)

اگر در کل قرآن دقت کنیم یک مفهومی وجود دارد که کافران از ماسیقت نمیگیرند،
یعنی کافران موفق نمیشوند خواسته های ما را متوقف نموده و خواسته های مضاد
با آن را پیش ببرند (ماسبقونا - و جملات دیگری که در قرآن به این معنی باشد که
بسیار زیاد هم هست) این مفهوم در قرآن بسیار مکرر شده بطوری که یکی از مواضع
ثابت قرآنی است و معنی که در باره کلمه مبتلین اختیار کرده ام با این موضع گیری
ثابت قرآنی نیز جور است

۳ - فرض کنید ما عربی کمی بلدیم و معنی کلمه مبتلین را نمیدانیم ، و از روی تعمق
در متن میخواهیم معنی آن را کشف کنیم،
میفرماید ان فی ذلک لآیات و ان کنا لمبتلین

خب آنرا میتوانیم اینطور هم بخوانیم : ان فی آیات ۲۳ الی ۲۹ لآیات و ان کنا لمبتلین
در اینصورت برای معنی یابی ان کنا لمبتلین باید به صفاتی از خداوند که در آیات ۲۳
تا ۲۹ ذکر شده توجه کنیم:

صفات مذکور اینها است: هادی، و مرسل، و وحی کننده، و ناصر رسل، و معلم کشتی سازی، و برنامه ریز مسافرت نوح، و تلقین کننده اذکار عبادی به او، آیا معنی که من در انتهای آیه ۳۰ اختیار کرده ام (که در مصراع بر دامن کبریا نشیند گرد متجلی است) بهتر به این صفات میخورد یا معنی ای که قاطبه مفسران و مترجمان اختیار کرده اند؟

۴ - همین مطالعه ای که در قسمت قبل نمودیم و افعال و صفاتی از خداوند را که در آیات ۲۳ تا ۲۹ آمده، مورد دقت قرار دادیم و برای کلمه آخر آیه ۳۰ از آیه مایه و الهام گرفتیم، در آیات ۳۱ تا ۵۴ همان سوره نیز میتواند همان نقش را برای ما ایفاء کند و از آیات اخیر نیز خدائی تصویر میشود که با صفت اختیار شده توسط من برای کلمه مبتلین تناسب بیشتری دارد تا معنی ای که همه مفسران و مترجمان اختیار کرده اند

۵ - همچنین است سایر قطعات سوره مومنون مذکور

۶ - و نیز محتوای همه سوره های مرحله ششم و هفتم (ر.ک. ترتیب نزول در سایت)

۷ - و نیز اسماء و صفات پرتکرار الهی که در قرآن آمده، از قبیل عزیز و قدیر و مالک و علیم و حکیم و رحیم و رحمان و خالق که بسیار پر تکرار میباشند ولذا میتوان گفت که خداوند میخواهد مردم او را آنطور بشناسند، و معنی که من اختیار کرده ام به این نوع صفات الهی که اکثریت مطلق دارند نزدیک تر است تا صفاتی که صیغه فاعلی ابتلاء تداعیش میکند

۸ - و اساسا معنی ای که قاطبه مفسران و مترجمان اختیار کرده اند تابع (و در طول) معنی ای است که من اختیار کرده ام یعنی اینکه معنی که من به آن راه یافته ام، فائق است بر معنی که قاطبه مفسران و مترجمان اختیار کرده اند

۹ - بحثی در اعراب مبتلین

این موضوع از چند راه قابل ورود است:

۱) دو کلمه صالحین و خالدين که به صیغه تثنیه هست که اولی در اواخر سوره تحریم و دومی در اواسط سوره حشر هست که نوعا آن را به حالت صیغه جمع میخوانند

من از روی کنجکاوی به طریقه نامحسوس تعداد زیادی آدم های مومن مسجدر و قرآن خوان و متعبد را در این مورد خواندن صحیح این دو کلمه در حالیکه متوجه منظورم نبودند امتحان کردم و اکثریت غالب شان آن را غلط میخواندند

در اواخر دهه ۶۰ در یک جلسه رسمی بودم و آقای عزیزی نامی که پیرمرد روحانی بود و در آن موقع قائم مقام مدیر کل دادگستری استان مرکزی بود و بطور خبری که دارم، حتی در همین اواخر هم علیرغم بازنشستگی از شغل دادگستری اش هنوز هم یکی از مقامات تاثیر گذار در وقایع انتخابات (آن بخشی که به شورای نگهبان مربوط میشود) هست، این آقایم کسی نیست در عالم روحانیت، و در آن جلسه سخنران بود و ضمن سخنرانی اش کلمه «ثم» در آیه «مطاع ثم امین» (سوره تکوین) را به ضم ث خواند

همین حالا هم همه ما کلمه منحصر را به کسر ص تلفظ میکنیم در حالیکه به فتح است

مثالها در این باب زیاد است اما مخاطبان این نوشتار نیاز به پراگماتیسم ندارند و اشاره ای آنها را کافیت

(۲) حتما بسیاری، نمازهای آقای رفسنجانی مرحوم را در نمازهای جمعه (آن موقعی که میخواند) را قاعدتا می باید بیاد داشته باشند
حتما یادشان می آید که اعراب های قرائت آن مرحوم چقدر محل اشکال بود از این نوع مثال ها هم کم نیست

(۳) بچه که بودم بسیاری کلمات را می شنیدم و طبعاً سوالی هم نمیکردم، مانند میسکیتی و مینندی و کشکلاتی و . . . ، بعداً فهمیدم منظور از آنها مسقطی و من عدنی و تشکیلاتی و . . . است

یعنی اینکه یک مکانیزم هائی وجود دارد که در محاورات مردم مسقطی را میسکیتی و من عدنی را مینندی و تشکیلاتی را کشکلاتی میکند و البته این یک بحث های علمی میبرد که اصلاً در تخصص من نیست ولی میدانم که در همه زبانها چنین چیزهایی هست و حتی در فارسی فصیح هم اختلاف در تلفظ پیل و فیل داریم و هر دو صورتش در کتابهای مشهور هست و یا همین فارسی و پارسی و . . . چطور شد که آخر آیه ۳۰ مومنون از جنس فولاد آبدیده بوده و قبل از اعراب گذاری تحت تاثیر شماره های فوق قرار نگرفته!!!

(۴) میدانم و میدانید که بخش پرفصله ای از کتاب های موسوم به علوم قرآنی به تاریخچه طرز جمع آوری و کتابت و اعراب گذاری و مقوله های مرتبط با این عناوین اختصاص دارد

نیز میدانیم که اخیراً سخنرانی ها و مقالات و پایان نامه های زیادی در این مقوله ها ارائه میشود (نمونه اش هم سخنرانی آقای کریمی نیا در همین پریروز (۹۶/۱/۳۰)) چرا اینطور است؟ زیرا که این نوع مطالب مجهولات دارد و محل سوال هایی است در هر حال هرچه بود و هرچه هست، این قطعی است که این خوانش ها محل اجتهاد است، حالا چه شده که قدیمی ها میتوانستند در این نوع مقوله ها نظر اجتهادی داشته باشند و ما نمیتوانیم؟ در هر حالی که از آنان به قرآن دانایتر میباشیم؟

(۵) چنانکه در بالاتر گفته ام، اصلاً بجای مبتلین در آیه مذکور بگذارید ایکس! آن ایکس (با توجه به استدلال هائی که فوقاً عرض کرده ام) همان معنی را باید

بدهد که حالت مفعولی ریشه ابتلاء میدهد

۶) فرمایش استادانی میفرمودند مردم صدر اسلام خیلی به کوچکترین چیزهای مربوط به قرآن اهمیت میدادند و لذا این خوانش فعلی به این دلیل صلب بلکه از چدن هم صلب تر است، را، متأسفانه نمی پذیریم و بلکه میگویم (غیر از تعداد انگشت شماری)، اصلاً چنان نبوده، و آن مردم چندان دغدغه خاطری نسبت به قرآن که نداشتند سهل است، بلکه راجع به خود پیامبر اکرم (ص) هم نداشتند، به دلایل ذیل :

قضیه افک

قضیه سعی به قتل آنحضرت (۶۷ مائده)

قضیه بی احترامی دائمی نسبت به آنحضرت (اوائل سوره حجرات و اواسط سوره احزاب سوره صف و بسیاری آیات و سوره های دیگر)

قضیه مسجد ضرار

قضیه بی حیائی و نافرمانی علنی نسبت به آنحضرت (۲۴ مائده)

انداختن آنحضرت در گوشه رینگ (۲۸ مائده)

و . . . که اگر بخواهیم احصاء کنیم طولانی است اما نیاز نیست زیرا مخاطب فرهیخته است.

با توجه به همه مطالبی که عرض کرده ام ، خدشه ای به تفسیرم از لحاظ مطالبی که سروران ارجمند در باب کلمه آخر آیه ۳۰ مومنون فرموده اند ، وارد نیست

باز هم «کشتی» نوح

قبلاً در سوره قمر، به تناسب بحث، درباره «کشتی» نوح عرضی کرده‌ایم.

هر چه بوده، نوع بشر هنوز به این خودباوری نرسیده بوده که «می‌توان روی آب هم راه رفت» و «نوح» اولین شخص است و طبق آیه ۲۷، معلم او نیز «وحی» بوده است.

بطور کلی، همه علوم بشر، مستقیم یا غیرمستقیم ریشه در وحی دارد، و این بحث مفصلی است که البته اینجا جای پرداختن به آن نیست.

«وحی»، در اینجا، با توجه به معنی متنی، «آموزش» و «انتقال تکنولوژی» است.

«فوران تنور»

«فاران‌تنور» ذکر شده در آیه ۲۷ ظاهراً باید علامتی بوده باشد که پس از رویت آن، نوح می‌باید شمارش معکوس پر کردن کشتی و آماده شدن برای حرکت روی آب را آغاز می‌کرد.

مگر آنان که «آن قول» که بر آنان رفته

راجع به آن «قول» که بر آنان رفته بود، در سوره احقاف و سپس در سوره یس عرضی

کرده‌ایم که رجوع به آنها را انتظار داریم.

«فلسفه تاریخ»

«امت واحده» یعنی چه؟

اساساً بهتر است سؤال را اینطور مطرح کنیم که «امت» یعنی چه؟ از آیه ۴۴ همین سوره فهمیده می‌شود امت به «پیروان یک رسول خاص در زمان حیات و دعوت او» گفته می‌شود.

بنابراین «امت واحده» یعنی پیروان یک پیغمبر که در زمان حیات و دعوت او به تعالیم او تسلیم شده و در مقابل قانون تعالیم او خود را یکسان می‌دانستند. اما آنچه در آیه ۵۳ مورد بحث است، اتفاقی است که پس از پایان دوره آن پیامبران اتفاق می‌افتاد. اتفاقی که می‌افتاد این بود که عده‌ای خود را از «امت واحده» (مساوی بودن در مقابل قوانینی از دین متبوع که حاکم بر شئون زندگی بود) بیرون می‌کشیدند و خود را بالاتر از دیگران قرار می‌دادند تا برای خویش «حقوق» بیشتر و «وظایف» کمتر قائل شوند.

این موضوع از کجا فهمیده می‌شود؟

- ۱- از کلمه «امرهم» (که مربوط به امور زندگی است)
 - ۲- از کلمه «زبراً» که می‌توان آن را به تفاسیر مختلف از آن قانون یکسان مربوط به امه واحده مربوط نمود)
 - ۳- از کلمه «حزب» (که به اساسنامه و مرامنامه داخلی یک گروه-اعم از نوشته یا نانوشته- اشاره دارد)
 - ۴- از «ف» در کلمه «فتقطعوا» (که نشان می‌دهد این اتفاق پس از دوره «امت واحده بودن» افتاده است)
- به عبارت دیگر در اینجا می‌فرماید که علت پیدایش کفر، این بوده که پس از اینکه پیامبران (ع) «امت واحده» را تاسیس می‌کردند و آن راجا میانداختند، عده‌ای برای کسب امتیازات بیشتر، به «تفسیر به نفع خویش» از قوانین آن «امت واحده» می‌پرداختند.
- این فرایند سبب میشد «امت واحده» به چندین گروه و دسته نوظهور تبدیل شود که هر یک طرفدار «تفسیر»ی- مطابق سلیقه خویش- از آن قانون فراگیر قبلی باشند و به این ترتیب تعدادی ادیان انحرافی، پس از تاسیس و قوام یک دین اصیل بوجود می‌آمد.

ترجمه تفسیری آزاد

و نوح را بسوی قومش فرستادیم و گفت ای قوم خدا را عبادت کنید که هیچ معبودی غیر از او ندارید. آیا پروا نمی کنید؟ (۲۳)

بزرگان کافران قومش گفتند این جز بشری مثل شما نیست که می خواهد بر شما برتری یابد و اگر خدا میخواست حتماً فرشتگانی میفرستاد. راجع به این از نیاکان خویش چیزی شنیده ایم (۲۴) جز این نیست که به جنون مبتلا شده لذا تا مدتی با او مدارا کنید (۲۵)

نوح گفت پروردگارا راجع به اینکه تکذیب کردند یاریم فرما (۲۶)
پس به او وحی کردیم که زیر نظر ما و بر اساس وحی ما آن کشتی را بساز. و وقتی که امر ما آمد و آن تنور فوران کرد، اهل و پیروان خود، غیر از آنانکه آن قول فرود آمدن عذاب بر تکذیبگران بر آنان رفته، و از هر نوعی از حیوانات دو جفت، به داخل آن ببر، و درباره ظالمان بیرون از کشتی مرا به دعا مخوان، زیرا که آنها حتماً غرق خواهند شد (۲۷) پس هنگامی که خودت و همراهانت در کشتی مستقر شدید بگو سپاس خداوندی را سزاست که ما را از قوم ظالمان نجات داد (۲۸) و بگو پروردگارا ما را به منزل پربرکتی فرود آر که تو بهترین فرود آورنده ای (۲۹)

ای پیامبر! در این داستان نوح، البته، نشانه های بزرگی هست و البته این ما نبودیم که مورد ابتلاء واقع شدیم! (۳۰)

سپس، پس از قوم نوح، قومی دیگر بوجود آوردیم (۳۱) و رسولی از خودشان به میانشان فرستادیم که میگفت خداوند را عبادت کنید که خدائی غیر از او ندارید آیا پروا نمیکنید؟ (۳۲)

و بزرگانی از قوم آنان که کافر بودند و دیدار آخرت را تکذیب مینمودند و در زندگی این جهان نیز به آنان رفاه داده بودیم میگفتند این شخص جز بشری مانند خودتان نیست. همان چیزی را میخورد که شما میخورید و همان چیزی را مینوشد که شما مینوشید (۳۳) و اگر شما اطاعت بشری مثل خودتان را کنید در آن صورت حتماً زیانکار خواهید بود (۳۴) آیا وعده تان میدهد که وقتی مُردید و خاک و استخوان شدید دوباره برای زندگی مجدد بیرون خواهید آمد؟ (۳۵) چیزی که وعده تان میدهد

چه بسیار بعید است (۳۶) زندگی فقط همین زندگی دنیاست که زندگی میکنیم و میمیریم و برانگیخته نخواهیم شد (۳۷) این مرد کسی نیست جز اینکه بر خداوند دروغ می‌بندد و ما باورش نداریم (۳۸)

آن رسول میگفت پروردگارا در مورد تکذیبی که میکنند یاریم کن (۳۹) خداوند در جواب میگفت به همین زودبها به سختی پشیمان خواهند گردید (۴۰) پس آن صدای مهیب ناگهانی به حق بگرفتشان و آنگاه آنها را مانند خاشاک نمودیم. و رحمت الهی را از قوم ظالمان دور نمودیم (۴۱)

سپس بعد از آنها اقوامی دیگر بوجود آوردیم (۴۲)

هیچ قومی از سرآمد خویش نه جلو می‌افتد و نه از آن عقب میماند (۴۳)

آنگاه رسولانمان را یکی پس از دیگری فرستادیم. هر قومی که رسولشان بسویشان آمد تکذیبش کردند و ما نیز آنها را نابود کرده و پی اقوام قبلی فرستادیم و تبدیل به داستانهای گذشتگان گردیدند. و رحمت الهی را از آن قوم ظالمان دور نمودیم (۴۴)

سپس موسی و برادرش هارون را با آیاتمان و دلیلی آشکار بسوی فرعون و سرکردگانش فرستادیم (۴۵) و آنها گردنفرازی کردند و خود را قومی بلند مرتبه قلمداد نمودند (۴۶) و گفتند آیا ما به دو نفر بشر مانند خودمان ایمان بیاوریم؟ آنها در صورتیکه قوم آنها ما را بندگی میکنند؟ (۴۷) پس تکذیبشان کردند و از هلاک شدگان گردیدند (۴۸)

و ما البته آن کتاب را به موسی دادیم شاید قومش هدایت شوند (۴۹)

و پسر مریم و مادرش را نشانه ای قرار دادیم و آنها را در سرزمینی بلند که هموار و دارای چشمه سارهایی بود جای دادیم (۵۰)

ای رسولان! از چیزهای پاکیزه بخورید و عمل شایسته کنید که من به آنچه میکنید دانایم (۵۱) و این مردم نیز که همه یکجورند و اعتقاد واحد دارند شما هستند، و من نیز پروردگارتان هستم، پس (همگی) از من پروا کنید (۵۲)

ای پیامبر! بدان که آنها کار خویش را بین خود قطعه قطعه کردند، و هر گروهی به آنچه نزد خودشان بود دل خوش نمودند (۵۳)

لذا تو خیلی به کافرانِ مخالفت‌آمیزی مده، و آنها را تا مدتی در این وضعیت شان واگذار (۵۴)

مومنون ۳ آیات ۵۵ تا ۷۷

أَجْسَبُونَ أَمَّا مُدْهُم بِهِ مِنْ مَالٍ وَبَيْنَ ﴿٥٥﴾ نَسَارُ هُمْ فِي الْخَيْرَاتِ بَلْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٥٦﴾ إِنَّ الَّذِينَ هُمْ مِنْ خَشْيَةِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ ﴿٥٧﴾ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ ﴿٥٨﴾ وَالَّذِينَ هُمْ بِرَبِّهِمْ لَا يُشْرِكُونَ ﴿٥٩﴾ وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجَلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَىٰ رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ ﴿٦٠﴾ أُولَٰئِكَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ ﴿٦١﴾ وَلَا تَكَلِّفْ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَلَدِينَا كِتَابٌ يَنْطِقُ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿٦٢﴾ بَلْ قُلُوبُهُمْ فِي غَمْرَةٍ مِنْ هَذَا وَهُمْ أَغْمَالٌ مِنْ دُونِ ذَلِكَ هُمْ لَهَا عَامِلُونَ ﴿٦٣﴾ حَتَّىٰ إِذَا أَخَذْنَا مُتْرَفِيهِمْ بِالْعَذَابِ إِذَا هُمْ يَجْرُونَ ﴿٦٤﴾ لَا تَجَارُوا الْيَوْمَ إِنَّكُمْ مِنَّا لَا تُنصِرُونَ ﴿٦٥﴾ قَدْ كَانَتْ آيَاتِي تُنلَىٰ عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ عَلَىٰ آعْقَابِكُمْ تَنكِصُونَ ﴿٦٦﴾ مُسْتَكْبِرِينَ بِهِ سَامِرًا تَهْتَجُونَ ﴿٦٧﴾ أَفَلَمْ يَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ أَمْ جَاءَهُمْ مَا لَمْ يَأْتِ آبَاءَهُمُ الْأُولِينَ ﴿٦٨﴾ أَمْ لَمْ يَعْرِفُوا رَسُولَهُمْ فَهُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ ﴿٦٩﴾ أَمْ يَقُولُونَ بِهِ جِنَّةٌ بَلْ جَاءَهُمُ بِالْحَقِّ وَأَكْبَرُوهُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ ﴿٧٠﴾ وَلَوْ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ بَلْ أَتَيْنَاهُمْ بِذِكْرِهِمْ فَهُمْ عَنِ ذِكْرِهِمْ مُعْرِضُونَ ﴿٧١﴾ أَمْ تَسْأَلُهُمْ خَرْجًا فَخَرَّاجَ ذَبِكْ خَيْرٌ خَيْرَ الزَّرَاقِينِ ﴿٧٢﴾ وَإِنَّكَ لَتَدْعُوهُمْ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٧٣﴾ وَإِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنَاجِبُونَ ﴿٧٤﴾ وَلَوْ رَحِمْنَاهُمْ وَكَشَفْنَا مَا بِهِمْ مِنْ ضُرٍّ لَلْجُودُ فِي طَغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿٧٥﴾ وَلَقَدْ أَخَذْنَاهُمْ بِالْعَذَابِ فَمَا اسْتَكَانُوا لِرَبِّهِمْ وَمَا يَتَضَرَّعُونَ ﴿٧٦﴾ حَتَّىٰ إِذَا فَتَحْنَا عَلَيْهِم بَابًا ذَا عَذَابٍ شَدِيدٍ إِذَا هُمْ فِيهِ مُبْسِئُونَ ﴿٧٧﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
 طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول نشان داده ایم که نتیجه مطابق ذیل است:
درس: پیامبران با مردمی مواجه بودند که از خداوند آیات و الطافش غفلت داشتند و آخرت و پیامبران را تکذیب میکردند و در نتیجه در دو جهان زیانکار گشتند.
 برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:
درب: کافران با وجود اینکه به چیز سنگینی مکلف نشده اند، و با آنان جز به حق رفتار نمیشود، در مقابل نتیجه اعمالشان به سختی به جزع و فزع می افتند. ای پیامبرا!

این نوع مردم به نعمت و تنبیه و اکنش مطلوب نشان نمی‌دهند و علاوه بر اینها کم ظرفیت هم هستند، لذا تو با آنان کجدار و مریز کن.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

أَجْسَبُونَ أَمَّا نَعُدُّهُمْ بِهِ مِنْ مَّالٍ وَبَيْنَ ﴿٥٥﴾ نُسَارِعُ لَهُمْ فِي الْخَيْرَاتِ بَلْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٥٦﴾ إِنَّ الَّذِينَ هُمْ مِنْ خَشْيَةِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ ﴿٥٧﴾ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ ﴿٥٨﴾ وَالَّذِينَ هُمْ بِرَبِّهِمْ لَا يُشْرِكُونَ ﴿٥٩﴾ وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَهَمُّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ ﴿٦٠﴾ أُولَئِكَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ ﴿٦١﴾

ریزدرب: آنها نمیدانند که این نعمت‌های ظاهری نعمت‌های ارزشمندی نیست.

۲

وَلَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَلَدَيْنَا كِتَابٌ يَنْطِقُ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿٦٢﴾ بَلْ قُلُوبُهُمْ فِي عَمْرَةٍ مِنْ هَذَا وَهُمْ أَعْمَالٌ مِنْ دُونِ ذَلِكَ هُمْ لَهَا عَامِلُونَ ﴿٦٣﴾

ریزدرب: آنها توجه ندارند که چیز سختی از آنها نخواستیم و تازه کوچکترین ظلمی هم از ما نخواهند دید.

۳

حَتَّىٰ إِذَا أَخَذْنَا مُتْرَفِيهِمْ بِالْعَذَابِ إِذَا هُمْ يَجْأَرُونَ ﴿٦٤﴾ لَا يُجْأَرُوا الْيَوْمَ إِنَّكُمْ مِنَّا لَا تُنصَرُونَ ﴿٦٥﴾ فَذَكَرْنَا آيَاتِنَا ثَمَلَىٰ عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ تَنكِبُونَ ﴿٦٦﴾ مُسْتَكْبِرِينَ بِهِ سَامِرًا تَهْتَجِرُونَ ﴿٦٧﴾

ریزدرب: بزرگانشان با آنهمه شعارهایشان به کوچکترین عذابی به ناله‌های شدید خواهند پرداخت.

۴

أَفَلَمْ يَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ أَمْ جَاءَهُمْ مَا لَمْ يَأْتِ آبَاءَهُمُ الْأَوَّلِينَ ﴿٦٨﴾ أَمْ لَمْ يَعْرِفُوا رَسُولَهُمْ فَهُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ ﴿٦٩﴾ أَمْ يَقُولُونَ بِهِ جِنَّةٌ بَلْ جَاءَهُمُ بِالْحَقِّ وَأَكْثَرُهُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ ﴿٧٠﴾ وَلَوْ اتَّبَعَ

الْحَقُّ أَهْوَاءُهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ بَلْ أَتَيْنَاهُمْ بِذِكْرِهِمْ فَهُمْ عَنْ ذِكْرِهِمْ مُعْرِضُونَ ﴿٧١﴾ أَمْ تَسْأَلُهُمْ خَرْجًا فَخِرَاجٌ رَبِّكَ خَيْرٌ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ ﴿٧٢﴾ وَإِنَّكَ لَتَدْعُوهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٧٣﴾ وَإِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنَّاكِبُونَ ﴿٧٤﴾

ریزدرب: ای پیامبر! آنها بدون آنکه اندکی در پیامت بیاندهیشتند بهانه های گوناگون میگیرند.



وَلَوْ رَحِمْنَاهُمْ وَكَشَفْنَا مَا بِهِمْ مِنْ ضُرٍّ لَلَّجُوا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿٧٥﴾ وَلَقَدْ أَخَذْنَاهُمْ بِالْعَذَابِ فَمَا اسْتَكَانُوا لِرَبِّهِمْ وَمَا يَتَضَرَّعُونَ ﴿٧٦﴾ حَتَّىٰ إِذَا فَتَحْنَا عَلَيْهِم بَابًا ذَا عَذَابٍ شَدِيدٍ إِذَا هُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ ﴿٧٧﴾

ریزدرب: ای پیامبر! اگر اینان را اندکی عذابشان کنیم ناله ها سر میدهند و اگر عذاب را تخفیف دهیم باز به همان رفتارشان بر میگردند و اگر کمی عذاب را افزایش دهیم به کلی پژمرده میشوند.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقا با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لبّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقا می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ مؤمنان را مژده میدهد که وارث فردوس می باشند و در آن جاودان خواهند بود. به عبارت دیگر خداوند دارد به آن دسته از مسلمانان که استعداد بیشتری برای صعود در دربان فضیلت و معنویت دارند، «برنامه» ای برای خودسازی و «ورزش معنوی» میدهد و مراحل قبلی و بعدی آفرینش انسان ها را به اشاره به یاد می آورد که ببینید در آفرینش شما چه ظرائف و دقایقی بکاررفته! اینها را از پروردگارتان دارید، آیا سزاست به توصیه های همان پروردگار (که به نفعتان هم هست) بی اعتنائی کنید؟ و فرستاده اش را تکذیب نموده، و نامهای ناصح بر او بگذارید؟ و نیز برخی از نعمت هایی که همه انسان ها مستمرا از آن استفاده می کنند (بطوری که عادتشان شده) را یادآوری فرموده، با این زمینه که ای انسان ها! خداوند همان کسی است که اینهمه آیات و نعمتها را از او دارید، آیا آن رفتارها نسبت به فرستاده اش سزا است؟

در پاراگراف ۲ می فرماید: ای کافران! در صورتی که میخواهید آن چیزهایی را که باید به آنها توجه کنید مورد بی‌اعتنایی قرار دهید ممکن است به عاقبتی دچار شوید که قوم نوح و اقوام برخی پیامبران دیگر دچارش شدند. و ضمناً به پیامبر میفرماید دنبال پیشرفت امور رسالت بطور معجزه آسا نباش، امت‌های سابق هم راه تفرقه پیمودند، لذا فعلاً مخالفتان را به حال خویش واگذار.

در این پاراگراف می فرماید: برخورداری از مواهب مادی لزوماً به معنی لطف الهی نیست، اما واجد بودن این صفات (ی که در ابتدای این پاراگراف ذکر شده) قطعاً به معنی لطف الهی هست، ولی این کافران غافلند که تکالیف دین مطابق وسع آدمی است و در آخرت کاملاً مطابق ضوابط با آنها رفتار خواهد شد اما مخالفت بیجا میکنند و اینهمه کَر و فَر و ادعا نشان میدهند ولی به اندک عذابی صدای سوزناک ناله‌هایشان در می‌آید، و اینها از همه لحاظ پیامبر(ص) را قبول دارند اما نمیتوانند تعالیم او را بپذیرند زیرا با منافع سرانشان در تضاد است لذا:

ای پیامبر! فعلاً باید با اینها کجدار و مریز کنی تا وقتیکه معادلات بین تو و آنان تغییری نکند.

۴ - سوالات

- ۱ - منظور از « لَدَيْنَا كِتَابٌ يَنْطِقُ بِالْحَقِّ » (آیه ۶۲) چیست؟
- ۲ - منظور از «غمره» (آیه ۶۳) چیست؟
- ۳ - منظور از « وَكُمُ أَعْمَالٌ مِنْ دُونِ ذَلِكَ » (آیه ۶۳) چیست؟
- ۴ - منظور از «عذاب» (آیه ۶۴) چیست؟ (هلاکت مانند اقوام قبلی؟ عذاب اخروی؟ یا...؟)
- ۵ - منظور از «هذا» (آیه ۶۳) چیست؟
- ۶ - منظور از «کتاب» (آیه ۶۲) چیست؟ (قانون؟ یا...؟)
- ۷ - «هم» در آیه‌های ۷۵ و ۷۶ اشاره به چه کسانی است؟ (دقت کنید)
- ۸ - «هم» در «اکثرهم» (آیه ۷۰) اشاره به چه کسانی است؟
- ۹ - در این پاراگراف کلمه «حق»، سه بار، آنهم در سه معنی، بکاررفته، معانی سه‌گانه مذکور را بیان کنید.
- ۱۰ - در آیه ۶۹ یک معنی را به دو صورت مختلف گفته (چرا؟)
- ۱۱ - چه سابقه‌ای در سوره‌های قبلی از «يقولون به جَنَه» (آیه ۷۰) دارید؟
- ۱۲ - چرا در آیه ۷۱ از ضمیر «ما» (آتینا) استفاده فرموده؟
- ۱۳ - در آیه ۷۲ نیازهای رسول خدا را به دو صورت «خرج» و «خراج» ذکر نموده، چرا؟

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

از آیه های ۵۵ و ۵۶ فهمیده میشود فعالان کفر چنین تلقی میکردند که صاحب ثروت و اولاد نزد خداوند محبوب است و شاید همین گفتمان سبب میشد در مومنان (که نسبت به آنها فرودست بوده اند) به چشم تحقیر بنگرند و همچنین دین آنها را نیز بی اهمیت تلقی کنند.

از آیه ۶۳ فهمیده میشود که فعالان کفر به احاطه الهی بر همگان غفلت داشتند و از آیه ۶۷ فهمیده میشود زندگی شان همراه با بطالت و شب زنده داری های همراه با چرت و پرت گفتن بوده و همین نیز گویای وضعیت برخورداری ثروتمندانه آنان می باشد.

از آیه های ۶۸ و ۶۹ و ۷۰ فهمیده میشود فعالان کفر در قرآن تعمقی نمیکردند و آنحضرت را بخوبی می شناختند و با وجود این او را مجنون مینامیدند و از پذیرش حق (لا بد به سبب تعارضی که با موقعیت و منافعشان داشت) بدشان می آمد. از آیه های ۷۶ و ۷۷ فهمیده میشود عذاب خفیفی بر آنها نازل شد اما فعالان کفر توجهی به آن نکرده و متنبه نشده و در صدد اصلاح رفتار خویش بر نیامدند، ضمن اینکه طاقتی هم برای عذاب قوی تر نداشتند.

۶ - کدام مطالب این پاراگراف «بی ربط» به نظر میرسد؟

آیه ۷۱ بین دو مطلب همگن فاصله انداخته و ظاهراً «بیربط» به نظر می آید، اما «پرانتری» است، دلیلش هم اینکه اگر چشم خویش را بر آن ببندیم و قبل و بعدش را وصل کنیم خواهیم دید روال سخن صاف و بی سخته میشود.

۷ - در این پاراگراف، کدام فقرات، فوق ذهنیات معاصران نزول است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیات ۶۴ تا ۶۷ «قیامتی» است، و هیچ بنی بشری تجربه اش را ندارد، و قبل از قیامت نخواهد داشت، لذا، چه در آن روزهای نزول وحی و چه الی یوم القیامه بالاتر از ذهنیات بشر خواهد بود.

۹- کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیات ۷۲ و ۷۳ و ۷۴، بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

ترتیب نزول

دو آیه ۵۵ و ۵۶، «اشاره» به مطالب اصلی سوره فجر است (و بد نیست مراجعه مجددی به آن بفرمائید)

«چک لیست» متمم

آیات ۵۷ تا ۶۰ ادامه چک لیست پاراگراف اول است و جا دارد خوانندگان قرآن، آن را به چک لیست مذکور اضافه نموده و روز به روز خود را با آن چک کنند. البته باید توجه داشت که مدلول آیه ۵۷ یک امر قلبی است و چندان در اختیار آدمی نیست، اما سه آیه بعد کاملاً اختیاری است، و باز هم البته باید دانست که اگر به سه آیه اخیرالذکر عمل شود مدول آیه ۵۷ هم حاصل می‌شود. البته جایزه‌ای که برای این قسمت ذکر نموده مقام بسیار بالائی است (توجه کنید به سوره واقعه، آیه‌های «والسابقون السابقون، اولئک المقربون») بطوری که کاملاً از مقام «فردوس» که جایزه «مؤمنون» است بالاتر است و جا دارد برای درک بهتر مراجعه مجددی به سوره واقعه بفرمائید.

«مشکل» کافران چه بود؟

- ۱- «وحی ندیده» نبودند و با این پدیده از طریق نیاکانشان آشنا بودند (آیه ۶۸)
- ۲- قرآن را هم ارزیابی کرده و آنرا والامر تبه دانسته بودند (آیه ۶۸)
- ۳- پیامبر(ص) را هم به سجایای اخلاقی و محبوبیت گسترده شناخته بودند (آیه ۶۹)
- ۴- این را هم می دانستند که پیامبر(ص) انگیزه مادی ندارد (آیه ۷۲)
- ۵- این را هم می فهمیدند که تعالیم پیامبر(ص) فی الجمله به نفعشان بود (آیه ۷۱)

پس آنها «چه شان» بود؟

درد آنها این بود که در تعالیم پیامبر(ص) چیزی بود که با «منافع» سران آنها ناسازگار بود (آیه ۷۲)

متصلب

سه آیه (۷۵ تا ۷۷) نشان از رفتارهای نامعقول کافران دارد که اگر در رحمت به رویشان باز شود به طغیان ادامه می‌دهند و اگر به آنها سخت گرفته شود نمی‌فهمند و به راه نمی‌آیند و اگر فشار زیادتر شود پژمرده می‌شوند. و مجموع این‌ها با در نظر گرفتن مفهوم آیه ۷۳ اینطور در یک کلمه قابل جمع است: متصلب!

«صلب» و تثبیت

در این پاراگراف اشاره‌هائی هست که مفصل آنها را در سوره‌های قلم و طور و ذاریات دیده‌ایم، اما آیه‌های ۷۵ و ۷۶ این پاراگراف جدید است که مفهوم آن این است که اینها دیگر (به اصطلاح روانشناس‌ها) «تثبیت» شده‌اند و دیگر نه به لطف، و نه به فشار، واکنش مطلوب نشان نمی‌دهند.

یعنی نه لطف سبب توجه و تمایلشان به مبدأ لطف می‌شود که مجدداً به راه بیایند و نه فشار سبب توجه به مبدأ فشار می‌شود که وضعیت خود را اصلاح کنند. واضح است که بیان فوق مربوط به «سران کفر» است نه اکثریت مردم عادی.

ترجمه تفسیری آزاد

آیا اینها می‌پندارند اینکه مال و فرزندانشان را زیاد کنیم (۵۵) در جهت نفعشان شتاب کرده ایم؟ نه! بلکه درک نمی‌کنند (۵۶)

همانا آنانکه به احترام پروردگارشان هراسانند، (۵۷)

و آنانکه به آیت‌های پروردگارشان ایمان دارند، (۵۸)

و آنانکه با پروردگارشان شریک نمی‌گیرند، (۵۹)

و آنانکه از آنچه به آنها داده شده به دیگران میدهند، و باز هم نگران روزی هستند که

بسوی پروردگارشان باز میگردند (۶۰)

آنها هستند که در جهت نفعشان شتاب کرده‌اند و بسوی آن سبقت میگیرند (۶۱)

و کسی را جز به اندازه ظرفیتش تکلیف نمی‌کنیم و نزد ما کتابی است که مطابق حق

است و بر اساس آن، ظلمی به آنان نخواهد شد (۶۲)

بلکه این کافرانِ مخالفت، دلهاشان از این حقایق غافل است و اعمالی غیر از آن که باید داشته باشند دارند و به همانها هم مشغولند (۶۳) و اگر غذایی هم بیاید، هوسرانان شان ناگهان ناله و فریاد میکنند (۶۴) به آنان خطاب میشود امروز ناله و فریادتان را بلند نکنید زیرا از جانب ما یاری نخواهید دید (۶۵) زیرا آیاتم بر شما تلاوت میشود و شما به آن پشت میکردید (۶۶) و خود را بزرگ تر از آن میدانستید که به آن آیات توجه کنید و در مجالس شبانه به بیهوده گوئی مشغول بودید (۶۷)

آیا اینها در آن سخن حق دقت نکردند یا اینکه چیزی بسویشان آمده بود که بسوی نیاکانشان نیامده بود؟ (۶۸)

یا اینکه رسولشان را نمی شناختند و با او بیگانه بودند؟ (۶۹)
یا میگفتند دیوانگی در او هست، نه! بلکه پیامبر به حق بسویشان آمد ولی اکثرشان حق را خوش نمیداشتند (۷۰)

و اگر حق از هوسهای آنان پیروی کند آسمانها و زمین و کسانی که در آنها هستند تباه خواهند شد، نه! بلکه مایه پندشان را فرستادیم و آنها از پند روگردانند (۷۱)
یا اینکه از آنها مُردی میخواهی! البته که نمیخواهی، و خراج خدا بهتر است و همو بهترین روزی دهندگان است (۷۲)

و تو، ای پیامبر! البته آنها را بسوی جاده محکم هموار مستقیم دعوت می کنی (۷۳)
و آنانکه به آخرت ایمان ندارند از آن جاده منحرف میشوند (۷۴)

و اگر به آنان، پس از ابتلاءشان به غذایی مختصر، رحم کنیم، و ناراحتی را که در آنهاست برطرف کنیم، لجاجت میکنند و در طغیانشان بیشتر فرو میروند (۷۵) و البته همانطور که همانندانشان را به عذاب گرفتیم، در آن حالت نه بسوی پروردگارشان مایل میشوند و نه تضرع میکنند (۷۶) و اگر دری از عذاب شدید بر آنان بگشائیم، در آن وقت دیگر کاملاً پژمرده میشوند (۷۷)

مومنون ۴ آیات ۷۸ تا ۹۸

وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ لَكُمْ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ ﴿٧٨﴾ وَهُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴿٧٩﴾ وَهُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ وَلَهُ اخْتِلَافُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٨٠﴾ بَلْ قَالُوا مِثْلَ مَا قَالَ الْأَوَّلُونَ ﴿٨١﴾ قَالُوا أَأَنْدَا أَنْدَا مِنْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَنْتَا لَمُبْعُوثُونَ ﴿٨٢﴾ لَقَدْ وَعَدْنَا نَحْنُ وَآبَاؤُنَا هَذَا مِن قَبْلُ إِن هَذَا إِلَّا أَصَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ﴿٨٣﴾ قُل لِّمَنِ الْأَرْضُ وَمَن فِيهَا إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٨٤﴾ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿٨٥﴾ قُلْ مَن رَّبُّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ﴿٨٦﴾ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿٨٧﴾ قُلْ مَن يَبْدِئُ مَلَكُوتَ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ يُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْهِ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٨٨﴾ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ فَأَنَّى تُشْحَرُونَ ﴿٨٩﴾ بَلْ أَتَيْنَاهُم بِحَقٍّ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿٩٠﴾ مَا اتَّخَذَ اللَّهُ مِن وَلَدٍ وَمَا كَانَ مَعَهُ مِن إِلَهٍ إِذَا لَدَّهَبَ كُلُّ إِلَهٍ مَّا خَلَقَ وَلَعَلَّ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ ﴿٩١﴾ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٩٢﴾ قُلْ رَبِّ إِنَّمَا تُرِيتَنِي مَا يُوعَدُونَ ﴿٩٣﴾ رَبِّ فَلَا تَجْعَلْنِي فِي الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٩٤﴾ وَإِنَّا عَلَىٰ أَن تُرِيكَ مَا نَعُدُّهُمْ لِقَادِرُونَ ﴿٩٥﴾ اذْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ السِّيئَةِ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَصِفُونَ ﴿٩٦﴾ وَقُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ ﴿٩٧﴾ وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَن يَحْضُرُونِ ﴿٩٨﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) که در قسمت اول ارائه نموده ایم مطابق ذیل است:

درس: پیامبران با مردمی مواجه بودند که از خداوند آیات و الطافش غفلت داشتند و آخرت و پیامبران را تکذیب میکردند و در نتیجه در دو جهان زیانکار گشتند.
برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: گوشه‌ای از آیات و الطاف الهی و نیز نمونه‌ای از برخورد های کافران و ای پیامبر! در جهت تحلیل و ردّ مولفه های فکری کافران چنین بگو و چنین کن و با اینان مدارا کن، و از شرور به خدا پناه ببر.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ ﴿٧٨﴾ وَهُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴿٧٩﴾ وَهُوَ الَّذِي يُخَيِّبُ وَيُمِيتُ وَلَهُ اخْتِلَافُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٨٠﴾

ریزدرب: ذکر نمونه ای از آیات و الطاف الهی

۲

بَلْ قَالُوا مِثْلَ مَا قَالَ الْأَوَّلُونَ ﴿٨١﴾ قَالُوا أَنبَأْنَا مِثْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَنبَأْنَا لَمْبَعُونُونَ ﴿٨٢﴾ لَقَدْ وَعَدْنَا نَحْنُ وَآبَاؤُنَا هَذَا مِنْ قَبْلُ إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ﴿٨٣﴾

ریزدرب: ذکر گوشه ای از موارد تکذیبی

۳

قُلْ لِمَنِ الْأَرْضُ وَمَنْ فِيهَا إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٨٤﴾ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ ﴿٨٥﴾ قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ﴿٨٦﴾ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿٨٧﴾ قُلْ مَنْ يَبْدِئُ مَلَكُوتَ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ يُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٨٨﴾ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ فَأَنَّى تُشْحَرُونَ ﴿٨٩﴾

ریزدرب: ای پیامبر! با توجه به این محورها در رفع خطاهای فکری شان بکوش.

۴

بَلْ أَتَيْنَاهُمْ بِالْحَقِّ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿٩٠﴾ مَا اتَّخَذَ اللَّهُ مِنْ وَلَدٍ وَمَا كَانَ مَعَهُ مِنْ إِلَهٍ إِذَا لَذَهَبَ كُلُّ إِلَهٍ بِمَا خَلَقَ وَلَعَلَّا بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ ﴿٩١﴾ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٩٢﴾

درب: ذکر یک استدلال در جهت اصلاح خطای فکری کفار آن روزها.

۵

قُلْ رَبِّ إِمَّا تُرِيدُنِي مَا يُوعَدُونَ ﴿٩٣﴾ رَبِّ فَلَا تَجْعَلْنِي فِي الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٩٤﴾ وَإِنَّا عَلَىٰ أَنْ تُرِيكَ مَا نَعُدُّهُمْ لِقَادِرُونَ ﴿٩٥﴾ اذْفَعْ بِالَّذِي هِيَ أَحْسَنُ السَّبِيَّةِ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَصِفُونَ ﴿٩٦﴾ وَقُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ ﴿٩٧﴾ وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ ﴿٩٨﴾

درب: ای پیامبر! خود را چنین حفظ کن.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لبّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ مؤمنان را مژده میدهد که وارث فردوس می باشند و در آن جاودان خواهند بود. به عبارت دیگر خداوند دارد به آن دسته از مسلمانان که استعداد بیشتری برای صعود درنردبان فضیلت و معنویت دارند، «برنامه» ای برای خودسازی و «ورزش معنوی» میدهد و مراحل قلبی و بعدی آفرینش انسان ها را به اشاره به یاد می آورد که ببینید درآفرینش شما چه ظرائف و دقایقی بکاررفته! اینها را از پروردگارتان دارید، آیا سزااست به توصیه های همان پروردگار (که به نفعتان هم هست) بی اعتنائی کنید؟ و فرستاده اش را تکذیب نموده، و نامهای ناصحیح بر او بگذارید؟ و نیز برخی از نعمت هایی که همه انسان ها مستمرا از آن استفاده می کنند (بطوری که عادتشان شده) را یادآوری فرموده، با این زمینه که ای انسان ها! خداوند همان کسی است که اینهمه آیات و نعمتها را از او دارید، آیا آن رفتارها نسبت به فرستاده اش سزااست؟ در پاراگراف ۲ می فرماید: ای کافران! درصورتی که میخواهید آن چیزهایی را که باید به آنها توجه کنید مورد بی اعتنائی قرار دهید ممکن است به عاقبتی دچار شوید که قوم نوح و اقوام برخی پیامبران دیگر دچارش شدند. و ضمناً به پیامبر میفرماید دنبال پیشرفت امور رسالت بطور معجزه آسا نباش، امت های سابق هم راه تفرقه پیمودند، لذا فعلاً مخالفت را به حال خویش واگذار.

در پاراگراف ۳ می فرماید: برخورداری از مواهب مادی لزوماً به معنی لطف الهی نیست، اما واجد بودن این صفات (ی که در این پاراگراف ذکر شده) قطعاً به معنی لطف الهی هست، ولی این کافران غافلند که تکالیف دین مطابق وسع آدمی است و در آخرت کاملاً مطابق ضابطه با آنها رفتار خواهد شد اما مخالفت بیجا میکنند و اینهمه کرّ و فرّ و ادعا نشان میدهند ولی به اندک غذایی صدای سوزناک ناله هایشان در می آید، و اینها از همه لحاظ پیامبر(ص) را قبول دارند اما نمیتوانند تعالیم او را بپذیرند زیرا با منافع سرانشان در تضاد است لذا:

ای پیامبر! فعلاً باید با اینها کجدار و مریز کنی تا وقتی که معادلات بین تو و آنان تغییری کند.

در این پاراگراف می فرماید: ای پیامبر! اینها، اینهمه لطف و نعمت را می بینند، ولی بجای شکر کفر و تکذیب می کنند، و به جائی رسیده اند که هیچ سخن حقی به خوردشان نمی رود، و تو ای پیامبر با کفار در مورد اعتقادات اصلیت وارد گفتگوی استدلالی شو و بهترین موقعیت را در مسیر ایفاء رسالت خویش دریاب.

۴ - سوالات

- ۱ - چرا در آیه ۷۸ «گوش» را مفرد، و «چشم» و «دل» را جمع آورده؟
- ۲ - در آیات سه گانه ابتدای پاراگراف، مطالب خطاب به کیست؟
- ۳ - در آیه ۷۹، «الیه تحشرون» (که یک وعده مربوط به برقراری قیامت است) را درجائی آورده که قبل و بعد آن بطور واضح ذکر نعمت است (یعنی اینکه قیامت هم نعمت است) سوال این است که (باتوجه به انکار قیامت از سوی کافران) این نوع سخن گفتن چه توجیهی دارد؟
- ۴ - منظور از «اختلاف» (آیه ۸۰) چیست؟
- ۵ - چرا در همان آیه در مورد اختلاف شب و روز ضمیر «له» را بکار برده؟
- ۶ - وضع آیه ۹۱ از لحاظ کلیدهای تفسیر چگونه است؟ (پرانترتی؟ یا...)
- ۷ - (اگر به آیه ۹۳ نگاه کنید) وضع آیه ۹۲ چطور؟
- ۸ - «سیقولون لله» های این پاراگراف از لحاظ کلید های مذکور چه وضعی دارند؟
- ۹ - چه سابقه ای از مفهوم «لا یحیر و لا یجار علیه» در سوره های قبل دارید؟
- ۱۰ - جمله مذکور یکی از «تفسیر» های کدام آیه سوره توحید است؟
- ۱۱ - حالت کلی این پاراگراف چگونه است؟ (گفتگوی استدلالی؟ یا...؟)
- ۱۲ - «س» در «سیقولون» در آیات فوق چه وقتی است؟ همان موقعی که سوال مطرح میشود یا بعداً؟ (جواب با دلیل)
- ۱۳ - در این پاراگراف سه بار پیشگویی تحقق یافته انجام شده، محل آنها را مشخص کنید.
- ۱۴ - اساساً چرا این آیات (۹۳ تا ۹۸) نازل شده؟ به عبارت دیگر در آن روزها چه اتفاقی افتاده بود که نزول این آیات را سبب شد؟
- ۱۵ - در سوره قلم که اوائل نزول است و در سوره احزاب که اواخر نزول است به پیامبر توصیه میکند که «لا تطع . . .» و البته پیامبر با آن شخصیت والایش هرگز در وضعی نبوده که اصطلاحاً «اطاعت» آن فرومایگان مذکور در سوره قلم و با کفار فرودست مذکور در سوره احزاب را کند، اما خداوند که به موقعیت خطیر آنحضرت آگاه است اندک نرمشی در جهت موضوع رسالتش را نیز نمی پذیرد و آن را «اطاعت» محسوب میدارد، در حالیکه در نزد ما «اطاعت» مفهوم متفاوتی دارد، با توجه به این زمینه، قرار نگرفتن آنحضرت در میان ظالمان که در آیه ۹۴ ذکر شده، به چه معنی است؟

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

از آیه های ۸۴ تا ۸۹ فهمیده میشود فعالان کفر مالکیت زمین و ربوبیت خدا نسبت به آسمانها و اداره امور وفرماندهی مطلق او و پناهگاه همه بودن و پناهگاهی برای او متصور نبودن را برای خداوند قبول نداشتند.

از آیات ۹۳ تا ۹۸ فهمیده میشود آنحضرت (بدون اینکه بصورت دعا به زبان آورده باشد) آرزو کرده بود کاش عذاب الهی بر مخالفانش نازل میشد و کار رسالتش آسان تر پیش میرفت، که این آیات بر او نازل شد و او را محترمانه (از حتی فکر کردن به این چیز ها) بر حذر داشت و تلویحا حتی فکرکردن به این چیزها را (البته در سطح پیامبرانه، و نه در سطح ما آدمهای معمولی) ظلم، قلمداد فرمود.

۶ - زاویه با تفاسیر رایج

مطلبی که تحت عنوان «این «بزودی» چه وقت است؟» که در بخش شرح مختصر آمده، مربوط به تیتیر فوق است که به علت طولانی بودنش در آنجا قرار داده شده است.

۷ - پیشگویی های تحقق یافته

سه بار تکرار و تاکید در سه جایی که «سیقولون» را بکار برده که ناظر به تغییر اعتقاداتشان پس از فتح مکه است (آیه های ۸۵ و ۸۷ و ۸۹) پیشگویی صریح است دایر بر اینکه بزودی عقاید آنها در جهت اصلاح عوض خواهد شد، و شد.

۸ - آیات برجسته این پاراگراف

در این پاراگراف آیه ای که به تیتیر فوق مربوط باشد آیه ۹۱ است و نکته برجستگی آیه، استدلالی است که در آن است که در کل قرآن تقریبا تک است: **إِذَا لَذَهَبَ كُلُّ إِلَهٍ بِمَا خَلَقَ وَلَعَلَّ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ**

۹ - آیات مشکل

قُلْ لِمَنِ الْأَرْضُ وَمَنْ فِيهَا إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٨٤﴾ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿٨٥﴾ قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ﴿٨٦﴾ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿٨٧﴾ قُلْ مَنْ يَبْدِئُ مَلَكُوتَ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ يُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٨٨﴾ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ فَأَنَّى تُسْحَرُونَ ﴿٨٩﴾ وَقُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ ﴿٩٧﴾ وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ

مشکل بودن آیه های فوق از آنجا فهمیده میشود که ببینیم تفاسیر چقدر در تفسیرشان اختلاف کرده اند، و البته بهتر است بدانید که ما در اثر متکی بودن به ترتیب نزول و تشخیص پرانتزها و درس و درب در فهم معنی آنها مشکلی نداشته و به سهولت درک کرده ایم و نظر خویش را نیز ذیلا ذکر کرده ایم.

۱۰- کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیه های ۷۸ تا ۸۳ و آیه ۹۲، بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

این «بزودی» کی است؟

در سوره تکاثر ذیل کلمه «سعیلمون» عرضی کرده ایم که «بزودی خواهند دانست» مذکور پس از فتح مکه که همگی مسلمان شدند، است و «علم» مذکور در کلمه سعیلمون نیز «علم حاصل از ایمان» بوده است.

در اینجا نیز همان حالت برقرار است و پس از فتح مکه همگی این اعتقادات را که جوابش «لله» های سه گانه این پاراگراف است خواهند داشت و این واضح است و «س» (= بزودی) مورد بحث نیز اشاره به همان دارد، یعنی به زمان فتح مکه.

اما المیزان فرموده که در همان موقع که این سوال از آنها میشد این جواب را میدادند، یعنی اینکه کافران در همان موقع طرح سوال چنین عقیده ای را داشتند.

البته این هم از آن فرمایشات است و اگر کسی بگوید پس آنها چه کافری بودند که اینهمه اعتقادات صحیح راجع به خداوند داشتند معلوم نیست المیزان چه جوابی میداشت.

بله، «سعیقولون لله» های سه گانه (و بطور کلی کل آیات ۸۴ تا ۸۹) همگی «پرانتزی» است زیرا اگر چشم خویش را بر آنها ببندیم و قبل و بعد آنها را وصل کنیم خواهیم دید روال سخن صاف و یکدست خواهد بود.

دلیل دیگر دال بر اینکه جواب کفار در آن لحظه آن نبوده، این است که در ابتدای آیه ۱۲ سوره انعام که می فرماید «قل لمن مافی السماوات والارض قل لله...» همین سوال هست و در جوابش هم هیچ قرینه ای نیست که جواب تقریری «لله» مورد قبول کافران باشد، بلکه روال کلام نشان دهنده عکس آن است.

البته از این نوع مثال ها زیاد است و ما قصد رعایت اختصار را داریم. قاعدتا میزان باید این نظر را از متقدمان یا منابع روائی اخذ کرده باشد و استدلال ماهم مقابل شماس و يستمعون القول و يتبعون احسنه را هم که حتما خودتان می فرمائید. اما میزان فرموده که در همان موقع که این سوال از آنها میشد این جواب را میدادند، یعنی اینکه کافران در همان موقع طرح سوال چنین عقیده ای را داشتند. البته این ادعا بطور واضح خطاست ، زیرا :

۱ - بنابر آیه ۸۷ سوره زخرف [ولئن سألتهم من خلقهم ليقولنّ الله] (که با بهترین تقریب دو سال قبل از این سوره نازل شده) کافران مکه در باره آفرینش خودهاشان (یا شرکائی که برای خداوند قائل بودند) این عقیده را داشتند که خداوند آفریدگار آنهاست و اگر بیش از این اعتقاد داشتند (آنها به آن زیادیی که در این پاراگراف مطرح است) قرآن به عنوان احتجاج ذکر میکرد.

۲ - از آیه ۱۲ سوره انعام که شبیه یکی از همین مطالب را دارد [قل لمن ما فی السموات و الارض قل لله] معلوم میشود که آنها در باره اینکه مالکیت آسمانها و زمین با چه کسی است، (برعکس ادعای میزان) این عقیده را نداشتند، زیرا به پیامبر (ص) تقریر میکند که بگو خدا چنان موقعیتی دارد. و البته بهتر است بدانیم که سوره انعام سال ها بعد از سوره زخرف نازل شده)

۳ - هیچ قرینه قرآنی نمیتوان پیدا کرد که نشان دهد کافران آن روزها چنین عقیده ای داشتند.

۴ - علمای ملل و نحل هم چنین چیزی نگفته اند و اگر گفته بودند تا کنون بما میرسید. ۵ - اگر کسی بگوید پس آنها چه کافری بودند که اینهمه اعتقادات صحیح راجع به خداوند داشتند و در اینصورت پیامبر با کافرانی به این خوش اعتقادی چه مشکلی داشت، معلوم نیست میزان چه جوابی میداشت.

۶ - اساسا خود کفار اگر صاحب چنین اعتقاداتی بودند چرا به آن حضرت اعتراض نکردند که آقا ماکه خودمان همه این حرفها را قبول داریم پس . . . ؟ و اگر چنین اعتراضی میکردند بما میرسید.

۷ - آن تفسیر ارجمند در سوره تکاثر ، «س» (= بزودی) در «سعیلمون» را به هنگام مرگ شخص و پیدایش قیامت معنی کرده، و در اینجا به زمانی بسیار کوتاه (در حد صفر) این تفاوت عظیم در معنی کردن چقدر موجه است؟

۸ - اساسا اگر اینطور که میزان گفته، بوده باشد، تکلیف سخن خداوند چه میشود که فرموده «بزودی»؟

۹ - تکلیف آیه ۹۰ با این بیان آن تفسیر چه میشود؟
بله ، «سَيَقُولُونَ لِلّٰهِ هٰى سَهْ غَانَه فَوْقَ هَمِّى» «پرانندی» است زیرا اگر چشم خویش را بر آنها ببندیم و قبل و بعد آنها را وصل کنیم خواهیم دید روال سخن صاف و یکدست خواهد بود.

جدید

در آیات ۸۴ تا ۸۹ نوع جدیدی از محاجه و استدلال را (با توجه به ترتیب نزول) برای اولین بار در این سوره می‌بینیم که چنانکه بعداً ملاحظه خواهید کرد، کراراً در قرآن کریم مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

آیات آشنا

در آیه‌های ۹۱ و ۹۲ نیز بعضی از صفات ثبوتیه و سلبیه خداوند ذکر شده که با آنها در سوره‌های قبل آشنا شده‌ایم.
مثلاً مطلب آیه ۹۱ در سوره توحید آمده و در اینجا در خود آیه، شرحی هم به آن افزوده، (که نتیجه چنین اعتقاد غلطی چیست و چون آن نتیجه را احساس نمی‌کنید پس بدانید که اساساً آن حالت وجود ندارد)

حالت کلی آیات ۹۳ تا ۹۸

روح حاکم بر کل آیات فوق «توصیه ارشادی» به پیامبر(ص) است بطوریکه دو «قل» و یک «ادفع» در ۶ آیه دارد یعنی بطور متوسط، هر دو آیه، بار یک «توصیه ارشادی» را به دوش می‌کشد.

تأدیپ صمیمانه

آیات ۹۸-۹۳ که آموزش و تأدیپ رسول اکرم(ص) باشد، با تعدادی «بگو» شروع می‌شود. این «بگو»ها برعکس «بگو»های قبلی، که هم می‌توانست «به خویش بگو» و هم می‌توانست «به مردم بگو» باشد، در اینجا فقط با حالت «به خویش بگو» متناسب است و لذا نوعی تأدیپ و آموزش نزدیک و صمیمانه است و در مجموع پناه بردن به خداوند است مانند همان «بگو»هائی که در سوره‌های ناس و فلق دیدیم.

خُلُقِ خُوشِ مُحَمَّدِی

در آیه ۹۶ نکته ظریفی هست که به فهم آیات قبل و بعد خویش کمک می‌کند.

در آن آیه یک فن آموزشی به پیامبر یاد می‌دهد که همان یک فن برای تبدیل جهان به گلستان کافی است.

اگر کسی به آدمی بدی کرد، آدمی می‌تواند این کارها را بعنوان پاسخ انجام دهد:

۱- در صورتیکه قدرت داشته باشد و ضرری متوجهش نشود جوابی به او بدهد که از اصل کار او شدیدتر و بدتر باشد.

۲- در صورت وجود همان شرایط قبلی، جوابی به او بدهد که شدت آن مساوی شدت اصل کار او باشد.

۳- در صورت وجود همان شرایط، اصلاً جوابی به او ندهد.

۴- «بدی» را با «نیکی» جواب دهد.

چیزی که فعلاً در جهان ما رایج است، حالت اول است.

البته از نظر عقلاً حالت اول پسندیده نیست زیرا حالت رقابت و کینه‌ای که نتیجه این نوع رفتار است، آنها را دچار یک دور تمام نشدنی از عمل و عکس‌العمل انتقام و انتقام مجدد می‌کند که هرگز روی آرامش را نخواهند دید.

حالت دوم، بنظر عقلاً بهتر است و اگر کسی بتواند پاسخ دهد و در پاسخ بیش از آنچه ضرر دیده ضرر نزند عقلاً ممدوح و پسندیده و معقول است و البته این حالت، سبب تحریک دشمنی‌های جدیدی هم نمی‌شود و اگر هم بشود ضعیف و قابل کنترل است. اما حالت سوم، نزد همگان پسندیده است و سبب خشک شدن حالت دشمنی و تمام شدن غائله خواهد شد.

اما حالت چهارم را کسی سراغ ندارد. وقوع این نوع عکس‌العمل را چه کسی در کجا بیاد دارد؟

اگر این نوع عکس‌العمل (البته در محل مناسب خویش) وجود و وقوع پیدا کند، کسی که در ابتدا متعرض شده و بدی کرده و ضرر رسانده، از زور خجالت نمی‌تواند سرش را بلند کند و تصور تکرار عمل خویش را هم نخواهد کرد.

خداوند در اینجا به پیامبر(ص) توصیه‌ای می‌کند که انگار پیامبر طبیب است و کافران بیمار (که واقعاً هم همینطور است) آیا اگر بیماری نسبت به طبیب خویش اسانه ادبی کند، طبیب با او مقابله شدیدتر، یا مقابله به مثل، یا سکوت، یا ادامه معالجه، کدامیک را انجام خواهد داد؟ و کدام بهتر است؟

خداوند تلویحاً به پیامبرش می‌فهماند درست است که اینها چنین رفتارهای زشتی (مانند کفر و تکذیب و گناهان و جلوگیری از هدایت مردم و ...) دارند اما مریض (فکری) هستند و تو باید آنها را درک کنی و مانند بیمار با آنان برخورد کنی و بدی آنها را با خوبی نسبت

به آنها پاسخ دهی.

واقعاً هم پیامبر اکرم(ص) چنین بود و چنین کرد، وگرنه، روز فتح مکه اگر همه را به شمشیر می‌بست چه کسی ملامتی می‌کرد؟ و اگر همه را به شمشیر نمی‌بست لاقلاً سران و بزرگان جامعه کفر را می‌باید به شمشیر می‌بست، اما این کار را هم نکرد بلکه به آنها لطف خاصی هم کرد و از غنایم جنگی که بزودی واقع شد، سهم بزرگی هم به آنان داد.

ترجمه تفسیری آزاد

و ای مردم! بدانید که هموست که برای شما گوش و چشمها و دلها قرار داد چه کم شکر می‌گذارد! (۷۸) و هموست که شما را در زمین گستراند و بسوی او محشور خواهید شد (۷۹) و هموست که زنده میکند و میمیراند و جایگزینی شب و روز هم از اوست، آیا تعقل نمی‌کنید؟ (۸۰)

نه! بلکه علیرغم همه این نعمتهای ذکر شده و ذکر نشده، همان چیزی را میگویند که قبلی‌ها میگفتند (۸۱) آنها هم میگفتند آیا وقتیکه مُردیم و خاک و استخوان شدیم، برانگیخته میشویم؟ (۸۲) چه بما و چه به نیاکان ما همین وعده داده شده. این‌ها جز افسانه‌های پیشینیان نیست (۸۳)

ای پیامبر! بگو اگر میدانید برایم توضیح دهید: زمین و هر کس که در آن است متعلق به کیست؟ (۸۴) بزودی، پس از اینکه تعالیمت جا افتاد، خواهند گفت متعلق به خداوند است، اینک به آنان بگو آیا پند نمی‌گیرید؟ (۸۵)

بگو پروردگار آسمانهای هفتگانه و پروردگار آن عرش بزرگ کیست؟ (۸۶) باز هم بزودی خواهند گفت مال خداوند است، اینک به آنان بگو پروا نمی‌کنید؟ (۸۷) بگو سررشته همه امور به دست کیست که پناه میدهد و کسی علیه او پناهگاهی ندارد؟ (۸۸) باز هم بزودی معتقد خواهند شد که اینها صفات الهی است، اینک به آنان بگو از کجا افسون شده اید؟ (۸۹)

نه! بلکه اینها حق را می‌شناسند و عمداً دروغ می‌گویند (۹۰)

خداوند هیچ فرزندی برنگرفته و با او هیچ خدائی نیست، و اگر چنین بود، هر خدایی آفریده های خود را میبرد، و بعضی از آنها بر بعضی دیگر برتری میجستند، و خداوند از آنچه توصیف میکنند منزّه است (۹۱)

او دانای پیدا و نهان است و از آنچه با او شریک می کنند بالاتر است (۹۲)

ای پیامبر! با خویش چنین بگو: خدایا اگر آنچه را که به آنان وعده میدهی بمن بنمائی (۹۳) در آنصورت مرا جزء ظالمان قرار مده (۹۴)

و البته ما قادریم آنچه را که به آنان وعده میدهیم نشانت دهیم (۹۵)

پس، بدی را بوسیله آنچه بهترین رفتار است دفع کن. ما بهتر میدانیم آنها در باره ما چه وصفی میکنند (۹۶)

و نیز چنین بگو: پروردگارا از بدگوئیهایی که شیاطین به اینان القاء میکنند بتو پناه میبرم (۹۷)

و نیز از اینکه آن شیاطین به نزدم حاضر شوند نیز بتو پناه میبرم (۹۸)

مومنون ۵ آیات ۹۹ تا ۱۱۸

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ ﴿٩٩﴾ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِن وَرَائِهَا بَرَزَخٌ إِلَىٰ يَوْمٍ يُبْعَثُونَ ﴿١٠٠﴾ فَإِذَا نَفَخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ ﴿١٠١﴾ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿١٠٢﴾ وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ ﴿١٠٣﴾ تَلْفَحُ وُجُوهُهُمُ النَّارَ وَهُمْ فِيهَا كَالِحُونَ ﴿١٠٤﴾ أَلَمْ تَكُنْ آيَاتِي تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ بِمَا تَكْذِبُونَ ﴿١٠٥﴾ قَالُوا رَبَّنَا عَلَبْنَاكَ يَا أُنَاسَ الْفِئَةِ فَمَا نَسْفَعُ عِلْمُنَا أَلَّا نَكْفُرَ بِمَا كُنَّا نَعْمَلُ مِن قَبْلُ وَلَا نَحْمِلُ فِيهِ ثِقَلًا ﴿١٠٦﴾ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنَّا عِندَنَا ظَالِمُونَ ﴿١٠٧﴾ قَالَ اخْسَرُوا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونِ ﴿١٠٨﴾ إِنَّهُ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ ﴿١٠٩﴾ فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سِحْرِيًّا حَتَّىٰ أَتَسَوْمُوا بِكُرْبِيِّكُمْ مِنْهُمْ أَتَضْحَكُونَ ﴿١١٠﴾ إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَآئِزُونَ ﴿١١١﴾ قَالَ كَمْ لَبِئْتُمْ فِي الْأَرْضِ عَدَدَ سِنِينَ ﴿١١٢﴾ قَالُوا لَبِئْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ فَاسْأَلِ الْعَادِيْنَ ﴿١١٣﴾ قَالَ إِنَّ لَبِئْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا لَّوْ أَنكُمْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿١١٤﴾ أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ ﴿١١٥﴾ فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ ﴿١١٦﴾ وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ ﴿١١٧﴾ وَقُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ ﴿١١٨﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم: طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه داده ایم، که نتیجه مطابق ذیل است:

درس: پیامبران با مردمی مواجه بودند که از خداوند آیات و الطافش غفلت داشتند و آخرت و پیامبران را تکذیب میکردند و در نتیجه در دو جهان زیانکار گشتند. برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: در قیامت چشم کافران باز می شود و در آن هنگام نتیجه فکر و عمل خویش را می بینند و لذا ای مردم! در آفرینش، و در خودهاتان، و در دلیل هاتان بازاندیشی کنید.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ ﴿٩٩﴾ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِن وَرَائِهِم بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿١٠٠﴾

ریزدرب: ای مردم! پس از مرگ (که برای همه پیش می آید) با این حسرت چه میکنید؟

۲

فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ ﴿١٠١﴾ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿١٠٢﴾ وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ ﴿١٠٣﴾ تَلَفَحَ وُجُوهُهُمُ النَّارَ وَهُمْ فِيهَا كَالِحُونَ ﴿١٠٤﴾ أَلَمْ تَكُنْ آيَاتِي تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ ﴿١٠٥﴾ قَالُوا رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَكُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ ﴿١٠٦﴾ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنَّا عِذْنَا فَإِنَّا ظَالِمُونَ ﴿١٠٧﴾ قَالَ اخْسَرُوا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونَ ﴿١٠٨﴾ إِنَّهُ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ ﴿١٠٩﴾ فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سُخْرِيًّا حَتَّىٰ أَنسَوَكُمُ ذِكْرِي وَكُنْتُمْ مِّنْهُمْ تَضْحَكُونَ ﴿١١٠﴾ إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَازُونَ ﴿١١١﴾

ریزدرب: ای مردم! پس از برزخ و ورود به قیامت کجای این تابلو قرار خواهید گرفت؟

۳

قَالَ كَمْ لَبِئْتُمْ فِي الْأَرْضِ عَدَدَ سِنِينَ ﴿١١٢﴾ قَالُوا لَبِئْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ فَاسْأَلِ الْعَادِينَ ﴿١١٣﴾ قَالَ إِنْ لَبِئْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا لَّوْ أَنتُمْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿١١٤﴾

ریزدرب: ای مردم! قیامت فوق العاده نزدیک است.

۴

أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ ﴿١١٥﴾ فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ ﴿١١٦﴾ وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ ﴿١١٧﴾

درب: ای مردم! راجع به خداوند چه فکر کرده اید؟

وَقُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ ﴿١١٨﴾

درب: ای پیامبر! با این مردم کجدار و مریز کن و از خداوند کمک به هدایت شان را بخواه.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لَبَّ مَطْلَب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ مؤمنان را مژده میدهد که وارث فردوس می باشند و در آن جاودان خواهند بود. به عبارت دیگر خداوند دارد به آن دسته از مسلمانان که استعداد بیشتری برای صعود در نردبان فضیلت و معنویت دارند، «برنامه» ای برای خودسازی و «ورزش معنوی» میدهد و مراحل قبلی و بعدی آفرینش انسان ها را به اشاره به یاد می آورد که ببینید در آفرینش شما چه طرائف ودقایقی بکاررفته! اینها را از پروردگارتان دارید، آیا سزاست به توصیه های همان پروردگار (که به نعمتان هم هست) بی اعتنائی کنید؟ و فرستاده اش رانکذیب نموده، و نامه ای ناصحیح بر او بگذارید؟ و نیز برخی از نعمت هایی که همه انسان ها مستمرا از آن استفاده می کنند (بطوری که عادتشان شده) را یادآوری فرموده، با این زمینه که ای انسان ها! خداوند همان کسی است که اینهمه آیات و نعمتها را از او دارید، آیا آن رفتارها نسبت به فرستاده اش سزا است؟

در پاراگراف ۲ می فرماید: ای کافران! در صورتی که میخواهید آن چیزهایی را که باید به آنها توجه کنید مورد بی اعتنائی قرار دهید ممکن است به عاقبتی دچار شوید که قوم نوح و اقوام برخی پیامبران دیگر دچارش شدند. و ضمناً به پیامبر میفرماید دنبال پیشرفت امور رسالت بطور معجزه آسا نباش، امت های سابق هم راه تفرقه پیموندند، لذا فعلاً مخالفان را به حال خویش واگذار.

در پاراگراف ۳ می فرماید: برخورداری از مواهب مادی لزوماً به معنی لطف الهی نیست، اما واجد بودن این صفات (ی که در این پاراگراف ذکر شده) قطعاً به معنی لطف الهی هست، ولی این کافران غافلند که تکالیف دین مطابق وسع آدمی است و در آخرت کاملاً مطابق ضابطه با آنها رفتار خواهد شد اما مخالفت بیجا میکند و اینهمه کَرّ و فَرّ و ادعا نشان میدهند ولی به اندک غذایی صدای سوزناک ناله هایشان در می آید، و اینها از همه لحاظ پیامبر(ص) را قبول دارند اما نمیتوانند تعالیم او را بپذیرند زیرا با منافع سرانشان در تضاد است لذا:

ای پیامبر! فعلا باید با اینها کجدار و مریز کنی تا وقتیکه معادلات بین تو و آنان تغییری کند. در پاراگراف ۴ می فرماید: ای پیامبر! اینها، اینهمه لطف و نعمت را می بینند، ولی بجای شکر کفر و تکذیب می کنند، و به جایی رسیده اند که هیچ سخن حقی به خوردشان نمی رود، و تو ای پیامبر با کفار در مورد اعتقادات اصلیت وارد گفتگوی استدلالی شو و بهترین موقعیت را در مسیر ایفاء رسالت خویش دریاب. در این پاراگراف می فرماید: ای کافران! به نتیجه حتمی روش زندگی تان ببیندیشید و به راه صحیح بازگردید و ای پیامبر! با توجه به اینکه عاقبت شرک و کفر این است، برای قومت رفع مانع وصول به حق و وصول به رحمت پروردگار را طلب کن.

۴ - سوالات

- ۱ - «کم» (آیه ۱۱۵) خطاب به کیست؟
- ۲ - چه سابقه ای از موضوع آیه ۱۱۵ در سوره های قبل دارید؟
- ۳ - چرا خداوند از میان صفات خویش در اینجا خود را به این دو صفت (انتهای آیه های ۱۱۶ و ۱۱۸) معرفی فرموده؟
- ۴ - برای « وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ » چه سابقه ای در همین سوره سراغ دارید؟
- ۵ - «قل» (آیه ۱۱۸) از کدام نوع است؟ (به خویش بگو؟ به مردم بگو؟ هر دو؟ یا...؟)
- ۶ - با توجه به اینکه «رب اغفر و ارحم» مقید به قیدی نیست، معنی اش چه میتواند باشد؟ (نظر لطف و رحمتت را بر همگان ثابت بدار؟ تلقین به پیامبر که با اینها طوری رفتار کن که انگار بزودی مورد مغفرت و رحمت قرار خواهند گرفت؟ یا...؟)

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

حالت کلی سخن در آیه های ۱۱۵ تا ۱۱۸ این است که ای پیامبر! بالاخره، هر چه باشد، این کافران نه درحالتی هستند که امید هدایتشان را داشته باشی، نه درحالتی هستند که به عذاب هلاکت دستجمعی دچار شوند، لذا باید صبر و مدارا و کجدار و مریز کنی تا شرایط تغییر کند، لذا برای آنها استغفار و استرحام کن.

۶ - آیات برجسته این پاراگراف

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ ﴿۹۹﴾ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِن وَرَائِهِم بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿۱۰۰﴾
 أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ ﴿۱۱۵﴾

برجستگی هر سه آیه فوق از لحاظ کثرت استفاده هنری از آنها در تابلوهای خوشنویسی و نیز کاشیکاری در مساجد و معابد است و آیه ۱۰۰ علاوه بر آن حاوی وضوح بر وجود عالم برزخ است که از پس از موت تا وقوع قیامت را شامل میشود.

۷- دستورات عبادی به پیامبر ص

آیه ۱۱۸ از نوع تیترا فوق است.

۸- کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیات ۱۰۱ تا ۱۰۳ و ۱۰۵ و ۱۱۲ تا ۱۱۸، بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

آیات آشنا

در این پاراگراف به مرگ و پس از مرگ و برانگیختگی در قیامت اشاراتی شده است که نوعاً برایمان آشناست و رد پاهائی از آنها را در سوره‌های سابق داریم. مثلاً: آیه ۹۹ آرزوی هر آدم بدکاری است که به دنیا برگردد زیرا زندگی برای آنها شیرین و مرگ هولناک است.

موضوع آیه ۱۰۰ اشاره به عالم برزخ دارد.

آیه ۱۰۱ در سوره‌های عبس و معارج به وضوح مطرح شده است و موضوع «شیپور» زیاد و مکرر مورد اشاره قرار گرفته است.

آیه‌های ۱۰۲ و ۱۰۳ در همان اوایل نزول وحی در سوره قارعه بطور واضح و آنچه در آیه ۱۰۳ آمده در حقیقت تلفیق و ترکیبی است از مطالب سوره‌های قارعه، عصر، شمس، و تین.

آیه ۱۰۴ جدید است اما خود آتش جدید نیست.

موضوع آیات ۱۰۵ تا ۱۱۱ جدید است و آن شرح حالتی است که آنها در قیامت دارند و زمانی است که واقعیتها روشن شده و برای آنها معلوم شده است که چه آینده‌ای خواهند داشت.

آیه ۱۰۵ اولین واکنش آنها است که بخشش بدون قید و شرط می‌خواهند. در آیه ۱۰۶ پس از یأس از آن قسمت، سعی می‌کنند بهانه‌تراشی کنند. در آیه ۱۰۷ وقتی دیدند آنها فایده‌ای ندارد، سعی می‌کنند معامله کنند. تا اینکه بالاخره می‌فهمند هیچ

راهی نیست و می‌باید آن آینده‌ای را که خودشان برای خویش ساخته‌اند تحمل کنند، و اولین عذاب آنها همین درک همین واقعیت است.

آیات ۱۱۴-۱۱۲ مربوط به عالم برزخ است که تاکنون چندین بار در سوره‌های قبل و همچنین در این سوره به آن اشاره شده است. «مربوط به برزخ بودن» سؤال از آنجا معلوم می‌شود که در آیه ۱۱۳ جواب می‌دهند یک روز یا کمتر درنگ کردیم و این جواب به غیر از زندگی برزخی به چیز دیگری نمی‌خورد.

علت ذکر چنین سؤال و جوابی هم می‌تواند سرزنش کافران باشد که کاش می‌دانستید که قیامت چقدر به شما نزدیک است و اگر می‌دانستید اینطور رفتار نمی‌کردید. ضمناً همینجا قابل ذکر است که در آیه آخر سوره نازعات بحث مختصری راجع به اینکه «مدت عالم برزخ یکروز بلکه کمتر از آن است»، شده است.

حکمت در آفرینش، و سپس میراندن، و آنگاه برانگیختن انسان

راجع به موضوع تیتتر فوق بحثی در پاراگراف انتهایی سوره قیامت عرض کرده‌ایم که توصیه مراجعه به آن را داریم.

ترجمه تفسیری آزاد

و وقتی که مرگ یکی از این کافران سر میرسد می‌گوید پروردگارا مرا برگردان (۹۹) شاید در آنچه بجا گذاشته ام کار شایسته ای کنم، نه! هرگز چنین نخواهد شد بلکه حرفی است که اینها می‌زنند، و از پس مرگ آنها فاصله زمانی است، تا روزی که برانگیخته شوند (۱۰۰)

پس آنگاه که در آن شیپور دمیده میشود بین آنها نه پیوندی خواهد بود و نه از یکدیگر احوالی می‌پرسند (۱۰۱)

و هر کس که موازین او سنگین باشد رستگار خواهد بود (۱۰۲)

و هر کس که موازینش سبک باشد از کسانی است که خویش را به خسران افکنده و در جهنم جاودان خواهد بود (۱۰۳)

آتش صورتهایشان را برشته میکند و در آنجا زشترو خواهند بود (۱۰۴)

به آنها خطاب میشود آیا آیاتم بر شما خوانده نشد؟ و تکذیبش نمیکردید؟ (۱۰۵)

می‌گویند پروردگارا بدبختی مان بر ما غالب شد و ما گمراه بودیم (۱۰۶) پروردگارا از آن خارجمان کن پس اگر به همان کارها بازگشتیم، پس دیگر واقعاً ظالم هستیم (۱۰۷)

جواب می شنوند که در آن جایگاهی که شایسته تان است وارد شوید و با من سخن مگویید (۱۰۸)

همان موقع که شما کفر میورزیدید و به گناه مشغول بودید عده ای از بندگانش میگفتند پروردگارا ایمان آورده ایم، ما را بیامرز، و بما رحمت روا دار، و تو بهترین مهربانان هستی (۱۰۹)

و شما آنها را به مسخره میگرفتید، آنقدر که پندهایم را فراموش کردید و به آنها می خندیدید (۱۱۰) امروز به آنان، بسبب صبری که میکردند، پاداش میدهم و آنها حتماً کامیابند (۱۱۱)

در آغاز قیامت پرسشگری می پرسد چند سال در زمین درنگ کرده اید؟ (۱۱۲)
برخی خواهند گفت روزی یا قسمتی از آن، از شمارشگران بپرسید (۱۱۳)
یکی دیگر گوید جز مقدار کمی درنگ نکردیم، کاش میدانستیم (۱۱۴)

ای مردم! آیا فکر کرده اید شما را بیهوده آفریده ایم و بسوی ما باز نمیگردید؟ (۱۱۵)
والا مرتبه است خداوند، که فرمانروای حق است، خداوندی جز او نیست، که پروردگارِ آن عرش ارجمند است (۱۱۶)

کسی که با خداوند خدائی دیگر را نیز بخواند، دلیلی برای آن ندارد والبته حساب او نزد پروردگارش است که او کافران را رستگار نمی کند (۱۱۷)

و بگو پروردگارا، بیامرز و رحم کن که تو از همه مهربانتری (۱۱۸)

سوره ابراهیم

﴿ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ﴾

الرَّ كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ﴿١﴾ اللّٰهُ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَوَيْلٌ لِّلْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ شَدِيدٍ ﴿٢﴾ الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللّٰهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَأُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ ﴿٣﴾ وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ فَيُضِلُّ اللّٰهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٤﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللّٰهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ ﴿٥﴾ وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ إِذْ أَخْرَجْتُمْ آلَ فِرْعَوْنَ بِسُوءِ الْعَذَابِ وَيُدْحِكُونَ أُنْبَاءَكُمْ وَيَسْتَحِبُّونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَظِيمٌ ﴿٦﴾ وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَرْزُقَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ ﴿٧﴾ وَقَالَ مُوسَىٰ إِنَّ تَكْفُرًا أَنْتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ اللّٰهُ لَغَفِيْرٌ حَمِيدٌ ﴿٨﴾ أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَالَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا اللّٰهُ جَاءَهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَرَدُّوا أَيْدِيَهُمْ فِي أَفْوَاهِهِمْ وَقَالُوا إِنَّا كَفَرْنَا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ وَإِنَّا لَفِي شَكٍّ مِّمَّا تَدْعُونَنَا إِلَيْهِ مُرِيبٍ ﴿٩﴾ قَالَتْ رُسُلُهُمْ أَفِي اللّٰهِ شَكٌّ فَأَطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَدْعُوكُمْ لِيَغْفِرَ لَكُمْ مِّن ذُنُوبِكُمْ وَيُؤَخِّرَكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى قَالُوا إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا تُرِيدُونَ أَنْ تَصُدُّونَا عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَأْتُونَا بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ ﴿١٠﴾ قَالَتْ هُمْ رُسُلُهُمْ إِنْ نَحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ وَلَكِنَّ اللّٰهَ يَمُنُّ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَمَا كَانَ لَنَا أَنْ نَأْتِيَكُمْ بِسُلْطَانٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللّٰهِ وَعَلَى اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١١﴾ وَمَا لَنَا أَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللّٰهِ وَقَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا وَلَنَصْبِرَنَّ عَلَىٰ مَا أَدَيْتُمُونَا وَعَلَى اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ ﴿١٢﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِنَ الْأَرْضِ مِّنْ أَرْضِنَا أَوْ لَتَعُوذُنَّ فِي مِلَّتِنَا فَأُوْحَىٰ إِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ لَنُهْلِكَنَّ الظَّالِمِينَ ﴿١٣﴾ وَلَنُسَكِّنَنَّكُمْ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِهِمْ ذَلِكَ لِمَنْ خَافَ مَقَامِي وَخَافَ وَعِيدِ ﴿١٤﴾ وَاسْتَفْتَحُوا وَخَابَ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ ﴿١٥﴾ مِّن زُرَّاتِهِ جَهَنَّمَ وَيُسْقَىٰ مِنْ مَّاءٍ صَدِيدٍ ﴿١٦﴾ يَتَجَرَّعُهُ وَلَا يَكَادُ يُسَبِّغُهُ وَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَمَا هُوَ بِمَيِّتٍ وَمِن زُرَّاتِهِ عَذَابٌ غَلِيظٌ ﴿١٧﴾

پیش تفسیر

۱- استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یعنی «درس» سوره)، برای کل ۱۱۴ سوره قرآن، در کتاب «خودآموز تفسیر قرآن» (از همین قلم) وجود دارد، و خود کتاب مذکور را

میتوانید در سایت (<https://tafsir.ganjei.com>) بیابید، و البته مبانی این موضوع نیز در ۱۶۰ صفحه اول کتاب «علوم قرآنی» (موجود در همان سایت) شرح داده شده است. و در مورد این سوره، عصاره محتوا، همان است که ذیلاً دیده میشود.

درس: خداوند پیامبران و پیروانشان را پیروز و کافران را در دنیا مغلوب و در آخرت معذب میکند.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: رفتار خداوند نسبت به مردم لطف‌آمیز است اما اگر کفر ورزند ممکن است قهرآمیز گردد، ای پیامبر! بعضی اقوام گذشته نسبت به پیامبران نافرمانی کردند و سعی کردند با آنان مقابله کنند اما مغلوب شدند و در آخرت معذب خواهند بود، و تو دلگرم باش که کارت درست است و مخالفانت در گمراهیند.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

الرَّكِبَاتُ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ﴿١﴾

ریزدرب: ای پیامبر! عمده ترین وسیله ات برای انجام موفق ماموریتت این قرآن است.

۲

اللَّهُ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَوَيْلٌ لِلْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ شَدِيدٍ ﴿٢﴾ الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ ﴿٣﴾

ریزدرب: ای پیامبر! بسوی این خداوند بخوان و از این عاقبت برحذر دار.

۳

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ فَيُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٤﴾

ریزدرب: ای پیامبر! توجه داشته باش که سختی را به مخاطبت بفرمانی، بقیه اش به خداوند مربوط است.

۴

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ ﴿٥﴾ وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ أَنْجَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ وَيُدَّبِحُونَ أَنْبَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكَ بَلَاءٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَظِيمٌ ﴿٦﴾ وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ ﴿٧﴾ وَقَالَ مُوسَىٰ إِنَّ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَمَن فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ اللَّهَ لَغَفِيٌّ حَمِيدٌ ﴿٨﴾

ریزدرب: ای پیامبر! نعمتهای خداوند را به یاد مردم بیاور و شکر در قبال نعمت ها را بیاموز.

۵

أَمْ يَأْتِكُمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَالَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا اللَّهُ جَاءَهُمْ رَسُولُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَرَدُّوا أَيْدِيَهُمْ فِي أَفْوَاهِهِمْ وَقَالُوا إِنَّا كَفَرْنَا بِمَا أُرْسِلْنَا بِهِ وَإِنَّا لَفِي شَكِّ مِمَّا تَدْعُونَنَا إِلَيْهِ مُرِيبٍ ﴿٩﴾ قَالَتْ رُسُلُهُمْ أَلِي اللَّهِ شَكٌّ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَدْعُوكُمْ لِيَغْفِرَ لَكُمْ مِمَّنْ دُونِكُمْ وَيُؤَخِّرَكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى قَالُوا إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا تُرِيدُونَ أَنْ تَصُدُّونَا عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَأْتُونَا بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ ﴿١٠﴾ قَالَتْ هُمْ رُسُلُهُمْ إِنْ نَحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَمُنُّ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَمَا كَانَ لَنَا أَنْ نَأْتِيَكُمْ بِسُلْطَانٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١١﴾ وَمَا لَنَا أَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا وَلَنْصَبِرَ عَلَىٰ مَا آذَيْتُمُونَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ ﴿١٢﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِنْ أَرْضِنَا أَوْ لَتَعُوذُنَّ فِي مِلَّتِنَا فَأَوْحَىٰ إِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ لُوْهُلِكُمْ الظَّالِمِينَ ﴿١٣﴾ وَلَنَسْكُنَنَّكُمُ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِهِمْ ذَلِكَ لِمَنْ خَافَ مَقَامِي وَخَافَ وَعَبَدَ ﴿١٤﴾ وَاسْتَفْتَحُوا وَخَابَ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ ﴿١٥﴾

ریزدرب: ای مردم! رفتار اقوام گذشته را در نظر آرید و عبرت گرفته و از آن رفتارها دوری کنید.

۶

مَنْ وَرَّآهِنَّ جَهَنَّمَ وَيُسْقَىٰ مِنْ مَّاءٍ صَدِيدٍ ﴿١٦﴾ يَتَجَرَّعُهُ وَلَا يَكَادُ يُسِيغُهُ وَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَمَا هُوَ بِمَيِّتٍ وَمِنْ وَرَائِهِ عَذَابٌ غَلِيظٌ ﴿١٧﴾

ریزدرب: رفتاری مانند رفتار اقوام گذشته به چنین عاقبتی میرساند.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقا با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است و لذا چنانکه می بینید، همه عناصر این پاراگراف اصلی است.

لبّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقا می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳ - سوالات

۱ - منظور از «ال.ر.» (آیه ۱) چیست؟ (همان مطالبی که قبلا مکررا تحت عنوان حروف مقطعه آمده؟ یا...؟)

۲ - با توجه به آیه ۱، ماموریت پیامبر(ص) چیست؟

۳ - «العزیزالحمید» (آیه ۱) صفت صراط است یا صفت صاحب آن؟

۴ - چرا خداوند خود را به آن دو صفت آخر آیه ۴ (و یا بعلاوه دو صفت آخر آیه ۱) معرفی فرموده؟

۵ - منظور از «ببین» (آیه ۴) چیست؟ (دقیق و مشروح بنویسید)

۶ - مانع اصلی پیامبر(ص) در ماموریتش چه بود؟

۷ - چرا خداوند در آیه ۴، از ضمیر «ما» (ارسلنا) استفاده نموده؟

۸ - تنوین انتهای کلمه «کتاب» از چه نوع است؟ (تعظیم؟ تحقیر؟ یا...؟)

۹ - در آیه ۷ یک «قانون الهی» ذکر شده است. سوال این است که «قلمرو عمل» این قانون کجاست؟ (تک تک افراد بشر؟ جوامع بشری؟) [جوابتان استدلالی و متکی به آیات قرآن باشد]

۱۰ - چه شباهت اساسی بین ماموریت حضرت موسی(ع) و پیامبر ما (ص) هست؟

۱۱ - منظور از «بلاء» (آیه ۶) چیست؟

۱۲ - در این پاراگراف منظور از نعمت اشاره شده و نیز بلاء چیست؟

۱۳ - آیه ۷ از زبان کیست؟

۱۴ - در آیه ۷، منظور از «کفر» چیست؟ (کفران نعمت؟ معنی مشهور کفر؟ یا...؟)

۱۵ - چرا فرموده «لازیدنکم» و نفرموده «لازیدن نعمتکم»؟

- ۱۶- منظور از «سلطان» (آیه ۱۱) چیست؟
- ۱۷- منظور از «الیهم» (آیه ۱۳) کیست؟
- ۱۸- در آیه ۹ فرق شک و ریب چیست؟
- ۱۹- چرا پیامبران بر دو نکته ذکر شده در آیه ۱۰، تاکید میکردند؟
- ۲۰- انگیزه کافران در کفرشان چه بوده؟
- ۲۱- شدت عمد و اصرار کافران از کدام موضع این پاراگراف فهمیده میشود؟

۴ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

مخالفت آنحضرت بر خوردار و ثروتمند بوده و نمیخواستند ایشان به تعالیمش ادامه دهند و مایل بودند - اگر بتوانند - مانع کارش بشوند (آیه ۳)

پیامبر ص و پیروانش از سوی مخالفان آزار و اذیت میدیدند (آیه ۱۲)

بزرگان کافران راجع به آنحضرت اراده سوء داشتند و بدشان نمی آمد آنحضرت و پیروانش را یکجا نابود یا لا اقل اخراج کنند (آیه های ۱۳ و ۱۵)

۵ - زاویه با تفاسیر رایج

۱ : (المیزان) : آیات کریمه این سوره، پیرامون اوصاف قرآنی که بر پیغمبر اسلام (صلوات الله علیه) نازل شده بحث می کند.

عصاره محتوای سوره که ما بر اساس محاسبه استخراج کرده و آن را درس نامیده ایم و فوقا دیده اید، تفاوت آشکاری با گفته فوق دارد، بخصوص اگر توجه داشته باشیم که «درس» سوره از طریقی روشن و مشخص و بیان شده استخراج شده، بر قول فوق ترجیح دارد.

۲ - وعده «لئن شکرتم لازیدنکم» به کیست؟ بر خلاف تلقی مشهور، وعده مذکور به جوامع است نه به افراد (دقت کنید)

۶ - پیشگوئی های تحقق یافته

در آیه ۱ وعده فرموده که مردم بوسیله این کتاب به جاده پسندیده عالی منتقل خواهند شد و چنانکه دیدیم فاز اول این وعده (در روز فتح مکه) تحقق یافت.

۷ - آیات برجسته این پاراگراف

آیه ۴ برای احتوای جمله مشهور «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ» که یکی از اساسی ترین کلیدهای تفسیر قرآن است، از جمله آیات برجسته قرآنی است. همچنین است آیه ۷ که حاوی قانون کلی «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ» است که بسیار مایه امیدواری و پیدایش روحیه مثبت است.

۸ - در این پاراگراف، کدام فقرات، فوق ذهنیات معاصران نزول است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

در آیه ۱ «الر» از حروف مقطعه است و معانی آنها تا کنون به وجه مقنعی معلوم نشده، و لذا برای مخاطبان اولیه نیز به طریق اولی همینطور بوده است. آیه ۲ «قیامتی» است و قبلا هم باره باره اش گفته ایم. همچنین است آیه های ۱۶ و ۱۷.

آیه های ۵ تا ۱۵ در باره اقوام در گذشته است، و چون علم باستان شناسی چندان پیشرفتی نکرده، برای ما قرن بیست و یکمی ها هم معهود نیست چه رسد به عرب ۱۴۰۰ سال قبل!

۹ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیه های ۴ تا ۷، با توجه به لیست ترتیب نزول، بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

ماموریت فوق العاده بزرگ و سرمایه ای که در ظاهر بزرگ نمی نماید

عظمت ماموریت، تا حدودی، از تمرکز و توقف روی جمله «لِنُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» فهمیده میشود، بخصوص کلمه «ناس» (مردم) که محدود به مردم آن روزهای مکه نیست و تمام مردم همه زمانها را در بر میگیرد که هنوز هم اکثریت مطلق آنها در در اعماق ظلماتی چند لایه و عمیق غوطه ورنند. اما آیاتی مانند والعاقبه للمتقين و نرید ان نمن... گویای این است که ماموریت آنحضرت بالاخره تکمیل خواهدشد.

اصل تناسب سرمایه با ماموریت بما میگوید به عکس آنچه ظاهرا به نظر میرسد، این سرمایه (یعنی قرآن) متناسب با خود ماموریت است، گرچه ما عظمت آن را در نیابیم.

نمونه درنیافتن عظمت قرآن همین حرفهایی است که حامد ابوزید و محمدآرکون و سروش و مجتهدشبهستری و امثالهم، و اذناب و نوچه های آنها میزنند، مثلاً من اخیراً در فضای مجازی یک آگهی دیده ام که حاکی از یک جلسه سخنرانی و دعوت به آن بود که موضوع سخنرانی «قرآن معجزه نیست» بود!

زبان قوم

در آیه ۴ که فرموده «بلسان قومه»، منظور زبان و کلیه روشهای دیگر انتقال مفاهیم، و سایر عناصر فرهنگی و اجتماعی است و و بحث در این خصوص زیاد است.

روزهای خدا

«روزهای خدا» در آیه ۵ یعنی روزهایی که «نعمتهای خدا» در آن روزها قوی تر، غلیظ تر، و آشکارتر ظاهر می شود.

سربریدن پسران و زنده گذاشتن «زنان»

توضیح سر بریدن پسران و زنده گذاردن زنان در آیه ۶ این است که چون در مقابل پسران، نفرموده «دختران» و فرموده «زنان»، بلکه فرموده «زنانتان را زنده می خواستند» یعنی اینکه دستگاه فرعونى یک سیستم نظارتى قوی روی بنی اسرائیل داشته و راجع به دختران کاری می کرده که آنها نه تنها کشته نشوند، بلکه بزرگ شوند و تربیت شوند و به مرحله «زنانگی» هم برسند. و این موضوع مربوط به یکی دو سال نمی شده، بلکه یک روش جا افتاده بوده که مدت های طولانی اجرا می شده است و اینطور هم نبوده که «همه پسران» را سر ببرند زیرا نسل آنها منقرض می شده و نمی توانستند به «زنان» آنها برسند. از مطلب فوق فهمیده می شود که فرعونیان «زنان» بنی اسرائیل را مورد استفاده قرار می دادند (مثلاً خدمت در قصرهایشان یا استفاده جنسی و غیره) اما کسانی که به این روش ظالمانه اعتراض می کردند کشف و شناسایی و به روش سر بریدن، کشته می شدند. چرا بنی اسرائیل رضایت می دادند «زنان» شان مورد استفاده فرعونیان قرار گرفته اما «پسران» شان سر بریده شوند؟ واضح است آنها تدریجاً قومی بی غیرت شده بودند که به چنین بلایی دچار شدند و اگر از ابتدا از کیان خانواده خویش دفاع می کردند به چنین خفت و خواری دچار نمی شدند.

«کفر» و «شکر»

در آیه‌های ۷ و ۸ دو بار مشتقات ریشه کفر آمده است. کفر در آیه ۸ واضح است یعنی ایمان نیاوردن به تعالیم حضرت موسی و پیروی نکردن از او. لذا «شکرگزاری» آیه ۷ بمعنی ایمان به تعالیم حضرت موسی و پیروی او می‌باشد. زیرا حضرت موسی بزرگترین نعمتی بوده که خداوند به آن قوم بی‌غیرت داده و آنها را بوسیله آنحضرت رشد داده تا جائیکه در لوای پرچم آنحضرت از دستگاه فرعون فرار کردند و نجات یافتند و با این نجات یافتن، گوشه‌هایی از آدمیت خود را هم باز یافتند.

شکر و کفر، فردی و جمعی

در آیه «... لئن شکرتم...» ممکن است اینطور فکر شود که هرکس برای نعمتی شکری بجا بیآورد فوراً مورد مزید آن نعمت واقع می‌شود و احیاناً کسی هم این کار را امتحان کند و احیاناً ببیند چنان نشد و سپس در نزد خویش یا دیگران چنین و چنان بگوید! خیر! آیه مربوط به اجتماع بشری است، نه افراد! مثلاً اگر اهالی محله ای، یا دهی، یا شهری، یا کشوری، روحیه عمومی و غالب شان این بود که شکر نعمت‌های خدا کنند، خداوند در پاسخ نعمت‌های آنان را زیاد می‌فرماید. ضمناً این را هم دانسته باشیم که شکر منحصر در گفتن و تکرار اذکاری از قبیل الحمدلله و شکرالله نیست بلکه شامل رفتارهایی است که در رابطه با قدردانی از نعمتها و بکار بردن آنها در محل‌های صحیح و به طرز عاقلانه و به دور از افراط و تفریط است.

رابطه پیامبران با قوم خویش در سه مرحله

لطفاً توجه داشته باشید که مطلب این پاراگراف راجع به فاز نهایی عمر اقوام و تمدن‌ها است، مثلاً در مورد قوم نوح مربوط به فاز نهایی عمر تمدن قوم نوح است و حتماً توجه دارید که نوح ۹۵۰ سال در میان قوم خویش زندگی کرد و داستانهای مربوط به کشتی و طوفان و غیره مربوط به فاز آخر تمدن آنها است، و مطلب این پاراگراف هم نوعی از «فلسفه تاریخ» و مربوط به آخر عمر تمدن‌ها است، بطوریکه تمدن‌شان در حال فروپاشی بوده و قابل نجات نبوده مگر اینکه کلا روش زندگی‌شان را تغییر اساسی دهند. با این پیش‌زمینه، دعوت انبیاء و واکنش قوم در مقابل آنها در سه مرحله قابل بررسی است:

مرحله اول انکار و تکذیب بطور کلی

در این مرحله قوم مربوطه میگوید اساسا با کل تعالیمت مخالفیم (انا کفرنا بما ارسلتم به - آیه ۹)

پیامبران در جواب پیام و ماموریت خویش را تحلیل میکردند و میگفتند آیا در باره خداوند که آفرینشگر آسمانها و زمین است شک دارید؟ (ا فی الله شک؟ - آیه ۱۰) (خوب، معلوم است که در این مورد شکی ندارید و نداشتند) یا اینکه در این باره شک دارید که خداوند میخواهد به شما لطفی کند و موانع رشدتان را بردارد شکی دارید؟ (لیغفرلکم من ذنوبکم - آیه ۱۰) (خوب، معلوم است که در این مورد نیز شکی ندارید) یا اینکه در این باره شک دارید که این وضع فعلی تان قابل دوام نیست و باید اصلاح اساسی در آن صورت گیرد تا اساسا این تمدن تان ادامه حیات دهد (بوخرکم الی اجل مسمی - آیه ۱۰)

مرحله دوم بهانه گیری و مطرح کردن موضوعات خارج از موضوع

قوم ها در جواب این سوال ها در می ماندند و برای خروج از بن بست به بهانه گیری می پرداختند که شما هم بشری مانند ما هستید (ان انتم بشر مثلنا - آیه ۱۰) و اینکه میخواهید ما را از آنچه به آن عادت کرده ایم باز دارید (تریدون ان تصدونا عما کان یعبد آباونا - آیه ۱۰) و اینکه اگر راست میگوئید باید معجزه ای بیاورید - فاتونا بسلطان مبین - آیه ۱۰)

پیامبران جواب میدادند درست است که ما هم بشریم، اما مورد لطف قرار گرفتیم و بما وحی میشود (آیه ۱۱) و معجزه آوردن هم به اختیار ما نیست (آیه ۱۱)

مرحله سوم تصمیم به برخورد فیزیکی و حذف

مخالفان پیامبران که از لحاظ منطق و استدلال کم می آوردند زبان به تهدید و اجبار باز میکردند (آیه ۱۳) که با این نوع برخورد به پایان کار خویش و هلاکت و انقراض میرسیدند. والبته عذاب آخرتشان سر جای خویش هست.

ترجمه تفسیری آزاد

بسم الله الرحمن الرحيم

الف.ل.ر.

این کتاب با عظمتی است که بسویت فرستادیم تا مردم را به فرمان پروردگارشان از

تاریکیها بسوی نور بیرون آوری. بسوی جاده ای که به سوی آن پیروزمند ستوده است
(۱)

همان خداوندی که آنچه در آسمانها و زمین است از آن اوست و وای بر کافران از
عذابی شدید (۲)

همان کسانی که زندگی پست تر را بر آخرت ترجیح میدهند و از راه خدا باز میدارند
و آنرا کج میخوانند، آنها در گمراهی بوده و از حقیقت بسیار دور میباشند (۳)

و هیچ پیامبری را جز به زبان قومش نفرستادیم تا برایشان حقایق را بیان کند. پس
خداوند هر که را که لایق گمراهی باشد گمراه میکند و هر که را خواهد هدایت میکند
و همو پیروزمند فرزانه است (۴)

و البته موسی را با آیاتمان به مأموریت فرستادیم که قومت را از تاریکیها بسوی نور
خارج کن، و روزهای خدا را به یادشان آر. که در این البته برای هر صبر پیشه شکر
گزاری آیاتی است (۵)

ای پیامبر! هنگامی را بیاد آر که موسی به قوم خویش میگفت:
نعمتهای خداوند را بر خویش بیاد آورید که شما را از فرعونیان نجات داد، از همانها
که بر شما عذاب سخت روا میداشتند و پسرانتان را سر میبردند و زنانتان را زنده
میخواستند و در اینها از جانب پروردگارتان امتحانی بزرگ بود (۶) و هنگامی که
پروردگارتان مقرر کرد اگر شکر گذاری نمودید زیادتتان میدهم و اگر کفران کردید
عذابم شدید خواهد بود (۷) و موسی گفت اگر شما و هر که در زمین هست کفر ورزد
البته خداوند بی نیاز ستوده است (۸) ای مردم! آیا خبر کسانی که قبل از شما بوده
اند بسوی شما نیامده است؟ خبر قوم نوح و عاد و ثمود و کسانی که پس از آن ها بوده
اند که جز خداوند کسی نمی شناسدشان، که پیامبرانسان با دلایل روشن بسویشان
آمدند و آنها دستهایشان را به دهانهایشان می بردند و با صدای رسا می گفتند ما به
آنچه شما راجع به آن فرستاده شده اید کافریم، و درباره آنچه که ما را به آن میخوانید
در شک هستیم (۹) پیامبرانسان می گفتند آیا درباره خداوند که آفریننده آسمانها و
زمین است شکی هست؟ که دعوتتان میکند تا گناهانتان را ببخشند و تا مدتی معین
مهلتتان دهد؟ آنها میگفتند شما جز بشری مانند ما نیستید، میخواهید ما را از آنچه

پدرانمان عبادت میکردند باز دارید. پس معجزه و دلیلی روشن برایمان بیاورید (۱۰)
پیامبران‌شان می گفتند ما جز بشری مانند شما نیستیم ولیکن خداوند بر هر کس از
بندگان‌ش که خواهد منت میگذارد و ما را نمیرسد که برایتان معجزه و دلیلی جز به
فرمان خدا بیاوریم و مومنان باید بر خداوند توکل کنند (۱۱) و ما را نمیرسد که جز
بر خدا توکل کنیم و البته راهمان را بما نشان داد، اینک بر آنچه که شما آزارمان کنید
صبر خواهیم کرد و توکل کنندگان باید به خدا توکل کنند (۱۲) و کافران به
پیامبران‌شان می گفتند یا به دین ما بر میگردید یا اینکه از سرزمینمان اخراجتان می
کنیم ولی خداوند بسوی آنان وحی می کرد که البته ظالمان را هلاک خواهیم کرد
(۱۳) و شما را پس از آنان در آن سرزمین جای خواهیم داد. این برای کسی است که
از مقام و تهدید خوف دارد (۱۴) و آنها با پیامبران درگیر می شدند و بدنبال پیروزی
بودند اما همه جباران ستیزه جو نابود می شدند (۱۵)

از پس آن هلاکت، جهنم است و در آن چرکابه ای خون آلود نوشانده می شوند (۱۶)
جرعه جرعه از آن مینوشند و مایل نیستند با رغبت و به راحتی از آن بنوشند و از هر
طرفی مرگ به سراغشان میاید اما نمیمیرند و از پس آن عذابی پرغلظت خواهند داشت
(۱۷)

ابراهیم ۲ آیات ۱۸ تا ۳۴

مَثَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ أَعْمَاهُمْ كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ لَأَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا عَلَى شَيْءٍ ذَلِكَ هُوَ الصَّلَاةُ الْأَعْبُدُ ﴿١٨﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنَّ يَئُوسًا يُدْهِمُكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ ﴿١٩﴾ وَمَا ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ ﴿٢٠﴾ وَبَرَزُوا لِلَّهِ جَمِيعًا فَقَالَ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُغْنُونَ عَنَّا مِنْ عَذَابِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ فَأَلْوُوا لَوْ هَدَانَا اللَّهُ لَهْدَيْنَاكُمْ سَوَاءَ عَلَيْنَا أَجْرَعْنَا أَمْ سَبَرْنَا مَا لَنَا مِنْ مَحِيصٍ ﴿٢١﴾ وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعْدَ الْحَقِّ وَوَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تُلْمُوايَ وَلُومُوا أَنْفُسَكُمْ مَا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِي إِنِّي كَفَرْتُ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلُ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٢٢﴾ وَأَدْخَلَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ ﴿٢٣﴾ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ ﴿٢٤﴾ تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٢٥﴾ وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ ﴿٢٦﴾ يَنْبِثُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ ﴿٢٧﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَةَ اللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْآبَوَارِ ﴿٢٨﴾ جَهَنَّمَ يَصَلُّونَهَا وَنَسُوا الْقُرْآنَ ﴿٢٩﴾ وَجَعَلُوا لِلَّهِ أَدَادًا لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِهِ قُلْ تَمَتَّعُوا فَإِنَّ مَصِيرَكُمْ إِلَى النَّارِ ﴿٣٠﴾ قُلْ لِعِبَادِي الَّذِينَ آمَنُوا يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً مِمَّا قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بِنِعْمِ فِيهِ وَلَا خِلَالٍ ﴿٣١﴾ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ وَسَخَّرَ لَكُمْ الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَسَخَّرَ لَكُمْ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَاتِيَيْنِ وَسَخَّرَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ ﴿٣٣﴾ وَآتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَطُلُومٌ كَفَّارٌ ﴿٣٤﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
 عصاره محتوای سوره (یعنی «درس» سوره) چنانکه در قسمت قبل نشان داده ایم مطابق ذیل است:

درس: خداوند پیامبران و پیروانشان را پیروز و کافران را در دنیا مغلوب و در آخرت معذب میکند.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: ای پیامبر! نتیجه رفتارهای کافرانه پایا و مانا نیست، در همین دنیا نیز مغلوبند و در آخرت خواهند دید مطالب طور دیگری است، و ای مسلمانان! رفتار و گفتار مخالفانتان اصل و ریشه ای ندارد، و اعمالشان نه در دنیا و نه در آخرت فایده‌ای نخواهد داشت، و ای مردم! خدایتان چنین است، به او و پیامبرش بگروید.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

مِثْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ أَعْمَالُهُمْ كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ لَأَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا
عَلَى شَيْءٍ ذَلِكَ هُوَ الصَّلَاةُ الْبُعِيدُ ﴿١٨﴾

ریزدرب: کفر سبب میشود در آخرت اعمال نیک کافران به دردشان نخورد.

۲

أَمْ تَرَأَنَّ اللَّهَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ ﴿١٩﴾ وَمَا
ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ ﴿٢٠﴾

ریزدرب: این جهان طوری آفریده شده که کفر را بر نمی‌تابد.

۳

وَبَرَزُوا لِلَّهِ جَمِيعًا فَقَالَ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُغْنُونَ عَنَّا مِنْ عَذَابِ
اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ قَالُوا لَوْ هَدَانَا اللَّهُ لَهْدَيْنَاكُمْ سَوَاءَ عَلَيْنَا أَجْرَعْنَا أَمْ صَبَرْنَا مَا لَنَا مِنْ مَحْصٍ ﴿٢١﴾
وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعْدَ الْحَقِّ وَوَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ
سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلُمُونِي وَلَوْلُمُوا أَنْفُسَكُمْ مَا أَنَا بِمُصْرِحِكُمْ وَمَا أَنَا بِمُصْرِحِي
إِنِّي كَذَرْتُ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلُ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٢٢﴾ وَأَدْخِلِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا
الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ ﴿٢٣﴾

ریزدرب: قیامت که واقع شود، همه این مناسبت‌ها و ارتباطات و سلسله مراتب (مبتنی بر کفر) ناموثر خواهد شد.

۴

أَمْ تَرَ كَيْفَ صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ ﴿٢٤﴾
 تُوْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ يَأْذَنُ رَبُّهَا وَيَصْرُبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٢٥﴾ وَمَثَلُ كَلِمَةٍ
 خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ ﴿٢٦﴾ يُعْبِتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا
 بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ ﴿٢٧﴾

ریزدرب: ریشه واقعی هر کس اعتقادات صحیح او است و کافر مانند درخت بی ریشه است.

۵

أَمْ تَرَى إِلَى الَّذِينَ بَدَلُوا نِعْمَةَ اللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ ﴿٢٨﴾ جَهَنَّمَ يَصَلُّونَهَا وَبَسَّ
 الْقَرَارُ ﴿٢٩﴾ وَجَعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِهِ فُلٌّ تَتَّعَوُا فَإِنَّ مَصِيرَكُمْ إِلَى النَّارِ ﴿٣٠﴾

ریزدرب: ای پیامبر! فعلا این کافران را به حال خویش واگذار.

۶

فَلِ الْعِبَادِي الَّذِينَ آمَنُوا يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا زَكَاةً وَسَاءَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ﴿٣١﴾
 بَعِثْنَا فِيهِ رَسُولًا مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمَ لَا

ریزدرب: ای پیامبر! به مخاطبان تو بگو در قیامت معامله و پارتی بازی فایده ندارد.

۷

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ
 وَسَخَّرَ لَكُمْ الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَسَخَّرَ لَكُمْ الْأَنْهَارَ ﴿٣٢﴾ وَسَخَّرَ لَكُمْ الشَّمْسَ
 وَالْقَمَرَ دَائِبِينَ وَسَخَّرَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ ﴿٣٣﴾ وَأَتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِنْ تَعَدُّوا نِعْمَتَ
 اللَّهِ لَا تُحْصَوْهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَطُغُومٌ كَفَّارٌ ﴿٣٤﴾

ریزدرب: ای کافران! شما دارید به چنین خداوندی کفر می ورزید.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

تَبَّ مطلب:

با توجه به ریز پاراگراف ها، و ریز دربهها، و جمع بندی ریز درب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ میفرماید: رفتار خداوند نسبت به مردم لطف‌آمیز است اما اگر کفر ورزند ممکن است قهرآمیز گردد؛ و اینکه بعضی اقوام گذشته نسبت به پیامبران نافرمانی کردند و سعی کردند با آنان مقابله کنند اما مغلوب شدند و در آخرت معذب خواهند بود و اینکه پیامبر ص دلگرم باشد که کارش درست است و مخالفانش در گمراهی اند.

در این پاراگراف می فرماید: ای کافران! دائماً دارید از بینهایت نعمت های الهی استفاده می کنید، آیا سزاوار است کفر بورزید؟ در جهنم علاوه بر عذاب‌ها بین جهنمیان دعوا و بگومگو، و در بهشت علاوه بر نعمت‌ها صلح و صفا حاکم است، و عقاید صحیح، اصیل و مفید، و عقاید غلط، بی‌ریشه و بی‌فایده‌اند. و ای پیامبر! با اطمینان به ماموریتت برس، اینها درمقابل حق کاری ازپیش نخواهندبرد. کافران را به حال خود رهایشان کن و به ارشاد بیشتر پیروانت بپرداز.

۴- سوالات

- ۱- منظور از «حق» (آیه ۱۹) و «عزیز» (آیه ۲۰) و «سلطان» (آیه ۲۲) و «کلمه» (آیه ۲۴) و «سما» (آیه ۲۴) و «بَدَلُوا نِعْمَةَ اللَّهِ كُفْرًا» (آیه ۲۸) چیست؟
- ۲- در آیه ۲۱ چرا بجای «ضعفاء» نرموده «استضعفوا»؟
- ۳- منظور از «خلال» (آیه ۳۱) چیست؟ (پارتی بازی؟ یا...؟) ۱- منظور از «دائبین» (آیه ۳۳) چیست؟
- ۴- جمله «لَوْ هَدَانَا اللَّهُ هَدَيْنَاكُمْ» از لحاظ ملل و نحل چگونه است؟ (جبری؟ یا...؟)
- ۵- جمله «إِنَّ الظَّالِمِينَ هُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (همان آیه) گفتار کیست؟ (خداوند؟ شیطان؟ یا...؟)
- ۶- در آیه ۲۲، «قبل»، اشاره به چه زمانی است؟
- ۷- با توجه به آیه ۲۷، آیا در آخرت نیز نیاز به «تشبیت قول» هست؟

- ۸ - موضوع «بیع» در آن روز چه میتواند باشد؟
- ۹ - آیات ۲۸ تا ۳۰ به چه کسانی اشاره دارد؟ (گذشتگان؟ معاصران آنحضرت؟ یا ...؟)
- ۱۰ - «سوال» مورد اشاره در آیه ۳۴، «سالموه» چگونه صورت گرفته؟
- ۱۱ - «سالموه» به زبان گفتاری است یا به زبان وجودی (احتیاج)؟
- ۱۲ - با توجه به سوال قبل «کل» چه معنی میدهد؟
- ۱۳ - در آیه ۳۴ منظور از «انسان» چیست؟ (همه انسانها؟ یا ...؟)

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

از آیه ۲۱ فهمیده میشود فعالان کفر در درون خود به دو دسته سران و پیروان تقسیم میشدند.

به عبارت دیگر کافران به سه قسمت قابل دسته بندی بودند: کافران معمولی و کافران فعال فرودست و کافران فعال فرادست.

از آیه ۳۰ فهمیده میشود اولین واضعان «همتا» برای خداوند انگیزه منافع مادی داشته اند.

۶ - آیات برجسته این پاراگراف

آیه ۲۲ از آنجا که توسط وعاظ و اخلاقگوها زیاد استفاده میشود شهرتی یافته و برجستگی از این بابت است.

آیات ۲۴ تا ۲۷ نیز توسط هنرمندانی مانند خوشنویسان و کاشیکارها در مساجد و زیارتگاه ها زیاد کار شده و دیده میشود و طبعاً از این لحاظ برجستگی دارد، اما برجستگی محتوایی آن خیلی بارز است، تشبیه آدم دارای عقیده صحیح به شخص اصیل ریشه دار که تا آسمانها قد میکشد و برای دیگران فواید زیاد دارد، و تشبیه مورد مغایر با او به بی ریشه و بی فایده! و در این دو سه سطر آیات مذکور دریاهائی از معانی و مفاهیم عالی مستتر است.

۷ - در این پاراگراف، کدام فقرات، فوق ذہنیات معاصران نزول است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذہنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه ۱۸ «قیامتی» است، و هیچ بنی بشری تجربه اش را ندارد، و قبل از قیامت نخواهد داشت، لذا، چه در آن روزهای نزول وحی و چه الی یوم القیامه بالاتر از ذہنیات بشر خواهد بود.

همچنین است آیات ۲۱ تا ۲۳. نیز آیه ۲۹. و انتهای آیه ۳۱.
در آیه ۱۹ از آفرینش آسمانها و زمین سخن رفته و این چیزی نیست که تاکنون
معهود ما شده باشد چه رسد به عرب ۱۴۰۰ سال قبل. همچنین است آیات ۳۲ تا
۳۴.

۸ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیات ۱۹ تا ۲۱ و ۳۲ و ۳۳، بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلید های تفسیری

فعل خداوند قانونمند است

با توجه به تیتتر فوق جمله «خداوند ظالمان را گمراه می‌کند» در آیه ۲۷ به این
معنی خواهد بود که خداوند سیستم‌های این جهان را طوری طراحی نموده که
ظالمان به سبب ظلم خویش دچار گمراهی شوند.
همچنین در مورد جمله آخر آیه ۲۷ نیز بیاد بیاوریم که «خواست خداوند قانونمند
است»

ذکر مصادیق از باب حصر نیست

همین ذکر تیتتر فوق کافی است و دیگر توضیحی لازم ندارد که نعمت‌های خداوند
بی‌نهایت است و ذکر چند تا از آنها فقط برای رفع غفلت است و چه بسا خود مخاطب
حواسش سرچایش بیاید که توجه کند که برای هر لحظه زنده ماندن خویش بی-
نهایت شرایط و علل باید موجود باشد تا او بتواند یک نفس دیگر هم بکشد.

هم مستکبران مقصردند و هم ضعیفان

مسئولیت مستکبران این است که فرهنگ شهروند درجه ۱ و درجه ۲ را ابداع کردند
و آن را تبلیغ کردند و دین را طوری تفسیر کردند که آن را توجیه کند و سپس از
نتایج آن که استثمار انسانی باشد بهره بردند.
مسئولیت ضعیفان هم این بود که این فرهنگ را پذیرفتند، و البته این پذیرش
تدریجی بود و در اوائل کاملاً قابل احتراز بود و میتوانستند در همان اوائل این فرایند
با آن مقابله کنند.

(پیام این قسمت هم این است که ای مردم عادی! به خدا توکل کنید و زیر پرچم

پیامبرش بروید و خود را از این رابطه نادرست و ناحق آزاد کنید)

عقاید صحیح «ریشه» های انسان می‌باشند

تمثیل بسیار زیبای آیات ۲۴ تا ۲۷ اینطور مفهوم است که مؤمن چون در حقایق اساسی ریشه دارد بالنده است و کافر علیرغم جثه بزرگش چون در حقایق اساسی ریشه ندارد بجائی بند نیست و هر لحظه امکان نابودیش هست. «قول ثابت» آیه ۲۷ همان اعتقادات صحیح است که بوسیله آن در دنیا تثبیت می‌شود که این ثبات او را به آخرت هم می‌رساند. در مثال مذکور اینطور مطرح شده که انسان دارای اعتقاد صحیح با این جهان «همخوان» است، و بقیه بیگانه اند.

فلسفه تاریخ از منظری دیگر

خیلی آشکار است که «الذین» به سران جوامع اشاره دارد و «جعلوا» به فرایند تغییر دادن قوانین که تقریباً در همه جوامع رخ میدهد اشاره میکند و «تمتعوا» به انگیزه آنان.

بنا بر این آیات ۲۸ تا ۳۰ دارد به یکی از جنبه های «فلسفه تاریخ» اشاره میکند که طی یکی از شایع ترین مورد های آن، برخی از سران جوامع بشری (الذین)، با انگیزه «به سوی خویش کشی مواهب عمومی»، (تمتعوا) در دین متبوع جامعه، دستکاری مینمایند (جعلوا لله اندادا) و نتیجه کارشان هم دو چیز است: مسیر زندگی صحیح مردم را به مسیر غلط می اندازند (یضلوا عن سبیل الله) و مردم جامعه خویش را بدبخت میکنند (احلوا قومهم دار البوار) و راه برون رفت از این جریان هم آیه ۳۱ است.

ترجمه تفسیری آزاد

مثال اعمال آنانکه به پروردگارشان کافر شدند مانند خاکستری است که باد سختی در روزی طوفانی به آن بوزد، نسبت به حفظ هیچ چیزی که کسب کرده اند قدرتی ندارند، این همان گمراهی دور است (۱۸)

مگر ندیدید که خداوند آسمانها و زمین را به حق آفرید؟ ای کافران! اگر بخواهد شما را می برد و آفریدگانی جدید می آورد (۱۹) و این برای خدا دشوار نیست (۲۰)

و در قیامت همگان در مقابل خداوند حاضر میشوند و ضعیفان به مستکبران میگویند ما پیرو شما بودیم آیا شما چیزی از عذاب خدا را از ما برطرف می کنید؟ میگویند اگر خدا هدایتمان کرده بود ما نیز شما را هدایت میکردیم. برایمان فرقی نمی کند که بیتابی یا صبر کنیم. گریزگاهی هم نداریم (۲۱) و وقتیکه کار از کار گذشت شیطان میگوید خداوند به شما وعده حقی داد و من به شما وعده ای دادم که از انجام آن تخلف کردم و من بر شما تسلطی نداشتم، مگر اینکه دعوتتان کردم و شما هم اجابت کردید پس مرا سرزنش نکنید و خودتان را سرزنش کنید. نه من فریادرس تان هستم و نه شما فریادرس من هستید. خودم هم قبلا به آنچه شما شرک می ورزیدید کافر بودم. البته ظالمان عذابی دردناک خواهند داشت (۲۲) و کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده اند داخل بهشت هائی میشوند که نهرها از کف آن جاریست که در آن به فرمان پروردگارش جاودانند و درود گفتنشان در آنجا سلام است (۲۳)

ای پیامبر! آیا نمی بینی خداوند چگونه مثالی می زند؟ کلمه طیبه و خوب را به درخت خوب مثل می زند که ریشه اش ثابت و شاخه هایش در آسمان است (۲۴) در هر هنگام خوردنی هایش را به فرمان پروردگارش می آورد و خداوند برای مردم چنین مثالهایی میزند شاید پند گیرند (۲۵) و کلمه خبیث و بد مانند روئیدنی بد است که جثه اش در روی زمین است و قرار و استحکامی ندارد (۲۶)

خداوند مومنان را با قول ثابت در زندگی دنیا و در آخرت تثبیت می کند و ظالمان را گمراه مینماید و هر چه بخواهد میکند (۲۷)

آیا نمی دانی کسانی که نسبت به نعمت خداوند ناسپاسی میکنند و مردمشان را به دیار نابودی میکشانند (۲۸) به درون چه جهنمی می افتند و چه بد جایگاهی است (۲۹) و برای خداوند همتیانی قرار دادند تا مردم را از راهش گمراه کنند. بگو اندکی در این دنیا برخوردار شوید که بالاخره سرانجامتان بسوی آتش است (۳۰)

ای پیامبر! به بندگان مومنم بگو نماز بپا دارند و از آنچه روزیشان کرده ایم پنهان و آشکار انفاق کنند، قبل از آنکه روزی بیاید که در آن نه معامله ای و نه دوستی

باشد (۳۱)

چنین است خداوندتان که آسمانها و زمین را آفرید و از آسمان آبی فرستاد و بوسیله آن روزی از میوه جات برایتان رویاند و کشتی را رامتان کرد که به امر او در دریا حرکت کند و نهرها را نیز به تسخیر شما درآورد (۳۲) و آفتاب و ماه را که پیوسته در حرکتند و نیز و شب و روز را نیز رام شما نمود (۳۳) و از هر چیزی که از او خواستید به شما عطا کرد و اگر نعمتهای خدا را بشمارید نخواهید توانست. اما اکثرا نسبت به خداوند ناسپاسی میکنند که البته انسانها اکثرا ظلم پیشه بسیار ناسپاس اند (۳۴)

ابراهیم ۳ آیات ۳۵ تا ۵۲

وَأَذَقْنَا لِقَابَ إِبْرَاهِيمَ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي وَتَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ ﴿۳۵﴾ رَبِّ إِنِّي
 أَضَلُّنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي وَمَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ غَافِرٌ رَّحِيمٌ ﴿۳۶﴾ رَبَّنَا إِنِّي
 أَتُكِّنْتُ مِنَ ذُرِّيَّتِي بَوَادٍ غَيْرِ ذِي زُرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيَتَّقِيُمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ
 النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ ﴿۳۷﴾ رَبَّنَا إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا نُخْفِي وَمَا
 نُعْلِنُ وَمَا يَخْفَى عَلَى اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ ﴿۳۸﴾ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي
 عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ ﴿۳۹﴾ رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِن
 ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ ﴿۴۰﴾ رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ ﴿۴۱﴾
 وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهُ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ إِنَّمَا يُؤَخَّرُهُمْ لِيَوْمَ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ ﴿۴۲﴾
 مُهْطِعِينَ مُقْنِعِي رُءُوسِهِمْ لَا يَرْتَدُّ إِلَيْهِمْ طَرْفُهُمْ وَأَفْئِدَتُهُمْ هَوَاءٌ ﴿۴۳﴾ وَأَنْذِرِ النَّاسَ يَوْمَ يَأْتِيهِمُ
 الْعَذَابُ فَيَقُولُ الَّذِينَ ظَلَمُوا رَبَّنَا أَخْرِزْنَا إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ نُحِبُّ دَعْوَتَكَ وَنَتَّبِعُ الرَّسُولَ أَوْلَمَ تَكُونُوا
 أَقْسَمْتُمْ مَن قَبْلُ مَا لَكُمْ مِّن زَوَالٍ ﴿۴۴﴾ وَسَكَنتُمْ فِي مَسَاكِينِ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ وَتَبَيَّنَ لَكُمْ
 كَيْفَ فَعَلْنَا بِهِمْ وَضَرَبْنَا لَكُمْ الْأَمْثَالَ ﴿۴۵﴾ وَقَدْ مَكَرُوا مَكْرَهُمْ وَعِنْدَ اللَّهِ مَكْرُهُمْ وَإِنْ كَانَ
 مَكْرُهُمْ لِتَزُولَ مِنْهُ الْجِبَالُ ﴿۴۶﴾ فَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ مُخْلِيفَ وَعْدِهِ رُسُلَهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ
 ﴿۴۷﴾ يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ وَبَرَزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ ﴿۴۸﴾ وَتَرَى
 الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ مُّقْرَنِينَ فِي الْأَصْفَادِ ﴿۴۹﴾ سَرَابِيلُهُمْ مِّن قَطْرَانٍ وَتَعْشى وَجُوهُهُمْ النَّارُ
 ﴿۵۰﴾ لِيَجْزِيَ اللَّهُ كَلَّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿۵۱﴾ هَذَا بَلَاغٌ لِلنَّاسِ
 وَلِيُنذِرُوا بِهِ وَلِيَعْلَمُوا أَنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَلِيَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿۵۲﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
 طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول نشان
 داده ایم که نتیجه اش مطابق ذیل است:

درس: خداوند پیامبران و پیروانشان را پیروز و کافران را در دنیا مغلوب و در آخرت
 معذب میکند.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: ای پیامبر! ابراهیم را موفق نمودیم و در دنیا نیز چنین نعمتهایی به او دادیم.
 ای مومنان! خداوند نسبت به شما بی توجه نیست و شما را موفق خواهد کرد و

ظالمان را نیز در آخرت معذب خواهد نمود. ای مردم! به این مطالب توجه کنید و به راه خدا بیایید و به پیامبرش بگروید.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

وَأُذِ قَالِ إِبْرَاهِيمَ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ ﴿٣٥﴾ رَبِّ إِنِّي
أَضَلَلْتُ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي وَمَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٣٦﴾ رَبَّنَا إِنِّي
أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ
النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ ﴿٣٧﴾ رَبَّنَا إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا نُخْفِي وَمَا
نُعْلِنُ وَمَا يُخْفَى عَلَى اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ ﴿٣٨﴾

ریزدرب: ابراهیم (ع) موفقیت را در دوری از شرک و اقبال به ایمان و پروا از خداوند تلقی میکرد.

۲

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ ﴿٣٩﴾ رَبِّ
اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِن ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ ﴿٤٠﴾ رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ
يَقُومُ الْحِسَابُ ﴿٤١﴾

ریزدرب: ابراهیم (ع) شکر نعمت و درخواست توفیق و غفران مینمود.

۳

وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ ﴿٤٢﴾
مُطَهَّرِينَ مُنْعِي رُءُوسِهِمْ لَا يَرْتَدُّ إِلَيْهِمْ طَرْفُهُمْ وَأَفْتَدَتْهُمْ هَوَاءُ ﴿٤٣﴾ وَأَنْذِرِ النَّاسَ يَوْمَ يَأْتِيهِمُ
الْعَذَابُ فَيَقُولُ الَّذِينَ ظَلَمُوا رَبَّنَا أَخْرَجْنَا إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ نَحْبُ دَعْوَتِكَ وَتَبِعَ الرَّسُولَ أَوْلَمَ تَكُونُوا
أَقْسَمْتُمْ مَن قَبْلَ مَا لَكُمْ مِنْ زَوَالٍ ﴿٤٤﴾ وَسَكَتُمْ فِي مَسَاكِنِ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ وَتَبَيَّنَ لَكُمْ
كَيْفَ فَعَلْنَا بِهِمْ وَضَرَبْنَا لَكُمْ الْأَمْثَالَ ﴿٤٥﴾ وَقَدْ مَكَرُوا مَكْرَهُمْ وَعِنْدَ اللَّهِ مَكْرُهُمْ وَإِنْ كَانَ
مَكْرُهُمْ لِيَنْزِلَ مِنْهُ الْجِبَالُ ﴿٤٦﴾ فَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ مُخْلِفَ وَعْدِهِ رُسُلَهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ
﴿٤٧﴾

ریزدرب: ای پیامبر! به خداوند تکیه کن و مردم را همدار ده و میندار خداوند از وعده اش تخلف خواهد نمود.

۴

يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ وَبَرَزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ ﴿٤٨﴾ وَتَرَى الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ مُّقَرَّبِينَ فِي الْأَصْفَادِ ﴿٤٩﴾ سَرَابِلُهُمْ مِّنْ قَطِرَانٍ وَتَغْشَىٰ وُجُوهُهُمُ النَّارُ ﴿٥٠﴾ لِيَجْزِيَ اللَّهُ كُلَّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿٥١﴾ هَذَا بَلَاغٌ لِلنَّاسِ وَلِيُنذِرُوا بِهِ وَلِيَعْلَمُوا أَنَّمَا هُوَ إِلَهٌُ وَاحِدٌ وَلِيَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿٥٢﴾

ریزدرب: مصداق اعلاى رفتار خداوندی در قیامت دیده خواهد شد.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلى-فرعى

قسمت هاىی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلى است.

لبّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ میفرماید: رفتار خداوند نسبت به مردم لطف‌آمیز است اما اگر کفر ورزند ممکن است قهرآمیز گردد، و اینکه بعضی اقوام گذشته نسبت به پیامبران نافرمانی کردند و سعی کردند با آنان مقابله کنند اما مغلوب شدند و در آخرت معذب خواهند بود و اینکه پیامبر ص دلگرم باشد که کارش درست است و مخالفانش در گمراهی اند.

در پاراگراف ۲ می فرماید: ای کافران! دائماً دارید از بینهایت نعمت های الهی استفاده می کنید، آیا سزاوار است کفر بورزید؟ در جهنم علاوه بر عذاب‌ها بین جهنمیان دعوا و بگومگو، و در بهشت علاوه بر نعمت‌ها صلح و صفا حاکم است، و عقاید صحیح، اصیل و مفید، و عقاید غلط، بی‌ریشه و بی‌فایده‌اند. و ای پیامبر! با اطمینان به ماموریت برس، اینها درمقابل حق کاری ازپیش نخواهندبرد. کافران را به حال خود رهاشان کن و به ارشاد بیشتر پیروانت بپرداز.

در این پاراگراف ضمن یاد آوری راز و نیاز و مناجات و دعاهاى ابراهیم(ع) و دغدغه

خاطرهای او تلویحا میفرماید ای پیامبر! به جدت ابراهیم نگاه کن که چگونه در آن شرایط نامساعد نیز ماموریت خویش را کاملاً محکم و جدی دنبال کرد، لذا تو نیز از این شرایط که هر چه باشد به آن بدی نیست دلگیر مشو و رسالتت را به محکمی پی بگیری و نگران نباش، و به کافران راجع به آینده محتومشان هشدار بده و بیاد داشته باش که خداوند وعده‌اش را عمل می‌کند و کنترل هم دارد و این مطالب برای عموم مردم، حاوی هشدار و برای اشخاص مستعد خاص، حاوی اندرز است.

۴ - سوالات

- ۱ - با توجه به آیه ۳۷، چرا مهم ترین خواسته ابراهیم (ع) برای فرزندانش «برپا داشتن نماز» است؟
- ۲ - «یشکرون» (آیه ۳۷) به چه کسی برمیگردد؟ (اولاد ابراهیم؟ مردم؟ یا...؟)
- ۳ - چرا در آیه ۴۰ به جای «ذریتی» گفته «من ذریتی»؟
- ۴ - «دعاء» (آیه ۳۹) به معنی لغوی آمده یا اصطلاحی؟
- ۵ - منظور از «ظالمون» (آیه ۴۲) چیست؟
- ۶ - منظور از «تبیین لکم» (آیه ۴۵) چیست؟
- ۷ - «ال» در دو کلمه «الارض» (آیه ۴۸) از چه نوع است؟ (عهد؟ تعریف؟ جنس؟ یا...؟)
- ۸ - از جوابتان (در صورت صحت) چه نتیجه تفسیری میتوان گرفت؟
- ۹ - منظور از «بلاغ» (آیه ۵۲) چیست؟
- ۱۰ - منظور از «هذا» چیست؟ (این سوره؟ نزول قرآن تا این سوره؟ یا...؟)

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

از آیه های ۴۲ و ۴۷ چنین فهمیده میشود که آنحضرت در درون ضمیر خویش این فکر را میکرده که چرا اینک که حجت بر همگان تمام شده، ولی سران و فعالان کفر کماکان دارند رفتار مالوف خویش را پی میگیرند، چرا خداوند این خیره سری آنان را بی پاسخ میگذارد؟
خداوند دغدغه خاطر آنحضرت را چنین پاسخ میدهد که متوجه باش در باره تو و امت کمتر به واکنش های اعجازی خواهد پرداخت و بیشتر به روش های انسانی و

نتیجه بخش کردنِ تعالیمت از طریق بذلِ صبر و حوصله از سوی تو و پیروانت نظر دارد. لذا، ای پیامبر! تو نیز به هشدار بیشتر در باره قیامت پرداز.

۶ - پیشگوئی های تحقق یافته

در آیه ۴۷ با تاکید میفرماید مبادا فکر کنی خداوند وعده اش را عملی نخواهد کرد، که این آیه، خودش یک پیشگوئی محقق شدهء روشن است.

۷ - در این پاراگراف، کدام فقرات، فوق ذهنیات معاصران نزول است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیات ۳۵ تا ۳۸ به مطالبی اشاره دارد که حدود ۴۰۰۰ سال با ما فاصله دارد و علم باستانشناسی آنقدر پیشرفت نکرده که ما بتوانیم بخوبی مطلب را چنان درک کنیم که بتوانیم بگوئیم «معهود» مان است، چه رسد به عرب بی علم و کم تمدن ۱۴۰۰ سال قبل!

آیات ۴۲ تا ۴۶ «قیامتی» است، و معهود هیچ بنی بشری (تاروز قیامت) نیست، چه رسد به عرب ۱۴۰۰ سال قبل! همچنین است آیات ۴۸ تا ۵۱.

۸ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره ها ، تقریباً تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

تردد بین «رب»ی و «رب»نا

در آیه های ۳۵ و ۳۶ خداوند را ربّ خطاب میکند و در آیه های ۳۷ و ۳۸ ربّنا و در آیه های ۳۹ و ۴۰ ربّ، و در آیه ۴۱ ربّنا. چرا؟

اگر خوب دقت کنید می بینید که آنجا که رب من (ربی) خطاب یا ذکر میکند موضوعاتی را در نظر دارد که به خودش مستقیماً ربط دارد، ولی آنجا که رب ما (ربنا) خطاب یا ذکر میکند موضوعاتی را در نظر دارد که علاوه بر خودش به کسانی دیگر نیز مربوط میشود.

مکه در آن زمان بیابان بود

به قرینه آیه ۳۷، هنگامی که حضرت ابراهیم(ع) داشت اسمعیل(ع) را که هنوز نوزاد بود (و مادرش را) در مکه بجا می گذاشت آنجا هنوز بیابان بود و لذا اینکه در آیه ۳۵ گفته «این شهر» به این معنی است: «این بیابانی که به زودی شهر خواهد شد»

آیا بت گمراه می کند؟

موضوع آیه ۳۶ اشاره به ذهنیتی است که عده‌ای داشتند و دارند که در جهان غیر از خداوند کسانی و چیزهایی را دارای اثر می دانند و بت‌ها را به عنوان نماد آن کسان یا چیزها می سازند و لذا ۶ کلمه اول آیه ۳۶ به این معنی است که «پروردگارا عقیده مشرکانه، عده زیادی از مردم را گمراه کرده» البته ما در این تفسیر قبلاً با این مفاهیم در سوره نجم و بسیار جاهای دیگر آشنا شده‌ایم.

معنی «ثمرات» محدود به میوه نیست

کلمه «ثمرات» در آیه ۳۷ محدود به محصولات باغی نیست بلکه هر «نتیجه مفید»ی را شامل می شود، مثلاً مانند کالاهائی که در آن دو سفر تابستانه و زمستانه (سوره قریش) به دست اهالی آن بیابان بی محصولات کشاورزی می رسید.

روحیه دادن به پیامبر(ص) و مسلمانان

سراسر مطالب این پاراگراف پر از مطالبی است که بطور کنایه‌ای به پیامبر(ص) و مسلمانان روحیه می دهد و اگر بخواهیم شرح دهیم طولانی خواهد شد اما نیاز نیست زیرا برای خواننده این نوع مطالب همین سرنخها کافیهست.

باز هم روحیه بخشی

در این پاراگراف نیز به نوعی دیگر به مسلمانان تحت فشار و آزار آن روزها دلداری داده می شود، و این دلداری از طریق تأکید و القای این نکته است که خداوند از حال شما آگاه است، و تأکید مذکور، در آیه‌های ۴۲ و ۴۷ به واضح‌ترین شکل پیداست. در مرحله اول (آیات ۴۲ تا ۴۶) آنها را به قیامت ارجاع می دهد که کافران در قبال این آزار و ناراحتی که بر شما روا میدارند عذاب اخروی را خواهند داشت. در مرحله دوم (آیه ۴۷) آنها را به پیروزی زمینی در این جهان نیز مژده می دهد (اما

باز هم به آخرت توجه می‌دهد و پیگیر آیات قبل می‌شود و با این بیان تلویحاً به مؤمنان آن روزها این مطلب را القاء می‌فرماید که دلتان را بیشتر به آخرت خوش کنید تا به این جهان)

قیامت در کجا اتفاق خواهد افتاد

در آیه ۴۸ یکی از صفات جدید قیامت را باز می‌گوید:
آیا این کره زمین بکلی از بین می‌رود و وقوع قیامت در جای دیگری اتفاق می‌افتد؟
و «محل حضور بشر در آنجا» را زمین قلمداد کرده؟
یا اینکه همین زمین فعلی تغییراتی چنان عمیق می‌کند که دیگر بکلی از این حالت فعلی قابل بازشناسی نیست؟
با توجه به آیات سوره انشقاق و آیات دیگری که تاکنون در مجموعه «مرحله سوم» دیده‌ایم شق دوم را ترجیح می‌دهیم.

ترجمه تفسیری آزاد

هنگامی را بیاد آرید که ابراهیم گفت پروردگارا این شهر را ایمن قرار ده و مرا و فرزندانم را از عبادت بت‌ها دور نگهدار (۳۵) پروردگارا افکار بت پرستانه، بسیاری از مردم را گمراه کرده، پس هر کس که مرا پیروی کند از من است و هر کس که مرا نافرمانی کند البته تو آمرزگار مهربانی (۳۶) پروردگارا برخی از فرزندانم را در بیابانی غیر قابل کشت نزد خانه محترم تو سکونت داده ام، تا نماز بپادارند. پروردگارا دل‌های مردم را بسوی آنان متمایل کن و از ثمرات روزیشان ده شاید شکر بگزارند (۳۷) پروردگارا آنچه را که مخفی یا آشکار کنیم میدانی، و هیچ چیز چه در زمین یا در آسمان باشد از تو مخفی نمی‌ماند (۳۸) سپاس خدای را سزاست که علی‌رغم پیری اسمعیل و اسحق را بمن داد که پروردگارم شنونده دعاست (۳۹) پروردگارا مرا و برخی از فرزندانم را بپا دارنده نماز قرار ده و دعایم را قبول فرما (۴۰) پروردگارا مرا و والدینم را و مومنان را در روزی که حساب بر پا میگردد بیمارز (۴۱)

ای پیامبر! مبادا خداوند را از آنچه ظالمان انجام میدهند غافل پنداری، جز این نیست که جزای آنها را تا روزی که قیامت چشمها را خیره میکند به تأخیر می‌اندازد (۴۲)

در آن روز گردن‌ها کشیده، چشم‌ها به یک سو دوخته، پلک ثابت، و دل‌ها بعلت اضطراب خالی است (۴۳)

و ای پیامبر! مردم را از روزی هشدار ده که عذاب بر آنها بیاید و ظالمان گویند پروردگارا تا سرآمدی نزدیک عذاب را از ما به تأخیر بینداز که دعوت را اجابت و رسولان را پیروی کنیم، که به آنها جواب داده میشود آیا همین شماها نبودید که قبلاً قسم می‌خوردید که زوالی ندارید؟ (۴۴) و شما نبودید که در مسکن‌های کسانی که به خویش ظلم کردند ساکن شدید و برایتان روشن شد که ما با آنها چگونه معامله کردیم و برایتان مثالها زدیم؟ (۴۵)

به هر حال آنها زندگی پر از توطئه داشتند و البته توطئه شان نزد خدا معلوم بود و مکرشان چنان بزرگ بود که گوئی کوه‌ها با آن زایل میشدند (۴۶)

پس ای پیامبر! مبادا خداوند را نسبت به وعده‌ای که به فرستادگانش داده بی توجه بینداری. البته خداوند پیروزمند انتقامگیر است (۴۷)

در روزی که زمین مبدل به زمینی غیر از این زمین شود و آسمانها هم به نظر همینطور بیاید و آنها در مقابل خداوند یگانه قهار قرار گیرند (۴۸) و در آن روز مجرمان را بینی که در غل و زنجیرها با هم اند (۴۹) پیراهن‌هایشان از قیر است و آتش چهره‌هایشان را فرا گرفته است (۵۰) تا خداوند هر کس را بسبب آنچه که کسب کرده جزا دهد که خداوند تند حساب است (۵۱)

این پیام‌رسانی برای مردم است، و تا به وسیله آن هشدار داده شوند و نیز بدانند که جز این نیست که او خدائی است یگانه و نیز صاحبانِ خرد پند گیرند (۵۲)

سوره اسراء

﴿ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ﴾

سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ
مِنَ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ﴿١﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یعنی «درس» سوره)، برای کل ۱۱۴ سوره قرآن، در کتاب «خودآموز تفسیر قرآن» (از همین قلم) وجود دارد، و خود کتاب مذکور را میتوانید در سایت (<https://tafsir.ganjei.com>) بیابید، و البته مبانی این موضوع نیز در ۱۶۰ صفحه اول کتاب «علوم قرآنی» (موجود در همان سایت) شرح داده شده است. و در مورد این سوره، عصاره محتوا، همان است که ذیلا دیده میشود.

درس: کمک همه جانبه الهی به پیامبر برای پیگیری رسالتش که ساخته شدن انسان باشد.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: ارائه بعضی آیات الهی به پیامبر(ص) برای گسترش دید و دلداری او.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

چون این پاراگراف شامل فقط یک آیه است، لذا، نیاز به «راه دوم» نمیباشد.

۳ - سوالات

- ۱ - جمله «لنریه من آیاتنا» با کدام کلید تفسیر مطابق است؟
- ۲ - چرا از بین القاب ممکن روی «عبد» بودن آنحضرت تاکید شده است؟
- ۳ - چرا خداوند از میان صفات ممکن، خود را با دو صفت سمیع و بصیر معرفی فرموده است؟
- ۴ - حالت کلی این آیه چگونه است؟ (جلب توجه به اهمیت رسالت؟ یا...؟)
- ۵ - چرا اسم آن دو مسجد به ترتیب «حرام» و «اقصی» نامگذاری شده است؟
- ۶ - «ه» در «حوله» به چه اشاره دارد؟

- ۷ - در این واقعه چه «آیات»ی به پیامبر(ص) نشان داده شده؟
- ۸ - آیا «ل» در «لنریه» در جهت تعلیل این واقعه است؟ (یا...؟)
- ۹ - «حول» آنجا چه محدوده ای را شامل میشود؟

۴ - پیشگویی های تحقق یافته

این آیه هنگامی نازل شد که مسلمانان تحت فشارهایی بودند. اینک حدود سال پنجم بعثت است و هنوز تا هجرت حدود ۷ سال و تا فتح فلسطین حدود ۲۳ سال فاصله است، و اینکه در این آیه «مسجدالاقصی»ی فعلی را در حدود سال پنجم بعثت، «مسجد» خوانده یک پیشگویی محقق شده تاریخی و یک معجزه است. زیرا در آن موقع مسجدالاقصی فقط یک «عبادتگاه» بود و هنوز «مسجد» نشده بود و لازم نیست عبادتگاه را «مسجد» بخوانند و در خود قرآن هم برای «عبادتگاهها» کلماتی مانند «صوامع» و «بیت» آورده شده است.

۵ - زاویه با تفاسیر رایج

۱: (المیزان): این سوره پیرامون مساله توحید و تنزیه خدای تعالی از هر شریکی که تصور شود می باشد، و با اینکه در این مورد بحث می کند، اما مساله تسبیح خدا را بر مساله حمد و ثنای او غلبه داده، و بیشتر به قسم دوم پرداخته است

البته المیزان نه راهی برای استخراج آنچه آن را که «غرض» سوره می نامد، ارائه نموده، و نه حتی اشاره ای در این خصوص کرده، اما این تفسیر، طی محاسباتی عصاره محتوای سوره را با دقت زیاد استخراج نموده که این است:

درس: کمک همه جانبه الهی به پیامبر برای پیگیری رسالتش که ساخته شدن «انسان» باشد.

۶ - آیات برجسته این پاراگراف

یک ملاک مهم برای برجستگی آیات، شهرت آنها در نزد مردم است و این آیه از مشهور ترین های آیات قرآنی است.

این آیه مورد اقبال زیاد هنرمندان خوشنویس و یا کاشیکار و معرق و منبت کار، و نیز وعاظ و نویسندگان، و... شده است و در بسیاری از مساجد و زیارتگاه ها نمونه هایی از کارهای هنری ذکر شده دیده میشود.

۷ - در این پاراگراف، کدام فقرات، فوق ذهنیات معاصران نزول است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن چیزی فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه ۱ اشاره به «انتقال ماده» دارد، که هنوز بشر نتوانسته آن را حل کند و لذا هنوز معهود بشر قرن بیست و یکمی نشده، چه رسد به عرب بی علم و کم تمدن ۱۴۰۰ سال قبل.

۸ - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟

مخاطبان اولیه که بجای خود، مانیز امروز نمیتوانیم تصور روشنی از این امور که جزء مغیبات است داشته باشیم.

اما، کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته، در طول این مدت طولانی، از نزول این سوره تا به امروز، تغییر معنایی چندانی نیافته، و لذا مخاطب های اولیه نیز از ظاهر این پاراگراف همان تلقی را میداشته اند که ما.

۹ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره ها، این آیه «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

بحث متنی

۱ - جمله «الذی بارکنا حوله» در آیه فوق، پرانتری است، دلیلش هم اینکه اگر چشم خویش را بر آن بسته و قبل و بعدش را وصل کنیم خواهیم دید که روال سخن صاف و هموار خواهد بود.

۲ - «برکت» یعنی نفع زیاد و بیشترین نفع را پیامبران به بشریت رسانده اند و اطراف مسجدالاقصی که همین منطقه سوریه و لبنان و اسرائیل فعلی باشد منطقه نشو و نمای دو دین بزرگ بوده که در همین زمان خودمان حدود بیش از نصف مردم زمین را در پیروی خود دارد.

علاوه بر آن از لحاظ مادی نیز آن منطقه پربرکت است. زمین های حاصلخیز، آب و هوای معتدل، تنوع گونه های گیاهی، و غنای محیط زیست از مظاهر آن است.

در باره معراج

موضوع معراج نزد ما مسلمانان آنقدر معروف است که می توان گفت عناصر آن جزء

«اطلاعات عمومی مسلمانی» درآمده است اما روایات مربوط به آن آنقدر مختلف و دور از هم است که نمی‌توان بین آنها جمع‌بندی کرد.

اما از آنجا که روایات را باید از روی قرآن ارزیابی کرد و نه برعکس، ملاک ارزیابی روایات مربوط به معراج همین آیه و نیز سه آیه در سوره نجم است که قبلاً دیدیم.

اشکال دیگر این است که سوره نجم که بسیار «معراجی‌تر» است در اواخر قرآن قرار دارد و این سوره زودتر از آن دیده میشود و ما در کتاب «سره و ناسره در روایات معراج» به چگونگی ضرر زدن های این وضع به فهم این آیه اشاره ای کرده ایم.

بر اساس آیات سوره نجم، بعضی از «آیات بزرگ الهی» به پیامبر اکرم(ص) ارائه شد و این آیه نیز فقط اشاره دارد به سیر دادن شبانه آنحضرت از مکه تا مسجدالاقصی تا «بعضی از آیات» الهی به او ارائه شود.

آیات اشاره شده در سوره نجم، در چارچوب تشریح «وحی» بود، و این آیه در چارچوب کمک و آموزش و دلداری آنحضرت است که هر دو با هم قابل جمع اند.

در آن سوره به بعضی از «آیات بزرگ» الهی و در این آیه به بعضی از «آیات» الهی اشاره شده است.

لذا، اینکه این آیه (در ترتیب نزول) پس از سوره نجم نازل شده دلیل نمیشود که واقعه مربوط به این آیه نیز پس از وقایع مربوط به سوره نجم اتفاق افتاده باشد، مانند داستان حضرت موسی که در هر جایی از قرآن به یک گوشه اش که تناسبی با آن قسمت از قرآن دارد ذکر شده است.

اما اینکه در آن شب خاص در سیر شبانه از مسجدالحرام به مسجدالاقصی چه مطالبی ارائه شده، جز اینکه بعضی از نشانه‌ها و آیات الهی بوده، چیز دیگری در قرآن نداریم. اما در روایات مطالب بسیار بسیار زیادی هست که به دو دسته بزرگ قابل دسته‌بندی است.

یک دسته از آن انبوه روایات، هم مختصر است و هم با آیه فوق می‌خواند. دسته دیگر بسیار مفصل است و اشکالات زیادی، اعم از قرآنی و عقلی دارد که آنها را از محدوده «قابل قبول بودن» بیرون می‌کند.

اگر مایل به شرح بیشتر باشید مقاله «سره و ناسره در روایات معراج» را که بزودی ان شاءالله در سایت قرار خواهیم داد ملاحظه فرمائید.

خلاصه اینکه از این آیه اصلاً «معراج» فهمیده نمیشود و تنها «طی الارض» از آن مستفاد میگردد که اگر بخواهیم به زبان امروز صحبت کنیم، اسمش «انتقال ماده» است که هنوز دانشمندان دارند رویش کار میکنند و تاکنون به جایی نرسیده اند.

ترجمه تفسیری آزاد

بسم الله الرحمن الرحيم

منزه است خداوند که بنده اش را شبانه از مسجدالحرام تا مسجدالاقصى که اطرافش را برکت داده سیر داد تا بعضی از آیاتش را به او بنماید که خداوند البته شنوای بینا است

(۱)

اسراء ۲ آیات ۸ تا ۸

وَاتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ أَلَّا تَتَّخِذُوا مِن دُونِي وَكَيْلًا ﴿٢﴾ ذُرِّيَّةَ مَنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا ﴿٣﴾ وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنٍ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا ﴿٤﴾ فإِذَا جَاء وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُؤْيِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا ﴿٥﴾ ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَيْنَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا ﴿٦﴾ إِنَّ أَحْسَنَهُمْ أَحْسَنُكُمْ لِأَنفُسِكُمْ وَإِن أَسَأْتُمْ فَلَهَا فَإِذَا جَاء وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُوءُوا وُجُوهَكُمْ وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَلِيُتَبَرَّوْا مَا عَلُوا تُثِيرًا ﴿٧﴾ عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يَرْحَمَكُمْ وَإِن عُدتُّمْ عَدْنَا وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا ﴿٨﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت قبل نشان داده ایم که مطابق ذیل است:

درس: کمک همه جانبه الهی به پیامبر برای پیگیری رسالتش که ساخته شدن انسان باشد.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: امیدواری دادن به پیامبر که امت او بر یهود پیروز خواهد شد.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

وَاتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ أَلَّا تَتَّخِذُوا مِن دُونِي وَكَيْلًا ﴿٢﴾
ریزدرپ: به موسی آن کتاب را با پیام یکتاپرستی دادیم.

۲

ذُرِّيَّةَ مَنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا ﴿٣﴾
ریزدرپ: مخاطبان آن کتاب از فرزندان نجات یافتگان با کشتی نوح بودند.

وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا ﴿٤﴾ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا ﴿٥﴾ ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكِرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَيْنَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا ﴿٦﴾ إِنَّ أَحْسَنَهُمْ أَحْسَنُكُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُوءُوا وُجُوهَكُمْ وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أُولَٰئِكَ مَرَّةً وَالْيَتْرَؤُا مَا عُلُوًّا تَنْبِيرًا ﴿٧﴾

ریزدرب: بنی اسرائیل مذکور راه بدجنسی را رفتند و یکبار گوشمالی شدید شدند و بازهم خواهند شد.

عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يَرْحَمَكُمْ وَإِنْ عُدتُّمْ عُدْنَا وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا ﴿٨﴾

ریزدرب: بنی اسرائیل مگر اینکه روش صحیح را در پیش گیرند، ولی اگر بازهم مسیر بدجنسی را بروند با گوشمالی سخت منقرض خواهند شد.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لَبَّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ که ابتدای ورود به سوره است شرحی از نشان دادن بعضی از آیات الهی در جهت آموزش و کمک و تقویت مواضع رسولانه به پیامبر - ص - میدهد.

در این پاراگراف می فرماید: یهودیان در خلاف جهت تعالیمشان درگیری هائی داشته و دارند و خواهند داشت که بالاخره به شکست کامل و اضمحلالشان منجر خواهد

شد.

۴ - سوالات

- ۱ - منظور از وکیل (آیه ۲) چیست؟
- ۲ - فرق دو کلمه «کتاب» در آیه های ۲ و ۴ چیست؟
- ۳ - در این پاراگراف خداوند طوری صحبت میکند که انگار بنی اسرائیل علیرغم گذشت مدت طولانی، و فراز و نشیب های متنوع، دارای «یک مشخصات ثابت هویتی» هستند، (لتفسدن لتعلن علیکم لکم امددناکم جعلناکم احسنتم اساتم وجوهکم ربکم یرحمکم عدتم) چرا خداوند این نوع سخن گفتن را برگزیده؟
- ۴ - حالت کلی این پاراگراف چگونه است؟ (هشدار؟ اخبار؟ یا ...؟)

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

از آیه های ۴ تا ۸ فهمیده میشود که مقارن نزول این آیات رفتار برخی از یهودیان سبب نوعی نگرانی در ذهن آنحضرت بوده، و در این آیات به آنحضرت تلویحا میفرماید که آنها یا باید رفتارشان را تصحیح کنند یا نابود خواهند شد.

۶ - زاویه با تفاسیر رایج

(المیزان) : از مقایسه میان وعد اول یعنی جمله " بَعَثْنَا عَلَیْكُمْ عِبَادًا لَنَا ... " و وعد دوم یعنی جمله " لَیْسُوْا وُجُوْهُكُمْ ... " این معنا به دست می آید که وعده دوم بر بنی اسرائیل سخت تر بوده و در آن وعده نزدیک بوده که به کلی نابود شوند، و در دلالت بر این معنا همین عبارت کافی است که فرمود: " وَ لَیْتَبَّرُوا مَا عَلَوْا تَتَّبِرًا ".

و معنای آیه این است که وقتی زمان وعده دوم رسید، یعنی بنی اسرائیل افساد بار دوم خود را از حد گذراندند ما همان بندگان خود را واداشتیم تا با فراهم آوردن اسباب حزن و اندوه و تحقق بخشیدن ذلت و مسکنت آنان چهره هایشان را اندوهگین نموده و نیز مانند نوبت نخستین وارد مسجد اقصی شوند و هر چه را که بر آن غلبه یافتند هلاک نموده و سرزمینهایی را که از آن عبور کردند ویران سازند.

اگر به محتوای آیات مذکور دقت شود بین دو مرحله مذکور ازمنه و دهوری فاصله است، چطور چنین چیزی ممکن است؟ و مگر عمر نسلها چقدر است که «همان» اشخاص بعد از گذشت ازمنه و دهور اساسا زنده باشند، چه رسد به اینکه همان کارها را هم بکنند! بعلاوه، بیان فوق هیچ مستند تاریخی هم ندارد، در حالیکه واقعه اول (بخت النصر و کورش و بابل و ...) اینهمه مستند تاریخی دارد و واقعه پس از

آن هیچ ندارد؟

لذا، به این نتیجه میرسیم که واقعه دوم هنوز به وقوع نپیوسته است.

۷ - پیشگویی های تحقق یافته

در قسمت «شرح مختصر» مطلبی راجع به «آینده اسرائیل» قرار داده ایم که به درد تیترا فوق میخورد.

گرچه موضوع فوق هنوز وقوع نیافته، اما قریب الوقوع بودن آن واضح است.

۸ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره ها، تقریباً تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

آینده اسرائیل

آیه های ۲ و ۳ مقدمه ای است که مخاطب از روی آنها به این نکته می رسد که بنی اسرائیل که اینهمه مورد لطف و انعام الهی بودند باید قاعدتاً رفتار نیکو و عمل صالح نشان دهند اما از آیه ۴ فهمیده می شود که آنها علیرغم لطف و محبت الهی به راه غلط رفتند و اهل فساد و استکبار شدند.

از بقیه آیات این پاراگراف فهمیده می شود آنها دو بار به فساد در زمین می پردازند و یکبار آن به سرکوبی شدید و پراکندگی و بیچارگی آنها منجر شد که داستان بخت النصر و آوارگی و ذلت و اسارت یهودیان در بابل را همگان می دانیم.

در آیه ۶ می فرماید شما دوباره به قدرت و عزت می رسید.

سؤال این است که یهودیان دوباره چه هنگام به قدرت و عزت رسیدند؟

در جواب باید گفت که یهودیان هرگز به قدرت و عزت نرسیدند و همواره زیردست دیگران بودند تا اینکه پیش از پایان جنگ جهانی اول در ۱۹۱۹ و تجزیه کشور بسیار بزرگ عثمانی با کمک مستقیم انگلستان و رضایت بقیه کشورهای مهم اروپائی در نقشه و توطئه ای بسیار بزرگ، عده زیادی یهودی را به انحاء طرق وارد مجموعه سرزمین فلسطین نمودند، و اینها دائماً به همه طرق خلاف، همه نوع اعمال غیر انسانی مرتکب میشدند و با سکوت و در عین حال کمک انگلستان و فرانسه و ایالات متحده حمایت میشدند تا اینکه پس از پایان جنگ دوم، کشور اسرائیل را تشکیل

دادند که فوراً به رسمیت شناخته شد و در سال ۱۹۴۸ به عضویت سازمان ملل در آمد.

لذا آیه ۶ ناظر به همین چند دهه اخیر است.

بنابراین، «وعده دوم» که در آیه ۷ به آن اشاره شده که نابودی حکومت آنها و پراکندگی آنها را در شهرها و نابودی آثار قدرتشان را در پی دارد ناظر به همین اسرائیل موجود است، و این وعده‌ای است الهی و براساس آیه ۴ جزء «مقدرات» است و حتماً واقع خواهد شد مگر اینکه آنها چنانکه در اول آیه ۷ آمده است «احسان» کنند که اصلاً با ذات و صفات و خمیره جماعت «بنی اسرائیل» قرابتی ندارد و آنها اصلاً نمی‌فهمند احسان چیست و اساساً از بنی اسرائیل «ترک شر» متصور نیست چه رسد به «احسان»

لذا پیش بینی میشود آنها همین روندی را که دارند طی می‌کنند، که عبارت است از قتل و ترور و تجاوز به حقوق انسانی و آزار ضعفا و حق را باطل جلوه دادن و برعکس، باز هم همین روند را طی خواهند کرد و نابودیشان هم در همین است و کسی که اندکی قدرت تحلیل و بینش داشته باشد خواهد دید آثارش نیز هم اکنون پیدا است زیرا اسرائیلی‌ها در اقیانوسی از کسانی محصور شده‌اند که شدت از آنها نفرت دارند و آنها هم از هیچ عمل غیرانسانی خودداری نمی‌کنند و اینک تنها نقطه اتکایشان به آمریکاست که هزینه‌های نظامی و سیاسی و اطلاعاتی و اقتصادی آنها را می‌دهد.

اینک که روز آگاهی ملتهاست، کم‌کم این سؤال دارد برای مالیات‌دهنده امریکائی پیش می‌آید که من چرا باید این هزینه‌های سنگین این دولت وابسته را بدهم که با پول من آدمکشی و جنایت و فساد کند؟ (توجه کنید به سخنرانی‌های انتخابی برنی سندرز که چه همزمان با سخنرانی انتخاباتی ترامپ و چه همزمان با سخنرانی انتخاباتی بایدن گفته، و قبل از آن هم میگفته و حالا هم میگوید و بسیار کسان دیگری هم هستند که چنین می‌گویند، و این گفتمان دارد بطور روزافزون قوی و پررنگ میشود.

کم‌کم کمکها قطع و اسرائیل در آن اقیانوس تنها خواهدماند و آیه ۷ محقق می‌شود، علاوه بر این یک «جریان» دیگر هم هست که به موازات جریان اول پیش می‌رود و آنهم رشد خودآگاهی ملل مسلمان است که این دو جریان در طول زمان تقویت شده و بالاخره آنچه که باید بشود خواهد شد.

اما در داخل اسرائیل نیز وضع خیلی - به تعبیر آنها - اسفبار شده است، بطوریکه حتی

قبل از سقوط دولتهای تونس و مصر، (در جریان موسوم به «بهار عربی») نخست وزیر اسبق اسرائیل -ایهودباراک- از حزیش کناره گیری کرده و یک حزب طرفدار صلح با فلسطین تشکیل داده و رئیس سابق موساد هم درمصاحبه ای گفته زمان به ضرر ما دارد پیش میرود و ما باید فوراً تغییر استراتژی بدهیم و پروژه صلح را جدی گرفته به آن سرعت دهیم.

ازسوی دیگرحامیان خیلی اصلی اسرائیل - امریکا ، آلمان ، انگلیس ، و فرانسه ، و امثالهم - نیزدیگر درآن موضع سابق «حمایت بی دریغ همه جانبه به هرقیمت» نیستند.

حزب الله لبنان و جنبش حماس نیز آوازه «بی شکست بودن» اسرائیل را شکستند و دوبار طعم شکست مفتضحانه را به آنان چشانند.

فعلاً این جدی ترین نشانه آغاز افول اسرائیل است. افولی که به دلیل وجود عوامل ذیل، از این پس، سرعت خواهد گرفت:

۱ - ادامه «بدذاتی اسرائیلی»

۲ - نفرت از اسرائیل در اقیانوس انسانی محیط بر آنان

۳ - شل شدن حمایت بیدریغ حامیان سنتی اسرائیل

۴ - قوی تر شدن موضع فلسطینیان و مخالفان اسرائیل

خلاصه اینکه عامل های ۳ و ۴ بطور رواز افزون دارند پر رنگ تر میشوند، و عامل ۱ نیز غیر قابل تخفیف است زیرا «ذاتی» است، و راجع به عامل ۲ نیز چه بگوئیم که واضح است.

ایجاد دولت اسرائیل در محل کنونی، در نیمه اول قرن بیستم به سود اروپا و امریکا بود، زیرا در محلی بود که نزدیک به دوسوم نفت مورد نیاز جهان صنعتی از آنها راهی مراکز مصرف میشد، اما امروز، نفت دارد به یکی از بی اهمیت ترین کالاها بدل میشود، و این چیزی است که عیان است، ضمناً، بحث جاری تفسیر این پاراگراف قرآنی است، و بیش از این صرف چنین موضوعی که همه میدانند، نمیکنیم.

ترجمه تفسیری آزاد

ای پیامبر! به موسی تورات را داده و آنرا برای بنی اسرائیل هدایتی قرار دادیم که جز من تکیه گاهی مگیرید (۲)

آنها فرزندان کسانی بودند که با نوح حملشان کرده بودیم که نوح بنده ای شکرگزار بود (۳)

و درباره آنان در کتابِ تقدیرات الهی چنین مقرر شده که ای بنی اسرائیل حتماً دوبار در زمین فساد نموده و سرکشی بزرگی خواهید کرد (۴) آنها به فساد پرداختند و وقتیکه موعد اولشان سر رسید به آنها فهماندیم که بنده ای از بندگان خویش را علیه شما برگماشتیم که بسیار نیرومند است و او بر اینها مسلط شد تا اینکه درون شهرهایشان را نیز جستجو کردند و این وعده ای بوده که قبلاً انجام شده است (۵)

ای بنی اسرائیل سپس شما را مجدداً به اموال و فرزندان مددتان دادیم و شما را قوی تر نمودیم (۶) اینک اگر احسان کردید بنفع خودتان است و اگر هم بدی کردید به ضرر خودتان خواهد بود، و وقتیکه موعد دوم بیاید چهره هایتان اندوه بار خواهد شد و آنها حتماً داخل آن مسجد میشوند همانطور که آن قبلی ها بار اول شدند و آنچه را که برآن مسلط شوند نابود خواهند کرد (۷)

چه بسا پروردگارتان به شما رحم کند و اگر از رفتارهای سوءتان بازگشتید ما نیز به نظر رفت به شما باز میگردیم، و جهنم را برای کافران مانند زندان قرار داده ایم (۸)

اسراء ۳ آیات ۲۱ تا ۹

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّذِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا ﴿٩﴾ وَأَنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٠﴾ وَيَدْعُ الْإِنْسَانَ بِالْشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا ﴿١١﴾ وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَاتٍ فَمَخُونَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِنَبْتَلِيَ فُضُلًا مِّن رَّبِّكُمْ وَلِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ وَكُلَّ شَيْءٍ فَضَّلْنَاهُ تَفْصِيلًا ﴿١٢﴾ وَكُلَّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنْشُورًا ﴿١٣﴾ أَفَرَأَى كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا ﴿١٤﴾ مَن اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَن ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا ﴿١٥﴾ وَإِذَا أَرَدْنَا أَن نُّهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا ﴿١٦﴾ وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنَ الْقُرُونِ مِن بَعْدِ نُوحٍ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا ﴿١٧﴾ مَن كَانَ يُرِيدِ الْعَاجِلَةَ عَجَلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَن نُّرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلَاهَا مَذْمُومًا مَّدْحُورًا ﴿١٨﴾ وَمَن أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَّشْكُورًا ﴿١٩﴾ كَلَّا بُدْ هَؤُلَاءِ وَهَؤُلَاءِ مِّنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا ﴿٢٠﴾ انظُرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ وَلَآخِرَةُ أَكْبَرُ دَرَجَاتٍ وَأَكْبَرُ تَفْصِيلًا ﴿٢١﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول نشان داده ایم، مطابق ذیل است:

درس: کمک همه جانبه الهی به پیامبر برای پیگیری رسالتش که ساخته شدن انسان باشد.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: این قرآن هدایت کننده، و برخی «قوانین الهی» که به آنحضرت نموده شده، از نمونه های کمک های الهی است.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا ﴿٩﴾ وَأَنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ أَغْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٠﴾

ریزدرب: این قرآن هدایت کننده، از نمونه های مهم کمک های الهی است.

۲

وَيَذِّعُ الْإِنْسَانَ بِالضَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْحَيْرِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا ﴿١١﴾

ریزدرب: اما، یکی از مشکلات رسالت وجود برخی از مخاطبان رسالت است.

۳

وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَاتَيْنِ فَمَحْوِنَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِّتَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ وَلِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ وَكُلُّ شَيْءٍ فَصَلْنَاهُ تَفْصِيلًا ﴿١٢﴾

ریزدرب: عناصری که ظاهرا با یکدیگر ضدیت دارند، در مجموع مکمل یکدیگرند و برای ساخته شدن انسان بسیار مفیدند.

۴

وَكُلِّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنشُورًا ﴿١٣﴾ أَقْرَأَ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا ﴿١٤﴾

ریزدرب: موضوع اصلی رسالت، جلب توجه مخاطبان به عاقبت اخروی شان است.

۵

مَنْ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا ﴿١٥﴾

ریزدرب: هرکس به موضوع رسالت واکنش شایسته نشان داد به نفع خویش کار کرده است.

۶

وَإِذَا أَرَدْنَا أَن نُّهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا ﴿١٦﴾ وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنَ الْقُرُونِ مِن بَعْدِ نُوحٍ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا ﴿١٧﴾

ریزدرپ: یکی از مکانیزم های برطرف کننده موانع رسالت این است.

۷

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلَاهَا مَذْمُومًا مَذْخُورًا ﴿١٨﴾ وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا ﴿١٩﴾ كَلَّا تُمَدُّ هُؤَلَاءُ وَهَؤَلَاءُ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا ﴿٢٠﴾

ریزدرپ: محل تلاقی موضوع رسالت با موانع آن.

۸

انظُرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ وَلَآخِرَةُ أَكْبَرُ دَرَجَاتٍ وَأَكْبَرُ تَفْضِيلًا ﴿٢١﴾

ریزدرپ: ای پیامبر! واکنش ها به رسالت، هم مختلف، و هم در هر گروه (اعم از موافق و مخالف) دارای درجات متفاوت خواهد بود.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

تَبَّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ که ابتدای ورود به سوره است شرحی از نشان دادن بعضی آیات الهی در جهت آموزش و کمک و تقویت مواضع رسولانه به پیامبر - ص - میدهد.

در پاراگراف ۲ می فرماید: یهودیان در خلاف جهت تعالیمشان درگیری هائی داشته و دارند و خواهند داشت که بالاخره به شکست کامل و اضمحلالشان منجر خواهد شد.

در این پاراگراف می فرماید: ای پیامبر! همه جور به تو کمک کرده ایم، این قرآنی که تو رابه آن مجهز کرده ایم یکی از مصادیق بارز کمکهای ما است ولی به خاطر داشته

باش که این قرآن شرط لازم هدایت است نه شرط کافی. و ای کافران! چرا نگاه خود را به زندگی خراب می کنید و بجای اینکه به راه این رسول و این قرآن بیایید، چیزی را طلب میکنید که به ضررتان است؟ و ای پیامبر! قوانین مراجع به هلاکت جوامع و چگونگی بدست آوردن خواسته های دنیوی و اخروی اینهاست.

۴ - سوالات

- ۱ - وضع کلمه «هذا» در آیه ۹ چگونه است؟ (تاکید؟ اشاره قوی؟ یا...؟)
- ۲ - چرا بجای «للتی هی اقوم» نفرموده «للاقوم»؟
- ۳ - برای قرآن سه ماموریت برشمرده: ۱- هدایت به اقوم ۲- مژده... ۳- هشدار... سوال این است: آیا ۲ و ۳ فرع بر ۱ است؟ یا اینکه همعرض ۱ هستند؟
- ۴ - منظور از «قرآن» چیست؟ (آنچه از وحی که از ابتدا تا این آیه نازل شده؟ مجموع آنچه از ابتدای وحی نازل شده و تا آخر وحی خواهد شد؟ یا...؟)
- ۵ - منظور از «طائر» (آیه ۱۳) چیست؟
- ۶ - با توجه به آیه های ۱۳ و ۱۴ و سیستم های الکترونیک امروزی، میتوانید مثلی بزنید؟
- ۷ - با توجه به قسمت انتهائی آیه ۱۵ قلمرو «عذاب» مذکور کجاست؟
- ۸ - آیا «شر» و «خیر» در آیه ۱۱ به معنی لغوی خویش ذکر شده یا به معنی اصطلاحی؟
- ۹ - منظور از «انسان» در آیه ۱۱ چیست؟ (همه انسانها؟ اکثریت انسانها؟ یا...؟)
- ۱۰ - در آیه ۱۵، سه قانون از قوانین الهی را ذکر فرموده، آنها را مشخص کنید.
- ۱۱ - منظور از «دعاء» (آیه ۱۱) چیست؟
- ۱۲ - فرق اراده خداوند (آیه های ۱۶ و ۱۸) و خواست خداوند (آیه ۱۸) چیست؟
- ۱۳ - آیا «امرنا مترفیها» (آیه ۱۶) با تیتیر پر تکرار «فعل خدا قانونمندانست» قابل توضیح هست؟
- ۱۴ - منظور از «قول» (آیه ۱۶) چیست؟
- ۱۵ - از متن آیه ۱۶ چه شبهه ای قابل استخراج است و جواب آن چیست؟
- ۱۶ - طرز سخن گفتن خداوندی در آیه ۱۶ از چه نوع است؟ (به زبان مخاطب؟ یا...؟)
- ۱۷ - نیمه اول آیه ۲۰، چه شباهتی با کدام قسمت سوره لیل دارد؟
- ۱۸ - منظور از «عاجله» (آیه ۱۸) چیست؟

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

از آیه ۱۱ فهمیده میشود در زمان نزول این سوره مخالفان تعالیم قرآن اکثریت مطلق داشته اند.

از آیه ۱۲ فهمیده میشود عرب معاصر نزول این سوره به ریاضیات سطح پائینی که متکی به نجوم بسیار ابتدائی آن زمان بوده، دسترسی داشته است.

از آیه ۲۱ فهمیده میشود در جامعه مکه آن روزها اختلاف طبقاتی قابل توجهی موجود بوده است.

۶ - آیات برجسته این پاراگراف

آیه ۹، و بخصوص نیمه اول آن (ان هذا القران یهدی للتی هی اقوم)، از برجسته ترین آیات کل قرآن است، و چون از لحاظ ملاک های برجستگی (اقبال و استقبال و محتوا) واضح است، شرحی نمیدهیم.

آیه های ۱۳ و ۱۴، از این لحاظ که توسط وعاظ در منابر، و نیز در کتب اعتقادی و اخلاقی بسیار ذکر میشوند، از آیات برجسته محسوب میگردند. همچنین است موقعیت آیات ۱۸ تا ۲۰.

۷ - کدام مطالب این پاراگراف «بی ربط» به نظر میرسد؟

آیه ۱۲ به نظر ناواردان چنین به نظر میرسد، زیرا «پرانتری» است، دلیلش هم اینکه اگر چشم بر آن بندیدیم و قبل و بعدش را وصل کنیم خواهیم دید روال سخن صاف و بی سکنه خواهد بود.

۸ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

جمله «وکل شی فصلناه تفصیلا» (آیه ۱۲) نه تنها فوق ذهنیات مخاطبان اولیه، بلکه فوق ذهنیات ما ها (بشر قرن بیست و یکی) نیز هست.

آیه های ۱۳ و ۱۴ «قیامتی» است و بطور مطلق فوق ذهنیات هر بنی بشری است.

۹ - پیشگوئی های تحقق یافته

در آیه ۹ مجموع نزولات وحی (از ابتدا تاکنون) را قرآن نامیده و چنانکه قبلا گفته

ایم، این نیز از نوع پیشگوئی تحقق یافته است.

۱۰- کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیه های ۱۰ و ۱۷، بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلید های تفسیری

بحث متنی

در این پاراگراف سه خاصیت برای قرآن ذکر شده :

۱- هدایت به آنچه که «قوم» است،

۲- مژده‌دهی،

۳- هشدار دهی.

چون ردیف ۲ و ۳ مثال‌هایی از راه‌های حصول ردیف ۱ است،

لذا فرعی هستند و قسمت اصلی مطلب پاراگراف، همان ۷ کلمه ابتدای آیه ۹ می- باشد.

مأموریت اصلی قرآن

قرآن کریم علیرغم آنهمه لطایف و ظرایفی که دارد و تاکنون در طول این چهارده قرن، گوشه‌های کوچکی از آن ظاهر شده، مأموریت اصلی همان دو مورد فوق است یعنی بشارتِ پاداشِ مؤمنانِ دارایِ عملِ صالح ، و هشدار به کسانی که به آخرت ایمان ندارند.

بنابراین، «چیزی که استوارتر است» را باید در همین دو نکته جستجو کرد.

یعنی اینکه «چیزی که استوارتر است»، همان زندگی اخروی است.

و بالاخره یعنی اینکه قرآن هدایت می‌کند که در آن زندگی بعدی اوضاع و احوال خوب و شایسته‌ای احراز شود.

البته این معارفِ بالائی که در قرآن مطرح است پس از درک امکان حیات اخروی و در اثر توجه به آن (و کنجکاوای حاصله از آن) مورد توجه واقع میشود.

چنانکه ملاحظه می‌فرمائید، ایمان را کلی ذکر کرده و آن را کافی ندانسته و مشروط به عمل صالح نموده، اما بی‌ایمانی را در رابطه با آخرت برجسته کرده است.

نکته‌اش هم این است که بی‌ایمانی به آخرت، ریشه همه بی‌ایمانی‌ها و سپس ریشه

کفرها و تکذیبها و پس از آن ریشه همه خلافتکاریها و بزهها و جنایات و غیره و غیره است.

خیر و شر

خیر در اینجا به معنی (چیزی که به نظر خیر می آید) است، و شر هم همینطور یعنی چیزی که به نظر شر می آید. منظور آیه این است که اکثریت انسانها در اثر عجله ذاتی خویش در شناخت خیر و شر واقعی دقت لازم را نمیکند و دنبال چیزی میروند که برایشان بد است.

ارائه آموزشهای اساسی به پیامبر(ص) در این پاراگراف

قوانینی که در این پاراگراف به پیامبر اکرم(ص) آموزش داده شده عبارت است از:

- ۱ - انسان همانطور که خواهان خیر است خواهان شر نیز هست (آیه ۱۱)
- ۲ - انسان عجول است (آیه ۱۱)
- ۳ - قرار دادن شب و روز چند علت دارد:
 - ۱ - ۳- تا در جستجوی روزی باشید،
 - ۲ - ۳- تا بتوانید تقویم درست کنید،
 - ۳ - ۳ تا علم حساب را فرا گیرید (آیه ۱۲)
- ۴ - خود آدمی برای حسابرسی خویش کفایت (آیه ۱۴)
- ۵ - وزر و وبال کسی به گردن دیگری نمی افتد (آیه ۱۵)
- ۶ - عذاب، پس از آگاهی است (آیه ۱۵)
- ۷ - هلاکت ملتها پس از فساد است (آیه ۱۶)
- ۸ - فساد در اثر خوشگذرانی مرفهان پیش می آید (۱۷)
- ۹ - پیشرفت کارها در این جهان به ایمان و کفر بستگی ندارد (آیه ۱۷)
- ۱۰ - معلوم نیست خواهندگان دنیا هم به هدفشان برسند (آیه ۱۸)
- ۱۱ - خواهندگان آخرت نیز در صورت ایمان فقط به اندازه سعی شان خواهند گرفت (آیه ۱۹)
- ۱۲ - در این جهان، هر کس برای پیگیری هدفش (اعم از دنیایی یا آخرتی، خیر یا شر) از قوت و عطای الهی بهره می برد (آیه ۲۰)
- ۱۳ - فاصله های موقعیتها در آخرت بزرگتر است (آیه ۲۱)

تشریح مجموع قوانین الهی فوق چه اثری روی پیامبر(ص) و نیز روی پیروان آنحضرت می گذاشت؟

بنظر می آید آیات فوق قوی ترین و نافذ ترین اثری که روی مخاطب می گذارد، این است که اساساً شخصیتش را تکامل می بخشد و ظرفیت هایش را بالا می برد و او را از کودکی در می آورد و برای «برخورد کامل با مشکل» آماده می کند.

آیات فوق، «آیات آدم‌سازی» است.

از آیه ۱۱ فهمیده می‌شود که معلوم نیست آنچه که آدمی می‌خواهد بنفع او باشد. سازندگی که در این نکته نهفته است این است که مؤمن باید خیر و شر را بشناسد. یعنی در این آیه، آدمی از «حال خوش کودکی» و «جهان بینی کوچک بچگانه» و «جبازی کودکان» بیرون می‌آید و قدم به دنیای فهم و کمال و واقعیات می‌گذارد. در آیه ۱۲ به صراحت می‌فرماید ای انسان! این جهان را طوری آفریدیم که تو رشد کنی. برای رشد تو این جهان را اینطوری آفریدیم. و معلوم می‌شود جستجوی روزی، یعنی مجموعه فعالیت‌های اقتصادی، و گاه شماری و فراگیری ریاضیات، از جمله وسائل رشد آدمی است.

یعنی کسی که می‌تواند زندگیش را اداره کند، مطلوب‌تر است از کسی که نمی‌تواند و کسی که از گذشت ایام و سرگذشت پیشینیان عبرت می‌گیرد و نتایج آن را در زندگیش بکار می‌برد، مطلوب‌تر است از کسی که چنین نمی‌کند و کسی که اهل محاسبه و استنتاجات ریاضی است، مطلوب‌تر است از کسی که بی‌سواد است و نمی‌تواند چنان کند.

یعنی اینکه خداوند می‌خواهد آدمی زندگی خودش را اداره کند و از تجربه دیگران بهره برداری نماید و به فعالیت‌های ذهنی پیچیده بپردازد.

با آیه‌های ۱۳ و ۱۴ در سوره‌های قلبی («نامه اعمال») آشنا شده ایم.

از آیه ۱۶ فهمیده می‌شود خوشگذرانی فساد و گناه می‌آورد و مقدمه هلاکت است. همیشه به دنبال خوشی بودن جستجوی کودکی است و ضد رشد و تکامل است. دانش‌آموزی که زحمت نکشد در امتحان قبول نمی‌شود. بعلاوه برای فهم این آیه توجه مجدد به تیتراژ «فعل خدا قانونمنداست» لازم است.

در آیات ۲۰ تا ۲۱ خداوند مردم این جهان را به دو بخش مؤمن و کافر تقسیم نکرده که هرچه مؤمن بخواهد برایش فراهم شود و هرچه کافر بخواهد خلاف آن عمل شود. خداوند این جهان را اینطور قرار داده که شاید هر کس بتواند نتیجه عمل خود را بگیرد.

یعنی اگر عمل نکنی، حتماً نتیجه‌ای هم نخواهی گرفت. اما اگر عمل کنی، شاید به نتیجه دلخواه خویش برسی و شاید هم نرسی. این مربوط به فیزیک این جهان است. اما راجع به آن جهان، فقط خواسته قلبی کافی نیست. سعی هم لازم است اگر سعی کنی، البته باندازه سعی‌ات بهره آن جهانی خواهی داشت.

چه نکته «آدم‌سازی» در این آیات است؟

کمترین آن این است که مسلمانان را «اهل عمل» بار می‌آورد نه اینکه مانند شاه سلطان حسین وقتی که دشمن تا پشت دیوارهای قصر هم آمده است، او برای دفع آنها کتاب دعا بدست بگیرد و از خدا بخواهد که شر آنها را با روش‌های ماورائی دور کند.

خلاصه اینکه آیات فوق، تماماً در جهت این است که آدمی را از حالات بچه‌گانه درآورده و به بلوغ شخصیتی برساند.

بخصوص در مورد مخاطب‌های اولیه، در این جهت است که آنها را کمک کند بخوبی بیایند و با مشکلات «برخورد کامل» کنند و از راه «درگیری کامل با مشکلات» از آن حالت تنگی و فشار و آزار و اذیت در بیایند و بجائی برسند که رسیدند. و سخن در این خصوص زیاد است و ما خلاصه کرده‌ایم.

ترجمه تفسیری آزاد

البته این قرآن به چیزی که محکمتر و استوارتر است هدایت میکند و مومنانی را که عمل صالح می‌کنند مژده میدهد که پاداشی بزرگ خواهند داشت (۹) و اینکه برای کسانی که به آخرت ایمان ندارند عذابی دردناک آماده شده است (۱۰)

و اکثر انسان‌ها چیزی را که واقعا برایشان بد است همانطور طلب میکنند که انگار دارند چیز خوب را طلب میکنند، زیرا که انسان عجول است (۱۱)

شب و روز را دو آیت قرار دادیم، و نشانه شب را محو و نشانه روز را تابان مینماییم تا از فضل پروردگارتان بجویند و شماره سالها و نیز حساب کردن را یادگیرید و همه چیز را فصل بندی دقیقی کرده ایم (۱۲)

و در مورد هر انسان سرگذشتش را بر گردنش می‌آویزیم و روز قیامت آنرا بصورت کارنامه ای گشاده برایش بیرون می‌آوریم (۱۳) در آن موقعیت به او الهام میشود که خودت کارنامه ات را بخوان که خودت برای حسابرسی خویش کافی هستی (۱۴)

کسی که دنبال هدایت باشد جز این نیست که بنفع خویش هدایت شده و کسی هم که گمراه شد جز این نیست که به ضرر خویش گمراه شده و هیچ کس بار دیگری

را بر نمی دارد، و ما قبل از اینکه رسولی برانگیخته باشیم عذاب نمی کنیم (۱۵)

و هنگامیکه بخواهیم شهری را هلاک کنیم، خوشگذرانهایش در آن گناه میکنند، سپس آن حکم بر آن فرود می آید و آنگاه نابودش می کنیم (۱۶)

و چه بسا اقوامی که پس از قوم نوح هلاکشان کردیم و پروردگار برای آگاهی بر گناهان بندگانش کافی است (۱۷)

هرکس که لذت های دنیای زودگذر را بخواهد برای او آنچه لیاقتش باشد، برای هر کس که صلاح بدانیم، در آن پیش می آوریم، آنگاه جهنم را خواهد داشت که سرزنش شده رانده شده در آن خواهد افتاد (۱۸) و کسی که آخرت را بخواهد و برای آن سعی کند، و مومن هم باشد، البته سعیش مورد قدردانی خواهد بود (۱۹)

همگی آنها را و اینها را، از عطاء پروردگار مدد میدهیم، و عطاء پروردگار جلوگیری ندارد (۲۰)

ببین چگونه بعضی را بر بعضی برتری دادیم، و در آخرت نیز، هم درجات و هم برتری ها، بزرگتر خواهد بود (۲۱)

اسراء ۴ آیات ۳۹ تا ۳۹

لَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتُنْقَضَ مَدْعُومًا مَخْدُولًا ﴿٢٢﴾ وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَنْبَغُ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا ﴿٢٣﴾ وَاحْفَظْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا ﴿٢٤﴾ رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا فِي نُفُوسِكُمْ إِنْ تَكُونُوا صَالِحِينَ فَإِنَّهُ كَانَ لِلأُوَّابِينَ غَفُورًا ﴿٢٥﴾ وَآتَ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا ﴿٢٦﴾ إِنَّ الْمُبْتَدِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا ﴿٢٧﴾ وَإِنَّمَا تُعْرَضُونَ عَنْهُمْ رَبِّعَاءَ رَحْمَةٍ مِنْ رَبِّكَ تَرْجُوهَا فَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا مَيْسُورًا ﴿٢٨﴾ وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَحْسُورًا ﴿٢٩﴾ إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا ﴿٣٠﴾ وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ حَشِيمَةً إِفْلَاقٍ مَخْنُوعٍ تَرْتَفِعُهُمْ وَآبَاءَهُمْ إِنْ قَتَلْتُمْ كَانُوا حَطَاءً كَبِيرًا ﴿٣١﴾ وَلَا تَقْرُبُوا الزَّوْجَ إِتْنَهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا ﴿٣٢﴾ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا فَلَا يَسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا ﴿٣٣﴾ وَلَا تَقْرُبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا ﴿٣٤﴾ وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَرِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا ﴿٣٥﴾ وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا ﴿٣٦﴾ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَنْ تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَنْ تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا ﴿٣٧﴾ كُلُّ ذَلِكَ كَانَ سَيِّئُهُ عِنْدَ رَبِّكَ مَكْرُوهًا ﴿٣٨﴾ ذَلِكَ بِمَا أُوْحِيَ إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ وَلَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتُلْقَىٰ فِي جَهَنَّمَ مَلُومًا مَدْحُورًا ﴿٣٩﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
 طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:
درس: کمک همه جانبه الهی به پیامبر برای پیگیری رسالتش که ساخته شدن انسان باشد.
 برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: تشریح مقررات اساسی و اخلاقی و احکامی.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

لَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَقَعَدَ مَذْمُومًا مَحْدُولًا ﴿٢٢﴾

ریزدرب: (آموزش پیامبر): اطاعت بی چون و چرایت فقط مخصوص خداوند باشد.

۲

وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا آفٌ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا ﴿٢٣﴾ وَاحْفَظْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا ﴿٢٤﴾ رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا فِي نُفُوسِكُمْ إِنْ تَكُونُوا صَالِحِينَ فَإِنَّهُ كَانَ لِلأَوَّابِينَ غَفُورًا ﴿٢٥﴾

ریزدرب: (آموزش مردم): به والدین خویش بسیار اهمیت دهید.

۳

وَأْتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تَبْذُرْ نَبْذِيرًا ﴿٢٦﴾ إِنَّ الْمُبْذِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا ﴿٢٧﴾ وَإِمَّا تُعْرِضَنَّ عَنْهُمُ ابْتِغَاءَ رَحْمَةٍ مِّنْ رَبِّكَ تَرْجُوهَا فَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا مَّيْسُورًا ﴿٢٨﴾ وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعَدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا ﴿٢٩﴾ إِنْ رَبُّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا ﴿٣٠﴾

درب: (آموزش به پیامبر و مردم): به انفاق و دستگیری از دیگران اهمیت دهید، ولی زیاده روی نکنید.

۴

وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشِيَةَ إِمْلَاقٍ مَّنْ نَّرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنْ قَتَلْتُمْ كَانَ خَطِئًا كَبِيرًا ﴿٣١﴾

ریزدرب: (آموزش به مردم): رازق واقعی خداست، به زندگی فرزندان خویش اهمیت دهید.

٥

وَلَا تَقْرُبُوا الزَّيْنَىٰ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا ﴿٣٢﴾

ریزدرب : (آموزش به مردم): به پاکی آمیزش جنسی خیلی اهمیت دهید.

٦

وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا فَلَا

يُضْرَفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مُنْضُورًا ﴿٣٣﴾

ریزدرب : (آموزش به مردم): به جان انسانها بسیار اهمیت دهید.

٧

وَلَا تَقْرُبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ

مَسْئُولًا ﴿٣٤﴾ وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا

﴿٣٥﴾

ریزدرب : (آموزش به مردم): به حق دیگران بسیار اهمیت دهید.

٨

وَلَا تَنْفَقْ مِمَّا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَٰئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا

﴿٣٦﴾

ریزدرب : (آموزش به مردم): به حق دیگران بسیار اهمیت دهید.

٩

وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرْحًا إِنَّكَ لَنْ تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَنْ تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا ﴿٣٧﴾ كُلُّ ذَلِكَ كَانَ

سَيِّئُهُ عِنْدَ رَبِّكَ مَكْرُوهًا ﴿٣٨﴾

ریزدرب : (آموزش به مردم): مغرور و خود را مرکز عالم بین، مباشید.

١٠

ذَلِكَ بِمَا أُوْحِيَ إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ وَلَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتُلْقَىٰ فِي جَهَنَّمَ مَلُومًا

مَذْحُورًا ﴿٣٩﴾

ریزدرب: ای پیامبر! چنین با وحی در همه جوانب به خودت و پیروانت کمک میکنیم که در دنیا و آخرت به سعادت برسید.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

تَبِّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ که ابتدای ورود به سوره است شرحی از نشان دادن بعضی از آیات الهی در جهت آموزش و کمک و تقویت مواضع رسولانه به پیامبر - ص - میدهد .
در پاراگراف ۲ می فرماید : یهودیان در خلاف جهت تعلیمشان درگیری هائی داشته و دارند و خواهند داشت که بالاخره به شکست کامل و اضمحلالشان منجر خواهد شد.
در پاراگراف ۳ می فرماید : ای پیامبر ! همه جور به تو کمک کرده ایم ، این قرآنی که تو راه آن مجرب کرده ایم یکی از مصادیق بارز کمکهای ما است ولی به خاطر داشته باش که این قرآن شرط لازم هدایت است نه شرط کافی . و ای کافران! چرا نگاه خود را به زندگی خراب می کنید و بجای اینکه به راه این رسول و این قرآن بیایید ، چیزی را طلب میکنید که به ضررتان است؟ و ای پیامبر ! قوانین مراجع به هلاکت جوامع و چگونگی بدست آوردن خواسته های دنیوی و اخروی اینهاست.

در این پاراگراف تذکرات همه جانبه‌ای به پیامبر (ص) و مسلمانان میدهد و می فرماید برای اینکه بتوانید حضور موثری در جهت ارتقای خویش و سایرین داشته باشید لازم است این صفات را احراز کنید.

۴ - سوالات

- ۱ - از مطالب این پاراگراف چه «حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها» میتوان زد؟
- ۲ - حالت کلی این پاراگراف چگونه است؟ (ارشادی عمومی؟ یا...؟)
- ۳ - این پاراگراف از لحاظ محتوا به چند قطعه مشخص قابل تقطیع است؟

۴ - در آیه ۲۲، آن خطاب سنگین «با خداوند چیز دیگری را به خدائی مگیر» (آنهم خطاب به پیامبر!) چه توضیحی می‌طلبد؟

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

از آیات ۲۲ تا ۳۹ فهمیده میشود اردوگاه ایمان مقارن نزول این آیات به حدی از رشد عمقی و گسترش رسیده بود که نیاز به چیزی شبیه قانون اساسی و قانون مدنی داشت.

۶ - پیشگوئی‌های تحقق یافته

آیات ۲۲ تا ۳۹ حاوی نوعی از قانون اساسی و قانون مدنی است و در ذات خود پیام استقرار و ماندن و ماندگاری دارد و پیشگوئی مهمی است که محقق هم شده است.

۷ - آیات برجسته این پاراگراف

آیه های ۲۳ و ۲۴ به سبب کثرت نقل آنها در منابع و کتب، ونیز در خوشنویسی و کاشیکاری ها، از جمله آیات برجسته قرآنی اند.

۸ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه ۳۶ از لحاظ نوع و مکانیزم احراز مسئولیت، چیزی است که حتی برای ما قرن بیست و یکمی ها نیز شناخته شده نیست، چه رسد به مخاطبان اولیه!

۹ - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟

کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته، در طول این مدت طولانی، از نزول این سوره تا به امروز، از لحاظ تحت اللفظی تغییر معنایی چندانی نیافته، و لذا مخاطب های اولیه نیز از این پاراگراف همان تلقی را میداشته اند که ما.

۱۰ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره ها، تقریباً تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

برخی دریافت های کوتاه و مستقیم

- ۱ - در «ذوی القربی»، الف و لام، الف لام جنس است نه معرفه، دلیلش هم این است که پاراگراف در موضع «قانونگزاری» است.
- ۲ - منظور از «رحمة من ربك» پول و مال است نه معنویات و دلیلش هم خود متن است که نشان میدهد سوژه مورد نظر در بن بست گیر کرده و هم میخواهد کمک کند و هم نمیتواند.
- ۳ - «لا تقتلوا اولادکم» به تفسیری که معطوف به مخاطبان امروز باشد بتواند به منع سقط جنین در اثر تنگدستی تفسیر شود، اما، چون اولین مخاطب های قرآن مسلمانان آن روزها بوده اند، بار تاریخی و جامعه شناسی دارد و لازم است تحقیقی شود و فهمیده شود که در آن روزها اوضاع از چه قرار بوده که این آیه نازل شده؟
- ۴ - موضوع «سلطانا» چند سال بعد در سوره بقره، آیه قصاص، معنی شده است.
- ۵ - «لایسرف فی القتل» نیز همینطور (زیرا آن روزها اینطور بود که اگر کسی کسی را میکشت، قبیله مقتول برای خونخواهی به جنگ قبیله قاتل میرفت و در این راه از هر دو طرف کسانی کشته و مجروح و اموالی به تاراج میرفت و آیه میخواهد بگوید زیاده روی نکنید)
- ۶ - آیه ۳۶ بسته به اینکه در چه حوزه ای مورد عمل باشد موارد بسیار گسترده ای دارد (مثلا دانشگاه ها، سیستم قضائی، حوزه اخلاق، و...) اما چون در این پاراگراف در موضوع قوانین مطرح شده، و خطابش هم مفرد است، به روسای جوامع و حین تصمیم گیری مربوط میشود و معنی اش هم این است که در اخذ تصمیمات بدون علم و شتابزده عمل نکنید و تصمیمات تان فقط عالمانه و عاقلانه باشد.
- ۷ - آیه ۳۹ (که تکراری به نظر میرسد) از باب تاکید است.

اساسی ترین قوانین

در این سوره اولین «احکام» بیان شده است. ظاهراً مجتمع مسلمین در مقطع نزول این سوره به حدی از رشد و بلوغ رسیده که دیگر شایسته «وضع مقررات» شده است. البته قبلاً در سوره های معارج و مؤمنون نوعی «چک لیست» دیدیم، اما آنها جنبه اخلاقی و ارشادی داشتند و «برای عموم» نبودند بلکه الگوهای ارائه شده ای بودند

تا کسانی که استعداد و تمایل بیشتری برای رشد دارند، خود را از روی آنها بسازند. اما آیات این پاراگراف کاملاً فرق می‌کند و «برای عموم» است و چون ساده و عام است می‌توان آنها را «قانون اساسی مجتمع اسلامی» خواند و البته چون فقرات آن واضح و بی‌ابهام است شرح چندانی نمی‌طلبد.

فقط می‌توان گفت که حتی هر خوانند کم دقتی هم می‌فهمد که چیزهائی در آن هست که از نظر قانون‌گذار «مهمترین» است و چیزهائی هم هست که «بسیار مهم» است و چیزهائی هم هست که «مهم» است. مثلاً:

مهمترین‌ها: ۱- توحید با سه بار تأکید (در آیه‌های ۲۲ و ۲۳ و ۳۹)، ۲- رعایت والدین با دو بار تأکید (در آیه‌های ۲۳ و ۲۴)، ۳- رعایت ضعفا با چند بار تأکید (در آیه‌های ۲۶ و ۲۸ و ۳۴)

بسیار مهم‌ها: ۱- اعتدال و میانه‌روی (آیه‌های ۲۶ و ۲۷ و ۲۹)، ۲- اخلاص (آیه ۲۵)، ۳- توکل (آیه ۳۱)، ۴- رعایت حقوق دیگران (آیه ۳۵)

مهم‌ها: ۱- دوری از زنا (آیه ۳۲)، ۲- دوری از قتل (آیه ۳۳)، ۳- دوری از پیگیری چیزی که علمش را نداری (آیه ۳۶)، ۴- دوری از خودپسندی (آیه ۳۷) ضمناً باید راجع به آنجاهائی که پیامبر(ص) مورد عتاب (یا هشدار خیلی شدید) قرار گرفته، (آیه ۲۲ و ۳۹) به توضیحی که در سوره عبس عرض کرده ایم توجه کنید.

چرا برخی آیات خطاب به جمع و برخی خطاب به شخص مفرد است؟

از آیات همین پاراگراف معلوم میشود برخی از اموری که بعداً صراحتاً گناه قلمداد شد و ممنوع گردید، در هنگام نزول این آیات شایع بوده و هنوز زود بود که شارع مقدس به آنها بطور سفت و سخت بپردازد.

اینها مواردی است که به صیغه جمع ذکر شده،

اما، در همین زمان مواردی هم وجود داشته که فقط در سطح نخبگان و سردمداران مورد ابتلاء بوده، و گرچه اهمیت آنها چه بسا از اهمیت موارد نوع اول (از لحاظ تاثیرگذاری روی زندگی و جریان امور) بیشتر هم بوده، اما مرتکبین آنها، به علت اشتغال به مناصب بالاتر، از لحاظ تعداد، کمتر از بقیه بوده و می‌باشند (و در قوم و قبیله خویش به نسبت بقیه تک حساب میشوند) خطاب‌های مفرد مربوط به اینها است.

ترجمه تفسیری آزاد

ای پیامبر! همراه خداوند از دیگری پیروی بی چون و چرا مکن که سرزنش شده رانده شده خواهی گردید (۲۲)

پروردگارت چنین مقرر کرده که تو و پیروانت کسی جز او را عبادت نکنید و با والدین نیکی کنید، اگر یکی از آنها یا هر دو، در نزدتان به سن بالا رسیدند مبدا به آنها حتی «آه» هم بگویید، و آنها را مرانید بلکه با آنها سخنی محترمانه بگوئید (۲۳) و در برابر آنها بامهریانی فروتنی کنید و بگوئید پروردگارا با آنها مهربان باش، همانگونه که آنها هنگام پرورشم مهربان بودند (۲۴)

پروردگارتان به آنچه در دلهایتان میگذرد داناتر است، اگر صالح باشید خواهد دانست و خداوند در مورد توبه کاران آمرزشگر است (۲۵)

ای پیامبر! خودت و پیروانت حق خویشاوند، و بیچاره، و در راه مانده را بدهید، اما ریخت و پاش بیجا مکنید (۲۶) که ریخت و پاش کنندگان از برادران شیاطین اند و شیطان نیز نسبت به پروردگارش ناسپاس است (۲۷) و اگر به علت تنگدستی مجبورید تا زمان بدست آوردن گشایشی از جانب پروردگارتان که امیدش را دارید از خواسته آنان سر بیچید به آنها سخنی نرم بگوئید (۲۸) ای پیامبر! نه آنقدر از گشاده دستی دور شو که گویا دستت را به گردنت زنجیر کرده باشی و نه آن را آنقدر گشاده دار که بزودی دستت خالی شود که سرزنش شده درمانده بنشینی (۲۹)

البته پروردگارت روزی را برای کسی که بخواهد گشاده و تنگ میگیرد که همو نسبت به بندگانش آگاه و بیناست (۳۰)

ای پیروان پیامبر! اولادتان را از نگرانی تنگدستی مکشید، مائیم که هم به شما و هم به آنان روزی میدهیم. البته قتل آنها خطائی بزرگ است (۳۱)

و به زنا حتی نزدیک هم نشوید زیرا که عمل زشتی و راه بدی است (۳۲) و کسی را که خداوند کشتنش را حرام کرده مکشید مگر بر اساس حق، و اگر کسی به ظلم

کشته شود برای ولیّ او حقی قرار دادیم که البته او هم نباید در قصاص اسراف کند و در اینصورت یاری هم خواهد شد (۳۳)

و به مال یتیم جز به شیوه ای که نیکو تر است نزدیک مشوید، تا اینکه به رشدش برسد، و به عهد وفا کنید زیرا که از عهد پرسش میشود (۳۴) و پیمانۀ را هنگام پیمانۀ کردن تمام بدهید و با ترازوی صحیح وزن کنید، که این، هم بهتر و هم نیک فرجام تر است (۳۵)

ای پیامبر! و از آنچه علمش را نداری پیروی مکن که گوش و چشم و دل مورد سؤال واقع میشوند (۳۶) و در زمین خرامان راه مرو که نه میتوانی زمین را بشکافی و نه به بلندی کوهها خواهی رسید (۳۷)

بدی های همه اینها نزد پروردگارت معلوم و ناپسند است (۳۸) اینها چیزهایی بود که پروردگارت از حکمت ها به تو وحی کرد و همراه خداوند چیزی دیگر را به پرستش مگیر که در جهنم افکنده شوی و راندهء سرزنش شده خواهی شد (۳۹)

اسراء ۵ آیات ۴۰ تا ۶۰

أَفَأَصْفَاكُمْ رَبُّكُم بِالْبَنِينَ وَاتَّخَذَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِنَاثًا إِنَّكُمْ لَتَقُولُونَ قَوْلًا عَظِيمًا ﴿٤٠﴾ وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِيَذَّكَّرُوا وَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا نُفُورًا ﴿٤١﴾ قُلْ لَوْ كَانَ مَعَهُ آلِهَةٌ كَمَا يَقُولُونَ إِذًا لَأَبْتَعُوا إِلَىٰ ذِي الْعَرْشِ سَبِيلًا ﴿٤٢﴾ سُبْحَانَكَ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُقُولُونَ غُلُوبًا كَبِيرًا ﴿٤٣﴾ نَسِخَ لَهُ السَّمَاوَاتِ السَّبْعَ وَالْأَرْضَ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ خَلِيمًا غَفُورًا ﴿٤٤﴾ وَإِذَا قُرَأَ الْقُرْآنُ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَسْتُورًا ﴿٤٥﴾ وَجَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَوُوا عَلَىٰ آذَانِهِمْ نُفُورًا ﴿٤٦﴾ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَسْتَمِعُونَ بِهِ إِذْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ وَإِذْ هُمْ نَجْوَىٰ إِذْ يَقُولُ الظَّالِمُونَ إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا ﴿٤٧﴾ انظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا ﴿٤٨﴾ وَقَالُوا أَبَدًا كُنَّا عِظَامًا وَرُفَاتًا أَرَأَيْتُمْ لِمَ كُفِرْتُمْ خَلْقًا جَدِيدًا ﴿٤٩﴾ قُلْ كُونُوا حِجَارَةً أَوْ حديدًا ﴿٥٠﴾ أَوْ خَلْقًا بِمَا كَفَرْتُمْ فِي صُدُورِكُمْ فَسَيَقُولُونَ مَنْ يُعِيدُنَا قُلِ الَّذِي فَطَرَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ فَسَيُنْغِضُونَ إِلَيْكَ رُؤُوسَهُمْ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هُوَ قُلْ عَسَىٰ أَنْ يَكُونَ قَرِيبًا ﴿٥١﴾ يَوْمَ يَدْعُوكُمْ فَتَسْتَجِيبُونَ بِحَمْدِهِ وَتَظُنُّونَ إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٥٢﴾ وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ إِنْ الشَّيْطَانُ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُبِينًا ﴿٥٣﴾ رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِكُمْ إِنْ يَشَأْ يُزْجِمْكُمْ أَوْ إِنْ يَشَأْ يُعَذِّبْكُمْ وَمَا أُرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ وَكِيلًا ﴿٥٤﴾ وَرَبُّكَ أَعْلَمُ بِمَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّينَ عَلَىٰ بَعْضٍ وَآتَيْنَا دَاوُدَ زَبُورًا ﴿٥٥﴾ قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِهِ فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضُّرِّ عَنْكُمْ وَلَا تَحْوِيلًا ﴿٥٦﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحْذُورًا ﴿٥٧﴾ وَإِنْ مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا نَحْنُ مُهْلِكُوهَا قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَوْ مُعَذِّبُوهَا عَذَابًا شَدِيدًا كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا ﴿٥٨﴾ وَمَا مَنَعَنَا أَنْ نُرْسِلَ بِالْآيَاتِ إِلَّا أَنْ كَذَّبَ بِهَا الْأُولُونَ وَآتَيْنَا نُوحًا الْقَافَةَ مُبْصِرَةً فَظَلَمُوا بِهَا وَمَا نُرْسِلُ بِالْآيَاتِ إِلَّا تَحْوِيلًا ﴿٥٩﴾ وَإِذْ قُلْنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَاطَ بِالنَّاسِ وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ وَنُحُوفُهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا ﴿٦٠﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
 طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه داده ایم که مطابق ذیل است:

درس: کمک همه جانبه الهی به پیامبر برای پیگیری رسالتش که ساخته شدن انسان باشد.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: ای پیامبر! به پیروانت چنین آموزش بده و به مشرکان چنین جواب بده، و بعلاوه به آنان بگو اینطور نیست که خداوند معجزات را به درخواست هر کسی ظاهر کند، و اگر آنها به این قرآن اهمیت نمی‌دهند اشکال از خودشان است و ناراحت مباش.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

أَفَاصْفَاكُمْ رَبُّكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ وَأَخَذَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِنَاءًا إِنَّكُمْ لَتَقُولُونَ قَوْلًا عَظِيمًا ﴿٤٠﴾ وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِيَذَّكَّرُوا وَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا نُفُورًا ﴿٤١﴾ قُلْ لَوْ كَانَ مَعَهُ آلِهَةٌ كَمَا يَقُولُونَ إِذًا لَابْتِغَوْا إِلَى ذِي الْعَرْشِ سَبِيلًا ﴿٤٢﴾ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يَقُولُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا ﴿٤٣﴾ نَسِخَ لَهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالسَّيِّئَاتِ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَخِّحْ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَّا تُفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ خَلِيمًا غَفُورًا ﴿٤٤﴾

ریزدرب: ای پیامبر! اینگونه (به کمک وحی) جوابشان را بده.

۲

وَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَسْتُورًا ﴿٤٥﴾ وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَن يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَوَّأَ عَلَى أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا ﴿٤٦﴾ تَخُنَّ أَعْلَمُ بِمَا يَسْتَمِعُونَ بِهِ إِذْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ وَإِذْ هُمْ نَجْوَى إِذْ يَقُولُ الظَّالِمُونَ إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا ﴿٤٧﴾ انظُرْ كَيْفَ صَرَّفُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا ﴿٤٨﴾

ریزدرب: ای پیامبر! به مخالفانت زیاد اهمیت مده و مگذار ذهنت مشغول آنها گردد و خیالت راحت باشد که ما مواظب شان هستیم.

۳

وَقَالُوا أَنَدَا كُنَّا عِظَامًا وَرَفَاتًا إِنَّا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا ﴿٤٩﴾ قُلْ كُونُوا حِجَارَةً أَوْ حديدًا

﴿٥٠﴾ أَوْ خَلَقًا مِّمَّا يَكْبُرُ فِي صُدُورِكُمْ فَسَيَقُولُونَ مَن يُعِدُّنَا قُلَ الَّذِي فَطَرَكُم أَوَّلَ مَرَّةٍ فَسَيُنْغِضُونَ إِلَيْكَ رُؤُوسَهُمْ وَيَقُولُونَ مَتَى هُوَ قُلْ عَسَىٰ أَن يَكُونَ قَرِيبًا ﴿٥١﴾ يَوْمَ يَدْعُوكُمْ فَتَسْتَجِيبُونَ بِحَمْدِهِ وَتَظُنُّونَ إِن لَّبِثْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٥٢﴾

ریزدرب: ای پیامبر! چندان به ایرادات از سر بهانه گیری اینان اهمیت مده.

٤

وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنزِعُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلإِنسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا ﴿٥٣﴾ رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِكُمْ إِنْ يَشَأْ يُرْسِلْكُمْ أَوْ إِنْ يَشَأْ يُعَذِّبْكُمْ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ وَكِيلًا ﴿٥٤﴾ وَرَبُّكَ أَعْلَمُ بِمَن فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّينَ عَلَىٰ بَعْضٍ وَآتَيْنَا دَاوُودَ زَبُورًا ﴿٥٥﴾

ریزدرب: ای پیامبر! بیشتر به ساخته شدن پیروانت اهمیت ده، ولی زیاد روی مکن.

٥

قُلْ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِن دُونِهِ فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضُّرِّ عَنْكُمْ وَلَا تَحْوِيلًا ﴿٥٦﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَىٰ رَيْبِهِمُ الْمُسِيلَةَ أَتَيْهِمْ أَقْرَبُ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحْدُورًا ﴿٥٧﴾

ریزدرب: ای پیامبر! در مورد غیر پیروانت، نامعقول بودن عقیده شان را یادآوری کن.

٦

وَإِن مِّن قَرْيَةٍ إِلَّا نَحْنُ مُهْلِكُوهَا قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَوْ مُعَذِّبُوهَا عَذَابًا شَدِيدًا كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا ﴿٥٨﴾ وَمَا مَنَعَنَا أَنْ نُرْسِلَ بِالآيَاتِ إِلَّا أَنْ كَذَّبَ بِهَا الْأَوْلُونَ وَآتَيْنَا مُوَدَّ النَّاقَةَ مُبْصِرَةً فَظَلَمُوا بِهَا وَمَا نُرْسِلُ بِالآيَاتِ إِلَّا تَخْوِيفًا ﴿٥٩﴾

ریزدرب: ای مردم! در راه مخالفت با این رسول از حد نگذرانید، که نابود شوید.

٧

وَإِذْ قُلْنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَاطَ بِالنَّاسِ وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ وَنُحُوفُهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا ﴿٦٠﴾

ریزدرب: ای پیامبر! راجع به موضوع رسالتت دلگرم باش، خداوند بر آن ناظر است.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

نُبّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ که ابتدای ورود به سوره است شرحی از نشان دادن بعضی آیات الهی در جهت آموزش و کمک و تقویت مواضع رسولانه به پیامبر - ص - میدهد .

در پاراگراف ۲ می فرماید : یهودیان در خلاف جهت تعالیشان درگیری هائی داشته و دارند و خواهند داشت که بالاخره به شکست کامل و اضمحلالشان منجر خواهد شد.

در پاراگراف ۳ می فرماید : ای پیامبر ! همه جور به تو کمک کرده ایم ، این قرآنی که تو رابه آن مجهز کرده ایم یکی از مصادیق بارز کمکهای ما است ولی به خاطر داشته باش که این قرآن شرط لازم هدایت است نه شرط کافی . و ای کافران! چرا نگاه خود را به زندگی خراب می کنید و بجای اینکه به راه این رسول و این قرآن بیائید ، چیزی را طلب میکنید که به ضررتان است؟ و ای پیامبر ! قوانین مراجع به هلاکت جوامع و چگونگی بدست آوردن خواسته های دنیوی و اخروی اینهاست.

در پاراگراف ۴ تذکرات همه جانبه ای به پیامبر (ص) و مسلمانان میدهد و می فرماید برای اینکه بتوانید حضور موثری در جهت ارتقای خویش و سایرین داشته باشید لازم است این صفات را احراز کنید.

در این پاراگراف می فرماید : نظام فکری شرک نامعقول است و ای کافران! از این لجبازی هادست بکشید و به ایمان به خداوند یگانه که معقول و منطقی است بگرائید.

و ای پیامبر! به آنها اهمیتی نده، اشکال از خودشان است و اینطور نیست که تو یا

این قرآن، «هرکسی» را بتوانید هدایت کنید و موضوع قیامت هرچه باشد موضوع سنگینی است و تو نباید انتظار داشته باشی فوراً آن را جذب کنند. باید حوصله کنی،

باید گفتگو کنی، و به پیروان بگو به مسلمانی خویش مغرور نشوند، و به مشرکان هم بگو «خدایان» تان نمیتوانند مشکلی را از شما حل کنند. و بر مدت عمر جوامع

بشری و ارائه معجزات الهی، قوانینی حاکم است و از رفتار این کافران ناراحت نباش. به عکس تصوراتشان، نه تنها نباید چندان از اوضاع خویش مطمئن باشند، بلکه شایسته است در باره موضوع آن خوابی که دیده ای، خیلی هم بر خویش نگران باشند.

۴ - سوالات

- ۱ - موضوع «عمد و اصرار لجبازانه» در کدام محل این پاراگراف به وضوح پیداست؟
- ۲ - مکانیزم عملی « **وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَّا تُفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ** » (آیه ۴۴) به چه صورت است؟
- ۳ - در آیه ۴۵ چرا بجای «مستورا» نفرموده «ساترا» ؟
- ۴ - «قالوا» (آیه ۴۹) چه نوع است؟ (ایرادگیری؟ پرخاشگری؟ یا...؟)
- ۵ - چه سابقه ای از موضوع « **وَتَطْنُونَ إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا** » (آیه ۵۲) در سوره های قبل دارید؟
- ۶ - منظور از «ینغضون» (آیه ۵۱) چیست؟
- ۷ - حالت کلی آیه ۵۲ چگونه است؟ (خوشحالی؟ امیددادن؟ یا...؟)
- ۸ - چرا به جای «تستجیبون» (آیه ۵۲) نفرموده «تجیبون»؟
- ۹ - منظور از «لبث» (آیه ۵۲) چیست؟ (وجود داشتن مایه اصلی، علیرغم تغییر شکل بدن؟ یا...)
- ۱۰ - منظور از «عباد» (آیه ۵۳) چیست؟ (مردم؟ کافران؟ مسلمانان؟ یا...؟)
- ۱۱ - منظور از « **يَقُولُوا أَلَيْهِيَ أَحْسَنُ** » (آیه ۵۳) چیست؟ (طرز سخن گفتنی که مایلید با خودتان آنطور گفته شود؟ یا...؟)
- ۱۲ - ضمیر «کم» (آیه ۵۴) خطاب به کیست؟ (مسلمانان؟ یا...؟)
- ۱۳ - منظور از « **وَلَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّينَ عَلَىٰ بَعْضٍ وَآتَيْنَا دَاوُودَ زُبُرًا** » (آیه ۵۵) چیست؟
- ۱۴ - با توجه به آیه ۶۰، پیامبر(ص) چه خوابی دیده بودند؟

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

از آیه های ۴۵ تا ۴۸ فهمیده میشود که کسانی که به آخرت ایمان ندارند نمیتوانند با مطالب قرآن ارتباط برقرار کنند و از دعوت به توحید نفرت میکنند و در باره آنحضرت این تلقی را دارند که او جادوزده است.

۱- از آیه ۵۸ با توجه به درس و درب چنین فهمیده می شود که کافران معاصر

پیامبر اکرم (ص) تصور می‌کردند چون مجاور مکه و کعبه هستند تقریبی نزد خداوند دارند که مورد عذاب قرار نمی‌گیرند که آیه مذکور توهم بیجایشان را اصلاح نموده است.

۲- کفار معاصر پیامبر(ص) خیلی پر مدعا و از خود راضی بودند و دائماً «معجزه» می‌خواستند و گویا این همه کلام گهربار را که تاکنون نازل شده بود، چندان معجزه حساب نمی‌کردند.

البته همین نکته، آن قول مشهور را که می‌گوید «اعراب معاصر رسول اکرم(ص) سخن‌شناس بودند» را به شدت زیر سؤال می‌برد.

از آیه ۶۰ فهمیده میشود آنحضرت خوابی دیده بود که مایه نگرانش شده بود و مفهوم است که نگرانی آنحضرت می‌باید به موضوع رسالتش مربوط بوده باشد.

۶ - زاویه با تفاسیر رایج

۱ - در آیه ۴۵ ظاهراً صفت حجاب مذکور بجای اینکه «ساتر» باشد «مستور» ذکر شده و در میزان برای توجیه موضوع مطالبی چه از قول خویش و چه بصورت نقل قول از دیگران - که برخی از آنها را ردّ نموده - ذکر نموده که مفصل است و ما در اینجا نمی‌خواهیم وارد آن بشویم.

اما چیزی که به ما مربوط میشود کلیدهای تفسیری خودمان است و با آنها میتوانیم به روشنی موضوع را توضیح دهیم که این است:

در بین دو کلمه حجاب و مستور موضوع کلید تفسیری «واگذاری به مخاطب» اتفاق افتاده، که شرحش را در باب کلیدهای تفسیر قرآن در کتاب علوم قرآنی (سایت) ببینید و خلاصه اش این است که مخاطب قرآن (در درجه اول رسول خدا - ص - و در درجه دوم ماها) با ذهن خویش چیزهایی را که خداوند - به منظور تحریک ذهن ما - نگفته اینطور پر میکنیم: [ای که بوسیله افکار باطل و افعال انحرافی پیدا کرده اند سبب میشود از درک حقایق قرآنی]

یعنی متن اینطور میشود: . . . حجابی که بوسیله افکار باطل و افعال انحرافی پیدا کرده اند سبب میشود از درک حقایق قرآنی مستور . . .

۲ - حالت کلی قطعه حاوی آیات ۵۸ تا ۶۰ دلداری دادن به آنحضرت است، بطوریکه در آیه ۵۸ میگوید این مخالفان هم اگر مانند امم سابق از حد بگذرانند به همان عاقبت دچار میشوند و لذا خیالت راحت باشد، و در آیه ۵۹ میگوید ما عاجز نیستیم که آرزویت را برآورده کنیم و معجزه ای بدست ظاهر کنیم اما بی فایده است، و در

آیه ۶۰ هم می فرماید موضوع آن روایت هم نگرانت نکند، فتنه ای است که خودمان صلاح میدانیم که پیش بیاید تا معلوم شود ارزش واقعی هرکس چقدر است. اگر با این دید این قطعه را باز خوانی کنید می بینید که همه فقرات آن مفهوم است و آن مطالب پر طول و تفصیلی که مفسران ارجمند فرموده اند همه اش زائد و بلکه اکثرا بی وجه است.

۷ - آیات برجسته این پاراگراف

آیه ۴۴ چنین موقعیتی دارد و در منابع و کتب اخلاقی و اعتقادی زیاد مورد استشهد قرار میگیرد و تابلوهای خوشنویسی هم کم از آن ساخته نشده است.

۸ - آیات مشکل

آیه ۴۱ از لحاظ اختلاف زیاد مفسران در باره اینکه «چه چیزی» در این قرآن تصریف شده، از آیات مشکل قرآنی است، اما نه برای ما که به درس و درب ها مجهزیم، و توضیحش را چنانکه ذیلا می بینید بر همان اساس داده ایم.

۹ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه ۴۴ از لحاظ اینکه مکانیزم تسبیح همه موجودات اعم از انسان و حیوان و جماد و جن و ملک وغیره را کسی نمیداند فوق ذهنیات بشر قرن بیست و یکمی نیز هست، چه رسد به مخاطب بیچاره اولیه. همچنین است مکانیزم اجرائی آیه ۴۵. آیات ۵۰ تا ۵۲ که «قیامتی» است، و هیچ بنی بشری تجربه اش را ندارد، و قبل از قیامت نخواهد داشت، لذا، چه در آن روزهای نزول وحی و چه الی یوم القیامه بالاتر از ذهنیات بشر خواهد بود.

آیه ۵۳ حاوی ذکری از موجودی است که کسی تجربه ای از درک او ندارد، چه رسد به عرب ۱۴۰۰ سال قبل.

آیه ۵۹ از این لحاظ که مربوط به اقوامی است که در قبل از تاریخ بوده اند، و علم باستان شناسی آنقدر رشد نکرده که ما از احوال آنها مطلع باشیم، برای ما نیز روشن نیست، چه رسد به مخاطبان اولیه این آیات.

۱۰ - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقی می‌داشتند؟

کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته، در طول این مدت طولانی، از نزول این سوره تا به امروز، از لحاظ تحت اللفظی، تغییر معنایی چندانی نیافته، و لذا مخاطب های اولیه نیز از این پاراگراف همان تلقی را می‌داشتند که ما.

۱۱ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیات ۴۰ و ۴۳ و ۵۴، بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

فعل خداوند قانونمند است

در آیات فوق خداوند بی‌بهره ماندن آنان را به ذات مقدس خویش نسبت داده و ما تا کنون از این طرز سخن گفتن خداوند متعال آن قدر دیده‌ایم که توجه داشته باشیم که منظور این است که (مثلاً در مورد آیه ۴۵) بی‌اعتقادی به آخرت به آن نتیجه می‌رساند.

در یافت های مستقیم و کوتاه

۱ - منظور از «عباد» در اینجا، معنی اصطلاحی آن است، یعنی مومنین، دلیلش هم متن آیه مربوطه است.

۲ - در سوره نجم یک آیه ای بود که می‌گفت «لاتزکوا انفسکم» یعنی ارزیاب نهائی خداست، و خودتان را با دیگران مقایسه نکنید که احیاناً به این نتیجه برسید که من از فلانی بهترم و ...

آیه های ۵۳ و ۵۵ را باید در این چهارچوب دید، و به مسلمانان می‌فرماید فعلاً شب‌دراز است و در صدد مقایسه خویش با مخالفان بر نیائید و به آنان سخن درشت نگوئید، شما که جای خویش دارید، حتی در عالم پیامبران نیز بعضی بالاتر از بعضی هستند.

۳ - آیه های ۵۳ و ۵۴ بار تحقیق در تاریخ اسلام و جامعه شناسی آن روزها دارد و جای این سوال است که چرا خداوند این مطالب را فرموده؟ و مگر چه اتفاقاتی می‌افتاده که لازم شده خداوند این توجهات و تنبهاات را بدهد؟

آیه ۵۷

أُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحْذُورًا ﴿٥٧﴾

أُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ: در اینجا، منظور معبودان شرک است و منظور کلی آیه این است که خود معبودان شما دنبال این هستند که در نزد خداوند جایگاه بهتری بیابند و ..

باید بدانیم که عرب ۱۴۰۰ سال قبل که بت هایی را می پرستید در حقیقت خود آن مجسمه یا سنگ یا چه و چه را نمی پرستید بلکه آنها را «تماد»هایی از فرشتگان یا اشخاص بلند پایه ای حساب میکردند و در حقیقت آن فرشتگان یا اشخاص بلندپایه را می پرستیدند.

آیه فوق میگوید بدانید خود آن فرشتگان و اشخاص بلندپایه (برعکس شما) خداوند را می پرستند.

چه چیز در قرآن چرخانده شده؟

بر آن اساس درس سوره و درب این پاراگراف میگوئیم آنچه که در قرآن دائمی چرخانده شده، اولاً برحسب خود متن آیه ۴۱ مطالبی است که قابل «پندگیری» است، و ثانیاً در مورد این پاراگراف خاص، محور هایی است که پیامبر می باید حول آنها مطالبی را به پیروان خویش آموزش بدهد و به مشرکان جواب هایی بدهد، و مثلاً چنانکه در همین پاراگراف آمده، به آنان بگوید که اینطور نیست که خداوند معجزات را به درخواست هر کسی ظاهر کند، و اگر آنها به این قرآن اهمیت نمی دهند اشکال از خودشان است و ..

توصیف رفتار کفار در قبال موضوع آخرت

رفتار کفار در موضوع آخرت چند مولفه دارد:

اولاً میگویند بعید است (آیه های ۴۹ و ۵۰)

ثانیاً بعداً میگویند چه کسی این موضوع را سامان می دهد (آیه ۵۱)

ثالثاً میگویند تاریخ وقوع آن چه وقت است (آیه ۵۱)

البته همه این موضوعات را قبلاً کراراً در سوره های قبلی (و بطور متمرکز در سوره- های مرحله سوم) دیده ایم.

ترجمه تفسیری آزاد

ای مشرکان! آیا می پندارید پروردگارتان شما را بر خویش ترجیح داده و به شما پسر داده و ملائکه را دختران خویش برگرفته؟ البته شما کافران قائل به قول باطل بزرگی میباشید (۴۰) و البته در این قرآن دلائل و مثال ها را به وفور قرار دادیم تا پند گیرید اما در مورد شما جز دوری تان نیفزوده (۴۱)

ای پیامبر! بگو اگر چنانکه میگوئید همراه با او خدایانی دیگر هم باشند در اینصورت آن باصلاح خداها سعی میکردند بسوی خدای واقعی و پر قدرت راهی بجویند (۴۲) خداوند پاک و منزّه و بسیار برتر و بالاتر است از آنچه میگویند (۴۳) آسمانهای هفتگانه و زمین و هر که در آنهاست برایش تسبیح میگویند و هیچ چیز نیست مگر اینکه به ستایشش تسبیحگو است ولیکن شما تسبیح آنها را در نمی یابید. و او البته حلیم آمرزگار است (۴۴)

ای پیامبر! هنگامی که قرآن میخوانی بین تو و بین آنانکه به آخرت ایمان ندارند حجابی پوشنده قرار می گیرد (۴۵) که بر دلهاشان پرده میشود و آنرا نمی فهمند و در گوشهایشان سنگینی بوجود می آید و اگر پروردگارت در قرآن بطور تکی ذکر شود با نفرت روی پاشنه هایشان میچرخند (۴۶) ما میدانیم که آنها وقتی که دارند سخن تو را گوش میدهند به چه چیزی گوش میدهند و نیز هنگامیکه راز میگویند چه ها میگویند، و نیز میدانیم هنگامی که ظالمان میگویند شما دارید مردی جادو زده را پیروی میکنید (۴۷) ببین چگونه برایت مثل ها میزنند و گمراه شده اند و نمیتوانند به راه بیایند (۴۸)

و میگویند آیا هنگامی که استخوان شدیم و پوسیدیم آیا دوباره در آفرینشی جدید برانگیخته میشویم؟ (۴۹) بگو بله، حتی اگر سنگ یا آهن باشی (۵۰) یا چیزی که در نظرتان بزرگتر باشد، و بزودی خواهند گفت چه کسی ما را برمیگرداند؟ بگو کسی که دفعه اول آفریدتان. پس سرهاشان را بسویت برمیگردانند و میگویند چه وقت؟ بگو شاید نزدیک باشد (۵۱) همان روزی که بخوانداتان و شما ستایشگرانه اجابتش کنید و گمان کنید که جز اندکی در برزخ مکث نکرده اید (۵۲)

ای پیامبر! به بندگانم بگو آنچه را که بهتر است به مردم بگویند، زیرا که شیطان بین آنها را بهم میزند، چونکه شیطان نسبت به انسان دشمنی آشکار است (۵۳)

پروردگارتان به حال شما داناتر است، اگر خواهد بر شما رحمت گیرد و اگر خواهد عذاب تان کند و ای پیامبر! با آنها مدارا کن، که تو را به سرپرستی شان نفرستاده ایم (۵۴)

ای پیامبر! پروردگارت به حال همه کسانی که در آسمانها و زمین هستند داناتر است، و ما البته برخی از پیامبران را بر برخی دیگر برتری داده ایم و به داود نیز زبوری دادیم (۵۵) و به مخالفان نیز بگو هرکس را که غیر از خداوند به نظر تان میرسد، به دعا بخوانید، خواهید دید که نه ناراحتی تان را برطرف میکنند و نه تحولی در اوضاع شما به وجود می آورند (۵۶)

ای پیامبر! کسانی را که مخالفان به دعا میخوانند، خودشان وسیله ای میجویند که بسوی پروردگار راهی بیابند، که در نزدش نزدیکتر گردند و رحمتش را امید دارند و از عذابش می هراسند، زیرا که می باید از عذابش برحذر بود (۵۷)

و هیچ شهری نیست مگر اینکه قبل از قیامت هلاک یا به شدت عذابش می کنیم که این موضوع در آن کتاب تقدیرات نوشته شده است (۵۸) و چیزی مانع ما نمیشود که معجزاتی بفرستیم مگر اینکه مردم میدانند که پیشینیان معجزاتی را که برایشان فرستاده شده بود تکذیب کردند و لذا این مردم میدانند معجزه فرستادن چندان فایده ای ندارد، و با وجود این باز هم معجزه طلب میکنند، و به قوم ثمود هم آن شتر را به نمایی دادیم، اما به آن ظلم کردند، و ما معجزات را جز برای ترساندن کافران نمی فرستیم (۵۹)

و ای پیامبر! به یاد آر که به تو گفتیم که پروردگارت به مردم احاطه دارد و آن خوابی که دیده ای و همچنین آن شجره ای را که در قرآن لعنت شده، در آن خواب به تو نمایانندیم، همه آن چیزها را جز فتنه ای برای مردم قرار نداده ایم، که بر عاقبت خویش بترسند، اما در این کافران اثری جز طغیانی بزرگ نخواهد داشت (۶۰)

اسراء ۶ آیات ۶۱ تا ۷۲

وَأَذِّنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ قَالَ أَأَسْجُدُ لِمَنْ خَلَقْتَ طِينًا ﴿٦١﴾ قَالَ أَرَأَيْتَكَ هَذَا الَّذِي كَرَّمْتَ عَلَيَّ لَنْ أُوْحَرِّتَنِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لِأَخْتِكَ أَنْ لَوْ كُنْتَ أَعْلَمُ ﴿٦٢﴾ قَالَ أَذْهَبَ فَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ فَإِنَّ جَهَنَّمَ جَزَاءُكُمْ جَزَاءً مُّوْفُورًا ﴿٦٣﴾ وَاسْتَفْتَرْنَا مِنْ اسْتِعْطَعَتْ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَأَجْلَبَ عَلَيْهِمْ يُحْيِيكَ وَرَجَلِكَ وَشَرِكُكُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعَدْتُمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا ﴿٦٤﴾ إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ وَكَفَى بِرَبِّكَ وَكِيلًا ﴿٦٥﴾ رَبُّكُمُ الَّذِي يُرْجِي لَكُمْ الْأَفْلَکَ فِي الْبَحْرِ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ إِنَّه كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا ﴿٦٦﴾ وَإِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِلَٰهَهُ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ ائْتَوْا بِمَنْ تَدْعُونَ إِنْ كُنْتُمْ مُّسْئِلِينَ ﴿٦٧﴾ أَفَأَمِنْتُمْ أَنْ يُخَسِّفَ بِكُمْ جَانِبَ الْبَرِّ أَوْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَكُمْ وَكِيلًا ﴿٦٨﴾ أَمْ أَمِنْتُمْ أَنْ يُعِيدَكُمْ فِيهِ تَارَةً أُخْرَى فَيُرْسِلَ عَلَيْكُمْ قَاصِفًا مِنَ الرِّيحِ فَيُغْرِقَكُم بِمَا كَفَرْتُمْ ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَكُمْ عَلَيْنَا بِهِ تَبِيعًا ﴿٦٩﴾ وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الرِّجِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا ﴿٧٠﴾ يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمْبَارِهِمْ فَمَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَأُولَٰئِكَ يَقْرَءُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا ﴿٧١﴾ وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ وَأَضَلُّ سَبِيلًا ﴿٧٢﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یعنی «درس» سوره) مطابق ذیل است:
درس: کمک همه جانبه الهی به پیامبر برای پیگیری رسالتش که ساخته شدن انسان باشد.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:
درب: تبیین موقعیت شیطان در زندگی بشر و یادآوری گوشه های دیگری از نعمت های عام الهی و تبیین اوضاع آخرتی بشر (تا هر کس به فکر خودش بیفتد و صاحب عقل، خود را همسو کند) و اینکه ای پیامبر! پیامبری خودت را هم در این چارچوب تحلیل کن.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ قَالَ أَأَسْجُدُ لِمَنْ خَلَقْتُ طِينًا ﴿٦١﴾ قَالَ أَرَأَيْتَ هَذَا الَّذِي كَرَّمْتَ عَلَيَّ لَئِنِ أَخَّرْتَنِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَأُحْتَبِكُنَّ ذُرِّيَّتَهُ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٦٢﴾ قَالَ أَهَبْ فَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ فَإِنَّ جَهَنَّمَ جَزَاءُكُمْ جَزَاءً مَوْفُورًا ﴿٦٣﴾ وَاسْتَفْرَزَ مِنْهُمُ ابْنُ آدَمَ وَاجْلَبَ عَلَيْهِمُ بَخِيلِكَ وَرَجَلِكَ وَشَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعَدَهُمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا ﴿٦٤﴾ إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ وَكَفَى بِرَبِّكَ وَكِيلًا ﴿٦٥﴾

ریزدرب: تبیین موقعیت شیطان در زندگی بشر.

۲

رَبُّكُمْ الَّذِي يُرْجِي لَكُمْ الْفُلْكَ فِي الْبَحْرِ لِيَتَّبِعُوا مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا ﴿٦٦﴾ وَإِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِلَهُهُ فَلَمَّا نَجَّأكُمْ إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ وَكَانَ الْإِنْسَانُ كَفُورًا ﴿٦٧﴾ أَفَأَمِنْتُمْ أَنْ يُخَسِفَ بِكُمْ جَانِبَ الْبَرِّ أَوْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَكُمْ وَكِيلًا ﴿٦٨﴾ أَمْ أَمِنْتُمْ أَنْ يُعِيدَكُمْ فِيهِ تَارَةً أُخْرَى فَيُرْسِلَ عَلَيْكُمْ قَاصِفًا مِنَ الرِّيحِ فَيُغْرِقَكُم بِمَا كَفَرْتُمْ ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَكُمْ عَلَيْهَا بِهِ تَبِيغًا ﴿٦٩﴾

ریزدرب: یادآوری گوشه های دیگری از نعمت های عام الهی.

۳

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الرِّجِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا ﴿٧٠﴾

ریزدرب: یادآوری نعمت بزرگ الهی به نوع انسان.

۴

يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ فَمَنْ أُوِّيَ كِتَابُهُ بِيَمِينِهِ فَأُولَئِكَ يَقْرَءُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يُظْلَمُونَ فِيهَا ﴿٧١﴾ وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَى فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَى وَأَضَلُّ سَبِيلًا ﴿٧٢﴾

ریزدرب: تبیین اوضاع آخرتی بشر، تا هر کس به فکر خویش بیفتد و صاحب عقل، خود را همسو کند.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقا با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

نَبِّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقا می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ که ابتدای ورود به سوره است شرحی از نشان دادن بعضی آیات الهی در جهت آموزش و کمک و تقویت مواضع رسولانه به پیامبر - ص - میدهد .

در پاراگراف ۲ می فرماید : یهودیان در خلاف جهت تعلیمشان درگیری هائی داشته و دارند و خواهند داشت که بالاخره به شکست کامل و اضمحلالشان منجر خواهد شد.

در پاراگراف ۳ می فرماید : ای پیامبر ! همه جور به تو کمک کرده ایم ، این قرآنی که تو رابه آن مجهز کرده ایم یکی از مصادیق بارز کمکهای ما است ولی به خاطر داشته باش که این قرآن شرط لازم هدایت است نه شرط کافی . و ای کافران! چرا نگاه خود را به زندگی خراب می کنید و بجای اینکه به راه این رسول و این قرآن بیائید ، چیزی را طلب میکنید که به ضررتان است؟ و ای پیامبر ! قوانین مراجع به هلاکت جوامع و چگونگی بدست آوردن خواسته های دنیوی و اخروی اینهاست.

در پاراگراف ۴ تذکرات همه جانبه ای به پیامبر (ص) و مسلمانان میدهد و می فرماید برای اینکه بتوانید حضور موثری در جهت ارتقای خویش و سایرین داشته باشید لازم است این صفات را احراز کنید. در پاراگراف ۵ می فرماید: نظام فکری شرک نامعقول است و ای کافران! از این لجبازی هادست بکشید و به ایمان به خداوند یگانه که معقول و منطقی است بگرائید.

و ای پیامبر! به آنها اهمیتی نده، اشکال از خودشان است و اینطور نیست که تو یا این قرآن، «هرکسی» را بتوانید هدایت کنید و موضوع قیامت هرچه باشد موضوع سنگینی است و تو نباید انتظار داشته باشی فوراً آن را جذب کنند. باید حوصله کنی، باید گفتگو کنی، و به پیروان بگو به مسلمانی خویش مغرور نشوند، و به مشرکان هم بگو «خدایان» تان نمیتوانند مشکلی را از شما حل کنند. و بر مدت عمر جوامع بشری و ارائه معجزات الهی، قوانینی حاکم است و از رفتار این کافران ناراحت نباش. به عکس تصوراتشان، نه تنها نباید چندان از اوضاع خویش مطمئن باشند، بلکه شایسته است در باره موضوع آن خوابی که دیده ای، خیلی هم بر خویش نگران باشند.

در این پاراگراف می فرماید: ای پیامبر ! مخالفانت فعلا تحت تاثیر شیطان هستند و قلمرو او نیز حوزه ذهنی آنهاست، قلمرو توهم همان حوزه است، لذا پایداری کن تا کم کم بقدر ممکن او را عقب برانی.

و نیز می فرماید: ای کافران! صاحب این نعمت ها را به یاد بیاورید و رسولش را تکذیب نکنید بلکه به او بگروید تا به نعمت های بزرگ تر اخروی هم برسید و اینکه شما را برای بزرگی و بزرگواری آفریده ایم، قدر خود بدانید و رفتاری کنید که درخور آن باشد، و اگر قدر نعمت ها را (که قبلا ذکر شد) نشناختید معلوم میشود چشم حقیقت بین شما کوراست، لذا در جهان بعدی وضع بدتری خواهید داشت.

۴ - سوالات

- ۱ - با توجه به ترتیب نزول، دفعه اول است که نام «آدم» را در قرآن می بینیم. اما این نام برای مخاطب های اولیه قرآن آشنا بوده، چرا خداوند این داستان را مطرح فرموده؟ (برای آشناکردن پیامبر - ص - با انگیزه های مخالفت با او؟ یا.....؟)
- ۲ - با توجه به آیه ۶۴، شیطان در چهار جبهه با انسان تماس دارد: صوتش، پیادگان و سوارگانش، شراکتش در اموال و اولاد، و وعده دادن. از اینها معنی شراکت در اموال و اولاد مفهوم است که به ترتیب به معنی کسب مال حرام و تربیت ناسالم اولاد است. از این قرینه استفاده نموده و معنی سه مورد دیگر را بیان کنید.
- ۳ - سه کلمه آخر آیه ۶۵ خطاب به کیست؟
- ۴ - و منظور از آن چیست؟
- ۵ - چرا به جای «اناس» (آیه ۷۱) نفرموده «انسان»؟
- ۶ - منظور از «امام» چیست؟ (آیه ۷۲) (به معنی لغوی است؟ یا اصطلاحی؟)
- ۷ - «اعمی» نسبت به چه کسی و چه وضعیتی؟

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

اینکه کشتی در بحر حرکت میکند و شما بوسیله آن لطف پروردگار را جستجو میکنید نشان میدهد مردم آن روزها سواری بر کشتی اعم از مسافرت یا نقل و انتقال بار تجاری با آن، یا هر دو، برایشان عادی بوده است (آیه ۶۶) و همین موضوع نظر غالب را راجع به میزان تمدن مردم مکه در آن روزها اصلاح میکند.

۶ - زاویه با تفاسیر رایج

المیزان در باره آیه ۷۰ سوره اسراء چنین میفرماید :
 پس اینکه فرمود: " وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ " مقصود از تکریم اختصاص دادن به عنایت و شرافت دادن به خصوصیتی است که در دیگران نباشد، و با همین خصوصیت است که معنای " تکریم " با " تفضیل " فرق

پیدا می‌کند، چون تکریم معنایی است نفسی و در تکریم کاری به غیر نیست، بلکه تنها شخص مورد تکریم مورد نظر است که دارای شرافتی و کرامتی بشود، به خلاف تفضیل که منظور از آن این است که شخص مورد تفضیل از دیگران برتری یابد، در حالی که او با دیگران در اصل آن عطیه شرکت دارد. این بود قول المیزان، و ما عرض میکنیم:

بطور واضح، آیه مذکور در مقام برشماری مولفه های «تکریم» است که یکی سواره بودن، و یکی رزق طیّب، و یکی هم آن «تفضیل» مذکور است و این نوع سخن گفتن (برشماری برخی نعمتها) در قرآن بسیار عادی و آشنا است.

۷ - آیات برجسته این پاراگراف

آیه ۷۰ چنین موقعیتی دارد و این اولاً از کثرت استفاده اهل منبر و اهل قلم از این آیه دانسته میشود و ثانياً از زیادتی اقبال هنرمندان (از قبیل خوشنویسان و کاشیکاران) که آیه را در قالب کاشی و معرق در مساجد و زیارتگاه ها در منظر چشمان مشتاق بینندگان قرار داده اند.

۸ - آیات مشکل

آیه ۷۰ چنین تلقی رایجی را، یعنی مشکل بودن را، در قرآن پژوهان ایجاد کرده و علت آن نیز زیادتی اختلافاتی است که مفسران در تفسیر این آیه نموده اند، و البته ما که به درس و درب متکی هستیم سختی در آن نمی بینیم.

۹ - پیشگویی های تحقق یافته

در آیه ۷۰ با جمله لقد کرّمنا بنی آدم یک پیشگویی فرموده که امروز نمونه های تحققش را در اینهمه سازمان های حقوق بشر و حقوق زنان و حقوق کودک و غیره، داریم می بینیم.

۱۰ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیات ۶۱ تا ۶۵ چنین موقعیتی دارند، زیرا هم به داستان آفرینش اشاره دارد که مکانیزم آن برای هیچکس معهود نیست، و همچنین در آن از یک نوع از مخلوقات نام برده که وجودشان و نه طرز کارشان برای هیچکس معهود نمیباشد.

آیه های ۷۱ و ۷۲ «قیامتی» است، و هیچ بنی بشری تجربه اش را ندارد، و قبل از قیامت نخواهد داشت، لذا، چه در آن روزهای نزول وحی و چه الی یوم القیامه بالاتر از ذهنیات بشر خواهد بود.

۱۱ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره ها، تقریباً تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلید های تفسیری

ذکر مصادیق افاده حصر نمی کند

در این پاراگراف به ذکر چند نمونه دیگر از نعمت های عمومی الهی می پردازد تا مخاطب را متوجه این معنی کند که این نعمت هایی که به تداوم آنها عادت کرده و از فرط عادت متوجه اصل آنها نیست، چقدر در زندگی او مهم است و اگر نبود زندگی و تمدن بشری به این پایه از رشد و تکامل نمی رسید تا بشر متوجه و متنبه شود و یاد صاحب نعمت بیفتد و به پیامبر (ص) و رسالتش بگردد.

نعمت های مورد اشاره این پاراگراف، امکان جابجایی در روی کره زمین از طریق «سواری» است، اعم از اینکه در خشکی یا دریا باشد که این خاص انسان است.

نعمت دیگر علم مستقیم بیواسطه ای است که بشر نسبت به خداوند دارد و این علم در هنگام ناراحتی ها ظاهر می شود و پس از رفع ناراحتی ها در اثر سوء اختیارشان به فراموشی سپرده می گردد.

نعمت دیگر سکون و ثبات حیات در روی زمین است که از اضطرابات شدید و زلزله های خیلی عظیم و طوفان های بسیار قوی و غیره ایمن است، و اگر اینطور نبود تمدن بشر نه تنها به این پایه نمی رسید بلکه اساساً شکل نمی گرفت.

نعمت دیگر برتری است که خداوند به انسان داده و او را بر زمین و مواهب آن و موجودات و مخلوقات آن مسلط نموده که می تواند در آن جاده ها باز کند و سدها بسازد و کشاورزی کند و حفاری و کشفیات بعمل آورد و اینها همه مخصوص انسان است و اگر اینها نبود تمدن بشر شکل نمی گرفت.

اینها و هزاران هزار نعمت دیگر، دست به دست هم داده اند تا بشر به این حد از رشد و تکامل برسد و همه اینها از خداوند است و بشر از این نعمت ها بعلت عادت کردن به

آنها غافل است و غفلت او موجب غفلت از صاحب نعمت نیز می‌شود و با این تذکرات بشر را دعوت به فکر در این نعمت‌ها می‌کند تا به صاحب نعمت متوجه شود و در نتیجه به پیامبر(ص) و دعوت او گرایش یابد.

شیطان - ابلیس

از آیات ۶۱ تا ۶۵ بوضوح این مطالب فهمیده می‌شود:

۱- ابلیس منحصرأ آن شخصی است که در آسمان‌ها و همراه ملائکه بود اما شیطان در این جهان است.

۲- حوزه عمل ابلیس منحصرأ مربوط به آدم بوده، اما حوزه عمل شیطان‌ها کل انسان-هاست.

۳- طرز کار ابلیس و شیطان ورود مستقیم فیزیکی در حوزه خصوصی افراد انسانی نیست بلکه طرز کار آن‌ها از طریق نفوذ در تصمیمات آنها است.

بعبارت دیگر حوزه فعالیت شیاطین ذهن آدمی است نه جهان فیزیک.

برای مطالعه دقیق‌تر، توجه خواننده محترم را به کتاب «پیدایش انسان، برگزیدگی آدم، ماهیت شیطان» از همین قلم در سایت جلب می‌کنیم.

۴- ابلیس که پدر بزرگ شیاطین است موجود کم شعور و ساده لوحی بوده، چطور ممکن است کسی که حتی یک شعور متوسطی هم داشته باشد با خداوند که لحظه به لحظه اصل وجودش را از او دارد اینقدر بی ادبانه صحبت کند و اینقدر هم نفهم باشد که این کارهایی را که می‌گوید چنین و چنان خواهیم کرد با نیروی چه کسی خواهد کرد و در محدوده و قلمرو چه کسی؟

به عبارت دیگر ابلیس نیز مانند اکثر انسانها، «جهان» را مستقل از خداوند می‌بیند و فکر میکند که میشود بدون نیروی الهی در جهان کاری صورت داد.

تنوع «ذیشعور» ها

مطلب برتری دادن آدمی بر بسیاری از کسانی که خداوند آفریده به حیوانات مربوط نمی‌شود زیرا واضح است وگرنه بجای «کسانی» باید می‌گفت «چیزهائی» و برتری که خداوند داده با توجه به کلمه فوق مربوط به موجودات ذیشعور است. از موجودات ذیشعور غیر از انسان، فعلاً فقط جن و ملائکه را می‌شناسیم. از کلمه «بسیاری» فهمیده می‌شود ذیشعورهای دیگری غیر از ملائکه و جن هم در دستگاه آفرینش خداوندی

وجود دارند.

در باره آیه ولقد کرما بنی آدم ..

این آیه «پرانرژی» است، اما، در داخل این آیه، «کرما بنی آدم» قسمت اصلی است و سه عنصر بعدی نمونه هایی از این گرامیداشت است.

کور اخرتی یعنی چه؟

«اعمی» در آیه ۷۲ به معنی کنایی آمده و کوری کنایه از «کوری حقایق» است، و آخرت نسبت به این جهان، نسبتی مانند این جهان و رحم مادر را دارد، با این فرق که در رحم مادر چشم هست اما چیزی نیست که چشم روی آن اعمال دیدن کند و در آخرت نیز چنانکه در آیه گفته، چشم حقایق بین را باید در این جهان هر کس با رفتار خویش در وجود خویش ایجاد کند.

برای درک بهتر مطلب مطالعه کتاب کم حجم «سخن نو در اصلاح الگوی حیات اخروی» را در سایت این قلم توصیه میکنیم.

این مفهوم در قرآن بسیار تذکر داده شده، و یکی از مشهور ترین موارد آن در سوره حدید است با این مضمون که می فرماید منافقان در قیامت به مومنان میگویند از نور خویش بما هم بدهید تا بتوانیم ببینیم و جواب می شنوند که به زندگی قبلی خویش برگردید و نوری دست و پا کنید (که البته شدنی نیست)

ترجمه تفسیری آزاد

ای مردم! توجه داشته باشید که آن هنگامیکه به ملائکه گفتیم بر آدم سجده کنید، همه سجده کردند غیر از ابلیس که گفت آیا به کسی سجده کنم که از گل آفریدی؟ (۶۱) این موجودی که به من برتریش دادی، اگر تا روز قیامت مهلتم دهی تمام فرزندان را بجز اندکی فریب داده و گمراه خواهیم کرد (۶۲) و جواب شنید که برو و هر کس از آنان که پیرویت کرد جزایتان جهنم خواهد بود که جزائی کامل است (۶۳) و هر کس از آنها را که توانستی، با صوت خویش بلغزان، و با پیادگان و سوارگانت بر آنان بتاز، و در اموال و اولاد شریکشان شو، و وعده شان ده، و شیطان جز فریب وعده ای نمیدهد (۶۴) تو بر بندگانم تسلطی نخواهی داشت و پروردگار بعنوان کارسازشان کافی است (۶۵)

ای مردم! توجه داشته باشید که این پروردگار شماسست که کشتیها را در دریا به حرکت درمی آورد تا از فضلش روزی تان را جستجو کنید که او نسبت به شما مهربان است (۶۶) و هنگامی که بلائی در دریا به شما رسد هر که را که غیر از او میخوانید از یادتان میروند. ولی هنگامی که نجاتتان داد و به زمین برگرداند، از او روی میگردانید زیرا که اکثر انسان ها کفران پیشه اند (۶۷) آیا ایمن شده اید که گوشه ای از زمین شما را فرو ببرد یا آسمان بر سرتان سنگ ببارد، و آنگاه کارسازی برای خویش نیابید؟ (۶۸) یا اینکه ایمن شده اید که مجدداً شما را به آن دریا برگرداند، و تند بادی بفرستد و بسبب کفرتان غرقتان کند، و علیه ما فریادرسی نیابید؟ (۶۹)

و ما البته آدمی زاده را گرامی داشته، و آنها را در خشکی و دریا حمل کرده، و از چیزهای خوشایند روزی شان داده ایم، و آنان را بر بسیاری از کسانی که آفریده ایم برتری بزرگ داده ایم (۷۰)

و در قیامت که روزی است که هر کس را با نام رهبرش صدا میزنند، هر کس که کارنامه اش به دست راستش داده شود، نامه اش را میخواند و ذره ای ناراحتی نمی بیند (۷۱) و هر کس که در این جهان کور دل باشد، در آخرت هم کور، و بلکه گمراه تر خواهد بود (۷۲)

اسراء ۷ آیات ۷۳ تا ۸۲

وَإِنْ كَادُوا لَيَفْتِنُونَكَ عَنِ الَّذِي أُوحِيَنا إِلَيْكَ لِيَفْتَرِي عَلَيْنَا غَيْرَهُ وَإِذَا لَا تَأْخُذُوكَ حَلِيلًا ﴿٧٣﴾ وَلَوْلَا أَنْ تَبَيَّنَّاكَ لَقَدْ كِدْتُمْ تَرَكُنَّ فِيهِمْ شَيْئًا قَلِيلًا ﴿٧٤﴾ إِذَا لَأَذْفَنَّاكَ فِي ضِعْفِ الْحَيَاةِ وَضِعْفِ الْمَمَاتِ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ عَلَيْنَا نَصِيرًا ﴿٧٥﴾ وَإِنْ كَادُوا لَيَسْتَفْرِزُونَكَ مِنَ الْأَرْضِ لِيُخْرِجُوكَ مِنْهَا وَإِذَا لَا يَلْبَثُونَ خِلافَكَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٧٦﴾ سِنَّةً مِّنْ قَدْرٍ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنَ رُّسُلِنَا وَلَا تَجِدُ لِسُنَّتِنَا تَحْوِيلًا ﴿٧٧﴾ أَفَمِ الصَّلَاةِ لِلذَّكَاءِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنِ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا ﴿٧٨﴾ وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا ﴿٧٩﴾ وَقُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَّصِيرًا ﴿٨٠﴾ وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا ﴿٨١﴾ وَنُنزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا ﴿٨٢﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج می‌کنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یعنی «درس» سوره) مطابق ذیل است:
درس: کمک همه جانبه الهی به پیامبر برای پیگیری رسالتش که ساخته شدن انسان باشد.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: یکی از بزرگترین کمک های الهی به پیامبر(ص) همین قرآن است، و ارائه خطرات راه رسالت به پیامبر(ص) و ارائه توصیه های عبادی و رفتاری برای احتراز از آنها نیز از جمله کمک ها است.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

وَإِنْ كَادُوا لَيَفْتِنُونَكَ عَنِ الَّذِي أُوحِيَنا إِلَيْكَ لِيَفْتَرِي عَلَيْنَا غَيْرَهُ وَإِذَا لَا تَأْخُذُوكَ حَلِيلًا ﴿٧٣﴾ وَلَوْلَا أَنْ تَبَيَّنَّاكَ لَقَدْ كِدْتُمْ تَرَكُنَّ فِيهِمْ شَيْئًا قَلِيلًا ﴿٧٤﴾ إِذَا لَأَذْفَنَّاكَ فِي ضِعْفِ الْحَيَاةِ وَضِعْفِ الْمَمَاتِ

﴿۷۵﴾ وَإِنْ كَادُوا لَيَسْتَفْرِزُونَكَ مِنَ الْأَرْضِ لِيُخْرِجُوكَ مِنْهَا وَإِذَا لَا يَلْتَمُونُ خِلَافَكَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿۷۶﴾ سُنَّةٌ مَن قَدْ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنْ رُسُلِنَا وَلَا تَجِدُ لِسُنَّتِنَا تَحْوِيلًا ﴿۷۷﴾

ریزدرب: ارائه خطرات راه رسالت به پیامبر(ص)

۲

أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا ﴿۷۸﴾ وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا ﴿۷۹﴾ وَقُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَّصِيرًا ﴿۸۰﴾ وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا ﴿۸۱﴾

ریزدرب: ارائه توصیه های عبادی و رفتاری به آنحضرت برای احتراز از افتادن در چاه کیدِ فعالان کفر.

۳

وَنُنزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا ﴿۸۲﴾

ریزدرب: یکی از بزرگترین کمک های الهی به پیامبر(ص) همین قرآن است.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لَبّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ که ابتدای ورود به سوره است شرحی از نشان دادن بعضی از آیات الهی در جهت آموزش و کمک و تقویت مواضع رسولانه به پیامبر - ص - میدهد .
در پاراگراف ۲ می فرماید : یهودیان در خلاف جهت تعلیمشان درگیری هائی داشته و دارند و خواهند داشت که بالاخره به شکست کامل و اضمحلالشان منجر خواهد شد.

در پاراگراف ۳ می فرماید: ای پیامبر! همه جور به تو کمک کرده ایم، این قرآنی که تو رابه آن مجهز کرده ایم یکی از مصادیق بارز کمکهای ما است ولی به خاطر داشته باش که این قرآن شرط لازم هدایت است نه شرط کافی. و ای کافران! چرا نگاه خود را به زندگی خراب می کنید و بجای اینکه به راه این رسول و این قرآن بیایید، چیزی را طلب میکنید که به ضررتان است؟ و ای پیامبر! قوانین مراجع به هلاکت جوامع و چگونگی بدست آوردن خواسته های دنیوی و اخروی اینهاست.

در پاراگراف ۴ تذکرات همه جانبه ای به پیامبر (ص) و مسلمانان میدهد و می فرماید برای اینکه بتوانید حضور موثری در جهت ارتقای خویش و سایرین داشته باشید لازم است این صفات را احراز کنید. در پاراگراف ۵ می فرماید: نظام فکری شرک نامعقول است و ای کافران! از این لجبازی هادست بکشید و به ایمان به خداوند یگانه که معقول و منطقی است بگردانید.

و ای پیامبر! به آنها اهمیتی نده، اشکال از خودشان است و اینطور نیست که تو یا این قرآن، «هرکسی» را بتوانید هدایت کنید و موضوع قیامت هرچه باشد موضوع سنگینی است و تو نباید انتظار داشته باشی فوراً آن را جذب کنند. باید حوصله کنی، باید گفتگو کنی، و به پیروانت بگو به مسلمانی خویش مغرور نشوند، و به مشرکان هم بگو «خدایان» تا نمیتوانند مشکلی را از شما حل کنند. و بر مدت عمر جوامع بشری و ارائه معجزات الهی، قوانینی حاکم است و از رفتار این کافران ناراحت نباش. به عکس صورتشان، نه تنها نباید چندان از اوضاع خویش مطمئن باشند، بلکه شایسته است در باره موضوع آن خوابی که دیده ای، خیلی هم برخورد نگران باشند.

در پاراگراف ۶ می فرماید: ای پیامبر! مخالفان فعلا تحت تاثیر شیطان هستند و قلمرو او نیز حوزه ذهنی آنهاست، قلمرو توهم همان حوزه است، لذا پایداری کن تا کم کم بقدر ممکن او را عقب برانی، و نیز می فرماید: ای کافران! صاحب این نعمت ها را به یاد بیاورید و رسولش را تکذیب نکنید بلکه به او بگروید تا به نعمت های بزرگتر اخروی هم برسید و اینکه شما را برای بزرگی و بزرگواری آفریده ایم، قدر خود بدانید و رفتاری کنید که درخور آن باشد، و اگر قدر نعمت ها را (که قبلا ذکر شد) نشناختید معلوم میشود چشم حقیقت بین شما کور است، لذا در جهان بعدی وضع بدتری خواهید داشت.

در این پاراگراف می فرماید: ای پیامبر! لازم نیست به جهت پیشبرد رسالت کوچک ترین امتیازی به مخالفان بدهی. وظیفه توفیق رساندن پیام است، نگران نتیجه بخشی آن مباش، و بدان که قسمت هایی از قرآن در عین حال دارای دو اثر متضاد است، ضمناً برای اینکه قوام شخصیتی حداکثری را که برای این موضوع لازم است، پدید آینی، این عبادات را پیشه کن.

۴ - سوالات

۱ - با توجه به آیه های ۷۴ و ۷۶، «چه حدسیاتی از احوال آن روزها» میتوان زد؟

۲ - اگر بخواهیم مطلبی تحت عنوان «فعل خداوند قانونمند است» بنویسیم ذیل کدام آیه مناسب است؟

- ۳- چرا خداوند با پیامبر خیلی سختگیری می فرموده؟
- ۴- حالت کلی این پاراگراف چگونه است؟ (هشدار و ارشاد پیامبر؟ یا...؟)
- ۵- چه «دریافت های مستقیم»ی از این پاراگراف میتوان نمود؟
- ۶- با توجه به آیه ۸۲، مثالی از خاصیت دوسویه درجهان مادی بنزد.
- ۷- باتوجه به مثالی که زده اید خاصیت مذکور را تعلیل کنید.
- ۸- باتوجه به کلمه اول آیه ۸۲، چرا ازحالت «مضارع» استفاده فرموده؟
- ۹- مرحوم علامه «مِن» در آیه ۸۲ را بیانیه گرفته که به وضوح خطا است، وجه خطائی آن را بیان کنید.

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

از آیه های ۷۳ تا ۷۶ فهمیده میشود آنحضرت برای پیشبرد موضوع رسالتش ظاهراً می باید سعی کرده باشد که یک مذاکره نزدیکی با سران فعالان کفر نموده باشد که در جریان آن نزدیک بود آنحضرت قولی به آنان بدهد که نمیتوانست مقبول الهی باشد که آنحضرت متوجه موقعیت خطیر خویش شده و مستنکف شد و آنها هم بکلی از او مایوس شدند و روی اخراج آنحضرت فکر و تمرکز کردند اما در نهایت منصرف شدند. از آیات ۷۷ تا ۸۱ رژیم عبادتی خاصی به آنحضرت توصیه میشود که اگر در مفاد آن دقت شود ملاحظه خواهد شد که با موضوع فوق بیربط نیست.

۶ - زاویه با تفاسیر رایج

(المیزان): " وَ نُنزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَ لَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا". کلمه "من" در "من القرآن" بیانیه است که موصول "ما" در "ما هُوَ شِفَاءٌ" را معنا می کند و معنایش این است که ما نازل می کنیم آنچه را که شفا و رحمت است، و آن قرآن است.

اگر تعبیر فوق صحیح باشد می باید کل قرآن این خاصیت دوگانه را داشته باشد، در حالیکه چنین نیست، و قرآن متن داستانی و متن حقوقی هم دارد که خالی از این نوع تاثیر دوگانه میباشد، و اگر اینطور بود که المیزان فرموده، چرا خداوند کفار را به تدبیر در قرآن دعوت کرده؟ و اگر تمام قرآن دارای تاثیر دوگانه بود خداوند در حقیقت در این دعوت خویش (هزار بار معاذالله) خواسته آنان را گول بزند؟

بله «مِن» در اینجا یعنی «قسمتی از» (یعنی قسمتهایی از قرآن چنان خاصیت دوگانه ای دارند، نه همه قرآن)

۷ - پیشگویی های تحقق یافته

- ۱ - در آیات ۷۳ تا ۷۷ و نهی شدید از هرگونه مدهانه و مماشات با فعالان مخالفان این وعده را تلویحا داده که دست بالاتر از آن تو خواهد بود.
- ۲ - در آیات ۷۸ تا ۸۱ نسخه یک رژیم عبادتی سنگینی برای آنحضرت پیچیده که معنی آن این است که برای موفقیت (که تلویحا حاوی وعده و پیشگویی است) باید این کارها را کنی.
- ۳ - در آیه ۸۲ بازهم کلمه قرآن را بکار برده است (که شرحش را قبلا داده ایم) و نوعی پیشگویی است که تا حالا «قسمتی از قرآن» را دریافت کرده ای، و بقیه اش را هم دریافت خواهی کرد.

۸ - آیات برجسته این پاراگراف

- قسمت انتهائی آیه ۷۷ (و لا تجد لسننتنا تحویلا) ، و نیز آیات دیگر در سوره های دیگر که با آن هم-معنی است، بسیار مورد استفاده وعاظ و فیلسوفان و متکلمان قرار گرفته، و آیه مذکور به این علت جزء آیات برجسته قرآنی میباشد.
- همچنین است آیه ۷۹ که بسیار در منابر و کتب اخلاقی و موعظه ای ذکر و شرح میشود.
- همچنین است آیه ۸۱ که در رابطه با آخرالزمان و ظهور منجی در منابر و نیز در کتب و مقالات مربوط به ایشان ذکر و شرح میشود.
- همچنین است آیه ۸۲ که نقش و تأثیری دوگانه برای برخی آیات قرآنی معرفی میکند و مورد استقبال وسیع هنرمندان، اعم از خوشنویسان و کاشیکارها و معرق سازان واقع و کارهای هنری مربوطه در تقریبا همه جا به چشم میخورد.

۹ - آیات مشکل

- آیه ۷۸ از نوع آیات مشکل است، و نوع مشکل بودن آن از این قرار است که آیات دیگر با اندک تعمقی که در هر حال در «متن» صورت میگیرد مفهوم میگردد ولی:
- ۱ - این آیه به اتفاق مفسران، اعم از شیعه و سنی به وسیله روایت تفسیر میشود، روایاتی که طی آنها «قرآن الفجر» به نماز صبح معنی میشود و «مشهود» به دیده شدن توسط ملائکه،
 - ۲ - و نیز مشکل بودن آن از این قرار است که آیات قبلی و بعدی آن به سهولت و

اندک شرحی مفهوم است، اما این آیه چنان نیست،
۳ - و نیز اینکه «فضای سخن» در آیات قبل و بعد این آیه «زمین» است ولی فضای سخن در آیه مذکور (که ناشی از روایات است) در آسمان است.
البته آیه مذکور علیرغم اینکه برای عمده مفسران مشکل است، برای ما که از ترتیب نزول و درس و درب برای فهم آیات استفاده میکنیم مشکل نیست و چنانکه ذیلا می بینید بطوری رُند و ردیف توضیحش داده ایم.

۱۰ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره ها، تقریباً تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

فعل خداوند قانونمند است

با توجه به کلمه «ثَبَّتْنَاكَ» باید یادآوری کنیم که استواری شخصیت آن حضرت، و اعطاف ناپذیریش در مقابل وسوسه های موجود که از پاراگراف قابل استنباط است، معلول یک عمر زندگی «محمد امین»ی آنحضرت بوده که این کمال روحی را برای او رقم زده، و سازوکار «ثبیت» روحی آن حضرت از این مسیر گذشته است.

لیستفزونک (آیه ۷۶)

«ال» در کلمه «الارض» الف لام عهد است، زیرا نمیتواند الف لام جنس باشد (لذا معنای آن «آن سرزمین» میشود) و چون این سوره مال تقریباً سال ششم بعثت است و هنوز سال های زیادی تا هجرت مانده، به غیر از محل ماموریت ابتدائی آنحضرت یعنی مکه نمیخورد.

فرض کنیم معنای یستفزونک را نمیدانیم، از روال سخن فهمیده میشود که یستفزونک می باید مجموعه کارهایی باشد که نتیجه اش این باشد که آنحضرت اخراج شود (لیخرجواک منها) یعنی یک کارهایی کنند که آنحضرت خودش بگذارد و از مکه برود. تاکنون در سوره های قبلی دیده ایم که به آنحضرت مجنون و شاعر و مفتری و چه و چه میگفتند، لذا، یک محور از فعالیت های فعالان کفر این بوده که «اسم بد» روی آنحضرت بگذارند، و محور دیگر فعالیت شان نیز (چنانکه از آیات سوره های آینده

خواهیم دید) این بوده که روی آنحضرت و پیروانش فشار و تضییقات بگذارند تا آنان
عطای آن سرزمین را به لقاییش ببخشند و آنجا را ترک کنند.
لذا معنای یستفزونک این میشود: وادارت کنند داوطلب ترک مکه شوی.

مشهود و قرآن الفجر (آیه ۷۸)

چنانکه فوقاً ذیل تیتیر «آیات مشکل» اشاره کرده ایم، آیه ۷۸ که در روال سخن سوره
غیر عادی و نا همگن به نظر می آید، به نظر این قلم عادی و همگن است، به شرحی
که در زیر می بینید:

اهل لغت «دلوک» را تیرگی خورشید نزدیک به غروب آن، و «غسق» را سیاهی شب
پس از پایان روشنی افق معنا کرده اند. لذا لدلوک الشمس الی غسق اللیل چیزی
حدود نیمساعت است که ظرف زمانی نمازی است که آنحضرت مامور به اقامه آن برای
تقویت روحی خویش شده بود تا بتواند در مقابل امواج سهمگین توطئه های فعالان
کفر تاب بیاورد و ماموریت خویش را بطرزی شایسته به انجام برساند.

چنانکه عرض کردیم از دلوک الشمس تا غسق اللیل چیزی حدود نیمساعت است.
به قرینه، قرآن الفجر هم باید چنین چیزی باشد، یعنی باید ظرف زمانی باشد که در
آن نیز عبادتی انجام شود.

در سوره های قبلی (البته به ترتیب نزول) نیز تأییدی بر این می بینیم:
مثلاً در سوره طور داریم: ومن اللیل و ادبار النجوم (به عبادت بپرداز) که این ادبار
النجوم می باید همان نقشی را داشته باشد که قرآن الفجر در اینجا دارد، و واضح است
که ادبار النجوم در سوره طور ظرف زمان است،
همچنین در سوره دهر بازم همین دو ظرف زمانی عبادت را برای انجام دو وعده
عبادی می بینیم: بکره و اصیلا.

یعنی قرآن الفجر تاکیدش به «مشخصات» فجر است از لحاظی که قید زمان است،
شبهه به آنچه که بعدها - تقریباً ۸ سال بعد - در سوره بقره، همین ذکر مشخصات
فجر، از آن لحاظی که در آنجا و در تعیین مرز زمانی جواز خوردن و نوشیدن در ماه
رمضان مورد نظر بوده، آن را اینطور مشخص نموده که «... حتی یتبین لکم الخیط
الابيض من الخیط الاسود من الفجر . . .» یعنی در بقره آن مشخصه از فجر که کمک
میکند حد انتهائی جواز اکل و شرب شناخته شود، یعنی به آنحضرت در آن آیه تذکر
داده میشود که عبادت خاص شامگاهی خویش را در نیمساعت «لدلوک الشمس الی
غسق اللیل» انجام بدهد و عبادت خاص صبحگاهی را در «قرآن الفجر» انجام دهد.

البته با توجه به بحث فوق جمله «ان قرآن الفجر كان مشهودا» هم مفهوم میشود و معنی آن این خواهد بود که ظرف زمانی «قرآن الفجر» چیزی است که به عیان قابل تشخیص است.

البته به نظر این قلم «قرآن الفجر» قسمت انتهائی فجر است که توسط همگان قابل مشاهده است. یعنی شروع فجر همان است که در سوره بقره (حتی یتبین لكم الخیط الابيض من الخیط الاسود من الفجر) آمده، و این روشنائی ضعیف که توسط همگان قابل مشاهده نیست، کم کم قوی و پر رنگ میشود، بطوریکه توسط همگان قابل تشخیص میگردد، خلاصه اینکه قرآن الفجر قابل تطبیق است به اواخر ظرف زمانی بین الطلوعین.

عتاب پیامبر(ص) و پیامبران

برای فهم آیات ۷۳ تا ۷۵ باید به ۱۰ آیه اول سوره عبس، آیه‌های ابتدائی سوره قلم، آیات سوره کافرون، آیات ۴۴ تا ۴۷ سوره حاقه، و پاورقی‌هایی که در قسمت‌های «شرح مختصر» مربوط عرض شد، توجه نمود.

خلاصه مطلب اینکه کافران و مشرکان از پیامبر انتظار داشتند که از شدت مخالفت خویش با «خدایان» آنها اندکی کم کند، تا آنها سرشکستگی از پذیرفتن آئین جدید نداشته باشند.

توجه کنید که هر کس دیگری که در معرض این پیشنهادها قرار می‌گرفت وسوسه به قبول آن می‌شد اما پیامبر(ص) با توجه به آیات برشمرده فوق، مطابق آیه ۷۴ این پاراگراف، «تثبیت» شده بود و نمی‌توانست چنین پیشنهادهایی را بپذیرد.

خلوص نیت، از ابتدا تا انتها

آیه ۸۰ به این معنی است که خدایا وقتی کاری را شروع می‌کنم کمک کن نیتم برای خالص باشد و در طول مدتی هم که به آن کار مشغولم نیتم ثابت مانده باشد بطوریکه وقتی آن کار تمام می‌شود نیتم با شائبه‌هایی آلوده نشده و همچنان برای تو خالص مانده باشد.

آیه «فلسفه تاریخ»ی

موضوع آیه ۸۱ آیا خبر اتفاقی است که در گذشته افتاده؟
«درس» و «درب» این را تأیید نمی‌کند.

آیا خبر وقوع یک اتفاق در آینده است؟ این می‌تواند باشد زیرا قرآن بسیاری از اتفاقاتی

را که در زمانهای بسیار بسیار طولانی در آینده اتفاق خواهد افتاد در حالت «زمان ماضی» بیان می‌کند.

هرچه باشد مطلب این آیه، در زمان نزول آن وقوع نیافته بود و این طرز بیان مربوط به حتمی‌الوقوع بودن آن است ولو اینکه در آینده باشد.

در هر حال، این یک نکته «فلسفه تاریخ»ی است. در این آیه می‌فرماید تاریخ بشریت به نیکی ختم می‌شود و نتیجه آن «خوش‌بینی تاریخی» است.

البته فاز اول این آیه در واقعه هجرت و شکست‌های پی‌درپی که کفار خوردند محقق شد، اما، تحقق کامل آن کی خواهد بود؟

ترجمه تفسیری آزاد

ای پیامبر! نزدیک بود در موردی از آنچه به تو وحی کرده ایم منحرفت کنند تا غیر آن را به ما افترا ببندی و در آنصورت تو را دوست خویش می‌گرفتند (۷۳) و اگر تو را ثابت قدم نکرده بودیم نزدیک بود کمی بسویشان متمایل شوی (۷۴) در آنصورت تو را حتماً به عذابی سخت معذب میکردیم که انگار محنت دو چندانِ حیات و دو چندانِ ممات را چشیده باشی، و در آنصورت هیچ کسی را نمی‌یافتی که در مقابل ما یاورت باشد (۷۵) و نزدیک بود تو را وادار کنند که از مکه بیرون روی، که در حقیقت تو را اخراج کرده باشند، که در آنصورت در اثر عذابی که برآنان نازل میشد پس از تو جز اندکی در آن درنگ نمی‌کردند (۷۶) چنین است قانون ما و سنت خویش را در مورد سایر پیامبران قبل از تو نیز همین قرار داده ایم که اگر مخالفانشان از حد بگذرانند معذب گردند و در سنت ما هیچ تغییری نخواهی یافت (۷۷)

نماز را از زوال آفتاب در نیمروز تا تاریکی شب بپا دار، و نیز نماز صبح را بپا دار، که وقت نماز صبح مشخص است (۷۸) و مقداری از شب را به خواندن نافله ای برای خویش بیدار باش چه بسا که پروردگارت برایت مقامی پسندیده برگزیند (۷۹) و بگو پروردگارا مرا با داخل شدنی درست به هر کار داخل کن، و با خارج شدنی درست خارج کن، و برایم از جانب خویش دلیلی عطا کن که یاریم کند (۸۰) و بگو حق آمد و باطل از میان خواهد رفت که باطل خودش نابود شدنی است (۸۱) و ای پیامبر! بدان که در قسمتی از محتوای قرآن چیزهایی هست که برای مومنان شفاء و رحمت است و برای ظالمان چیزی جز خسارت نمی‌افزاید (۸۲)

اسراء ۸ آیات ۸۳ تا ۱۰۰

وَإِذْ أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَنَأَى بِجَانِبِهِ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ كَانَ يُوَسُّو ﴿۸۳﴾ قَالَ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَى سَبِيلًا ﴿۸۴﴾ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا ﴿۸۵﴾ وَلَئِنْ سَأَلْتُمْ لَتَنْذَهُنَّ بِالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ بِهِ عَلَيْنَا وَكِيلًا ﴿۸۶﴾ إِلَّا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ إِنَّ فَضْلَهُ كَانَ عَلَيْكَ كَبِيرًا ﴿۸۷﴾ قُلْ لَئِنْ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجُنُّ عَلَى أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا ﴿۸۸﴾ وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ فَأَبَى أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا ﴿۸۹﴾ وَقَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى تَنْزِلَ مِنَ الْأَرْضِ مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ كَمَا زَعَمَتِ عَلَيْنَا إِسْمَاعُ أَوْ تَأْتِي بِلِلٍّ مِنَ الْمَلَائِكَةِ قَبِيلًا ﴿۹۰﴾ أَوْ يَكُونَ لَكَ بَيْتٌ مِنْ زُخْرُفٍ أَوْ تَرْقَى فِي السَّمَاءِ وَلَنْ نُؤْمِنَ لِزُفْيِكَ حَتَّى تُنَزِّلَ عَلَيْنَا كِتَابًا نَقْرُؤُهُ قُلْ سُبْحَانَ رَبِّي هَلْ كُنْتُ إِلَّا بَشَرًا رَسُولًا ﴿۹۱﴾ وَمَا مَعَ النَّاسِ أَنْ يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَى إِلَّا أَنْ قَالُوا أَبَعَثَ اللَّهُ بَشَرًا رَسُولًا ﴿۹۲﴾ قُلْ لَوْ كَانَ فِي الْأَرْضِ مَلَائِكَةٌ يَمشُونَ مُطْمَئِنِّينَ لَنَزَّلْنَا عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ مَلَكًا رَسُولًا ﴿۹۳﴾ قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بِنَبِيِّ وَسَيِّئِكُمْ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا ﴿۹۴﴾ وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَنْ يُضِلِلْ فَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِهِ وَخَشَرَتُهُمْ يُومِئُومُ الْيَوْمِ الْقِيَامَةِ عَلَى وُجُوهِهِمْ عُمْيًا وَبُكْمًا وَصُمًّا مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ كُلَّمَا خَبَتْ زِدْنَاهُمْ سَعِيرًا ﴿۹۵﴾ ذَلِكَ جَزَاءُهُمْ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا وَقَالُوا أَأَبْدًا كُنَّا عِظَامًا وَرُفَاتًا إِنْآ لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا ﴿۹۶﴾ أَوْمْ يَرَوْنَ أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قَادِرٌ عَلَى أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ وَجَعَلَ لَهُمْ أَجَلًا لَّا رَيْبَ فِيهِ فَأَبَى الظَّالِمُونَ إِلَّا كُفُورًا ﴿۹۷﴾ قُلْ لَوْ أَنْتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذًا لَأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الْإِنْفَاقِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ قَتُورًا ﴿۹۸﴾ ﴿۱۰۰﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
 طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه نموده ایم که مطابق ذیل است:

درس: کمک همه جانبه الهی به پیامبر برای پیگیری رسالتش که ساخته شدن انسان باشد.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: ای پیامبر! قسمتی از مشکلات فکری کافران اینهاست: با آنان چنین بگو.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

وَإِذْ أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَنَأَى بِجَانِبِهِ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ كَانَ يُوَسِّسًا ﴿٨٣﴾ ﴿٨٣﴾ قَالَ كُلِّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَى سَبِيلًا ﴿٨٤﴾ ﴿٨٤﴾

ریزدرب: ای پیامبر! اینها بر اساس شاکله شخصیتی خویش چنین میکنند، با آنها تا به وقتش مدارا کن

۲

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٨٥﴾ ﴿٨٥﴾

ریزدرب: ای پیامبر! توجه شان را به عظمت امر روح الامین (جبرئیل) جلب کن.

۳

وَلَيْنَ شِئْنَا لَنَدْهَبَنَّ بِالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ بِهِ عَلَيْنَا وَكِيلًا ﴿٨٦﴾ ﴿٨٦﴾ إِلَّا رَحْمَةً مِن رَّبِّكَ إِنَّ فَضْلَهُ كَانَ عَلَيْكَ كَبِيرًا ﴿٨٧﴾ ﴿٨٧﴾ قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا ﴿٨٨﴾ ﴿٨٨﴾ وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ فَأَبَى أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا ﴿٨٩﴾ ﴿٨٩﴾

ریزدرب: ای پیامبر! به آنان تاکید کن این قرآن از جانب تو نیست

۴

وَقَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ تَنْجِرَ لَنَا مِنَ الْأَرْضِ يَبْسُوعًا ﴿٩٠﴾ ﴿٩٠﴾ أَوْ تَكُونَ لَكَ جَنَّةٌ مِّن تَحِيلِ وَعَنْبٍ فَتَنْجِرَ الْأُخْتَارَ خِلَافًا تَنْجِيرًا ﴿٩١﴾ ﴿٩١﴾ أَوْ تَسْقِطَ السَّمَاءُ كَمَا زَعَمَتِ عَلَيْنَا كِسْفًا أَوْ تَأْتِيَ بِاللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ قَبِيلًا ﴿٩٢﴾ ﴿٩٢﴾ أَوْ يَكُونَ لَكَ بَيْتٌ مِّن زُخْرِفٍ أَوْ تَرْفَىٰ فِي السَّمَاءِ وَلَنْ نُؤْمِنَ لِزُفْيِكَ حَتَّىٰ تَنْزِلَ عَلَيْنَا كِتَابًا نَقْرُؤُهُ قُلْ سُبْحَانَ رَبِّي هَلْ كُنْتُ إِلَّا بَشَرًا رَسُولًا ﴿٩٣﴾ ﴿٩٣﴾ وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَنْ يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَىٰ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَبَعَثَ اللَّهُ بَشَرًا رَسُولًا ﴿٩٤﴾ ﴿٩٤﴾ قُلْ لَوْ كَانَ فِي الْأَرْضِ مَلَائِكَةٌ يَّمشُونَ مُطْمَئِنِّينَ لَنَزَّلْنَا عَلَيْهِم مِّنَ السَّمَاءِ مَلَكًا رَسُولًا ﴿٩٥﴾ ﴿٩٥﴾ قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي

وَيُنَبِّئُكُمْ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا ﴿٩٦﴾

ریزدرب: ای پیامبر! اینها بهانه گیری از نوع «سنگ بزرگ» روی آورده اند، ضمن جواب استدلالی حوصله کن

۵

وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَنْ يُضِلِّمْ فَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِهِ وَنَحْشُرُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ عُمِيًَّا وَيُنَبِّئُكُمْ عَنْ صَمَاءَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمَ كُلَّمَا خَبَتْ زِدْنَاهُمْ سَعِيرًا ﴿٩٧﴾ ذَلِكَ جَزَاءُهُمْ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا وَقَالُوا أَنَذَا كُنَّا عِظَامًا وَرَفَاتًا إِنَّا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا ﴿٩٨﴾ أَوْ يَبْرَأُوا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ قَادِرٌ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ وَجَعَلَ لَهُمْ أَجَلًا لَّا رَيْبَ فِيهِ فَأَنَّى الظَّالِمُونَ إِلَّا كُفُورًا ﴿٩٩﴾ قُلْ لَوْ أَنْتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذًا لَأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الْإِنْفَاقِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ قَنُورًا ﴿١٠٠﴾

ریزدرب: ای پیامبر! نهایتش این است که هرکاری کنی اینان ایمان نیاورند، ما که میدانیم در آنصورت چه کنیم!

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لبّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ که ابتدای ورود به سوره است شرحی از نشان دادن بعضی از آیات الهی در جهت آموزش و کمک و تقویت مواضع رسولانه به پیامبر - ص - میدهد .

در پاراگراف ۲ می فرماید : یهودیان در خلاف جهت تعالیشان درگیری هائی داشته و دارند و خواهند داشت که بالاخره به شکست کامل و اضمحلالشان منجر خواهد شد.

در پاراگراف ۳ می فرماید : ای پیامبر ! همه جور به تو کمک کرده ایم ، این قرآنی که تو راه

آن مجهز کرده ایم یکی از مصادیق بارز کمکهای ما است ولی به خاطر داشته باش که این قرآن شرط لازم هدایت است نه شرط کافی. و ای کافران! چرا نگاه خود را به زندگی خراب می کنید و بجای اینکه به راه این رسول و این قرآن بیایید، چیزی را طلب میکنید که به ضررتان است؟ و ای پیامبر! قوانین مراجع به هلاکت جوامع و چگونگی بدست آوردن خواسته های دنیوی و اخروی اینهاست.

در پاراگراف ۴ تذکرات همه جانبه‌ای به پیامبر (ص) و مسلمانان میدهد و می فرماید برای اینکه بتوانید حضور موثری در جهت ارتقای خویش و سایرین داشته باشید لازم است این صفات را احراز کنید.

در پاراگراف ۵ می فرماید: نظام فکری شرک نامعقول است و ای کافران! از این لجبازی هادست بکشید و به ایمان به خداوند یگانه که معقول و منطقی است بگرائید. و ای پیامبر! به آنها اهمیتی نده، اشکال از خودشان است و اینطور نیست که تو یا این قرآن، «هرکسی» را بتوانید هدایت کنید و موضوع قیامت هرچه باشد موضوع سنگینی است و تو نباید انتظار داشته باشی فوراً آن را جذب کنند. باید حوصله کنی، باید گفتگو کنی، و به پیروان بگو به مسلمانی خویش مغرور نشوند، و به مشرکان هم بگو «خدایان» تان نمیتوانند مشکلی را از شما حل کنند. و بر مدت عمر جوامع بشری و ارائه معجزات الهی، قوانینی حاکم است و از رفتار این کافران ناراحت نباش. به عکس تصوراتشان، نه تنها نباید چندان از اوضاع خویش مطمئن باشید، بلکه شایسته است در باره موضوع آن خوابی که دیده ای، خیلی هم بر خویش نگران باشند.

در پاراگراف ۶ می فرماید: ای پیامبر! مخالفان فعلاً تحت تاثیر شیطان هستند و قلمرو او نیز حوزه ذهنی آنهاست، قلمرو توهم همان حوزه است، لذا پایداری کن تا کم کم بقدر ممکن او را عقب برانی، و نیز می فرماید: ای کافران! صاحب این نعمت ها را به یاد بیاورید و رسولش را تکذیب نکنید بلکه به او بگروید تا به نعمت های بزرگتر اخروی هم برسید و اینکه شما را برای بزرگی و بزرگواری آفریده ایم، قدر خود بدانید و رفتاری کنید که درخور آن باشد، و اگر قدر نعمت ها را (که قبلاً ذکر شد) نشناختید معلوم میشود چشم حقیقت بین شما کور است، لذا در جهان بعدی وضع بدتری خواهید داشت.

در پاراگراف ۷ می فرماید: ای پیامبر! لازم نیست به جهت پیشبرد رسالت کوچک ترین امتیازی به مخالفان بدهی. وظیفه تو فقط رساندن پیام است، نگران نتیجه بخشی آن مباش، و بدان که قسمت هایی از قرآن در عین حال دارای دو اثر متضاد است، ضمناً برای اینکه قوام شخصیتی حداکثری را که برای این موضوع لازم است، پیداکنی، این عبادات را پیشه کن.

در این پاراگراف می فرماید: ای پیامبر جواب کافران و سایر مخاطب ها را که شبهه ها و سوالاتی شبیه زا مطرح میکنند اینطور بده.

۴ - سوالات

- ۱ - قل (در آیه ۸۴) از چه نوع است؟ به خویش بگو یا به دیگران بگو؟
- ۲ - اگر میخواستیم از تیتیر «خواست خداوند قانونمندانست» استفاده کنیم، می باید زیر کدام کلمات را خط بکشیم؟
- ۳ - با توجه به آیه ۹۷، چه حالتی در عذاب آنها مورد تاکید قرار گرفته؟ (تحقیر؟ یا...؟)

۴- با توجه به جواب سوال فوق ، آنها در قبال پیامبر(ص) چه نوع رفتاری داشتند؟
(متکبران؟ یا...؟)

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

از آیه ۸۳ میتوان حدس زد که آنحضرت خیلی ناراحت میشد و خیلی حرص و جوش میخورد که چرا این مردم اینقدر کند و دیر تاثیر و صلب هستند و چرا دوان دوان به سوی حق نمی شتابند و . .

در آیه ۸۴ به آنحضرت توصیه میکند چه به خویش تلقین و چه به پیروانش توضیح دهد که راجع به این حالت کفار خیلی حساس نباشند زیرا شاکله آنها با نان بت پرستی شکل گرفته و تغییر رفتار از سوی آنها موکول به تغییر شاکله آنها است که ماهیتش گند و زمان بر است. و آیه ۸۴ همخط آیه سوره نجم است که میگوید «لا تزکوا انفسکم هو اعلم بمن اتقی» و با توجه به آیه اخیر آیه ۸۴ این تذکر را هم میتواند برای مومنان داشته باشد که حالا شما هم خیلی به ایمان تان غره نشوید، شاید این ایمان شما مربوط به خودتان نباشد بلکه مربوط به شاکله تان باشد. راجع به سایر فقرات پاراگراف هم در سوره های قبلی بحثی عرض کرده ایم.

۶ - آیات برجسته این پاراگراف

آیه ۸۵ از آیات برجسته مهم قرآنی است و در کتاب هایی موسوم به علوم قرآنی و در بحث های مربوط به وحی مورد استناد و استشهاد قرار میگیرد. همچنین است آیه ۸۹.

۷ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

موضوع آیه ۸۵، فوق ذهنیات بشر قرن بیست و یکم هم هست، چه رسد به مخاطب اولیه!

موضوع آیه ۸۴ نیز فوق ذهنیات آنان بود، زیرا اساسا روانشناسی، یک علم «جوان» است.

آیات ۹۷ تا ۹۹ «قیامتی» است، و هیچ بنی بشری تجربه اش را ندارد، و قبل از قیامت نخواهد داشت، لذا، چه در آن روزهای نزول وحی و چه الی یوم القیامه بالاتر از ذهنیات بشر خواهد بود.

واقعا آنهائی که میگویند قرآن فوق معهودات مشافهین ندارد، در باره «ما اوتیتم من العلم الا قليلا» که صراحتاً میگوید این مطلب فوق معهودات شما است چه میگویند؟!

۸ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیه های ۸۳ و ۸۶ و ۸۷ و ۹۶ و ۹۹ ، بقیه آیات «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

فعل خداوند قانونمند است

خداوند در آیه ۹۷ گمراه کردن را به خویش نسبت داده، در حالی که با توجه به تیتیر فوق می دانیم طبق نظاماتی که خداوند قرار داده، عمل بد خود شخص گمراهش میکند.

امروز هم همان سؤالات مطرح است

در این پاراگراف سؤالاتی مطرح شده است که ما برای حصول نظم و شفافیت بیشتر، آنها را بصورت ذیل مرتب کرده ایم :

- ۱ - علت پیدایش شرور چیست؟ (آیه ۸۳)
- ۲ - روح چیست؟ (آیه ۸۵)
- ۳ - (ای پیامبر که ادعای ارتباط با عالم بالا را داری) چرا نمی توای چیزهائی را که از تو می خواهیم فراهم کنی؟ (آیات ۹۰ تا ۹۳)
- ۴ - (ای پیامبر) این قرآن را از خودت در آورده ای (آیه ۸۸)
- ۵ - شرط ایمان آوردن ما این است که این کارها را انجام دهی : (جاری کردن چشمه و درست کردن باغ و شکافتن آسمان و داشتن خانه جواهرنشان و بالا رفتن به آسمان و آوردن مدرک از آنجا و ...) (آیات ۹۰ تا ۹۳)
- ۶ - چگونه ممکن است به انسان وحی شود؟ (آیه ۹۴)
- ۷ - گواهی حجیت کلام پیامبر چیست؟ (آیه ۹۶)
- ۸ - چگونه ممکن است پس از مردن و از بین رفتن دوباره زنده شویم؟ (آیه ۹۸)
- ۹ - (ای پیامبر) چرا ما که کافریم ثروتمندتر از شما هستیم؟ (آیه ۱۰۰)

انصافاً با توجه به لیست فوق، اگر ردیف ۵ را (که جنبه استدلالی ندارد و نوعی لجاجزی است) حذف کنیم، بقیه سئوالات و ایراداتی که می ماند، همین امروز هم

بین بسیاری از مردم (حتی مسلمانان) مطرح است و اینطور نیست که فقط به کافران پانزده قرن پیش مربوط بوده باشد.

این سئوالات، (البته غیر از ۴ و ۸) امروز هم که تقریباً پانزده قرن از نزول این آیات می‌گذرد، حتی در بین بسیاری از مسلمانان نیز مطرح است.

این سئوالات جزء اساسی‌ترین سئوالات دینی است.

البته بسیاری از سئوالات لیست فوق در سوره‌های قبلی پاسخ داده شده و بعضی نیز در همینجا جواب خود را یافته است و ما سعی می‌کنیم مطابق با همان جدول سئوالات مذکور را جواب (قرآنی) دهیم:

علت پیدایش شرور

در آیه ۸۴ می‌فرماید «همگی براساس طبیعت خود عمل می‌کنند» و با توجه به آن، معلوم می‌شود که «شر»، چیزی است که «بنظر می‌آید» شر است.

یعنی شر یک امر نسبی است، و چیزی از یک لحاظ شر است و از چندین لحاظ خیر است و مجموعاً در کل چرخه حیات جهانی، جایگاه خود را دارد و نقش خویش را ایفا می‌کند و حرکت کلی جهانی چیزها و جان‌ها، یک حرکت هماهنگ متوازن هارمونی و بطرف تکامل و خلاصه «بسوی خدا»، یعنی «بسوی خیر مطلق» است.

روح چیست؟

در آیه ۸۵ «روح» را به «امر» ارجاع داده و «امر» نیز در بند انتهائی سوره یس تعریف شده است که «امر ما وقتیکه اراده چیزی کند به او می‌گوید «باش» و او «می‌شود» اما در ابتدای سوره دهر (سوره انسان) دیدیم که فاصله زمانی بین فرمان «باش» تا «شدن» چیزی ممکن است میلیون‌ها سال طول بکشد چنانکه در مورد انسان نیز اینطور بود.

بنابراین، «روح»، موجود پیچیده‌ای است که پیدایش آن، مانند پیدایش انسان ممکن است میلیون‌ها سال طول بکشد.

در سوره قدر نیز دیدیم که «ملائکه» و «روح» را جداگانه ذکر نموده است.

در سوره شعراء که می‌فرماید: «روح‌الامین» با آن بر قلب تو نازل شد. «تا از هشداردهندگان باشی»

از اینجا معلوم می‌شود فرشته وحی که در سوره‌های تکویر و نجم تا حدودی با او

آشنا شدیم یکی از مصادیق اعلای روح است.

بنابراین پاسخ سؤال «روح چیست؟» این است:

«روح مخلوق بلند مرتبه پیچیده‌ایست که آفرینش آن نیاز به مقدماتی دارد که چه بسا میلیونها و میلیاردها سال طول بکشد، و یکی از انواع آنها جبرئیل است و یکی از انواع آنها آن است که در پیغمبران وجود دارد که بواسطه آن می‌توانند وحی را از جبرئیل دریافت کنند»

جواب سؤال ۳:

سئوالی که در آیات ۹۳-۹۰ مطرح شده جوابش آسان است و آن اینکه درست است که پیامبر(ص) دارای «روح پیامبری» است اما این روح، هر چه باشد مخلوق خداوند است و لذا محدود به حدودی است که خداوند برایش مقرر کرده و لذا هیچ استقلالی در مقابل خداوند ندارد و طبعاً نمی‌توند «هر چیزی را که بخواهد» فراهم کند. و ضمناً اساساً آن خواسته‌هایی که در آن آیه ها مطرح شده در شرح وظایف پیامبر نیست.

جواب سؤال ۴:

سئوالی که در آیه ۸۸ مطرح شده، جوابش اولاً در همان آیه ۸۸ آمده و ثانیاً این نوع استدلال در قرآن به لحن‌های مختلف چندین بار تکرار شده و چون تاکنون خلاف آن ثابت نگشته همین کافی است که قبول کنیم بشر قادر به خلق چیزی مانند قرآن نیست. لذا نتیجه می‌شود که قرآن، کاری است از کارهای خداوند و معجزه است.

جواب سئوالی که در آیه ۹۴ به آن اشاره شده، اولاً بحثی است که درباره روح نمودیم و پیامبران دارنده آن نوع روح هستند و همین سبب می‌شود که امکان دریافت وحی را داشته باشند. و ثانیاً شرح نسبتاً مفصل آن را در سوره نجم عرض کرده‌ایم. جواب سئوالی که در آیه ۹۶ مطرح شده با جواب سؤال ۴ و جواب سؤال ۶ یکی است.

جامع‌ترین جوابی که راجع به سؤال آیه ۹۸ در قرآن آمده و چندین بار هم تکرار شده، همان جوابی است که در انتهای سوره قیامه داده شده که خلاصه آن دو نکته است:

۱- قدرت خداوند، که این نوع جواب بسیار در قرآن به عبارات و کلام‌های مختلف تکرار شده است،

۲- حکمت خداوند، که بر طبق آن، اگر این جهان، پایان کار آدمی باشد، امر خلقت، امری است عبث و بی‌نتیجه و بی‌حاصل که شرح آن در جای خود گذشت و در اینجا همین اشاره کافی است.

جواب مطلبی که در آیه ۱۰۰ به آن اشاره شده بطور مفصل در تفسیر سوره فجر ذکر شده است و خلاصه‌اش این است که ملاک فضیلت، مال و جاه این جهانی نیست و شما که بفرض ثروتمندتر باشید، با توجه به اینکه دنیا در مقابل آخرت بسیار حقیر است، چیز مهمی ندارید. اندکی از چیزی را دارید که زیاد آن نیز چیز مهمی نیست.

بالا بودن شأن روح

البته بطور قطع معنی «روح» مطرح در آیه ۸۵، به آن معنی که ما معمولاً به کار می‌بریم (یعنی «جان آدمی» یا «روان آدمی») نیست زیرا کلمه قرآنی مفهوم اخیر «نفس» است.

چیزی که مورد بحث آیه ۸۵ است همان چیزی است که در «تنزل الملائکه و الروح» و «نزل به الروح الامین» و امثال آن ذکر شده است، و مصداق دقیق آن همان کسی است که در پاراگراف اول سوره نجم بطور مشروح و مفصل درباره‌اش بحث شد، یعنی وجود مقدس جبرئیل امین که رئیس سیستم وحی‌رسانی الهی است که بعداً نیز در قرآن بسیار مورد اشاره قرار گرفته است، مثلاً در پاراگراف‌های انتهایی سوره تکویر، و جاهای دیگر.

اینکه در آیه ۸۵ فرموده شأن آن بالاتر است که در محدوده علم شما (یعنی علم انسان) قرار گیرد به این خاطر است.

علت آن هم این است که «وحی» نسبت به جهان ما «محیط» است و ما نسبت به آن «محاط» می‌باشیم و اساساً امکان این که نسبت به آن علم پیدا کنیم وجود ندارد. (بلا تشبیه، همان طور که جنین نمی‌تواند راجع به این جهان علمی پیدا کند، یا ما نمی‌توانیم راجع به ذات اقدس خداوندی علمی داشته باشیم)

همنوعی فرستادگان و قوم آنها

از آیه ۹۵ فهمیده می‌شود که رسولان الهی باید حتماً از جنس همان کسانی باشند که بسوی آنها فرستاده شده‌اند.

ظاهراً اگر غیر از این باشد، پذیرش رسالت آن فرستاده آسانتر شده و فرق کافر و

مؤمن مشخص نمی‌شود و یکی از مقاصد ارسال رسل که همان امتحان مردم از لحاظ اطاعت اوامر الهی باشد از بین می‌رود.

مطمئن‌ها

همچنین از آیه ۹۵ فهمیده می‌شود چون زمین و آسمان و خود آدمی و همه چیزها مخلوق خداوند و تحت اوامر او هستند، و هیچ چیزی استقلالی در امور خویش ندارد پس نمی‌توان به چیزی بطور قطع مطمئن شد زیرا زمینی که ساکن است ممکن است زلزله کند و راهی که سفت است ممکن است چاه شود و آدمی که سالم است و راه می‌رود ممکن است مریض و فلج شود و هر کس در هر لحظه باید این نکات را در نظر بگیرد و به یک لحظه بعد خویش نیز مطمئن نشود و اگر می‌بینیم که ماها مطمئن هستیم بعلت غفلت ما از حقایق فوق است اما اگر غفلت کنار رود و تنبه حاصل شود عقل می‌گوید به چیزی نباید مطمئن شد.

چگونه گواهی خداوند فهمیده می‌شود؟

در رابطه با آیه ۹۶ ممکن است بگوییم اگر کسی ادعائی کند و خداوند را بر صدق ادعای خویش گواه بگیرد]] البته معلوم است که اگر خداوند گواه صدق چیزی باشد، آن چیز واقعاً صدق است اما]] چگونه می‌توان فهمید که خداوند بر صدق چیزی گواهی داده است؟

جواب این سخن در آیه ۸۸ داده شده است.

چون تاکنون کسی یا کسانی نتوانسته‌اند کتابی مانند قرآن بیاورند، مادامیکه این حالت باقی هست و ماندنی برای قرآن ارائه نشده که بطور عمومی همسنگ بودن آن با قرآن پذیرفته شود، «گواهی از جانب خداوند بودن» با قرآن همراه است و به این ترتیب میتوان گواهی خداوند را درک کرد.

ترجمه تفسیری آزاد

و هنگامیکه به انسان نعمتی می‌دهیم روی برمیگرداند و دوری می‌جوید و هنگامیکه چیزی به او میرسد که شر می‌پنداردش نومید میگردد (۸۳) ای پیامبر! بگو همگی بر اساس طبع خود عمل می‌کنند و پروردگارتان بهتر میدانند چه کسی هدایت یافته تر است (۸۴)

و از تو درباره جبرئیل میپرسند، بگو آن از امر پروردگار من است و به شما جز اندکی از آن علم داده نشده است (۸۵) و اگر میخواستیم حتماً آنچه را که بسویت وحی نموده ایم از بین میبردیم، آنگاه برای خویش علیه ما و کیلی نمی یافتی (۸۶) مگر رحمتی از پروردگارت، که فضل او بر تو بزرگ است (۸۷) بگو اگر جن و انس مجتمع شوند که مانند این قرآن را بیاورند نخواهند توانست حتی اگر بعضی شان بعضی دیگر را یاری کنند (۸۸) و البته در این قرآن برای مردم از هر مثلی گردانیدیم اما اکثر مردم از روی ناسپاسی رو گردانند (۸۹)

و میگویند به تو ایمان نخواهیم آورد مگر اینکه از زمین برای ما چشمه ای بشکافی (۹۰) یا اینکه باغی از انگورها و خرماها داشته باشی و بین آنها بخوبی نهرهائی روان کنی (۹۱) یا اینکه آسمان را آنطور که فکر میکنی بر سر ما بباندازی یا اینکه خدا و ملائکه را جلویمان بیاوری (۹۲) یا اینکه خانه ای جواهر نشان داشته باشی، یا اینکه به آسمان بالا روی و بالا رفتنت را هم باور نخواهیم کرد مگر اینکه برایمان نامه ای پائین بیاوری که آنرا بخوانیم، بگو منزه است پروردگارم، مگر من غیر از بشری فرستاده هستم؟ (۹۳)

و چیزی مانع ایمان آوردن مردم نشد مگر اینکه میگویند آیا خداوند بشری را به رسالت برانگیخته؟ (۹۴) بگو اگر در زمین فرشتگانی بودند که با اطمینان در آن راه میرفتند حتماً از آسمان فرشته ای را به رسالت نازل میکردیم (۹۵) بگو خداوند برای گواهی بین من و شما کافی است زیرا که او به بندگانش آگاه و بینا است (۹۶) و هر کس را که خداوند هدایت کند همو هدایت یافته است و کسی را که گمراه کند دوستانی غیر از او برایشان نخواهی یافت، و روز قیامت بر صورتهایشان محشورشان می کنیم در حالیکه کور و کر و لالند. جایگاهشان جهنم است که هر گاه آتشش فروکش کند باز سوزان و فروزان می کنیم (۹۷) این جزایشان است زیرا به آیاتمان کافر شدند و گفتند آیا وقتیکه استخوان شدیم و پوسیدیم آیا در آفرینشی جدید برانگیخته خواهیم شد؟ (۹۸)

آیا نمی بینند خداوندی که آسمانها و زمین را آفریده تواناست که مانند آنها را بیافریند؟ و برایشان سرآمدی قرار داده که شکی در آن نیست. اما ظالمان جز سر

ناسپاسی ندارند (۹۹) بگو اگر شما مالک گنجینه های رحمت پروردگارم بودید از نگرانی تنگدستی تنگ چشمی میکردید و چیزی به کسی نمیدادید، که انسان بسیار بخیل است (۱۰۰)

اسراء ۹ آیات ۱۰۱ تا ۱۱۱

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى تِسْعَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ فَاسْأَلِ بَنِي إِسْرَائِيلَ إِذْ جَاءَهُمْ فَقَالَ لَهُ فِرْعَوْنُ إِنِّي لَأَظُنُّكَ يَا مُوسَى مَسْحُورًا ﴿١٠١﴾ قَالَ لَقَدْ عَلِمْتَمَا أَنْزَلَ هَؤُلَاءِ إِلَّا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ بِصَافِرٍ وَإِنِّي لَأَظُنُّكَ يَا فِرْعَوْنُ مَثْبُورًا ﴿١٠٢﴾ فَأَرَادَ أَنْ يَنْتَقِرَهُمْ مِنَ الْأَرْضِ فَأَغْرَقْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ جَمِيعًا ﴿١٠٣﴾ وَقُلْنَا مِنْ بَعْدِهِ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ اسْكُنُوا الْأَرْضَ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ جِئْنَا بِكُمْ لَفِيفًا ﴿١٠٤﴾ وَبِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَبِالْحَقِّ نَزَلَ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ﴿١٠٥﴾ وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْتٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا ﴿١٠٦﴾ قُلْ آمَنُوا بِهِ أَوْ لَا تُؤْمِنُوا إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَى عَلَيْهِمْ يَجْرُونَ لِلأَذْقَانِ سُجَّدًا ﴿١٠٧﴾ وَيَقُولُونَ سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا ﴿١٠٨﴾ وَيَجْرُونَ لِلأَذْقَانِ يَبْكُونَ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا ﴿١٠٩﴾ قُلْ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَلَا تَجْهَرُوا بِصَلَاتِكُمْ وَلَا تَخَافُتُمْ بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا ﴿١١٠﴾ وَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وِليٌّ مِنَ الأَلْدِ وَكَبْرَةً تَكْبِيرًا ﴿١١١﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه داده ایم که بر آن اساس مطابق ذیل است:
درس: کمک همه جانبه الهی به پیامبر برای پیگیری رسالتش که ساخته شدن انسان باشد.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:
درب: دلداری به آن حضرت که مخالفانش نمی توانند کاری از پیش ببرند و نیز اینکه اینک که اینان چنین اند، اینطور بگو.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى تِسْعَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ فَاسْأَلِ بَنِي إِسْرَائِيلَ إِذْ جَاءَهُمْ فَقَالَ لَهُ فِرْعَوْنُ إِنِّي لَأَظُنُّكَ

يَا مُوسَىٰ مَسْحُورًا ﴿١٠١﴾ قَالَ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا أَنْزَلَ هَؤُلَاءِ إِلَّا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ بِصَآئِرٍ
وَأِنِّي لَأَظُنُّكَ يَا فِرْعَوْنُ مَثْبُورًا ﴿١٠٢﴾ فَأَرَادَ أَنْ يَنْتَقِرَهُمْ مِنَ الْأَرْضِ فَأَعْرَفْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ جَمِيعًا
﴿١٠٣﴾ وَقُلْنَا مِنْ بَعْدِهِ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ اسْكُنُوا الْأَرْضَ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ جِئْنَا بِكُمْ لَفِيفًا
﴿١٠٤﴾

درب: دلداری به آن حضرت که مخالفانش نمی توانند کاری از پیش ببرند و بلکه مغلوب خواهند شد.

۲

وَبِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَبِالْحَقِّ نَزَّلَ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ﴿١٠٥﴾ وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى
النَّاسِ عَلَىٰ مَكْثٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا ﴿١٠٦﴾

درب: ای پیامبر! همه چیز این رسالت (هم محتوا و هم طریقه اش از مبداء تا مقصد) مطمئن ترین است.

۳

قُلْ آمِنُوا بِهِ أَوْ لَا تُؤْمِنُوا إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ سُجَّدًا
﴿١٠٧﴾ وَيَقُولُونَ سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا ﴿١٠٨﴾ وَيَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ يَبْكُونَ
وَيَرِيذُهُمْ خُشُوعًا ﴿١٠٩﴾

ریزدرب: ای پیامبر! محتوای این وحیی که به تو میشود تاثیرگذار است.

۴

قُلْ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ وَلَا تَجْهَرُ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتْ
بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا ﴿١١٠﴾ وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُن لَّهُ شَرِيكٌ فِي
الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُن لَّهُ وِليٌّ مِنَ الدُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًا ﴿١١١﴾

ریزدرب: ای پیامبر! به پیروانت چنین آموزش بده و خود نیز چنان باش.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقا با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی

است.

تَبَّ مطلب:

با توجه به ریز پاراگراف ها، و ریز در بها، و جمع بندی ریز در بها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ که ابتدای ورود به سوره است شرحی از نشان دادن بعضی از آیات الهی در جهت آموزش و کمک و تقویت مواضع رسولانه به پیامبر - ص - میدهد .
در پاراگراف ۲ می فرماید : یهودیان در خلاف جهت تعالیشان درگیری هائی داشته و دارند و خواهند داشت که بالاخره به شکست کامل و اضمحلالشان منجر خواهد شد.
در پاراگراف ۳ می فرماید : ای پیامبر ! همه جور به تو کمک کرده ایم ، این قرآنی که تو رابه آن مجهز کرده ایم یکی از مصادیق بارز کمکهای ما است ولی به خاطر داشته باش که این قرآن شرط لازم هدایت است نه شرط کافی . و ای کافران! چرا نگاه خود را به زندگی خراب می کنید و بجای اینکه به راه این رسول و این قرآن بیائید ، چیزی را طلب میکنید که به ضررتان است؟ و ای پیامبر ! قوانین مراجع به هلاکت جوامع و چگونگی بدست آوردن خواسته های دنیوی و اخروی اینهاست.

در پاراگراف ۴ تذکرات همه جانبه ای به پیامبر (ص) و مسلمانان میدهد و می فرماید برای اینکه بتوانید حضور موثری در جهت ارتقای خویش و سایرین داشته باشید لازم است این صفات را احراز کنید.
در پاراگراف ۵ می فرماید: نظام فکری شرک نامعقول است و ای کافران! از این لجبازی هادست بکشید و به ایمان به خداوند یگانه که معقول ومنطقی است بگرائید. و ای پیامبر! به آنها اهمیتی نده، اشکال از خودشان است و اینطور نیست که تو یا این قرآن، «هرکسی» را بتوانید هدایت کنید و موضوع قیامت هر چه باشد موضوع سنگینی است و تو نباید انتظار داشته باشی فوراً آن را جذب کنند. باید حوصله کنی، باید گفتگو کنی، و به پیروانت بگو به مسلمانی خویش مغرور نشوند، و به مشرکان هم بگو «خدایان» تان نمیتوانند مشکلی را از شما حل کنند. و بر مدت عمر جوامع بشری و ارائه معجزات الهی، قوانینی حاکم است و از رفتار این کافران ناراحت نباش. به عکس تصوراتشان، نه تنها نباید چندان از اوضاع خویش مطمئن باشند، بلکه شایسته است در باره موضوع آن خوابی که دیده ای، خیلی هم بر خویش نگران باشند.

در پاراگراف ۶ می فرماید: ای پیامبر ! مخالفتان فعلا تحت تاثیر شیطان هستند و قلمرو او نیز حوزه ذهنی آنهاست، قلمرو توهم همان حوزه است، لذا پایداری کن تا کم بقدر ممکن او را عقب برانی، و نیز می فرماید: ای کافران! صاحب این نعمت ها را به یاد بیاورید و رسولش را تکذیب نکنید بلکه به او بگروید تا به نعمت های بزرگتر اخروی هم برسید و اینکه شما را برای بزرگی و بزرگواری آفریده ایم، قدر خود بدانید و رفتاری کنید که درخور آن باشد، و اگر قدر نعمت ها را (که قبلاً ذکر شد)

نشناختید معلوم میشود چشم حقیقت بین شما کوراست، لذا درجهان بعدی وضع بدتری خواهید داشت.

در پاراگراف ۷ می فرماید: ای پیامبر! لازم نیست به جهت پیشبرد رسالت کوچک ترین امتیازی به مخالفان بدهی. وظیفه تو فقط رساندن پیام است، نگران نتیجه بخشی آن مباش، و بدان که قسمت-هایی از قرآن در عین حال دارای دو اثر متضاد است، ضمناً برای اینکه قوام شخصیتی حداکثری را که برای این موضوع لازم است، پیداکنی، این عبادات را پیشه کن.

در پاراگراف ۸ می فرماید: ای پیامبر جواب کافران و سایر مخاطب ها که شبهه ها و سوالاتی مطرح میکنند را اینطور بده.

در این پاراگراف می فرماید: ای پیامبر! مطمئن و محکم باش، آنها نمیتوانند در دشمنی با آیات ما از حد معینی فراتر بروند، لذا باجدیت کامل رسالت را پی گیر، و علیرغم اینکه قرآنی که به تو داده ایم در بالاترین قله است، ولی ناآگاهان گرایشی به آن نشان نمیدهند، اهمیتی مده، خودت نیز برای اینکه از این پس با مشکلات رسالت موفق تر برخورد کنی این رژیم عبادتی را در پیش بگیر.

۴ - سوالات

۱ - در آیه ۱۰۵، «انزلنا» و «نزل» بیان یک موضوع ازدو منظر است (داخلی و خارجی)، توضیح دهید: قید «بالحق» در هر یک از این دو منظر، چه چیزی را بیان میکند؟

۲ - سه مرحله (۱ - تکذیب جواب پیامبران ۲ - پرداختن به حواشی و باز هم جواب پیامبران ۳ - تعرض فیزیکی به پیامبران و نابودی متعرضین) را در این پاراگراف مشخص کنید.

۳ - کجای آیه ۱۰۲ همخط «جحدوا بها واستیقنتها انفسهم» است؟

۴ - آخره در آیه ۱۰۴ به معنی لغوی آمده یا اصطلاحی؟ (دلیل)

۵- حالت کلی این پاراگراف چگونه است؟(دللداری به پیامبر- ص-؟ ارشاد آنحضرت؟ (یا..؟)

۶ - منظور از «علم» (آیه ۱۰۷) چیست؟

۷ - در همان آیه، «قبل»، نسبت به چه هنگام؟

۸ - نیمه دوم آیه ۱۰۵، پیامبر(ص) را از چه منع میکند؟

۹ - از نیمه اول آیه ۱۱۰ چه سابقه ای در سوره های قبل دارید؟

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

در آیات ۱۰۱ تا ۱۰۳ به آنحضرت دل‌داری میدهد که از ناحیه دشمن آشکارش خطری متوجه اش نخواهد بود زیرا اگر دست از پا خطا کنند خداوند نابودشان میکند.

در آیه ۱۰۴ آنحضرت را از خطری آگاه میکند که علی‌الظاهر خطر به نظر نمیرسد و آن چیزی جز «خطر یهود» نیست، که البته متوجه خود شخص آنحضرت نیست بلکه متوجه امت آنحضرت است زیرا زمان مقابله نهایی تعیین نشده است.

۶ - زاویه با تفاسیر رایج

در باره آیه ۱۰۴ سوره اسراء: (المیزان): وَ قُلْنَا مِنْ بَعْدِهِ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ اسْكُنُوا الْأَرْضَ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ جِئْنَا بِكُمْ لَفِيفًا" . . . [بعید هم نیست که مراد از وعده آخرت همان قضایی باشد که راندن آن را در اول سوره ذکر نموده فرمود: "فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لَيْسُوا وَجُوهَكُمْ وَ لِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ لِيَتَّبِعُوا مَا عَلِمُوا تَنْبِيْرًا" هر چند که بیشتر مفسرین این احتمال را نداده‌اند، لیکن بنا بر این احتمال صدر سوره با ذیل آن مرتبط می‌شود، و آن وقت مراد از ذیل این می‌شود که: بعد از غرق فرعون، به بنی اسرائیل دستور دادیم که در سرزمین مقدس که فرعون شما را از رفتن به آنجا جلوگیری می‌کرد منزل کنید و در آنجا باشید تا وعده دیگر شما برسد، همان وعده‌ای که در آن، بلاها شما را می‌پیچاند و دچار قتل و غارت و اسیری و جلای وطن می‌شوید در آن موقع همه شما را گرد آورده و در هم فشرده می‌آوریم (و این همان اسارت بنی اسرائیل و جلای وطن آنان است که یکپارچه به بابل آمدند)

قولی است نامقبول، که علاوه بر اینکه با عصاره محتوای سوره مغایر است با رفتار خداوند حکیم نیز مغایر است که از طرفی آنها را به «ان احسنتم احسنتم لانفسکم» امیدوار کند و از طرف دیگر بگوید فایده‌ای ندارد و عاقبت شما این است،

بعلاوه روال سخن طوری است که خواننده اینطور می‌فهمد که آیه‌های ۴ تا ۸ دارد از اتفاقی که در آینده خواهد افتاد (مثلاً اوضاع فعلی یهودیان اسرائیل) صحبت میکند . . . و ترجیح میدهیم خواننده کنجکاو را به تفسیر پاراگراف دوم این سوره ارجاع دهیم.

علاوه بر همه اینها، اگر قول فوق را بپذیریم، مستلزم این خواهد بود که از آیه ۹ تا اینجا (حدود ۱۰۰ آیه) همه اش «پرانرژی» باشد، که نگاهی به محتوای آنهمه آیات، و درک تنوع آنها و استقلال موضوعاتشان (که در جدول‌های استخراج درس سوره قابل رویت است) این فرض را نیز رد میکند.

بلکه «وعداآخره» به همان معنی معروف (قیامت) بهتر می‌خورد.

۷ - پیشگویی های تحقق یافته

در آیات ۱۰۱ تا ۱۰۳ با تاکید بر نابودی فرعون، تلویحا پیشگویی موفقیت آنحضرت را نموده است.

۸ - آیات برجسته این پاراگراف

آیه ۱۰۵ دقیقا مطابق تیتیر فوق است، هم از لحاظ اقبال هنرمندان اعم از خوشنویسان و کاشیکاران و معرق کاران و منبت کاران که کارهایشان در مساجد و زیارتگاه ها و جاهای دیگر چشم نواز است، و هم از لحاظ محتوای قرآن و هم از نظر مسیر وحی که مصون از دخل و تصرف بوده است و این مطلبی است که بارها و بارها در بیان ها و قوالب متفاوت و متنوع در قرآن موکد شده است. همچنین است آیه ۱۰۶ و آیه های ۱۱۰ و ۱۱۱.

۹ - در این پاراگراف، کدام فقرات، فوق ذهنیات معاصران نزول است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه های ۱۰۱ تا ۱۰۴ از این لحاظ که مربوط به اقوامی است که در قبل از تاریخ بوده اند، و علم باستان شناسی آنقدر رشد نکرده که ما از اوضاع و احوال آنها مطلع باشیم، برای ما نیز روشن نیست، چه رسد به مخاطبان اولیه این آیات.

۱۰ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره ها، تقریبا تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

نه معجزه

نه معجزه مورد بحث آیه ۱۰۱، بعداً، پس از نزول سوره اعراف، در همان سوره، معرفی شده است.

عذاب هلاکت جمعی، پس از تصمیم به اقدام عملی

در رابطه با آیه ۱۰۳، هم در این آیه و هم در سوره های قبلی، و در داستانهای

پیامبران، دیده‌ایم که هلاکت کافران تکذیبگر هنگامی سر می‌رسد که آنها قصد برخورد فیزیکی با پیامبران و پیروانشان را می‌کردند.

از آیه ۱۰۳ هم فهمیده می‌شود خداوند عذابی نازل نکرد بلکه نه معجزه نازل کرد و هنوز هلاکت فرعونیان را انجام نداده بود تا اینکه آنها تصمیم به برخورد فیزیکی با پیامبرشان گرفتند.

از روی این آیه، مجدداً آیه ۷۶ همین سوره بهتر فهمیده می‌شود. (لطفاً بازخوانی فرمائید)

خط ثابت قرآنی برای تاکید بر حجیت قرآن

آیات ۱۰۵ تا ۱۰۹ تاکید بر حجیت قرآن است و این یکنوع راه و رسم سخن قرآنی است که هر جا که مطالب تا حدودی دور از ذهن را می‌فرماید پس از آن به حجیت قرآن توجه میدهد و این چیزی است که بارها و بارها دیده ایم و نشان هم داده ایم و این سوره نیز از آن نوع مطالب کم نداشته و لذا می‌بینیم که در پاراگراف آخر و در جمع بندی به این موضوع پرداخته است.

بالحق

منظور آیه ۱۰۵ این است که هم محتوای قرآن صد درصد صحیح است، و هم مسیری که طی نموده تا به تو (ای پیامبر) برسد چنان مسیری بوده که بدون افزایش و کاهش به تو رسیده باشد. و مطلب اخیر چیزی است که در آیه آخر سوره جن بطور خیلی واضح دیده ایم.

ترجمه تفسیری آزاد

و البته به موسی نه نشانه و معجزه واضح دادیم. پس، از بنی اسرائیل در باره آن هنگام پرس که معجزه‌ها بسویشان آمد و فرعون به او گفت ای موسی من تو را جادو شده می‌پندارم (۱۰۱). موسی گفت حتماً دانستی که این معجزه‌ها را کسی غیر از پروردگار آسمانها و زمین نازل نکرده و من تو را ای فرعون هلاک شده می‌بینم (۱۰۲) پس فرعون تصمیم گرفت موسی و پیروانش را از آن سرزمین بیرون کند و او را با همه‌آنها که با او بودند غرقشان کردیم (۱۰۳) و پس از آن به بنی اسرائیل گفتیم در آن سرزمین که برایتان در نظر گرفته شده سکونت کنید، و هنگامی که قیامت بیاید، شما را یکجا باهم باز می‌آوریم (۱۰۴)

ما قرآن را به حق نازل کردیم و به حق نازل شد و تو را جز مژده دهنده و هشدار دهنده ای نفرستادیم (۱۰۵) به همراهت این قرآنی را که قسمت قسمتش کردیم قرار دادیم تا آنرا به تدریج برای مردم بخوانی و آنرا بخوبی فرو فرستادیم (۱۰۶) بگو چه به آن ایمان بیاورید چه نیاورید کسانی که قبلا آن علم را یافتند، هنگامی که بر آنان خوانده میشود سجده کنان به رو در می افتند (۱۰۷) و میگویند پروردگاران منزه است، و البته وعده پروردگاران حتما شدنی است (۱۰۸) و به رو در می افتند و می گریند و خشوعشان افزون میشود (۱۰۹) بگو چه خداوند را به نام «الله» بخوانید و چه به نام «رحمان»، به هر یک از نامها که بخوانید درست است زیرا نامهای نیکو از آن اوست،

ای پیامبر! تو نیز نمازت را نه با صدای بلند بخوان، و نه به آهستگی، و حالتی بین آن دو را در پیش گیر (۱۱۰) و در نیایش های خویش بگو: ستایش مخصوص خداوندی است که فرزندی بر نگرفته و در فرمانروائی شریکی ندارد، و هرگز اینطور نیست که از روی زبونی سرپرستی داشته باشد، و او را چنانچه باید و شاید به بزرگی یاد کن (۱۱۱)

سوره هود

﴿ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴾

الرَّ كِتَابٌ أُحْكِمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ ﴿١﴾ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ
وَبَشِيرٌ ﴿٢﴾ وَأَنْ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَيُؤْتِ كُلَّ ذِي
فَضْلٍ فَضْلَهُ وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ كَبِيرٍ ﴿٣﴾ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ
شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٤﴾ أَلَا إِنَّهُمْ يَثْنُونَ صُدُورَهُمْ لِيَسْتَخْفُوا مِنْهُ أَلَا حِينَ يَسْتَغْشُونَ ثِيَابَهُمْ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ
وَمَا يُعْلِنُونَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿٥﴾ وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقْرَفُهَا
وَمُسْتَوْذَعُهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ﴿٦﴾ وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ
عَلَى الْمَاءِ لِيُنَبِّئَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَلَئِنْ قُلْتُمْ إِنَّكُمْ مَبْعُوثُونَ مِنْ بَعْدِ الْمَوْتِ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا
إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿٧﴾ وَلَئِنْ أَخَّرْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَعْلُودَةٍ لَيَقُولُنَّ مَا يَحْسِبُهُ أَلَّا يَوْمَ
يَأْتِيهِمْ لَيْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ﴿٨﴾ وَلَئِنْ أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً ثُمَّ
نَزَعْنَاهَا مِنْهُ إِنَّهُ لَيَكُوفُوسٌ كَفُورٌ ﴿٩﴾ وَلَئِنْ أَذَقْنَاهُ نِعْمَاءَ بَعْدَ ضَرَاءٍ مَسَّنَّةٍ لَيَقُولَنَّ ذَهَبَ السَّيِّئَاتِ عَنِّي
إِنَّهُ لَفَرِحٌ فَخُورٌ ﴿١٠﴾ إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ ﴿١١﴾
فَلَعَلَّكَ تَارِكٌ بَعْضٌ مَّا يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَضَاتِقٌ بِهِ صَدْرُكَ أَنْ يَقُولُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ كِتَابٌ أَوْ جَاءَ مَعَهُ مَلَكٌ
إِنَّمَا أَنْتَ نَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ ﴿١٢﴾ أَمْ يَقُولُونَ افترأه فلن أفترأه بعشر سور مثله مفتريات
وَأدعوا من استظعنتم من دون الله إن كنتم صادقين ﴿١٣﴾ فَإِنْ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَكُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّمَا أُنزِلَ
بِعَلْمِ اللَّهِ وَأَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَهَلْ أَنْتُمْ مُّسْلِمُونَ ﴿١٤﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یعنی «درس» سوره)، برای کل ۱۱۴ سوره قرآن، در کتاب «خودآموز تفسیر قرآن» (از همین قلم) وجود دارد، و خود کتاب مذکور را میتوانید در سایت (<https://tafsir.ganjei.com>) بیابید، و البته مبانی این موضوع نیز در ۱۶۰ صفحه اول کتاب «علوم قرآنی» (موجود در همان سایت) شرح داده شده است. و در مورد این سوره، عصاره محتوا، همان است که ذیلا دیده میشود.

درس: مکذبان پیامبران سابق هلاک و خود آنها و پیروانشان نجات یافتند، پس تو ای پیامبر محکم و منتظر باش.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: هشدار به کافران که مبدا مانند مکذبان پیامبران گذشته باشید (و به آن عاقبت دچار شوید) و ای پیامبر به سخنان کفار گوش نسیار و به رسالت بپرداز.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

الرَّ كِتَابَ أَحْكَمْتَ آيَاتَهُ ثُمَّ فَصَّلْتَ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَيْرٍ ﴿١﴾ أَلَا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ ﴿٢﴾ وَأَنْ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُغْفِرْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَيُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ كَبِيرٍ ﴿٣﴾ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٤﴾

ریزدرب: هشدار به کافران که مبدا مانند مکذبان پیامبران گذشته باشید (و به آن عاقبت دچار شوید)

۲

أَلَا إِنَّهُمْ يَفْتَنُونَ صُدُورَهُمْ لِيَسْتَخْفُوا مِنْهُ أَلَا حِينَ يَسْتَغْشُونَ ثِيَابَهُمْ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿٥﴾ وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقَهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّمَهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ﴿٦﴾ وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوكُمْ أَبْنَاءَكُمْ أَحْسَنَ عَمَلًا وَلَئِنْ قُلْتُمْ إِنَّكُمْ مَبْعُوثُونَ مِنْ بَعْدِ الْمَوْتِ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ ﴿٧﴾ وَلَئِنْ أَخَّرْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَعْدُودَةٍ لَيَقُولَنَّ مَا يَجْبِسُهُ إِلَّا يَوْمَ يَأْتِيهِمْ لَيْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ وَخَافَ إِيَّاهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ﴿٨﴾

ریزدرب: ای پیامبر! علت رفتارهای این مکذبان غفلت از علم و قدرت خداوند است.

۳

وَلَئِنْ أَدْفَنَّا الْإِنْسَانَ مِمَّا رَحِمَةً ثُمَّ نَزَعْنَاهَا مِنْهُ إِنَّهُ لَيَكْفُرُ ﴿٩﴾ وَلَئِنْ أَدْفَنَاهُ نِعْمَاءً بَعْدَ ضَرَاءٍ مَسْتَهُ لَيَقُولَنَّ ذَهَبَ السَّيِّئَاتِ عَنِّي إِنَّهُ لَفَرِحَ فَخُورٌ ﴿١٠﴾ إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ ﴿١١﴾

ریزدرب: ای پیامبر! رفتار این مکذبان ناراحت نکند، اکثر انسانها چنین اند.

فَلَعَلَّكَ تَارِكٌ بَعْضٌ مَّا يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَضَانِقٌ بِهِ صَدْرُكَ أَن يَقُولُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ كِتَابٌ أَوْ جَاءَ مَعَهُ مَلَكَ إِنَّمَا أَنْتَ نَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ ﴿١٢﴾ أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوْرٍ مِّثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ وَادْعُوا مَن اسْتَعْظَمْتُمْ مِّن دُونِ اللَّهِ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿١٣﴾ فَإِن لَّمْ يَسْتَجِيبُوا لَكُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّمَا أُنزِلَ بِعِلْمِ اللَّهِ وَأَن لَّا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَهَلْ أَنْتُمْ مُّسْلِمُونَ ﴿١٤﴾

ریزدرپ: ای پیامبر! به رسالتت محکم بچسب و ایرادهاشان را به راحتی پاسخ ده.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلى-فرعى

قسمت‌هایی را که می‌بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لَبَّ مَطْلَب:

با توجه به ریزپاراگراف‌ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب‌ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می‌بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

٣ - سوالات

- ١- منظور از «لدن» (آیه ١) چیست؟
- ٢- نسبت توبه، به استغفار (آیه ٣) چیست؟
- ٣- فرق «کبیر» (آیه ٣) و «عظیم» (نام دیگر اما پربسامدتر قیامت) چیست؟
- ٤- «ه» در «منه» (آیه ٥) اشاره به چه کسی است؟
- ٥- منظور از «یشنون» (آیه ٥) چیست؟
- ٦- از نیمه دوم آیه ٧، چه فهمیده میشود؟ (کافران بی منطق اند؟ حرف بیربط میزنند؟ یا...؟)
- ٧- چرا در آیه ١١، «آمنوا» را ذکر نفرموده؟
- ٨- با توجه به دو آیه ٩ و ١٠، دو نمونه از امتحانات الهی را تعریف کنید.
- ٩- منظور از «رحمت» (آیه ٩) چیست؟
- ١٠- با توجه به آیه ١٢، چه سابقه‌ای از عتاب‌های الهی به پیامبرارجمند در سوره‌های قبلی دارید؟

۴ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

از آیه ۵ فهمیده میشود فعالان کفر در هنگام شنیدن قرآن از طرفی تحت تاثیر آن قرار میگرفتند و از طرف دیگر (حتما به علت احساس برخورد آیات با منافعان) خود را به راه دیگر - نشنیده گرفتن آن - میزدند.

از آیه های ۷ و ۸ فهمیده میشود راجع به آیات مربوط به وقوع قیامت برخورد دوگانه میکردند، از طرفی آن را سحر قلمداد میکردند و از طرفی میگفتند پس چه شد که اتفاقی نیفتاد؟

از آیه ۱۲ فهمیده میشود فعالان کفر از آنحضرت معجزه میخواستند و از آیه های ۱۳ و ۱۴ فهمیده میشود به آنحضرت گفته میشود همین قرآن معجزه است.

۵ - زاویه با تفاسیر رایج

(المیزان): این سوره همانطور که از آغاز و انجامش و از زمینه‌ای که همه آیاتش دارد بر می‌آید در این مقام است که غرض آیات قرآنی را با همه کثرت و تشتتی که در آنها است بیان نموده از مضامین همه آنها خلاصه‌گیری کند. خاطر نشان می‌سازد که اساس و جان تمامی معارف مختلفی که آیات قرآنی متضمن آن است یک حقیقت است. اگر قرآن کریم سخن از معارف الهی دارد و اگر در باره فضایل اخلاقی سخن می‌گوید و اگر احکامی در باره کلیات عبادات و معاملات و سیاسات و ولایتها تشریح می‌کند و اگر از اوصاف خلایقی از قبیل: عرش، کرسی، لوح، قلم، آسمان، زمین، فرشتگان، جن، شیطانها، گیاهان، حیوانات و انسان سخن به میان می‌آورد، و اگر در باره آغاز خلقت و انجام آن حرف می‌زند و بازگشت همه را نخست به سوی فنا و سپس به سوی خدای سبحان می‌داند و خبر از روز قیامت و قبل از قیامت، یعنی از عالم قبر و برزخ می‌دهد و از روزی خبر می‌دهد که همه برای رب العالمین و به امر او بپا می‌خیزند، و همه در عرصه‌ای جمع گشته سؤال و بازخواست و حساب و سنجش و گواهی گواهان را می‌بینند، و در آخر بین همه آنان داوری شده گروهی به بهشت و جمعی به دوزخ می‌روند، بهشت و دوزخی که دارای درجات و درکاتی هستند، و نیز اگر بین هر انسانی و بین عمل او، و نیز بین عمل او و سعادت و شقاوت او، و نعمت و نعمت او، و درجه و درجه او، و متعلقات عمل او از قبیل وعده و وعید و انذار و تبشیر از راه موعظه و مجادله حسنه و حکمت رابطه برقرار دانسته و در باره آن رابطه‌ها سخن می‌گوید، همه اینها بر آن یک حقیقت تکیه دارد و آن حقیقت چون روح در تمامی آن معارف جریان یافته و آن یک حقیقت، اصل و همه اینها شاخه و برگ آنند، آن حقیقت، زیر بنا و همه اینها که دین خدا را تشکیل می‌دهند بر آن پایه بنا نهاده شده‌اند، و آن یک حقیقت عبارت است از توحید حق تعالی، البته توحیدی که اسلام و قرآن معرفی کرده، و آن اینست که انسان معتقد باشد به اینکه خدای تعالی رب همه اشیای عالم است و غیر از خدای تعالی در همه عالم ربی وجود ندارد، و اینکه انسان به تمام معنای

کلمه تسلیم او شود و حق ربوبیت او را اداء کند و دلش جز برای او خاشع نگشته، بدنش جز در برابر او خضوع نکند، خضوع و خشوعش تنها در برابر او - جل جلاله - باشد.

و این توحید، اصلی است که با همه اجمالی که دارد متضمن تمامی تفاسیل و جزئیات معانی قرآنی است، چه معارفش و چه شرایعش. و به عبارتی اصلی است که اگر شکافته شود همان تفاسیل می‌شود، و اگر آن تفاسیل فشرده شود به این اصل واحد برگشت می‌کند.

پس، این سوره همه معارف قرآنی را نخست در این چهار آیه اول بطور اجمال ذکر نموده، سپس در طول سوره به تفصیل آن می‌پردازد، البته آن تفصیل را در قالب انذار و تبشیر ریخته، انذار و تبشیری که با ذکر سنت جاری خدا در بندگان و ایراد اخبار امتهای گذشته و داستان اقوام نوح و هود و صالح و لوط و شیب و موسی، و سرنوشتی که استکبار از پذیرفتن دعوت الهی و نیز افساد در زمین و اسراف در این فساد انگیزی دارد صورت گرفته، و نیز به توصیف وعده‌های الهی برای مؤمنین و صاحبان اعمال صالح و توصیف تهدیدهایی که خدا به طبقه کفار و تکذیبگران آیاتش داده پرداخته و در خلال این مسائل امور دیگری از معارف الهی راجع به توحید، نبوت و معاد نیز خاطر نشان شده است.

چنانکه ملاحظه میشود در باب چیزی که میزان آن را «غرض سوره» مینامد (و لزوماً می‌باید خلاصه و در حد یکی-دو جمله باشد) خیلی طولانی فرموده و ضمناً صحیح نیز به نظر نمیرسد، زیرا، با «درس» سوره که از راه محاسبه استخراج و فوقاً و ذیلاً نقل شده، نسبتی ندارد، و اساساً نه میزان و نه هیچ تفسیر دیگری، برای چیزی که آن را «غرض سوره» نامیده‌اند، روشی نداشته‌اند و همینطور «ظنی» یک چیزی گفته‌اند! و ما «درس» سوره را با دقت از طریق محاسبه استخراج نموده ایم:

درس: مکذبان پیامبران سابق هلاک و خود آنها و پیروانشان نجات یافتند، پس تو ای پیامبر محکم و منتظر باش.

۶- پیشگوئی‌های تحقق یافته

در آیات ۱۲ تا ۱۴ تحدی فرموده (اگر فکر میکنید این پیامبر این حرفها را از خودش در آورده ده سوره مانند این سوره‌ها بیاورید...) که این یک پیشگوئی ممتد و کِشدار است که آوازه اش هم تا حالا در فضای ذهنی همگان طنین می‌اندازد و تا کنون مدعی به این تحدی پاسخ نداده است.

با این بیان، سوره‌های قرآن، رسماً بعنوان معجزه پیامبر اکرم(ص) معرفی گردیده است. البته می‌دانیم که این مبارز طلبی هرگز پاسخ نیافت و این دو آیه نیز در زمره پیشگوئی‌های تحقق یافته قرار گرفت.

۷ - آیات برجسته این پاراگراف

آیه ۶، هم به علت شهرتش، و هم به علت استفاده موعظه ای و اخلاقی زیادی که چه بر منابر و چه در کتب و مقالات اخلاقی از آن میشود، از آیات برجسته قرآنی است. همچنین است آیه ۷، بازهم به علت ارجاع دادن زیاد کسانی که باب معجزات علمی قرآنی کار و تحقیق میکنند.

و همینطور است آیه های ۱۳ و ۱۴، که در موضوع تحدی (مبارز طلبی) قرآن است که به موضوع فوق العاده مهم معجزه بودن قرآن مربوط میشود، و این دو آیه برمنابر و در کتب و مقالات اعتقادی و کلامی بسیار مورد مراجعه قرار میگیرد.

۸ - آیات مشکل

مشکلی آیه ۷ از آنجا فهمیده میشود که بدانید مفسران (اعم از قدیم و معاصر) چقدر اختلاف نظر ابراز و اظهار مینمایند. برای اطلاع بیشتر یا موضوع را در گوگل ببینید، یا به نرم افزار جامع التفاسیر مراجعه کنید.

۹ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

«الر» در آیه ۱ از حروف مقطعه است و تاکنون برای بشر معهود نشده، چه رسد برای معاصران نزول.

آیه ۴ «قیامتی» است، و هیچ بنی بشری تجربه اش را ندارد، و قبل از قیامت نخواهد داشت، لذا، چه در آن روزهای نزول وحی و چه الی یوم القیامه بالاتر از ذهنیات بشر خواهد بود.

اگر در محتوای آیه ۷ کمی دقت کنید به سهولت متوجه میشوید که این آیه بسیار از دسترسی ذهنیات بشر قرن بیست و یکم نیز دور است، چه رسد به مخاطب های اولیه. آیه های ۱۳ و ۱۴ که ناظر بر معجزه بودن قرآن باشد، در این ۱۴۰۰ سال خیلی مورد تحقیق واقع شده و ابعادی حیرت انگیز از آن شناخته شده، و با وجود این، قرآن دانان حیران قرآنند و زبان حالشان این است که ما عرفناک حق معرفتک و با این وضع چگونه ممکن است معهود عرب ۱۴۰۰ سال قبل بوده باشد؟

۱۰ - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقی می‌داشتند؟

کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته، در طول این مدت طولانی، از نزول این سوره تا به امروز، تغییر معنایی چندانی نیافته، و لذا مخاطب های اولیه نیز از این پاراگراف، از لحاظ تحت اللفظی، همان تلقی را می‌داشته اند که ما.

۱۱ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیه های ۲ تا ۴، بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

همه اینها به «زبان مخاطب» است

همانطور که جنین داخل شکم مادر هیچ راهی برای درک این جهان ندارد، ما نیز راهی برای درک مفاهیم عالیقدر که در قسمتی از پاراگراف فوق آمده، نداریم و معانی مطالب مذکور آن چیزی که از لفظ آنها فهمیده می‌شود نیست، بلکه خداوند به زبان مخاطب و به «زبان مثال» فرموده است.

نمونه‌ای از «اجمال» و «تفصیل» اشاره شده

نمونه‌ای از «اجمال»ی که در آیه ۱ به آن اشاره شده، همین آیات ۲ و ۳ و ۴ است، و نمونه‌ای از «تفصیل» که به آن اشاره شده، همان است که امروزه بصورت یک کتاب تقریباً ۶۰۰ صفحه‌ای بنام قرآن در اختیار همگان است.

دودل معادل دورو

در ابتدای آیه ۵، «یثنون صدورهم» اشاره به رفتاری عامدانه دارد که ما در فارسی به آن «دو روئی» می‌گوئیم.

این نوع از افراد در زمان نزول این آیات (که تقریباً سال ششم بعثت و سال هفتم قبل از هجرت می‌باشد) «سران» مخالفان آنحضرت را شامل می‌شود که اعتراف به حقانیت آنحضرت را در تضاد با منافع خویش میدیدند و لذا گفتار و رفتارشان را در چارچوب مخالفت با ایشان تنظیم میکردند، اما در قلب شان اصالت و حقانیت آنحضرت را درک میکردند.

اعجاز قرآن

مبارزطلبی که در آیه ۱۳ به چشم می‌خورد از سوره اسراء شروع شده که فرموده کتابی مانند آن بیاورید و نخواهید توانست حتی اگر کل انس و جن در این باره تشریک مساعی کنند و در این آیه موضوع را تخفیف داده و به ده سوره تقلیل داده و چنانکه خواهیم دید در سوره‌های یونس و بقره موضوع را به یک سوره تقلیل مجدد داده و از همگان دعوت کرده که اگر فکر می‌کنید این قرآن می‌تواند کار بشر باشد پس شما هم قاعدتاً باید بتوانید لااقل یک سوره مانند آن بیاورید.

با توجه به اینکه اسلام همیشه مخالفان مهم و ریشه‌داری داشته، که صاحب قدرت و ثروت هم بوده‌اند، اگر این کار ممکن بود می‌باید تاکنون شاهد وقوع این پدیده بوده باشیم.

به این ترتیب معلوم می‌شود قرآن یک پدیده فوق بشری بوده و معجزه پیامبر اکرم (ص) می‌باشد، و لذا خود قرآن بهترین دلیل حجیت آن، و صدق مطالب مندرج در آن، می‌باشد.

گوشه‌ای از عظمت تدبیر، و گوشه‌ای از عظمت آفرینش

در آیه ۶ گوشه‌ای از عظمت تدبیر و در آیه ۷ گوشه‌ای از عظمت آفرینش الهی را مطرح می‌نماید که توقف و تمرکز روی کلمه به کلمه آنها چنان ظرفیت عظیمی پیش روی خواننده باز می‌کند که اگر می‌خواستیم وارد شرح آن بشویم بسیار طولانی می‌شد و ما اختصار را برگزیده‌ایم.

اما خواننده این قبیل متون فرهیخته است و اشاره‌ای هم او را کافی است، بعنوان مثال کافی است فقط به همین کلمه «جنبنده» اشاره‌ای کنیم که چه عدد هوش ربائی را شامل می‌شود، آنگاه تصور برآوردن دائمی نیازهای تکوینی آن تعداد هوش ربائی آن موجودات، و آنگاه تصور علم و قدرتی که مختصات و نیازهای آن تعداد را دائماً پوشش دهد، چنان حیرتی ایجاد می‌کند که فقط کسانی با آن آشنا می‌باشند، که این تمرکز و دقت را تجربه کرده باشند.

کتاب «مبین»

«کتاب روشنگر»ی که در انتهای آیه ۶ به آن اشاره شده به این معنی نیست که خداوند علم خویش را از آنجا کسب می‌کند بلکه خداوند مستقیماً به همه این چیزها علم دارد اما خود این علم اقتضاء دارد که در جائی مستقر و محفوظ شود و «کتاب

آشکارکننده» مورد بحث محل و مرکز این «علم» است.

شش «روز»

«شش روز» (آیه ۷) به همان معنی که ما معمولاً از عبارت «شبانه‌روز» درک می‌کنیم نیست، زیرا مفهوم اخیر به مفاهیم زمین و خورشید و حرکت وضعی زمین بستگی دارد، اما در ابتدای سوره معارج مفهومی مغایر با این مفهوم را هم دیدیم که تازه آنهم به شکل مثال بود. لذا بهتر است بجای کلمه رایج «روز»، کلمه «مرحله» را قرار دهیم.

عرش

«عرش» نماد مرکز فرماندهی است و «عرش او بر آب بود» یعنی مرکز فرماندهی جهان وجود داشت اما جهان هنوز شکل خویش را نیافته بود و سیال بود.

مقام انسانیت

اینکه بعد از آن همه مطالب بسیار سنگین فرموده «تا شما را بیازماید» این نکته از آن فهمیده می‌شود که مقام انسانیت نزد خداوند از آسمانها و زمین بالاتر است.

انسان

منظور از کلمه «انسان» در آیه‌های ۹ و ۱۰ «همه انسان‌ها» نیست بلکه «اکثریت انسان‌ها» است.

ترجمه تفسیری آزاد

بسم الله الرحمن الرحيم

ال.ر.

این کتابی است که آیاتش اجمال، و سپس از جانب صاحب حکمتی آگاه، تفصیل یافته است (۱) که جز خداوند را عبادت نکنید که من از جانب او برایتان هشدار دهنده و مؤده دهنده ای هستم (۲) و اینکه از پروردگارتان آمرزش خواسته و بسوی او بازگردید تا شما را به برخورداری نیکو تا مدتی معین برخوردار کند و فضل هر

صاحبِ فضلی را به او بدهد و اگر روی برگردانید بر شما خوفِ عذابِ روزی بزرگ را دارم (۳) بازگشتان بسوی خداوند است و همو بر همه چیز توانا است (۴)

ای مومنان! آگاه باشید که آن کافران همان دم که رو برمیگرداند تا خود را از شنیدن قرآن مخفی کنند، و همان هنگام که جامه بر سر می کشند، خداوند آنچه را که پنهان می کنند و آنچه را که آشکار میکنند میداند که او به حقیقتِ دلها آگاه است (۵) و هیچ جنبنده ای در زمین نیست مگر اینکه روزیش برعهده خداوند است و محل استقرار و محل نهایی او را میداند و همه اینها در کتابی روشنگر هست (۶) و هموست که آسمانها و زمین را در شش مرحله آفرید و مرکز تقدیر و فرماندهی جهان در ابتدای پیدایش آن بر حالتی مستقر بود که به نظر شما به مایع می ماند و اوضاع را از آنجا تا به اینجا رساند تا شما را بیازماید که کدامتان خوش عمل ترید

و ای پیامبر! اگر بگویی حتماً پس از مرگ برانگیخته خواهید شد کافران خواهند گفت این قرآن جز جادویی آشکار نیست (۷) و اگر عذاب را تا مدتی کم و تعیین شده از آنها به عقب بیاوریم خواهند گفت چه چیزی جلوی او را گرفته؟ بدانید روزی که عذابشان بیاید از آنها بر طرف نخواهد شد و آنچه را که به مسخره میگیرند بر آنها فرود خواهد آمد (۸)

و اگر به انسان رحمتی از جانب خویش بچشانیم سپس آن را از او جدا کنیم نومید و ناسپاس میشود (۹) و اگر پس از ناراحتیی که به وی رسیده، نعمتی به او بچشانیم بدون اینکه به مبدا نعمت توجه کند میگوید بدیها از من دور شد و شاد شده و فخر میفروشد (۱۰) تقریباً همگان چنین اند مگر آنانکه صبر نموده و عمل شایسته انجام میدهند که آموزشی و پاداشی بزرگ خواهند داشت (۱۱)

ای پیامبر! در اثر تکذیب اینان، شاید میخواهی بعضی از آنچه را که بسویت وحی شده ترک کنی و دلت تنگ شود که میگویند چرا گنجی بر او نازل نشده یا فرشته ای همراه او نیامده، جز این نیست که تو فقط هشدار دهنده ای هستی و خداوند مواظب همه چیز هست (۱۲)

یا اینکه میگویند این قرآن را به خداوند افترا بسته، بگو ده سوره مانند همین

چیزهای به اصطلاح شما افتزایی، بیاورید، و هر کس غیر از خدا را که توانستید به ارزیابی آنچه آورده اید دعوت کنید اگر راست میگویید (۱۳) ای پیامبر! پس اگر در این موضوع استجابت نکردند بدان که قرآن به علم خدا نازل شده و خدایی جز او نیست، پس ای منکران! آیا تسلیم میشوید؟ (۱۴)

هود ۲ آیات ۲۴ تا ۱۵

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزَيَّنَّهَا نُوفٍ إِلَيْهِمْ أَعْمَاهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُخْسُونَ ﴿١٥﴾
أُولَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَحَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَبَاطِلٌ مَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٦﴾
أَقَمْنَ كَانَ عَلَى بَيْتِهِ مِنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ وَمِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَى إِمَامًا وَرَحْمَةً أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ
بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ مِنْ الْأَحْزَابِ فَأَلْتَأُ مَوْعِدَهُ فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِنْهُ إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ
النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٧﴾ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أُولَئِكَ يُعْرَضُونَ عَلَى رَبِّهِمْ وَيَقُولُ
الْأَشْهَادُ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى رَبِّهِمْ أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ ﴿١٨﴾ الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنْ
سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ ﴿١٩﴾ أُولَئِكَ لَمْ يَكُونُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ
وَمَا كَانُوا لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءٍ يُضَاعَفُ لَهُمُ الْعَذَابُ مَا كَانُوا يَسْتَطِيعُونَ السَّمْعَ وَمَا كَانُوا
يُبْصِرُونَ ﴿٢٠﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ حَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿٢١﴾ لَا جَرِمَ
أَنَّهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمْ الْأَخْسَرُونَ ﴿٢٢﴾ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَخْتَبُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ
أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٣﴾ مَثَلُ الْفَرِيقَيْنِ كَالْأَعْمَىٰ وَالْأَصْمَىٰ وَالْبَصِيرِ
وَالسَّمِيعِ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿٢٤﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم؛
طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه
کرده ایم، که مطابق ذیل است:

درس: مکذبان پیامبران سابق هلاک و خود آنها و پیروانشان نجات یافتند، پس تو
ای پیامبر محکم و منتظر باش.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: مقایسه دو گروه از مردم از لحاظ جهت گیری که نسبت به کلام خدا می کنند
و نتایج رفتارشان.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا نُوَفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ ﴿١٥﴾
أُولَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَحِطَّ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَبَاطِلٌ مَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٦﴾
ریزدرب: ای پیامبر! به این تکذیبگران که بی اهمیتی دنیا و اهمیتی آخرت را درک
نمیکنند چندان اهمیت مده.

۲

أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِّنْهُ وَمِن قَبْلِهِ كِتَابٌ مُّوسَىٰ إِمَامًا وَرَحْمَةً أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ
وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ مِنَ الْأَخْرَابِ فَالنَّارُ مَوْعِدُهُ فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِّنْهُ إِنَّهُ الْحَقُّ مِن رَّبِّكَ وَلَكِنْ أَكْثَرَ النَّاسِ
لَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٧﴾
ریزدرب: ای پیامبر! پیروان تو دلیل محکم دارند، اما تکذیبگران عاقبت بد، به این
حقیقت دلگرم باش.

۳

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن افترى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أُولَئِكَ يُعْرَضُونَ عَلَىٰ رَبِّهِمْ وَيَقُولُ الْأَشْهَادُ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ
كَذَّبُوا عَلَىٰ رَبِّهِمْ آلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ ﴿١٨﴾ الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا
وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ ﴿١٩﴾ أُولَئِكَ لَمْ يَكُونُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِّن دُونِ اللَّهِ
مِن أَوْلِيَاءٍ يُضَاعَفُ لَهُمُ الْعَذَابُ مَا كَانُوا يَسْتَطِيعُونَ السَّمْعَ وَمَا كَانُوا يُبْصِرُونَ ﴿٢٠﴾ أُولَئِكَ
الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿٢١﴾ لَا جَزْمَ لَكُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمْ
الْأَخْسَرُونَ ﴿٢٢﴾ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَخْبَتُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ
هُم فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٣﴾
ریزدرب: ای پیامبر! عاقبت این تکذیبگران این است.

۴

مَثَلُ الْفَرِيقَيْنِ كَالْأَعْمَىٰ وَالْأَصْمَىٰ وَالْبَصِيرِ وَالسَّمِيعِ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ ﴿٢٤﴾
ریزدرب: ای پیامبر! مثال پیروان و تکذیبگران این است.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

نُبّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ به کافران هشدار میدهد که مبدا مانند مکذبان پیامبران گذشته باشید (و به آن عاقبت دچار شوید) و ای پیامبر به سخنان کفار گوش نسپار و به رسالت بپرداز. در این پاراگراف می فرماید: ای پیامبر! مردم در آخرت به دودسته بزرگ دسته بندی می شوند، کسانی که خود را بدبخت کرده اند و کسانی برعکس آنها.

۴- سوالات

- ۱- حالت کلی این پاراگراف چگونه است؟ (ارشاد پیامبر- ص-؟ یا...؟)
- ۲- منظور از «اخبثوا» (آیه ۲۳) چیست؟
- ۳- منظور از «اشهاد» (آیه ۱۸) چیست؟
- ۴- در آیه ۱۵ کلمه دنیا به معنی لغوی آمده یا اصطلاحی؟
- ۵- آیه ۱۵ شبیه کدام آیه در سوره قبل (اسراء) است؟
- ۶- «من» در ابتدای آیه ۱۷ به چه معنی است؟ (کسیکه؟ کسانیکه؟) و چرا؟

۵- زاویه با تفاسیر رایج

آیه ۱۷ این پاراگراف یکی از آیات مورد اختلاف شدید مفسران است، یکی «مَن» (=چه کسی/چه کسانی) ابتدای آیه را به رسول اکرم(ص) و دیگری بر امیرالمؤمنین(ع) تطبیق کرده و فرمایش های عجیب و غریبی فرموده اند. سایرین نیز چیزهای دیگری گفته اند، و به زحمت زیادی دچار شده اند، و بالاخره هم نتوانسته اند مطلب خویش را به طرز پسندیده ای جمع کنند.

اما در این روش تفسیری، بدون استفاده از خارج قرآن، خود متن قرآنی بطوری معقول و مقبول و منطقی تحلیل شده که در ذیل می بینید، و در نتیجه، نتیجه‌ای گرفته ایم که ارزیابی آن رابه شما وامیگذاریم.

۶ - آیات مشکل

آیه ۱۷، از این لحاظ که مفسران مختلف در تفسیر آن سخنان مختلف دور از هم گفته اند، جزء آیات مشکل قرآنی قلمداد می‌گردد. البته این قلم هم عرض خویش را در این مورد ارائه نموده است.

۷ - در این پاراگراف، کدام فقرات، فوق ذهنیات معاصران نزول است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه ۱۶ «قیامتی» است، و هیچ بنی بشری تجربه اش را ندارد، و قبل از قیامت نخواهد داشت، لذا، چه در آن روزهای نزول وحی و چه الی یوم القیامه بالاتر از ذهنیات بشر خواهد بود. همچنین است آیه های ۱۸ و ۲۰ تا ۲۳

۸ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیه های ۱۸ تا ۲۲، بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلید های تفسیری

بحث متنی

بین دو آیه ۱۵ و ۱۶، دومی فرع بر اولی است.

آیه ۱۷، بدون این که فرع بر آیه‌ای باشد پیرانتری است زیرا اگر چشم خویش را بر آن ببندیم و انتهای آیه ۱۶ را به ابتدای آیه ۱۸ وصل کنیم می‌بینیم روال سخن صاف و یکدست می‌باشد.

آیه‌های ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۲ فرع بر آیه ۱۸ می‌باشند زیرا آیه ۱۹ توصیف مدلول آیه ۱۸ بوده و آیه ۲۱ موقعیت دنیائی و آخرتی آنها را نشان می‌دهد و آیه ۲۱ مدلول آیه ۲۰ را تعلیل می‌کند، و آیه ۲۲ نیز نتیجه آخرتی مدلول آیه ۲۱ است. در آیه ۱۷، قبل از کلمه اولئک واگذاری به مخاطب صورت گرفته است.

معنی کلمات :

«دنیا» در آیه ۱۶ به معنی لغوی آن است یعنی نزدیک‌تر، و پست‌تر. اما «آخرت» در آیه ۱۷ به معنی اصطلاحی آن است یعنی «زندگی پس از وقوع قیامت»

تفسیر آیه ۱۷

واقعا تا وضع پاراگراف را در حالت نشان داده شده اصلی-فرعی در کنار هم نبینید اهمیت تشخیص اصلی-فرعی را درک نخواهید کرد:

کسانی که زندگی دنیا و زینت آنرا بخواهند (نتیجه) اعمالشان را بطور کامل می‌دهیم و هیچ نقصانی نمی یابند (۱۵) آنها در آخرت بهره ای جز آتش نخواهند داشت و آنچه را که ساخته باشند از بین می‌رود و عملی که می‌کرده اند باطل است (۱۶) پس آیا کسی که بر دلیلی از پروردگارش (استوار) است، و شاهی از جانب او را هم تلاوت میکند، و قبل از آن هم کتاب موسی پیشوا و رحمتی بوده، [مانند کافران است؟] آنها به آن ایمان می آورند و کسی از گروه ها که به آن کافر شود وعده اش آتش است. پس درباره آن هیچ شکی مدار. البته آن حق و از جانب پروردگارت است ولیکن اکثر مردم نمیدانند (۱۷) و چه کسی ظالم تر است از کسی که به خداوند افترای دروغ ببندد؟ آنها به پروردگارشان عرضه میشوند و شاهدان میگویند اینها کسانی هستند که به پروردگارشان دروغ بسته اند. بدانید لعنت خدا بر ظالمان است (۱۸) همان کسانی که از راه خدا باز میدارند و آن را کج می‌خواهند و به آخرت نیز کافرند (۱۹) آنها نمیتوانند (خداوند را) در زمین عاجز کنند و سرپرستانی جز خداوند ندارند. عذابشان مضاعف میشود و توان شنیدن و دیدن نخواهند داشت (۲۰) خودهاشان را به خسارت افکندند و آنچه را نیز که افترا می بستند از آنان گم میشود (۲۱) و ناگزیر، در آخرت از زیانکارترین ها خواهند بود (۲۲) اما صاحبان ایمان و عمل صالح که بسوی پروردگارشان با تواضع رو میکنند از بهشتیان خواهند بود که در آن جاودانند (۲۳) مثل دو گروه مانند کور و بینا و کر و شنوا است. آیا اینها مساویند؟ آیا پند نمیگیرید؟ (۲۴)

یعنی در آیه ۱۷، با توجه به درس و درب و از اول تا اینجا، همان جمع‌بندی مقایسه-ای آیه ۲۴ وجود دارد،

لذا، کلمه «مَن»، برعکس معنیی که کرده اند، بجای «کسیکه»، «کسانیکه» معنی

میدهد (مخصوصاً که کمی جلوتر «اولثک» هم آورده)

یعنی در آیه ۱۷:

من : به معنی «کسانی که» است،

علی بینه من ربه: به معنی «ایمان آوری به مطالب وحیی که به پیامبر میشود» است،

و یتلوه شاهد منه به معنی «قرآن که تدریجاً نازل میشود و شاهد و موید ایمان فوق است» میباشد،

و من قبله کتاب موسی اماما و رحمه به معنی «قبل از قرآن تورات نیز همین نقش شاهد و موید را داشت» است،

اولثک یومنون به، به معنی «آن مومنان به مطالب محتوای وحی (با توجه به مطالب فوق الذکر) ایمان می آورند» است.

(فهم بقیه فقرات هم که آسان است)

ترجمه تفسیری آزاد

کسانی که زندگی پست تر و زینت آنرا بخواهند نتیجه اعمالشان را بطور کامل به آنها میدهیم و هیچ نقصانی نمی یابند (۱۵) اما آنها در آخرت بهره ای جز آتش نخواهند داشت و آنچه را که ساخته باشند از بین میرود و عملی که میکرده اند باطل است (۱۶)

ای پیامبر! آیا کسانی که بر دلیلی از پروردگارشان استوارند، و نیز کتابی را که شاهی از جانب اوست، تلاوت میکنند، و قبل از آن هم کتاب موسی پیشوا و رحمتی بوده، مانند کافراند؟ در حالیکه حق این است که آنها به آن ایمان می آورند، و کسانی از گروه ها که به آن کافر شوند، وعده شان آتش است. پس درباره این حقیقت و آن عاقبتِ دوگروه هیچ شکی مدار. البته آن حق و از جانب پروردگارت است، ولیکن اکثر مردم نمیدانند (۱۷)

و چه کسی ظالم تر است از کسی که به خداوند افترای دروغ ببندد؟ آنها به پروردگارشان عرضه میشوند و شاهدان میگویند اینها کسانی هستند که به پروردگارشان دروغ بسته اند. بدانید لعنت خدا بر ظالمان خواهد بود (۱۸)

همان کسانی که مردم را از راه خدا باز میدارند و آن را کج میخوانند و به آخرت

نیز کافرند (۱۹)

آنها نمیتوانند خداوند را در زمین عاجز کنند و جز خداوند نیز هیچ سرپرستی ندارند.
عذابشان مضاعف میشود و توان شنیدن و دیدن نخواهند داشت (۲۰)
خودهایشان را به خسارت افکندند و آنچه را نیز که افترا می بستند از آنان گم میشود
(۲۱)

و ناگزیر در آخرت از زیانکارترین ها خواهند بود (۲۲)
اما صاحبان ایمان و عمل صالح که بسوی پروردگارشان با تواضع رو میکنند از
بهشتیان خواهند بود که در آن جاودانند (۲۳)

مَثَل دو گروه مانند کور و بینا و کر و شنوا است. آیا اینها مساویند؟ آیا پند نمیگیرید؟
(۲۴)

هود ٣ آيات ٢٥ تا ٤٩

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿٢٥﴾ أَنْ لَا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ أَلِيمٍ ﴿٢٦﴾ فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا تَرَاكَ إِلَّا بَشَرًا مِثْلَنَا وَمَا تَرَاكَ اتَّبَعَكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَادُوا لَنَا بِأَدْيِ الرَّأْيِ وَمَا نَرَىٰ لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ بَلْ نَظُنُّكُمْ كَاذِبِينَ ﴿٢٧﴾ قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي وَآتَانِي رَحْمَةً مِنْ عِنْدِهِ فَعُمِّيَتْ عَلَيْكُمْ أَنُلْزِمُكُمْوهَا وَأَنْتُمْ لَهَا كَارِهُونَ ﴿٢٨﴾ وَيَا قَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مَالًا إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَلَكِنِّي أَرَاكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ ﴿٢٩﴾ وَيَا قَوْمِ مَنْ يَنْصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِنْ طَرَدْتُمْ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ ﴿٣٠﴾ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خِزَانٌ مِنَ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ إِنِّي مَلَكٌ وَلَا أَقُولُ لِلَّذِينَ تَزْدَرِي أَعْيُنُكُمْ لَنْ يُؤْتِيَهُمُ اللَّهُ خَيْرًا مِنَ اللَّهِ أَعْلَمُ بِمَا فِي أَنْفُسِهِمْ إِنِّي إِذَا لَمِنَ الظَّالِمِينَ ﴿٣١﴾ قَالُوا يَا نُوحُ قَدْ جَادَلْتَنَا فَأَكْثَرْتَ جِدَالَنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿٣٢﴾ قَالَ إِنَّمَا يَأْتِيَكُمْ بِهِ اللَّهُ إِنْ شَاءَ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ ﴿٣٣﴾ وَلَا يَنْفَعُكُمْ نُصْحِي إِنْ أَرَدْتُ أَنْ أَنْصَحَ لَكُمْ إِنْ كَانَ اللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يُغْوِيَكُمْ هُوَ رَبُّكُمْ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٣٤﴾ أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ إِنْ افْتَرَيْتُهُ فَعَلَيْ إِجْرَامِي وَأَنَا بَرِيءٌ مِمَّا تَجْرُمُونَ ﴿٣٥﴾ وَأَوْحِي إِلَىٰ نُوحٍ أَنَّهُ لَنْ يُؤْمِنَ مِنْ قَوْمِكَ إِلَّا مَنْ قَدْ آمَنَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ﴿٣٦﴾ وَاصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا وَلَا تُخَاطِبْنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُغْرَقُونَ ﴿٣٧﴾ وَبِصْنَعِ الْفُلْكَ وَكَلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ مَلَأَ مِنْ قَوْمِهِ سَخِرُوا مِنْهُ قَالَ إِنْ تَسْخَرُوا مِنِّي فَإِنَّا نَسْخَرُ مِنْكُمْ كَمَا تَسْخَرُونَ ﴿٣٨﴾ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُقِيمٌ ﴿٣٩﴾ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ فَقلْنَا اجْمَلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلِكْ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَمَنْ آمَنَ وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ ﴿٤٠﴾ وَقَالَ ارْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ جَرَّاهَا وَمُرْسَاهَا إِنْ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٤١﴾ وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ وَنَادَىٰ نُوحٌ ابْنَهُ وَكَانَ فِي مَعْزِلٍ يَا بُنَيَّ ارْكَب مَعَنَا وَلَا تَكُن مَعَ الْكَافِرِينَ ﴿٤٢﴾ قَالَ سَاوِي إِلَىٰ جِبَلٍ يَْعَصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ قَالَ لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَجَمَ وَحَالَ بَيْنَهُمَا الْمَوْجُ فَكَانَ مِنَ الْمُغْرَقِينَ ﴿٤٣﴾ وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكَ وَيَا سَمَاءُ أَفْلَبِعِي وَغَبِضِ الْمَاءَ وَفُضِي الْأَمْرُ وَاسْتَوَتْ عَلَىٰ الْجُودِيِّ وَقِيلَ بُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٤٤﴾ وَنَادَىٰ نُوحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ ﴿٤٥﴾ قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْأَلْنِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّي أَعِظُكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ ﴿٤٦﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَإِلَّا تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي أَكُنَ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٤٧﴾ قِيلَ يَا نُوحُ اهْبِطْ بِسَلَامٍ مِنَّا وَبَرَكَاتٍ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ أُمَمٍ مِمَّنْ مَعَكَ وَأُمَمٌ سَنُمَتِّعُهُمْ ثُمَّ يَمَسُّهُمْ مِنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٤٨﴾ تِلْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَا أَنْتَ وَلَا قَوْمُكَ مِنْ قَبْلِ هَذَا

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم: طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در جدول های مربوط در قسمت اول دیدیم که مطابق ذیل است:

درس: مکذبان پیامبران سابق هلاک و خود آنها و پیروانشان نجات یافتند پس تو ای پیامبر محکم و منتظر باش.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: ای مردم! مبدا رفتاری در پیش بگیرید که شما را به عاقبتی مانند قوم نوح دچار سازد.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

چنانکه تاکنون دیده اید، در هر پاراگراف تفسیری، عصاره محتوای پاراگراف را از یک «راه دوم» نیز استخراج میکردیم، که معمولا دیده میشد مطابقت معنای با استخراج از راه اول داشت.

اما، در پاراگراف هائی که کاملا «داستانی» است، ضرورتی در این کار احساس نمیشود، زیرا فهم پاراگراف های داستانی بسیار آسانتر است، و چون ما اهل صفحه زیاد کردن نیستیم، و با توجه به کیفیت خوانندگان رعایت اختصار را ترجیح میدهیم، در این نوع پاراگراف ها از آن صرفنظر میکنیم.

۳ - از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ به کافران هشدار میدهد که مبدا مانند مکذبان پیامبران گذشته باشید (و به آن عاقبت دچار شوید) و ای پیامبر به سخنان کفار گوش نسپار و به رسالت بپرداز.

در پاراگراف ۲ می فرماید ای پیامبر! مردم در آخرت به دودسته بزرگ دسته بندی می شوند، کسانی که خود را بدبخت کرده اند و کسانی برعکس آنها.

در این پاراگراف نمونه ای از رفتار کسانی در یکی از اقوام پیشین که خود را هلاک کرده اند را بیان میکند (با این زمینه که مبدا شما ها چنین کنید!)

۴ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

۱- از آیات ۲۶ تا ۳۳ فهمیده می‌شود رئوس کافران خیلی به پیامبر(ص) درباره پیروانش ایراد می‌گرفتند و از همین آیات فهمیده می‌شود که بیشتر پیروان پیامبر(ص) از اقشار فرودست جامعه بودند، و پیامبر(ص) به آنها محبت می‌کرد و آنها را به اصطلاح امروز خیلی «تحویل می‌گرفت» و به انتقادات مخالفان در این زمینه چندان توجهی نمی‌کرد.

۵ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

رفع یک شبهه

عه ای هستند مشهور که یک مطلب غلطی را به قرآن نسبت میدهند و آنهم این است که در قرآن مطالبی که خارج از دانسته های معاصرین نزول سوره ها باشد، وجود ندارد.

این سخن خیلی غلط است .

دلیل قرآنی غلط بودن این سخن به وضوح زیاد در همین پاراگراف هست، آنجا که در آیه ۴۹ می فرماید «اینها از خبرهای غیبی است و نه خودت و نه قومت آن را نمیدانستید»، و البته این آیه تنها آیه از این نوع نیست، بلکه بارها چنین تذکری در سوره های آینده مشاهده میشود.

البته غلط بودن سخن سروش و امثال او منحصر به دلیل فوق نیست، دلیل دیگرش عقلی است و آنهم این است که قرآن «آخرین کتاب خدا» است و لذا مخاطبانش از مخاطبان اولیه گرفته تا آخرین بشرهای روی زمین را شامل میشود و لذا قرآن باید طوری باشد که هر کس که در مطالبش تعمق میکند آن را، در زمان خودش، «امروزی» بداند، و دقیقاً چنین نیز هست و دلیلش هم وجود اینهمه کتابهای «اعجاز قرآن» است که در قرون مختلف نوشته شده که امروز هم می بینیم دائماً دارد نوشته میشود، و این قلم نیز، در این جهت، کتاب «صدها پیشگوئی تحقق یافته» را تحریر نموده که از سایت قابل دانلود است.

آیه ۴۹ یکی از موارد مهم تیتیر فوق است که شرح آن را تحت تیتیر فوق داده ایم. آیه های ۲۵ تا ۴۸ از این لحاظ که مربوط به اقوامی است که در قبل از تاریخ بوده اند، و علم باستان شناسی آنقدر رشد نکرده که ما از اوضاع و احوال آنها مطلع باشیم، برای ما نیز روشن نیست، چه رسد به مخاطبان اولیه این آیات.

۶ - پیشگوئی های تحقق یافته

در این پاراگراف، با ذکر داستان هلاکت دستجمعی و اضمحلال مکذبان و متعرضان به نوح (ع)، تلویحا پیشگوئی مینماید که رسول اکرم (ص) نیز بر مکذبان و متعرضان به خویش غالب میگردد.

۷ - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟

کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته، در طول این مدت طولانی، از نزول این سوره تا به امروز، تغییر معنایی چندانی نیافته، و لذا مخاطب های اولیه نیز از این پاراگراف، از لحاظ تحت اللفظی، همان تلقی را میداشته اند که ما.

۸ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیه های ۲۵ و ۲۶ بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلید های تفسیری

بحث متنی

آیه ۳۵ بطور وضوح پرانتزی است.

اما، در خلال این پاراگراف نسبتا بلند، تعدادی «خرده پرانتز» هم هست که با اندک دقتی تشخیص داده میشود لذا به خواننده محترم واگذار میشود.

دریافت های مستقیم و کوتاه

کلمه «اهل» که در اواخر این پاراگراف آمده، به معنی بستگان نسبی و سببی نیست، بلکه به معنی بستگان عقیدتی (و در اینجا به معنی مومن و پیرو) است. و حتما معنی جمله «السلمان منا اهل البیت» را که در خاطر تان هست.

در آیه ۲۸، قبل از کلمه «انلز مکموها»، «واگذاری به مخاطب» صورت گرفته، یعنی که خواننده قرآن باید بداند که قبل از کلمه مذکور با چنین جمله ای جای خالی گذاشته شده عمدی (برای تحریک ذهن مخاطب) را پر کند:

«من حق دارم و باید رسالت و ماموریت خویش را انجام دهم و باید امکان انجامش

را داشته باشم و بتوانم بطور آزادانه و بدون فشار و اکراه مطالبم را تبلیغ کنم»

جمله «فار التنور» در (آیه ۴۰) میتواند پس از خبر دادن سیستم وحی به نوح (ع) که طوفانی در کار خواهد بود، و کشتی آنها را نجات، و کفار را غرق خواهد کرد، میتواند علامتی باشد که شمارش معکوس و سوار شدن به کشتی و آماده شدن برای حرکت، پس از مشاهده وقوع آن بوده باشد، یعنی که ای نوح! پس از اینکه دیدی آب در داخل آن تنور فوران کرد، بدان که موقع سوارشدن به کشتی فرا رسیده است.

فهمیدن منظور داستان های قرآنی آسان است

موضوع تیتتر فوق واضح است و شرحی نمیطلبد و لذا ما در پاراگراف های داستانی شرح زیادی لازم نمی بینیم، مگر در برخی موارد استثنائی که وقتی به آن استثنائات رسیدیم اگر عرایض توضیحی لازم بود عرض میکنیم.

قانون الهی

قبلا عرض کرده ایم که رفتار الهی در رابطه با اقوام مکذب سلف با پیامبرانشان، دارای سه مرحله قابل تشخیص است:

- ۱ - پیامبران اعلام موجودیت و اعلام ماموریت و تحذیر و تبشیر میکنند،
 - ۲ - مکذبان اعلام مخالفت و اعلام کفر و جنگ روانی و تهدید میکنند، و مدتی بر این منوال میگذرد، تا همه حرفها زده شده و حجت تمام شود، تا اینکه هرکس که ممکن است صف خود را مشخص کند،
 - ۳ - مکذبان نیرویشان را جمع میکنند که پیامبر معاصر خویش و پیروان او را منهنز کنند، که عذابِ هلاکتِ جمعی مکذبان واقع میشود.
- در این پاراگراف این مطلب را با وضوح در مورد نوح (ع) می بینیم.

ترجمه تفسیری آزاد

و البته نوح را بسوی قومش فرستادیم، و او به قومش چنین توضیح داد که من برایتان هشدار دهنده ای آشکارم (۲۵) که غیر از خداوند را عبادت مکنید که بر شما از عذابِ روزی دردناک بیمناکم (۲۶)

پس بزرگانِ کافران قومش گفتند: تو را جز بشری مثل خودمان و پیروان را نیز جز

فرومایگانی بیخرد نمی بینیم و برتری برای شما بر خویش نمی شناسیم بلکه شما را دروغگو میدانیم (۲۷)

گفت ای قوم! اگر با دلایل روشنی از جانب پروردگرم همراه باشم و رحمت و وحیی از جانب خویش بمن داده باشد که بر شما پوشیده مانده باشد، من حق دارم که رسالت و ماموریت خویش را انجام دهم و باید امکان انجامش را داشته باشم و بتوانم بطور آزادانه و بدون فشار و اکراه مطالبم را تبلیغ کنم، آیا من به شما زور گفته ام؟ آیا شما را به قبول دعوتم ملزم کرده ام؟ حتی اگر اکراه داشته باشید؟ (۲۸)

ای قوم! من که از شما اموالی نمی خواهم، مُردم بر عهده خداوند است و من نمیتوانم مومنان پیرو خویش را طرد کنم، آنها پروردگارش را ملاقات خواهند کرد ولیکن من شما را قومی نادان می بینم (۲۹) ای قوم اگر آنها را طرد کنم چه کسی مرا در مقابل خداوند یاری خواهد کرد؟ آیا متوجه نیستید؟ (۳۰)

و نمیگویم خزائن خداوند نزد من است و نیز نمیگویم علم غیب دارم و نمیگویم فرشته هستم و به کسانی که به چشم شما کوچک می آیند نمیگویم خداوند هرگز خیری به آنان نخواهد داد. خداوند به قلوب آنها داناتر است. اگر چنان کنم از ظالمان خواهم بود (۳۱)

گفتند ای نوح با ما جدال کردی و جدالت هم زیاد شد پس آنچه را که وعده میدهی برایمان بیاور اگر راست میگوئی (۳۲)

گفت جز این نیست که خداوند اگر بخواهد آنرا برایتان می آورد و شما نمیتوانید مانع شوید (۳۳)

و اگر بخواهم برایتان خیر خواهی کنم و خودتان لایق آن نباشید نصیحت هایم فایده ای برای شما ندارد. همو پروردگارتان است و بسوی او بازخواهید گشت (۳۴)

ای پیامبر! تکذیبگران قوم تو نیز مانند قوم نوح میباشند و میگویند تو این قرآن را بر ما افتراء بسته ای. بگو اگر چنین باشد گناهش بعهد من است ولی من از گناهی که شما میکنید و کلام خدا را تکذیب مینمائید بیزارم (۳۵)

به نوح وحی شد که غیر از کسانی که تاکنون ایمان آورده اند دیگر کسی ایمان نخواهد آورد لذا از آنچه می کنند ناراحت مباش (۳۶) و آن کشتی را در مقابل چشمان ما و به آموزش ما بساز و درباره کسانی که ظلم کرده اند بعنوان وساطت چیزی مگوی که آنها غرق خواهند شد (۳۷) و او آن کشتی را میساخت و هر بار که برخی از

بزرگان قومش بر او عبور میکردند مسخره اش مینمودند و او میگفت اگر مسخره مان میکنید ماهم به وقتش مانند شما مسخره تان خواهیم کرد (۳۸) پس بزودی خواهید فهمید عذاب خوار کننده و ماندگار بر چه کسی فرود خواهد آمد (۳۹) تا اینکه فرمان ما آمد و آن تنور که علامت شروع عذاب بود فوران کرد. به نوح گفتیم اهل خویش را و نیز از همه جانوران جفتی و نیز مومنان را در آن سوار کن، و در این زمان، جز عده کمی کسی همراه با او ایمان نیاورده بود (۴۰) و نوح گفت بنام خدا در آن سوار شوید که رهسپاری و توقفش بنام خداست، که البته پروردگارم آمرزگار مهربان است (۴۱) و آن کشتی آنها را در میان امواجی که مانند کوهها بود میبرد و نوح پسرش را در حالیکه بر کرانه ای بود صدا زد که ای پسرکم ما با سوار شو و با کافران مباش (۴۲) گفت بزودی به کوهی پناه میبرم که مرا از آب حفظ کند. نوح گفت امروز چیزی کسی را از فرمان خدا حفظ نمیکنند مگر کسی که همو رحمش کند و بین آنها موجی حائل شد و پسر نوح از غرق شدگان گردید (۴۳) آنگاه به زمین گفته شد آب خویش را فرو خور و ای آسمان تو هم نبار، آب فرو رفت و امر خداوند اجرا شد، و کشتی بر کوه جودی مستقر شد، و از سوی خداوند مقرر شد ظالمان از رحمت الهی دور باشند (۴۴)

و نوح پروردگارش را ندا داد که پروردگارا! پسر من است و وعده تو نیز حق است و تو بهترین حکمرانی (۴۵) گفت ای نوح او از اهل تو نیست. او عملی ناصالح است. پس درباره چیزی که علمش را نداری از من خواهشی مکن. نصیحتت میکنم که مباد از جاهلان شوی (۴۶)

گفت پروردگارا به خودت پناه میبرم از اینکه خواهشی کنم که علمی به آن ندارم و اگر مرا نیامرزی و رحم نکنی از زیانکاران خواهم شد (۴۷)

آنگاه گفته شد ای نوح فرود آی! با سلامی از جانب ما و برکاتی بر خودت و بر اقوامی که از نسل همراهان تو هستند و اقوامی از همان نسلی خواهند بود که بزودی برخوردارشان خواهم کرد سپس آنها گمراهی را انتخاب خواهند کرد و لذا از جانب ما عذابی دردناک به آنان نیز خواهد رسید (۴۸)

ای پیامبر! این از اخبار غیبی است که بسویت وحی میکنیم. نه تو و نه قومت قبلا آن را نمیدانستید. پس صبر کن که عاقبت از آن متقیان است (۴۹)

هود ۴ آیات ۵۰ تا ۶۸

وَأِلَىٰ عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِن إِلَهٍ غَيْرُهُ إِنِّي أَنشَمُّ إِلَّا مُفْتَرُونَ ﴿٥٠﴾ يَا قَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ أَجْرِي إِلَّا عَلَى الَّذِي فَطَرَنِي أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٥١﴾ وَيَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَىٰ قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ ﴿٥٢﴾ قَالُوا يَا هُودُ مَا جِئْتَنَا بِبَيِّنَةٍ وَمَا نَحْنُ بِتَارِكِي آلِهَتِنَا عَنْ قَوْلِكَ وَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ ﴿٥٣﴾ إِنْ نَقُولُ إِلَّا اعْتَرَاكَ بَعْضُ آلِهَتِنَا بِسُوءٍ قَالَ إِنِّي أُشْهِدُ اللَّهَ وَاشْهَدُوا أَنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ ﴿٥٤﴾ مِن دُونِهِ فَكَيْدُونِي جَمِيعًا ثُمَّ لَا تُنظِرُونَ ﴿٥٥﴾ إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمْ مَا مِن دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿٥٦﴾ فَإِن تَوَلَّوْا فَقَدْ أْبَلَّغْتُكُمْ مَا أُرْسَلْتُ بِهِ إِلَيْكُمْ وَيَسْتَخْلِفُ رَبِّي قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّونَهُ شَيْئًا إِنَّ رَبِّي عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ ﴿٥٧﴾ وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا لَنَجِّنَا هُودًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَنَجِّنَاهُم مِّنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ ﴿٥٨﴾ وَتِلْكَ عَادٌ جَحَدُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَعَصَوْا رُسُلَهُ وَاتَّبَعُوا أَمْرَ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ ﴿٥٩﴾ وَاتَّبَعُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا إِنْ عَادُوا كَفَرُوا رَبَّهُمْ أَلَا بُعْدًا لِّعَادٍ قَوْمِ هُودٍ ﴿٦٠﴾ وَإِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِن إِلَهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوا لَهُمْ ثُمَّ تَوَبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيمٌ مُّجِيبٌ ﴿٦١﴾ قَالُوا يَا صَالِحُ قَدْ كُنْتَ فِينَا مَرْحُوًّا قَبْلَ هَذَا أَتَنْهَانَا أَنْ نَعْبُدَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا وَإِنَّ لَنَا لِفِي شَكٍّ مِّمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ مُرِيبٌ ﴿٦٢﴾ قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِن كُنْتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي وَأَتَانِي مِنْهُ رَحْمَةٌ فَمَن يَبْصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِنْ عَصَيْتُهُ فَمَا تَزِيدُونِي غَيْرَ تَحْسِيرٍ ﴿٦٣﴾ وَيَا قَوْمِ هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةٌ فَذُرُّوهَا تَاكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمْسُوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذْكُمْ عَذَابٌ قَرِيبٌ ﴿٦٤﴾ فَعَقَرُوهَا فَقَالَ مَتَّبِعُوا فِي ذِكْرِكُمْ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ ذَلِكَ وَعَدَّ غَيْرَ مَكْدُوبٍ ﴿٦٥﴾ فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا لَنَجِّنَا صَالِحًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَمِن خِزْيِ يَوْمِئذٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ ﴿٦٦﴾ وَأَخَذَ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةَ فَأَصْبَحُوا فِي دِيَارِهِمْ جَاثِمِينَ ﴿٦٧﴾ كَأَن لَّمْ يَغْنَوْا فِيهَا أَلَا إِنَّ ثَمُودَ كَفَرُوا رَبَّهُمْ أَلَا بُعْدًا لِّثَمُودَ ﴿٦٨﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
 طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:

درس: مکذبان پیامبران سابق هلاک و خود آنها و پیروانشان نجات یافتند پس تو ای

پیامبر محکم و منتظر باش.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: ای مردم مبدا مانند مکذبان پیامبران سابق عمل کنید و به عاقبت آنان دچار شوید.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

چنانکه تاکنون دیده اید، در هر پاراگراف تفسیری، عصاره محتوای پاراگراف را از یک «راه دوم» نیز استخراج می‌کردیم، که معمولاً دیده می‌شد مطابق معنا داری با استخراج از راه اول داشت.

اما، در پاراگراف هائی که کاملاً «داستانی» است، ضرورتی در این کار احساس نمی‌شود، زیرا فهم پاراگراف های داستانی بسیار آسانتر است، و چون ما اهل صفحه زیاد کردن نیستیم، و با توجه به کیفیت خوانندگان مان رعایت اختصار را ترجیح می‌دهیم، در این نوع پاراگراف ها از آن صرفنظر می‌کنیم.

۳ - از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ به کافران هشدار می‌دهد که مبدا مانند مکذبان پیامبران گذشته باشید (و به آن عاقبت دچار شوید) و ای پیامبر به سخنان کفار گوش نسپار و به رسالت بپرداز. در پاراگراف ۲ می‌فرماید ای پیامبر! مردم در آخرت به دودسته بزرگ دسته بندی می‌شوند، کسانی که خود را بدبخت کرده اند و کسانی برعکس آنها. در پاراگراف ۳ نمونه ای از رفتار کسانی در یکی از اقوام پیشین که خود را هلاک کرده اند را بیان میکند (با این زمینه که مبدا شما ها چنین کنید!) در این پاراگراف همان مطلب فوق را با همان منظور در باره دو قوم عاد و ثمود می‌فرماید.

۴ - سوالات

۱ - از این داستان های قرآنی به سادگی گذر نکنید و همیشه این پرسش را از خویش داشته باشید که از این داستان ها چه «حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها»ی نزول این آیات میتوان زد؟

۲ - «هُوَ أَخَذَ بِنَاصِيَتِهَا» (آیه ۵۶) چه نوع از سخن است؟ (کنایه؟ یا...؟)

۳ - منظور از «إِنَّ رَبِّي عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (همان آیه) چیست؟

۴ - منظور از «إِخَاهِم» (آیه ۵۰) چیست؟

۵ - از «يَا صَالِحُ قَدْ كُنْتَ فِينَا مَرْجُوًّا قَبْلَ هَذَا» (آیه ۶۲) چه فهمیده میشود؟ (از جمله

- اینکه آنحضرت قبل از بعثت در میان آن قوم مورد احترام بوده؟ دیگر چه؟
- ۶ - آیا قسمت اول آیه ۶۳، سبب اشتباه مفسران در تفسیر آیه ۱۷ شده؟
- ۷ - چه سابقه ای از موضوع آیه های ۶۴ و ۶۵ در سوره های قبلی (البته به ترتیب نزول) دارید؟
- ۸- از دو آیه مذکور و مطلب سوره شمس، مجموعاً چه فهمیده میشود؟

۵ - پیشگویی های تحقق یافته

در این پاراگراف، با ذکر داستان هلاکت دستجمعی و اضمحلال مکذبان و متعرضان به هود و صالح (ع)، تلویحاً پیشگویی مینماید که رسول اکرم (ص) نیز بر مکذبان و متعرضان به خویش غالب میگردد.

۶ - در این پاراگراف، کدام فقرات، فوق ذهنیات معاصران نزول است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه های ۵۰ تا ۶۸ از این لحاظ که مربوط به اقوامی است که در قبل از تاریخ بوده اند، و علم باستان شناسی آنقدر رشد نکرده که ما از اوضاع و احوال آنها مطلع باشیم، برای ما نیز روشن نیست، چه رسد به مخاطبان اولیه این آیات.

۷ - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟

کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته، در طول این مدت طولانی، از نزول این سوره تا به امروز، از لحاظ تحت اللفظی، تغییر معنایی چندانی نیافته، و لذا مخاطب های اولیه نیز از این پاراگراف همان تلقی را میداشته اند که ما.

۸ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیه های ۵۰ و ۵۱ و ۶۱، بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

سه نکته ای که در اینجا هم باید مورد توجه قرار گیرد

در پاراگراف قبل سه مطلب عرض کرده ایم که اینجا هم لازم است عرض کنیم، اما در اینجا به اشاره ای اکتفا میکنیم:

۱ - فهمیدن منظور داستان های قرآنی آسانتر است.
۲ - رفع یک شبهه که عرض کردیم که عده ای یک مطلب غلطی را به قرآن نسبت میدهند و آنهم این است که در قرآن مطالبی که خارج از دانسته های معاصرین نزول سوره ها باشد، وجود ندارد، و در پاراگراف قبل عرض کرده ایم که این سخن خیلی غلط است، و شرحی هم داده ایم که در اینجا دیگر به ذکر آن نمی پردازیم.
۳ - همچنین در پاراگراف قبل به شرح یک قانون الهی در رابطه با اقوام مکذّب سلف با پیامبرانشان پرداختیم که در اینجا تکرار نمیکنیم ولی توصیه میکنیم هرسه را در پاراگراف قبل از نظر بگذرانید.

ناقه صالح

در آیه های ۶۴ و ۶۵ داستان شتری نقل شده که اول بار در سوره شمس به آن اشاره شده بود و چند بار در قرآن آمده و خلاصه مطلبش که از آیات مربوط استنباط میشود این است که قوم ثمود بطور جدّ و مصرّانه از پیامبرشان برای ایمان آوری شان معجزه ای خواستند که این بود که شتری از این کوه مقابل در بیاید و تقاضایشان اجابت شد ولی ایمان نیاورند و پس از مدتی با آن شتر که یاد آور شکست و بدعهدی شان بود بد شدند و دائماً به پیامبرشان از او ایراد میگرفتند و نسبت به او بدگوئی میکردند، اما پیامبرشان آنها را برحذر میداشت که مبادا آزاری به او برسانند که غضب خواهند شد. اما چیزی نگذشت که، علیرغم اینکه تولد معجزه آسایش را دیده بوده و دانسته بودند که این شتر یک شتر عادی نیست، و فواید زیادی برایشان دارد، تصمیم به نابودی اش گرفتند و پس از آن سه روز مهلت یافتند اما در آن مدت نیز توبه و عذرخواهی و ایمان آوری از آنان دیده نشد و به هلاکت دستجمعی دچار شدند.

ترجمه تفسیری آزاد

و بسوی عاد نیز برادرشان هود را فرستادیم،
گفت ای قوم! خداوند را عبادت کنید که معبودی غیر از او ندارید و کار شما در جهت شریک قراردادن برای خداوند چیزی جز افتراء نیست (۵۰)
ای قوم! من برای این رسالت مُزدی از شما نمیخواهم. جز این نیست که مُردم جز بر عهده کسی که مرا آفریده نیست آیا به عقل در نمی یابید؟ (۵۱)

ای قوم! از پروردگارتان آمرزش بخواهید و بسوی او بازگردید تا آسمان را بر شما
باراند و نیروئی بر نیروی شما بیفزاید و با گناه به حق پشت نکنید (۵۲)

گفتند ای هود! دلیل روشنی برای ما نیاوردی و ما معبودهای خود را به صرف قول
تو رها نمی کنیم و تو را باور نداریم (۵۳) چیزی که معتقدیم این است که بعضی از
معبودان ما تو را آسیبی رسانده اند که چنین میگوئی. گفت خدا را به شهادت
میگیرم و شما هم شاهد باشید که از آنچه با خدا شریک میگیرید بیزارم (۵۴) پس
هر چه حیلۀ علیه من دارید جمع کنید و هیچ مهلتی هم به من ندهید (۵۵) من به
خداوند که پروردگار خودم و شماست توکل کرده ام. هیچ جنبندۀ ای نیست مگر
اینکه او زمامدارش است و پروردگارم بر طریق صحیح است (۵۶) پس اگر رویگردان
شدید بدانید که من رسالتم را به شما ابلاغ کردم و پروردگارم قومی دیگر را
جایگزینتان میکند و شما نمیتوانید ضرری به او رسانید، زیرا که پروردگارم بر هر
چیزی مسلط است (۵۷)

و هنگامیکه عذاب آمد، هود و کسانیکه با او ایمان آورده بودند را به رحمت خویش
از عذاب غلیظ نجات دادیم (۵۸) و این قوم عاد بود که آیات پروردگارشان را انکار
نموده و فرستادگانش را نافرمانی کرده و فرمان هر گردنکش ستیزه جو را پیروی
کرده بودند (۵۹)

و در این جهان، و نیز تا روز قیامت، برای خویش لعنت بجان خریدند.
آگاه باشید که قوم عاد به پروردگارشان کافر شدند و از رحمت الهی دور خواهند بود
(۶۰)

و بسوی قوم ثمود برادرشان صالح را فرستادیم که میگفت ای قوم! خداوند را عبادت
کنید که معبود دیگری غیر از او ندارید.
همو شما را از زمین آفرید و به آبادانی آن گماشت. پس، از او آمرزش خواسته و
بسوی او توبه کنید که پروردگارم البته نزدیک و جوابگوست (۶۱)

گفتند ای صالح قبل از این مایه امیدمان بودی، آیا نهی مان میکنی که چیزی را
عبادت کنیم که پدرانمان عبادت میکردند و البته ما درباره آنچه که دعوتمان میکنی
دودلیم و شک داریم (۶۲)

گفت ای قوم اگر بر دلیل روشنی از جانب پروردگارم باشم و بمن رحمتی داده باشد،
چه کسی در صورتی که او را نافرمانی کنم کمکم خواهد کرد؟ و شما برای من جز
خسارت نخواهید افزود (۶۳) ای قوم! این شتری است که خداوند فرستاده است که

برایتان نشانه و معجزه ای است. بگذارید در زمین خدا بچرد و بدیی به آن نرسانید
که عذابی نزدیک شما را در خواهد گرفت (۶۴)

اما کشتندش و گفت سه روز در خانه هایتان برخوردار باشید. این وعده ای است که
دروغ نخواهد شد (۶۵) پس هنگامی که فرمان ما آمد، صالح و کسانی را که به او
ایمان آورده بودند به رحمت خویش از خواری آن روز نجات دادیم که پروردگارت
البته قوی پیروزمند است (۶۶)

و آن ظالمان را فریاد بسیار بلندی در گرفت و ناگهان در خانه هایشان جسدهایی
بیجان شدند (۶۷) که گوئی اصلاً در آن زنده نبودند. قوم ثمود پروردگارش را کافر
شد. هان! دور باد رحمت الهی از قوم ثمود (۶۸)

هود ٥ آيات ٦٩ تا ٩٩

وَلَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبَشْرِى قَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامًا فَمَا لَبِثَ أَنْ جَاءَ بِعِجْلٍ حَنِيذٍ ﴿٦٩﴾ فَلَمَّا رَأَى أَن يُدْبِرُهُمْ لَا تَصِلُ إِلَيْهِ نَكَّرَهُمْ وَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا لَا تَمَخَّفْ إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَى قَوْمٍ لُوطٍ ﴿٧٠﴾ وَإِمْرَأَتُهُ قَائِمَةٌ فَضَحَكَتْ فَهَبْنَا نَهَا بِإِسْحَاقَ وَمِن وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ ﴿٧١﴾ قَالَتْ يَا وَيْلَتَى أَأَلِدُ وَأَنَا عَجُوزٌ وَهَذَا بَعْلِي شَيْخًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجِيبٌ ﴿٧٢﴾ قَالُوا أَتَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحْمَتُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ ﴿٧٣﴾ فَلَمَّا ذَهَبَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ الرَّوْعُ وَجَاءَتْهُ الْبُشْرَى يُجَادِلُنَا فِي قَوْمِ لُوطٍ ﴿٧٤﴾ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ حَلِيمٌ آوَاهُ مُنِيبٌ ﴿٧٥﴾ يَا إِبْرَاهِيمُ أَعْرِضْ عَنْ هَذَا إِنَّهُ قَدْ جَاءَ أَمْرُ رَبِّكَ وَإِنَّهُمْ آتِيهِمْ عَذَابٌ غَيْرُ مُرْدُودٍ ﴿٧٦﴾ وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِئَاءَ يَوْمٍ وَعَصَى لُوطًا يَوْمَ ذُرْعَا يَوْمٍ عَصِيبٌ ﴿٧٧﴾ وَجَاءَهُ قَوْمُهُ يُهْرَعُونَ إِلَيْهِ وَمَنْ قَبْلَ كَانُوا يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ قَالَ يَا قَوْمِ هَؤُلَاءِ بَنَاتِي هُنَّ أَطْهَرُ لَكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تَفْجُرُوا فِي ضَيْفِي أَلَيْسَ مِنْكُمْ رَجُلٌ رَشِيدٌ ﴿٧٨﴾ قَالُوا لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَا لَنَا فِي بَنَاتِكِ مِنْ حَقِّ وَنَأْتِكُمْ لَتَعْلَمْنَ مَا نَرِيدُ ﴿٧٩﴾ قَالَ لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةٌ أَوْ آوِي إِلَى رُكْنٍ شَدِيدٍ ﴿٨٠﴾ قَالُوا يَا لُوطُ إِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ لَنْ يَصِلُوا إِلَيْكَ فَأَسْرِ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِنَ اللَّيْلِ وَلَا يَلْتَفِتْ مِنْكُمْ أَحَدٌ إِلَّا أَمْرَتُكَ إِنَّهُ مُصِيبُهَا مَا أَصَابَكُمْ إِنَّ مُوْعِدَهُمُ الصُّبْحُ أَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ ﴿٨١﴾ فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا جَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهَا حِجَابًا مِنْ سَجِيلٍ مُنْضُودٍ ﴿٨٢﴾ مُسَوِّمَةً عِنْدَ رَبِّكَ وَمَا هِيَ مِنَ الظَّالِمِينَ بِبَعِيدٍ ﴿٨٣﴾ وَإِلَى مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ وَلَا تَقْسُمُوا الْمُكْيَالَ وَالْمِيزَانَ إِنِّي أُرَاكُمْ بِخَيْرٍ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُحِيطٍ ﴿٨٤﴾ وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مَفْسِدِينَ ﴿٨٥﴾ بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِخَفِيضٍ ﴿٨٦﴾ قَالُوا يَا شُعَيْبُ أَصْلَابُكَ تَأْمُرُكَ أَنْ نَتْرَكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا أَوْ أَنْ نَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ إِنَّكَ لَأَنْتَ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ ﴿٨٧﴾ قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي وَرَزَقَنِي مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَمْلِكُمْ إِلَى مَا أَنَاكُمْ عَنْهُ إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ ﴿٨٨﴾ وَيَا قَوْمِ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شِقَاقِي أَنْ يُصِيبَكُمْ مِثْلُ مَا أَصَابَ قَوْمَ نُوحٍ أَوْ قَوْمَ هُودٍ أَوْ قَوْمَ صَالِحٍ وَمَا قَوْمُ لُوطٍ مِنْكُمْ بِبَعِيدٍ ﴿٨٩﴾ وَاسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ ﴿٩٠﴾ قَالُوا يَا شُعَيْبُ مَا نَفَقَهُ كَثِيرًا يَمَا تَقُولُ وَإِنَّا لَنَرَاكَ فِينَا ضَعِيفًا وَلَوْلَا رَهْطُكَ لَرَجَمْنَاكَ وَمَا أَنْتَ عَلَيْنَا بَعِزٌّ ﴿٩١﴾ قَالَ يَا قَوْمِ أَرَهْطِي أَعَزُّ عَلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَاتَّخَذْتُمُوهُ وَرَاءَكُمْ ظَهْرِيَّ إِنَّ رَبِّي بِمَا تَعْمَلُونَ مُحِيطٌ ﴿٩٢﴾ وَيَا قَوْمِ اعْمَلُوا عَلَى مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ سَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُعْزِيهِ وَمَنْ هُوَ كَاذِبٌ وَارْتَقِبُوا إِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ ﴿٩٣﴾ وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا

شُعْبًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَأَخَذَتِ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةَ فَأَصْبَحُوا فِي دِيَارِهِمْ جَاثِمِينَ ﴿٩٤﴾ كَانَ لَمْ يَعْنُوا فِيهَا إِلَّا بَعْدًا لِمَدِينٍ كَمَا بَعْدَتْ تَمُودُ ﴿٩٥﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُّبِينٍ ﴿٩٦﴾ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَأْنَاهُ فَاتَّبَعُوا أَمْرَ فِرْعَوْنَ وَمَا أَمْرُ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ ﴿٩٧﴾ يَفْقَهُمْ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ وَيَنْسُ الْوَرْدُ الْمُرْوُودُ ﴿٩٨﴾ وَأَتَّبَعُوا فِي هَذِهِ لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَنْسُ الرِّفْدُ الْمَرْفُودُ ﴿٩٩﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم: طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه داده ایم که مطابق ذیل است:

درس: مکذبان پیامبران سابق هلاک و خود آنها و پیروانشان نجات یافتند پس تو ای پیامبر محکم و منتظر باش.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: پیامبران (و پیروان صالح آنها) در همین جهان نیز مورد الطاف خاص قرار می‌گرفتند، و ای مردم مبادا مانند مکذبان پیشین عمل کنید.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

چنانکه تاکنون دیده اید، در هر پاراگراف تفسیری، عصاره محتوای پاراگراف را از یک «راه دوم» نیز استخراج می‌کردیم، که معمولاً دیده میشد مطابقت معنا داری با استخراج از راه اول داشت.

اما، در پاراگراف هائی که کاملاً «داستانی» است، ضرورتی در این کار احساس نمیشود، زیرا فهم پاراگراف های داستانی بسیار آسانتر است، و چون ما اهل صفحه زیاد کردن نیستیم، و با توجه به کیفیت خوانندگان مان رعایت اختصار را ترجیح میدهیم، در این نوع پاراگراف ها از آن صرفنظر میکنیم.

۳ - از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ به کافران هشدار میدهد که مبادا مانند مکذبان پیامبران گذشته باشید (و به آن عاقبت دچار شوید) و ای پیامبر به سخنان کفار گوش نسپار و به رسالت بپرداز.

در پاراگراف ۲ می‌فرماید ای پیامبر! مردم در آخرت به دودسته بزرگ دسته بندی می‌شوند،

کسانی که خود را بدبخت کرده اند و کسانی برعکس آنها. در پاراگراف ۳ نمونه ای از رفتار کسانی در یکی از اقوام پیشین که خود را هلاک کرده اند را بیان میکند (با این زمینه که مبدا شماها چنین کنید!) در پاراگراف ۴ همان مطلب فوق را با همان منظور در باره قوم عاد و قوم ثمود می فرماید. در این پاراگراف می فرماید: از میان بندگان ما کسانی هم هستند که زندگی صحیحی میکنند و در نتیجه هم درد دنیا و هم در آخرت وضع مطلوبی را دارا میشوند و ضمناً به همان روال داستانی قبل ادامه داده و مانند همان مطالب چند پاراگراف قبل را با همان منظور در باره سه قوم لوط و شعیب و فرعون میفرماید.

۴ - سوالات

- ۱ - منظور از «رسلنا» (آیه ۶۹) چیست؟
- ۲ - منظور از «لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شِقَاقِي» (آیه ۸۹) چیست؟
- ۳ - منظور از «هذه» (آیه ۹۹) چیست؟
- ۴ - منظور از «سلطان» (آیه ۹۶) چیست؟

۵ - زاویه با تفاسیر رایج

۱ (المیزان): " قَالُوا لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَا لَنَا فِي بَنَاتِكُمْ مِنْ حَقٍّ وَ إِنَّكُمْ لَتَعْلَمُونَ مَا نُرِيدُ" این جمله پاسخ قوم لوط است در برابر دعوتی که آن جناب می کرد و به آنان می گفت که بیایید با دختران من ازدواج کنید، و آنچه در اینجا لازم است مورد توجه قرار گیرد این است که قوم لوط نگفتند: " ما حقی در دختران تو نداریم" بلکه گفتند: " تو از پیش می دانستی که ما حقی در دختران تو نداریم" حضرت لوط برای اینکه قوم او متعرض مهمانان او نشوند «دختران» خویش را به آنان پیشنهاد کرد.

مگر ایشان چند تا دختر داشت که بتواند جواب قوم خویش را بدهد؟ لذا جواب صحیح همان است که مرحوم علامه آن را ذکر کرده و سپس رد کرده است.

و آن این است که پیامبران پدران معنوی امت هستند و منظور ایشان از «دختران من» یعنی «این زنان موجود» و این مفهوم با انتهای سوره حج نیز که خداوند حضرت ابراهیم را «پدر» قلمداد کرده هماهنگ است و معنی نهائی آن یعنی اینکه از عادتِ زستِ رو کردن به جنس مذکر دست بردارید و مطابق فطرت و طبیعت به «این دختران من» (یعنی این زنان موجود که به حال خویش رها شده اند و مورد

غفلت قرار گرفته‌اند) رو کنید.

اینکه قوم لوط در آیه ۷۹ می‌گویند ما در دخترانت «حقی» نداریم به این علت است که روش خود را با کمال گستاخی، صحیح و همسنگ «حق» اعلام میکردند.

۶ - پیشگوئی های تحقق یافته

در این پاراگراف، با ذکر داستان هلاکت دستجمعی و اضمحلال مکذبان و متعرضان به پیامبران شان (ع)، تلویحا پیشگوئی مینماید که رسول اکرم (ص) نیز بر مکذبان و متعرضان به خویش غالب میگردد.

۷ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه های ۸۲ و ۸۳ که در موضوع سر و ته کردن شهرستان- مسکن قوط لوط و باراندن بارانی از «سنگ-گل های مرتب شده» بر آنان «که نزد خدا نشاندار شده بود»، است، هم اکنون برای بشر قرم بیست و یکم نیز روشن نیست، چه رسد به عرب های ۱۴۰۰ سال پیش.

همچنین است موضوع صیحه مذکور در آیه ۹۴.

بطور کلی، آیه های ۶۹ تا ۹۹ از این لحاظ که مربوط به اقوامی است که در قبل از تاریخ بوده اند، و علم باستان شناسی آنقدر رشد نکرده که ما از اوضاع و احوال آنها مطلع باشیم، برای ما نیز روشن نیست، چه رسد به مخاطبان اولیه این آیات.

۸ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیه های ۶۹ و ۷۰ و ۹۷، بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلید های تفسیری

بحث مننی

«رحمه الله و برکاته علیکم اهل البیت» (آیه ۷۳) پراوتزی است. و این نوع «خرده پراوتز» در این متن باز هم هست که شناسائی آنها به خواننده واگذار میشود. کلمه «کان» قبل از کلمه یجادلنا محذوف به قرینه، و به اصطلاح ما از باب واگذاری به مخاطب است.

سه نکته ای که در اینجا هم باید مورد توجه قرار گیرد

- در پاراگراف ۳ سه مطلب عرض کرده ایم که اینجا هم لازم است عرض کنیم، اما در اینجا به اشاره ای اکتفا میکنیم:
- ۱ - فهمیدن منظور داستان های قرآنی آسانتر است.
 - ۲ - رفع یک شبهه که عرض کردیم که دکتر سروش (و امثال او و پیروانشان) یک مطلب غلطی را به قرآن نسبت میدهند و آنهم این است که در قرآن مطالبی که خارج از دانسته های معاصرین نزول سوره ها باشد، وجود ندارد، و در همان پاراگراف عرض کرده ایم که این سخن خیلی غلط است، و شرحی هم داده ایم که در اینجا دیگر به ذکر آن نمی پردازیم.
 - ۳ - همچنین در پاراگراف ۳ به شرح یک قانون الهی در رابطه با اقوام مکذب سلف با پیامبرانشان پرداختیم که در اینجا تکرار نمیکنیم ولی توصیه میکنیم هر سه را در همان پاراگراف از نظر بگذرانید.

در باره قوم لوط

از میان اقوام هلاک شده دستجمعی سابق قوم لوط ویژگی هایی دارد که بسیار قابل توجه است.

هم گناهشان خاص و هم طرز نابودیشان خاص است.

البته تاریخ بشر تا زمان حضرت موسی را پوشش میدهد و از مصر دوره فراعنه آنقدر مدارک و مستندات پیداشده که آن دوره را به روشنائی دوره تاریخی آورده است، اما قبل از مصر دوره فراعنه را «ماقبل تاریخ» می نامند، زیرا مستندات و شواهدی از آن روزها در دست نیست.

از جمله دوره قوم لوط، که به استناد آیات همین پاراگراف همدوره حضرت ابراهیم نیز بوده، در «ماقبل تاریخ» قرار دارد.

در همین پاراگراف سرنخ هایی وجود دارد که اگر تعقیب شود به حفاری که بقایای شهر لوط را کشف خواهد کرد منجر شده، و، هم دوره لوط (ع) و هم دوره ابراهیم (ع) وارد دوره تاریخی خواهند شد.

چون ما این موضوع را جداگانه و مشروح کار کرده ایم، در اینجا شرح بیشتری نداده و خواهان ها را به مطالعه «آثار قوم لوط» در سایت این قلم ارجاع میدهیم.

چه رابطه ای بین کمفروشی و تکذیب پیامبران است؟

هم این پاراگراف و هم مطالب مشابهی که در سوره های دیگر در باره حضرت شعیب (ع) هست، وجود چنین رابطه ای را نشان میدهد. اولین چیزی که در این رابطه دیده ایم، آیات اوائل سوره مطفغین است، پس از آن در سوره قمر شبیه به همین آیات راه، اما به خلاصگی، دیده ایم، که در این پاراگراف مشروح تر بیان شده، و پس از این نیز در سوره های شعراء و اعراف و جاهای دیگر نیز در داستان های مربوط به حضرت شعیب خواهیم دید. هر چه باشد در موضوع سلامت اقتصادی یا عکس آن، یک نوع جهان بینی نهفته است که حالت اول موافق آموزه های دین و حالت دوم مخالف آن است که تکذیب عملی انبیاء را در بطن خویش دارد. چون موضوع نیاز به بحث گسترده دارد و این پاراگراف تفسیری محل شرح آن نیست، لذا در اینجا بیشتر به آن نمی پردازیم.

تاریخی یا جغرافیائی؟

آیه ۸۹، آنجا که میفرماید «و ما قوم لوط منکم ببعید»، این بعید نبودن از چه لحاظ است؟ تاریخی یا جغرافیائی؟ از لحاظ تاریخی، حضرت لوط نبی با ابراهیم خلیل علیهماالسلام معاصر بود و هر دو در «ماقبل تاریخ» قرار دارند و این موضوع از آیاتی در قرآن کریم فهمیده میشود، و لذا «تزدیک بودن» آنها با قوم شعیب نبی علیه السلام که معاصر حضرت موسی (ع) بود و در «دوره تاریخی» قرار دارد بی معنی است. لذا مطلب فقط با قرب مسافت در روی زمین یعنی در جغرافیا جور در می آید. ضمناً در جای دیگری از قرآن کریم دارد: (و انکم لتمرورن علیهم مصبحین، و باللیل... « که نشان میدهد آثار شهر-مسکن لوط در حوالی مکه قرن هفتم میلادی است، و لذا آیه مذکور بما میگوید شهر-مسکن قوم شعیب نیز در حوالی مکه میباشد.

ترجمه تفسیری آزاد

و فرستادگان ما با مژده بر ابراهیم درآمدند و سلام گفتند. او هم سلامی گفت و طولی نکشید که گوساله‌ای چاق و بریان آورد (۶۹) و چون دید بسوی آن دست دراز

نمی کنند آنها را ناشناس گرفت و نگرانیی از آنها پیدا کرد. گفتند مترس که ما بسوی قوم لوط فرستاده شده ایم (۷۰) و همسرش ایستاده بود وحیض شد و آنها مؤذنه اسحق و پس از اسحق یعقوب را به او دادند (۷۱) گفت وای برمن! آیا من که که پیرزنی هستم و شوهرم نیز پیرمردی است خواهم زائید؟ البته این عجیب است (۷۲) گفتند آیا از امر خدا تعجب می کنی؟ در حالیکه رحمت خدا و برکاتش بر شما خانواده نازل شده که او پسندیده بلندمرتبه است (۷۳)

هنگامیکه نگرانی ابراهیم برطرف شد و مؤذنه هم به او رسید با ما درباره قوم لوط مجادله میکرد (۷۴) و ابراهیم البته موقر و دردمند و توبه کار بود (۷۵) به او خطاب شد ای ابراهیم! از این بگذر. این امر پروردگارت است و البته عذابی برگشت ناپذیر برایشان مقدر شده است (۷۶)

و وقتیکه فرستادگانمان به لوط درآمدند، از دیدنشان ناراحت شد و خود را بیچاره یافت و گفت امروز چه روز سختی است (۷۷) و قوم او که قبلا هم کارهای زشت میکردند با شتاب بسوی او آمدند،

گفت ای مردم این زنان که در این شهر هستند مانند دختران من اند، که برای شما پاکیزه ترند، از خدا بترسید و مرا در مقابل مهمانانم خوار نکنید، آیا در میان شما یک مرد فهمیده نیست؟ (۷۸)

گفتند میدانی که در دخترانت حقی نداریم و خودت میدانی چه میخواهیم (۷۹) گفت ای کاش نیروئی زیاد میداشتم یا میتوانستم از شر آنان به گوشه محکمی پناه ببرم (۸۰)

مهمانانش گفتند ای لوط ما فرستادگان پروردگارت می باشیم و آنها هرگز به تو دست نخواهند یافت، پس شبانه اهل خویش را ببر و نباید کسی از شما به پشت سر خویش نگاه کند غیر از زنت که البته به او همان خواهد رسید که به آنها میرسد. موعد عذابشان صبح است. آیا صبح نزدیک نیست؟ (۸۱)

وقتیکه امر ما آمد بالای شهرشان را پائین قرار دادیم و بر آنها سنگ-گل هایی بارانیدیم که مرتب و ردیف شده بود (۸۲) که نزد پروردگارت نشاندار بود و آن از ظالمان دور نیست (۸۳)

و بسوی مدین برادرشان شعیب را فرستادیم. گفت ای مردم خداوند را عبادت کنید که معبود دیگری غیر از او ندارید. و ترازو و پیمان را ناقص ندهید. من شما را در

رفاه می بینم و بر شما از عذاب روزی فراگیر میترسم (۸۴) ای مردم پیمانہ و ترازو را بطور کامل بدهید و از مال مردم نگاهید و در زمین به فساد نگرائید (۸۵) ذخیره خدائی و سود معامله برایتان بهتر است در صورتی که باور داشته باشید و من نگهبان شما نیستم (۸۶)

گفتند ای شعیب آیا دینت تو را مأمور میکند که ما آنچه را که پدرانمان عبادت میکردند رها کنیم یا اینکه در اموال خویش هر چه خواستیم نکنیم؟ تو که شخص حلیم رشد یافته ای هستی! (۸۷)

گفت ای مردم چه نظری دارید اگر من بر دلیل روشنی از جانب پروردگارم باشم، و از آن، روزی نیکو بمن داده شده باشد؟ و این سخنان را از پیش خود نمیگویم و در این مورد صرفاً قصد مخالفت با شما را ندارم. جز این نیست که قصد اصلاح است. آنقدر که بتوانم، و توفیقم جز بر عهده خداوند نیست که بر او توکل کرده ام و بسوی همو باز میگردم (۸۸)

ای مردم مبدا بعلت مخالفت با من همان چیزی به شما برسد که به قوم نوح یا قوم هود یا قوم صالح رسید و قوم لوط هم که از شما دور نیست (۸۹) و از پروردگارتان آمرزش بخواهید سپس به سوی او بازگردید که البته پروردگارم مهربان و دوستدار است (۹۰)

گفتند ای شعیب بسیاری از چیزهایی را که میگوی نمی فهمیم و تو را در بین خویش ضعیف می بینیم و اگر قبیله ات نبود سنگسارت میکردیم و تو چندان عزتی نسبت به ما نداری (۹۱)

گفت ای مردم آیا قبیله ام بنظر شما از خداوند که فرمان او را پشت سر انداخته اید مهم تر است؟ البته پروردگارم به اعمال شما احاطه دارد (۹۲) ای مردم هر چه میتوانید انجام دهید. من نیز کار خویش میکنم. بزودی خواهید فهمید عذاب خوار کننده به سوی چه کسی خواهد آمد و دروغگو کیست و منتظر باشید که من نیز همراه شما منتظر خواهیم ماند (۹۳)

و هنگامیکه فرمان ما آمد شعیب و کسانی را که با او ایمان آورده بودند به رحمت خویش نجات دادیم و ظالمان را فریادی بلند بگرفت و در خانه هایشان جسدی بی جان شدند (۹۴) گویی که هرگز در آن نبودند.

هان! نابود باد قوم مدین همانگونه که ثمود بود (۹۵)

و البته موسی را با آیاتمان و دلیلی روشن فرستادیم (۹۶) بسوی فرعون و بزرگاننش،

پس آنها امر فرعون را پیروی کردند و امر فرعون رشد یافته نبود (۹۷)
در روز قیامت پیشاپیش مردمش راه می‌رود و آنان را به آتش درمی آورد که چه بد
جایگاهی است (۹۸)
و در این جهان با لعنت بدرقه شدند و روز قیامت نیز چه عطای بدی خواهند داشت
(۹۹)

هود ٤ آيات ١٠٠ تا ١٢٣

ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْفَرَى نَقَصُهَا عَلَيْكَ مِنْهَا قَائِمٌ وَحَصِيدٌ ﴿١٠٠﴾ وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَمَا أَغْنَتْ عَنْهُمْ آلِهَتُهُمُ الَّتِي يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ لَمَّا جَاءَ أَمْرُ رَبِّكَ وَمَا زَادُوهُمْ غَيْرَ تَتْسِيبٍ ﴿١٠١﴾ وَكَذَلِكَ أَخْذُ رَبِّكَ إِذَا أَخَذَ الْفَرَى وَهِيَ ظَالِمَةٌ إِنَّ أَخْذَهُ أَلِيمٌ شَدِيدٌ ﴿١٠٢﴾

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِمَنْ خَافَ عَذَابَ الْآخِرَةِ ذَلِكَ يَوْمٌ مَجْمُوعٌ لَهُ النَّاسُ وَذَلِكَ يَوْمٌ مَشْهُودٌ ﴿١٠٣﴾ وَمَا نُؤَخِّرُهُ إِلَّا لِأَجَلٍ مُعَدَّدٍ ﴿١٠٤﴾ يَوْمَ يَأْتُ لَا تَكَلُمُ نَفْسٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ فَمَنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ ﴿١٠٥﴾ فَأَمَّا الَّذِينَ شَفَعُوا فِي النَّارِ فَهُمْ فِيهَا زُقَيْرٌ وَشَهِيْقٌ ﴿١٠٦﴾ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِمَا يُرِيدُ ﴿١٠٧﴾ وَأَمَّا الَّذِينَ سَعَدُوا فَبِئْسَ الْجَنَّةُ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءٌ غَيْرٌ مَجْدُوْدٌ ﴿١٠٨﴾ فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِمَّا يَعْبُدُ هَؤُلَاءِ مَا يَعْبُدُونَ إِلَّا كَمَا يَعْبُدُ آبَاؤُهُمْ مِنْ قَبْلُ وَإِنَّا لَمُوقِفُوهُمْ نَصِيبُهُمْ غَيْرَ مَنْفُوسٍ ﴿١٠٩﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتَلَفَ فِيهِ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقَضَيْ بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ ﴿١١٠﴾ وَإِنَّ كَلَامًا لَمَّا لَوْفَيْتَهُمْ رَبُّكَ أَعْمَاهُمْ إِنَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿١١١﴾ فَاسْتَقَمَّ كَمَا أَمَرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿١١٢﴾ وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَيَمَسَّكُمْ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ ﴿١١٣﴾ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَزُلْفَا مِنْ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُدْهَبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرَى لِلذَّاكِرِينَ ﴿١١٤﴾ وَاصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ﴿١١٥﴾ فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّنْ أَتَيْنَا مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ ﴿١١٦﴾ وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَى بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا مُصَلِحُونَ ﴿١١٧﴾ وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ ﴿١١٨﴾ إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ لِأُمَّةٍ لَأُمَّةٍ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ﴿١١٩﴾ وَكَلَّا نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نَقِيتُ بِهِ فُؤَادَكَ وَجَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ وَمَوْعِظَةٌ وَذِكْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿١٢٠﴾ وَقُلْ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ أَعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنَّا عَامِلُونَ ﴿١٢١﴾ وَانْتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ ﴿١٢٢﴾ وَاللَّهُ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَيْهِ يُرْجَعُ الْأَمْرُ كُلُّهُ فَاعْبُدْهُ وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿١٢٣﴾

پیش تفسیر

١ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:

طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:

درس: مکذبان پیامبران سابق هلاک و خود آنها و پیروانشان نجات یافتند پس تو ای پیامبر محکم و منتظر باش.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: هشدار و مژده به دو نوع مخاطب پیامبر راجع به دو نوع نتیجه آخرتی و ارشاد پیامبر که به این علت ها است که در عذاب اینها تعجیل نمی کنیم، لذا صبر کن و چنین بگویی و محکم و مطمئن به رسالتت بپرداز.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْقُرَى نَقِصُهُ عَلَيْكَ مِنْهَا قَائِمٌ وَحَصِيدٌ ﴿١٠٠﴾ وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَمَا أَغْنَتْ عَنْهُمْ آلِهَتُهُمُ الَّتِي يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ لَمَّا جَاءَ أَمْرُ رَبِّكَ وَمَا زَادُوهُمْ غَيْرَ تَتْبِيبٍ ﴿١٠١﴾ وَكَذَلِكَ أَخْذُ رَبِّكَ إِذَا أَخَذَ الْقُرَى وَهِيَ ظَالِمَةٌ إِنَّ أَخْذَهُ أَلِيمٌ شَدِيدٌ ﴿١٠٢﴾

ریزدرب: هلاکت اقوام پیشین به علت رفتار خودشان بوده است.

۲

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِمَنْ خَافَ عَذَابَ الْآخِرَةِ ذَلِكَ يَوْمٌ مَجْمُوعٌ لَهُ النَّاسُ وَذَلِكَ يَوْمٌ مَشْهُودٌ ﴿١٠٣﴾ وَمَا نُؤَخِّرُهُ إِلَّا لِأَجَلٍ مُّعَدَّدٍ ﴿١٠٤﴾ يَوْمَ يَأْتِ لَا تَكَلِّمُ نَفْسٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ ﴿١٠٥﴾ فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُوا فَفِي النَّارِ هُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهيقٌ ﴿١٠٦﴾ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِمَا يُرِيدُ ﴿١٠٧﴾ وَأَمَّا الَّذِينَ سَعِدُوا فَفِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءٌ غَيْرٌ مَجْدُودٌ ﴿١٠٨﴾ فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِمَّا يَعْبُدُ هَؤُلَاءِ مَا يَعْبُدُونَ إِلَّا كَمَا يَعْبُدُ آبَاؤَهُمْ مِنْ قَبْلُ وَإِنَّا لَمُوقِفُوهُمْ نَصِيبُهُمْ غَيْرَ مَنْقُوصٍ ﴿١٠٩﴾

ریزدرب: هلاکت اقوام پیشین عبرتی است برای کسانی که به چنین عاقبتی مومن اند.

۳

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَآخِثِلْ فِيهِ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَفُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكِّ مِنْهُ مُرِيبٍ ﴿١١٠﴾ وَإِنْ كَلَّا لَمَا لِيَؤْفِقِيَنَّهُمْ رَبُّكَ أَعْمَالَهُمْ إِنَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿١١١﴾

ریزدرب: ای پیامبر! در باره اختلاف این مردم نسبت به تعالیم قرآن به پروردگارت توکل کن.

۴

فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿١١٢﴾ وَلَا تَزْكُتُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَيَمَسُّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ ﴿١١٣﴾ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَزُلْفَا مِنْ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرَى لِلذَّاكِرِينَ ﴿١١٤﴾ وَاصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ﴿١١٥﴾

ریزدرب: ای پیامبر! برای افزایش ظرفیتت این عبادات را پیشه کن و هم خودت صبر پیشه کن و هم پیروانت را به صبر وادار و هیچ به مخالفانتان متمایل مشوید.

۵

فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَّةَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ ﴿١١٦﴾ وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَى بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا مُصْلِحُونَ ﴿١١٧﴾ وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ ﴿١١٨﴾ إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ لِأُمَمٍ لَبَّاسًا بَلَّاسًا مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ﴿١١٩﴾

ریزدرب: علت هلاکت پیشینیان قلت نهی کنندگان فساد و اختلاف در متن وحی بود، وگرنه خداوند برای همگان لطف و رحمت میخواهد.

۶

وَكَلَّا نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُثَبِّتُ بِهِ فُؤَادَكَ وَجَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ وَمَوْعِظَةٌ وَذِكْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿١٢٠﴾ وَقُلْ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ أَعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنَّا عَامِلُونَ ﴿١٢١﴾ وَانْتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ ﴿١٢٢﴾ وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَيْهِ يُرْجَعُ الْأُمُورُ كُلُّهَا فاعْبُدْهُ وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ وَمَا رَبُّكَ بِعَاقِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿١٢٣﴾

ریزدرب: ای پیامبر! ثابت و استوار باش و به رفتار های مخالفانت اهمیت زیاد مده و به خداوند توکل کن.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لَبَّ مُطْلَب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ به کافران هشدار میدهد که مبدا مانند مکذبان پیامبران گذشته باشید (و به آن عاقبت دچار شوید) و ای پیامبر به سخنان کفار گوش نسیار و به رسالت بپرداز. در پاراگراف ۲ می فرماید ای پیامبر! مردم در آخرت به دودسته بزرگ دسته بندی می شوند، کسانی که خود را بدبخت کرده اند و کسانی برعکس آنها.

در پاراگراف ۳ نمونه ای از رفتار کسانی در یکی از اقوام پیشین که خود را هلاک کرده اند را بیان میکند (با این زمینه که مبدا شما ها چنین کنید!)

در پاراگراف ۴ همان مطلب فوق را با همان منظور در باره قوم عاد و قوم ثمود می فرماید. در پاراگراف ۵ می فرماید: از میان بندگان ما کسانی هم هستند که زندگی صحیحی میکنند و در نتیجه هم در دنیا و هم در آخرت وضع مطلوبی را دارا میشوند و ضمناً به همان روال داستانی قبل ادامه داده و مانند همان مطالب چند پاراگراف قبل را با همان منظور در باره سه قوم لوط و شعیب و فرعون میفرماید.

در این پاراگراف می فرماید: ای پیامبر! مردم در رابطه با موضوع ماموریت تو به دو دسته تقسیم میشوند. دسته دوم که اهل هلاک اند، کسی جز خودشان مقصر نیست و لذا تو با آرامش به رسالت بپرداز و برای ادامه شایسته ماموریتت، هم باید صبر مناسبی از خویش نشان دهی و هم رژیم عبادتی متناسبی داشته باشی.

۴ - سوالات

- ۱ - با توجه به اینکه علی الاصول «خدایان» مطلقا - در دنیا و آخرت - بی خاصیت اند، چرا این جمله «مازادوهم» را در آیه ۱۰۱ فرموده؟ جمله مذکور چه نوعی از سخن است؟ (کنایه؟ طنز؟ یا...؟)
- ۲ - از «يَوْمَ يَأْتُ لَا تَكَلَّمُ نَفْسٌ إِلَّا بِذَنبِهَا» (آیه ۱۰۵) چه سابقه ای در سوره های قبل دارید؟
- ۳ - چرا سعید را به حالت معلوم آورده در حالیکه شقی را در حالت مجهول ذکر فرموده؟
- ۴ - «ما دامت السموات و الارض» در مورد اهل عذاب مفهوم است، به این معنی که آنها به مقدار لازم تنبه حاصل کرده اند و شایستگی یک زندگی عادی را در آن شرایط عالی جهان بعدی یافته اند، اما همین عبارت در باره اهل نعمت به چه معنی است؟ (از دست دادن صلاحیت و لیاقت در اثر رفتار مغایر با شئون آنجا؟ یا...؟)
- ۵ - منظور از «الَّذِينَ ظَلَمُوا» (آیه ۱۱۳) چه کسانی است؟
- ۶ - در آیه ۱۰۹، منظور از «نصیبهم» چیست؟ (دنیا؟ یا اُخروی؟ یا...؟)
- ۷ - آیه ۱۱۱ دنباله منطقی کدام آیه است؟
- ۸ - از «لاتطغوا» (آیه ۱۱۲) چه حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها میتوان زد؟ از «ولا ترکنا...» چطور؟
- ۹ - منظور از «أُولُو بَقِيَّةٍ» (آیه ۱۱۶) چیست؟
- ۱۰ - منظور از «الَّذِينَ ظَلَمُوا» (آیه ۱۱۶) چه کسانی است؟
- ۱۱ - در رابطه با «وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ» (آیه ۱۱۸) کدام گزینه را انتخاب میکنید؟ (این سرشت بشراست و چاره ای جز این نیست - متأسفانه اکثرا چنین اند - یا...؟)
- ۱۲ - در آیه ۱۱۶ - سوال از چه کسی است؟ (آنحضرت؟ مردم؟ هر دو؟)
- ۱۳ - در همان آیه منظور از ظلم چیست؟
- ۱۴ - آیه ۱۲۳ چه حالتی دارد؟ (دلداری؟ یا...؟)

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

از آیه ۱۰۹ فهمیده میشود خداوند در موضع آرام کردن آنحضرت است که اینقدر ناراحت نباش بالاخره اینها یک مستمسکی دارند، و در آیات ۱۱۲ تا ۱۱۵ به آنحضرت میفرماید هیچ کوششی نکنید که برای براه آوردن آنها کوچکترین معامله ای با آنها

کنید و نیز برای تحمل بیشتر صبر پیشه کنید و خودت هم این رژیم عبادتی را در پیش گیر.

از آیه ۱۱۸ فهمیده میشود که خداوند در موضع دلداری دادن به آنحضرت است و از آیه ۱۲۰ فهمیده میشود که این داستانهای پیامبران سابق که در این ایام با حجم زیاد نازل میشود برای تثبیت آنحضرت و مومنان است و به آنحضرت توصیه میکند موضع بی‌اعتنایی را در مقابل فعالان کفر در پیش گیرد.

۶ - آیات برجسته این پاراگراف

آیه ۱۱۶ از این لحاظ برجستگی دارد که خداوند میفرماید که ای آدم‌های خوب! اینقدر شاه سلطان حسین وار هی چشم تان به آسمان نباشد و مسائلی را که باید راجع به آنها عمل کرد به دعا و نذر و نیاز و امثال آن رد نکنید. و معادل واضح آن «لولا دفع الله الناس بعضهم ببعض لهدمت صوامع و بیع و صلوات و مساجد . . .» است که چند سال بعد در سوره حج (آیه ۴۰) نازل شده است.

۷ - پیشگویی‌های تحقق یافته

در آیات ۱۰۹ تا ۱۱۵ باز هم پیشگویی‌هایی از نوع «کوچکترین تردیدی نداشته باش» و «محکم و استوار باش» و «این رژیم عبادی را در پیش گیر» دارد که تحقق نتیجه همه آنها دیده شده است.

اگر آیات قبل از آیه ۱۲۲ را ملاحظه فرمائید چنین فهمیده می‌شود که آیه ۱۲۲ متضمن وعده شکست مخالفان و تکذیبگران و کافران است و چنانکه واقعیات تاریخی نشان داد این وعده نیز تحقق یافته است.

۸ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

از نمونه‌های موضوع تیتتر فوق یکی آیه ۱۰۰ است که حتی ما بشر قرن بیست و یکم هم، حتی تصور ضعفی هم از آن نداریم، چه رسد عرب‌های ۱۴۰۰ سال پیش. همچنین است محتوای آیه ۱۰۴ که حتی ما بشر امروزی نیز از زمان وقوع قیامت کوچکترین تصویری نداریم.

نیز آیه های ۱۰۶ تا ۱۰۸ که هیچکس (حتی انبیاء و اولیاء به نص صریح آیات قرآن کریم) و بشر امروزی (چه رسد عرب های ۱۴۰۰ سال قبل) کوچکترین ذهنیتی راجع به مدلول آنها ندارد.

۹- کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیه های ۱۰۰ تا ۱۰۲ و ۱۲۲، بقیه آیات پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

قائم و حصید (آیه ۱۰۰)

یعنی این اقوام پیشین که هلاک شده اند، شهرهای بعضی از آنها هنوز هم - یعنی در زمان نزول این آیات - برقرار است (مانند آثار موجود در مصر) و بعضی دیگر ویران و یا ناپیدا است (مانند آثار شهر-مسکن قوم لوط)

به تاخیر می اندازد

«ه» در «نوخه» (آیه ۱۰۴) اشاره به عذابی است که مخالفان پیامبر تا اینجا مستحقش شده اند، ولی خداوند بنا به مصالحی آن را به تاخیر می اندازد.

امر وجودی و امر عدمی

در آیه های ۱۰۶ و ۱۰۸ بدبخت شدن هر کس به خودش، اما خوشبخت شدن هر کس به خداوند نسبت داده شده است.

زیرا خوشبخت شدن یک امر «وجودی» است، و مستند به خداوند است. یعنی اینکه شخص خوشبخت از امکانات خدائی استفاده کرده که خوشبخت شده، (قوت جسم، قوت ذهن، هدایت های عمومی، اوضاع و احوال مساعد، و غیره و غیره) همه اینها امکانات خدائی است و کسیکه از اینها استفاده کند و خوشبخت شود خدا او را خوشبخت کرده است.

اما شخص بدبخت می توانست از آنها استفاده کند اما نکرده، پس، خودش خود را بدبخت کرده است.

قیامت نزدیک است

در آیه ۱۰۴ فرموده قیامت تا «سرآمدی معدود» (یعنی کم) عقب انداخته شده است. برای اینکه تصویری از «کوتاه»ی فاصله قیامت داشته باشید، نگاهی به سن خودتان کنید.

تا اینجای زندگی تان چگونه به شما گذشته است؟

اگر نگاهی به همه گذشته خویش کنید این احساس را پیدا نمی کنید که «چه زود گذشت»؟!؟

بقیه اش هم همینطور است!

وقتیکه به اواخر عمر خویش رسیدید اگر باز هم با همان نگاه به گذشته کنید باز هم همان احساس را پیدا خواهید کرد.

پس از آن نیز برزخ است که یک فضای «خواب مانند» است و پس از آن هم فوراً قیامت است.

یعنی فاصله ما تا قیامت، بقیه عمر ما است و سپس یک خواب است و پس از آن نیز قیامت است! این نزدیک نیست؟

به ظالمان متمایل نشوید

از جمله و «ولا ترکنا . . .» (آیه ۱۱۳) میتوان حدس زد که مسلمانان – علاوه بر اینکه اقلیت و نیز ضعیف بودند – در بین مخالفان خویش محصور هم بودند و دائماً در معرض این بودند که بنا بر مصالح فAMILI و همسایگی و شغلی و زیستی و سایر انواع الزامات محیطی، به نوعی، حتی اندک، تحت تاثیر آنان قرار گیرند و آیه فوق به آنان – ضمن هويت بخشی – هشدار میدهد که مبدا موقعیت معنوی والای خویش را دستکم بگیرند و خود را از آنان کمتر و کوچکتر ببندارند و لذا تحت تاثیر آنان قرار گیرند.

نکته تاریخی

آیه ۱۱۶ حاوی یک نوع اظهار تاسف الهی است که چرا در زمان های سابق عده ای (غیر از قلیلی) نبوده اند که در مقابل مفسدان قد علم کنند.

حقیقت این است که هرچه در تاریخ بشر به عقب میرویم این نکته بیشتر دیده میشود که اکثر آدم ها خود را در مقابل طبقات مسلط «چیزی نمیدیده اند» و اساساً از مخیله شان این نمیگذشته است که مثلاً ایرادی از چیزی که آن را غلط و ناصحیح می

پنداشته اند بگیرند.

لذا، طبقات مسلط بدون اینکه نگرانی از چیزی داشته باشند هرکاری که دلشان میخواست میکرده اند.

آن عده قلیل هم که در آیه استثناء شده، پیروانِ جدی پیامبران بوده اند، یعنی اینکه بار اعتراضات به مفسد بر دوش پیامبران بوده که پیروانِ جدیِ قلیلی داشته اند، و انسانها (ی غیر پیامبر و غیر پیرو پیامبران) نقشی در آن مقابله ها نداشته اند.

کمک مستقیمی که این روش تفسیری نمود

در آیه ۱۲۰ فرموده که ذکر داستان‌های پیامبران گذشته برای ایجاد ثبات در قلبت می‌باشد.

اگر «درس» سوره را مورد توجه قرار دهید هماهنگی معنی‌داری را با آن موضوع می‌بینید که نوعی «تأییدیه» ای است که این روش مستقیماً از آن آیه الهی دریافت کرده است، در حالی که می‌دانید استخراج درس و درب یک مکانیزم نظام‌دار بسیار روشنی دارد.

ترجمه تفسیری آزاد

ای پیامبر! این مطالب از خبرهای اقوام باستانی بود که برایت گفتیم، آثار بعضی از آنها هنوز پا برجا و بعضی برچیده است (۱۰۰) و ما ظلمی به آنان نکردیم بلکه آنان بر خویش ظلم کردند و آن معبودهایی که غیر از خداوند به عبادتشان میپرداختند، وقتی که امر خدا آمد فایده ای برایشان نداشت و غیر از تباهی چیزی بر آنها نیفزود (۱۰۱) و گرفتن پروردگارت چنین است. هنگامیکه شهرهایی را که به ظلم میپردازند میگیرد، گرفتنش شدید و دردناک است (۱۰۲) البته در این برای کسی که از عذاب آخرت بترسد آیه عبرتی است.

آن روز، روزی است که مردم در آن جمع میگردند و روزی است که در آن شهادت ها داده میشود (۱۰۳) و ما آنرا جز تا مدتی شماره شده و کم، به تأخیر نینداخته ایم (۱۰۴) آن روز روزی است که هیچکس جز به فرمان خداوند سخن نمیگوید و بعضی از مردم سعادت‌مند و بعضی بی بهره خواهند بود (۱۰۵) آنانکه بی بهره شدند در آتش خواهند بود که صدای بدهنجا خواهد داشت (۱۰۶) و

در آن جاودان خواهند بود، آنقدر که آسمانها و زمین برقرار باشد، مگر اینکه پروردگارت، به حکمت، چیزی دیگر بخواهد، که البته پروردگارت در آنچه اراده اش تعلق گیرد فعال است (۱۰۷)

اما آنکه لیاقت خوشبختی داشتند در بهشت جاودان خواهند بود آنقدر که آسمانها و زمین برقرار باشد، مگر آنکه خدا بخواهد و این عطائی است که قطع نخواهد شد (۱۰۸)

پس، ای پیامبر! درباره آنچه اینها عبادتش میکنند در شکی مباش. عبادت اینها مانند عبادت پدرانشان است و ما البته نصیب آنها را بطور کامل میدهیم (۱۰۹)

و البته ما آن کتاب را به موسی دادیم و در آن اختلاف شد و اگر اینطور نبود که کلمه ای از جانب پروردگارت قبلاً صادر شده بود، حتماً فرمان نابودی شان میرسید. و آنها البته درباره آن در شکی بزرگ هستند (۱۱۰)

و البته پروردگارت سزای اعمال همه آنها را بطور کامل میدهد زیرا که از اعمالشان با خبر است (۱۱۱)

پس چنانکه مأمورهستی استقامت کن و کسانی که با تو بسوی خدا بازگشته اند را نیز به استقامت وادار،

و ای مردم! شما نیز سرکشی مکنید که خداوند به اعمال شما بیناست (۱۱۲)

و بسوی ظالمان حتی اندکی نیز متمایل مشوید که آتش به شما میرسد و جز خدا دوستانی نخواهید داشت و در آنصورت از جانب خدا یاری هم نمیشوید (۱۱۳)

ای پیامبر! نماز را در دو طرف روز و پاسی از شب بپا دار. البته نیکی ها بدی ها را نابود می کند. این پندی است برای کسانی که اهل تذکرند (۱۱۴)

و پایداری کن و خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی کند (۱۱۵)

پس چرا از قرون قبل از شما خیر اندیشانی نبودند که از فساد در زمین نهی کنند؟ مگر عده کمی که نجاتشان دادیم؟ و مردم ظالمان را در خوشگذرانیهای آنها پیروی کردند و گناهکار شدند (۱۱۶)

و پروردگارت اینطور نیست که شهرها را به ظلم هلاک کند در حالیکه آنها اصلاحگرند (۱۱۷)

و اگر پروردگارت میخواست، همه مردم را یکجور قرار میداد ولی پیوسته در اختلاف خواهند بود (۱۱۸) مگر کسی که پروردگارت رحمش کند و برای همین هم خلقشان کرده و کلمه پروردگارت تمامیت یافت به اینکه جهنم را از همگی گناهکاران جن و انس پر خواهد کرد (۱۱۹)

ای پیامبر! کلاً از اخبار پیامبران برایت نقل میکنیم تا دلت بوسیله آن آرام شود و در این سوره حق و موعظه و پندی برای مومنان است (۱۲۰)
و به بی ایمان ها بگو هر چه میتوانید انجام دهید که ما نیز کار خویش میکنیم (۱۲۱)
و منتظر باشید که ما نیز منتظریم (۱۲۲)
و علم نهانی های آسمان ها و زمین از آن خداست و همه امور به سوی او باز میگردد.

پس ای پیامبر و ای مومنان بر او توکل و او را عبادت کنید و پروردگارتان از آنچه انجام میدهید غافل نیست (۱۲۳)

سوره شعراء

﴿ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ﴾

طسم ﴿۱﴾ تِلْكَ آيَاتِ الْكِتَابِ الْمُبِينِ ﴿۲﴾ لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَّفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ ﴿۳﴾ إِنَّ نَسْأًا نُنزِلُ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَافُهُمْ هَا خَاصِعِينَ ﴿۴﴾ وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ ذِكْرِ مِنَ الرَّحْمٰنِ تُحَدِّثُ إِلَّا كَانُوا عَنْهُ مُعْرِضِينَ ﴿۵﴾ فَقَدْ كَذَّبُوا فَسَيَأْتِيهِمْ أَنْبَاءٌ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ﴿۶﴾ أَوْ لَمْ يَرَوْا إِلَى الْأَرْضِ كَمْ أَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ ﴿۷﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿۸﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿۹﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یعنی «درس» سوره)، برای کل ۱۱۴ سوره قرآن، در کتاب «خودآموز تفسیر قرآن» (از همین قلم) وجود دارد، و خود کتاب مذکور را میتوانید در سایت (<https://tafsir.ganjei.com>) بیابید، و البته مبانی این موضوع نیز در ۱۶۰ صفحه اول کتاب «علوم قرآنی» (موجود در همان سایت) شرح داده شده است. و در مورد این سوره، عصاره محتوا، همان است که ذیلا دیده میشود.

درس: چگونه خداوند پیامبران را موفق و تکذیب کنندگان آنان را نابود می کند. برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:
درب: ای پیامبر صبر کن اوضاع مطلوب خواهد شد.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

طسم ﴿۱﴾ تِلْكَ آيَاتِ الْكِتَابِ الْمُبِينِ ﴿۲﴾

ریزدرب: ای پیامبر! همین قرآن زمینه ساز توفیقت و نابودی مساعی مکذبانان خواهد بود.

۲

لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَّفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ ﴿۳﴾ إِنَّ نَسْأًا نُنزِلُ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَافُهُمْ هَا

حَاضِعِينَ ﴿٤﴾

ریزدرب: ای پیامبر! راحت باش، ما قادریم آنها را با معجزات به ایمان وادار سازیم، ولی روش ما این نیست.

۳

وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ ذِكْرِ مِنَ الرَّحْمَنِ مُحَدَّثٍ إِلَّا كَانُوا عَنْهُ مُعْرِضِينَ ﴿٥﴾ فَقَدْ كَذَّبُوا فَسَيَأْتِيهِمْ أَنْبَاءٌ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ﴿٦﴾

ریزدرب: ای پیامبر! گرچه اینان رویگردان هر پندی هستند ولی دل خوش دار که بزودی اوضاع در جهت مطلوب تو تغییر میکند.

۴

أُولَئِكَ يَرْوُوا إِلَى الْأَرْضِ كَمَا أَنْبَأْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ ﴿٧﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٨﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿٩﴾

ریزدرب: ای پیامبر! بزودی با «رویش»ی مواجه خواهی بود که اوضاع را بهبود خواهد داد.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لَبَّ مَطْلَب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳ - سوالات

- ۱ - در این پاراگراف (آیات ۱ تا ۹) چه عاملی را علت عمده تکذیب پیامبر (ص) بر شمرده؟ (غفلت از نعمت های الهی؟ غفلت از عزیز و رحیم بودن خداوند؟ یا...؟)
- ۲ - حالت کلی این پاراگراف چگونه است؟ (امید بخش؟ یا...؟)
- ۳ - در آیه ۶، منظور از چه نوع خبر هایی است؟

۴ - در آیه ۷ چرا فقط به یک نوع نعمت بسنده نموده؟ یعنی اینکه چرا ذکر این نوع نعمت را ترجیح داده؟

۴ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

اگر با توجه به لیست ترتیب نزول، نگاهی گذرا به آنچه از قرآن کریم تاکنون نازل شده داشته باشیم متوجه می‌شویم که:

۱- پیامبر خیلی برای ایمان‌آوری مردم آن زمان زحمت می‌کشیدند اما می‌دیدند پیشرفت کم است و از این موضوع بسیار ناراحت بودند.

۲- معارف الهی آنقدر به آن مردم رسیده بود که اگر بخواهند بتوانند راه صحیح را انتخاب کنند.

۳- اما علیرغم دو عنصر فوق، جو غالب، جو رویگردانی و تکذیب بود.

البته مشکل اصلی پیامبر(ص) «سران» مخالفان او بودند و گرنه مردم عادی، چنان که در روز فتح مکه دیده شد، دستجمعی ایمان آوردند زیرا در آن روز «رفع مانع» شده بود و «سران» تسلیم شده بودند و مردم عادی، البته، چندان شخصیت محکمی نداشتند که در مقابل «سران» بایستند.

از آیه ۳ فهمیده میشود آنحضرت با تمام وجود درگیر رسالتش بوده و بی توجهی و بی اعتنائی و رویگردانی مخاطبان موجب ناراحتی شدیدشان میشده، لذا در آیه های ۴ و ۵ خداوند دلداریش میدهد که اعراض آنها چندان اهمیت ندارد.

۵ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه ۱ که از حروف مقطعه است، هنوز هم معنای مقبولی برای آنها ارائه نشده و لذا در این ۱۴۰۰ سال فوق ذهنیات مخاطب ها بوده، چه رسد به مخاطب های اولیه!

۶ - زاویه با تفاسیر رایج

۱: (المیزان) : و این سوره هم از سوره‌های اولی است که در مکه و قبل از هجرت نازل شده

این سوره به دلیل محتوایش نمیتواند از «سوره های اولی» باشد، و با توجه به محتوایش متناسب است با اوضاع و احوال اواخر دهه اول بعثت. (ر.ک. کتاب ترتیب نزول ما در سایت)

۷ - پیشگوئی های تحقق یافته

در آیات ۳ تا ۶ علاوه بر تأیید لزوم ادامه وحی (که تلویحا حاوی وعده موفقیت آنحضرت است) با ذکر کلمه «فسیاتیم» صراحتاً وعده میدهد که فعالان مخالفان آنحضرت (بزودی «خبرهایی») - از موفقیت آنحضرت را دریافت خواهند کرد. آیه ۶ که حاوی یک پیشگوئی می باشد، با توجه به واقعیات بعدی تاریخی، چون محقق شده، در عداد معجزات تاریخی می باشد. گرچه غیر از آیه ۶ کل این سوره نیز وعده و پیشگوئی است اما آیه ۶ در این معنی کاملاً صریح است.

۸ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

در این پاراگراف آیاتی وجود دارد که برخی از فقرات آنها در سوره های قبلی (قبل و بعد نسبت به این سوره و بر اساس جدول ترتیب نزول ما) آمده، اما با تفاوت در لغت و الفاظ، لذا اگر بگوئیم قبلاً نیامده، ناصحیح است، و اگر بگوئیم آمده، باز هم ناصحیح است، از جمله این نوع آیات، آیه های ۶ تا ۲۶ است و بقیه آیات پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلید های تفسیری

آیه ۳ در جهت دلداری پیامبر(ص) است و اگر محتوا را در نظر بگیریم تشخیص خواهیم داد که آیه ۴ فرع بر آن است. به همین روش می فهمیم که آیه ۶ نیز فرع بر آیه ۵ است. نیز آیه ۷ فرع بر مجموع دو آیه قبل از خویش است. دو آیه ۸ و ۹ اصطلاحاً «ترجیع بند» است و در انتهای هر پاراگراف تکرار می شود و لذا نمی تواند فرعی باشد.

لذا آیات اصلی این پاراگراف عبارت است از ۱ و ۲ و ۳ و ۵ و ۷ و ۸ و ۹.

استخراج لبّ مطلب :

چون آیات اصلی پاراگراف زیاد است و تشخیص آیات پرنانتری چندان کمی نکرد، چاره - ای نمی ماند مگر اینکه برای استخراج لبّ مطلب روی تک تک آیات اصلی متمرکز شویم تا بتوانیم به یک جمع بندی برسیم:

آیه ۱: حروف مقطعه.

آیه ۲: توصیف قرآن.

آیه ۳: دلداری پیامبر که از ایمان نیاوردن مردم آنقدرها ناراحت نباشد (آیه ۴ فرع بر این آیه است)

آیه ۵: نکوهش کافران که راجع به هر پند تازه از جانب خداوند رویگردانی می‌کنند (آیه ۶ فرع بر این آیه است)

آیه ۷: ذکر نعمت.

آیه ۸: نکوهش کافران که نشانه الهی را نمی‌بینید و ایمان نمی‌آورند.

آیه ۹: ذکر دو صفت برجسته الهی: عزت و رحمت.

حروف مقطعه با محتوای هر سوره تناسبی دارد و طبعاً نسبت آن به توصیف قرآن مثل نسبت خاص است به عام و لذا در این جا می‌توانیم آن را در «ضمن» آیه ۲ ببینیم.

نکوهش کافران نیز با دلداری پیامبر قابل جمع است زیرا پیامبر حق است و کافران ناحق و نکوهش ناحق، دلداری پیامبر حق است.

بنابراین تمرکز فوق را می‌توانیم اینطور هم ببینیم:

توصیف قرآن $2 \times$

دلداری پیامبر $3 \times$

ذکر دو صفت برجسته الهی: عزت و رحمت.

چنانکه دیده میشود دلداری پیامبر بیشترین حجم را دارد و اگر آن را محور بگیریم می‌بینیم دو عنصر دیگر نیز با آن جور است زیرا به او گفته می‌شود چنین قرآنی به تو داده‌ایم و پروردگارت هم دست‌نیافتنی و نسبت به تو بسیار مهربان است.

با این تفصیلات به وضوح معلوم می‌شود که لبّ مطلب این پاراگراف دلداری پیامبر (ص) است.

حالا این استخراج را تست می‌کنیم ببینیم چه جواب می‌دهد؟

آیه ۲: ای پیامبر! چنین قرآنی را به تو وحی کرده‌ایم (حاوی دلداری هست)

آیه ۳: ای پیامبر! این قدر ناراحت نباش که ایمان نمی‌آورند (این هم حاوی دلداری هست)

آیه ۴: ای پیامبر! در مهلت دادن به آنها حکمتی هست (حاوی دلداری)

آیه ۵: ای پیامبر! اینها که ایمان نمی‌آورند عیب از خودشان است (این نیز حاوی دلداری هست)

آیه ۶: شبیه آیه ۵.

آیه ۷: آنها که این آیات واضح را نمی‌بینند ایرادی در خودشان دارند (این هم از نوع نکوهش است و طبق آیه‌های ۵ و ۶ حاوی دلداری است)

آیه ۸: آنها نمی‌توانند چنین نشانه‌ای را تشخیص بدهند و ایمان بیاورند (این نیز نکوهش است و طبق آیه‌های ۵ و ۶ حاوی دلداری است)
آیه ۹: پشتیبانان کسی دست‌نیافتی است که ضمناً نسبت به تو بسیار هم مهربان است (این نیز به وضوح حاوی دلداری است)
همه این مطالب را اگر خلاصه کنیم، می‌توان گفت که لبّ مطلب این پاراگراف این است: «دلداری به پیامبر(ص)»

ترجیع‌بند

در این سوره پس از پایان هر پاراگراف، دو آیه مانند آیه‌های ۸ و ۹ دائماً تکرار می‌شود و اگر دقت شود ملاحظه خواهد شد که در سرگذشت اقوام قبلی، آیه و نشانه و عبرتی را نشان می‌دهد و برای پروردگار، علاوه بر مهربانی، روی عزت آن حضرت تأکید دارد که به معنی قوی بودن و قدرتمند بودن و دست‌نیافتنی بودن است و این تکیه و تأکید و تکرار، قاعداً باید برای این باشد که به آنحضرت دلگرمی دهد که پروردگارت میتواند مسائل و مشکلات تو را حل کند و تو نگران نباش و بگذار پروردگارت مطابق حکمت و مصلحت خویش کارها را پیش ببرد.

معجزه ای که نتوان ردّش کرد

آیه ۴ موضوع تیتیر فوق را رد میکند و میگوید روش خداوند این نیست که مانند آنچه که حضرت موسی را کمک میکرد (یعنی به روش ارائه معجزات سنگین) این پیامبر (ص) را کمک کند.
واقعیت این است که حتی آن معجزات سنگین هم وقتی که طرف مقابل عمد و اصرار بر کفر دارد چندان موثر نیست، چنانکه در مورد قوم فرعون نیز موثر نشد و آنها آنقدر لجاجت کردند تا اینکه بالاخره گرفتار هلاکت جمعی شدند.

چرا در میان پدیده‌های طبیعی به رویش نباتی استشهاد شده؟

در آیه ۷ نکته لطیفی هست، و آنهم این است که به عنوان راه برون رفت از مشکلات آن روزهای رسالت، مژده ای تلویحی به آنحضرت داده که در اثر صبر و پایداری تو «رویش» از طریق ایمان آوری مومنانی جدید حادث خواهد شد که کلا فضای اجتماعی را به نفع رسالت تو تغییر خواهد داد. البته چنان هم شد.

ترجمه تفسیری آزاد

بسم الله الرحمن الرحيم

طسم (۱)

این آیات آن کتاب آشکار است (۲)

ای پیامبر! شاید میخواهی خودت را هلاک کنی که آنان ایمان نمی آورند (۳)
به خویش سخت نگیر! زیرا اگر بخواهیم میتوانیم از آسمان معجزه ای بر آنان نازل کنیم تا
گردنهایشان در مقابلش خاضع شود (۴)

و سران این کفار چنانند که هیچ پند تازه ای از جانب خداوند رحمان بسویشان نمی آید مگر
آنکه از آن رویگردانند (۵) و تکذیب میکنند و البته بزودی اخبار آنچه که مسخره اش میکنند
بسویشان خواهد آمد (۶)

آیا به زمین نمی نگرند که نعمتها را ببینند؟ از جمله اینکه چه بسیار از گیاهان ارزشمند از هر
گونه ای در آن رویاندیم (۷) البته در این نشانه ای است و اکثرشان مومن نیستند (۸) و البته
پروردگارت آن پیروزمند مهربان است (۹)

شعراء ٢ آيات ٦٨ تا ١٠

وَإِذْ نَادَى رَبُّكَ مُوسَىٰ أَنِ انْتِ الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿١٠﴾ قَوْمَ فِرْعَوْنَ أَلَا يَتَّقُونَ ﴿١١﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي أَخَافُ أَن يُكَذِّبُونِ ﴿١٢﴾ وَيَضْمِقُ صَدْرِي وَلَا يَتَطَلَّقُ لِسَانِي فَأَرْسِلْ إِلَىٰ هَارُونَ ﴿١٣﴾ وَهُمْ عَلَيَّ ذُنُوبٌ فَأَخَافُ أَن يَقْتُلُونِ ﴿١٤﴾ قَالَ كَلَّا فَادْهَبْ بِآيَاتِنَا إِنَّا مَعَكُمْ مُسْتَمِعُونَ ﴿١٥﴾ فَأَتَيْنَا فِرْعَوْنَ فَقُولَا إِنَّا رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٦﴾ أَن أَرْسِلَ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿١٧﴾ قَالَ أَلَمْ تُرَبِّتْ فِيْنَا وَلِيدًا وَلَبِثْتَ فِيْنَا مِنْ عُمُرِكَ سِنِينَ ﴿١٨﴾ وَفَعَلْتَ فَعَلْتِكَ الَّتِي فَعَلْتَ وَأَنْتَ مِنَ الْكَافِرِينَ ﴿١٩﴾ قَالَ فَعَلْنَاهَا إِذَا وَأَنَا مِنَ الضَّالِّينَ ﴿٢٠﴾ فَفَرَرْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُمْكُمْ فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿٢١﴾ وَتِلْكَ نِعْمَةٌ تَمُنُّهَا عَلَيَّ أَنْ عَبَّدتَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿٢٢﴾ قَالَ فِرْعَوْنُ وَمَا رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿٢٣﴾ قَالَ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنْ كُنْتُمْ مُوقِنِينَ ﴿٢٤﴾ قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْتَمِعُونَ ﴿٢٥﴾ قَالَ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأُولِينَ ﴿٢٦﴾ قَالَ إِنَّ رَسُولَكُمْ الَّذِي أُرْسِلَ إِلَيْكُمْ لَمَخْنُونٌ ﴿٢٧﴾ قَالَ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٢٨﴾ قَالَ لَنْ نَأْخُذَ بِهَا غَيْرِي لِأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُورِينَ ﴿٢٩﴾ قَالَ أَوْلُو جِنَّتِكَ بِشَيْءٍ مُبِينٍ ﴿٣٠﴾ قَالَ فَأْتِ بِهِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿٣١﴾ فَأَلْقَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُبِينٌ ﴿٣٢﴾ وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّاطِرِينَ ﴿٣٣﴾ قَالَ لِلنَّمْلِ حَوْلَهُ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ ﴿٣٤﴾ يُرِيدُ أَن يُخْرِجَكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ ﴿٣٥﴾ قَالُوا أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَأَبْعَثْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ ﴿٣٦﴾ يَا نُوحُ كُلِّ سَحَابٍ عَلِيمٍ ﴿٣٧﴾ فَجَمَعَ السَّحْرَةَ لِمِيقَاتِ يَوْمٍ مَعْلُومٍ ﴿٣٨﴾ وَقِيلَ لِلنَّاسِ هَلْ أَنْتُمْ مُجْتَمِعُونَ ﴿٣٩﴾ لَعَلَّنَا نَتَّبِعُ السَّحْرَةَ إِنْ كَانُوا هُمْ الْعَالِينَ ﴿٤٠﴾ فَلَمَّا جَاءَ السَّحْرَةُ قَالُوا لِفِرْعَوْنَ أَتَيْتُنَا لَنَا لَأَجْرًا إِنْ كُنَّا نَحْنُ الْعَالِينَ ﴿٤١﴾ قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ إِذَا لَمِنَ الْمَقْرَبِينَ ﴿٤٢﴾ قَالَ هُمْ مُوسَىٰ الْقَوَا مَا أَنْتُمْ مُلْقُونَ ﴿٤٣﴾ فَأَلْقُوا جِبَاهَهُمْ وَعَصِيَّهُمْ وَقَالُوا بِعِزَّةِ فِرْعَوْنَ إِنَّا لَنَحْنُ الْعَالُونَ ﴿٤٤﴾ فَأَلْقَى مُوسَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ ﴿٤٥﴾ فَأَلْقَى السَّحْرَةَ سَاجِدِينَ ﴿٤٦﴾ قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٤٧﴾ رَبِّ مُوسَىٰ وَهَارُونَ ﴿٤٨﴾ قَالَ آمَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرِكُمْ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَسَوْفَ تَعْلَمُونَ لَأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ وَلَا صَلْبَتِكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٤٩﴾ قَالُوا لَا ضَيْرَ إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا مُقْبِلُونَ ﴿٥٠﴾ إِنَّا نَطْمَعُ أَن يَغْفِرَ لَنَا رِئسًا خَطِيئَاتِنَا إِنَّ كُنَّا أَوَّلَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٥١﴾ وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَن أَسْرِ بِعِبَادِي إِنَّكُمْ مُتَّبَعُونَ ﴿٥٢﴾ فَأَرْسَلَ فِرْعَوْنُ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ ﴿٥٣﴾ إِنَّ هَؤُلَاءِ لَشِرْذِمَةٌ قَلِيلُونَ ﴿٥٤﴾ وَإِنَّهُمْ لَنَا لَغَاظُونَ ﴿٥٥﴾ وَإِنَّا لَجَمِيعٌ حَادِرُونَ ﴿٥٦﴾ فَأَخْرَجْنَاهُمْ مِنْ جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿٥٧﴾ وَكُنُوزٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ ﴿٥٨﴾ كَذَلِكَ وَأَوْزَيْنَاهَا بَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿٥٩﴾ فَأَتَبَعُوهُمْ مُشْرِقِينَ ﴿٦٠﴾ فَلَمَّا تَرَاءَى الْجَمْعَانِ قَالَ أَصْحَابُ مُوسَىٰ إِنَّا

لَمَذْرُكُونَ ﴿٦١﴾ قَالَ كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ ﴿٦٢﴾ فَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ
 الْبَحْرَ فَانْفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فَرَقٍ كَالطُّوْدِ الْعَظِيمِ ﴿٦٣﴾ وَأَرْزَلْنَا تَمَّ الْآخِرِينَ ﴿٦٤﴾ وَأَنْجَيْنَا مُوسَى
 وَمَنْ مَعَهُ أَجْمَعِينَ ﴿٦٥﴾ تَمَّ أَعْرَفْنَا الْآخِرِينَ ﴿٦٦﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ
 ﴿٦٧﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿٦٨﴾

پیش تفسیر

۱- استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
 طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه
 کرده ایم که مطابق ذیل است:

درس: چگونه خداوند پیامبران را موفق و تکذیب کنندگان آنان را نابود می‌کند.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: ای پیامبر دشمنان تو از فرعون قوی تر نیستند صبر کن موفق خواهی شد.

۲- استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

چنانکه تاکنون دیده اید، در هر پاراگراف تفسیری، عصاره محتوای پاراگراف را از
 یک «راه دوم» نیز استخراج می‌کردیم، که معمولاً دیده میشد مطابقت معنا داری با
 استخراج از راه اول داشت.

اما، در پاراگراف هائی که کاملاً «داستانی» است، ضرورتی در این کار احساس
 نمیشود، زیرا فهم پاراگراف های داستانی بسیار آسانتر است، و چون ما اهل صفحه
 زیاد کردن نیستیم، و با توجه به کیفیت خوانندگان مان رعایت اختصار را ترجیح
 میدهیم، در این نوع پاراگراف ها از آن صرفنظر میکنیم.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ می فرماید: ای پیامبر! از رفتارهای مکذبانان این مردم دلگیرمباش و کار
 رسالت را با قوت پی بگیر .

در این پاراگراف می فرماید: ای پیامبر! تکذیبگرانت از فرعون مهمتر نیستند. اگر لازم
 باشد حتی به روش خارق العاده موفقیت میکنیم.

۴ - سوالات

- ۱ - منظور از مطالب آیه ۵۹ چیست؟
- ۲- از مطالب این پاراگراف چه «حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها» میتوان زد؟

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

این پاراگراف نشاندهنده مقابله ای نابرابر است. یکطرف موسی است بدون هیچ امکاناتی غیر از رسالت و بیان و یک خواسته بزرگ که به نظر غیر قابل قبول می آید، طرف دیگر یک دستگاه حکومتی قوی است با امکانات کامل.

برای حدس زدن موقعیت آنحضرت باید این پاراگراف را بخوبی تحلیل کنیم: بطور کلی میتوان گفت از آنجا که پاراگراف در مقام «دلدار» دادن است، میخواهد بگوید ای پیامبر کار تو که از کار موسی مشکل تر نیست، برو جلو، یاری مورد نیازت به وقتش میرسد.

یعنی موقعیت آنحضرت در میان قوم بالاتر از موقعیت موسی در مقابل فرعونیان بود، و خواسته آنحضرت نیز از قومش کوچکتر از خواسته موسی از فرعونیان بود.

۶ - پیشگویی های تحقق یافته

در آیات ۱۲ تا ۶۷ با ذکر موفقیت حضرت موسی تلویحا به آنحضرت نیز وعده موفقیت میدهد، که این یک پیشگویی تحقق یافته است.

۷ - در این پاراگراف، کدام فقرات، فوق ذهنیات معاصران نزول است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه های ۱۰ تا ۶۸ از این لحاظ که مربوط به اقوامی است که هزاران سال از ما دور بوده اند، و علم باستان شناسی آنقدر رشد نکرده که ما از اوضاع و احوال آنها بطور مکفی مطلع باشیم، برای ما نیز روشن نیست، چه رسد به مخاطبان اولیه این آیات.

۸ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره ها، تقریبا تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

بحث متنی

آیه های ۵۷ تا ۵۹ (پرانتری) هستند، دلیلش هم این است که اگر چشم بر آنها بسته و قبل و بعدشان را وصلکنیم خواهیم دید روال سخن صاف و یکدست خواهد شد.

دریافت های مستقیم و کوتاه

این مطالب حاوی عناصر جدیدی نسبت به سوره های قبلی می باشد که جهت نظم بیشتر در درک، در لیست ذیل مرتب شده است:

۱ - حضرت موسی در کودکی نزد خانواده فرعون بزرگ شد و در جوانی کاری کرد که به نظر آنها گناه بزرگی بود و خواستند مجازاتش کنند که از آنها فرار کرد اما چون شخص شایسته ای بود خداوند به او مقام پیامبری داد (آیات ۱۸ تا ۲۲)

۲ - از لحاظ اعتقادی، فرعونیان بین پروردگاری آسمان و زمین و آنچه بین آنهاست منافات قائل بودند یعنی پروردگاری آسمانها را جدا حساب می کردند (آیه های ۲۴ و ۲۵)

۳ - همچنین از لحاظ آنها اینکه پروردگار فوق، پروردگار آدمیان نیز باشد کاملاً غیرقابل قبول بود (آیه های ۲۸ و ۲۹)

۴ - و نیز از نظر آنها فرعون یا خود «اله» بود یا قائم مقام اله (در مورد پرستش) (آیه های ۲۸ و ۲۹)

۵ - از نظر حکومتی، یک پادشاه (فرعون) و یک نوع «مجلس» وجود داشت (آیات ۳۴ تا ۳۷)

۶ - تمدن آن روز فرعونیان بزرگ، و قدرت حکومتی او زیاد و نافذ بود (آیه های ۳۶ و ۳۸)

۷ - فرعون با تمام مردم خویش صداقت نداشت (مانند تقریباً همه حکومتها) (آیات ۴۰ تا ۴۴)

۸ - فرعون به نتایج قول و قرار خویش پای بند نبود (آیه ۴۹)

۹ - تفتیش عقاید چیز تازه ای نیست و سابقه اش به حکومت فرعون هم می رسد (آیه ۴۹)

۱۰ - شهرهای حکومت فرعون بهم نزدیک بود (آیه ۵۳)

ترجمه تفسیری آزاد

و هنگامیکه پروردگارت موسی را ندا داد که بسوی قوم ظالمان برو (۱۰) سوی قوم فرعون، و به آنها بگو آیا پروا نمی کنید؟ (۱۱) گفت پروردگارا میتروسم تکذیبم کنند (۱۲) و دلم تنگ میشود و زبانم گشاده نیست پس وحی را بسوی هارون بفرست (۱۳) و بنظر آنها من نزدشان گناهی دارم و میتروسم مرا بکشند (۱۴) گفت هرگز! شما دو نفر با آیاتم بروید. ما با شمائیم و متوجهیم (۱۵) و بسوی فرعون بروید و بگوئید ما فرستاده پروردگار جهانیانیم (۱۶) که بنی اسرائیل را همراهمان بفرست (۱۷)

آنها همانطور که مامور شده بودند رفتند و موضوع ماموریتشان را برای فرعون شرح دادند و فرعون به موسی گفت آیا وقتی که نوزاد بودی در میان خویش پرورش ندادیم؟ و سالهائی از عمر خویش را در میان ما نگذراندی؟ (۱۸) اما تو در عوض، آن کار زشت را کردی و از کافران شدی (۱۹) گفت آن کار را در زمانی کردم که به حق نرسیده بودم (۲۰) و از شما ترسیدم و فرار کردم اما پروردگارم بمن لطف کرد و مرا حکم داد و از فرستادگان قرارم داد (۲۱) و تازه، مگر این نعمتی است که بنی اسرائیل را به بردگی گرفته ای و منتش را بر من میگذاری؟ (۲۲)

فرعون گفت پروردگار جهانیان چیست؟ (۲۳) گفت پروردگار آسمانها و زمین و آنچه بین آنهاست اگر یقین داشته باشید (۲۴) فرعون به اطرافیانش رو کرد و گفت نمی شنوید؟ (۲۵) موسی ادامه داد: پروردگار شما و پروردگار نیاکانتان (۲۶) فرعون گفت پیغمبرتان که بسویتان گسیل شده دیوانه است (۲۷) موسی ادامه داد: پروردگار مشرق و مغرب و بین آنها اگر تعقل کنید (۲۸) فرعون گفت اگر معبودی غیر از من اتخاذ کنی حتما زندانیت میکنم (۲۹) گفت حتی اگر یک چیز آشکار برایت آورده باشم؟ (۳۰) گفت بیاورش اگر راست میگویی (۳۱) پس عصایش را انداخت و آن فوراً ازدهایی آشکار شد (۳۲) و دستش را از گریبانش بیرون آورد پس فوراً برای ناظران سفید و درخشان شد (۳۳)

فرعون به بزرگان اطرافیانش گفت این یک جادوگر متخصص است (۳۴) میخواهد شما

را با جادویش از سرزمین تان بیرون کند پس چه میفرمایید؟ (۳۵) گفتند او و برادرش را نگهدار و ماموران جمع آوری به شهرها بفرست (۳۶) تا همه جادوگران متخصص را بسوی تو بیاورند (۳۷) چیزی نگذشت که آن جادوگران را در موعدی معین گرد آوردند و مردم هم به تماشا جمع شدند (۳۸) فرعون به مردم گفت اینک که اجتماع کرده اید (۳۹) شاید جادوگران را پیروی کنیم اگر غالب شوند (۴۰) چون جادوگران آمدند، به فرعون گفتند آیا پاداشی هم خواهیم گرفت اگر غالب شدیم؟ (۴۱) گفت بله. و در آنصورت از مقربان خواهید شد (۴۲)

موسی به آنان گفت بیاندازید آنچه را که در چننه دارید (۴۳) پس طنابها و چوبهای خویش را انداختند و گفتند به عزت فرعون حتما خودمان غالبیم (۴۴) پس موسی عصای خویش را انداخت و در دم همه آنچه را که به دروغ ساخته بودند بلعید (۴۵) پس جادوگران به سجده افتادند (۴۶) و گفتند به پروردگار جهانیان ایمان آورديم (۴۷) پروردگار موسی و هارون (۴۸) فرعون گفت آیا قبل از اینکه اجازه تان دهم ایمان آوردید؟ حتما او بزرگ شماست که جادو را یادتان داده پس بزودی خواهید دانست. دست و پایتان را به خلاف یکدیگر قطع خواهیم کرد و البته همه تان را به دار خواهیم کشید (۴۹) گفتند مهم نیست زیرا که ما بسوی پروردگارمان روی آورده ایم (۵۰) امیدواریم پروردگارمان خطاهایمان را ببخشد، به این جهت که ما اولین مومنانیم (۵۱)

و به موسی وحی کردیم که بندگانش را شبانه ببر زیرا که تعقیب خواهید شد (۵۲) آنگاه فرعون ماموران جمع آوری را به شهرها فرستاد (۵۳) که اینها گروهی کم جمعیتند (۵۴) که ما را به به خشم آورده اند (۵۵) و ما انبوهی مسلحیم (۵۶)

اینطور بود که فرعونیان را از باغستانها و چشمه سارها (۵۷) و از گنج ها و جایگاههای نیکو (۵۸) بیرون کردیم و آنها را به بنی اسرائیل دادیم (۵۹)

فرعونیان صبحگاهان دنبالشان کردند (۶۰) و هنگامیکه دو گروه یکدیگر را دیدند همراهان موسی گفتند گیر افتادیم (۶۱) گفت هرگز! پروردگارم با من است و بزودی هدایتم میکند (۶۲) و به موسی وحی کردیم که با عصایت به دریا بزنی. پس بشکافت و هر بخشی چون کوهی بزرگ شد (۶۳) و دیگران را به آنجا نزدیک کردیم (۶۴) و موسی و همراهانش همگی را نجات دادیم (۶۵) و دیگران را غرق کردیم (۶۶) البته

در این نشانه ای است و اکثرشان مومن نیستند (۶۷) و البته پروردگار تو پیروزمند
مهربان است (۶۸)

شعراء ۳ آیات ۶۹ تا ۱۰۴

وَأَنْتَ عَلَيْهِمْ نَبَأٌ إِبْرَاهِيمَ ﴿٦٩﴾ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا تَعْبُدُونَ ﴿٧٠﴾ قَالُوا نَعْبُدُ أَصْنَامًا فَنَنْتَظِلُ لَهَا عَافِيَةً ﴿٧١﴾ قَالَ هَلْ يَسْمَعُونَكُمْ إِذْ تَدْعُونَ ﴿٧٢﴾ أَوْ يَنْفَعُونَكُمْ أَوْ يَضُرُّونَ ﴿٧٣﴾ قَالُوا بَلْ وَجَدْنَا آبَاءَنَا كَذَلِكَ يَفْعَلُونَ ﴿٧٤﴾ قَالَ أَفَرَأَيْتُمْ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ ﴿٧٥﴾ أَنْتُمْ وَأَبَاؤُكُمْ الْأَقْدَمُونَ ﴿٧٦﴾ فَإِنَّهُمْ عَدُوٌّ لِي إِلَّا رَبَّ الْعَالَمِينَ ﴿٧٧﴾ الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يُهْدِينِ ﴿٧٨﴾ وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ ﴿٧٩﴾ وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ ﴿٨٠﴾ وَالَّذِي يُبْتِئُ بِي ثُمَّ يُخَيِّبُنِي ﴿٨١﴾ وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ ﴿٨٢﴾ رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ ﴿٨٣﴾ وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ ﴿٨٤﴾ وَاجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ ﴿٨٥﴾ وَاعْفُرْ لِأبي إِنَّهُ كَانَ مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿٨٦﴾ وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ يُبْعَثُونَ ﴿٨٧﴾ يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ ﴿٨٨﴾ إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ ﴿٨٩﴾ وَأَزْلَمْتُ الْجَنَّةَ لِلْمُتَّقِينَ ﴿٩٠﴾ وَوُزِرْتُ الْجَحِيمَ لِلْغَاوِينَ ﴿٩١﴾ وَقِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ ﴿٩٢﴾ مِنْ دُونِ اللَّهِ هَلْ يَنْصُرُونَكُمْ أَوْ يَنْتَصِرُونَ ﴿٩٣﴾ فَكَبَّوْا فِيهَا هُمْ وَالْغَاوُونَ ﴿٩٤﴾ وَجَنُودُ إبْلِيسَ أَجْمَعُونَ ﴿٩٥﴾ قَالُوا وَهُمْ فِيهَا يَخْتَصِمُونَ ﴿٩٦﴾ تَاللَّهِ إِنْ كُنَّا لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ﴿٩٧﴾ إِذْ نُسَوِّيكُمْ بِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٩٨﴾ وَمَا أَصَلْنَا إِلَّا الْمُجْرِمُونَ ﴿٩٩﴾ فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ ﴿١٠٠﴾ وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ ﴿١٠١﴾ فَلَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةٌ فَنَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٠٢﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿١٠٣﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿١٠٤﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
 طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:

درس: چگونه خداوند پیامبران را موفق و تکذیب کنندگان آنان را نابود می کند.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: ای مسلمانان! مانند ابراهیم صراحت و ثبات داشته باشید تا موفق شوید.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

چنانکه تاکنون دیده اید، در هر پاراگراف تفسیری، عصاره محتوای پاراگراف را از یک «راه دوم» نیز استخراج می‌کردیم، که معمولاً دیده می‌شد مطابقتِ معنا داری با استخراج از راه اول داشت.

اما، در پاراگراف هائی که کاملاً «داستانی» است، ضرورتی در این کار احساس نمی‌شود، زیرا فهم پاراگراف های داستانی بسیار آسانتر است، و چون ما اهل صفحه زیاد کردن نیستیم، و با توجه به کیفیت خوانندگان مان رعایت اختصار را ترجیح می‌دهیم، در این نوع پاراگراف ها از آن صرف‌نظر می‌کنیم.

۳ - از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ می فرماید: ای پیامبر! از رفتارهای مکذبانان این مردم دلگیرمباش و کار رسالت را با قوت پی بگیر.

در پاراگراف ۲ می فرماید: ای پیامبر! تکذیبگرازان فرعون مهمتر نیستند. اگر لازم باشد حتی به روش خارق العاده موفق می‌کنیم.

در این پاراگراف می فرماید: ای پیامبر! ابراهیم نیز مانند تو بر قومش خروشید و با مخالفت مخاطبانش مواجه بود، اما موفقش نمودیم.

۴ - پیشگویی های تحقق یافته

در آیات ۶۹ تا ۱۰۴ با ذکر موفقیت حضرت ابراهیم تلویحاً به آنحضرت نیز وعده موفقیت میدهد.

۵ - در این پاراگراف، کدام فقرات، فوق ذهنیات معاصران نزول است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه های ۸۷ تا ۱۰۲ «قیامتی» است، و هیچ بنی بشری تجربه اش را ندارد، و قبل از قیامت نخواهد داشت، لذا، چه در آن روزهای نزول وحی و چه الی یوم القیامه بالاتر از ذهنیات بشر خواهد بود.

آیه های ۶۹ تا ۸۶ از این لحاظ که مربوط به اقوامی است که در قبل از تاریخ بوده اند، و علم باستان شناسی آنقدر رشد نکرده که ما از اوضاع و احوال آنها مطلع باشیم، برای ما نیز روشن نیست، چه رسد به مخاطبان اولیه این آیات.

۶ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره ها، تقریباً تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است. البته باید توجه نمود که آیاتی که فوقاً آنها را فرعی ارزیابی کرده ایم، از زبان حضرت ابراهیم (ع) است، و اگر از قول خداوند بود سابقه ای در قبل داشت، لذا آیات مذکور از لحاظ مفهومی مسبوق به سابقه و از لحاظ متنی و حالتی نامسبوق است.

شرح مختصر

عالی ترین درجه رشد شخصیتی

در این پاراگراف، چگونگی انتخاب مسیر صحیح و اعلام عمومی واضح و روشن آن توسط یک فرد، و کناره گیری آشکار او از مسیر غلط همگانی، علیرغم قوت و قدرت صاحبان آن، مطرح می شود.

بریدن یک نفر از قوم و قبیله و اجتماع، در آن روزها، کاری بود دور از تصور و مساوی با مرگ و کمترین مجازاتش بایکوت بود.

اخراج از قوم و قبیله و یا اعدام چنین شخصی، جزء مجازاتهای عادی بود.

حضرت ابراهیم چه چیزی فهمیده بود که چنین مجازاتهای سنگینی را بجان خرید؟ درست است که «خدایان» آنها برای آنها نفع و ضرری نداشتند اما خود پیروان آنها که می توانستند برای آنحضرت خطرناک باشند.

بطور حتم آن حضرت در ایمان خویش چیزی یافته بود که به او این اطمینان خاطر را می داد که لازم نیست از خطر قومش نسبت به خویش بترسد.

چنانکه از متن این پاراگراف فهمیده می شود، او امید اصلیش را به پس از مرگ بسته بود (توجه کنید؛ به آیات ۸۲ تا ۸۵ و ۸۷) و چه بسا خود را برای مرگ هم آماده کرده بود، و نجات خویش از دست آنها، جزء خواسته های مهم او نبود.

قوی ترین محرک

ایمان به آخرت، محرکی است بسیار قوی برای تغییر و اصلاح رفتار آدمی.

و مقدم بر ایمان به آخرت، ایمان به خداوند است (توجه کنید به آیات ۷۸ تا ۸۱) و نیز از این فهمیده می شود ایمان باید مبنای عقلی محکم داشته باشد و تقلیدی نیست (توجه کنید به آیات ۷۲ تا ۷۴)

کارکرد پیامبر اسلام(ص) چقدر موفق بوده است؟

کارکرد پیامبر اسلام (ص) را باید اینطور اندازه‌گیری کرد که آدم معمولی را از کجا تا به کجا رساند؟

آدم معمولی که پیامبر اسلام تحویل گرفت همان بود که درست برعکس حضرت ابراهیم از خودش درک و فهم و اراده‌ای نداشت و چشمش به دهان «سران» دوخته بود.

اگر سران با پیامبر(ص) مخالفت می‌کردند او نیز مخالفت می‌کرد. و اگر سران به پیامبر(ص) تسلیم می‌شدند او نیز تسلیم می‌شد، چنان که در روز فتح مکه گروه گروه مسلمان شدند.

این آدم معمولی چیزی بود که پیامبر اسلام تحویل گرفت.

در این پانزده قرن، اسلام، این آدم معمولی را تغییر داد، بطوریکه آدم معمولی قرن بیست و یکمی به ابراهیم شبیه‌تر شده است، زیرا بجای اینکه او چشم به دهان «سران» دوخته باشد، این «سران» هستند که دنبال او افتاده‌اند.

یکی می‌خواهد به او دروغ بگوید و خود را شایسته‌تر معرفی کند و رأی او را به دست آورد،

یکی می‌خواهد به او دروغ بگوید و کالای خود را بهتر معرفی کند و خرید او را به دست آورد،

و یکی می‌خواهد به او دروغ بگوید و فکر و فلسفه خود را نزد او بهتر جا بزند و پیروی او را به دست آورد و غیره و غیره.

ممکن است بگویند این چه ربطی به اسلام دارد؟ می‌گوییم آدم معمولی زمان نزول قرآن، آن بود و آدم معمولی امروز این است. بین این دو مرحله چه چیز مهم فکری جز اسلام و قرآن بود؟

اگر می‌بینیم غیر مسلمان‌ها در «یک امر وجودی» (مثلاً کرامت انسان، دموکراسی، روش علمی، دقت و تدبر و تعقل) از مسلمانان جلو افتاده‌اند به علت تأثیرپذیری آنها در قرون قبل بود که بذریه‌های چیزی را از مواد فکری مسلمانان گرفتند و در باغچه خویش پرورش دادند و اینک میوه‌های آن را می‌خورند و به ما نیز می‌فروشند. گر چه میوه‌های مذکور نام دیگری داشته باشد.

البته این یک بحث مفصل «تاریخ تمدن»ی دارد که جایش اینجا نیست ولی امروز، روز به روز دارد روشن‌تر می‌شود.

ترجمه تفسیری آزاد

ای پیامبر! خبر ابراهیم را بر آنان بخوان (۶۹) هنگامیکه به پدرش و قومش گفت چه چیزی عبادت می کنید؟ (۷۰) گفتند بتهایی عبادت میکنیم و در خدمتشان معتکفیم (۷۱) گفت آیا هنگامیکه دعایشان میکنید می شنوند؟ (۷۲) یا نفع و ضرری برایتان دارند؟ (۷۳) گفتند پدرانمان را دیدیم که چنین میکردند (۷۴) گفت میدانید آنچه را که میپرستید؟ (۷۵) چه شما و چه نیاکانتان (۷۶) بدانید که آنها را دشمن میدارم مگر پروردگار جهانیان را (۷۷) که مرا آفرید و هدایت کرد (۷۸) و غذا و آبم می دهد (۷۹) و وقتی که مریض شدم شفایم می دهد (۸۰) و مرا میمیراند و سپس زنده ام میکند (۸۱) و امیدوارم خطاهایم را در روز قیامت ببخشد (۸۲) پروردگارا بمن حکم عطا کن و مرا به شایستگان ملحق فرما (۸۳) و برایم در اقوام بعدی نام نیک عطا فرما (۸۴) و مرا از برندگان بهشت پر نعمت کن (۸۵) و پدرم را ببخش که از گمراهان است (۸۶) و روز برانگیختگی خوارم مکن (۸۷) در روزی که نه مال فایده میکند و نه فرزندان (۸۸) مگر کسی که با قلبی سلیم بسوی خداوند آمده باشد (۸۹) و بهشت به اهل تقوی نزدیک میشود (۹۰) و جهنم به کسانی که خودشان را گمراه کرده اند نمایان میگردد (۹۱) و به آنها گفته میشود کجاست آنچه که غیر از خداوند میپرستید؟ (۹۲) آیا یاریتان میکنند؟ یا از شما دفاع میکنند؟ (۹۳) در آن روز به رو در آن عذابگاه انداخته میشوند، هم خودشان و هم کسانی که خودشان خویششان را گمراه کرده اند (۹۴) و تمامی لشکریان ابلیس، نیز (۹۵) و در حالیکه در آنجا با یکدیگر ستیزه میکنند، به معبودان باطل میگویند: (۹۶) بخدا که ما در گمراهی آشکار میبودیم (۹۷) که شما را با پروردگار جهانیان مساوی میگرفتیم (۹۸) و ما را کسی جز بدکاران گمراه نکرد (۹۹) اینک هیچ شفیعی نداریم (۱۰۰) و دوستی مهربان نیز نداریم (۱۰۱) پس اگر فرصت دیگری بیابیم البته از مومنان خواهیم بود (۱۰۲) البته در این آیتی است و اکثرشان مومن نیستند (۱۰۳) و پروردگارت پیروزمند مهربان است (۱۰۴)

شعراء ٤ آيات ١٠٥ تا ١٩١

كذبت قوم نوح المرسلين ﴿١٠٥﴾ إذ قال لهم أحوهم نوح ألا تتقون ﴿١٠٦﴾ إني لكم
رسول أمين ﴿١٠٧﴾ فاتقوا الله وأطيعون ﴿١٠٨﴾ وما أسألكم عليه من أجر إن أجزى إلا
على رب العالمين ﴿١٠٩﴾ فاتقوا الله وأطيعون ﴿١١٠﴾ قالوا أنؤمن لك واتبعك الأزدلون
﴿١١١﴾ قال وما علمي بما كانوا يعملون ﴿١١٢﴾ إن حسابكم إلا على ربِّي لو تشعرون
﴿١١٣﴾ وما أنا بطارد المؤمنين ﴿١١٤﴾ إن أنا إلا نذير مبين ﴿١١٥﴾ قالوا لئن لم تنته يا
نوح لتكونن من المرجمين ﴿١١٦﴾ قال رب إن قومي كذبون ﴿١١٧﴾ فافتح بيني وبينهم
فجًّا ونجني ومن معي من المؤمنين ﴿١١٨﴾ فأجبتاه ومن معه في الفلك المشحون ﴿١١٩﴾
ثم أفرقنا بعد الباقين ﴿١٢٠﴾ إن في ذلك لآية وما كان أكثرهم مؤمنين ﴿١٢١﴾ وإن ربك
هو العزيز الرحيم ﴿١٢٢﴾ كذبت عاد المرسلين ﴿١٢٣﴾ إذ قال لهم أحوهم هوذا ألا تتقون
﴿١٢٤﴾ إني لكم رسول أمين ﴿١٢٥﴾ فاتقوا الله وأطيعون ﴿١٢٦﴾ وما أسألكم عليه من
أجر إن أجزى إلا على رب العالمين ﴿١٢٧﴾ أتنبئون بكل آية تغيبون ﴿١٢٨﴾
وتتخذون مصانع لعلكم تخلدون ﴿١٢٩﴾ وإذا بطشتم بطشتم جبارين ﴿١٣٠﴾ فاتقوا الله
وأطيعون ﴿١٣١﴾ واتقوا الذي أمدكم بما تعلمون ﴿١٣٢﴾ أمدكم بأنعام وبتين ﴿١٣٣﴾
وجنات وغيون ﴿١٣٤﴾ إني أخاف عليكم عذاب يوم عظيم ﴿١٣٥﴾ قالوا سواء علينا
أوعظت أم لم تكن من الواعظين ﴿١٣٦﴾ إن هذا إلا خلق الأولين ﴿١٣٧﴾ وما نحن بمعدين
﴿١٣٨﴾ فكذبوه فاهلكناهم إن في ذلك لآية وما كان أكثرهم مؤمنين ﴿١٣٩﴾ وإن ربك
هو العزيز الرحيم ﴿١٤٠﴾ كذبت ثمود المرسلين ﴿١٤١﴾ إذ قال لهم أحوهم صالح ألا تتقون
﴿١٤٢﴾ إني لكم رسول أمين ﴿١٤٣﴾ فاتقوا الله وأطيعون ﴿١٤٤﴾ وما أسألكم عليه من
أجر إن أجزى إلا على رب العالمين ﴿١٤٥﴾ أتتركون في ما هاهنا آمينين ﴿١٤٦﴾ في جنات
وغيون ﴿١٤٧﴾ ووزوع ونخل طلحها هضيم ﴿١٤٨﴾ وتنحنون من الجبال نبوتًا فارهين
﴿١٤٩﴾ فاتقوا الله وأطيعون ﴿١٥٠﴾ ولا تطيعوا أمر المسرفين ﴿١٥١﴾ اللذين يفسدون
في الأرض ولا يصلحون ﴿١٥٢﴾ قالوا إنما أنت من المسرفين ﴿١٥٣﴾ ما أنت إلا بشر
مثلنا فات بآية إن كنت من الصادقين ﴿١٥٤﴾ قال هذه ناقة لها شرب ولكم شرب يوم معلوم
﴿١٥٥﴾ ولا تمسوها بسوء فيأخذكم عذاب يوم عظيم ﴿١٥٦﴾ فعقرها فأصبحوا نادمين
﴿١٥٧﴾ فأخذهم العذاب إن في ذلك لآية وما كان أكثرهم مؤمنين ﴿١٥٨﴾ وإن ربك هو
العزيز الرحيم ﴿١٥٩﴾ كذبت قوم لوط المرسلين ﴿١٦٠﴾ إذ قال لهم أحوهم لوط ألا
تتقون ﴿١٦١﴾ إني لكم رسول أمين ﴿١٦٢﴾ فاتقوا الله وأطيعون ﴿١٦٣﴾ وما أسألكم
عليه من أجر إن أجزى إلا على رب العالمين ﴿١٦٤﴾ أتأتون الذكران من العالمين ﴿١٦٥﴾

وَتَذَرُونَ مَا خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ ﴿١٦٦﴾ قَالُوا لَنْ نَمُنَّ بِمَا نُنَادِيكُم بِهِ إِنَّكُمْ أَنْتُمْ الْكَاذِبُونَ ﴿١٦٧﴾ قَالُوا لَنْ نَمُنَّ بِمَا نُنَادِيكُم بِهِ إِنَّكُمْ أَنْتُمْ الْكَاذِبُونَ ﴿١٦٨﴾ رَبِّ نَجِّنِي وَأَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ ﴿١٦٩﴾ فَجَعَلْنَاهُمْ وَأَهْلَهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿١٧٠﴾ إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ ﴿١٧١﴾ ثُمَّ دَمَرْنَا الْأَخْرِينَ ﴿١٧٢﴾ وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنْذَرِينَ ﴿١٧٣﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿١٧٤﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿١٧٥﴾ كَذَّبَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٧٦﴾ إِذْ قَالَ لَهُمْ شُعَيْبٌ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٧٧﴾ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿١٧٨﴾ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا أَمْرًا إِلَهِيًّا وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُكَذِّبِينَ ﴿١٧٩﴾ وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٨٠﴾ أَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ ﴿١٨١﴾ وَزِنُوا بِالْقِسْطِاسِ الْمُسْتَقِيمِ ﴿١٨٢﴾ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْنُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ﴿١٨٣﴾ وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالْجِبِلَّ الْأُولَىٰ ﴿١٨٤﴾ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ الْمُسَحَّرِينَ ﴿١٨٥﴾ وَمَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا وَإِنْ نَطَّلُكَ لَئِنْ الْكَادِبِينَ ﴿١٨٦﴾ فَاسْقِطْ عَلَيْنَا كِسْفًا مِنَ السَّمَاءِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿١٨٧﴾ قَالَ رَبِّي أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١٨٨﴾ فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمْ عَذَابٌ يَوْمَ الظُّلَّةِ إِنَّهُ كَانَ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿١٨٩﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿١٩٠﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿١٩١﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم: طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:

درس: چگونه خداوند پیامبران را موفق و تکذیب کنندگان آنان را نابود می کند. برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: ای پیامبر! دشمنان تو نیز مانند اقوام نوح و عاد و ثمود و لوط و مدین از پا در خواهند آمد.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

چنانکه تاکنون دیده اید، در هر پاراگراف تفسیری، عصاره محتوای پاراگراف را از یک «راه دوم» نیز استخراج میکردیم، که معمولاً دیده میشد مطابقت معنا داری با استخراج از راه اول داشت.

اما، در پاراگراف هائی که کاملاً «داستانی» است، ضرورتی در این کار احساس نمیشود، زیرا فهم پاراگراف های داستانی بسیار آسانتر است، و چون ما اهل صفحه زیاد کردن نیستیم، و با توجه به کیفیت خوانندگان مان رعایت اختصار را ترجیح میدهیم، در این نوع پاراگراف ها از آن صرفنظر میکنیم.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ می فرماید: ای پیامبر! از رفتارهای مکذبانان این مردم دلگیرمباش و کار رسالتت را با قوت پی بگیر.

در پاراگراف ۲ می فرماید: ای پیامبر! تکذیبگرازان از فرعون مهمتر نیستند. اگر لازم باشد حتی به روش خارق العاده موفقیت میکنیم.

در پاراگراف ۳ می فرماید: ای پیامبر! ابراهیم نیز مانند تو بر قومش خروشید و با مخالفت مخاطبانش مواجه بود اما بالاخره موفقش نمودیم.

در این پاراگراف می فرماید: ای پیامبر! با قوم تو در صورتی که رفتار ناپسندشان از حد معینی بگذرد مانند مورد عاد و ثمود و لوط و مدین برخورد خواهیم داشت، لذا با اطمینان به کار رسالتت برس.

۴- حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

ظاهراً جامعه مکه آن روزها که مهبط نزول این سوره و سوره های هم محتوا از قبیل سوره هود و سوره های یونس و صافات و اعراف بوده، آلوده به همه آلودگی های اقوام پیشین، از قبیل آریستو کراسی و خشونت و قساوت و تجاوز به اقوام دیگر و انحرافات جنسی و کمفروشی بوده، به عبارت دیگر، قوم معاصر نزول به مقداری آریستوکراسی و مقداری خشونت و سبعت و مقداری انحراف جنسی و مقداری فساد در معاملات آلوده بوده، به علاوه اینکه در انحراف فکری و عقیدتی سر آمد دوران بوده اند زیرا بنا بر اقوال بیش از سیصد بت در کعبه داشته اند.

۵- پیشگوئی های تحقق یافته

در داستان های این پاراگراف با ذکر داستان پنج پیامبر (ع) و ذکر مشکلاتشان و نجات آنها و پیروانشان، در حقیقت پنج بار تلویحاً پیشگوئی موفقیت آنحضرت و عبور از مشکلات رسالتش را برای ایشان پیشگوئی فرموده است.

۶ - در این پاراگراف، کدام فقرات، فوق ذهنیات معاصران نزول است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه های ۱۰۵ تا ۱۹۱ از این لحاظ که مربوط به اقوامی است که در قبل از تاریخ بوده اند، و علم باستان شناسی آنقدر رشد نکرده که ما از اوضاع و احوال آنها مطلع باشیم، برای ما نیز روشن نیست، چه رسد به مخاطبان اولیه این آیات.

۷ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

در این پاراگراف آیاتی وجود دارد که برخی از فقرات آنها در سوره های قبلی (قبل و بعد نسبت به این سوره و بر اساس جدول ترتیب نزول ما) آمده، اما با تفاوت در لغت و الفاظ، لذا اگر بگوئیم قبلاً نیامده، ناصحیح است، و اگر بگوئیم آمده، باز هم ناصحیح است، لذا در باره این نوع پاراگراف ها (که از این پس بازهم خواهیم دید) میتوان چنین گفت که از لحاظ محتوا، اکثر مطالب این پاراگراف مسبوق به سابقه است، اما، قسمتی از هر کدام از داستانهای انبیاء سلف جدید میباشد.

شرح مختصر

ترجیع بند

در ابتدای هر قسمت آمده که فلان قوم پیامبرشان را تکذیب کردند و در انتهای بند هم آمده که در این موضوع یعنی در نجات پیامبرشان و پیروان او و هلاک آن قوم، آیه ای هست و اینکه پروردگارت دست نیافتنی مهربان است. و در متن بند هم شرحی از استدلال های پیامبرشان و دعوت او و شبه استدلال های قوم او و تهدیدشان نسبت به آن پیامبر و پیروانش آمده است.

در این پاراگراف، در تمام بندهای مربوط به پیامبران گذشته، ابتدا و انتهای بند یکسان است و فقط انحرافی که آن قوم بخصوص داشتند متفاوت است. جالب اینکه در هر قومی یک انحراف خاص و متفاوت از دیگران وجود دارد. این نوع بیان به مخاطب کمک می کند که به نوعی استقراء دست یابد.

فهمیدن منظور داستان های قرآنی آسانتر است

موضوع تیتراژ فوق واضح است و شرحی نمیطلبید و لذا ما در پاراگراف های داستانی شرح زیادی لازم نمی بینیم، مگر در برخی موارد استثنائی که وقتی به آن استثنائات رسیدیم اگر عرایض توضیحی لازم بود عرض میکنیم.

مشکل رفتاری قوم نوح (غیر از شرک)

مثلاً در اینجا انحراف قوم نوح، علاوه بر شرک (چنانکه از آیه های ۱۱۱ تا ۱۱۴ فهمیده می شود) تحقیر مؤمنان نیز هست که ناشی از نوعی روحیه آریستوکراسی است (که در سوره عبس، مطالبی در این مورد دیده بودیم ناظر به این است که قوم عرب معاصر آنحضرت نیز آلوده به آن بوده اند)

مشکل خاص قوم عاد (غیر از شرک)

از آیات تا ۱۲۳، ۱۴۰ برمی آید که انحراف قوم عاد این بوده که بعلت ثروت و شوکتی که یافته بودند، به نوعی از خودبینی و خودشیفتگی دچار شده بودند که سبب انحراف آنها از جاده حق و انسانیت و خداشناسی شده بود.

علامت گذاری روی بلندی ها بمعنی اعلام وجود خویش به همه دیگران است که این منم که چنین و چنانم و این محدوده قلمرو من است و ساختن قصرها به منظور جاودانگی چه بسا ساختن مقبره های عظیمی باشد که اجساد خود را به منظور جاودانگی در آن بگذارند.

مثلاً مانند اهرام مصر که فراعنه به اجساد خود خیلی اهمیت می دادند و آنها را با نوعی مواد شیمیایی از فساد حفظ می کردند و آنها را در قبوری قرار می دادند که از لحاظ مهندسی، از شگفتی های معماری است و چه بسا قوم عاد نیز برای اجساد خویش ساختمانهای شگفتی می ساختند برای اینکه این «من» خویش را جاودانه کنند.

اینکه هنگام غضب از حد می گذراندند نیز به معنی این است که برای خویش خیلی اهمیت قائل بودند و برای طرف مقابل اهمیتی قائل نبودند.

خلاصه اینکه انحراف آنها، خود بزرگ بینی و خودپسندی مفرط و محدود ندیدن خویش به حدود اخلاقی و دینی و انسانی، و لذا انجام «هر کاری» بود که هوس میکردند.

- چیزی که از ورای این پاراگراف میتواند به تیرتیر فوق مربوط باشد اینها است:
- ۱ - خشونت بیش از حد (آیه ۱۳۰)
 - ۲ - اصرار بر لجبازی و تصمیم بر اینکه هیچ جوری زیر بار سخن پیامبرشان نروند (آیه ۱۳۶)
 - ۳ - توجیه رفتارهای خویش از باب اینکه صحت آنها ریشه در سنت پیشینیان دارد.
 - ۴ - انکار آخرت .

مشکل قوم ثمود (غیر از شرک)

چنانکه از این آیات برمی آید انحراف قوم ثمود این بود که امنیت و رفاهی که داشتند در نتیجه فساد و تجاوز به حقوق دیگران بدست آمده بود. از آیات ۱۴۶ تا ۱۴۹ فهمیده می شود آنها قدرتمند و مرفه بودند زیرا می توانستند امنیت داشته باشند و علاوه بر نیازهای زندگی به تفنن نیز بپردازند. از آیه های ۱۵۱ و ۱۵۲ فهمیده می شود آنها بطور منسجم و همکارانه در پی قتل و غارت و تجاوز به حقوق و اموال و اعراض دیگران (مثلاً اقوام دیگر) بر می آمدند. اینکه در آیه های فوق گفته شده آنها امر «مصرفان» را اطاعت می کردند، ممکن است دو معنی داشته باشد:

امر مصرفان را در خصوص اقوام دیگر اطاعت می کردند یعنی به رهبری آن مصرفان به نقاط دیگر لشکرکشی می کردند و مرتکب قتل و غارت و برده گیری شده و آن رفاه و تفنن را در اثر بکارگیری ظالمانه آنان بدست می آوردند. یا اینکه امر مصرفان را در خصوص اقوام ضعیف داخل محدوده خویش بکار می بردند و در نتیجه یک جامعه دو قطبی بوجود آوردند که عده ای عده دیگر را بطور ظالمانه به استثمار می گرفتند و برای خویش ثروت و رفاه و تفنن ایجاد می کردند. در موضوع قتل آن شتر که مطابق آیه های ۱۵۴ و ۱۵۵ از آیات الهی بود، نیز همانگونه عمل می کردند که عادتشان بود. قتل!

مشکل خاص قوم لوط (غیر از شرک)

از آیات ۱۷۵-۱۶۰ انحراف قوم لوط، انحراف جنسی بود و کلمه «لواط» و «الواط» نیز از نام آنها گرفته شده است. در این سوره در مورد اقوام عاد و ثمود عذابشان را خیلی دقیق نقل نموده اما عذاب

قوم لوط را با ذکر دو مشخصه با دقت ذکر نموده که عبارت است از:

۱- واژگون شدن آنان،

۲- «باران بد»ی که بر آنان بارانده شد.

البته باید دانست که در سوره‌های بعدی شرح مفصل‌تری از عذاب آنان داده خواهد

شد و دو نکته فوق روشن‌تر خواهد گردید.

منظور از «پیرزن» مذکور زن حضرت لوط بوده است.

از مجموع آیه‌های ۱۷۰ و ۱۷۱ چنین فهمیده می‌شود که آن پیغمبر خدا که در

قرآن از او به عظمت یاد شده است در بدترین جا مأموریت تبلیغی یافته بود زیرا

غیر از اعضاء خانواده‌اش کسی به او ایمان نیاورده بودند و تازه زنش را نیز نباید جزء

آنان حساب کرد.

مشکل خاص قوم شعیب (غیر از شرک)

با توجه به آیات ۱۷۶ تا ۱۹۱ انحراف قوم شعیب، انحراف اقتصادی بود و آیات ۱۸۱

تا ۱۸۳ بوضوح آن را نشان می‌دهد.

از این آیات فهمیده می‌شود فساد اقتصادی نیز مانند فساد جنسی و فساد اخلاقی،

و فساد عقیدتی و فساد حکومتی، مهم و خانمان‌برانداز و اسباب هلاکت اقوام می-

باشد.

قبلا هم در سوره مطففین دیده ایم که خداوند کمفروشی را بشدت نکوهش فرموده،

و معلوم میشود عرب مکه معاصر نزول این سوره به این بلیه نیز مبتلا بوده است.

البته در سوره‌های بعدی، به تناسب آیات مربوط، شرح بیشتری در این خصوص

خواهد آمد.

موضوع آیه ۱۸۹ در سوره‌های دیگر به صورت «فریاد بلند» و «لرزه» آمده است.

ترجمه تفسیری آزاد

قوم نوح نیز فرستادگان را تکذیب کردند (۱۰۵) هنگامیکه برادرشان نوح به آنان

گفت آیا پروا نمیکنید؟ (۱۰۶) البته من برای شما پیامبری امین هستم (۱۰۷) پس،

از خداوند پروا نموده و اطاعت کنید (۱۰۸) و از شما هیچ مزدی نمیخواهم. مزد من

جز بر عهده پروردگار جهانیان نیست (۱۰۹) پس، تقوا کنید و مرا پیروی نمائید

(۱۱۰) گفتند آیا به تو ایمان بیاوریم در حالیکه فرومایگان پیرویت میکنند؟ (۱۱۱)

گفت نمیدانم چه میکرده اند (۱۱۲) حساب آنها جز نزد پروردگارم نیست، اگر متوجه باشید (۱۱۳) و من کسی نیستم که مومنان را پراکنده کنم (۱۱۴) فقط هشدار دهنده ای آشکارم (۱۱۵) گفتند ای نوح اگر دست نکشی حتما سنگسارت میکنند (۱۱۶) گفت پروردگارا قومم تکذیب کردند (۱۱۷) بین من و آنان حکم کن و مومنانِ همراهم را نجات ده (۱۱۸) پس او و همراهانش را در آن کشتی پر نجات دادیم (۱۱۹) سپس بقیه را غرق کردیم (۱۲۰) البته در آن امر آیه ای هست و اکثرشان مومن نیستند (۱۲۱) و البته پروردگارت پیروزمند مهربان است (۱۲۲)

قوم عاد نیز پیامبران را تکذیب کردند (۱۲۳) هنگامیکه برادرشان هود به آنان گفت پروا نمی کنید؟ (۱۲۴) و البته من برایتان پیامبری امینم (۱۲۵) پس، از خداوند پروا نموده و اطاعت کنید (۱۲۶) و برای آن مزدی از شما نمیخواهم. جز این نیست که مزدم بر عهده پروردگار جهانیان است (۱۲۷) آیا در هر بلندی علامتی به بیهودگی بنا میکنند؟ (۱۲۸) و کوشک هائی میسازید شاید جاودان مانید؟ (۱۲۹) و هنگامیکه غضب میکنید، از حد میگذرانید (۱۳۰) پس از خدا بترسید و مرا پیروی کنید (۱۳۱) از کسی پروا کنید که شما را به آنچه میدانید یاری داد (۱۳۲) به فرزندان و چارایان یاریتان کرد (۱۳۳) و باغستانها و چشمه سارها (۱۳۴) من بر شما از عذاب روزی عظیم نگرانم (۱۳۵) گفتند برای ما فرقی نمیکند که موعظه مان کنی یا نکنی (۱۳۶) این حرفها که میزنی جز شیوه گذشتگان نیست (۱۳۷) و ما عذاب نخواهیم شد (۱۳۸) پس تکذیبش کردند و هلاکشان کردیم. البته در این نشانه ای است و اکثرشان مومن نبودند (۱۳۹) و پروردگارت البته پیروزمند مهربان است (۱۴۰)

قوم ثمود نیز پیامبران را تکذیب کردند (۱۴۱) هنگامیکه برادرشان صالح گفت پروا نمیکنید؟ (۱۴۲) من برایتان پیامبری امینم (۱۴۳) پس، از خدا پروا نموده و اطاعت کنید (۱۴۴) و مزدی از شما نمیخواهم و مزدم بر عهده خداوند است (۱۴۵) آیا در آنچه در اینجاست در ایمنی رها میشوید؟ (۱۴۶) در باغستانها و چشمه سارها (۱۴۷) و کشت ها و نخل هایی دارای چغاله خوش هضم (۱۴۸) و در کوهها ماهرانه اطاقهائی میتراشید (۱۴۹) از خدا پروا نموده و پیروی کنید (۱۵۰) و فرمان مسرفان را نبرید (۱۵۱) همانها که در زمین فساد میکنند و اصلاح نمی کنند (۱۵۲) گفتند جز این نیست که جادو شده ای (۱۵۳) تو جز بشری مانند ما نیستی پس علامتی بیاور اگر

راست می‌گویی (۱۵۴) گفت این شتری است. برای آن نوبت آبی، و برای شما هم نوبت آبی، در هر روز معین شده است (۱۵۵) و به آن بدیی نرسانید که عذابی سهمگین شما را در خواهد گرفت (۱۵۶) پس آن را کشتند و سپس پشیمان شدند (۱۵۷) آنگاه عذاب بگرفتشان که البته در این آیه ای است و اکثرشان مومن نبودند (۱۵۸) و البته پروردگارت پیروزمند رحیم است (۱۵۹)

قوم لوط نیز پیامبران را تکذیب کردند (۱۶۰) هنگامیکه برادرشان لوط گفت آیا پروا نمیکنید؟ (۱۶۱) من برایتان پیامبری امینم (۱۶۲) پس از خدا پروا نموده اطاعتم کنید (۱۶۳) و من از شما مزدی نمیخواهم. مزدم بر عهده خداوند پروردگار جهانیان است (۱۶۴) آیا شما از میان جهانیان با مذکرها می‌آمیزید؟ (۱۶۵) و آنچه را که پروردگارتان برایتان از همسرانتان آفریده رها میکنید؟ بلکه شما تجاوزکارید (۱۶۶) گفتند ای لوط اگر بس نکنی حتما اخراج میشوی (۱۶۷) گفت من از عملتان بیزارم (۱۶۸) پروردگارا مرا و اهلم را از شر آنچه انجام میدهند نجات ده (۱۶۹) پس او را و اهلس را تماما نجات دادیم (۱۷۰) مگر پیرزنی که جزء ماندگان بود (۱۷۱) سپس بقیه را نابود کردیم (۱۷۲) بر آنها بارانی بارانیدیم. و چه بد است باران آن هشدار یافتگان (۱۷۳) در این البته نشانه ای است و اکثرشان مومن نبودند (۱۷۴) و البته پروردگارت پیروزمند رحیم است (۱۷۵)

قوم ایکه نیز پیامبران را تکذیب کردند (۱۷۶) هنگامیکه شعیب به آنها گفت آیا پروا نمی‌کنید؟ (۱۷۷) من البته برایتان پیامبری امینم (۱۷۸) پس از خدا پروا نموده و اطاعتم کنید (۱۷۹) و من از شما مزدی نمی‌طلبم. مزدم جز بر عهده پروردگار جهانیان نیست (۱۸۰) پیمانها را کامل بپردازید و از کم فروشان مباشید (۱۸۱) و با ترازویی درست بسنجید (۱۸۲) و اشیاء مردم را کم ندهید و در زمین به فساد نکوشید (۱۸۳) و از کسی که شما و پیشینیان را آفریده پروا کنید (۱۸۴) گفتند جز این نیست که تو از جادوشدگانی (۱۸۵) و تو جز بشری مانند ما نیستی و ما تو را جز از دروغگویان نمی‌پنداریم (۱۸۶) پس اگر راست می‌گویی پاره ای از آسمان را بر سر ما بیانداز (۱۸۷) گفت پروردگارم به رفتار شما داناتر است (۱۸۸) پس تکذیبش کردند و عذاب روز ابر بگرفتشان که عذاب روزی بزرگ بود (۱۸۹) البته در این نشانه ایست و اکثرشان مومن نبودند (۱۹۰) و البته پروردگارت پیروزمند مهربان است (۱۹۱)

شعراء ۵ آیات ۱۹۲ تا ۲۲۷

وَإِنَّهُ لَنَزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۱۹۲﴾ نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ ﴿۱۹۳﴾ عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ ﴿۱۹۴﴾ بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ ﴿۱۹۵﴾ وَإِنَّهُ لَفِي زُبُرِ الْأُولَىٰ ﴿۱۹۶﴾ أَوَّلَ مَا يَكُنْ هُمْ آيَةً أَنْ يَعْلَمَهُ عُلَمَاءُ بَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿۱۹۷﴾ وَلَوْ نَزَّلْنَاهُ عَلَىٰ بَعْضِ الْأَعْجَمِينَ ﴿۱۹۸﴾ فَقَرَأَهُ عَلَيْهِمْ مَا كَانُوا بِهِ مُؤْمِنِينَ ﴿۱۹۹﴾ كَذَلِكَ سَلَكْنَاهُ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ ﴿۲۰۰﴾ لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ حَتَّىٰ يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ﴿۲۰۱﴾ فَيَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿۲۰۲﴾ فَيَقُولُوا هَلْ نَحْنُ مُنظَرُونَ ﴿۲۰۳﴾ أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ ﴿۲۰۴﴾ أَفَرَأَيْتَ إِنْ مَتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ ﴿۲۰۵﴾ ثُمَّ جَاءَهُمْ مَا كَانُوا يُوعَدُونَ ﴿۲۰۶﴾ مَا أَعْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَمْتَعُونَ ﴿۲۰۷﴾ وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْنَةٍ إِلَّا مَا مَنذَرُونَا ﴿۲۰۸﴾ ذِكْرَىٰ وَمَا كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿۲۰۹﴾ وَمَا نُنزِّلُ بِهِ الشَّيَاطِينَ ﴿۲۱۰﴾ وَمَا يَنْبَغِي لَهُمْ وَمَا يَسْتَعْجِلُونَ ﴿۲۱۱﴾ إِنَّهُمْ عَنِ السَّمْعِ لَمَعْزُولُونَ ﴿۲۱۲﴾ فَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَكُونَ مِنَ الْمُعَذَّبِينَ ﴿۲۱۳﴾ وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ ﴿۲۱۴﴾ وَاخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿۲۱۵﴾ فَإِنْ عَصَوْكَ فَقُلْ إِنَّي بِرَبِّيَ مِمَّا تَعْمَلُونَ ﴿۲۱۶﴾ وَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ ﴿۲۱۷﴾ الَّذِي يَرَاكَ حِينَ تَقُومُ ﴿۲۱۸﴾ وَتَقْلُبُكَ فِي السَّجَدِينَ ﴿۲۱۹﴾ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿۲۲۰﴾ هَلْ أَنْتُمْ كَأَمْثَلِكُمْ عَلَىٰ مَنْ نَزَّلُ الشَّيَاطِينَ ﴿۲۲۱﴾ تَنْزَّلُ عَلَىٰ كُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ ﴿۲۲۲﴾ يُلْقُونَ السَّمْعَ وَأَكْتَرُهُمْ كَادِبُونَ ﴿۲۲۳﴾ وَالشُّعْرَاءَ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ ﴿۲۲۴﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ ﴿۲۲۵﴾ وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ ﴿۲۲۶﴾ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَانْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ ﴿۲۲۷﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
 طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:

درس: چگونه خداوند پیامبران را موفق و تکذیب کنندگان آنان را نابود می کند.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: ای پیامبر، مطمئناً چون بر حق هستی موفق خواهی شد و ایمان نیاوردن مخالفان تو را سست نکنند، و در مقابل تکذیبگران چنان، و در مقابل پیروان چنین باش، و ای مسلمانان! دلگرم باشید که پیامبر شما بر حق است.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

وَإِنَّهُ لَنَزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٩٢﴾ نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ ﴿١٩٣﴾ عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ ﴿١٩٤﴾ بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ ﴿١٩٥﴾ وَإِنَّهُ لَفِي زُبُرِ الْأَوَّلِينَ ﴿١٩٦﴾ أَوَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ آيَةٌ أَنْ يَعْلَمَهُ عُلَمَاءُ بَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿١٩٧﴾ وَلَوْ نَزَّلْنَاهُ عَلَى بَعْضِ الْأَعْجَمِينَ ﴿١٩٨﴾ فَقَرَأَهُ عَلَيْهِمْ مَا كَانُوا بِهِ مُؤْمِنِينَ ﴿١٩٩﴾

ریزدرب : ای پیامبر! خود این قرآن از عوامل اصلی موفق شدن و شکست تکذیبگرات میباشد.

۲

كَذَلِكَ سَلَكْنَاهُ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ ﴿٢٠٠﴾ لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ حَتَّى يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ﴿٢٠١﴾ فَيَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٢٠٢﴾ فَيَقُولُوا هَلْ نَحْنُ مُنظَرُونَ ﴿٢٠٣﴾ أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ ﴿٢٠٤﴾ أَفَرَأَيْتَ إِنْ مَتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ ﴿٢٠٥﴾ ثُمَّ جَاءَهُمْ مَا كَانُوا يُوعَدُونَ ﴿٢٠٦﴾ مَا أَغْنَى عَنْهُمْ مَا كَانُوا يُمْتَعُونَ ﴿٢٠٧﴾ وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا لَهَا مُنذَرُونَ ﴿٢٠٨﴾ ذِكْرَى وَمَا كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿٢٠٩﴾

ریزدرب : ای پیامبر! نبیرویت را روی این تکذیبگران خرج مکن.

۳

وَمَا تَنْزَلَتْ بِهِ الشَّيَاطِينُ ﴿٢١٠﴾ وَمَا يَنْبَغِي لَهُمْ وَمَا يَسْتَطِيعُونَ ﴿٢١١﴾ إِنْهُمْ عَنِ السَّمْعِ لَمْعَرُولُونَ ﴿٢١٢﴾

ریزدرب : ای مردم! کسی نمیتواند در مسیر وحی دخالتی کند و احیانا دستبردی بزند.

۴

فَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَكُونَ مِنَ الْمُعَذَّبِينَ ﴿٢١٣﴾ وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ ﴿٢١٤﴾ وَاحْفَظْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٢١٥﴾ فَإِنْ عَصَوْكَ فَقُلْ إِنَّي بُرِيءٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿٢١٦﴾ وَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ ﴿٢١٧﴾ الَّذِي يَرَاكَ حِينَ تَقُومُ ﴿٢١٨﴾ وَتَقَلِّبُكَ فِي السَّاجِدِينَ ﴿٢١٩﴾ إِنَّهُ

هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٢٢٠﴾

ریزدرب: ای پیامبر! به خویش پرداز، و نیز به پیروانت، و کمترین اهمیت را به این تکذیبگران بده.

۵

هَلْ أَنْبَيْتُمْ عَلَىٰ مَنْ نَزَّلَ الشَّيَاطِينُ ﴿٢٢١﴾ نَزَّلَ عَلَىٰ كُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ ﴿٢٢٢﴾ يُلْمُونَ السَّمْعَ
وَأَكْثُرُهُمْ كَاذِبُونَ ﴿٢٢٣﴾ وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ ﴿٢٢٤﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ ﴿٢٢٥﴾
وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ ﴿٢٢٦﴾ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَانْتَصَرُوا
مَنْ بَعْدَ مَا ظَلَمُوا وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ ﴿٢٢٧﴾

ریزدرب: ارزیابی حدود تاثیر مخالفان وحی به پیامبر و پیروانش، برای رفع نگرانی شان.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لبّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ می فرماید: ای پیامبر! از رفتارهای مکذبانان این مردم دلگیرمباش و کار رسالت را با قوت پی بگیر .

در پاراگراف ۲ می فرماید: ای پیامبر! تکذیبگرانت از فرعون مهمتر نیستند. اگر لازم باشد حتی به روش خارق العاده موفقیت میکنیم.

در پاراگراف ۳ می فرماید: ای پیامبر! ابراهیم نیز مانند تو بر قومش خروشید و با مخالفت مخاطبانش مواجه بود اما بالاخره موفقش نمودیم.

در پاراگراف ۴ می فرماید: ای پیامبر! با قوم تو در صورتی که رفتار ناپسندشان از حد معینی بگذرد مانند مورد عاد و ثمود و لوط و مدین برخورد خواهیم داشت، لذا با اطمینان به کار رسالت برس. در این پاراگراف می فرماید: ای پیامبر! توجه مخاطبان را به این نکته جلب کن که

داستان‌هایی که بر آنها خوانده‌ای حق مطلق است زیرا وحی است، و به آنها هشدار ده که از حد نگذرانند و گر چه این مطالب حق مطلق و وحی است اما مجرمان به آن ایمان نخواهند، و تو از ایمان نیاوردن آنها چندان دلگیرمباش و به چنین عباداتی بپرداز و نسبت به پیروان گرم تر باش و نزدیکانت را هشدارده.

۴ - سوالات

- ۲ - از «روح» (آیه ۱۹۳) چه سابقه ای در سوره های قبلی دارید؟
- ۳ - منظور از «قلب» (آیه ۱۹۴) چیست؟
- ۴ - منظور از «عربی» (آیه ۱۹۵) چیست؟
- ۵ - منظور از «زبور» (آیه ۱۹۶) چیست؟
- ۶ - «ه» در «یعلمه» (آیه ۱۹۷) اشاره به چیست؟
- ۷ - «ه» در «نزلناه» (آیه ۱۹۸) و در «فقراه» (آیه ۱۹۹) اشاره به چیست؟
- ۸ - عذاب مطرح در آیه های ۲۰۱ و ۲۰۴ عذاب آخرتی است یا برزخی یا شکستی که در جنگ‌های بدر و خندق و جاهای دیگر خواهند خورد؟
- ۹ - «س» در «سعیلم» (آیه ۲۲۷) اشاره به چه ظرف زمانی دارد؟ (فتح مکه و سایر شکست های کفار؟ آخرت؟ هر دو؟ یا . . .)؟
- ۱۰ - منظور از آیات ۲۲۲ تا ۲۲۶ چیست؟ (تقدس زدائی از اقوال آنگونه اشخاص؟ یا . . .)؟
- ۱۱ - مشخصات اشخاص مذکور در آیات سوال قبل، منحصر به همان چیزهائی است که در آن آیات بر شمرده؟ یا از باب نمونه است؟
- ۱۲ - استثناء دو سوم ابتدای آیه ۲۲۷ نسبت به چیست؟ (شعراء؟ یتبعهم الغاؤون؟ یا . . .)؟
- ۱۳ - منظور از «آتهم» (آیه ۲۲۵) چه کسانی است؟ (شعراء؟ یتبعهم؟ هر دو؟)

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

از آیه ۱۹۷ فهمیده میشود که علماء یهود نزد مخالفان پیامبر (ص) یکنوع جایگاه مرجعیتی داشتند که در باره صحت و سقم ادعای آنحضرت مورد رجوع و استفسار قرار میگرفتند و همچنین فهمیده میشود که موضع علماء مذکور در زمان مقارن نزول این آیات بطور کلی تصدیق دعوی آنحضرت بود.

همچنین از دو آیه ۱۹۸ و ۱۹۹ فهمیده میشود مخالفان آنحضرت این ایراد را می‌گرفتند که چرا وحی مورد ادعای آنحضرت به او - که یکی از خود آنان بود - نازل شده؟ (قبلا هم در سوره اسراء دیدیم که این ایراد را داشتند که چرا وحی بر برخی از ملائکه نازل نشده)

در اوایل سوره معارج، در آیه ای دیدیم که برخی از طریق درخواست عذاب موعود با آنحضرت مخالفت میکردند، یعنی اینکه به او میگفتند «اگه راست میگی اون عذابی رو که ادعا میکنی بر سرمون فرود بیار» از آیه ۲۰۴ معلوم میشود آن روحیه (تا نزول این سوره) هنوز هم وجود داشت و از آیه ۲۰۷ فهمیده میشود مخالفان فعال آنحضرت از امکانی از قبیل قدرت و ثروت برخوردار بودند.

در آیه ۱۹۲ نزول قرآن را به مباشرت جبرئیل قلمداد فرموده، و در آیه ۲۰۰ ایمان نیابردن مجرمان را تعلیل فرموده، و از جمع این دو میتوان فهمید که همین نوع اشخاص این شبهه را می‌پراکندند که قرآن به نوعی از القائنات شیطالین است، و بالاخره این شبهه در عده ای موثر واقع میشد و آنحضرت از این موضوع ناراحت بود و میخواست آن را ازاله کند و چه بسا کوشش به ازاله مذکور مستلزم اقوال و افعالی از سوی آنحضرت بود که در ظاهر چنین معنی میداد که گوئی آنحضرت تمایلی بسوی آنان دارد که با نهی و هشدار شدید آیه ۲۱۳ آنحضرت را متوجه میکند که از این روش که از نظر شبهه زدگان ممکن است به تمایل آنحضرت بسوی آنان تلقی شود دست بردارد و در دو آیه بعد یادآوری میکند که توجه خویش را دقیقاً در کجا اعمال کند.

از آیه ۲۲۷ و بخصوص کلمه «وانتصروا» فهمیده میشود در اوان نزول این آیات برخی از مسلمانان در اینجا و آنجا (لابد به سبب گرایش شان به تعالیم آنحضرت) مورد ظلم و بدرفتاری از سوی مخالفان واقع میشدند، و اینکه در اینجا توصیه به انتقام‌گیری میشوند دلیلی است بر اینکه در روزهای نزول این آیات تعداد مسلمانان به اندازه قابل ملاحظه ای رسیده بود و موقعیت شان از زمان نزول سوره های پیشین تغییر قابل توجهی کرده بود.

۶ - آیات برجسته این پاراگراف

آیات ۱۹۲ تا ۱۹۵، هم از لحاظ اقبال زیاد هنرمندان اعم از خوشنویس و کاشیکار و منبت کار و امثالهم به این آیات، و هم از لحاظ محتوای خود آیات، از آیات برجسته قرآنی میباشد که موضوعشان وحی است که در حوزه زندگی انسانی مهم تر و تاثیرگذار تر از آن چیزی نیست.

۷ - آیات مشکل

آیه ۱۹۷ از آنجا که مورد اختلاف مفسران واقع شده، جزء آیات مشکل تلقی می‌گردد. همچنین است آیات ۲۱۰ تا ۲۱۲ و آیات ۲۲۱ تا ۲۲۴.

۸ - زاویه با تفاسیر رایج

۱ : آیه ۱۹۶ (المیزان) : " وَ إِنَّهُ لَعَلَى زُبُرِ الْأُولَئِينَ ضَمِيرٌ " انه " به قرآن بر می‌گردد و یا به نزول آن بر قلب رسول خدا (ص)، و کلمه " زبر " جمع زبور است، که به معنای کتابست، و معنای آیه این است که خبر آمدن قرآن و یا نزولش بر تو، در کتب گذشتگان از انبیاء آمده بود.

تفسیر بهتر - با توجه به عصاره محتوای سوره (درس) و عصاره محتوای پاراگراف (درب) - این است که این مطالب (یعنی داستانهای پیامبران که حجم اصلی سوره را گرفته، و نتایج حاصل از آن که در بخش های پایانی سوره ذکر شده) در کتب پیشین هست، نه اینکه آن را محدود کنیم به «خبر آمدن قرآن و یا نزولش بر تو» که البته در اینصورت (که المیزان انتخابش کرده) به محتوای سوره بی ارتباط هم خواهد بود.

۲ - آیه ۲۰۰ : (المیزان) : کلمه " سلوک " به معنای داخل کردن و عبور دادن از راه است، و مراد از " مجرمین "، کفار و مشرکین‌اند، که اگر به این نامشان نامید، برای این بود که به علت حکم اشاره کرده و فهمانده باشد که ما قرآن را در دل مشرکین بدین جهت داخل می‌کنیم که مجرم هستند و این از باب مجازات است، نتیجه این تعبیر این است که هر مجرمی همین مجازات را دارد. و معنای آیه این است که ما قرآن را با این حال، یعنی با این وضع که مورد نفرت و اعراض مشرکین باشد و به او ایمان نیاورند، داخل در قلوب این مشرکین نموده، از آن عبور می‌دهیم، تا کیفر جرم آنان باشد و با هر مجرم دیگری این معامله را می‌کنیم.

حقیقت این است که آدم در میماند که در مقابل این نوع معنی کردن چه بگوید، بلکه معنی بهتر این است که «ه» در «سلکناه» معطوف به تکذیب کفار است که تقریباً تمام سوره اشاره به آن دارد و معنی آن اینطور میشود که ما این عمل تکذیب قرآن را به دل مکذبان راه دادیم، که البته این معنی با «کذلک یضل الله من یشاء» که در قرآن بسیار تکرار شده، همطراز است و معنی مقبولی است.

۹ - پیشگویی های تحقق یافته

در بقیه سوره ، (آیات ۱۹۲ تا ۲۲۶) :

- ۱ - با تایید منع وحی به آنحضرت،
- ۲ - با تشریح علل کفر فعالان مخالف با آنحضرت،
- ۳ - با ارائه راهکارهایی برای مقابله با موانع،

۴- با توصیف برخی از رفتارهای فعالان کفر، تلویحا پیشگوئی موفقیت آنحضرت را می نماید و چنانکه همگان میدانند، اینها تحقق یافته است.

۱۰- در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیات ۱۹۲ تا ۱۹، از این لحاظ که حتی تا امروز نیز جزئیاتِ چگونگی وحی رسانی برای بشر حل نشده، و این فقره وارد حوزه علم بشری نگشته، حتی «فوق ذهنیات» بشر قرن بیست و یکمی نیز میباشد، چه رسد به بشر ۱۴۰۰ سال قبل. همچنین است آیات ۲۲۱ تا ۲۲۴ به همان دلیل.

۱۱- کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره ها، تقریبا تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

فعل خداوند قانونمند است

با توجه به تیترا فوق، آیه ۲۰۰ اینطور معنی می یابد که «مجرمان به علت جرائمشان چنین می شوند که راه ایمان بر دل های آنها بسته می شود»

به زبان مردم

موضوع آیات ۱۹۲ تا ۱۹۵ را در سوره های تکویر و نجم و بعضی جاهای دیگر داریم. اما اینکه در آیه ۱۹۵ فرموده به «زبان عربی واضح»، طبیعی است که به زبان «عربی» باید باشد و گرنه برای مردم عرب زبان، پیامی به زبان نامفهوم غیرعربی، چه تأثیری خواهد داشت؟

اما اینکه فرموده «واضح»، نکته ای است که نشان می دهد مانعی برای دریافت پیام و فهم آن توسط مردم نبوده و صرف نظر از قبول و رد پیام، آن پیام فهمیده می شده است. خلاصه اینکه «وحی» طبق آن مکانیزم پیچیده و سنگین که در سوره نجم تا حدودی با آن آشنا شدیم، نازل شده و پایین آمده و پایین آمده تا اینکه در نهایت «به زبان عربی روشن» بیان شده است.

حالا این مخاطب است که یا تأثیر می‌پذیرد یا تأثیر نمی‌پذیرد. (به خودش مربوط است) این موضوع یکی از ملاک‌های تفسیری نیز هست، یعنی این که مفسر همواره باید این دغدغه خاطر را داشته باشد که کلمه مورد تفسیر در زمان نزول قرآن توسط مخاطب‌های اولیه به چه معنی فهمیده می‌شده، زیرا زبان نیز در طول زمان متحول می‌شود و معانی برخی کلمات تغییر می‌کند.

علماء بنی اسرائیل چه کسی را می‌شناخته‌اند؟

منظور از اینکه در آیه ۱۹۷ فرموده «علماء بنی اسرائیل او را می‌شناسند» قاعداً باید وجود مقدس رسول اکرم(ص) باشد که در ادیان سابق به ظهور آن حضرت بشارت داده شده بود.

البته در تورات فعلی نشانی از این موضوع نیست، اما از این آیه فهمیده می‌شود در زمان نزول این آیات، این موضوع نزد علماء یهودی که در یثرب بودند معروف و مشهور بوده است.

«به عجله می‌خواهند» یعنی چه؟

چه کافران سابق به پیامبران‌شان و چه کفار معاصر رسول الله (ص) به آن حضرت می‌گفته‌اند: «این عذابی را که می‌گویی بیاور اگر راست می‌گویی» لذا منظور از کلمه «یستعجلون» در آیه ۲۰۴ همان موضوع است، و ما تاکنون با توجه به لیست ترتیب نزول، این موضوع را زیاد دیده‌ایم.

شیطان رانده شده

مفهوم آیه ۲۱۰ را قبلاً در سوره تکویر دیده‌ایم و در همان سوره شیطان را بصورت «شیطان رانده شده» ذکر نموده بود.

در سوره فرقان آیه ۲۹ نیز خواهیم دید شیطان انسان را به حال خود ول می‌کند و در سوره اسراء نیز دیده‌ایم که شیطان دشمن انسان است (آیه ۵۳) و انسان را فریب می‌دهد (آیه ۶۴) و غیره. و این مفهوم نیز در قرآن بسیار زیاد تکرار شده است.

خلاصه اینکه شیطان با این خصوصیاتش نمی‌تواند چنین آیاتی که همه‌اش علم و حکمت و فایده برای انسان است، برای انسان بیاورد و اساساً وجود او و صفات او تناسبی با این عناصر یعنی نور و حکمت و خیر و فایده و لطف و رحمت و هدایت و بطور کلی، تمامی چیزهای خوب، ندارد.

چرا این همه تأکید بر حجیت قرآن؟

در سوره نجم به وجه بلیغی بر حجیت قرآن تأکید شد. معرفی فرشته وحی، عدم امکان دخالت در مسیر نزول وحی - از مبدأ تا پیامبر، و پس از آن.

خداوند در مجموع بسیار به حجیت قرآن بطور مجمل یا مفصل تأکید فرموده که مهم - ترین و مفصل ترین آن در سوره تکویر و پس از آن در حاقه و پس از آن باز هم و باز هم در هر جاکه لازم بوده - تا برسد به اینجا - به این امر پرداخته است. چرا؟

شاید به این علت که مسلمانان با خویش می گفتند اگر این مطالب درست باشد خیلی عالی است و ما بزودی نجات می یابیم و عده ای از کفار نیز با خود می گفتند اگر این مطالب درست باشد این ها پیروز می شوند و ما هلاک می گردیم و چه بهتر است لااقل حالا که جزء آن ها نیستیم در صف دشمنان آن ها نیز نباشیم. چه بسا این است راز تأکید مجدد بر حجیت قرآن در این سوره، با این محتوایی که دارد، که خلاصه اش در درس سوره منعکس است.

با پیروان فروتن باش

در همین سوره، در پاراگراف مربوط به سوره نوح، دیدیم که یکی از مشکلات حضرت نوح (ع) این بود که راجع به پیروانش از طرف مخالفانش مورد ملامت قرار می گرفت. این موضوع را قبلاً در سوره قلی (سوره هود) نیز بطور مفصل تر دیدیم. از آیه های ۲۱۵ و ۲۱۶ نیز معلوم می شود پیامبر (ص) نیز همین مشکل را داشت و پیروان آن حضرت که اکثرشان افراد فرودست و پایین جامعه بودند، در حالات و رفتارهای آنها چیزهایی بود که مخالفان آن حضرت آن موارد را به رخ پیامبر (ص) می کشیدند و آن حضرت را می آزرده و لذا در این آیات، (مانند پاراگراف اول سوره عبس) خداوند او را توصیه به نشنیده گرفتن ملامت و با اصطلاح امروز توصیه میکنند به «تحویل گرفتن» قوی آن پیروانش.

شاعرانی که گمراهان عمدی پیرویشان می کنند

این نگارنده بسیار شنیده و خوانده است که عده ای شعر و شاعری را تخطئه می کنند و به عنوان دلیل آیه ۲۲۴ را شاهد می آورند و آن را اینطور ترجمه می کنند «پیروان شاعران، گمراهان هستند»

این ترجمه برای آیه از لحاظ ادبیات عرب غلط است و ترجمه صحیح این است «شاعرانی که اشخاص گمراه پیرویشان می‌کنند»
 یعنی بنابراین آیه، دو جور شاعر داریم:
 ۱- شاعرانی که در آیه ۲۲۷ معرفی شده‌اند،
 ۲- شاعرانی که گمراهان عمدی پیرویشان می‌کنند.
 چرا؟

زیرا که گمراهان عمدی در اشعار آنها چیزی می‌یابند که خوششان می‌آید و می‌پسندند، پس خود آن نوع شاعران نیز جزء گمراهان عمدی می‌باشند.
 ضمناً «گمراه عمدی» را در سوره نجم شناختیم و آنها همان‌هایی هستند که خودشان را از طریق گناهان به گمراهی می‌اندازند. (مثلاً همانطور که مصرف‌کنندگان مشروبات و مواد مخدر با مصرف آنها عمدتاً عقل خود را از کار می‌اندازند، آنها هم با ارتکاب گناهان، خودشان را از ایمان محروم میکنند)

ترجمه تفسیری آزاد

و البته آن قرآن فرو فرستاده پروردگار جهانیان است (۱۹۲)
 جبرئیل روح‌الامین آن را نازل کرده (۱۹۳)
 بر قلب تو، تا از هشدار دهندگان باشی (۱۹۴)
 که به زبانی عربی واضح است (۱۹۵)
 و البته خبر نزول آن در کتابهای آسمانی قبلی نیز هست (۱۹۶)
 آیا این مخالفان نشانه ای نیست که علماء بنی اسرائیل از نزول آن خبر دارند و آن را می‌شناسند؟ (۱۹۷)
 و اگر آن را به بعضی از عجم‌ها نازل کرده بودیم (۱۹۸) و آن پیامبرِ عجم آن را بر آنها میخواند به آن ایمان نمی‌آوردند (۱۹۹)

آن سرکشی را چنین در دل‌های گناهکاران راه میدهیم (۲۰۰) که به آن قرآن ایمان نمی‌آورند تا اینکه عذاب دردناک را ببینند (۲۰۱) که ناگهانی بر سرشان درآید و متوجه نباشند (۲۰۲) و اگر چنین اتفاقی برایشان بیفتد خواهند گفت آیا مهلتی خواهیم یافت؟ (۲۰۳)

اینان که چنین اند، حالا دیگر چرا عذاب را به عجله می‌خواهند و می‌گویند اگر راست می‌گوئی آن عذابی را که ادعا می‌کنی بر ما فرود بیاور؟ (۲۰۴) فکرش را بکن، اگر سالهائی مهلتشان دهیم (۲۰۵) آنگاه آنچه که به آن تهدیدشان می‌کنیم برسرشان بیاید (۲۰۶) نعمتی که حالا از آن برخوردارند بدردشان نخواهد خورد و نمیتوانند بوسیله آن نعمت عذاب را از خودشان دفع کنند (۲۰۷)

و هیچ شهری را هلاک نکردیم مگر اینکه هشدار دهندگانی داشتند (۲۰۸) تا متوجه شوند، و ما ظالم نیستیم (۲۰۹) و شیاطین آن قرآن را نازل نکرده اند (۲۱۰) و آنها را نمیرسد که چنین کنند و نمیتوانند (۲۱۱) آنها از شنیدن وحی معزول و برکنارند (۲۱۲)

پس، ای پیامبر! همراه با خداوند خدایی دیگر مخوان که معذب خواهی شد (۲۱۳) و خویشاوندان نزدیکت را هشدار ده (۲۱۴) و برای مومنانی که پیرویت میکنند مهربان و فروتن باش (۲۱۵) اما اگر نافرمانیت کردند بگو از آنچه می‌کنید بیزارم (۲۱۶) و بر خداوند عزتمند مهربان توکل کن (۲۱۷) همو که تو را می‌بیند هنگامیکه بر می‌خیزی (۲۱۸) و نیز گشتن تو را در میان ساجدان نیز می‌بیند (۲۱۹) که او خودش شنوای دانا است (۲۲۰)

به اینان بگو آیا به شما بگویم که شیاطین بر چه کسی فرود می‌آیند؟ (۲۲۱) بر همه باطل پراکن های گناهکار فرود می‌آیند (۲۲۲) که گوش می‌خواه‌اند تا یک سخن باطل پیدا کنند و اکثرشان دروغ‌گویند (۲۲۳) و آن شاعرانی که گمراهان پیرویشان میکنند نیز چنین اند (۲۲۴) نمی‌بینی که در هر وادی سرگردانند؟ (۲۲۵) و چیزهایی می‌گویند که عمل نمی‌کنند؟ (۲۲۶) غیر از آنهایی که ایمان آورده و عمل صالح نموده و خدا را بسیار یاد کرده و پس از ظلمی که به آنها شده در صدد انتقام بر می‌آیند،

و بزودی ظالمان خواهند دانست به چه بازگشتگاهی باز میگردند (۲۲۷)

سوره یونس

﴿ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ﴾

الر تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ ﴿١﴾ أَكَانَ لِلنَّاسِ عَجَبًا أَنْ أَوْحَيْنَا إِلَى رَجُلٍ مِنْهُمْ أَنْ أَنْذِرِ النَّاسَ وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنَّ هُمْ قَدِمَ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ قَالَ الْكَافِرُونَ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ مُّبِينٌ ﴿٢﴾ إِنَّ رَبُّكُمْ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مَا مِنْ شَفِيعٍ إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِذْ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ بِالْقِسْطِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِّنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ ﴿٤﴾ هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السَّيِّنِ وَالْحِسَابَ مَا خَلَقَ اللَّهُ ذَلِكَ إِلَّا بِالْحَقِّ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿٥﴾ إِنَّ فِي اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَّقُونَ ﴿٦﴾ إِنَّ الَّذِينَ لَا يُزْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا بِمَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ ﴿٧﴾ أُولَئِكَ مَاوَاهُمُ النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٨﴾ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ ﴿٩﴾ دَعَاؤُهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَحَمْدُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ وَآخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٠﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یعنی «درس» سوره)، برای کل ۱۱۴ سوره قرآن، در کتاب «خودآموز تفسیر قرآن» (از همین قلم) وجود دارد، و خود کتاب مذکور را میتوانید در سایت (<https://tafsir.ganjei.com>) بیابید، و البته مبانی این موضوع نیز در ۱۶۰ صفحه اول کتاب «علوم قرآنی» (موجود در همان سایت) شرح داده شده است. و در مورد این سوره، عصاره محتوا، همان است که ذیلا دیده میشود.

درس: ای پیامبر! با جدیت کار رسالتت را پی گیر. تو و پیروانت در مقابل کافران بی منطق و غافل، در دنیا پیروز و در آخرت نجات یافته خواهید بود.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: یکی از موارد بسیار مهم خطای کافران نشناختن این قرآن و غفلت از این آیات و صفات الهی است، ای پیامبر توجه مردم را به سرانجام آخرتی شان جلب کن و در این راه صبور باش.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

الر تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ ﴿١﴾ أَكَانَ لِلنَّاسِ عَجَبًا أَنْ أَوْحَيْنَا إِلَى رَجُلٍ مِنْهُمْ أَنْ أَنْذِرِ النَّاسَ وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنَّ هُمْ قَدِمَ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ قَالَ الْكَافِرُونَ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ مُبِينٌ ﴿٢﴾

ریزدرب: یکی از موارد مهم خطای کافران نشناختن این قرآن و بشری بودن پیامبری است.

۲

إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُدِيرُ الْأَمْرَ مَا مِنْ شَفِيعٍ إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِذْ بَدَأَ خَلْقَ الْإِنسَانِ مِنْ طِينٍ فَارْتَدَّ عَلَى عُنُقِهِ نُفُورًا فَنَافَى نُفُورًا وَالْقَوْمُ إِلَى اللَّهِ حَقًّا إِنَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ بِالْقِسْطِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ ﴿٤﴾ هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسَ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ مَا خَلَقَ اللَّهُ ذَلِكَ إِلَّا بِالْحَقِّ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿٥﴾ إِنَّ فِي اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَوَّنُونَ ﴿٦﴾

ریزدرب: کافران آنقدر به آیات و نعمت های الهی عادت کرده اند که دیگر متوجه آنها نیستند، بلکه نسبت آنها به خداوند را منکر میشوند.

۳

إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا بِمَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ ﴿٧﴾

أُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٨﴾

ریزدرب: ای پیامبر! تکذیبگرات را با این مشخصات غالب بشناس.

۴

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ ﴿٩﴾ دَعَوَاهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ وَأَخْرَجَ دَعَوَاهُمْ أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٠﴾

درب: ای پیامبر! پیروانت چنین عاقبتی خواهند داشت.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لُبّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳ - سوالات

- ۱- منظور از «ناس» و «قدم صدق» در آیه ۲ را بیان کنید.
- ۲- بطور کلی موضوع وحی پیامبران چیست؟
- ۳- آیه ۲ را «تحلیل» کنید.
- ۴- چرا خداوند در اینجا از ضمیر «من» (خلق استوی یدبر اذنه انه بیده یعیده یجزی هو جعل قدره خلق یفصل خلق) استفاده فرموده؟
- ۵- منظور از «حق» (آیه ۵) را بیان کنید.
- ۶- چه سابقه ای از نیمه اول آیه ۳ در سوره های قبل دارید؟
- ۷- کلمه «حق» در دو آیه ۴ و ۵ چه تفاوت معنایی دارند؟

- ۸ - «تعلموا عددا السنین والحساب» نتیجه مستقیم کدام آیت الهی است؟
 ۹ - در آیه ۹ «يَهْدِيهِمْ رُحْمَ رَبِّهِمْ» از طریق چه مکانیزی عمل میکند؟
 ۱۰ - آیه ۷، معطوف به کدام آیه قبلی است؟

۴ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

از آیه ۲ فهمیده میشود هنوز هم مخالفان آنحضرت با برگزیده شدن بشری مانند خودشان برای دریافت وحی مشکل داشتند، اما ضمنا تاثیر دعوی پیامبر(ص) در قلوب مردم هم آنها را به شگفتی وا میداشت و آن را اینطور تعلیل میکردند که این تاثیر از جنس سحر بودن کلام آنحضرت است.
 از مطالب آیات ۷ تا ۱۰ فهمیده میشود مردم روزهای نزول این آیات را میتوان به دو دسته تقسیم کرد:

- ۱ - مومنان دارای عمل صالح.
- ۲ - کسانی که به لقاء خدا امیدی نداشتند و به زندگی دنیا راضی بودند و به آن آرامش می یافتند و از آیات خدا غفلت داشتند.
 در بدو نظر این سوال پیش می آید که چرا خداوند دسته دوم را در یک کلمه «کافران» خلاصه نکرده و آنها را با ذکر چهار مشخصه تعریف فرموده؟
 خود چهار مشخصه فوق در دو دسته قابل تشخیص است:

 - ۱ - به لقاء خدا امید نداشتن و از آیات خدا غافل بودن
 - ۲ - به زندگی دنیا راضی بودن و از آن آرامش یافتن

از مفهوم «آرامش» در قسمت دوم، رفاه فهمیده میشود، به عبارت دیگر، مرفهان جامعه مخاطب وحی در مقابل مومنان قرار میگرفتند که به قرینه فهمیده میشود خواستاران تغییر وضع موجود بودند یعنی اکثرا از فرودستان جامعه مذکور بوده اند. به دیگر سخن، وقتیکه نزول وحی به اینجا، (سوره یونس - تقریبا سال ششم از بعثت) رسید، جامعه مکه به دو قطبی محافظه کاران خواستار ثبات وضع موجود، و مومنان خواستار تغییر وضع موجود، تبدیل شده بود.

۵ - پیشگویی های تحقق یافته

در آیه ۵، خورشید را «چراغ» و ماه را «نور» نامیده و واضح است که چراغ «از خودش نور می دهد» و این تعبیر که نزدیک به ۱۴۰۰ سال قبل راجع به خورشید

شده، از سطح علمی آن زمان که هیچ، بلکه از سطح علمی تا ۹۰۰ سال بعدِ کلّ جهان نیز بالاتر بوده، و پیشرفت علمی بشر در جهت بهتر فهمیدن این نوع آیات بوده، و هر روز هم به موازات پیشرفت علمی بشر می‌بینیم آیاتی از قرآن بهتر فهمیده می‌شود.

در هر حال آیه ۵ یک پیشگویی علمی است و بار اعجازی دارد.

۶ - زاویه با تفاسیر رایج

۱ : (المیزان) : و غرض این سوره، یعنی آن هدفی که سوره برای بیان آن نازل شده، عبارت است از تاکید مردم به التزام به توحید، آنچه المیزان آن را غرض سوره نامیده، همان چیزی است که ما آن را «درس» سوره نامیدیم و از راه محاسبه و با دقت استخراج شده که چنین میگوید:

ای پیامبر با جدیت کار رسالت را پیگیری، تو و پیروانت در مقابل کافران بی منطق و غافل، در دنیا پیروز و در آخرت نجات یافته خواهید بود.

۲ : (المیزان) : این سوره مبارکه - همانطور که از آیاتش پیداست - در مکه نازل شده و از سوره‌هایی است که نزول آن در اوائل بعثت بوده، خیلی جالب است که المیزان نیز به محتوای سوره استشهاد کرده، در حالیکه محتوای سوره که شامل مطالب استدلالی سنگین و ذکر قسمتی از داستان حضرت موسی (ع) است که ناظر به فاز نهائی داستان آنحضرت است با دوره ای از ماموریت رسول اکرم (ص) مناسبت دارد که به زمان هجرت نزدیک است، نه اینکه (به قول المیزان) «در اوائل بعثت» بوده باشد.

۷ - آیات برجسته این پاراگراف

آیات ۳ تا ۶ از لحاظ جامعیت ذکر آیات و الطاف الهی بسیار کم نظیر است و از این نظر برجستگی خاصی دارد که در کل قرآن فقط چند مورد نه چندان متعدد دیگر دیده میشود.

۸ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذہنیت مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذہنیت مخاطبان اولیه ندارد)

شروع سوره با «الر» است که از حروف مقطعه است، که این عنصر قرآنی هنوز معنی مقنعی نیافته، یعنی معهود بشر امروز نیز نیست، چه رسد به مخاطبان ۱۴۰۰ سال پیش!

آیه های ۳ تا ۶ حاوی مطالبی است که بطور پرحجمی از محور هایی از آیات و الطاف الهی سخن رانده هریک از آنها برای ما قرن بیست و یکمی ها نیز محل سوالات و تحقیق ها است و هنوز به خم یک کوچه از رازهایشان نیز نرسیده ایم، چه رسد به مخاطب های اولیه!

آیه های ۸ تا ۱۰ «قیامتی» است، و هیچ بنی بشری تجربه اش را ندارد، و قبل از قیامت نخواهد داشت، لذا، چه در آن روزهای نزول وحی و چه الی یوم القیامه بالاتر از ذهنیات بشر خواهد بود.

۹ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیه ۱ و ۸ و ۹، بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

باز هم شفاعت

در رابطه با آیه ۳، در پاراگراف ۳ سوره نجم؛ و نیز در پاراگراف ۷ سوره مدثر نیز بحثی عرض کرده ایم.

بطور کلی باید عرض کنیم که غیر از «آیه الکرسی» مشهور، در بعد از هجرت، هیچ آیه ای در قرآن در موضوع شفاعت وجود ندارد، و کل آیات شفاعت در قبل از هجرت است و این تم کلی را دارد که «به شفاعت به عنوان راه نجات دل میندید»

نیز باید این را بدانیم که شفاعت یکی از اصول اساسی ادیان شرک است، که بر پایه آنها شخص مشرک در مقابل خدا به «یکی از نزدیکان خدا» متوسل میشود و از او در مقابل بلاهای ارضی و سماوی حفاظت، و پس از مرگ نیز از هر اتفاق نامطبوعی نجات، طلب میکند.

و چنانکه آیه ۳ نیز کاملاً واضح است، «ما من شفیع الا من بعد اذنه»، در حقیقت، ضمن اینکه اصل موضوع شفاعت را رد نمیکند، اما، گوئی که دارد تلویحاً آن را رد میکند، و در این نکته ای است که امیدواریم در آیه دیگری در همین موضوع شفاعت توضیحش دهیم.

شروع و اعاده

با توجه به آیه ۵، در رابطه با تیترا فوق در سوره بروج عرضی کرده‌ایم.

ترجمه تفسیری آزاد

بسم الله الرحمن الرحيم

الف. ل. ر.

این آیات آن کتاب آسمانی پر حکمت است (۱)

آیا مردم تعجب می‌کنند که بسوی شخصی از خودشان وحی نمودیم که مردم را همدار و مومنان را مؤده دهد که نزد پروردگارشان جایگاهی شایسته دارند؟ و کافران میگویند این پیامبر یک جادوگر آشکار است (۲)

البته پروردگارتان کسی است که آسمانها و زمین را در شش مرحله آفرید، سپس بر عرش استیلا یافت. اوست که آن امر را تدبیر میکند. هیچ شفیعی قبل از اجازه اش نمیتواند کاری کند، این خداوندی است که پروردگارتان است، پس او را عبادت کنید، آیا پند نمیگیرید؟ (۳) بازگشتگاه همگی تان بسوی اوست، وعده خداوند حق است، که همو البته آفرینش را شروع و اعاده میکند، تا آنان را که ایمان آورده و عمل شایسته کرده اند به عدالت پاداش دهد و کافران بسبب کفرشان نوشابه ای جوشان و عذابی دردناک داشته باشند (۴) هموست که خورشید را تابان و ماه را درخشان قرار داد و آن را چنان تقدیر کرد که منزلتهائی داشته باشد، و تا اینکه شمارش سال ها را بدانید، خداوند آن را جز به حق نیافرید، و او چنین، نشانه ها را برای مردمی دانا شرح میدهد (۵) البته در جایگزینی شب و روز و آنچه در آسمانها و زمین آفریده برای تقوایبندگان نشانه هائی است (۶)

کسانی که امید ملاقات ما را ندارند و به زندگی دنیا راضی شده و به آن دل خوش کرده اند و نیز کسانی که از آیاتمان غافلند، (۷) به سبب آنچه که میکرده اند جایگاهشان آتش است (۸) البته آنانکه ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند پروردگارشان با همان ایمانشان هدایتشان میکند، و از نتیجه های ایمان و عمل

صالحشان هم این است که در آخرت نهرها در کف بهشت های پر نعمت شان جاری است (۹) سخنشان در آن «خداوندا تو منزهی» و درودشان «سلام» و سخن دیگرشان «ستایش مخصوص خداوند پروردگار جهانیان است» میباشد (۱۰)

يونس ٢ آيات ١١ تا ٣٠

وَلَوْ يُعْجِلُ اللَّهُ لِلنَّاسِ الشَّرَّ اسْتِعْجَالَهُمْ بِالْخَيْرِ لَقُضِيَ إِلَيْهِمْ أَجْلُهُمْ فَبَدَّلَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿١١﴾ وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا جَنِبَهُ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَائِمًا فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ ضُرَّهُ مَرَّ كَأَن لَّمْ يَدْعُنَا إِلَى ضُرِّ مَسَّهُ كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْمُسْرِفِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٢﴾ وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ مِن قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَاءَهُم رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ وَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا كَذَلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ ﴿١٣﴾ ثُمَّ جَعَلْنَاكَم خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ مِن بَعْدِهِمْ لِنَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ ﴿١٤﴾ وَإِذَا تَنَالَى عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا انْتِ بِقُرْآنٍ غَيْرِ هَذَا أَوْ بَدَّلَهُ أَفَلَا يَكُونُ لِي أَنْ أَبَدِلَهُ مِنْ تَلْقَاءِ نَفْسِي إِنَّ آتِيْعَ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابٌ يَوْمَ عَظِيمٍ ﴿١٥﴾ قُلْ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا تَلَوْتُهُ عَلَيْكُمْ وَلَا أَدْرَاكُمْ بِهِ فَقَدْ لَبِثْتُ فِيكُمْ عُمُرًا مِّن قَبْلِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿١٦﴾ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْمُخْرَمُونَ ﴿١٧﴾ وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شُفَعَاؤُنَا عِنْدَ اللَّهِ قُلْ أَتُنَبِّئُونَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿١٨﴾ وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ فِيمَا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿١٩﴾ وَيَقُولُونَ لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّن رَّبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ ﴿٢٠﴾ وَإِذَا أَذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً مِن بَعْدِ ضَرَاءٍ مَسَّتْهُمْ إِذَا لَهُم مَّكْرٌ فِي آيَاتِنَا قُلِ اللَّهُ أَسْرَعُ مَكْرًا إِنَّ رُسُلَنَا يَكْتُبُونَ مَا تَمْكُرُونَ ﴿٢١﴾ هُوَ الَّذِي يُسَيِّرُكُم فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ حَتَّىٰ إِذَا كُنْتُمْ فِي الْفُلْكِ وَجَرَيْنَ بِجَمْرِ بَرِيحٍ طَيِّبَةٍ وَفَرِحُوا بِهَا جَاءَهَا رِيحٌ عَاصِفٌ وَجَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِن كُلِّ مَكَانٍ وَظَنُّوا أَنَّهُم أُحِيطَ بِهِمْ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ لَئِن أُنجَيْتَنَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ ﴿٢٢﴾ فَلَمَّا أَجَاهُمْ إِذَا هُم بِبُعُودٍ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا بَغَيْبُكُمْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ مَتَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُكُمْ فَنُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٢٣﴾ إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ حَتَّىٰ إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازْبَهَّتْ وَطَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَنَاهَا أَمْرْنَا لَنَبْلَأَ أَوْ تَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَن لَّمْ تَغْنَ بِالْأَمْسِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٢٤﴾ وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى دَارِ السَّلَامِ وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٢٥﴾ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ وَلَا يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ وَلَا ذِلَّةٌ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٦﴾ وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ بِمِثْلِهَا وَتَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ مَا لَهُم مِّنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ كَأَنَّمَا أُغْشِيَتْ وُجُوهُهُمْ قِطْعًا مِّنَ اللَّيْلِ مُظْلِمًا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٧﴾ وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا مَكَانَكُمْ

أَنْتُمْ وَشُرَكَائِكُمْ فَرَزْنَا بَيْنَهُمْ وَقَالَ شُرَكَائُهُمْ مَا كُنْتُمْ إِلَّا نَا تَعْبُدُونَ ﴿٢٨﴾ فَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا
بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ إِنْ كُنَّا عَنْ عِبَادَتِكُمْ لَغَافِلِينَ ﴿٢٩﴾ هُنَالِكَ تَبْلُو كُلُّ نَفْسٍ مَّا أَسْلَفَتْ وَرُدُّوْا إِلَى
اللَّهِ مُؤَلَّاهِمُ الْحَقِّ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿٣٠﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه
کرده ایم که مطابق ذیل است:

درس: ای پیامبر! با جدیت کار رسالت را پی گیر. تو و پیروانت در مقابل کافران بی
منطق و غافل درد دنیا پیروز و در آخرت نجات یافته خواهید بود.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: آدمیزادگان، اکثرأ، نادان و ناسپاس اند، ای پیامبر! حوزه ماموریتت این است،
رسالت هم این است که این مخلوقاتم را ارتقاء دهی.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

وَلَوْ يَعْجَلُ اللَّهُ لِلنَّاسِ الشَّرَّ اسْتِعْجَالَهُمْ بِالْخَيْرِ لَقُضِيَ إِلَيْهِمْ أَجْلُهُمْ فَنَدَّرُ الَّذِينَ لَا يُرْجُونَ لِقَاءَنَا
فِي طُعْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿١١﴾ وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا لِجَنبِهِ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَائِمًا فَلَمَّا كَشَفْنَا
عَنْهُ ضُرَّهُ مَرَّ كَأَن لَّمْ يَدْعُنَا إِلَى ضُرِّ مَسَّهُ كَذَلِكَ زُينٌ لِّلْمُسْرِفِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٢﴾

ریزدرب: آدمیزادگان، اکثرأ، نادان و ناسپاس اند، ای پیامبر! حوزه ماموریتت این
است، رسالت هم این است که این مخلوقاتم را ارتقاء دهی.

۲

وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ مِن قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَاءَهُم رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ وَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا كَذَلِكَ
نَجْرِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ ﴿١٣﴾ ثُمَّ جَعَلْنَاكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ مِن بَعْدِهِمْ لِنَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ
﴿١٤﴾ وَإِذَا ثَلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ لَا يُرْجُونَ لِقَاءَنَا إِنَّا بُرْءَانٌ غَيْرِ هَذَا أَوْ بَدَّلَهُ
قُلْ مَا يَكُونُ لِي أُنْبَدِلَهُ مِن تَلْقَاءِ نَفْسِي إِنْ أَنَّبَعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي

عَذَابِ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿١٥﴾ قُلْ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا تَلَوْتُهُ عَلَيْكُمْ وَلَا أَدْرَاكُمْ بِهِ فَقَدْ لَبِثْتُ فِيكُمْ عُمُرًا مِّن قَبْلِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿١٦﴾ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْمُجْرِمُونَ ﴿١٧﴾ وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شَفَعَاؤُنَا عِنْدَ اللَّهِ قُلْ أَتُنَبِّئُونَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَنَّا يُشْرِكُونَ ﴿١٨﴾ وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ لَفُضِّي بَيْنَهُمْ فِيمَا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿١٩﴾ وَيَقُولُونَ لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّن رَّبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِيَاكُنَّ مِنكُمْ إِنِّي مُنْتَظِرِينَ ﴿٢٠﴾ وَإِذَا أَذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً مِّن بَعْدِ ضَرَاءٍ مَسْتَهْمِمْ إِذَا هُمْ مَكْرٌ فِي آيَاتِنَا قُلِ اللَّهُ اسْرِعْ مَكْرًا إِن رُسُلَنَا يَكْتُمُونَ مَا تَمْكُرُونَ ﴿٢١﴾ هُوَ الَّذِي يُسَيِّرُكُم فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ حَتَّى إِذَا كُنْتُمْ فِي الْفُلِكِ وَخَرْتُمْ بِمِ بَرِيحٍ طَيِّبَةٍ وَفَرِحُوا بِهَا جَاءَهَا رِيحٌ عَاصِيفٌ جَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِن كُلِّ مَكَانٍ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ أُحِيطَ بِهِمْ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ لَئِن أُنجِيتَنَا مِنْ هَٰذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ ﴿٢٢﴾ فَلَمَّا أَنجَاهُمْ إِذَا هُمْ يَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا بَعَيْتُمْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ مَتَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُكُمْ فَنُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٢٣﴾

ریزدرب: ای مردم! مانند اقوام سابق مباشید که چنان بودند و عاقبتشان چنان شد.

۳

إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ حَتَّى إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيَّنَتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرًا لَّيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَن لَّمْ تَغْن بِالْأَمْسِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ لِّيقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٢٤﴾ وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى دَارِ السَّلَامِ وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٢٥﴾

ریزدرب: ای مردم! به چیز فانی و گذرا دل مبنید.

۴

لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ وَلَا يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ وَلَا ذِلَّةٌ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٦﴾ وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ بِمِثْلِهَا وَتَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ مَّا هُمْ مِنَ اللَّهِ مِن عَاصِمٍ كَأَنَّمَا أُغْشِيَتْ وُجُوهُهُمْ قِطْعًا مِّنَ اللَّيْلِ مُظْلِمًا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٧﴾ وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا مَكَانَكُمْ أَنْتُمْ وَشُرَكَاءُكُمْ فَزَلَّلْنَا بَيْنَهُمْ وَقَالَ شُرَكَاءُهُمْ مَا كُنْتُمْ إِيَّاَنَا تَعْبُدُونَ ﴿٢٨﴾ فَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ إِنْ كُنَّا عَنْ عِبَادَتِكُمْ لَغَافِلِينَ ﴿٢٩﴾ هُنَالِكَ تَبْلُغُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا أَسْلَفَتْ وَرُدُّوا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمْ الْحَقَّ وَصَلَ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْعَرُونَ ﴿٣٠﴾

ریزدرب: ای مردم! به این عاقبت حتمی تان بیندیشید.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لُبّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ می فرماید: کافران در قبول امکان دریافت وحی بوسیله آدمی زاد مشکل دارند و از اینهمه آیات واضح الهی غافلند و سرانجام آخرتی مومن و کافر تفاوت بسیار زیادی با یکدیگر دارد، پس ای مردم موضوع به این اهمیت را دست کم نگیرید.

در این پاراگراف می فرماید: «آدمیزاده، اکثراً، نادان و ناسپاس است»، ای پیامبر! حوزه ماموریت این است. رسالت هم این است که روی این مخلوقاتم کار کنی و آنها را ارتقاء دهی.

۴- سوالات

۱- بکار بردن کلمه «مکر» (آنطور که در آیه ۲۱ بکار رفته) استفاده از چه نوع سخن گفتن است؟ (مبالغه؟ کنایه؟ یا...؟)

۲- منظور از «رسلنا» (آیه ۲۱) چیست؟ (پیامبران؟ ملائکه حافظ اعمال؟ یا...؟)

۳- ذکر رفتاری که در آیه ۲۲ نشان داده شده، برای چیست؟ (مثالی برای موضوع آیه ۲۱؟ یا...؟)

۴- چرا در اینجا، خداوند، هم از ضمیر «ما» (اذقنا ایاتنا رسلنا لینا ننبئکم) و هم از ضمیر «من» (هو یسیّر انجاهم) استفاده فرموده؟

۵- «دنیا» (آیه ۲۴) به معنی لغوی بکاررفته یا اصطلاحی؟

۶- منظور از «دارالسلام» (آیه ۲۵) چیست؟

۷- ابتدا و انتهای دقیق مثال مطرح شده در آیه ۲۴ را مشخص نمائید.

۸ - چرا در آیه ۲۴ از ضمیر «ما» (انزلنا امرنا جعلنا نفضل) استفاده فرموده؟ و چرا در آیه ۲۵ ضمیر «من» (یدعوا یهدی یشاء) را ترجیح داده؟
۹ - در همان آیه ۲۴ مفهوم دنیا یکبار به معنی لغوی آمده و یکبار به معنی اصطلاحی، (دقت کنید)، موضوع را بطور واضح توضیح دهید.

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

از آیه ۱۳ فهمیده میشود که اوضاع مخالفان آنحضرت شبیه اقوام سابق هلاک یافته بوده، اما اینکه از چه لحاظ چنین بوده، از آنجا روشن میشود که سایر آیاتی را که حاوی «وما کانوا لیومنون» است را ملاحظه کنیم، در صورت چنین ملاحظه ای معلوم میشود که «معیشت» آنها طوری سامان یافته بود که با تعالیم پیامبرانشان کاملاً در تضاد بود، و این نکته بما نشان میدهد که رفاهی که در پاراگراف های قبل مورد اشاره قرار گرفته، حاصل از نظام حاصل از بت پرستی بود، و به عبارت دیگر آنها نان بت پرستی میخوردند و نمیتوانستند گرایش مثبتی به تعالیم آنحضرت نشان دهند، و از همین نکته معلوم میشود اینکه در آیه ۱۵ میگفتند یک قرآن دیگری برایمان بیاور و در آیه ۲۰ میگفتند چرا از سوی خدایش معجزه ای بر او نازل نمیشود از باب بهانه تراشی و فرار بوده است.

از آیه ۲۱ به وضوح فهمیده میشود که کمی قبل از نزول آن آیه وضعیت ناراحت کننده ای (مثلاً قحطی یا ناراحتی معیشتی عمومی دیگر) حکمفرما بوده و به تازگی برطرف شده، و مخالفان آنحضرت بجای اینکه شکر خدا را در پیش گیرند رفتاری در خلاف آن انجام میداده اند.

«قادرون علیها» در آیه ۲۴، مرکز ثقل تفکرات مخالفان رسول خدا (ص) بوده، به عبارت دیگر آنها این تصور را داشتند که «ایام به کام» خواهند ماند، و همین تصور آنها را در مخالفت با آنحضرت استوار نگاه میداشت، که البته همانطور که کمی قبل هم دیدیم، این، با صفات آن محافظه کاران پیشگفته مطابق است.

چنانکه فوقاً دیدیم، در این پاراگراف می فرماید: ای پیامبر! رسالت این است که روی این مردم کارکنی و آنها را ارتقاء دهی، پس حوصله کن و صبور باش.

قابل حدس است که آنحضرت که حدود شش سال است که از چشیدن اولین شیرینی وحی فاصله گرفته، و فعلاً تا گلو در مشکلات بار رسالت فرو رفته، در دل گذرانده باشد که «خدایا مُردم! پس چرا این کافران مزاحم زبان نفهم را مانند اقوام سلف نابود نمیکنی؟»

لذا این پاراگراف در درجه اول خطاب به آنحضرت است که اینقدر عجله نداشته باشد و در درجه دوم خطاب به پیروانش است که چه خبر است؟ یک لا اله الا الله گفته اید و انتظار دارید به طرفه العینی همه چیز درست شود؟ در مقابلتان آن خیل عظیم محافظه کاران خواهان ثبات وضع موجود را نمی بینید؟

۶- زاویه با تفاسیر رایج

(المیزان): " وَ لَوْ يُعَجِّلُ اللَّهُ لِلنَّاسِ الشَّرَّ اسْتِعْجَالَهُمْ بِالْخَيْرِ ..."

تعجیل در هر چیز به معنای آوردن آن به سرعت و عجله است، و استعجال به چیزی به معنای آن است که بخواهیم چیزی به سرعت و عجله حاصل شود و کلمه "العنه" به معنای حیرت شدید است. و معنای آیه این است که: اگر خدای تعالی در رساندن شر- که همان عذاب است- به مردم عجله می‌کرد، همانطور که خود مردم در رسیدن به خیر و نعمت عجله می‌کنند، هر آینه عذاب را بر آنان نازل می‌کرد و اجلسان را پایان می‌داد و لیکن خدای تعالی در رساندن شر به آنان عجله نمی‌کند. «استعجالهم بالخیر» خودش یک «شر» است، و معنی بهتر این است که اگر قرار باشد که خداوند «شر» عجله کردن مردم برای رسیدن به خواسته‌ها را دامنگیرشان کند وضع همگان خراب میشود اما خداوند معمولاً نمیگذارد اینطور شود و مهلت میدهد و ...

۷- آیات برجسته این پاراگراف

آیه ۱۹ از لحاظ معنای بلندی که در موضوع فلسفه تاریخ دارد، جزء آیات برجسته قرآنی است.

۸- در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

مکانیزم اجرائی آیه ۱۱ برای ما ساکنان قرن ۲۱ نیز روشن نیست چه رسد مخاطب های اولیه!

آیه ۱۳ از این لحاظ که مربوط به اقوامی است که در قبل از تاریخ بوده اند، و علم باستان شناسی آنقدر رشد نکرده که ما از اوضاع و احوال آنها مطلع باشیم، برای ما نیز روشن نیست، چه رسد به مخاطبان اولیه این آیات. همچنین است آیه ۱۹. آیات ۲۶ تا ۳۰ «قیامتی» است، و هیچ بنی بشری تجربه اش را ندارد، و قبل از قیامت نخواهد داشت، لذا، چه در آن روزهای نزول وحی و چه الی یوم القیامه بالاتر از ذهنیات بشر خواهد بود.

۹ - پیشگوئی های تحقق یافته

آیه ۱۵ شامل تحدی راجع به قرآن است که یکنوع پیشگویی دایر بر ناتوانی آنان به شرکت در این مبارزه هم هست که درست هم درآمده است. لحن محکم آیه ۲۰ تلویحا پیشگوئی غلبه مطلق آنحضرت را دارد، و دیده شد که چنین هم شد.

۱۰ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره ها ، تقریباً تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

انسان

مطالبی که در آیه ۱۲ ذکر شده مربوط به «اکثر انسان‌ها» است نه «همه انسان‌ها»

«به عجله خواستن» خیر، خودش شر است

آنچه در آیه ۱۱ آمده به این معنی است که «به عجله خواستن» خیر، برای بشر خیر نیست. یعنی اینکه خیر در آن است که براساس روال طبیعی برسد مثلاً بچه پس از نه ماه از رحم مادر خارج شود، و کارنامه قبولی پس از گذراندن کلاس و خواندن درس و حل تمرین‌ها بدست بیاید و مثالهای دیگر.

نان بت پرستی

جمله «وَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا» در آیه ۱۳ (اینطور نبود که ایمان بیاورند) اینطور قابل فهم است که معیشت مردم مذکور در گرو نظام شرک مورد مخالفت انبیاءشان بود، یعنی آنها در حالیکه نان بت پرستی میخوردند چگونه میتوانستند تعالیم ضد بت پرستی انبیاء را هم بپذیرند؟

اشتباه نکنید

موضوعی که در آیه ۲۴ آمده همان موضوعی است که خداوند در «داستان باغ» در سوره قلم مثال زده است.

نکته‌ای که باید مورد توجه باشد این است که این موضوع کلیت ندارد و یک اتفاق

همیشگی نیست که نعمتهای این جهانی این افراد خاطی همواره به چنان سرنوشتی برسند.

بلکه گاه گاهی، و در حالت شدت کفر و تکذیب، و پس از اتمام حجت‌های کامل، این نوع اتفاق‌ها می‌افتد (که ناگهان تمام نعمت و صاحبانشان از بین بروند)

ترجمه تفسیری آزاد

و اگر خداوند شرّ «به عجله خواستن خیر» را برایشان تعجیل کند اجلشان فرا میرسد، ولی آنانی را که امیدی به ملاقاتمان ندارند در طغیانشان به سرگردانی رها میکند (۱۱)

ای مردم! اگر انسان به ناراحتی دچار شود ما را به پهلو و نشسته و ایستاده به دعا میخواند، اما پس از اینکه ناراحتی برطرف شد چنان میگذرد که انگار اصلا ما را برای ناراحتی که برایش پیش آمده بود نخوانده است. برای اسرافگران اعمالشان چنین آراسته شده است (۱۲) و البته گروههای زیادی را قبل از شما وقتیکه ظلم کردند هلاک کردیم. همانها که رسولانشان بادلایل روشن بسویشان آمده بودند، اما آنها ایمان آور نبودند. ما مجرمان را چنین سزا میدهیم (۱۳) آنگاه شما را پس از آنها جانشینانی قرار دادیم تا ببینیم چگونه رفتار میکنید (۱۴)

ای پیامبر! هنگامیکه نشانه‌های روشن ما بر آنها خوانده میشود آنانکه ملاقات ما را امید ندارند میگویند قرآنی غیر از این بیاور یا تغییرش بده. بگو مرا نمیرسد که از جانب خویش تغییری در آن بدهم، جز این نیست که چیزی را که بسویم وحی میشود پیروی میکنم. من میترسم در صورت نافرمانی نسبت به پروردگارم به عذاب روزی بزرگ دچار شوم (۱۵) بگو اگر خواست خدا نبود آنرا بر شما نمیخواندم و شما را به آن آگاه نمیکردم و قبل از آن نیز مدتی طولانی در میان شما زیسته‌ام آیا تعقل نمی‌کنید؟ (۱۶) پس چه کسی ظالم تر است از کسی که به خدا افترای دروغ بندد و یا آیاتش را تکذیب کند؟ البته او مجرمان را رستگار نمی‌کند (۱۷) و غیر از خدا چیزی را که نفع و ضرری برایشان ندارد عبادت می‌کنند و میگویند اینها شفیعان ما نزد خدا هستند. بگو آیا چیزی را به خداوند نسبت میدهید که خودش در آسمانها و زمین اطلاعی از وجودش ندارد؟ خداوند منزّه و بالاتر است از آنچه با او شریک می‌کنند (۱۸)

و مردم جز یکجور نبودند، و بعدا مختلف شدند. و اگر کلمه ای از جانب پروردگارت قبلا صادر نشده بود، حتما درباره آنچه اختلاف میکردند بین آنها حکم میشد (۱۹) و میگویند چرا معجزه ای از جانب پروردگارش بر او نازل نمی شود؟ بگو جز این نیست که غیب از آن خداست. پس منتظر باشید که من نیز با شما در انتظارم (۲۰)

و هنگامیکه رحمتی پس از ناراحتی به مردم بچشانیم فوراً در آیاتمان نیرنگی میکنند. بگو تدبیر خدا سریعتر است. البته فرشتگان فرستاده ما آنچه را که آنها نیرنگ میزنند می نویسند (۲۱)

هموست که شما را در خشکی و دریا میگرداند، تا اینکه چون در کشتی شوید، و با بادی خوشایند راه رود، و شما از آن شاد شوید، بادی سخت بوزد و امواج از هر سو بیاید، و بدانید که احاطه شده اید، در آن حالت دین خود را برای خدا خالص کرده و او را به دعا میخوانید که اگر از این نجاتمان دهی حتماً از شاکران خواهیم بود (۲۲) اما هنگامیکه نجاتشان میدهیم فوراً در زمین به ستمگری ناحق می پردازند. ای پیامبر! بگو ای مردم! جز این نیست که ستمگری تان به ضرر خودتان است. نتیجه اش برای شما، اندک برخورداری از زندگی دنیاست، سپس بازگشت تان بسوی ما است و شما را به آنچه انجام میدادید آگاه خواهیم کرد (۲۳)

جز این نیست که مثال زندگی دنیا مانند آبی است که از آسمان فرو میفرستیم که با روئیدنی های زمین که خوراک آدمی و چارپایان است مخلوط میشود تا اینکه آن زمین پر زینت و قشنگ میشود و مردم فکر میکنند بر آن توانائی دارند، تا اینکه امرمان شب یا روز به آن میرسد و چنان درو میکند که انگار دیروز اصلاً نبوده. ما بدین گونه آیات را برای اهل تفکر تشریح میکنیم (۲۴)

و خداوند به سوی خانه صلح و سلامت دعوت میکند، و هر که را که لایق ببیند بسوی جاده ای مستقیم هدایت مینماید (۲۵) نیکوکاران نیکوئی و زیادت خواهند داشت و چهره شان را غبار و خواری فرا نمی گیرد. آنها اهل بهشت و در آن جاودانند (۲۶) و کسانی که بدی را ها کسب کرده اند سزای هر بدی به مانند آن خواهد بود و ذلت فرا میگردشان و چیزی در مقابل خداوند محافظتشان نمی کند. مانند آن است که چهره هاشان را قطعاتی از شب تاریک پوشانده باشد. آنها اهل آتشند و در آن جاودانند (۲۷)

و روزی که همگی شان را گرد آوریم و سپس به مشرکان بگوییم شما و شرکایتان در جایگاه خویش باشید. و بین آنها جدائی افکنیم و شرکاء میگویند شما اصلا ما را عبادت نمیکردید (۲۸) و خداوند به عنوان گواه بین ما و شما کافی است، ما از عبادت شما غافل بودیم (۲۹) آنجاست که هر چه را هر کس پیشاپیش فرستاده ارزیابی میکنیم و آنچه که حق است بسوی مولایشان که خداوند باشد برمیگردد و آنچه که افترا باشد از نزدشان گم میشود (۳۰)

یونس ۳ آیات ۳۱ تا ۵۷

قُلْ مَنْ يُرِزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَمَّنْ بِمَلِكِ السَّمْعِ وَالْأَبْصَارِ وَمَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَنْ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿٣١﴾ فَذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ الْحَقُّ فَمَاذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ فَأَنَّى تُصْرَفُونَ ﴿٣٢﴾ كَذَلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ فَسَقُوا أَنَّهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٣٣﴾ قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ قُلِ اللَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ ﴿٣٤﴾ قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ قُلِ اللَّهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ﴿٣٥﴾ وَمَا يَتَّبِعُ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ ﴿٣٦﴾ وَمَا كَانَ هَذَا الْقُرْآنَ أَنْ يُفْتَرَىٰ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٣٧﴾ أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٣٨﴾ بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِطُوا بِعَلَمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ ﴿٣٩﴾ وَمِنْهُمْ مَنْ يُؤْمِنُ بِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهِ وَرَبُّكَ أَعْلَمُ بِالْمُفْسِدِينَ ﴿٤٠﴾ وَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ لِي عَمَلِي وَلَكُمْ عَمَلِكُمْ أَنْتُمْ بَرِيئُونَ بِمَا أَعْمَلُ وَأَنَا بَرِيءٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿٤١﴾ وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ أَفَأَنْتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ وَلَوْ كَانُوا لَا يَعْقِلُونَ ﴿٤٢﴾ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْظُرُ إِلَيْكَ أَفَأَنْتَ تَهْدِي الْعُمْيَ وَلَوْ كَانُوا لَا يُبْصِرُونَ ﴿٤٣﴾ إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَكِنَّ النَّاسَ أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿٤٤﴾ وَيَوْمَ يُحْشَرُهُمْ كَأَنْ لَمْ يَلْبَسُوا إِلَّا سَاعَةً مِنَ النَّهَارِ يَتَعَارَفُونَ بَيْنَهُمْ قَدْ حَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ ﴿٤٥﴾ وَإِنَّمَا نُرِيكَ بَعْضَ الَّذِي نَعْدُهُمْ أَوْ نَتَوَفِّيكَ فَأَلَيْنَا مَرْجِعَهُمْ ثُمَّ اللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ ﴿٤٦﴾ وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ فَحُضِّي بِبَنِيهِمْ بِالنَّاسِطِ وَهُمْ لَا يَظْلُمُونَ ﴿٤٧﴾ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٤٨﴾ قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي ضَرًّا وَلَا نَفْعًا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ إِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَلَا يَسْتَأْذِنُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ ﴿٤٩﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُهُ بَيَاتًا أَوْ نَهَارًا مَاذَا يَسْتَعْجِلُ مِنْهُ الْمُجْرِمُونَ ﴿٥٠﴾ أَمْ إِذَا مَا وَقَعَ آمَنْتُمْ بِهِ آلَانٍ وَقَدْ كُنْتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ ﴿٥١﴾ ثُمَّ قِيلَ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا بِمَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ ﴿٥٢﴾ وَيَسْتَبِينَوْكَ أَحَقُّ هُوَ قُلْ إِي وَرَبِّي إِنَّهُ حَقٌّ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ ﴿٥٣﴾ وَلَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ مَا فِي الْأَرْضِ لَافْتَدَتْ بِهِ وَأَسْرُوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ وَفُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يَظْلُمُونَ ﴿٥٤﴾ أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَلَا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٥٥﴾ هُوَ يُخْبِي وَيُخْشِي وَيُؤْتِي وَيُؤْتِي وَيُؤْتِي وَيُؤْتِي وَيُؤْتِي يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ ﴿٥٧﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:

طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:

درس: ای پیامبر با جدیت کار رسالتت را پی گیر . تو و پیروانت در مقابل کافران

بی منطق و غافل ، دردنیا پیروز و در آخرت نجات یافته خواهید بود.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب : ای پیامبر! با کافران گفتگو کن، اشکالات فکری آنان را برایشان بشکاف، هشدارشان ده و توجهشان را به آخرت جلب کن و صبور باش و با آنان چنین بگو و توجه مردم را به فرق خداوند و شریکانی که برای خدا تصور کرده اند جلب کن، و ای مردم! به صفات الهی و موقعیت خودتان در پیشگاه او توجه کنید.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

قُلْ مَنْ يُرِزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَمَّنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَمَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَنْ يَدْبِرُ الْأُمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿٣١﴾ فَذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ الْحَقُّ فَمَاذَا بَعَدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ فَإِنِّي تُصْرَفُونَ ﴿٣٢﴾ كَذَلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ فَسَقُوا أَنَّهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٣٣﴾ قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ قُلِ اللَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ فَإِنِّي تُؤْفَكُونَ ﴿٣٤﴾ قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ قُلِ اللَّهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ﴿٣٥﴾ وَمَا يَتَّبِعْ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ ﴿٣٦﴾

ریزدرب : ای پیامبر! فرق خداوند و شرکاء خیالی شان را برایشان تشریح کن.

۲

وَمَا كَانَ هَذَا الْقُرْآنُ أَنْ يُفْتَرَىٰ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٣٧﴾ أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا مَنِ اسْتَعْظَمْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٣٨﴾

ریزدرب : ای مردم! اهمیت و جایگاه والای این قرآن را درک کنید.

۳

بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَاْتِهِمْ ثَأْوِيلُهُ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ

الظَّالِمِينَ ﴿٣٩﴾ وَمِنْهُمْ مَنْ يُؤْمِنُ بِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهِ وَرَبُّكَ أَعْلَمُ بِالْمُفْسِدِينَ ﴿٤٠﴾
 وَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ لِي عَمَلِي وَلَكُمْ عَمَلُكُمْ أَنْتُمْ بَرِيءُونَ مِمَّا أَعْمَلُ وَأَنَا بَرِيءٌ مِمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٤١﴾ وَمِنْهُمْ
 مَنْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ أَفَأَنْتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ وَلَوْ كَانُوا لَا يَعْقِلُونَ ﴿٤٢﴾ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْظُرُ إِلَيْكَ
 أَفَأَنْتَ تَهْدِي الْعُمْيَ وَلَوْ كَانُوا لَا يُبْصِرُونَ ﴿٤٣﴾

ریزدرب: ای پیامبر! این تکذیبگران مشکل دارند، لذا فعلا کمی با آنان مدارا کن.

٤

إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَكِنَّ النَّاسَ أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿٤٤﴾ وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ كَأَنْ لَمْ يَلْبَسُوا إِلَّا
 سَاعَةً مِنَ النَّهَارِ يَتَعَارَفُونَ بَيْنَهُمْ قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ ﴿٤٥﴾
 وَإِنَّمَا تَرِيَّتْكَ بَعْضَ الَّذِي نَعُدُّهُمْ أَوْ تَتَوَقَّيْتِكَ فَإِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ اللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ ﴿٤٦﴾
 وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رُسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رُسُولُهُمْ فُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿٤٧﴾

ریزدرب: ای مردم! به این عاقبت حتمی تان بیندیشید.

٥

وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٤٨﴾ قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي ضَرًّا وَلَا نَفْعًا إِلَّا مَا
 شَاءَ اللَّهُ لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ إِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَلَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَأْجِرُونَ ﴿٤٩﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ
 إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُهُ بَيَّاتًا أَوْ نَهَارًا مَادَّا يَسْتَغْجِلُ مِنْهُ الْمُجْرِمُونَ ﴿٥٠﴾ أَلَمْ إِذَا مَا وَقَعَ آمَنْتُمْ بِهِ
 آلآنَ وَقَدْ كُنْتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ ﴿٥١﴾ ثُمَّ قِيلَ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا بِمَا
 كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ ﴿٥٢﴾ وَنَسْتَنْبِئُكَ أَحَقُّ هُوَ قُلْ إِي وَرَبِّي إِنَّهُ لِحَقِّ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ ﴿٥٣﴾
 وَلَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ مَا فِي الْأَرْضِ لَافْتَدَتْ بِهِ وَأَسْرُوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ وَقُضِيَ
 بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿٥٤﴾

ریزدرب: ای پیامبر! کمی دیگر صبر کن، اینک آثار نفوذ تعالیمت آشکار شده است.

٦

أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَكِنْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٥٥﴾ هُوَ نُجِي
 وَيُمِيتُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٥٦﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ
 وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿٥٧﴾

ریزدرب: ای پیامبر! کمی دیگر صبر کن، میدانی که «همه چیز» دست خداست!

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

نَبِّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ می فرماید: کافران در قبول امکان دریافت وحی بوسیله آدمیزاد مشکل دارند و اینهمه آیات واضح الهی غافلند و سرانجام آخرتی مومن و کافر تفاوت بسیار زیادی با یکدیگر دارد، پس ای مردم موضوع به این اهمیت را دست کم نگیرید.
در پاراگراف ۲ می فرماید: «آدمیزاده، اکثراً، نادان و ناسپاس است»، ای پیامبر! حوزه ماموریتت این است. رسالت هم این است که روی این مخلوقاتم کارکنی و آنها را ارتقاء دهی.

در این پاراگراف با توجه دادن مردم به آنهمه نعمتی که لحظه به لحظه از سوی درگاه ربوبی دریافت میکنند عواطف انسانی شان برای پیدایش رفتارشاگرانه تحریک میگردد تا به خود آیند و به خداوند رو کنند و نیز اینکه به کیفیت بسیارمتعالی قرآن و اینکه هیچ بشری نمیتواند چیزی مانند آن را به وجود بیاورد توجه کنند و دست از این اوهامی که گرفتارشان کرده بکشند و خودرا یکسره در راه صحیح قرار دهند، و اینکه ای پیامبر! اینک که عده زیادی از این مردم نسبت به امکان صحت تعالیمت کنجکاو شده اند، توجه آنان را به جوانب مختلف موضوع آخرت جلب کن.

۴- سوالات

- ۱- چرا خداوند از ضمیر «من» (یرزق یملک یخرج یخرج یدبر یبدا یعید یبدا یعید یبدا یعید یهدی یهدی یهدی) استفاده فرموده؟
- ۲- تفاوت معنی کلمه «حق» را در آیه های ۳۲ و ۳۵ بیان کنید .
- ۳- با توجه به آیه ۳۱، «روزی دادن» از آسمان به چه معنی است؟

- ۴ - «ال» در «الکتاب» (آیه ۳۷) الف لام معرفه است یا جنس؟
- ۵ - «الکتاب» مطرح در آیه ۳۷ با کدام «الکتاب» در سوره های قبل همطراز است؟ (آیه های اول سوره زخرف؟ یا . . ؟)
- ۶ - منظور از «وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ» (آیه ۳۹) چیست؟
- ۷ - «كذلك» (آیه ۳۹) به چه اشاره میکند؟
- ۸ - «مفسدین» در آیه ۴۰ شامل چه کسانی است؟
- ۹ - از نیمه اول آیه ۴۵ چه سابقه ای در سوره های قبلی دارید؟
- ۱۲ - در زمان نزول این آیات، مخالفت های اصلی مخالفان پیامبر در چه زمینه هایی بود؟
- ۱۳ - «هم» در «اکثرهم» (آیه ۵۵) اشاره به چه کسانی دارد؟
- ۱۴ - در آیه ۵۷ منظور از «موعظه» چیست؟ (این پاراگراف؟ این سوره؟ کل قرآن از ابتدای نزول تا اینجا؟ یا . . ؟)

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

المیزان در ذیل آیه ۳۱ میگوید مخاطب های آن روزها این مطالب را قبول داشتند، و این خطا است، زیرا اگر قبول داشتند پس مشکل آنحضرت با آنان چه بود؟ علت اینکه المیزان چنین به خطا رفته، این است که «س» در «سیقولون» را (که به آینده نزدیک اشاره دارد)، یک بازه زمانی در حدود صفر گرفته! البته به نظر ما، مانند «سیعلمون» ها در آیات دیگر، این «س» به بازه زمانی از زمان نزول این آیه تا زمان فتح مکه مربوط است که نوعی «علم حاصل از اعتقاد صحیح» یافته بودند. (برای درک بهتر، توضیحات ما را ذیل ۳ مورد «سیقولون» های سوره مومنون ملاحظه بفرمایید.

در هر حال، با توجه به آیه ۳۱، آنها در آن روز ها، به رازقیت خداوند، و تدبیر امور از سوی او، و دخالت در هدایت بشر، اعتقادی نداشتند.

از آیه ۳۶ فهمیده میشود مخالفان آنحضرت به اعتقاداتشان چندان مطمئن نبودند، و از آیه ۴۰ فهمیده میشود عده ای از آنان تمایل به پذیرفتن تعالیم آنحضرت داشتند (اما اگر این کار را نمیکردند به علت عوامل دیگری نظیر ترس از به خطر افتادن بعضی از منافع شان بود) و از آیه ۳۹ فهمیده میشود عده ای از آنان تمایل به نوعی «معامله» بین خویش و آنحضرت را داشتند، که از سوی آنحضرت، با توجه به آیه ۴۱، به علت نهی شدید الهی مورد موافقت قرار نمیگرفت، و از آیه های ۴۲ و ۴۳

فهمیده میشود عده ای، هم علاقمند بودند و هم به علت ضعف شخصیت، نمیتوانستند تصمیم بگیرند که بالاخره چه باید بکنند.

در آیه ۴۸ نقل قول می‌کند که «يقولون متی هذا الوعد...» (= این وعده (قیامت) کی خواهد بود ...). که این البته عادی است و کافران همیشه این (به اصطلاح خودشان «ایراد») را می‌گرفتند، اما در آیه ۵۳ نقل قول می‌کند که «یستنبئونک احق هو؟» (= از تو خبرگیری می‌کنند که این [یعنی وعده قیامت] راست است؟)

این قسمت از این لحاظ قابل توجه است که پس از این که کار رسالت پیامبر(ص) به اینجا (یعنی نزول این سوره) رسیده بود، واقعاً پیام‌های وحی در دل عده زیادی نفوذ کرده بود و آنها واقعاً «مسئله‌دار» شده بودند که نکند حرف‌های این آقا (یعنی پیامبر - ص) - راست باشد و ما در اثر گوش ندادن به حرف‌های او ضرر کنیم و در قیامت (اگر درست باشد، و اساساً قیامتی در کار باشد) جزء ضرر کرده‌ها باشیم؟

بنابراین این مقطع (یعنی زمان نزول این سوره) را باید نوعی نقطه عطف حساب کرد که عده‌ای دغدغه خاطر پیدا کرده و می‌خواستند تصمیم بگیرند و با خودشان مشکل پیدا کرده و بر سر دو راهی قرار گرفته بودند و گر چه فشار روی مسلمانان خیلی زیاد بود، اما در این مقطع زمانی در اردوی مخالفان داشت شکاف ایجاد می‌شد که ابتدای آن این نوع دغدغه‌های خاطر بود.

کسی که به این نوع ادبیات آشنا باشد می‌داند که فرق زیادی است بین «يقولون» و «یستنبئونک»

البته صاحبان «يقولون» همان سران کفار بودند و صاحبان «یستنبئونک» اقشار وسیعی از مردم عادی.

همچنین از آیه ۴۶ و کلمه «نتوفینک» میتوان حدس زد که مخالفان فعال آنحضرت بطور جدی نقشه قتلش را بررسی و راجع به آن تصمیم‌گیری میکردند، و خداوند به آنحضرت مطابق متن آیه دل‌داری میدهد، یکی از آنجهت که مرگ احتمالش را به خویش نسبت میدهد و دیگر اینکه خداوند مراقب اعمالشان هست.

از آیه ۵۵ فهمیده میشود هنوز مشکل اصلی مردم معاصر نزول، قبول مالکیت مطلق خداوند و وقوع قیامت بود.

۶- زاویه با تفاسیر رایج

۱- مطلبی که فوقاً، تحت عنوان «حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها» از المیزان نقل کرده ایم یکی از شواهد مربوط به تیتیر فوق است، که در اینجا تکرار نمیکنیم.

۲: (المیزان): «وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ» اشاره به روز قیامت دارد، و می فهماند آن روز که روز کشف حقایق از یک سو و باز شدن فهم بشر از سوی دیگر است همه این کفار تاویل حقایق و واقعیت معارف قرآن را می فهمند،

در تمام سوره های مرحله ششم تا آخر مرحله هفتم (ر.ک. ترتیب و زمان نزول سوره ها که در سایت هست) دارد به آنحضرت مژده پیروزی میدهد، لذا تاویلی که در اینجا بهتر می نشیند همان وقایعی است که قرار است به زودی اتفاق بیفتد، یعنی هجرت و جنگ بدر و فتح مکه و امثال آنها.

به عبارت دیگر خطا دو تا است :

- ۱- در نظر نگرفتن عصاره محتوای سوره که حاوی وعده پیروزی نزدیک می باشد
- ۲- خطای عادی تفسیری راجع به تفسیر مطلب به یکی از مصادیق آن (قیامت)

۷- پیشگویی های تحقق یافته

آیات ۳۷ تا ۳۹ معرف موقیعت محکم قرآن بوده و حاکی از یک معجزه واضح هم هست.

در آیه ۳۸ کافران را دعوت می کند که مگر شما نمی گوید پیغمبر قرآن را از خودش درآورده و به خدا نسبت داده؟ اگر چنین باشد که یک نفر بشر بتواند چنین مطالبی را از پیش خود بسازد، پس در این صورت شما هم باید قادر به این کار باشید لذا اگر حرفتان درست است شما هم لااقل سوره ای مانند آن بیاورید.

از آنجا که از آن تاریخ تاکنون، به این مبارزطلبی پاسخ داده نشده، این آیه نیز یکی از پیشگوییهای تحقق یافته بوده و معجزه است.

اینکه در آیه ۳۸ گواهی غیر از خدا را خواسته به این معنی است که ممکن است کسی چیزی را سر هم کند و بگوید «بفرمائید این هم سوره ای مانند قرآن» در آن صورت تشخیص اینکه آیا آن چیزی که آن شخص آورده واقعاً همانند» و «همطراز» و «هم‌ارز» قرآن هست یا نه با چه کسی است؟

کارشناس و قاضی تشخیص این همانندی و هم‌طرزی و هم‌ارزی کیست؟ از آیه فهمیده می شود که تشخیص آن با «غیر خدا» است.

نزدیکترین مصداق تشخیص که «غیر خدا» هم باشد، کیست جز انسان؟ اما مطلبی که در آیه ۳۹ آمده بسیار قابل توجه است. بله. آنکس که بگوید پیغمبر قرآن را از خودش ساخته و به خدا نسبت داده، در حقیقت قرآن را نشناخته است و با وجود اینکه بیش از ۱۴۰۰ سال از نزول قرآن گذشته، و بشر از لحاظ علوم تجربی و غیره اینهمه پیشرفت نموده، هنوز هم قرآن بسیار بسیار جلوتر است و هنوز هم حتی بشر امروزی نمی‌تواند ادعا کند که به قرآن «حاطه» یافته و هنوز هم عاجز است که چیزی همانند و هم‌تراز و هم‌ارز قرآن را بیاورد چه رسد به بشر آن زمان، با آن درجه از تمدن و علم و فن و عقل‌شان.

۸ - آیات برجسته این پاراگراف

آیه های ۳۷ و ۳۸ جزء مجموعه «آیات تحدی» است، و برجستگی آنها یکی از همین لحاظ است، و یکی هم از لحاظ استقبال هنرمندان و نیز وعاظ و نویسندگان مختلف از این آیات، در کارهای هنری و نیز در کارهای نویسندگی و یا خطابه‌ها و مواعظشان میباشد.

۹ - در این پاراگراف، کدام فقرات، فوق ذهنیات معاصران نزول است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه های ۴۶ و ۵۰ و ۵۱ و ۵۲ و ۵۴ «قیامتی» است، و هیچ بنی بشری تجربه اش را ندارد، و قبل از قیامت نخواهد داشت، لذا، چه در آن روزهای نزول وحی و چه الی یوم القیامه بالاتر از ذهنیات بشر خواهد بود.

۱۰ - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟

کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته، در طول این مدت طولانی، از نزول این سوره تا به امروز، از لحاظ تحت اللفظی تغییر معنایی چندانی نیافته، و لذا مخاطب های اولیه نیز از این پاراگراف همان تلقی را میداشته اند که ما. یکی ممکن است معترض شود که «یعنی چه که بسیار این تیتراژ را تکرار میکنی و این جواب ثابت را هم زیرش میدهی؟» در این خصوص باید خاطر نشان کنیم که یک شبهه ای اخیرا در سطح وسیع القا شده که مطالب قرآن اول باید از این لحاظ چک شود که معاصران نزول از آن چه

می فهمیده اند. ما هم با بیان دلیل فوق در حقیقت داریم پاراگراف به پاراگراف آن شبهه را چک میکنیم.

آنچه تا کنون فهمیده ایم این بوده که معاصران نزول، از لحاظ تحت اللفظی اکثر قریب به اتفاق حجم قرآن را همانطور می فهمیده اند که ما امروز می فهمیم.

۱۱ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیه های ۳۱ و ۳۳ و ۳۶ و ۳۸ و ۴۴ و ۴۵ و ۴۸ بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است .

شرح مختصر

فرق است بین یقولون و یستنبنونک

در آیه ۴۸ میفرماید «یقولون متی . . .» اما در آیه ۵۳ میفرماید «یستنبنونک احق هو؟ . . .»

اولی کلام عادی و پر تکرار مکذبان است که قبل از نزول این سوره میدیدیم که برای تکذیب آنحضرت دائما آن جمله را بکار میبردند.

اما در زمان نزول این سوره، در اردوگاه مخالفان آنحضرت شکاف سنگینی اتفاق افتاده که با بکاررفت کلمه یستنبنونک به آشکارا حسش میکنیم.

در حقیقت نزول این سوره و این آیه یک نقطه عطف است در تاریخ ۲۳ ساله نزول وحی.

و لما یاتهم تاویله (آیه ۳۹)

اکثرا کلمه تاویل را چنان معنی میکنند که گویا معنی تفسیر را میدهد.

در حالیکه تفسیر صیغه انسانی دارد و تاویل معنی حقیقت را دارد.

مثالی که میتوان زد این است که در قرآن مطالبی آمده که ما نمیتوانیم آنها را درک کنیم اما میتوانیم یک تصور کایکاتوری و مینیاتوری از آن داشته باشیم، مثلا وقتی که میفرماید جنات تجری من تحتها الانهار ما میتوانیم یک تصویری در ذهن خویش از آن داشته باشیم که هیچ گویای حقیقتی که خود آنها را نمایندگی کند نیست، زیرا اساسا ما عاجزیم که آنها را تصور کنیم.

ما در این سلسله تفسیرات مثال جنین و این جهان را زده ایم و گفته ایم که جنین اساسا نمیتواند این دنیا را تصور کند و هیچ جوری نمیشود این دنیا را برایش توصیف کرد، مانیز، به همین قیاس عاجز از تصور جهان بعدی هستیم.

آنچه که پس از مرگ و سپس قیامت و بعد از آن خواهیم دید «تاویل» این جنات تجری من تحتها الانهار های قرآن است.

در قرآن مطالبی که هنوز تاویلش در جهان واقع ظاهر نشده، و به وقوع نپیوسته، بسیار زیاد است، مثلا «ونريد ان نمن على الذين استضعفوا . . .» و « . ليطهره على الدين كله . . .» و و و که تازه اینها مربوط به وقایعی است که در همین دنیا اتفاق خواهد افتاد، چه رسد به وقایعی که در آخرت اتفاق خواهد افتاد که ذهن ما اصلا اصلا کشش و استعداد درک آنها را هیچ ندارد فعلا.

و این لما یاتهم تاویله که در آیه مذکور آمده، بنا به قرینه، مربوط به حقایقی است که در همین جهان اتفاق خواهد افتاد، چنانکه مثالهایی زده ایم.

این سوره و این پاراگراف

اکثر قریب به اتفاق سوره ها، «خوش پاراگراف» اند، مانند سوره فجر که ابتدا و انتهای پاراگراف ها را به سهولت میتوان تشخیص داد.

اما، این سوره و سوره انعام چنین نیستند، و در این سوره بخصوص، اگر بخواهیم بطور دقیق پاراگراف بندی کنیم، تعداد پاراگراف ها آنقدر زیاد خواهد بود که مایه ملال خاطر خواننده خواهد شد.

اما، با توجه به دو آیه اول پاراگراف قبل، چون، فحوای مطلب این بوده که: ای پیامبر! این قوم تو است و رسالتت این است که اینها را ارتقاء دهی، لذا حوصله کن و با سختی های این ماموریت بخوبی درگیر شو، این سوره مجموعه ای است بسیار متنوع از تحذیر به قیامت، و تحذیر از اینکه مبادا مانند پیشینیان رفتار کنی و توجه دادن به آیات و نعمت های الهی و اینکه ماده اصلی دعوت این پیامبر حق و درست است و این قرآن از جانب خداست و اساسا نمیتواند از جانب غیر خدا باشد و است.

لذا، در این سوره، کل سوره را باید یک پاراگراف خیلی بزرگ حساب کرد، و اگر بخواهیم آنطور برخورد کنیم پاراگراف چنان طولانی خواهد بود که از آنطرف مایه ملال خاطر خواننده خواهد بود.

بنا بر هر دوی این محدودیت ها، ما راه میانه را در پیش گرفتیم و بطور سلیقه ای پاراگراف بندی کرده ایم که پاراگراف ها نه خیلی کوتاه و نه خیلی بلند باشد و البته راضی نیستیم و در عین حال پیشنهاد بهتر هم نداریم.

ترجمه تفسیری آزاد

ای پیامبر! به اینان بگو چه کسی از آسمان و زمین روزی تان میدهد؟ یا چه کسی مالک گوش و چشمهاست و چه کسی زنده را از مرده و مرده را از زنده در می آورد و چه کسی آن امر را تدبیر میکند؟ بزودی خواهند گفت خداوند است، بگو پس پروا نمی کنید؟ (۳۱) آن کسی که همه این امور به ید اوست، خداوند است، پروردگارش حق تان. اگر از چنین مطلب حقی روی برگردانید، غیر از آن جز گمراهی چیست؟ و به کجا روی میچرخانید؟ (۳۲)

ای پیامبر! بدینگونه کلمه پروردگارت بر فاسقان فرود آمد که ایمان نمی آورند (۳۳) بگو آیا آن شریکان شما هیچکدامشان آفرینش را آغاز و سپس آنرا تجدید می کند؟ بگو خداوند است که آفرینش را آغاز و تجدید میکند پس به اشتباه به کجا رو میکنید؟ (۳۴) بگو هیچکدام از آن شرکاء شما به سوی حق هدایت میکنند؟ بگو خداوند است که بسوی حق هدایت میکند. آیا کسی که بسوی حق هدایت میکند برای پیروی شایسته تر است یا کسی که خودش هدایتی ندارد مگر آنکه هدایت شود؟ پس چه تان است، چگونه قضاوت میکنید؟ (۳۵) ای پیامبر! اکثرشان از چیزی جز گمان پیروی نمیکند. البته گمان به هیچ وجه جای چیزی از حق را نمیگیرد. البته خداوند به آنچه انجام میدهند داناست (۳۶)

و این قرآن را نمیرسد که افتراپی و از جانب غیر خدا باشد ولیکن تصدیقی است بر آنچه قبل از خود بوده و تفصیل و تشریحی بر آن کتاب آسمانی است و شکی در آن نیست و از جانب پروردگار جهانیان است (۳۷) ای پیامبر! یا اینکه میگویند آنرا از پیش خودش درآورده و به خدا افترا بسته، بگو سوره ای مانند آن بیاورید و غیر از خدا هر کس را که توانستید به ارزیابی دعوت کنید اگر راست میگویید (۳۸) بلکه چیزی را تکذیب کردند که علم و احاطه ای به آن نیافته اند و هنوز حقیقت مطالب آن به آنان نرسیده، پیشینیان آنها نیز همین طور تکذیب میکردند. پس ببین عاقبت ظالمان چگونه خواهد بود (۳۹)

ای پیامبر! از اینان بعضی ها به آن ایمان می آورند و بعضی ها ایمان نمی آورند و خداوند به حال مفسدان داناست (۴۰) و اگر تکذیب کنند بگو عمل من برای من

و عمل شما برای شما. شما از عمل من بیزارید و من نیز از عمل شما بیزارم (۴۱) و کسانی از آنها بسوی تو گوش میدهند، اما تاثیری نمی پذیرند، مثال آنها مانند کر است که به نظر می آید گوش میدهد اما چیزی نمی شنود، آیا میتوانی به کر بشنوانی و تازه اگر عقل هم نداشته باشد؟ (۴۲) و کسانی از آنها بسوی تو نگاه میکنند آیا میتوانی کور را هدایت کنی و تازه اگر بصیرت هم نداشته باشد؟ (۴۳) البته خداوند به مردم ظلمی نمی کند ولیکن برخی از مردم به خویش ظلم میکنند (۴۴)

و روزی که در قیامت گردآوریشان کند چنان خواهد بود که گویی فقط ساعتی از روز را در قبر گذرانده اند و به هم آشنایی میدهند. البته کسانی که ملاقات خداوند را تکذیب نمودند خسران یافته اند و هدایت نیافتند (۴۵) و اگر بعضی از چیزهایی را که به آنان وعده میدهیم به تو بنمایانیم یا تو را به وفات برسانیم در هر حال بازگشتگاه آنها بسوی ما است و آنگاه خداوند است که گواه اعمالشان است (۴۶)

و هر گروهی رسولی دارد که وقتی رسولشان بیاید بین آنها به عدالت قضاوت میشود و مورد ظلمی واقع نمیشوند (۴۷) و میگویند این وعده قیامت کی خواهد بود اگر راست میگویند؟ (۴۸) بگو من مالک نفع و ضرری برای خویش، جز آنچه خدا خواهد نیست. برای هر گروهی سرآمدی است که وقتی برسد نه ساعتی تاخیر خواهد داشت و نه جلو خواهد افتاد (۴۹) بگو چه نظری داری؟ اگر عذاب خدا شبانه یا در روز به شما برسد؟ چه خواهید کرد؟ مجرمان چه عجله ای برای رسیدن به آن عذاب دارند! (۵۰) آیا فقط وقتی که بر شما فرود آمد به آن ایمان خواهید آورد؟ به آنان گفته خواهد شد: ایمان آوردن و آنهم الان؟ و این همان نیست که به عجله میخواستیدش؟ (۵۱) آنگاه به کسانی که ظلم میکردند گفته میشود عذاب جاودانی را بچشید. آیا جز سزای آنچه را که کسب کرده اید می بینید؟ (۵۲)

و از تو میپرسند آیا آن واقعا حق است؟ بگو بله بخدایم آن حق است و شما هم نمیتوانید جلوگیری کنید (۵۳) و اگر کسانی که ظلم کرده اند تمام آنچه را که در زمین هست مال آنها بود تا در مقابل رفع آن عذاب فدیة بدهند از آنها قبول نمیشود و وقتیکه آن عذاب را ببینند پشیمانی شان را پنهان میکنند و بین آنها عادلانه قضاوت میشود و هیچ ظلمی نمیشوند (۵۴)

بدانید که آنچه در آسمانها و زمین است از آن خداست. بدانید که وعده خدا حق است. ولیکن اکثر آنها نمیدانند (۵۵) هموست که زنده میکند و میمیراند و بسویش باز میگردید (۵۶)

ای مردم! موعظه ای از جانب پروردگارتان بسویتان آمده و چیزی که مایه شفای دلها و هدایت و مهربانی برای مومنان است، پس قدرش را بدانید (۵۷)

یونس ۴ آیات ۵۸ تا ۷۰

قُلْ يُضِلُّ اللَّهُ وَيُرْحِمُهُ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ ﴿٥٨﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ لَكُمْ مِنْ زُرْقٍ فَجَعَلْتُمْ مِنْهُ حَرَامًا وَحَلَالًا قُلْ اللَّهُ أَذِنَ لَكُمْ أَمْ عَلَى اللَّهِ تَفْتَرُونَ ﴿٥٩﴾ وَمَا ظَنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ ﴿٦٠﴾ وَمَا تَكُونُ فِي شَأْنٍ وَمَا تَتَلَوْنَهُ مِنْ قُرْآنٍ وَلَا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا إِذْ تُفِيضُونَ فِيهِ وَمَا يَغْرُبُ عَنْ رَبِّكَ مِنْ مِثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَلَا أَصْغَرَ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ﴿٦١﴾ أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٦٢﴾ الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ ﴿٦٣﴾ هُمْ الْبَشَرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٦٤﴾ وَلَا يَحْزُنكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٦٥﴾ أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَتَّبِعُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ شُرَكَاءَ إِنْ يَسْتَعِينُونَ إِلَّا الظَّنُّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ ﴿٦٦﴾ هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ لَتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُسْمِعُونَ ﴿٦٧﴾ قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحَانَ اللَّهِ هُوَ الْعَزِيزُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ إِنْ عِنْدَكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ بِهَذَا أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٦٨﴾ قُلْ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ لَا يُفْلِحُونَ ﴿٦٩﴾ مَتَاعٌ فِي الدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ نُذِيقُهُمُ الْعَذَابَ الشَّدِيدَ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ ﴿٧٠﴾

پیش تفسیر

۱- استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج می‌کنیم:

طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:

درس: ای پیامبر با جدیت کار رسالتت را پی گیری. تو و پیروانت در مقابل کافران بی منطق و غافل در دنیا پیروز و در آخرت نجات یافته خواهید بود.
برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: ای پیامبر! به پیروان واقعی خویش مژده بده و آنها را دلگرم کن و ضمن توجه دادن مردم به این صفات و آیات الهی، به کار رسالت خویش دلگرم باش، و ای مردم! بیاد قیامت بيفتید و حلال و حرام بیجا نکنید و بدنبال چیزهای بهتر و مهمتر باشید.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریزدرب کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ ﴿٥٨﴾

ریزدرب: ای پیامبر! به مردم نشان ده که چگونه اهمیت چیزی مهم تر را نسبت به چیزی کم اهمیت دریابند.

۲

قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ لَكُمْ مِنْ رِزْقٍ فَجَعَلْتُمْ مِنْهُ حَرَامًا وَحَلَالًا قُلْ اللَّهُ أُذُنٌ لَكُمْ أَمْ عَلَى اللَّهِ تَفْتَرُونَ ﴿٥٩﴾ وَمَا ظَنُّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ ﴿٦٠﴾ وَمَا تَكُونُ فِي شَأْنٍ وَمَا تَتْلُو مِنْهُ مِنْ قُرْآنٍ وَلَا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا إِذْ تُفِيضُونَ فِيهِ وَمَا يَعْزُبُ عَنْ رَبِّكَ مِنْ مِثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَلَا أَصْغَرَ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ﴿٦١﴾

ریزدرب: ای مردم! احکام بدون پشتوانه الهی درست نکنید.

۳

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٦٢﴾ الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ ﴿٦٣﴾ لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٦٤﴾ وَلَا يَحْزَنكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٦٥﴾ أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَتَّبِعُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ شُرَكَاءَ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ ﴿٦٦﴾ هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُسْمَعُونَ ﴿٦٧﴾ قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحَانَ اللَّهِ هُوَ الْعَزِيزُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ إِنْ عِنْدَكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ بِحَدٍّ أَنْتَوَلُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٦٨﴾ قُلْ إِنَّ الَّذِينَ يُفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ ﴿٦٩﴾ مَتَاعٌ فِي الدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ نُذِيقُهُمُ الْعَذَابَ الشَّدِيدَ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ ﴿٧٠﴾

ریزدرب: ای پیامبر! اعتقادات مخالفانه، بی ماخذ الهی و باطل و غلط است، لذا ناراحت و غمگین مباش.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

نُبِّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ می فرماید: کافران در قبول امکان دریافت وحی بوسیله آدمیزاد مشکل دارند و از اینهمه آیات واضح الهی غافلند و سرانجام آخرتی مومن و کافر تفاوت بسیار زیادی با یکدیگر دارد، پس ای مردم موضوع به این اهمیت را دست کم نگیرید.

در پاراگراف ۲ می فرماید: «آدمیزاده، اکثراً، نادان و ناسپاس است»، ای پیامبر! حوزه ماموریت این است. رسالت هم این است که روی این مخلوقاتم کار کنی و آنها را ارتقاء دهی.

در پاراگراف ۳ با توجه دادن مردم به آنهمه نعمتی که لحظه به لحظه از سوی درگاه ربوبی دریافت میکنند عواطف انسانی شان برای پیدایش رفتارشاكرانه تحریک میگردد تا به خود آیند و به خداوند رو کنند و نیز اینکه به کیفیت بسیارمتعالی قرآن و اینکه هیچ بشری نمیتواند چیزی مانند آن را به وجود بیاورد توجه کنند و دست از این اوهامی که گرفتارشان کرده بکشند و خودرا یکسره در راه صحیح قراردهند، و نیز اینکه ای پیامبر! اینک که عده زیادی از این مردم نسبت به امکان صحت تعالیمت کنجکاو شده اند، توجه آنان را به جوانب مختلف موضوع آخرت جلب کن.

در این پاراگراف باز هم تأکید بر توحید و نفی فرزند و شریک برای خداوند است و نیز میفرماید ای پیامبر! سخن مخالفان علاوه بر اینکه «گمانی» و «تخمینی» است، نا معقول و نسنجیده، و علاوه بر اینها، بیفایده هم هست، و اینکه توجه مردم را به مبدا لطف و رحمت و تشریح احکام جلب کن.

۴- سوالات

۱- در آیه ۶۴، منظور از مژده ای که خداوند به پیروان آنحضرت «در زنگی دنیا»

داده چه می باشد؟

۲ - چرا در آیه ۶۶، در « مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَمَن فِي الْأَرْضِ » بجای «من» نفرموده «ما»؟

۳ - در « مَا يَتَّبِعُ » (همان آیه) ، منظور از «ما» چیست؟ (اصطلاحاً موصوله است یا نافی؟ و چرا؟)

۴ - اگر در سوال فوق، گزینه «نافیه» را انتخاب کرده باشید، در آنصورت منظور از « مَا يَتَّبِعُ الَّذِينَ يُدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ شُرَكَاءَ » چیست؟ و چرا؟

۵ - از آیه ۶۷، در سوره های قبلی (به ترتیب نزول) چه سابقه ای دارید؟

۶ - منظور از «سلطان» (آیه ۶۸) چیست؟

۷ - با توجه به آیه ۶۹، آیا «افترای راست» هم داریم؟

۸ - منظور از «قوم یسمعون» (آیه ۶۷) چیست؟

۹ - با توجه به همان آیه، چرا آن دو آیه روشن، برای «آن قوم» آیه است؟ (مثلاً چرا برای «قوم بیصرون» آیه نیست؟)

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

از آیه های ۵۸ و ۵۹ فهمیده میشود مشرکان آن روزها یک نوع نظام «فقهی» (گرچه غیر مدون و نامکتوب) داشته اند، و بر مبنای آن برخی چیزها را حرام و برخی چیزها را حلال میکرده اند که در این پاراگراف آنها را ناموجه قلمداد میکند، و از آیه های ۵۸ و ۷۰ فهمیده میشود منظور از آن، کسب منفعت مادی بود. از آیه ۶۵ معلوم می شود آنها «قول»ی داشتند که مایه اندوه آنحضرت میشده، و اندکی توجه در متن پاراگراف بما میگوید آن «قول» اعتقاد به فرزند داشتن خداوند بود.

در پاراگراف قبل دیدیم که آنها با مالکیت مطلق خداوندی و نیز وقوع قیامت مشکل داشتند و آن حضرت محزون بودند که چرا آنها علیرغم اینهمه آیات و بینات باز هم بر عقاید غلطشان پای می فشردند.

۶ - پیشگویی های تحقق یافته

لحن محکم در آیات ۶۱ و ۶۲ و ۶۵ و ۶۶ تلویحا حاوی پیشگویی موفقیت آنحضرت در پیشبرد رسالتش را دارد، که چنانکه واقعیات تاریخی بما میگوید تحقق یافت.

۷ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره ها، تقریباً تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

برکت یا آخرت؟

منظور آیه ۵۸ از «از آنچه جمع میکنند»، واضح است، یا مال است و یا آنچه مایه دوام قدرت یا افزایش آن است.

اما، منظور از «بفضل الله و برحمته» چیست؟

معنی ابتدائی آن میتواند همان چیزی باشد که در نزد عموم به برکت مشهور است، اما، معنی عالی تر آن عاقبتِ مطلوبِ اخروی است، و این واضح است.

بنا بر معنی اول، منظور آیه این است که ای مردم! در مواهبِ خدایِ تصرف صحیح کنید تا به آن فضل و رحمت الهی برسید (مثلاً انفاق یادتان نرود و ریخت و پاش بیهوده نکنید و ...)

بنا بر معنی دوم، منظور این است که جمع آوری مال و لوازم قدرت را اصل نگیرید و به کفایت اکتفا کنید و پس از رسیدن به حد کفایت دنبال عاقبتِ مطلوبِ اخروی باشید.

ترجمه تفسیری آزاد

ای پیامبر! بگو البته شایسته است مردم به فضل خدا و رحمتش شادباشند. این از آنچه جمع میکنند برایشان بهتر است (۵۸) بگو نظرتان چیست درباره اینکه خداوند روزی برای شما فرستاده اما شما قسمتی از آن را به خیال خود حرام و بقیه را حلال می کنید؟ بگو آیا خداوند اجازه ای به شما داده یا به او افترا می بندید؟ (۵۹) و آنهایی که به خدا افترای دروغ می بندند درباره قیامت چه گمان میکنند؟ البته که خداوند نسبت به مردم بخششگر است ولیکن اکثر آنها شکرگزار نیستند (۶۰)

ای پیامبر! در هیچ موقعیتی قرار نمی گیری و هیچ چیزی از قرآن تلاوت نمی کنی و ای مردم! شما هیچ عملی انجام نمی دهید مگر اینکه آن هنگامی که به آن کار مشغولید بر شما گواهییم. و هیچ چیزی حتی اگر به اندازه ذره ای هم باشد چه در زمین و چه در آسمان و چه کوچکتر و چه بزرگتر از آن، از خداوند مخفی نمی ماند و

در کتابی آشکار هست (۶۱) بدانید که دوستان خدا در قیامت نه ترسی خواهند داشت و نه اندوهگین خواهند (۶۲) همانهایی که ایمان آورده و تقوا پیشه نموده اند (۶۳) آنها چه در زندگی دنیا و چه در آخرت مژده خواهند داشت. کلمات خداوند تغییر نخواهد کرد. پیروزی بزرگ هم همان است (۶۴)

ای پیامبر! گفتار آنها اندوهگینت نکند. عزت تماماً از آن خداست و همو شنوای دانا است (۶۵) بدانید که البته هر کس که در آسمانها و زمین است مال خداست، و همچنین آن کسانی هم که این کافران آنها را به خیال خویش شریک خداوند حساب میکنند نیز مملوک خدا هستند، آنها چیزی جز گمان را پیروی نمی کنند و جز تخمین نمیزنند (۶۶)

خداوند هموست که شب را برایتان مایه آرامش قرار داد و روز را که بخوبی ببینید. البته در آن برای کسانی که گوش شنوا داشته باشند آیاتی هست (۶۷) و گویند خداوند فرزندی برگرفته، منزّه است از آن. بی نیاز است. آنچه در آسمانها و زمین است مال اوست. به آنان بگو راجع به آن دلیلی ندارید. آیا درباره خداوند چیزی میگوئید که نمیدانید؟ (۶۸) بگو کسانی که افترای دروغ به خدا می بندند رستگار نخواهند شد (۶۹) برخوردارایی کوچک در دنیا خواهند داشت و آنگاه بازگشتشان بسوی ما است. سپس آن عذاب شدید را بسبب آن کفری که میورزیدند به آنها می چشانیم (۷۰)

يونس ٥ آيات ٧١ تا ٩٣

وَأَنْتَ عَلَيْهِمْ نَبَأٌ نُوحٍ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنْ كُنْتُمْ عَلَيَّكُمْ مَقَامِي وَتَذَكَّرِي بِآيَاتِ اللَّهِ فَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ فَأَجِئُوا أَمْرَكُمْ وَشُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ أَمْرَكُمْ عَلَيَّكُمْ غَمَّةً ثُمَّ أَقْضُوا إِلَيَّ وَلَا تُنظِرُونَ ﴿٧١﴾
فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَمَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَأَمُرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿٧٢﴾
فَكَذَّبُوهُ فَجَعَلْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ وَجَعَلْنَاهُمْ خَلَائِفَ وَأَعْرَفْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنذَرِينَ ﴿٧٣﴾ ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِ رَسُولًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاءُوهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ كَذَلِكَ نَطْبَعُ عَلَى قُلُوبِ الْمُعْتَدِينَ ﴿٧٤﴾ ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ مُوسَى وَهَارُونَ إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ بِآيَاتِنَا فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُجْرِمِينَ ﴿٧٥﴾ فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا إِنَّ هَذَا لَسِحْرٌ مُبِينٌ ﴿٧٦﴾ قَالَ مُوسَى أَتَقُولُونَ لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَكُمْ أَسِحْرٌ هَذَا وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُونَ ﴿٧٧﴾ قَالُوا أَجِئْتَنَا لِنَلْفِتَنَّا عَمَّا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا وَتَكُونُ لَكُنَّا الْكِبْرِيَاءِ فِي الْأَرْضِ وَمَا نَحْنُ لَكُمْ بِمُؤْمِنِينَ ﴿٧٨﴾ وَقَالَ فِرْعَوْنُ انْتَوَيْتُمْ بِكُلِّ سَاحِرٍ عَلِيمٍ ﴿٧٩﴾ فَلَمَّا جَاءَ السَّحْرُ قَالَ لَهُمْ مُوسَى أَلْقُوا مَا أَنْتُمْ مُلقُونَ ﴿٨٠﴾ فَلَمَّا أَلْقَوْا قَالَ مُوسَى مَا جِئْتُمْ بِهِ السِّحْرُ إِنَّ اللَّهَ سَيُبْطِلُهُ إِنَّ اللَّهَ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ ﴿٨١﴾ وَيَحْقُقُ اللَّهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ ﴿٨٢﴾ فَمَا آمَنَ لِمُوسَى إِلَّا ذُرِّيَّةٌ مِنْ قَوْمِهِ عَلَى خَوْفٍ مِنْ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِمْ أَنْ يَفْتِنَهُمْ وَإِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ ﴿٨٣﴾ وَقَالَ مُوسَى يَا قَوْمِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوا إِنْ كُنْتُمْ مُسْلِمِينَ ﴿٨٤﴾ فَقَالُوا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٨٥﴾ وَنَجِّنَا بِرَحْمَتِكَ مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿٨٦﴾ وَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوَّءَا لِقَوْمِكَ مَقَامًا مَكِينًا فَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٨٧﴾ وَقَالَ مُوسَى رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَئَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِكَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَى أَمْوَالِهِمْ وَاشْدُدْ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّى يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ﴿٨٨﴾ قَالَ قَدْ أُجِيبَتِ دَعْوَتُكُمَا فَاسْتَقِيمَا وَلَا تَتَّبِعَانِ سَبِيلَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٨٩﴾ وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتْبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ وَجُنُودُهُ بَغْيًا وَعُدُوًّا حَتَّى إِذَا أَدْرَكَهُ الْعَرْفُقُ قَالَ آمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي آمَنْتُ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿٩٠﴾ آلَانَ وَقَدْ غَضَبْتُ قَبْلَ وَكُنْتُ مِنَ الْمُفْسِدِينَ ﴿٩١﴾ فَالْيَوْمَ نُنَجِّيكَ بِبَدَنِكَ لَتَكُونَ لِمَنْ خَلَقَ آيَةً وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ عَنْ آيَاتِنَا لَغَافِلُونَ ﴿٩٢﴾ وَلَقَدْ بَوَّأْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مَقَامًا صِدْقٍ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ فَمَا اخْتَلَفُوا حَتَّى جَاءَهُمُ الْعِلْمُ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿٩٣﴾

پیش تفسیر

١ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:

درس: ای پیامبر با جدیت کار رسالت را پی گیر . تو و پیروانت در مقابل کافران بی منطق و غافل در دنیا پیروز و در آخرت نجات یافته خواهید بود .

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: پیامبران سابق نیز تکذیب شدند اما صبر و توکل کردند و خودشان و پیروانشان نجات یافتند.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

وَأَنْزَلْنَا عَلَيْهِمْ نَبَأَ نُوحٍ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنْ كَانَ كَبُرَ عَلَيْكُمْ مَقَامِي وَتَذْكِيرِي بِآيَاتِ اللَّهِ فَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ فَأَجْمِعُوا أَمْرَكُمْ وَشُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ أَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غُمَّةً ثُمَّ اقْضُوا إِلَيَّ وَلَا تُنظِرُونِ ﴿٧١﴾
فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ مِمَّا سَأَلْتُم مِّنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿٧٢﴾
فَكَذَّبُوهُ فَجَبَّحْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلِكِ وَجَعَلْنَاهُمْ خَلَائِفَ وَأَعْرَفْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنْذَرِينَ ﴿٧٣﴾

ریزدرب: ذکر جدیدی که نوح نبی در پیگیری رسالتش داشت، و پیروزی که در این جهان کسب نمود.

۲

ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِ رَسُولًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاءُوهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ كَذَلِكَ نَطْبَعُ عَلَى قُلُوبِ الْمُعْتَدِينَ ﴿٧٤﴾

ریزدرب: ذکر جدیدی که انبیاء پس از نوح در پیگیری رسالتشان داشتند.

۳

ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِم مُّوسَى وَهَارُونَ إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ بِآيَاتِنَا فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُّجْرِمِينَ ﴿٧٥﴾
فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا إِنَّ هَذَا لَسِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿٧٦﴾ قَالَ مُوسَى أَتَقُولُونَ لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَكُمْ أَسِحْرٌ هَذَا وَلَا يُفْلِحُ السَّاجِرُونَ ﴿٧٧﴾ قَالُوا أَجِئْتَنَا لِنَلْفِتْنَا عَمَّا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا وَتَكُونَ

وَلَقَدْ بَوَّأْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مُبَوَّأً صِدْقٍ وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ فَمَا اخْتَلَفُوا حَتَّىٰ جَاءَهُمُ الْعِلْمُ إِنَّ رَبَّكَ
يَفْضِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿٩٣﴾

ریزدرب: ذکر گوشه ای از موفقیت پس از درگیری های رسالتی حضرت موسی.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لَبّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ می فرماید: کافران در قبول امکان دریافت وحی بوسیله آدمیزاد مشکل دارند و از اینهمه آیات واضح الهی غافلند و سرانجام آخرتی مومن و کافر تفاوت بسیاریزادی با یکدیگر دارد، پس ای مردم موضوع به این اهمیت را دست کم نگیرید.

در پاراگراف ۲ می فرماید: «آدمیزاده، اکثراً، نادان و ناسپاس است»، ای پیامبر! حوزه ماموریتت این است. رسالتت هم این است که روی این مخلوقاتم کار کنی و آنها را ارتقاء دهی.

در پاراگراف ۳ با توجه دادن مردم به آنهمه نعمتی که لحظه به لحظه از سوی درگاه ربوبی دریافت میکنند عواطف انسانی شان برای پیدایش رفتارشاكرانه تحریک میگردد تا به خود آیند و به خداوند رو کنند و نیز اینکه به کیفیت بسیارمتعالی قرآن و اینکه هیچ بشری نمیتواند چیزی مانند آن را به وجود بیاورد توجه کنند و دست از این اوهامی که گرفتارشان کرده بکشند و خودرا یکسره در راه صحیح قراردهند، و نیز اینکه ای پیامبر! اینک که عده زیادی از این مردم نسبت به امکان صحت تعالیمت کنجکاو شده اند، توجه آنان را به جوانب مختلف موضوع آخرت جلب کن.

در پاراگراف ۴ باز هم تأکید بر توحید و نفی فرزند و شریک برای خداوند است و نیز میفرماید ای پیامبر! سخن مخالفانست علاوه بر اینکه «گمانی» و «تخمینی» است، نا معقول و نسنجیده، و علاوه بر اینها، بیفایده هم هست، و اینکه توجه مردم را به مبدا لطف و رحمت و تشریح احکام جلب کن.

در این پاراگراف می فرماید: ای پیامبر! رفتار مخالفان در سخن نامعقول گفتن و لجبازی مانند رفتار قوم نوح است، لذا، تو نیز به آنان همان را بگو که نوح به قومش گفت، و بدان که اگر آنها نیز از حدودی تجاوز کردند به هلاکت دچار خواهند شد، نیز میفرماید: ای پیامبر! رهائی شماها نزدیک است (وبه عنوان نقشه راه، چیزی شبیه به موضوع آیه ۸۷ را عمل کنید)

۴ - سوالات

- ۱ - منظور از «علی» در آیه ۸۳ چیست؟ (علیرغم؟ یا...؟)
- ۲ - چه سابقه ای از کلمه «علی» که به معنی «علیرغم» بکار رفته باشد، در سوره های قبل، دارید؟
- ۳ - «خَوْفٍ مِّنْ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِمْ أَن يَفْتِنَهُمْ» (همان آیه) مربوط به چه کسی است (قومه؟ ذریه؟)
- ۴ - در آیه ۸۴، منظور از «قوم» چه کسانی است؟ (کل بنی اسرائیل؟ ذریه؟ یا...؟)
- ۵ - منظور از «قبله» (آیه ۸۷) به معنی لغوی است یا معنی اصطلاحی (= جهت ایستادن به هنگام نماز)؟
- ۶ - با توجه به آیه ۸۸، چرا حضرت موسی در دعای خویش «ایمان نیوردن» فرعونیان را از خداوند خواسته بود؟
- ۷ - منظور از «الذین لایعلمون» (آیه ۸۹) چه کسانی است؟
- ۸ - دریافت کلی خویش را از موضوع آیه ۸۷ بطور مشروح و مستدل بنویسید.
- ۹ - تنوین روی «ف» در کلمه «خوف»، در آیه ۸۳، از باب تعظیم است یا تحقیر؟
- ۱۰ - این پاراگراف چه حالت کلی دارد؟ (امیدبخشی قوی همراه با نقشه راه؟ یا...؟)

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

- ۱ - از آیه ۷۱ فهمیده میشود که پیامبر (ص) پیام تهدید به قتل دریافت کرده بود.
- ۲ - در ارتباط با آیه ۷۴ ذکر این نکته لازم است که طرز زندگی قوم نوح طوری بود که مخالف تعالیم آن حضرت بود و اگر ایمان می آوردند می باید طرز زندگی خود را عوض می کردند زیرا انحراف آنها خیلی زیاد شده بود بطوری که نمی شد هم به طرز زندگی عادت شده خویش ادامه دهند و هم تعالیم نوح را (حتی بطور ظاهری) قبول کنند.
- خلاصه اینکه منظور از «تکذیب» در آیه مذکور، «تکذیب عملی»، و منظور از «ایمان»،

«اظهار زبانی» است.

- ۱ - از آیه ۸۷ فهمیده میشود که در اوان نزول این قسمت از قرآن کار پیامبر آنقدر بالا گرفته بود که نیاز به یکنوع «ستاد» برای حرکت موثرتر احساس میشد.
- ۲ - از آیه ۸۸ یکی از فرق های عظیم پیامبر ما (ص) با سایر پیامبران فهمیده میشود، آنحضرت هرگز حاضر نبود مخالفانش در کفر و الحادشان تثبیت شوند و بلکه آنحضرت مایل بود سران مخالفینش نیز به راه حق بیایند و خدا آنها را بپذیرد.
- ۳ - از آیه ۸۳ فهمیده میشود در اینجا، ایمان به معنی «اظهار ایمان» است و نه به معنی صرفِ خطور در قلب.

۶ - زاویه با تفاسیر رایج

المیزان در موضوع آیه ۸۷ فرمایشات عجیبی کرده و «قبله» را به معنی اصطلاحی آن - که جهتِ روکردن هنگام نماز باشد - گرفته، در حالیکه روال داستان بما میگوید معنی لغوی آن که به معنی «محل مراجعه» باشد به موضوع بهتر میخورد و گرنه معنی ندارد که خانه خودتان را «جهت» نماز مردم قرار دهید، و باز هم از همین داستان نتیجه دیگری که عجیب تر است گرفته که بنی اسرائیل خانه و زندگی نداشته اند و مثلا در چادر زندگی میکردند، و این چیزی است که حتی خود یهودیان نیز آن را قبول ندارند و این مطلب را به عنوان یکی از عناصر سختگیری های فرعونی در هیچ جا اظهار نکرده اند و معقول هم نیست زیرا بنی اسرائیل در زمان عزت یوسف (ع) با احترام وارد مصر شدند و حتما اول برای خویش خانه ها و زندگی مناسب آبرومند تمهید کرده اند و اگر چنین چیزی بود مورد اشاره قرآن قرار میگرفت، همانطور که «یذبحون ابناءهم و يستحيون نساءهم» مورد توجه قرآن قرار گرفت و چند بار در قرآن ذکر شد.

- ۱ - ترجیح معنی اصطلاحی کلمه « قبله » بر معنی لغوی آن که سبب شده آیه نامفهوم جلوه کند
- ۲ - افتادن در اشتباه دیگر به علت اشتباه اول (چادر نشینی)

۷ - پیشگویی های تحقق یافته

آیه ۹۲ از لحاظ باستان شناسی معجزه است. زیرا اینک معلوم است که همان فرعونی که معاصر حضرت موسی بوده و موضوع این

آیات است، جسدش شناسائی شده و موجود است و این چیزی نیست که در حد بضاعت علمی حتی متمدن ترین جوامع آن روزها باشد چه رسد به بضاعت علمی اعراب معاصر زمان نزول این آیات.

چنانکه ملاحظه شد، مورد فوق، بطور وضوح، فوق ذهنیات اعراب ۱۴۰۰ سال قبل است (که مجتهد شبستری و سروش و برخی پیروان آنها که فعلا نام نمی بریم، که میگویند مطالب قرآن منحصر به معهودات معاصران نزول آیات نازل است، با این نوع شواهد مردود میشود)

۸ - در این پاراگراف، کدام فقرات، فوق ذهنیات معاصران نزول است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه ۹۲ چنین موقعیتی دارد.

توضیح: بدن فرعون مذکور (قابل فهم است که) می باید جستجو شده و از آب بیرون آورده شده و مومیائی گردیده و در مقبره مخصوص قرار داده شده باشد، اما، تازمان ناپلئون که به عناصر باستانی مصر تعرض شده و اقلامی از آن به اروپا انتقال یافته و اکنون در موزه های اروپائی و غیره قرار گرفته، بررسی های کارشناسی روی آنها صورت نگرفته بود و اینک که میدانیم جسد او با مشخصات مغروق (همانکه در آیه مذکور تصریح شده) مطابق است، بین این علمی که نسبت به این آیه داریم، نسبت به ذهنیات اعراب ۱۴۰۰ سال قبل مدت های مدید و حوادث عظیمی فاصله است که همه آنها (و این نتیجه) از معهودات آن مخاطبان بالاتر است.

۹ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیه های ۷۲ و ۷۳ و ۷۵ و ۷۶ و ۷۹، بقیه آیات «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلید های تفسیری

معنی کلمات:

آیه ۹۳ می باید به اسکان بنی اسرائیل در ارض موعود پس از سرگردانی ۴۰ ساله آنان در بیابان (موضوع آیات سوره مائده) بوده باشد، و لذا کلمه «صدق» به معنی رایج نیست، بلکه به معنی Right (مناسب) میباشد.

قبله

در آیه ۸۷ که میفرماید «در شهر خانه هائی برای قوم تان قرار دهید و خانه هایتان را قبله کنید و نماز بپا دارید و مومنان را بشارت دهید»، در حقیقت دارد شرح وظائف آن خانه ها را بر می شمارد. که در آن خانه ها آموزش دینی برای پیروان انجام شود و نیز آنها را از طریق بالا بردن روحیه شان برای رهائی از وضع موجودشان آماده کنند.

اخلاق عالی پیامبر ما (ص)

چنانکه از قرآن دانسته میشود، پیامبر ما (ص) حتی در بدترین و سخت ترین شرایط نیز برای تکذیبگران و مخالفان قسم خورده خویش به درگاه الهی برای آنان نفرین نکرد و برایشان هلاکت نخواست و این فرق عظیم بین آنحضرت و سایر انبیاء(ع) از آیه ۸۸ دانسته میشود.

نان بت پرستی

چنانکه قبلا هم عرض کرده ایم، «ماکانوا لیومنوا بما کذبوا به من قبل»، در آیه ۷۴، به این معنی است که آنها در بت پرستی شان منافی داشته، و اصطلاحاً نان بت پرستی را میخورده اند، ولذا نمیتوانسته اند با آموزه های توحیدی پیامبرشان موافق باشند.

توکل سنگین پیامبرانه

راجع به آیه ۷۱ کلمه «شریکانتان» به معنی «آنهايي را که به خیال خویش با خداوند شریک قرار داده اید» است.

البته چنانکه با دلایل زیادی از آیات قبل می دانیم حضرت نوح در بین قوم خویش از لحاظ نیرو و ثروت بسیار ضعیف تر بوده و دشمنان او قوی و زیاد و ثروتمند بودند و لذا مطلب آخر آیه ۷۱ که می گوید هیچ لازم نیست رو در بایستی کنید، و «هر کاری که می توانید» بکنید، خیلی قابل توجه است و نشان می دهد وقتی که توکل و ایمان شخصی قوی باشد چه شخصیت استواری پیدا می کند.

سه قانون الهی

از این پاراگراف چنین فهمیده می شود :

۱- کار جادوگران به ثمر نمی رسد (آیه ۷۷)

۲- خداوند کار مفسدان را درست در نمی‌آورد (آیه ۸۱)

۳- خداوند حق را با کلماتش درست در می‌آورد (آیه ۸۲)

درستی این سه سخن را تاکنون در طول تاریخ بشری دیده‌ایم. آنچه که تاریخ بشر را به جلو برده، کار دانشمندان، زحمتکشان، عدالتخواهان، فداکاران، و در رأس آنها پیامبران بوده است اما هیچکس بیاد نمی‌آورد که بشریت بعلت کار فلان جادوگر یا فلان خونریز یا فلان تخریبگر پیشرفت کرده باشد. ضمناً در قانون سوم که فرموده «با کلماتش»، باید بدانیم که معنی «کلمه» به همان معنی که نزد ما رایج است نیست بلکه در قرآن یکی از معانی «کلمه خدا» حضرت عیسی می‌باشد و از اینجا شما تصور کنید که کلمه خدا بمعنی قانون خدا، روح خدا، و مخلوقات بسیار بلند مرتبه خدا می‌باشند.

«ایمان» و «اظهار ایمان» (قبول مسئولیت)

آنچه در آیه ۸۳ آمده به این معنی است که «اظهار ایمان نکردند» و «ایمان قلبی خویش را اعلام نکردند». نه اینکه اصلاً ایمان به ذهنشان راه نیافته بود، و در آیه ۸۴ آنها را تشویق می‌کند که ایمانتان را ظاهر کنید و در آیه‌های ۸۵ و ۸۶ قبول کردند که ایمانشان را ظاهر کنند اما از نتایجش می‌ترسیدند.

ترجمه تفسیری آزاد

ای پیامبر! خبر نوح را بر آنان بخوان، آن هنگام که به قومش گفت ای مردم اگر موقعیت من و تذکری که راجع به آیات خداوند به شما میدهم برایتان سنگین است بدانید که توکلم بر خداست. و شما هم درباره کارتان و شریکانتان هماهنگ کنید و هیچ غم و غصه ای نخورید و تصمیم خویش را درباره من بگیرید و هیچ مهلتی هم به من ندهید (۷۱) ولی اگر از تعالیم من روی برگردانید، بدانید که من از شما مزدی نخواسته بودم. مردم جز بر عهده خداوند نیست و من مأمورم از مسلمین باشم (۷۲) پس تکذیبش کردند ولی او و همراهانش را در آن کشتی نجات دادیم و آنها را جانشینان قرار دادیم و کسانی را که آیاتمان را تکذیب کرده بودند غرق نمودیم. پس بنگر عاقبت هشدار یافتگان چگونه بود (۷۳)

آنگاه پس از او رسولانی بسوی مردمانشان فرستادیم و آنها با دلایل روشن بسویشان

رفتند اما اینطور نبود که آنها به چیزی که از پیش عملاً تکذیبش کرده بودند با زبان ایمان بیاورند. بر دل‌های تجاوزکاران چنین مهر می‌زنیم (۷۴)

آنگاه پس از آنان موسی و هارون را با آیاتمان بسوی فرعون و بزرگانش فرستادیم اما گردنکشی کردند و قومی مجرم شدند (۷۵) و هنگامیکه حق از جانب ما بسویشان آمد گفتند این جادوئی آشکار است (۷۶) موسی گفت آیا درباره حق وقتی که بسویتان آمده چنین می‌گویید؟ آیا این جادوست؟ در حالیکه کار جادوگران به ثمر نمی‌رسد؟ (۷۷) گفتند آیا بسویمان آمدی که ما را از آنچه پدرانمان را بر آن یافتیم منصرف کنی و در این سرزمین بزرگی کنید؟ و ما به شما دو نفر قطعاً ایمان نمی‌آوریم (۷۸) و فرعون گفت همه جادوگران خبره را برایم بیاورید (۷۹) پس هنگامیکه جادوگران آمدند موسی به آنان گفت بیان‌دازید آنچه را که می‌اندازید (۸۰) و هنگامیکه انداختند موسی گفت هر جادوئی را که بیاورید خداوند به زودی باطلش میکند. خداوند عمل مفسدان را درست در نمی‌آورد (۸۱) و خداوند حق را با کلماتش درست درمی‌آورد و لو آنکه کافران خوششان نیاید (۸۲)

تعداد قابل توجهی از قومش جز عده ای از فرزندان‌شان، از ترس فرعون و بزرگانش ایمان نیاوردند مبادا که آزارشان کنند زیرا فرعون در آن سرزمین از گزافکاران بلند پرواز بود (۸۳) و موسی گفت ای قومم اگر به خدا ایمان آورده اید پس بر همو توکل کنید اگر واقعا تسلیم هستید (۸۴) پس گفتند بر خدا توکل کردیم. پروردگارا ما را آماج فتنه ظالمان مکن (۸۵) و از رحمت ما را از قوم کافران نجات ده (۸۶)

و به موسی و برادرش وحی کردیم که برای قومتان در مصر خانه‌هائی بگیرید و خانه‌هایتان را به حالت محلّ مراجعات مردم درآورید و نماز بپا دارید و مومنان را مژده دهید (۸۷) و موسی گفت پروردگارا به فرعون و بزرگانش زینت و اموالی در زندگی دنیا داده‌ای که با آن مردم را از راه تو بازمیدارند. پروردگارا اموالشان را در مسیر نابودی قرار ده و دل‌هایشان را سخت کن تا آنقدر ایمان نیاورند که عذاب دردناک را ببینند (۸۸) گفت دعایتان مستجاب شد پس استقامت کنید و راه کسانی را که علم ندارند پیروی مکنید (۸۹)

و بنی اسرائیل را از آن دریا گذراندیم و فرعون و لشکریانش از روی ظلم و تعدی

دنبالشان کردند تا اینکه غرق شد، در آن حال گفت ایمان آورده ام که خدائی نیست مگر آن کسی که بنی اسرائیل به او ایمان آوردند و من از تسلیم شدگانم (۹۰) به او به طعنه گفته شد آیا اینک؟ وقت ایمان آوردن است؟ در حالیکه قبلاً عصیان میکردی و از مفسدان بودی؟ (۹۱) امروز بدنت را نجات میدهیم تا نشانه ای برای پسینیانت باشد و البته بسیاری از مردم از آیاتمان غافلند (۹۲) و بنی اسرائیل را در منزلگاهی مناسب منزل دادیم و از چیزهای نیکو روزیشان کردیم و اختلاف نکردند مگر پس از اینکه آن علم بسویشان آمد. البته پروردگارت در روز قیامت درباره آنچه که در آن اختلاف کرده اند بینشان قضاوت خواهد کرد (۹۳)

یونس ۶ آیات ۹۴ تا ۱۰۹

فَإِنْ كُنْتَ فِي شكٍّ مِمَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ فَاسْأَلِ الَّذِينَ يُقْرَأُونَ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكَ لَقَدْ جَاءَكَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ ﴿٩٤﴾ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الَّذِينَ كَذَبُوا بآيَاتِ اللَّهِ فَتَكُونُوا مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٩٥﴾ إِنَّ الَّذِينَ حَقَّتْ عَلَيْهِمْ كَلِمَتُ رَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٩٦﴾ وَلَوْ جَاءَهُمْ كُلُّ آيَةٍ حَتَّى يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ﴿٩٧﴾ فَلَوْلَا كَانَتْ قَرْيَةٌ آمَنَتْ فَنَفَعَهَا إِيمَانُهَا إِلَّا قَوْمَ يُونُسَ لَمَّا آمَنُوا كَشَفْنَا عَنْهُمْ غِظَابَ الْحِزْبِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَنَمَتْنَا لَهُمْ إِلَى حِينٍ ﴿٩٨﴾ وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مِنَ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ ﴿٩٩﴾ وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تُؤْمِنَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيَجْعَلُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ ﴿١٠٠﴾ قُلْ انظُرُوا مَاذَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا تُعْجِبُ الْآيَاتِ وَالتُّدْرِكُ عَنْ قَوْمٍ لَّا يُؤْمِنُونَ ﴿١٠١﴾ فَهَلْ يَنْتَظِرُونَ إِلَّا مِثْلَ أَيَّامِ الَّذِينَ خَلَقُوا مِنْ قَبْلِهِمْ قُلْ فَانظُرُوا إِلَى مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظَرِينَ ﴿١٠٢﴾ ثُمَّ نَحْنِي رَسُولَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا كَذَلِكَ حَقًّا عَلَيْنَا نُنَجِّ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٠٣﴾ قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنْتُمْ فِي شكٍّ مِنْ دِينِي فَلَا أَعْبُدُ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ أَعْبُدُ اللَّهَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُمْ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٠٤﴾ وَأَنْ أَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿١٠٥﴾ وَلَا تَدْعُ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكَ وَلَا يَضُرُّكَ فَإِنْ فَعَلْتَ فَإِنَّكَ إِذَا مِنَ الطَّالِبِينَ ﴿١٠٦﴾ وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ يُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿١٠٧﴾ قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ اهْتَدَى فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ ﴿١٠٨﴾ وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَاصْبِرْ حَتَّىٰ يَخْرُجَ اللَّهُ وَهُوَ خَيْرُ الْخَارِجِينَ ﴿١٠٩﴾

پیش تفسیر

۱- استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:

درس: ای پیامبر با جدیت کار رسالتت را پی گیر. تو و پیروانت در مقابل کافران بی منطق و غافل درد دنیا پیروز و در آخرت نجات یافته خواهید بود.
برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: تو ای پیامبر! قطعاً پیروز خواهی بود، کار خودت را پیگیر باش، و ضمناً بدان که با وجود جدیت تو، عده‌ای ایمان نخواهند آورد، لذا، چنین کن.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

فَإِنْ كُنْتَ فِي شكٍ مِمَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ فَاسْأَلِ الَّذِينَ يُقْرَأُونَ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكَ لَقَدْ جَاءَكَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ ﴿٩٤﴾ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الَّذِينَ كَذَبُوا بآيَاتِ اللَّهِ فَتَكُونُوا مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٩٥﴾

ریزدرپ: در درجه اول خودت از حقانیت موقعیت خویش کاملاً مطمئن باش.

۲

إِنَّ الَّذِينَ حَقَّتْ عَلَيْهِمْ كَلِمَةُ رَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٩٦﴾ وَلَوْ جَاءَهُمْ كُلُّ آيَةٍ حَتَّى يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ﴿٩٧﴾ فَلَوْلَا كَانَتْ قَرْيَةٌ آمَنَتْ فَنَفَعَهَا إِيمَانُهَا إِلَّا قَوْمٌ يُونُسَ لَمَّا آمَنُوا كَشَفْنَا عَنْهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَى حِينٍ ﴿٩٨﴾ وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَآمَنَ مَنْ فِي الْأَرْضِ كُلُّهُمْ جَمِيعًا أَفَأَنْتَ تُكذِرُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ ﴿٩٩﴾ وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تُؤْمِنَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيَجْعَلُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ ﴿١٠٠﴾

ریزدرپ: ایمان آوری و کفرورزی قانونمند است.

۳

قُلْ انظُرُوا مَاذَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا تُعْطِي الْآيَاتِ وَالنُّذُرِ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٠١﴾ قُلْ يَنْتَظِرُونَ إِلَّا مِثْلَ أَيَّامِ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِهِمْ قُلْ فَانظُرُوا إِلَيَّ مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ ﴿١٠٢﴾ ثُمَّ نُنَجِّي رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا كَذَلِكَ حَقًّا عَلَيْنَا نَجِجُ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٠٣﴾

ریزدرپ: ای پیامبر! راجع به پیروزی نهائی مطمئن باش.

۴

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنْتُمْ فِي شكٍ مِنْ دِينِي فَلَا أَعْبُدُ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ أَعْبُدُ اللَّهَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُمْ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٠٤﴾ وَأَنْ أَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا وَلَا

تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿١٠٥﴾ وَلَا تَدْعُ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكَ وَلَا يَضُرُّكَ فَإِنَّ فِعْلَكَ إِذَا مَنِ الظَّالِمِينَ ﴿١٠٦﴾ وَإِنْ تَمَسَسَكَ اللَّهُ بَضْرًا فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ يُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿١٠٧﴾ قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنِ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّٰ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ ﴿١٠٨﴾ وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَاصْبِرْ حَتَّىٰ يَخُذَكَ اللَّهُ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ ﴿١٠٩﴾

ریزدرب: ای پیامبر! مواضع خویش را به روشنی اعلام کن و امیدت را غیر از به خداوند از هر چیز دیگری قطع کن.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لبّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ می فرماید: کافران در قبول امکان دریافت وحی بوسیله آدمیزاد مشکل دارند و از اینهمه آیات واضح الهی غافلند و سرانجام آخرتی مومن و کافر تفاوت بسیار زیادی با یکدیگر دارد، پس ای مردم موضوع به این اهمیت را دست کم نگیرید.

در پاراگراف ۲ می فرماید: «آدمیزاده، اکثراً، نادان و ناسپاس است»، ای پیامبر! حوزه ماموریتت این است. رسالتت هم این است که روی ایسن مخلوقاتم کار کنی و آنها را ارتقاء دهی.

در پاراگراف ۳ با توجه دادن مردم به آنهمه نعمتی که لحظه به لحظه از سوی درگاه ربوبی دریافت میکنند عواطف انسانی شان برای پیدایش رفتارشاگرانه تحریک میگردد تا به خود آیند و به خداوند رو کنند و نیز اینکه به کیفیت بسیارمتعالی قرآن و اینکه هیچ بشری نمیتواند چیزی مانند آن را به وجود بیاورد توجه کنند و دست از این اوهامی که گرفتارشان کرده بکشند و خودرا یکسره در راه صحیح قراردهند، و نیز اینکه ای پیامبر! اینک که عده

زیادی از این مردم نسبت به امکان صحت تعالیمت کنجکاو شده اند، توجه آنان را به جوانب مختلف موضوع آخرت جلب کن.

در پاراگراف ۴ باز هم تأکید بر توحید و نفی فرزند و شریک برای خداوند است و نیز میفرماید ای پیامبر! سخن مخالفتان علاوه بر اینکه «گمانی» و «تخمینی» است، نا معقول و نسنجیده، و علاوه بر اینها، بیفایده هم هست، و اینکه توجه مردم را به مبدا لطف و رحمت و تشریح احکام جلب کن.

در پاراگراف ۵ تأکیدی بر محور سخن پاراگراف قبل دارد، همانکه داشت: «رهائی شما نزدیک است»

در این پاراگراف می فرماید: ای پیامبر! ایمان آوردن قوم نیز مکانیزم خاص خودش را دارد، عجله نکن، تو و پیروانت را نجات می دهیم، و راجع به پیروزی قریب الوقوع مطمئن باش و فعلا این رویه را در پیش بگیر.

۴ - سوالات

- ۱ - منظور از «ناس» (آیه های ۱۰۴ و ۱۰۸) کیست؟
- ۲ - چه سابقه ای از «لا اعد ... و لکن اعد» (آیه ۱۰۴) در سوره های قبل دارید؟
- ۳ - چرا خداوند در آیه ۱۰۴ خود را به صفت «دریافت کننده جانها» معرفی فرموده؟
- ۴ - چرا خداوند از بین صفات ممکن، خود را به صفات انتهایی آیه های ۱۰۷ و ۱۰۹ معرفی فرموده؟
- ۵ - چرا در آیه ۱۰۷ ضمیر «من» (یمسسک یردک فضله یصیب یشاء عباده هو) را به کار برده؟
- ۶ - آیه های ۱۰۵ و ۱۰۶ را چگونه می بینید؟

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

دو آیه ۹۴ و ۹۵ در چارچوب ذیل قابل درک است:
ظاهرا ناراحتی ها آن قدر زیاد شده بود که پیامبر(ص) احساسی شبیه به خستگی و بی حوصلگی و امثال آن پیدا کرده بود و ممکن بود گاهی با خود گفتگویی میکرد که «خدا یا، پس این پیروزی کی می رسد؟»
اگر مطالب آیات ۹۶ تا ۱۰۳ را با مطالب آیه های ۹۴ و ۹۵، با هم ببینید، متوجه میشوید که روال کلام، روال «دلداری دادن» به آنحضرت است، بطوریکه میفرماید به ایمان آوری برخی از آنها اصلا امید نبند (آیه های ۹۶ و ۹۷) و اینکه خداوند عاجز

نیست که کاری کند همه ایمان بیاورند و ایمان آوردن مردم مکانیزمی دارد که تخطی ناپذیر است (آیه های ۱۰۰ و ۱۰۱) و تو (ای پیامبر) صبر کن و ادامه بده، و بالاخره سرانجام مطلوب را خواهی دید (آیه های ۱۰۲ و ۱۰۳) فحوای کلام در آیات ۱۰۴ تا ۱۰۹ در دو چیز خلاصه میشود:

۱ - موضع خود را به روشنی اعلام کن (آیه های ۱۰۴ و ۱۰۵ و ۱۰۸)

۲ - از همه چیز جز خدا قطع امید کن (آیه های ۱۰۶ و ۱۰۷ و ۱۰۹)

مجموع این دو محور نشان میدهد که که فشارهایی علیه نهضت اسلام پیش بینی و طراحی و اعمال شده بود و سران کفار انتظار نوعی تسلیم و مماشات و معامله از سوی آنحضرت را داشتند که با این موضع گیری مایوس شدند.

۶ - پیشگوئی های تحقق یافته

آیه ۱۰۳ به وضوح و صراحت پیشگوئی نجات را میکند و چنانکه دیده شد به تحقق پیوست.

در آیه ۱۰۹ تلویحا وعده موفقیت میدهد زیرا میگوید صبر کن و خدا بهترین حاکم است.

۷ - زاویه با تفاسیر رایج و ۸ - آیات مشکل

آیه ۹۴ از این لحاظ که احتمال «شک» را در مورد آنحضرت مطرح میکند و راه رفع آن را سوال از کسانی در همان آیه ذکر مینماید، از آن جهت که مفسران مختلف در وجه معانی آن حرف های عجیب و غریبی زده اند جزء آیات مشکل است و ما در مورد آن در تیتتر قبلی مطالبی عرض کرده ایم.

اما، در اینجا عرض میکنیم که عصاره محتوای سوره (همان که آن را «درس» نامیده ایم)، به طریق روشن و واضحی استخراج شده که در این سوره دالّ است بر پیروزی دنیوی و نجات اخروی آنحضرت، آنحضرت که به این مطلب شکی نداشته، زیرا رفتارش (صبر بر ناملایمات متنوع زیاد، و پرداختن به عبادت خاص سنگین، و کوتاه نیامدن از موضوع رسالتش) ثابت کننده این امر است، پس «شک» مذکور در چه چیز میتوانست موضوعیت داشته باشد؟

با توجه به کلمه «مما»، و سختگیری خداوند به پیامبران (ع)، فقط میتوان دیر شدن زمان پیروزی را، و چشم به آسمان بودن آنحضرت (با توجه به شدت ناملایمات) را سبب نزول آیه ۹۴ که لحن عتابی دارد قلمداد کرد.

۹ - در این پاراگراف، کدام فقرات، فوق ذهنیات معاصران نزول است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه ۹۸ از این لحاظ که مربوط به اقوامی است که در قبل از تاریخ بوده اند، و علم باستان شناسی آنقدر رشد نکرده که ما از اوضاع و احوال آنها مطلع باشیم، برای ما نیز روشن نیست، چه رسد به مخاطبان اولیه این آیات. همچنین است آیه های ۱۰۲ و ۱۰۳.

۱۰ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیه های ۹۶ و ۹۷ و ۱۰۸ و ۱۰۹، بقیه آیات «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلید های تفسیری

فعل خداوند قانونمند است

از آیه ۱۰۰ موضوع تیترا فوق به خوبی فهمیده می شود و توضیح بیشتری نیز نیاز ندارد.

پیامبر(ص) و شک؟ پیامبر(ص) و تکذیب آیات الهی؟

از سوره قلم به این طرف این نوع تعابیر را می بینیم و از این پس نیز خواهیم دید. قبل از هر گونه توضیحی باید توجه شما را به بحثی که قبلاً تحت عنوان «عتاب پیامبران و پیامبر اکرم(ص)» در پاراگراف اول سوره عبس کرده ایم جلب کنیم. اما درباره آیه ۹۴ باید عرض کنیم که این آیه بسیاری از مفسران ارجمند را به زحمت انداخته است زیرا تصور شک و دودلی برای پیامبر مشکل است و البته توجیحات مفصلی هم فرموده اند که در نهایت دلچسب نیست.

چیزی که واضح است این است که پیامبر عظیم الشان ما به فرض اینکه شکی هم کرده باشد در اصل وحی و تعالیم مندرج در آن نمی توانست بوده باشد و در نهایت با توجه به «درب» می توانست در این بوده باشد که «خدایا! پس نجات مؤمنان از سلطه این کفار و مشرکان که وعده فرموده ای چه وقت خواهد بود؟»

از لحاظ فنی، بی توجهی به کلمه «مَمَّا» از سوی مفسران، (زیرا فرموده «ما» و فرموده «مَمَّا» = من ما) سبب خطای مذکور شده است.

اینک با توجه به همان بحثی که تحت عنوان «عتاب پیامبران و پیامبر(ص)» عرض

کرده‌ایم می‌گوییم پیامبران از ما آدم‌های معمولی بالاترند، بطوریکه هم وظایفشان از ما سنگین‌تر است و هم مسئولیت‌هایشان از ما بالاتر است، و نسبت آنها به ما، مانند نسبت بالغ به نابالغ است، یا مانند نسبت پروفیسور به کودک دبستانی است، و لذا ممکن است چیزی برای ما یک امر عادی و مباح باشد اما برای آنها یک گناه کبیره نابخشودنی باشد، یونس (ع) یک کار عادی کرد، یعنی استعفا داد اما در سیستم پیامبرانه، کار او یک گناه عظیم عجیب بود که بخاطرش مجازات فوری شد.

آیه «حقوق بشر»ی

آیه ۹۹ همعرض جمله معروف «لا اکراه فی الدین» در آیه مشهور موسوم به «آیه-الکرسی» است.

ایمان همیشه همراه ناملازمات نیست، بلکه گاهی هم برعکس است

از آیه ۹۸ به خوبی موضوع تیترا فوق فهمیده می‌شود و شرح بیشتری هم لازم نیست.

ترجمه تفسیری آزاد

ای پیامبر! اگر درباره قسمتی از چیزی از آنچه بر تو نازل کرده ایم در شکی هستی از کسانی که قبل از تو آن کتاب را میخواندند، مثلاً از پیامبران پیشین یا فرشته وحی رسان بپرس. البته حق از جانب پروردگارت بسویت آمده. پس از دو دلان مباش (۹۴) و مبادا از کسانی باشی که آیات خداوند را تکذیب نمودند که از زبانکاران خواهی شد (۹۵)

کسانی که کلمه پروردگارت بر آنان فرود آمد ایمان نمی‌آورند (۹۶) حتی اگر همه جور معجزه ای هم بسویشان بیاید باز هم ایمان نخواهند آورد تا اینکه آن عذاب دردناک را ببینند (۹۷) پس چرا هیچ شهری ایمان نیاورد تا ایمانشان فایده ای به آنها برساند مگر قوم یونس که وقتی ایمان آوردند عذاب خفت بار در زندگی دنیا را از آنها دور کردیم و تا مدتی برخوردارشان نمودیم (۹۸)

ای پیامبر! اگر پروردگارت میخواست، تمام مردم روی زمین همگی شان مومن میشدند، آیا تو میخواهی مردم را به زور مومن کنی؟ (۹۹) و هیچکس را نمیرسد

ایمان بیاورد مگر به اذن خدا، و همو پلیدی را بر کسانی که خرد نمی ورزند قرار میدهد (۱۰۰) بگو ببینید در آسمانها و زمین چیست؟ البته این نشانه ها و هشدارها برای کسانی که ایمان نمی آورند فایده ای نخواهد داشت (۱۰۱) آیا چیزی غیر از آن را انتظار دارند که بر سر اقوام قبلی آمد؟ بگو منتظر باشید که من نیز به همراه شما جزء منتظرانم (۱۰۲) آنگاه رسولانمان و مومنان را نجات خواهیم داد و البته نجات مومنان حقی است که بر عهده ما است (۱۰۳)

بگو ای مردم اگر درباره دین من شکی دارید بدانید که من آنچه را که شما غیر از خداوند می پرستید نمی پرستم ولیکن آن خداوندی را می پرستم که جان شما را دریافت می کند و مأمورم که از مومنان باشم (۱۰۴) و اینکه رویم را به سوی دین بی انحراف کنم و مبدا از مشرکان باشم (۱۰۵) و اینکه به غیر از خداوند چیزی را که نفع و ضرری برایم ندارد به دعا نخوانم که اگر چنین کنم از ظالمان خواهم بود (۱۰۶)

ای پیامبر! و اگر خداوند ناراحتی به تو برساند هیچ کسی غیر از او نمیتواند بر طرفش کند و اگر بخواهد خیری به تو برساند هیچ کس نمیتواند لطفش را جلوگیری کند. به هر کس از بندگانش که بخواهد لطف میرساند و همو آمرزگار مهربان است (۱۰۷)

بگو ای مردم! حق از جانب پروردگارتان بسویتان آمد. هر که خواست راه هدایت در پیش گیرد به نفع خویش کرده و کسی که گمراه شد به ضرر خویش گمراه شده و من نگهبان مجبور کننده نیستم (۱۰۸) و آنچه را که بسویت وحی میشود پیروی کن و صبر کن تا خداوند حکم کند و همو بهترین حاکمان است (۱۰۹)

سوره انبیاء

﴿ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ﴾

اَفْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مَّعْرُضُونَ ﴿١﴾ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ ذِكْرٍ مِّن رَّبِّهِمْ مُّحَدَّثٍ اِلَّا اسْتَمْعَوْهُ وَهُمْ يَلْعَبُونَ ﴿٢﴾ لَّاهِيَةً قُلُوبُهُمْ وَاَسْرُوا النَّجْوٰى الَّذِيْنَ ظَلَمُوْا هَلْ هٰذَا اِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ اَفَتَاتُونَ السَّحْرَ وَاَنْتُمْ تُبْصِرُونَ ﴿٣﴾ قَالَ رَبِّيْ يَعْلَمُ الْقَوْلَ فِي السَّمَآءِ وَالْاَرْضِ وَهُوَ السَّمِیْعُ الْعَلِیْمُ ﴿٤﴾ بَلْ قَالُوْا اَضْعَاطُ اَحْلَامٍ بَلْ اِفْتَرَاهُ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ فَلْيَاْتِنَا بآیَةٍ كَمَا اُرْسِلَ الْاَوَّلُونَ ﴿٥﴾ مَا اٰمَنْتَ قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْيَةٍ اَهْلَكْنَاهَا اَفْهُمْ يُؤْمِنُوْنَ ﴿٦﴾ وَمَا اُرْسَلْنَا قَبْلَكَ اِلَّا رِجَالًا نُّوحِيْ اِلَيْهِمْ فَاَسْأَلُوْا اَهْلَ الدِّكْرِ اِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُوْنَ ﴿٧﴾ وَمَا جَعَلْنَاهُمْ جَسَدًا لَا يَأْكُلُوْنَ الطَّعَامَ وَمَا كَانُوْا خَالِدِيْنَ ﴿٨﴾ ثُمَّ صَدَقْنَاهُمُ الْوَعْدَ فَاَنْجَيْنَاهُمْ وَمَنْ نَّشَاءُ وَاَهْلَكْنَا الْمُسْرِفِيْنَ ﴿٩﴾ لَقَدْ اَنْزَلْنَا اِلَيْكُمْ كِتٰبًا فِيْهِ ذِكْرُكُمْ اَفَلَا تَعْقِلُوْنَ ﴿١٠﴾ وَكَمْ قَصَمْنَا مِنْ قَرْيَةٍ كَانَتْ ظٰلِمَةً وَاَنْشَاْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا آخَرِيْنَ ﴿١١﴾ فَلَمَّا اَحْسَبُوْا بِاسْنَانَا اِذَا هُمْ مِنْهَا يَرْكُضُونَ ﴿١٢﴾ لَا تَرْكُضُوْا وَاَرْجِعُوْا اِلٰى مَا اُنْتَرِفْتُمْ فِيْهِ وَمَسٰكِيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْأَلُوْنَ ﴿١٣﴾ قَالُوْا يَا وَيْلَنَا اِنَّا كُنَّا ظٰلِمِيْنَ ﴿١٤﴾ فَمَا زَالَتْ تِلْكَ دَعْوَاهُمْ حَتّٰى جَعَلْنَاهُمْ حَصِيْدًا خٰمِدِيْنَ ﴿١٥﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یعنی «درس» سوره)، برای کل ۱۱۴ سوره قرآن، در کتاب «خودآموز تفسیر قرآن» (از همین قلم) وجود دارد، و خود کتاب مذکور را میتوانید در سایت (<https://tafsir.ganjei.com>) بیابید، و البته مبانی این موضوع نیز در ۱۶۰ صفحه اول کتاب «علوم قرآنی» (موجود در همان سایت) شرح داده شده است. و در مورد این سوره، عصاره محتوا، همان است که ذیلا دیده میشود.

درس: ای پیامبر! با قوت رسالتت را پی گیر که مانند پیامبران گذشته موفق می شوی. برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: کافران به اهمیت قیامت، و حقیقت وحی و خطر هلاکت دسته جمعی حاصل از تکذیب توجه نمی کنند.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

افْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مَّعْرُضُونَ ﴿١﴾ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ ذِكْرٍ مِنْ رَبِّهِمْ مُحَدَّثٍ إِلَّا اسْتَمَعُوهُ وَهُمْ يَلْبَعُونَ ﴿٢﴾ لَاهِيَةً قُلُوبُهُمْ وَأَسْرَأَ النَّجْوَى الَّذِينَ ظَلَمُوا هَلْ هَذَا إِلَّا بَشْرٌ مِثْلُكُمْ أَفَتَأْتُونَ السَّخِرَ وَأَنْتُمْ تَبْصِرُونَ ﴿٣﴾

ریزدرب: نکوهش اهل غفلت و توصیف مختصر آنان.

۲

قَالَ رَبِّي يَعْلَمُ الْقَوْلَ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٤﴾ بَلْ قَالُوا أَضْعَافٌ أُخْلَامٌ بَلِ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ فَلْيَأْتِنَا بِآيَةٍ كَمَا أُرْسِلَ الْأَوْلُونَ ﴿٥﴾

ریزدرب: بروز اختلاف نظر در میان تکذیبگران یکی از عوامل موفقیت رسالت آنحضرت است.

۳

مَا آمَنَتْ قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَفَهُمْ يُؤْمِنُونَ ﴿٦﴾ وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ إِلَّا رِجَالًا نُوْحِي إِلَيْهِمْ فَاسْأَلُوا أَهْلَ الدِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿٧﴾ وَمَا جَعَلْنَاهُمْ حَسَدًا لَّا يَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَمَا كَانُوا خَالِدِينَ ﴿٨﴾ ثُمَّ صَدَقْنَاهُمُ الْوَعْدَ فَأَنْجَيْنَاهُمْ وَمَنْ نَشَاءُ وَأَهْلَكْنَا الْمُسْرِفِينَ ﴿٩﴾

ریزدرب: توجه دادن به پیامبر(ص) که به تکذیب ها چندان اهمیت ندهد و به پیروزی رسالتش دلگرم باشد.

۴

لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿١٠﴾

ریزدرب: ای مردم! آنچه به نفع شماست در کتابی است که بر این پیامبر نازل شده است.

۵

وَكَمْ قَصَمْنَا مِنْ قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً وَأَنْشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا آخَرِينَ ﴿١١﴾ فَلَمَّا أَحْسَبُوا أَنَّهَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَرْكَبُونَ ﴿١٢﴾ لَا تَرْكَبُوهَا وَارْجِعُوا إِلَىٰ مَا أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَمَسَاكِينِكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْأَلُونَ ﴿١٣﴾ قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿١٤﴾ فَمَا زَالَتْ تِلْكَ دَعْوَاهُمْ حَتَّىٰ جَعَلْنَاهُمْ حَصِيدًا خَامِدِينَ ﴿١٥﴾

ریزدرب: عاقبت فرایند تکذیب حق در همین جهان

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقا با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

تَبَّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقا می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳ - سوالات

- ۱ - حالت کلی این پاراگراف چگونه است؟ (ارشاد پیامبر - ص - درباره قلمرو ماموریت او؟ نکوهش کافران؟ یا...؟)
- ۲ - آیه ۱ شبیه کدام آیه در سوره قمر است؟
- ۳ - در آیه ۳، مطالب از «الذین» تا آخر آیه، چه نوعی از سخن است؟ (نقل قول مستقیم؟ یا...؟)
- ۴ - با توجه به آیه ۳، چرا نجوا؟
- ۵ - با توجه به سوال قبلی، این کسانی که بینشان نجوا در گرفته بود اما آن را پوشیده میداشتند، چه کسانی بودند؟ (کافران معمولی که سمپات جریان اسلام شده بودند اما از ترس «سران» کفار جرات علنی کردن سمپاتی خود را نداشتند؟ یا...؟)
- ۶ - از بین صفات ممکن، چرا خداوند دو صفت انتهای آیه ۴ را ترجیح داده؟
- ۷ - با توجه به آیه های ۳ و ۵، و نیز مطالب سوره های پیشین، نسبت های ناروایی که به آنحضرت داده میشد را لیست کنید.
- ۸ - تناقض های موجود بین نسبت های مذکور در آیه ۵ را شرح دهید.
- ۹ - آیا مطالب آیه ۶، با مکه پس از هجرت منطبق است؟ در آنصورت منظور از مطالب آیه ۶، چیست؟ (هشدار؟ پیشگویی مشروط؟ یا...؟)
- ۱۰ - « فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ » (آیه ۷) خطاب به چه کسانی است؟
- ۱۱ - منظور از «ذکر» (آیه ۱۰) چیست؟
- ۱۲ - فاعل فعل «قال» (آیه ۴) کیست؟

۴ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

از آیه ۳ به وضوح فهمیده میشود که عده ای ایمان آورده و سعی میکردند بطور مخفیانه آن را تبلیغ کنند و عده ای دیگر سعی میکردند انصرافشان کنند. با توجه به آیه ۱۳ منظور از جمله «باشد که بازخواست شوید» چیست؟ بطور کلی، بطوریکه تاکنون دیدیم، هر جا که قرآن کفار را نکوهش می کند، نقطه تمرکز جملات نکوهشی آن متوجه «سران» کفار است. در این آیه نیز همین موضوع دیده می شود و جمله «هوسرانی می کردید» دلیل و شاهد آن است. از طرف دیگر همین «سران» نوعی مرجعیت برای پائین دستی های خویش و افراد عادی تحت نفوذ خویش داشتند و طبعاً در مصائب و بلاها مردم پائین به «سران» رجوع می کنند و توضیح و چاره خواهی می کنند. آیه ۱۳ می فرماید به محض اینکه آثار نزول بلا ظاهر می شود، شما که مایه گمراهی دیگران هستید، شروع می کنید به فرار و مسئله فردی خویش را حل کردن، در حالیکه عادی ترین وظیفه آدمیتی شما این است که به سراغ زیردستان خویش بروید و با آنها باشید و لاقفل به سئوال آنها پاسخ دهید.

۵ - زاویه با تفاسیر رایج

۱ : (المیزان) : غرض این سوره گفتگو پیرامون مساله نبوت است که مساله توحید و معاد را زیر بنای آن قرار داده.

آنچه که المیزان آن را غرض سوره نامیده ، همان چیزی است که ما آن را «درس» سوره می نامیم و با دقت از راه محاسبه استخراج میکنیم که این است: ای پیامبر! رسالت خویش را باقوت پیگیری باش که مانند پیامبران گذشته موفق خواهی شد.

۲: و گرچه در نگاه سنتی غالب، اهل الذکر را منحصر در ۱۴ معصوم ارجمند قلمداد کرده اند که البته بر این انحصار اشکالات عدیده ای وارد است و ما در اینجا نمیخواهیم به آن بحث وارد شویم، و درس و درب معنا را برایمان روشن میکند، که راه برون رفت از تردید در درستی رسالتش در این است که به اهل فن مراجعه شود و طبعاً این مراجعه باید مطابق الگوی «یستمعون القول فیتبعون احسنه» (که قبلاً در سوره شوری نازل شده بود) باشد، نه اینکه گزینشی و فقط مراجعه به کسانی شود که حرفی مطابق ذائقه مستمع مذکور خواهند زد.

۶ - پیشگوئی های تحقق یافته

در آیات ۹ تا ۱۵ میفرماید مکذبان پیشین را اینگونه از میدان بدر کردیم که این وعده و پیشگوئی تحقق یافته ای است که در مورد دشمنان آنحضرت و پیروانش نیز چنین خواهد شد، و چنین نیز شد.

۷ - آیات برجسته این پاراگراف

آیه ۷ (. . فاسئلوا اهل الذکر ان کنتم لاتعلمون) از نوع آیات برجسته است و نه تنها در برخی خوشنویسی ها دیده میشود بلکه بطور وسیعی در احتجاجات (شیعیان) بکار میرود.

۸ - آیات مشکل

آیه ۷ فوق از لحاظ اینکه مورد اختلاف نظر شدید در بین مفسران است، به تیتیر فوق هم میخورد، اما، علاوه بر آن، آیه های ۴ و ۵ نیز داخل این موضوع میشوند (اما نه برای ما که به درس و درب مجهزیم! که کاملا «مشکل» بودن فهم آیه های مذکور را مرتفع میکند)

۹ - در این پاراگراف، کدام فقرات، فوق ذهنیات معاصران نزول است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه ۱ «قیامتی» است، و هیچ بنی بشری تجربه اش را ندارد، و قبل از قیامت نخواهد داشت، لذا، چه در آن روزهای نزول وحی و چه الی یوم القیامه بالاتر از ذهنیات بشر خواهد بود.

آیه های ۶ تا ۹ از این لحاظ که مربوط به اقوامی است که در قبل از تاریخ بوده اند، و علم باستان شناسی آنقدر رشد نکرده که ما از اوضاع و احوال آنها مطلع باشیم، برای ما نیز روشن نیست، چه رسد به مخاطبان اولیه این آیات. همچنین است آیات ۱۱ تا ۱۵.

۱۰ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیه های ۱ تا ۳ و ۶ و ۹ و ۱۱، بقیه آیات پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلید های تفسیری

واگذاری به مخاطب : در آیه ۳، بین دو کلمه «النجوی» و «هل» عبارت «ویقولون» (= و می گویند) در تقدیر بوده و به اصطلاح «محدوف به قرینه» است که در نظر گرفتن آن به مخاطب واگذار شده است.

پرانته‌ها : آیات ۷ و ۸ و ۹ نیز بدون این که فرع بر آیه‌ای باشند پرانتری هستند و دلیلش هم این است که اگر چشم خویش را بر آنها بسته و انتهای آیه ۶ را به ابتدای آیه ۱۰ وصل کنیم می‌بینیم روال سخن صاف و یکدست و بی‌دست‌انداز است.

معنی کلمات : «فیه ذکرکم» (آیه ۱۰)، با توجه به درس و ریزدرب زیرپاراگراف مربوطه، در اینجا «ذکر» به معنای «پند» است.

غفلت غلیظ

آنچه در این پاراگراف برجسته شده «غفلت» کافران است. مثلاً غفلتشان از نزدیک شدن «حساب»شان، غفلت از احاطه علم خداوند به همه چیز، غفلت از صداقت مطلق پیامبر(ص) و اهمیت فوق‌العاده وحی، غفلت از آنچه بر سر پیشینیان آمد که همین رفتارهای اینها را می‌کردند، غفلت از سرانجام محتومی که در صورت عدم اصلاح رفتارشان دچار آن خواهند شد، و خلاصه غفلت و غفلت و غفلت!

همه جور نسبتی به پیامبر(ص) می‌دادند غیر از آنچه حق اوست

با توجه به آیه‌های ۳ و ۵، آنها علیرغم غفلت پر حجم خویش، به گرفتاری بزرگتری هم دچار بودند و آنهم اینکه کسی را که مانند خودشان نیست گمراه و «جادو زده» ولی خودشان را «صاحب بصیرت» تلقی می‌کردند.

همه چیز به پیامبر(ص) نسبت داده میشد غیر از حقیقت موقعیت آنحضرت.

فاعل «قال» کیست؟

در رابطه با آیه ۴، فاعل فعل «گفت» در ابتدای آیه کیست؟

اگر آیات قبل را با دقت ملاحظه کرده باشید، فاعل مذکور یکنفر از طرف های آن «نجاوا» (آیه ۳) است.

از «اهل الذکر بپرسید» یعنی چه؟

در رابطه با آیه ۷ مفسران محترم بحثهای مفصلی نموده و سئوالاتی مطرح کرده‌اند مثلاً اینکه:

- ۱- «بپرسید» انتهای آیه به چه کسانی برمی‌گردد؟
 - ۲- منظور از «اهل ذکر» که باید از آنان پرسید چه کسانی است؟
 - ۳- منظور از «ذکر» چیست؟ آنگاه پاسخ‌هایی داده‌اند و مفسران بعدی روی پاسخ‌های آنها بحث‌هایی کرده و پاسخ‌های جدیدی داده‌اند و همینطور ...
- اما با توجه به «درس» و «درب»، جواب آن سئوال‌ها بنظر روشن می‌آید و بطور خلاصه می‌خواهد بفرماید که مشکل اینان غفلت است و غفلتشان هم ارادی است، و اگر اراده کنند از غفلت بدر آیند آسان است، و می‌توانند به اشخاص کارشناس و خبره موضوعات مربوط به: وحی و دین و کتب آسمانی و پیامبران و این نوع موضوعات رجوع کنند.

ترجمه تفسیری آزاد

بسم الله الرحمن الرحيم

حساب مردم نزدیک شد ولی این کافران در غفلت بوده و از حق روی گردانند (۱) هیچ پند جدیدی از سوی پروردگارشان بسویشان نیامد مگر اینکه آنها شنیدند ولی به بازی مشغولند (۲) دل‌بسته هوسند و نجوایشان را پوشیده میدارند و به یکدیگر می‌گویند ای ظالمان! آیا این پیامبر جز بشری مثل خودتان است؟ آیا در عین بصیرت به سحر او رو می‌کنید؟ (۳)

اما کسی که آنها سعی دارند او را به کفر سابقش برگردانند میگفت پروردگارم هر سخن را در آسمان‌ها و زمین میداند و اوست که شنوای داناست (۴) اما آنهایی که با او به مجادله می‌پرداختند میگفتند بلکه این قرآن پراکنده گویی است، یا آنرا از خودش در آورده و به خدا افترا زده، یا شاعر است، و گرنه باید مانند پیامبران پیشین معجزه‌ای بیاورد (۵)

ای پیامبر! هیچیک از پیشینیان آنها که هلاکشان کرده بودیم ایمان نیاورده بودند آیا اینها ایمان می‌آورند؟ (۶) و قبل از تو نیز کسی را نفرستادیم مگر اینکه مردانی بودند که وحی بسویشان میفرستادیم. پس، ای مردم! از اهل خیره بپرسید اگر نمیدانید (۷) و آنها را کسانی قرار نداده بودیم که بدن‌هایی باشند که به غذا احتیاج نداشته باشند

و جاودان بمانند (۸) آنگاه آن وعده را برایشان به تحقق رساندیم و آنها و هر کس را که خواستیم نجات دادیم و مسرفان را هلاک نمودیم (۹)

ای مردم! البته بسویتان کتابی فرو فرستادیم که پندتان در آن است آیا تعقل نمی کنید؟ (۱۰) و چه بسا شهرهائی را که ظلم میکردند درهم شکستیم و پس از آنان اقوامی دیگر بوجود آوردیم (۱۱) پس هنگامی که عذاب ما را احساس کردند آنگاه بود که از آن گریزان شدند (۱۲) به آنها خطاب میشد نگریزید و بسوی آنچه که در آن هوسرانی میکردید و نیز بسوی خانه هایتان برگردید، باشد که پرسش شوید (۱۳) گفتند وای بر ما، ما ظالم بودیم (۱۴) گفتارشان جز این نبود تا اینکه آنها را همچون گیاه درو شده پژمرده نمودیم (۱۵)

انبیاء ۲ آیات ۱۶ تا ۳۳

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ ﴿١٦﴾ لَوْ أَرَدْنَا أَنْ نَتَّخِذَ لَهْوًا لَاتَّخَذْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا إِنْ كُنَّا فَاعِلِينَ ﴿١٧﴾ بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَلَكُمْ الْوَيْلُ بِمَا تَصِفُونَ ﴿١٨﴾ وَلَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ عِنْدَهُ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَلَا يَسْتَحْسِرُونَ ﴿١٩﴾ يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ ﴿٢٠﴾ أَمْ اتَّخَذُوا آلِهَةً مِنَ الْأَرْضِ هُمْ يُبْسِرُونَ ﴿٢١﴾ لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ ﴿٢٢﴾ لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ ﴿٢٣﴾ أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ هَذَا ذِكْرٌ مِنْ مَعِي وَذِكْرٌ مَنْ قَبْلِي بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ الْحَقَّ فَهُمْ مُعْرِضُونَ ﴿٢٤﴾ وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ ﴿٢٥﴾ وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ لَدُنَا سُبْحَانَهُ بَلْ عِبَادٌ مُكْرَمُونَ ﴿٢٦﴾ لَا يَسْئَلُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ ﴿٢٧﴾ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَى وَهُمْ مِنْ خَشْيَتِهِ مُشْفِقُونَ ﴿٢٨﴾ وَمَنْ يَقُلْ مِنْهُمْ إِنِّي إِلَهٌ مِنْ دُونِهِ فَذَلِكَ نَجْزِيهِ جَهَنَّمَ كَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ ﴿٢٩﴾ أَوْلَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ ﴿٣٠﴾ وَجَعَلْنَا فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تُمِيدَ بِهَا وَجَعَلْنَا فِيهَا فِجَاجًا سُبُلًا لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ ﴿٣١﴾ وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَفْعًا مَحْفُوظًا وَهُمْ عَنْ آيَاتِهَا مُعْرِضُونَ ﴿٣٢﴾ وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ ﴿٣٣﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:

درس: ای پیامبر! با قوت رسالتت را پی گیر که مانند پیامبران گذشته موفق می شوی. برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:
درب: کافران به خداوند، حکمت آفرینش جهان، و موقعیت کارگزاران جهان نسبت به خداوند، و قدرت او، غفلت میورزند.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ ﴿١٦﴾ لَوْ أَرَدْنَا أَنْ نَتَّخِذَ هَوَا لَاتَّخَذْنَا مِنْ لَدُنَّا إِنْ كُنَّا فَاعِلِينَ ﴿١٧﴾ بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَلَكُمْ الْوَيْلُ بِمَا تَصِفُونَ ﴿١٨﴾

ریزدوب: ای پیامبر! زندگی تان، و جهان پیرامونی تان کاملاً جدی و حق است.

۲

وَلَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ عِنْدَهُ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَلَا يَسْتَحْسِرُونَ ﴿١٩﴾ يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ ﴿٢٠﴾

ریزدوب: ای پیامبر! کل کارگزاران جهان با رغبت کامل به عبادت و اطاعت خداوند مشغولند.

۳

أَمْ اتَّخَذُوا آلِهَةً مِنَ الْأَرْضِ هُمْ يُبْشِرُونَ ﴿٢١﴾ لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ ﴿٢٢﴾ لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ ﴿٢٣﴾ أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ هَذَا ذِكْرٌ مِنْ مَعِيَ وَذِكْرٌ مَنْ قَبْلِي بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ الْحَقَّ فَهُمْ مُعْرِضُونَ ﴿٢٤﴾

ریزدوب: ای پیامبر! خداوند مطلقاً تک و مسلط بر همه چیز است.

۴

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ ﴿٢٥﴾

ریزدوب: ای پیامبر! همه انبیاء بر همین حقایق آموزش یافته اند.

۵

وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ بَلْ عِبَادٌ مُكْرَمُونَ ﴿٢٦﴾ لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهٖ يَعْمَلُونَ ﴿٢٧﴾ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَى وَهُمْ مِنَ خَشْيَتِهِ مُشْفِقُونَ ﴿٢٨﴾ وَمَنْ يَقُلْ مِنْهُمْ إِنِّي إِلَهٌ مِنْ دُونِهِ فَذَلِكُنَّ نَجْرِي جَهَنَّمَ كَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ ﴿٢٩﴾

ریزدوب: ای پیامبر! خداوند بطور مطلق بر کارگزاران جهان مسلط است.

أَوَّلَ يَرِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ ﴿٣٠﴾ وَجَعَلْنَا فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَجَعَلْنَا فِيهَا فِجَاجًا سُبُلًا لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ ﴿٣١﴾ وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَفًّا مَحْفُوظًا وَهُمْ عَنْ آيَاتِهَا مُعْرَضُونَ ﴿٣٢﴾ وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ ﴿٣٣﴾

ریزدرب: ای پیامبر! همه چیز جهان بر اساس آفرینش خداوند و در کنترل اوست.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

بُ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ می فرماید: ای پیامبر! به مشکلات رسالت آنقدر اهمیت نده، زیرا همین الآن عده زیادی سمپات درداخل اردوگاه کفرداری که از ترس سران خویش جرات پیوستن به دعوت راندارند و ضمن نکوهش کفار لجوج، که علی‌رغم در دسترس داشتن عناصر ایمان‌زا، ایمان نمی‌آورند، می فرماید ای کافران! تکلیف خودتان را در رابطه با این پیام الهی روشن کنید.

در این پاراگراف می فرماید: ای پیامبر! این کافران از باب هشدار و تشویق، سخن مستدل روشن، و صبر و حوصله، و چشم پوشی، به اندازه کافی مورد مامشات و مدارا قرار گرفته اند، دیگر بین تو و آنان حجت تمام شده است. منتظر تحولات آینده باش.

۴- سوالات

- ۱- طرز سخن در آیه های ۱۷ و ۲۱ از چه نوع است؟ (طنز؟ یا...؟)
- ۲- چرا خداوند در جاهائی از ضمیر «ما» (لذنا.....) و در جاهائی از «من» (له ...) استفاده فرموده؟

۳ - منظور از «ذکر» (آیه ۲۴) چیست؟

۴ - حالت کلی این پاراگراف چیست؟ (تاکید قوی بر توحید الهی همراه با هشدار شدید؟ بستن راه هرگونه مجامله؟ یا....؟)

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

کفار آن روزها چنین اعتقاداتی داشتند:

- ۱- در آفرینش آسمانها و زمین، مقصود حکیمانه ای نبوده.
 - ۲- خداوند مخلوقاتی دارد که نوعی استقلال در حرکات و رفتارهای خود دارند.
 - ۳- آنها که به خداوند «نزدیک‌تر» هستند دیگر نیازی به عبادت ندارند.
 - ۴- «عرش»ی وجود ندارد که پروردگاری بخواهد.
 - ۵- خداوند نه تنها فرزند دارد، بلکه همه ملائکه فرزندان او هستند.
 - ۶- بسیاری از ملائکه می‌توانند مستقلاً شفاعت بکنند.
- و این موضوع منحصر به اعراب ۱۴۰۰ سال پیش نبوده، مثلاً در اشعار شاعران آن زمان، در متون رایج ادیان آن زمان، در میتولوژی تقریباً همه اقوام و ملل، و حتی در قبایل موجود نزدیک به زمان ما (مثلاً سرخپوستان قرن ۱۹ و قبایل زولو و اقوام مایا و اینکا و آزتک که خیلی به زمان ما نزدیک بوده‌اند) آنقدر ادله و شواهد و سند و مدرک دارد که می‌تواند موضوع تحقیقات گسترده ای بشود، و حتی تا همین دویست سال پیش نیز اقوام قدرتمندی بوده‌اند که به وجود هزاران خدای مؤثر در هزاران زمینه امور زندگی اعتقاد داشته‌اند و در جشنها و روزهای خاص مذهبی پسران و دخترانی را در معابد خویش سر می‌بریده‌اند و به خیال خویش تقدیم خدایان می‌کردند تا حمایت آنها را جلب نمایند و سود ببرند یا مضر آنها را دفع کنند و باز هم سود ببرند.

۶ - پیشگویی‌های تحقق یافته (علمی)

آیات ۳۳-۳۰ پر است از معجزات علمی. و گرچه خطاب به کافران آن روزها هم هست اما واقعاً کافران آن روزها قابل این نبودند که مورد خطاب چنین آیاتی واقع شوند. علم اعلم علمای آن روزها در متمدن‌ترین نقطه جهان در حد «المجسطی» بطليموس بود و اصلاً قابل عرضه و در حد چنین آیاتی نبود. مطالبی که امروزه مفهوم و معلوم است ولی آن روزها که هیچ بلکه حتی تا این چند قرن اخیر هم مفهوم و معلوم نبوده اینهاست:

- ۱- آسمانها و زمین «پیوسته» بود و بعداً «باز» شد. آیا نظریه «انفجار عظیم» (Big Bang) که امروزه در علم فیزیک یک نظریه جا افتاده و پذیرفته‌ای است، تفسیر موضوع فوق، (در آیه ۳۰) نیست؟ زیرا در آیه می‌فرماید جهان در ابتدا «پیوسته» بود، بعداً «باز» شد.
- ۲- همه چیز از آب زنده شد، (همان آیه) با آخرین نظریه های زیست شناسی منطبق نیست؟
- ۳- در زمین «لنگر» هائی هست تا از لرزش زمین جلوگیری کند، اشاره به حرکت دوار زمین، که امروز از لحاظ زمین شناسی تبدیل به بدیهیات شده است، نیست؟
- ۴ و ۵ - دره‌ها و راه‌ها سبب «هدایت» است، و آسمان «سقف محفوظ»ی است، که در سوره های قبلی توضیحش را عرض کرده ایم، واقعا در حد دانسته های اعراب ۱۴۰۰ سال قبل (وحتی متمدن ترین نقاط زمین در ۱۴۰۰ سال) قبل بوده؟
- ۶- شب و روز و خورشید و ماه، در «فلک»ی شناورند، وضع منظومه شمسی در داخل کهکشان راه شیری را بیان نمیکند؟

۷ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه ۲۹ «قیامتی» است، و هیچ بنی بشری تجربه اش را ندارد، و قبل از قیامت نخواهد داشت، لذا، چه در آن روزهای نزول وحی و چه الی یوم القیامه بالاتر از ذهنیات بشر خواهد بود.

آیه ۲۵ از این لحاظ که مربوط به اقوامی است که در قبل از تاریخ بوده اند، و علم باستان شناسی آنقدر رشد نکرده که ما از اوضاع و احوال آنها مطلع باشیم، برای ما نیز روشن نیست، چه رسد به مخاطبان اولیه این آیات. مکانیزم اجرائی آیه ۱۸ برای ما ساکنان قرن ۲۱ نیز روشن نیست چه رسد مخاطب های اولیه! آیات ۳۰ تا ۳۳ چنین موقعیتی دارند.

در حالیکه اگر نگاهی اندکی دقیق به آیات مذکور کنیم می بینیم که محتوای آنها اشاره به مطالبی دارد که قبل از قرن هجده میلادی (یعنی حدود هزار سال پس از نزول قرآن) نه تنها برای عرب معاصر نزول قرآن بلکه برای کل بشریت شناخته شده نبود.

در آیه های ۱۹ و ۲۰ به موجوداتی اشاره شده که معهود ما بشر قرن حاضر هم نیست، چه رسد به مشافهین ۱۴۰۰ سال قبل! همچنین است آیه های ۲۷ و ۲۸.

۸ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره ها، تقریباً تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

بحث متنی

دو آیه ۲۱ و ۲۲ بدون این که فرع بر آیه‌ای باشند پرانتری هستند، دلیلش هم این که اگر چشم خود را بر آنها ببندیم و قبل و بعد آنها را به یکدیگر وصل کنیم می‌بینیم روال سخن صاف‌تر و یکدست‌تر شده است. همینطور است وضع آیات ۲۴ و ۲۵ و ۲۶. نیز وضع آیه ۲۹.

«عبادت» یعنی «زندگی مطلوب»

با توجه به آیه ۱۹، از کلمه «عبادت» اولین چیزهائی که به ذهن ما می‌آید، نماز و روزه و دعا و زکوه و حج و امثال آنهاست.

البته چون در سوره ذاریات بحثی در این مطلب عرض نموده ایم، قصد تکرارش را در اینجا نداریم.

از آنجا که کسب روزی حلال و جستجوی علم و حسن خلق، داخل مفهومی می‌شود که ما آنرا «زندگی» می‌نامیم، پس بطور منطقی در می‌یابیم که عبادات چیزی «خارج از زندگی» نیست بلکه عبادت «عین زندگی خوب» است.

آیا «زندگی خوب» بدون کسب علم ممکن است؟ بعبارت دیگر، آیا «زندگی جاهلانه» می‌تواند یک زندگی خوب باشد؟ و یا حتی زندگی خشن و بدخلقانه و یا حتی یک زندگی ساده شده و صد در صد بسیط، (مانند زندگی حیوانات) می‌تواند خوب باشد؟ واضح است که نه! پس یک زندگی مبتنی بر علم، و مبتنی بر حسن خلق، و مبتنی بر ساخته شدن آن بدست بشر، آن زندگی است که برای ما پسندیده شده و همان هم «عبادت» است.

بعبارت دیگر؛ عبادت عبارتست از «زندگی پسندیده»، و نماز و روزه و حج و زکوه و

زیارات و دعاها و غیره، نیز «جزئی از آن زندگی پسندیده» است. بنابراین اینکه فرموده «خسته نمی‌شوند» مفهوم می‌گردد. معلوم است که هیچکس از «زندگی پسندیده»، «خسته» نمی‌شود. بنابراین، براساس آنچه تاکنون بدست آورده‌ایم آیه ۱۹ را اینطور می‌فهمیم: و هر کس که از لحاظ شخصیت و روحیات و از لحاظ تعالیم الهی، بالاتر است، از زندگی پسندیده خویش خسته نمی‌شود و گردنفرازی هم نمی‌کند.

اعجاز ادبی

به توجه به آنچه در آیه ۱۹ عرض شد، «شب و روز به تسبیح می‌گذرانند»، معلوم است که خداوند نمی‌خواسته است به ما و قبل از ما به مخاطبان آن روزی قرآن چنین بگوید که مثلاً سکون و سکوت سنگ نیز تسبیح است.

بلکه از «درس» و «درب» فهمیده می‌شود که می‌خواسته به آن کافران بگوید گردنفرازی نکنید و بخاطر اینکه عبادت (به معنی نماز و زکوه و دعا و خیرات و رعایت عهد و امانت و اقامه شهادت و سایر احکام اخلاقی که تا زمان نزول این آیات نازل شده بود) برای شما مشکل بنظر می‌آید اصل و ریشه آن را انکار نکنید زیرا که اینها چیز خوبی است و مانند زندگی است و آیا شما از زندگی خوب و پسندیده خسته می‌شوید؟ این یک معنی نسبتاً عمیق‌تر آیه مذکور است و یک معنی ظاهری‌تر و آسان‌تر آن همان است که بدون توجه به این بحث‌هایی که عرض کردیم و نتایجی که به آن رسیدیم از ظاهر دو آیه ۱۹ و ۲۰ فهمیده می‌شود که اگر شما گردنفرازی می‌کنید و دو رکعت نماز و دو درهم زکوه بنظرتان خیلی سخت می‌آید چندان اهمیتی ندارد، زیرا خداوند ملائکه و انسانها و موجوداتی دارد که دائماً در تسبیح و تقدیس اویند و خسته هم نمی‌شوند.

این یکی از جوه اعجازی قرآنی است که دو بیان بسیار عمیق و بسیار سطحی را در قالب کلماتی یکسان عرضه می‌کند.

«فساد» در آسمان‌ها و زمین، یعنی چه؟

با توجه به آیه ۲۲ فساد یعنی چه؟

اگر بتوانید چند چیز فاسد را بنظر آورده و سپس حالت سالم همان چیزها را هم بنظر آوریم، به یک تعریف از «فساد» می‌رسیم و آنهم این است که: فساد عبارت است از

خارج شدن سوژه موردنظر از حالت سلامت.

بنابراین فساد نسبت به سلامت تعریف می‌شود یعنی «فساد» حالت «عدم سلامت» هر چیزی است.

بنابراین اینکه فرموده اگر در آسمانها و زمین غیر از خداوند، خدایان دیگری باشد حتماً آنها (یعنی آسمان و زمین) فاسد خواهند شد، یعنی از این حالت فعلی که همه چیز سر جای خویش بنظر می‌رسد و اضطراب و اعوجاجی در آن بنظر نمی‌رسد خارج خواهد شد، و در نتیجه امور جهان از حالت فعلی (که یک نمونه‌اش این است که می‌توان پیش‌بینی کسوف و خسوف ده هزار سال بعد را هم نمود و همه چیز بر مبنای علم و عقل و حکمت است) خارج خواهد شد.

چنانکه قبلاً هم عرض کردیم عرش، «نماد مدیریت» است و در کشتی هم عرشه محل هدایت کشتی است و در آیه ۲۲، از میان هزاران صفت خداوند متعال از لحاظ صفت، «پروردگار عرش» را ذکر نموده که به مدیریت و ربوبیت همه جانبه آن حضرت راجع به همه نوع از موجودات اشاره‌ای نموده باشد و نیز تأکیدی فرموده باشد که فساد موردنظر در آیه، بیشتر فساد از لحاظ پراکندگی امور عالم و از هم گسیختگی رشته تدبیر امور می‌باشد.

درباره خداوند و کارگزاران جهان (یعنی ملائکه)

در این پاراگراف، بسیاری از مطالبش برایمان آشناست و به صورتها و عبارات مختلف قبلاً دیده‌ایم اما نکاتی هم دارد که جدید است اما چیزی که باید توجه ما را به خویش جلب کند این نکته است که اعم از نکات آشنای قدیمی و نکات جدید «ترکیب مجموعه آنها» در جهت تعریف و تبیین و توضیح موقعیت خداوند در «جهان» است.

اگر با این دید به این مجموعه آیات نگاه کنیم چنین نکاتی را کشف می‌کنیم:

- ۱- در آفرینش آسمانها و زمین یک مقصود حکیمانه و عاقلانه مورد نظر بوده است.
- ۲- خداوند مالک همه مخلوقات است.
- ۳- آنها که به خداوند «نزدیک‌تر» هستند در عبادت ساعی‌ترند.
- ۴- خداوند پروردگار عرش (= مرکز مدیریت و فرماندهی کل جهان) است.
- ۵- خداوند از هر چه تصور کنید بالاتر است.
- ۶- خداوند فرزند ندارد.
- ۷- همه، حتی ملائکه، مخلوقات خداوند هستند و در هیچ کاری نمی‌توانند علی‌رغم

اراده خداوند کاری کنند.

۸- خداوند به همه احاطه دارد.

۹- ملائکه نمی‌توانند علیه‌رغم خداوند شفاعتی کنند.

البته امروز، پذیرش این نکات اعتقادی برای ما آسان است اما برای اینکه از آن روزها تصویری داشته باشید، موارد نه گانه فوق را مرور کنید و در انتهای جملات، فعل‌های خبری مثبت را منفی و منفی‌ها را مثبت کنید.

اگر این کار را بکنید خواهید دید، محورهای اعتقادی رایج کفار آن روزها چه بوده است.

تقابل دائمی حق و باطل

موضوع آیه ۱۸ یک مفهوم عادی و ساده‌ای دارد و قبلاً هم در سوره اسراء دیدیم که فرموده بود «بگو حق آمد و باطل نابود شد»

اما یک معنی عمیق‌تری هم دارد که دارای بار فلسفی و فکری بالائی است و اگر به «درس» و «درب» توجه کنیم می‌توانیم حدس‌هائی بزنیم: آنچه به خداوند مربوط می‌شود حق است:

۱- مثلاً مقصود حکیمانه از آفرینش جهان و آنچه در آن است حق است و هر چه مغایر آن باشد «عبث» یا باطل است.

۲- یا مثلاً دینی که خود خداوند توصیه کرده حق است و خدایانی که مشرکان آنها را می‌پرستند باطل است.

۳- پیامبر و پیام او حق است و کاهنان و جادوگران و القائات آنها و شاعرانی که از خودشان مطالبی در می‌آورند باطل است.

۴- آنچه که خداوند برای جهان برنامه‌ریزی نموده، (که مثلاً دین او شناخته شود، پذیرفته شود، جهانگیر شود، ...) حق است و برنامه‌ریزی‌های مغایر آن باطل است (مثلاً برنامه‌ریزی آن کسی که داستانش را در سوره فیل دیدیم که می‌خواست دین موردنظر خود را مطرح و مطلوب کند و کعبه را مزاحم می‌دید و تصمیم به تخریب کعبه گرفته بود باطل بود و نابود شد).

۵- و غیره و غیره ... (که بسیار زیاد است).

اینکه در آیه ۱۸ فرموده «حق را بر باطل می‌افکنیم تا آنرا در هم بشکنند»، ظاهراً باید به این معنی باشد که «نماد»های حق، (مثلاً پیام حق و راه و روش حق) باطل را نابود می‌کند.

مثلاً پیامبران و کتابهایشان، شرک و افکار و ادیان و راه و رسم باطل را از بین می‌برند

نه اینکه خداوند شخصاً و با روش‌های اعجازی و خارق‌العاده (مانند روش مستقیمی که در سوره فیل به آن اشاره شد) این کار را بکند. لاقل پس از بعثت پیامبر ما (ص) که در دوره بلوغ بشریت است خداوند به آن نوع روش‌های مستقیم و خارق‌العاده نپرداخته (یا لاقل بسیار بسیار کم پرداخته است)

آیا خداوند «نزد» دارد؟

بعبارت دیگر، آیا مکان خاصی هست که آنجا «نزد» خداست و جاهای دیگر «نزد» او نیست؟

واضح است که این تصورات صحیح نیست و خداوند محدود به زمان و مکان نیست و تاکنون آیاتی که این نوع تصورات را باطل می‌کند، زیاد دیده‌ایم.

بنابراین معنی «نزد او» چه می‌شود؟

با توجه به آنچه که گذشت، باید بدانیم که معنی «نزد او» از لحاظ «مکان» و «زمان» جواب نمی‌دهد بلکه باید مفاهیمی مانند شخصیت و روحیه و درک و فهم را مورد توجه قرار دهیم.

یعنی اینکه آنکس که درک و فهم و شخصیت و روحیات پسندیده بالاتری دارد، بیشتر به خداوند نزدیک است و از لحاظ «نزد او» بودن، «نزد تر» است.

ترجمه تفسیری آزاد

ای پیامبر! برای مخالفت روشن کن که آسمان و زمین و بین آنها را به بازی نیافریده ایم (۱۶) اگر میخواستیم بازیچه بگیریم از نزد خویش برمیگرفتیم زیرا که کاردانیم (۱۷) بلکه حق را بر باطل می‌افکنیم تا آنرا در هم بشکنند تا اینکه باطل نابود شود و وای بر کافران از آنچه وصف میکنند (۱۸) و هر کس که در آسمانها و زمین است از آن اوست و هر کس که نزد اوست از عبادت او گردنفرازی نمی‌کند و خسته نمیشوند (۱۹) و شب و روز به راز و نیاز با او میگردانند و سستی نمیگیرند (۲۰) آیا این مخالفت از زمین خدایانی برگرفته اند که به آنها زندگی دوباره میدهند؟ (۲۱) اگر خدایانی غیر از خداوند در آسمان و زمین موثر باشند حتما هر دوی زمین و آسمان فاسد خواهند شد و خداوند صاحب‌عرش از آنچه وصف میکنند بالاتر است (۲۲) هر چه کند بازخواست نمیشود اما همه توسط او بازخواست میشوند (۲۳) یا اینکه غیر از او خدایانی برگرفته اند. به آنان بگو دلیل رفتار خویش را توضیح دهند.

ای پیامبر! به آنان بگو این قرآن حاوی پندهایی برای من و پیروانم و پند پیامبران قبل از من است، ولی در عین حال متوجه باش که اکثرشان حق را نمی شناسند و از آن رویگردانند (۲۴) و قبل از تو هیچ رسولی نفرستادیم مگر اینکه بسوی وحی می کردیم که خدائی جز من نیست پس عبادتم کنید (۲۵) ای پیامبر! مخالفت میگویند خداوند رحمان فرزندی برگرفته. منزّه است بلکه آنها بندگان گرامی اند (۲۶) در هیچ قولی از او سبقت نمی گیرند و به فرمان او عمل می کنند (۲۷) به پیش رو و پشت سرشان علم دارد و شفاعت کسی را نمی کنند مگر اینکه او راضی باشد و به سبب خشیت او نگرانند (۲۸) و اگر کسی از آنها بگوید من به غیر از او خدا هستم جهنم را سزایش میدهیم و با ظالمان چنین رفتار میکنیم (۲۹) آیا کافران توجه نمی کنند که آسمانها و زمین پیوسته بود و ما آنها را باز کرده و از آب همه چیز را زنده کردیم، و ایمان نمی آورند؟ (۳۰) و در زمین لنگرهایی قرار دادیم تا مبدا آنها را بلرزاند و در آن دره ها و راه هائی قرار دادیم شاید هدایت یابند (۳۱) و آسمان را سقفی محفوظ نمودیم، ولی با وجود همه این آیات رویگردانند (۳۲) و هموست که شب و روز و خورشید و ماه را آفرید که همگی شان در چرخه ای شناورند (۳۳)

انبیاء ۳ آیات ۳۴ تا ۴۷

وَمَا جَعَلْنَا لِبَشَرٍ مِّن قَبْلِكَ الْخُلْدَ أَفَإِن مَّتَّ فَهُمُ الْحَالِدُونَ ﴿٣٤﴾ كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَنَبَلُّوكُم بِالنَّسْرِ وَآخِرُ فِتْنَتِهِ وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ ﴿٣٥﴾ وَإِذَا رَأَى الَّذِينَ كَفَرُوا إِن يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُوًا أَهَذَا الَّذِي يَذَّكَّرُ أَهْتِكُمْ وَهُمْ يَدْعُرُ الرِّحْمَانَ هُمْ كَافِرُونَ ﴿٣٦﴾ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَجَلٍ سَأَرِيكُمْ آيَاتِي فَلَا تَسْتَعْجِلُونِ ﴿٣٧﴾ وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٣٨﴾ لَوْ يَعْلَمُ الَّذِينَ كَفَرُوا حِينَ لَا يَكْفُونُ عَن وُجُوهِهِمُ النَّارَ وَلَا عَن ظُهُورِهِمْ وَلَا عَن ظُهُورِهِمْ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ﴿٣٩﴾ بَلْ تَأْتِيهِمْ بَغْتَةً فَتَبْهَتُهُمْ فَلَا يَسْتَبْطِعُونَ رَدَّهَا وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ ﴿٤٠﴾ وَلَقَدْ اسْتَهْزَأُ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَخَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ﴿٤١﴾ قُلْ مَن يَكْلُؤُكُم بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مِنَ الرِّحْمَنِ بَلْ هُم عَن ذِكْرِ رَبِّهِمْ مُعْرِضُونَ ﴿٤٢﴾ أَمْ هُم آلهةٌ تَتَّعَبُهُم مِّن دُونِنَا لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَ أَنفُسِهِمْ وَلَا هُم مِنَّا بِصُحْبٍ ﴿٤٣﴾ بَلْ مَتَّعْنَا هَؤُلَاءَ وَآبَاءَهُمْ حَتَّى طَالَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ أَفَلَا يَرَوْنَ أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا أَفَهُمُ الْغَالِبُونَ ﴿٤٤﴾ قُلْ إِنَّمَا أُنذِرُكُم بِالْوَحْيِ وَلَا يَسْمَعُ الصُّمُّ الدُّعَاءَ إِذَا مَا يُنذَرُونَ ﴿٤٥﴾ وَلَئِن مَّسَّتْهُمُ نَفْحَةٌ مِّن عَذَابِ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿٤٦﴾ وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقَسِطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِن كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّن حَرْدَلٍ مِّنَ آتَيْنَا بِهَا وَكَفَى بِنَا حَاسِبِينَ ﴿٤٧﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:

درس: ای پیامبر! با قوت رسالت را پی گیر که مانند پیامبران گذشته موفق می شوی.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: ای پیامبر! علیرغم رفتارهای غافلانه کافران با جدیت به رسالت بپرداز و چنین کن و چنین بگو.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

وَمَا جَعَلْنَا لِبَشَرٍ مِّن قَبْلِكَ الْخُلْدَ أَفَإِن مَّتَّ فَهُمُ الْخَالِدُونَ ﴿٣٤﴾ كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَنَبِّئُوكُم بِالشَّرِّ وَالْحَيْرِ فَتَنَةً وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ ﴿٣٥﴾

ریزدرب: ای پیامبر! نگران توطئه های قتل خویش مباش و با قوت رسالتت را پیگیری.

۲

وَإِذَا رَأَى الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُؤًا أَهَذَا الَّذِي يَذْكُرُ آلِهَتَكُمْ وَهُمْ بِذِكْرِ الرَّحْمَنِ هُمْ كَافِرُونَ ﴿٣٦﴾

ریزدرب: ای پیامبر! به تمسخرهای کافران توجه مکن و کار رسالتت را پیگیری.

۳

خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَجَلٍ سَأَرِيكُمْ آيَاتِي فَلَا تَسْتَعْجِلُونِ ﴿٣٧﴾ وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٣٨﴾ لَوْ يَعْلَمُ الَّذِينَ كَفَرُوا حِينَ لَا يَكُفُونَ عَنْ وُجُوهِهِمُ النَّارَ وَلَا عَنْ ظُهُورِهِمْ وَلَا هُمْ يُبْصِرُونَ ﴿٣٩﴾ بَلْ تَأْتِيهِمْ بَغْتَةً فَتَبْهَتُهُمْ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ رَدَّهَا وَلَا هُمْ يُنظِرُونَ ﴿٤٠﴾

ریزدرب: ای کافران! در باره قیامت عجله مکنید، به وقتش می آید، و شما را فرا خواهد گرفت و نخواهید توانست دفعش کنید.

۴

وَلَقَدْ اسْتَهْزَأُوا بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ﴿٤١﴾

ریزدرب: ای پیامبر! به تمسخرهای کافران توجه مکن و کار رسالتت را پیگیری.

۵

قُلْ مَنْ يَكْفُرُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مِنَ الرَّحْمَنِ بَلْ هُمْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِمْ مُعْرِضُونَ ﴿٤٢﴾ أَمْ لَهُمْ آلِهَةٌ تَمْنَعُهُمْ مِّن دُونِنَا لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَ أَنفُسِهِمْ وَلَا هُمْ مِّنَّا يُصْحَبُونَ ﴿٤٣﴾ بَلْ مَتَّعْنَا هَؤُلَاءَ وَآبَاءَهُمْ حَتَّى طَالَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ أَفَلَا يَرَوْنَ أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْفُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا أَفَهُمُ الْغَالِبُونَ ﴿٤٤﴾

ریزدرب: ای پیامبر! توجه آنان را به این موارد جلب کن.

وَلَكِنَّ مَسْئَلَهُمْ نُفْحَةٌ مِّنْ عَذَابِ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿٤٦﴾ وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ
الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَىٰ بِنَا
حَاسِبِينَ ﴿٤٧﴾

ریزدرب: ای پیامبر! وقتی که قیامت برپا شود چنین خواهد شد.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

تَبَّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ می فرماید: ای پیامبر! به مشکلات رسالت آنقدر اهمیت نده، زیرا همین الآن عده زیادی سمپات درداخل اردوگاه کفرداری که از ترس سران خویش جرات پیوستن به دعوت راندارند و ضمن نکوهش کفار لجوج، که علی رغم در دسترس داشتن عناصر ایمان‌زا، ایمان نمی آورند، می فرماید ای کافران! تکلیف خودتان را در رابطه با این پیام الهی روشن کنید.

در پاراگراف ۲ می فرماید: ای پیامبر! این کافران از باب هشدار و تشویق، سخن مستدل روشن، و صبر و حوصله، و چشم پوشی، به اندازه کافی مورد مامشات و مدارا قرار گرفته اند، دیگر بین تو و آنان حجت تمام شده است. منتظر تحولات آینده باش.

در این پاراگراف می فرماید: ای پیامبر ضعف انسان و هولناکی آخرت و بیچارگی کافران و حق مطلق بودن این قرآن و احتمال هلاکت دستجمعی را بیاد آنان بیاور.

۴- سوالات

۱- حالت کلی پاراگراف چگونه است؟ (نکوهش؟ نکوهش و هشدار شدید؟ تهدید

به عذاب هلاکت؟ یا...؟)

۲ - اگر قرار بود «لجبازی معاندانه» را نشان دهیم ، می باید زیر کدام کلمات خط بکشیم؟

۳ - در قطعه « أَفَلَا يَرَوْنَ أَنَا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا أَفَهُمُ الْغَالِبُونَ » (آیه ۴۴) طرز سخن گفتن از چه نوع است؟ (کنایه؟ طنز؟ یا...؟)

۴ - قطعه فوق، با کدام قطعه در همین سوره «هم مفهوم» است؟

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روز ها

قسمتی از زحمت‌هایی که کافران برای پیامبر(ص) ایجاد می کردند عبارت بود از:

۱- توطئه قتل آنحضرت (آیه ۳۴)،

۲- مسخره کردن ایشان (آیه ۳۶)،

۳- تشکیک در رسالت آنحضرت (آیه ۳۸)

۴ - مسلمانان (و خود پیامبر-ص) دوران ناگواری را میگذراندند و «زودتر رسیدن» یاری الهی را میخواستند (آیه ۳۷)

البته زحمت‌هایی که آنان در راه رسالت ایجاد می کردند بسیار بیشتر از اینهاست و شامل همه نوع مانع تراشی و سنگ اندازی می شود و قبلاً در آیه‌ها و سوره‌های مربوطه، بسته به مورد، شرح مختصری تقدیم کرده‌ایم اما آنچه در اینجا آمده احتمالاً به این علت باشد که در مقطع زمانی نزول این آیات، این سه نوع مزاحمت و سنگ اندازی پررنگ تر بوده است.

در آیه ۴۴ آیا زمین بمعنی «کره زمین» است یا «جغرافیای محل سکونت شما»؟ با توجه به جمله «آیا آنها غالب می شوند؟» که در انتهای آیه آمده، معنی اخیر درست است و معنی آیه این می شود که ای کافران! آیا نمی بینید که روز بروز از دامنه نفوذ شما کاسته و بر دامنه نفوذ این پیامبر(ص) افزوده می شود؟ از این آیه فهمیده میشود در این ایام بطور محسوسی به دامنه تاثیر کلام وحی افزوده و از تاثیر مخالفان کم میشد.

۶ - آیات برجسته این پاراگراف

آیه ۳۵ «کل نفس ذائقة الموت . .» که از آیات بسیار مشهور است و در تابلوهای خوشنویسی و یا کارهای هنری و معرق کاری ها در مساجد و زیارتگاه ها زیاد به

چشم می آید.

۷ - آیات مشکل

آیه ۴۴ که در تفسیرش بین مفسران اختلاف زیادی است، جزء تیتتر فوق قرار میگیرد و ما نیز ذیلا به آن پرداخته ایم.

۸ - زاویه با تفاسیر رایج

(المیزان): "أَفَلَا يَرَوْنَ أَنَا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا" - مناسبتر با سیاق این است که مراد از "نقص ارض از اطراف آن" انقراض بعضی امم ساکن آن باشد، چون برای هر امتی در زمین اجل و مهلتی است که فرمود: "مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسْتَأْخِرُونَ" «۱» قبلا هم اشاره به این معنا گذشت که مراد از طول عمر ایشان، طول عمر جامعه ایشان است. و معنای آیه این است که: آیا نمی بینید که زمین (یعنی جمعیت آن) را رو به نقصان نهاده امتی بعد از امت دیگر در آن منقرض می شود، و امر خدا آنان را هلاک می کند، آیا اینان چه کسی را دارند از هلاکت جلوگیری؟ آیا اگر خدای تعالی عذاب و یا هلاکت را خواسته باشد، و یا خواسته باشد که منقرضشان کند، ایشان بر خدا غلبه می کنند؟! معنی درست تر آیه ۴۴ این است که دارد به کفار می فرماید آیا نمی بینید هر روز از حوزه نفوذ عقاید (شرک) تان کم میشود؟

۹ - پیشگوئی های تحقق یافته

در آیه ۴۴ پیشگوئی میکنند که ای پیامبر روز به روز از حوزه نفوذ و تاثیر فعالان مخالف تو کاسته میشود، و چنانکه دیدیم چنین شد.

۱۰ - در این پاراگراف، کدام فقرات، فوق ذهنیات معاصران نزول است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه ۳۵ «قیامتی» است، و هیچ بنی بشری تجربه اش را ندارد، و قبل از قیامت نخواهد داشت، لذا، چه در آن روزهای نزول وحی و چه الی یوم القیامه بالاتر از ذهنیات بشر خواهد بود. همچنین است آیه های ۳۹ و ۴۰ و ۴۶ و ۴۷.

۱۱ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیه ۳۸، بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

بحث متنی

آیه های ۳۶ و ۳۷ و ۴۱ «پرانتری» هستند، دلیلش هم اینکه اگر چشم خویش را بر هریک از آنها ببندیم، و قبلشان را به بعدشان وصل کنیم، خواهیم دید روال سخن صاف و بی سخته خواهد شد.

دریافت های مستقیم و کوتاه

با توجه به آیه ۳۵، دو کلمه خیر و شر به معنی «آنچه به نظر شما خیر می‌رسد» و «آنچه بنظر شما شر می‌رسد»، میباشد.
و «انسان از عجله آفرینش یافته»، در آیه ۳۷ کنایه است از شدت عجول بودن آدمی و یعنی اینکه به شدت عجول است.

ترجمه تفسیری آزاد

ای پیامبر! برای هیچ بشری قبل از تو جاودانگی قرار ندادیم. آیا اگر بمیری، آنها جاودان خواهند ماند؟ (۳۴) هر کسی چشمنده مرگ است و شما را با شر و خیر می آزمائیم و بالاخره بسوی ما باز می گردید (۳۵) و هنگامیکه کافران تو را ببینند، جز به مسخره ات نمیگیرند و بین خودشان میگویند آیا این همان کسی است که در باره خدا یانمان حرف هایی میزند؟ در حالیکه آنها خودشان به پندهای خداوند رحمان کافرند (۳۶) اکثر انسان ها گوئی که از شتاب آفریده شده اند. ای پیامبر! به اینان بگو خداوند میگوید بزودی آیاتم را به شما نشان خواهم داد، پس به عجله نخواهیدش (۳۷) و میگویند این وعده قیامت کی خواهد بود اگر راست میگوئید (۳۸) کاش کافران حالشان را آن هنگامیکه نمیتوانند آن آتش را از صورتهاشان و پشتهاشان دور کنند و هیچ یاری نمی‌شوند میدانستند (۳۹) بلکه بطور ناگهانی به سراغشان می آید و مبهوت میشوند و نمی توانند آنرا برگردانند و مهلتی نیز نمی یابند (۴۰)

و البته رسولان قبل از تو نیز مسخره میشدند و آنچه را که مسخره اش میکردند بر سرشان فرود آمد (۴۱)

بگو چه کسی شما را شبها و روزها از خداوند رحمان حفظ خواهد کرد؟ بلکه آنها از یاد پروردگارشان رویگردانند (۴۲) آیا خدایانی دارند که آنها را در قبال ما حفظ کنند؟ آن باصطلاح خدایان، خودشان را هم نمیتوانند یاری کنند و از جانب ما هم همراهی نمیشوند (۴۳) بلکه اینها و پدرانشان را نیز برخوردار کردیم تا اینکه عمرشان طولانی شد. آیا نمی بینند که حوزه اقتدارشان دائما دارد کوچکتر و کوچکتر میشود؟ با این حال آیا آنها می پندارند غالب میشوند؟ (۴۴)

بگو جز این نیست که بوسیله وحی هشدارتان میدهم و گرچه آنها برای شنیدن صدای حق ناشنوا باشند (۴۵) و اگر وزش خفیفی هم از عذاب پروردگارت به آنان برسد حتما خواهند گفت وای بر ما، ما ظالم بودیم (۴۶)

و روز قیامت ترازو های عدالت را میگذاریم و هیچکس هیچ ظلمی نمیشود و اعمالشان را اگر به وزن دانه خردلی هم باشد هم به حساب می آوریم، و خودمان برای حسابرسی کافی هستیم (۴۷)

انبیاء ۴ آیات ۴۸ تا ۹۱

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَىٰ وَهَارُونَ الْفُرْقَانَ وَضِيَاءَ وَذِكْرًا لِّلْمُتَّقِينَ ﴿٤٨﴾ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ
وَهُمْ مِنَ السَّاعَةِ مُشْفِقُونَ ﴿٤٩﴾ وَهَذَا ذِكْرٌ مُّبَارَكٌ أَنزَلْنَاهُ أَقْرَأْكُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ ﴿٥٠﴾ وَلَقَدْ
آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُسُودَهُ مِن قَبْلُ وَكُنَّا بِهِ عَالِمِينَ ﴿٥١﴾ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي
أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ ﴿٥٢﴾ قَالُوا وَجَدْنَا آبَاءَنَا لَهَا عَابِدِينَ ﴿٥٣﴾ قَالَ لَقَدْ كُنْتُمْ أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ فِي
ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٥٤﴾ قَالُوا أَجِئْتَنَا بِالْحَقِّ أَمْ أَنْتَ مِنَ اللَّاعِبِينَ ﴿٥٥﴾ قَالَ بَلْ رَبُّكُمْ رَبُّ
السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الَّذِي فَطَرَهُنَّ وَأَنَا عَلَىٰ ذَلِكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ ﴿٥٦﴾ وَتَاللَّهِ لَأَكِيدَنَّ
أَصْنَامَكُمْ بَعْدَ أَنْ تُوَلُّوا مُدْبِرِينَ ﴿٥٧﴾ فَجَعَلَهُمْ جَذَاذًا إِلَّا كَبِيرًا هُم لَعَلَّهُمْ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ
﴿٥٨﴾ قَالُوا مَن فَعَلَ هَذَا بِآلِهَتِنَا إِنَّهُ لَمِنَ الظَّالِمِينَ ﴿٥٩﴾ قَالُوا سَمِعْنَا فَتَىٰ يَدُكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُ
إِبْرَاهِيمُ ﴿٦٠﴾ قَالُوا فَأْتُوا بِهِ عَلَىٰ أَعْيُنِ النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَشْهَدُونَ ﴿٦١﴾ قَالُوا أَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا
بِآلِهَتِنَا يَا إِبْرَاهِيمَ ﴿٦٢﴾ قَالَ بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هَذَا فَاسْأَلُوهُمْ إِنْ كَانُوا يَنْطَفِقُونَ ﴿٦٣﴾ فَرَجَعُوا
إِلَىٰ أَنفُسِهِمْ فَقَالُوا إِنَّكُمْ أَنْتُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٦٤﴾ ثُمَّ نَكِسُوا عَلَىٰ رُؤُوسِهِمْ لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَا هَؤُلَاءِ
يَنْطَفِقُونَ ﴿٦٥﴾ قَالَ أَفَتَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكُمْ شَيْئًا وَلَا يَضُرُّكُمْ ﴿٦٦﴾ أَفِ لَكُمْ
وَلِمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٦٧﴾ قَالُوا حَرِّفُوهُ وَانصُرُوا آهْتَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ
﴿٦٨﴾ فَلَمَّا يَا نَارُ كُوبِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ ﴿٦٩﴾ وَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ
﴿٧٠﴾ وَنَجَّيْنَاهُ وَلُوطًا إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا لِلْعَالَمِينَ ﴿٧١﴾ وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ
نَافِلَةً وَكُلًّا جَعَلْنَا صَالِحِينَ ﴿٧٢﴾ وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ
وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ ﴿٧٣﴾ وَلُوطًا آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ
الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبَائِثَ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فَاسْقِينَ ﴿٧٤﴾ وَأَدْخَلْنَاهُ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُ مِنَ
الصَّالِحِينَ ﴿٧٥﴾ وَنُوحًا إِذْ نَادَىٰ مِن قَبْلُ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ
﴿٧٦﴾ وَنَصْرَتَاهُ مِنَ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٧٧﴾
وَدَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ إِذْ يَخْتَصِمَانِ فِي الْخُرْتِ إِذْ نَفَسَتْ فِيهِ غَمَمُ الْقَوْمِ وَكُنَّا لِحُكْمِهِمْ شَاهِدِينَ ﴿٧٨﴾
فَفَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ وَكُلًّا آتَيْنَا حُكْمًا وَعِلْمًا وَسَخَّرْنَا مَعَ دَاوُدَ الْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ وَالطَّيْرَ وَكُنَّا فَاعِلِينَ
﴿٧٩﴾ وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَّكُمْ لِيُخَفِّيَكُمْ لِتُحْصِنَكُمْ مِنَ بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ ﴿٨٠﴾ وَلِسُلَيْمَانَ
الرِّيحَ عَاصِفَةً تَجْرِي بِأَمْرِهِ إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَكُنَّا بِكُلِّ شَيْءٍ عَالِمِينَ ﴿٨١﴾ وَمِنَ
الشَّيَاطِينِ مَن يَغُوصُونَ لَهُ وَيَعْمَلُونَ عَمَلًا دُونَ ذَلِكَ وَكُنَّا هُمْ حَافِظِينَ ﴿٨٢﴾ وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَىٰ
رَبَّهُ أَيُّ مَسَّنِي الضَّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ﴿٨٣﴾ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِن ضُرٍّ وَآتَيْنَاهُ
أَهْلَهُ وَمِثْلَهُم مَّعَهُمْ رَحْمَةً مِن عِنْدِنَا وَذِكْرَىٰ لِلْعَابِدِينَ ﴿٨٤﴾ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِدْرِيسَ وَذَا الْكِفْلِ كُلًّا

مَنْ الصَّابِرِينَ ﴿٨٥﴾ وَأَدْخَلْنَاهُمْ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُمْ مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿٨٦﴾ وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاصِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿٨٧﴾ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْعَمَمِ وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ ﴿٨٨﴾ وَكَرِيمًا إِذْ نَادَى رَبَّهُ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ ﴿٨٩﴾ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيَىٰ وَأَصْلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَنَا حَاشِعِينَ ﴿٩٠﴾ وَالَّتِي أَحْصَيْنَا فَرَجَّهَا فَفَتَحْنَا فِيهَا مِنْ رُوحِنَا وَجَعَلْنَاهَا وَابِتَهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ ﴿٩١﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:

درس: ای پیامبر! باقوت رسالت را پی گیر که مانند پیامبران گذشته موفق می شوی.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: ای پیامبر! تو هم مانند پیامبران سابق موفق خواهی شد.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَىٰ وَهَارُونَ الْفُرْقَانَ وَضِيَاءَ وَذِكْرًا لِّلْمُتَّقِينَ ﴿٤٨﴾ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَهُمْ مِنَ السَّاعَةِ مُشْفِقُونَ ﴿٤٩﴾ وَهَذَا ذِكْرٌ مُّبَارَكٌ أَنْزَلْنَاهُ أَفَأَنْتُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ ﴿٥٠﴾
ریزدرب: ای پیامبر! تو هم مانند موسی و هارون موفق خواهی شد.

۲

وَلَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ مِن قَبْلُ وَكُنَّا بِهِ عَالِمِينَ ﴿٥١﴾ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَائِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ حَمَاهُمْ لَقَدْ أَخَذَنَّا عَنْ آبَائِنَا وَالنُّبُوَّةَ الْوَعْدَ وَإِنَّا لَوَاقِعُونَ ﴿٥٢﴾ قَالُوا وَجَدْنَا آبَاءَنَا لَهَا عَابِدِينَ ﴿٥٣﴾ قَالَ لَقَدْ كُنْتُمْ أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٥٤﴾ قَالُوا أَجِئْتَنَا بِالْحَقِّ أَمْ أَنْتَ مِنَ اللَّاعِبِينَ ﴿٥٥﴾ قَالَ بَلْ رَبُّكُمْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الَّذِي فَطَرَهُنَّ وَأَنَا عَلَىٰ ذَلِكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ ﴿٥٦﴾ وَتَاللَّهِ لَأَكِيدَنَّ

أَصْنَامَكُمْ بَعْدَ أَنْ تُولُوا مُدْبِرِينَ ﴿٥٧﴾ فَجَعَلَهُمْ جَذَادًا إِلَّا كَبِيرًا هُمْ لَعَلَّهُمْ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ ﴿٥٨﴾
 قَالُوا مَنْ فَعَلَ هَذَا بِآلِهَتِنَا إِنَّهُ لَمِنَ الظَّالِمِينَ ﴿٥٩﴾ قَالُوا سَمِعْنَا فَتَى يَدْكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُ إِبْرَاهِيمُ
 ﴿٦٠﴾ قَالُوا فَأَتُوا بِهِ عَلَى أَعْيُنِ النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَشْهَدُونَ ﴿٦١﴾ قَالُوا أَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِآلِهَتِنَا
 يَا إِبْرَاهِيمُ ﴿٦٢﴾ قَالَ بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هَذَا فَاسْأَلُوهُمْ إِنْ كَانُوا يَنْطِقُونَ ﴿٦٣﴾ فَرَجَعُوا إِلَى
 أَنْسِبِهِمْ فَقَالُوا إِنَّكُمْ أَنْتُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٦٤﴾ ثُمَّ نَكَسُوا عَلَى رُؤُوسِهِمْ لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَا هَؤُلَاءِ
 يَنْطِقُونَ ﴿٦٥﴾ قَالَ أَفَتَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكُمْ شَيْئًا وَلَا يَضُرُّكُمْ ﴿٦٦﴾ أَفَ لَكُمْ
 وَلِمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٦٧﴾ قَالُوا خَرَفُوهُ وَأَنْصَرُوا آهْتَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ فَأَعِلِينَ
 ﴿٦٨﴾ فَلَمَّا يَا نَارُ كُوبِي بَرِّدَا وَسَلَامًا عَلَى إِبْرَاهِيمَ ﴿٦٩﴾ وَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ
 ﴿٧٠﴾ وَجَعَلْنَاهُ وِلْدَانًا إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا لِلْعَالَمِينَ ﴿٧١﴾ وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ
 نَافِلَةً وَكُلًّا جَعَلْنَا صَالِحِينَ ﴿٧٢﴾ وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ
 وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ ﴿٧٣﴾

درب: ای پیامبر! تو هم مانند ابراهیم موفق خواهی شد.

۳

وَلَوْطًا آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَجَعَلْنَاهُ مِنَ الْقُرْبَىٰ الَّتِي كَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبَائِثَ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ
 فَاسْقِينَ ﴿٧٤﴾ وَأَدْخَلْنَاهُ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿٧٥﴾

ریزدرب: ای پیامبر! تو هم مانند لوط موفق خواهی شد.

۴

وَنُوحًا إِذْ نَادَىٰ مِنْ قَبْلُ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ ﴿٧٦﴾ وَنَصَرْنَا نَاوَةَ
 الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٧٧﴾

درب: ای پیامبر! تو هم مانند نوح موفق خواهی شد.

۵

وَدَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ إِذْ يَخْتَصِمَانِ فِي الْحَرْثِ إِذْ نَفَسَتْ فِيهِ غَمَمٌ الْقَوْمِ وَكُنَّا لِحُكْمِهِمْ شَاهِدِينَ ﴿٧٨﴾
 فَفَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ وَكُلًّا آتَيْنَا حُكْمًا وَعِلْمًا وَسَخَرْنَا مَعَ دَاوُدَ الْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ وَالطَّيْرَ وَكُنَّا فَاعِلِينَ
 ﴿٧٩﴾ وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَكُمْ لِيُحَصِّنْكُمْ مِنْ بِأْسِكُمْ فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ ﴿٨٠﴾ وَلِسُلَيْمَانَ
 الرِّيحَ عَاصِفَةً تَجْرِي بِأَمْرِهِ إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَكُنَّا بِكُلِّ شَيْءٍ عَالِمِينَ ﴿٨١﴾ وَمِنَ
 الشَّيَاطِينِ مَنْ يَغُوصُونَ لَهُ وَيَعْمَلُونَ عَمَلًا دُونَ ذَلِكَ وَكُنَّا هُمْ حَافِظِينَ ﴿٨٢﴾

ریزدرب: ای پیامبر! تو هم مانند داود و سلیمان موفق خواهی شد.

۶

وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَيُّ مَسِيٍّ الصُّرِّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ﴿٨٣﴾ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَكَشَفْنَا مَا بِهِ
مِنَ صُورٍ وَأَتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَذَكَرَى لِلْعَابِدِينَ ﴿٨٤﴾
ریزدرب: ای پیامبر! تو هم مانند ایوب موفق خواهی شد.

۷

وَأِسْمَاعِيلَ وَإِدْرِيسَ وَذَا الْكِفْلِ كُلٌّ مِنَ الصَّابِرِينَ ﴿٨٥﴾ وَأَدْخَلْنَاهُمْ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُمْ مِنَ الصَّالِحِينَ
﴿٨٦﴾
ریزدرب: ای پیامبر! تو هم مانند اسماعیل و ادريس و ذالكفل موفق خواهی شد.

۸

وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ
سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿٨٧﴾ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَجَعَلْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ
﴿٨٨﴾
ریزدرب: ای پیامبر! تو هم مانند یونس موفق خواهی شد.

۹

وَزَكَرِيَّا إِذْ نَادَى رَبَّهُ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ ﴿٨٩﴾ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيَى
وَأَصْلَحْنَاهُ لَهُ زَوْجَهُ إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ
﴿٩٠﴾
ریزدرب: ای پیامبر! تو هم مانند زکریا موفق خواهی شد.

۱۰

وَالَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهَا مِنْ رُوحِنَا وَجَعَلْنَاهَا وَابِنَهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ ﴿٩١﴾
ریزدرب: ای پیامبر! تو هم مانند مریم متحفظ خواهی ماند.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

نُبّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ می فرماید: ای پیامبر! به مشکلات رسالت آنقدر اهمیت نده، زیرا همین الآن عده زیادی سمپات در داخل اردوگاه کفرداری که از ترس سران خویش جرات پیوستن به دعوت راندارند و ضمن نکوهش کفار لجوج، که علی‌رغم در دسترس داشتن عناصر ایمان‌زا، ایمان نمی‌آورند، می فرماید ای کافران! تکلیف خودتان را در رابطه با این پیام الهی روشن کنید.

در پاراگراف ۲ می فرماید: ای پیامبر! این کافران از باب هشدار و تشویق، سخن مستدل روشن، و صبر و حوصله، و چشم پوشی، به اندازه کافی مورد مماشات و مدارا قرار گرفته اند، دیگر بین تو و آنان حجت تمام شده است. منتظر تحولات آینده باش.

در پاراگراف ۳ می فرماید: ای پیامبر ضعف انسان و هولناکی آخرت و بیچارگی کافران و حق مطلق بودن این قرآن و احتمال هلاکت دستجمعی را بیاد آنان بیاور.

در این پاراگراف می فرماید: ای پیامبر برمشکلات رسالت صبر کن، به موقع یاری خواهی شد.

۴ - سوالات

۱ - حالت کلی این پاراگراف چگونه است؟ (دلگرم نمودن پیامبر- ص - و پیروانش؟

مایوس نمودن کافران؟ هردو؟ یا...؟)

۲ - آیه ۹۱ نشانه وجود چه فضای بسیار آلوده ای در چه زمان و مکانی است؟

۳ - منظور از «حق» (آیه ۵۵) چیست؟

۴ - از روی آیه ۶۳، «شُرک» مورد اعتقاد آنها را حدس بزنید.

۵ - منظور از «عالمین» (آیه ۷۱) چیست؟

۶ - «ادریس» در فرهنگ یونانی باستان (که بعداً در فرهنگ اسلامی نفوذ یافت) کدام

شخصیت فلسفی - عرفانی مشهور است؟

۷ - منظور از «امر» (آیه ۷۳) چیست؟

۸ - چرا خداوند در این پاراگراف از ضمیر «ما» (آتینا کنا استجبنا کشفنا آتینا عدنا ادخلنا رحمتنا نقدر استجبنا نجینا ننجی استجبنا وهبنا اصلحنا یدعوننا لنا نفخنا روحنا جعلنا و...) استفاده فرموده؟

۹ - سه بار تکرار «فاستجبنا» در این پاراگراف نشانه وجود چه شرایط حاکم بر آنحضرت و پیروانش در آن روزها می باشد؟

۱۰ - مصدر «نقدر» (آیه ۸۷) چیست؟ («قدرت»؟ «قدر» - اندازه گیری؟ یا؟)

۱۱ - منظور از «ضّر» (آیه ۸۳) چیست؟

۱۲ - منظور از «مثلهم معهم» (آیه ۸۴) چیست؟

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

از آیات ۴۸ تا ۵۰ چنین به نظر می‌رسد سران کفار در مقابل نفوذ روز افزون قرآن در قلوب مردم به تکاپو افتاده و اینطور مطرح می‌کردند که «دین واقعی دین یهودیان است» تا شاید اسلام را در مقابل یهودیت کمرنگ کنند.

از مطالب آیات ۵۱ تا ۷۰ (که آنقدر در چنین متن طولانی و مهیجی از ابراهیم تحلیل میشود) این موضوع حدس زده میشود که که تلویحا دارد به «سمپات»ها میرساند که اینقدر تابع روسای قبایلتان نباشید و ابراهیم وار در مقابل افکار و اعمال غلط و باطلشان بایستید.

در داستان داود و سلیمان تلویحا به مسلمانان نوید میدهد که ممکن است در اثر گرایش به تعالیم این پیامبر بزودی وضعیتان خیلی فرق کند و نه تنها از گرفتاری های موجود خلاص شوید بلکه کاملا ممکن است صاحب علم و قدرت هم بشوید و حتی نیروهای طبیعی را نیز ممکن است رام کنید و کلا وضعیتان متفاوت و بهتر شود.

در آیات ۸۳ تا ۹۱ با یادآوری داستان چند پیامبر یا نزدیک به پیامبری سابق به آنحضرت و پیروانش وعده برطرف شدن اوضاع ناگوار و رهایی و رسیدن ایام مطلوب و نیز راهکار رسیدن به آن را ارائه میدهد.

در داستان ایوب و اسمعیل و ادریس و ذالکفل پیام صبر بر مشکلات، و در داستان یونس پیام احتراز از ناامیدی، و در داستان زکریا وعده اصلاح اوضاع زندگی و در داستان مریم تشویق به برقرار ماندن در تقوا و تحفظ را پیام میدهد.

۶ - آیات برجسته این پاراگراف

آیه ۶۹ : قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ ﴿٦٩﴾ از لحاظ پُرکاربردی اش از نظر تکرار در منابع از آیه های مشهور است.

و آیه های ۸۷ و ۸۸ وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاصِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَىٰ فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿٨٧﴾ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَجَعَلْنَاهُ مِنَ الْعَمَلِ وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ ﴿٨٨﴾ که در کتب ادعیه در باب نماز غفیله معروفیتی دارد و در برخی مساجد بصورت کاشیکاری نیز دیده میشود و برجستگی آن از این لحاظ است.

۷ - آیات مشکل

آیه های ۷۹ تا ۸۲ و ۹۱ :

وَدَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ إِذْ يَحْكُمَانِ فِي الْحَرْثِ إِذْ نَفَسَتْ فِيهِ عَنَمٌ الْقَوْمِ وَكُنَّا لِحُكْمِهِمْ شَاهِدِينَ ﴿٧٨﴾ فَفَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ وَكُلًّا آتَيْنَا حُكْمًا وَعَلَّمْنَا مَع دَاوُدَ الْجِبَالَ يُسَبِّحُنَ وَالطَّيْرَ وَكُنَّا فَاعِلِينَ ﴿٧٩﴾ وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَكُمْ لِيُخْصِنَكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ ﴿٨٠﴾ وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ عَاصِفَةً تَجْرِي بِأَمْرِهِ إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَكُنَّا بِكُلِّ شَيْءٍ عَالِمِينَ ﴿٨١﴾ وَمِنَ الشَّيَاطِينِ مَنْ يَغُوصُونَ لَهُ وَيَعْمَلُونَ عَمَلًا دُونَ ذَلِكَ وَكُنَّا لَهُمْ حَافِظِينَ ﴿٨٢﴾

وَالَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهَا مِنْ رُوحِنَا وَجَعَلْنَاهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ ﴿٩١﴾

مشکل به نظر رسیدن آیات فوق از این لحاظ است که مفسران راجع به آیات فوق سخنان مختلفی گفته اند، وگرنه ما با «درس» و «درب» آنها را مفهوم می بینیم و مشکلی در آنها احساس نمیکنیم، و در این آیات قدرت هائی به آنها نسبت میدهد که سبب امیدواری و دلگرمی آنحضرت و پیروانش در اثر انتقال ذهنی به این نکته است که شما نیز از این فشارها و تضییقاتی که در آن هستید نجات خواهید یافت، مفسران بیشتر به این ورطه افتاده اند که توضیحاتی برای مصادیق بدهند که در این راه معمولاً به روایاتی تمسک جسته اند که محل تامل است و یا به نقل اقوال دیگرانی پرداخته اند که همانها نیز قبلاً به این ورطه افتاده بودند و چیزهایی را جستجو میکردند که برای فرستنده قرآن توضیح دادن آنها (مانند نام های برادران یوسف در سوره یوسف و یا اسامی اصحاب کهف در سوره کهف) مهم نبوده، و همانها هم که در این راه غیر ضرور سعی کرده بودند سعیشان به اصابت نیانجامیده (تلاش غیر ضرور و به نتیجه نرسیدن) و اقوالشان مطلوب نیافتاده است.

۸ - زاویه با تفاسیر رایج

۱ (آیه ۷۳) : (المیزان) : " وَ جَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا ... " ظاهر آیه به طوری که آیات راجعه به امامت ذریه ابراهیم هم دلالت دارد، این است که ضمیر در " جعلناهم " به ابراهیم و اسحاق و یعقوب برگردد.

و ظاهر جمله " يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا " این است که هدایت به امر، جاری مجرای مفسر معنای امامت است و اما آنچه در خصوص این مقام خاطر نشان می‌کنیم، این است که این هدایت که خدا آن را از شوون امامت قرار داده، هدایت به معنای راهنمایی نیست، چون می‌دانیم که خدای تعالی ابراهیم را وقتی امام قرار داد که سالها دارای منصب نبوت بود، هم چنان که توضیحش در ذیل آیه " إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا " گذشت، و معلوم است که نبوت منفک از منصب هدایت به معنای راهنمایی نیست، پس هدایتی که منصب امام است معنایی نمی‌تواند غیر از رساندن به مقصد داشته باشد، و این معنا یک نوع تصرف تکوینی در نفوس است، که با آن تصرف راه را برای بردن دلها به سوی کمال، و انتقال دادن آنها از موقفی به موقفی بالاتر، هموار می‌سازد.

و چون تصرفی است تکوینی، و عملی است باطنی، ناگزیر مراد از امری که با آن هدایت صورت می‌گیرد نیز امری تکوینی خواهد بود نه تشریحی، که صرف اعتبار است، بلکه همان حقیقی است که آیه شریفه " إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ " «۱» آن را تفسیر می‌کند.

و می‌فهماند که هدایت به امر خدا از فیوضات معنوی و مقامات باطنی است که مؤمنین به وسیله عمل صالح به سوی آن هدایت می‌شوند، و به رحمت پروردگارشان ملمس می‌گردند.

و چون امام به وسیله امر، هدایت می‌کند- با در نظر گرفتن اینکه باء در " بامر " باء سببیت و یا آلت است- می‌فهمیم که خود امام قبل از هر کس متلبس به آن هدایت است، و از او به سایر مردم منتشر می‌شود، و بر حسب اختلافی که در مقامات دارند، هر کس به قدر استعداد خود از آن بهره‌مند می‌شود، از اینجا می‌فهمیم که امام رابط میان مردم و پروردگارشان در اخذ فیوضات ظاهری و باطنی است، هم چنان که پیغمبر رابط میان مردم و خدای تعالی است در گرفتن فیوضات ظاهری، یعنی شرایع الهی که از راه وحی نازل گشته، و از ناحیه پیغمبر به سایر مردم منتشر می‌شود.

و نیز می‌فهمیم که امام دلیلی است که نفوس را به سوی مقاماتش راهنمایی می‌کند هم چنان که پیغمبر دلیلی است که مردم را به سوی اعتقادات حق و اعمال صالح راه می‌نماید، البته بعضی از اولیای خدا تنها پیغمبرند، و بعضی تنها امامند، و بعضی دارای هر دو مقام هستند، مانند ابراهیم و دو فرزندش. ایرادات این بخش مهم است:

۱ - از لحاظ ترتیب نزول (که تفسیر آیه را به سوره بقره ارجاع داده که تا نزول آن سالهای زیادی مانده)

۲ - «امر» را بجای اینکه به معنی لغوی بگیرد که جمع آن امور (یعنی کارها) میشود به یک معنی فلسفی که خود مولف المیزان به آن علاقمند است گرفته و به آیات کن فیکون اشاره کرده که ربطی به اینجا ندارد. که چه بشود؟ که عقیده ما شیعیان در باره امامت دارای مستند قرآنی بگردد!

۲ (آیه ۸۷) : (المیزان) : " وَ ذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ " - یعنی به یاد آر

ذو النون را آن زمان که با خشم از قومش بیرون رفت و پنداشت که ما بر او تنگ نمی‌گیریم " نَقْدِرَ عَلَيْهِ " بطوری که گفته‌اند به معنای تنگ گرفتن است.
ممکن هم هست جمله " إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ " در مورد تمثیل وارد شده باشد و معنایش این باشد که: رفتن او و جدایی‌اش از قومش مانند رفتن کسی بود که از مولایش قهر کرده باشد و پنداشته باشد که مولایش بر او دست نمی‌یابد و او می‌تواند با دور شدن از چنگ وی بگریزد و مولایش نمی‌تواند او را سیاست کند. این احتمال از این نظر قوی نیست که پیامبری چون یونس شانش اجل از این است که حقیقتا و واقعا از مولایش قهر کند و به راستی بیندارد که خدا بر او قادر نیست و او می‌تواند با سفر کردن از مولایش بگریزد چون انبیای گرامی خدا ساختشان منزه از چنین پندارها است، و به عصمت خدا معصوم از خطا هستند.

پس همانطور که گفتیم آیه شریفه از باب تمثیل است نه حکایت یک واقعیت خارجی.

خیلی ممنون! پس آنهمه مطالب دیگر در سوره های دیگر در باره حضرت یونس مثلا آیه ۴۸ سوره قلم که میگوید ای پیامبر مانند یار آن ماهی نباش، و آیات ۱۳۹ تا ۱۴۸ سوره صافات که فرار و کشتی پر و قرعه کشی و به دریا انداختن و یک لقمه آن ماهی شدن و سپس به بیابان افتادن و درخت کدو رویدن و بر او سایه انداختن و ... همه اینها تمثیل است؟

یعنی در سوره قلم پیامبر را از یک تمثیل نهی میکند یا از رفتار یک یونس واقعی؟ و اگر اینطور باشد که با آیات اینقدر راحت باشیم، پس داستانهای سایر پیامبران چه میشود؟ آنها هم تمثیل است؟ ای وای از مظلومیت قرآن که به یک روایت عصمت انبیاء فروخته میشود!

خطا :

۱ - حاکم کردن روایت بر قرآن

۲ - بی توجهی به ترتیب نزول

۳ - بی سلیقگی تفسیری و ندیدن آنهمه نصوص

۹ - پیشگوئی های تحقق یافته

در آیات ۴۸ تا ۹۱ (۱۴) نفر از پیامبران پیشین را نام می برد که چگونه خداوند آنها را یاری نموده و موفقشان کرده، با این پیشگوئی تلویحی که در مورد تو و پیروانت نیز چنین خواهد شد.

۱۰ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه های ۸۱ و ۸۲:

وَلَسَلِيمَانَ الرِّيحَ عَاصِفَةً تَجْرِي بِأَمْرِهِ إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَكُنَّا بِكُلِّ شَيْءٍ عَالِمِينَ ﴿٨١﴾ وَمِنَ الشَّيَاطِينِ مَنْ يَغُوصُونَ لَهُ وَيَعْمَلُونَ عَمَلًا دُونَ ذَلِكَ وَكُنَّا هُمْ حَافِظِينَ ﴿٨٢﴾

تندباد مذکور طی چه مکانیزمی و بطرف کدام سرزمین می رفته و برای حصول چه نتیجه ای؟

شیاطین مذکور البته به معنی لغوی است و یعنی افرادی شریر و سرکش که معلوم میشود سلیمان نبی (ع) آنها را مقهور کرده بوده و به بیگاری گرفته بوده ولی اینکه در غواصی مذکور دنبال چه بوده اند و به چه وسایلی مجهز بوده اند و . . . سوال های دیگر، خارج از ذهنیات مخاطبان اولیه بوده است.

البته این آیات نیز شاهدهی است بر رد نظر آنها و خرده پاهای دیگری که پیروی آنها را کرده و این نکته غلط را انتشار میدهند که محتویات قرآن چیزی بیش از ذهنیان عرب ۱۴۰۰ سال قبل ندارد.

۱۱ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیه های ۴۹ و ۷۲ و ۷۶ و ۷۷، بقیه آیات «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

معنی کلمات

کلمه «عالمین» در انتهای آیه ۷۱ به معنی ساکنان «آن سرزمین» است.

«رشد» ابراهیم (ع) از چه لحاظ بود؟

با توجه به آیه ۵۱ «رشد»ی که به آن اشاره شد، چیست؟

۱- چنانکه در آیه های ۵۲ تا ۵۷ ذکر شده او در چند هزار سال قبل، چنان شده بود که قوم و قبیله و ریش سفیدان و کسانی که بزرگ بنظر می آیند در مقابل حق، برای او بزرگ بنظر نمی آمدند.

۲- چنانکه از آیه های ۵۸ تا ۶۷ فهمیده می شود او «بطور عملی» نیز وارد «ماجرا»

شد و البته علیت مطلب اول نسبت به این مطلب واضح است.

موضوع قوم و قبیله و بزرگان و ریش‌سفیدان و پابند بودن مردم به اینکه در مقابل افراد و عناصر فوق عرض اندام نکنند حتی تا همین صد سال قبل نیز یک عامل بازدارنده بسیار مهم بود و با توجه به این نکته، اهمیت عرض وجود حضرت ابراهیم آنها در چندین هزار سال قبل تا حدودی معلوم می‌شود. آن حضرت، «خدایان» آنها را «مجسمه» می‌خواند و آنها و «پدرانشان» را «گمراه» می‌نامید و بالاخره «خدایان» آنها را تکه‌پاره می‌کرد.

با توجه به آیه ۷۱ لوط در جریان «رشد» ابراهیم و پس رسالتش از پیروان نزدیک او بوده است.

داستان ابراهیم نزدیک دو سوم کل این داستانها و داستان همه آن پیامبران سرجمع، حدود یک سوم است و از همین موضوع می‌توانیم چیزهایی بفهمیم. مثلاً:

۱- اهمیت «اعتقادات درست» به «زندگی درست» مثل دو به یک است.

۲- اعتقادات درست، مثل فونداسیون است نسبت به بقیه عناصر ساختمان،

۳- مسلمانان معاصر نزول این آیات در مرحله اول بودند، یعنی در حال کوشش برای دریافت اعتقادات صحیح از طرفی، و مبارزه با اعتقادات غلط از طرف دیگر، و طی این پاراگراف‌ها به آنان تلویحاً وعده موفقیت مرحله اول، و پس از موفقیت در آن، وعده گشایش در زندگی و پیروزی و حل همه مسائل زندگی و رفع ناراحتی‌های آن داده می‌شود.

مثلهم معهم (در داستان ایوب ع) به چه معنی است؟

داستان ایوب (ع) در تفاسیر چنان بد معنی شده که واقعا از لحاظ آسیب شناسی تفاسیر قابل توجه است.

البته در سوره صاد مفصل تر ذکر شده و ما ترجیح میدهیم در آنجا به آن بپردازیم، اما، در اینجا به همین مقدار اکتفا میکنیم که «اهل» معنی «پیرو» را هم میدهد که در اینجا به این معنی است نه به معنی اعضاء خانواده، که در معنی اخیر نامفهوم و نامعقول است، زیرا افراد خانواده که ناگهان دوبرابر نمیشود.

ترجمه تفسیری آزاد

و البته به موسی و هارون آن کتاب را دادیم که فرق گذار بین حق و باطل، و

روشنائی، و پند برای متقیان بود (۴۸) همان متقیانی که از پروردگارشان در نهران خشیت دارند و از قیامت نگرانند (۴۹) و این قرآن نیز پندی پر برکت است که نازلش کرده ایم آیا شما منکرش هستید؟ (۵۰)

و البته قبلا به ابراهیم رشدش را داده بودیم و نسبت به او دانا بودیم (۵۱) آن هنگام که به پدرش و قوم خویش گفت این تمثال ها چیست که بطور پیگیر عبادتشان می کنید؟ (۵۲) گفتند پدرانمان را چنین یافتیم که عبادتشان میکردند (۵۳) گفت البته هم خودتان و هم پدرانتان در گمراهی آشکارید (۵۴) گفتند آیا با سخن حقی بسویمان آمده ای یا بازیگری میکنی؟ (۵۵) گفت پروردگارتان همان پروردگار آسمانها و زمین است که آنها را آفریده و من بر این گواهم (۵۶) و به خدا قسم که پس از اینکه برگردید و بروید کاری با بتهایتان خواهم کرد (۵۷) پس آنها را تکه تکه کرد مگر آن را که بزرگشان بود شاید بسوی او بازگردند (۵۸) پس از اینکه مردم متوجه واقعه شدند گفتند چه کسی این کار را با خدایانمان کرده؟ البته که او از ظالمان است (۵۹) گفتند شنیده ایم جوانی ذکرشان میکرد که به او ابراهیم می گویند (۶۰) گفتند او را نزد چشمان مردم بیاورید شاید گواه باشند (۶۱) گفتند ای ابراهیم آیا تو این کار را با خدایانمان کردی؟ (۶۲) گفت بلکه این بت بزرگ این کار را کرده، لذا از آنها بپرسید اگر سخن میگویند (۶۳) پس بازخواست کنندگان به خویش مراجعه کردند و گفتند البته ما خودمان ظالمیم (۶۴) آنگاه سر به زیر انداختند و گفتند تو میدانستی که آنها سخن نمیگویند (۶۵) گفت آیا غیر از خداوند چیزی را پرستش می کنید که نه فایده ای برایتان و نه ضرری دارند؟ (۶۶) ننگتان باد بر آنچه که غیر خدا عبادت میکنید. آیا نمی اندیشید؟ (۶۷) بالاخره چنین تصمیم گرفتند که گفتند خدایان خویش را یاری نموده و او را بسوزانید اگر اهل عمل هستید (۶۸) گفتیم ای آتش برای ابراهیم خنک و بی گزند باش (۶۹) و خواستند حیلۀ ای درباره اش کنند و ما آنها را زیانکارتر نمودیم (۷۰) و او را و لوط را نجات داده و بسوی سرزمینی که در آن برای مردم برکت قرار داده بودیم گسیل داشتیم (۷۱) و به او اسحق و علاوه بر آن یعقوب را دادیم و همگی شان از صالحان بودند (۷۲) و آنها را پیشوایانی نمودیم که به امر ما هدایت میکردند و نیکو کاری و برپاداشتن نماز و دادن زکوۀ را یادشان دادیم و عبادت ما میکردند (۷۳)

و به لوط نیز حکم و علم دادیم و از شهری که کارهای زشت میکردند نجاتش دادیم که آنها قوم بد فاسقی بودند (۷۴) و او را داخل رحمت خویش نمودیم که از صالحان بود (۷۵)

و نوح که قبلا ندا کرده بود و اجابتش نموده و او و اهلس را از آن گرفتاری بزرگ نجاتش داده بودیم (۷۶) و در مقابل مردمی که آیاتمان را تکذیب می نمودند یاریش نمودیم که آنها مردم بدی بودند و همگی را غرق کردیم (۷۷)

و داوود و سلیمان، هنگامی که درباره کشتزاری قضاوت میکردند که گوسفندان آن قوم شبانه چریده بودند و ما نیز گواه قضاوتشان بودیم (۷۸) و آنرا به سلیمان فهمانیدیم و به آنها حکم پیامبری و علم دادیم و کوهها را برای داود رام کردیم که به همراه پرندگان با او تسبیح میگفتند و ما فاعل این کار بودیم (۷۹) و به او ساختن لباسهائی را آموختیم که شما را از سختی تان در جنگ حفظ میکند، آیا شکر گزار هستید؟ (۸۰) و برای سلیمان باد سرکش را رام کردیم که به فرمان او بسوی زمینی که در آن برکت نهاده بودیم میرفت و ما به همه چیز دانائیم (۸۱) و از موجودات شیر و مزاحم کسانی بودند که برای او غواصی و کارهای دیگر میکردند و ما نگهبانشان بودیم (۸۲)

و ایوب آن هنگام که پروردگارش را ندا داد که گزندی بمن رسیده و تو مهربانترین مهربانانی (۸۳) پس اجابتش کردیم و ناراحتی او را برطرف نمودیم و پیروانش را به علاوه مثل آنان به او برگرداندیم که رحمتی از جانب ما و پندی برای عابدان بود (۸۴)

و اسمعیل و ادريس و ذالکفل که همگی از صابران بودند (۸۵) و آنها را داخل رحمت خویش قرار دادیم که آنها از شایستگان بودند (۸۶)

و ذالنون آن هنگام که خشمناک میرفت و گمان میکرد او را در نظر نداریم، که گرفتار شد و در آن ظلمات ندا درداد که خدائی جز تو نیست. منزهی. که من البته از ظالمان بودم (۸۷) پس اجابتش کردیم و از غم نجاتش دادیم و مومنان را چنین نجات میدهیم (۸۸)

و زکریا آن هنگام که پروردگارش را ندا داد که پروردگارا مرا تنها مگذار که تو بهترین وارثانی (۸۹) پس اجابتش کردیم و یحیی را به او دادیم و همسرش را برایش از نازائی اصلاح کردیم، زیرا که آنها کسانی بودند که در کارهای نیک می شتافتند و ما را با بیم و امید میخواندند و برای ما فروتن بودند (۹۰)

و آن زن که دامن خویش حفظ کرد و از روح خویش در آن دمیدیم و خودش و

پسرش را برای جهانیان آیتی قرار دادیم (۹۱)

انبیاء ۵ آیات ۹۲ تا ۱۱۲

إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ ﴿۹۲﴾ وَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ كُلٌّ إِلَيْنَا رَاجِعُونَ ﴿۹۳﴾ فَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا كُفْرَانَ لِسَعْيِهِ وَإِنَّا لَهُ كَاتِبُونَ ﴿۹۴﴾ وَحَرَامٌ عَلَى قَرْبَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ ﴿۹۵﴾ حَتَّىٰ إِذَا فُتِحَتْ يَأْجُوجُ وَمَأْجُوجُ وَهُمْ مِنْ كُلِّ حَدَبٍ يَنْسِلُونَ ﴿۹۶﴾ وَاقْتَرَبَ الْوَعْدُ الْحَقُّ فَإِذَا هِيَ شَاخِصَةٌ أَبْصَارُ الَّذِينَ كَفَرُوا يَا وَيْلَنَا قَدْ كُنَّا فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَذَا بَلْ كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿۹۷﴾ إِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ أَنْتُمْ لَهَا وَارِدُونَ ﴿۹۸﴾ لَوْ كَانَ هَؤُلَاءِ آهَةً مَا وَرَدُوهَا وَكُلٌّ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿۹۹﴾ هُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَهُمْ فِيهَا لَا يَسْمَعُونَ ﴿۱۰۰﴾ إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَىٰ أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ ﴿۱۰۱﴾ لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَتِهَا وَهُمْ فِي مَا اشْتَهَتْ أَنفُسُهُمْ خَالِدُونَ ﴿۱۰۲﴾ لَا يَحْزَنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ وَتَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمُكُمْ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ ﴿۱۰۳﴾ يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجِلِ لِلْكَتَابِ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ وَعَدَا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ ﴿۱۰۴﴾ وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ ﴿۱۰۵﴾ إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ عَابِدِينَ ﴿۱۰۶﴾ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ ﴿۱۰۷﴾ قُلْ إِنَّمَا يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ وَاحِدٌ فَهَلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿۱۰۸﴾ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ آذَنْتُكُمْ عَلَىٰ سَوَاءٍ وَإِنِّي أَدْرِي أَقْرَبُ أَمِ بَعِيدٌ مَا تُوعَدُونَ ﴿۱۰۹﴾ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ مِنَ الْقَوْلِ وَيَعْلَمُ مَا تَكْتُمُونَ ﴿۱۱۰﴾ وَإِنِّي أَدْرِي لَعَلَّهُ فِتْنَةٌ لِّكُمْ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ ﴿۱۱۱﴾ قَالَ رَبِّ احْكُم بِالْحَقِّ وَرَبُّنَا الرَّحْمَنُ الْمُسْتَعَانُ عَلَىٰ مَا تَصِفُونَ ﴿۱۱۲﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
 طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:
درس: ای پیامبر! باقوت رسالت را پی گیر که مانند پیامبران گذشته موفق می شوی.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: ای پیامبر! از قوم تو، هر دو گروه پیروان و تکذیبگران، به سرانجام بایسته خویش خواهند رسید، لذا در مقابل این کافران که نسبت به این همه چیزهای مهم غفلت می‌ورزند چنین بگوی.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریزدرب کردن پاراگراف تا حد ممکن :

۱

إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ ﴿٩٢﴾

ریزدرب : ای پیروان این پیامبر! اینک شما یک جامعه ایمانی همگن هستید، لذا رهنمودهای خداوندتان را پیرو باشید.

۲

وَتَقَطُّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ كُلَّ إِلَيْنَا رَاجِعُونَ ﴿٩٣﴾ فَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا كُفْرَانَ لِسَعْيِهِ وَإِنَّا لَهُ كَاتِبُونَ ﴿٩٤﴾

ریزدرب : ای پیروان این پیامبر! همگنی جامعه ایمانی تان را نگسلید و امیدوار رفتار خوب الهی نسبت به خودتان باشید.

۳

وَحَرَامٌ عَلَىٰ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ ﴿٩٥﴾ حَتَّىٰ إِذَا فُتِحَتْ يَأْجُوجُ وَمَأْجُوجُ وَهُمْ مِمَّن كَلَّ حَدَبٍ يَنْسِلُونَ ﴿٩٦﴾

ریزدرب : ای کافران! از اینکه آینده به کام اعتقادات غلط تان بچرخد مایوس باشید.

۴

وَافْتَرَبَ الْوَعْدُ الْحَقُّ فَإِذَا هِيَ شَاخِصَةٌ أَبْصَارُ الَّذِينَ كَفَرُوا يَا وَيْلَنَا قَدْ كُنَّا فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا بَلْ كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿٩٧﴾ إِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ أَنتُمْ هَا وَارِدُونَ ﴿٩٨﴾ لَوْ كَانَ هَؤُلَاءَ آلِهَةً مَّا وَرَدُوهَا وَكُلٌّ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٩٩﴾ هُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَهُمْ فِيهَا لَا يَسْمَعُونَ ﴿١٠٠﴾ إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُم مِّنَّا الْحُسْنَىٰ أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ ﴿١٠١﴾ لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا وَهُمْ فِي مَا اشْتَهَتْ أَنفُسُهُمْ خَالِدُونَ ﴿١٠٢﴾ لَا يَحْزَنُهُمُ الْفَرَقُ الْأَكْبَرُ وَتَتَلَفَّاهُمْ الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمُكُمْ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ ﴿١٠٣﴾

ریزدرب : ای کافران! بالاخره با حقیقت روبرو میشوید، اما حیف است در جایگاه برخویش تاسف خوران باشید.

۵

يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجْلِ لِلْكِتَابِ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ وَعُدًّا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ ﴿١٠٤﴾ وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ ﴿١٠٥﴾ إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ عَابِدِينَ ﴿١٠٦﴾

ریزدرب: ای پیامبر! به وعده ما دلگرم باش.

۶

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ ﴿١٠٧﴾

ریزدرب: ای پیامبر! به بندگانم محبت کرده ام که تو را فرستادم، مگذار رفتارهای برخی از آنان تو را از حالتت خارج کند.

۷

قُلْ إِنَّمَا يُوحِي إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَهَلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿١٠٨﴾ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ آذَنْتُكُمْ عَلَىٰ سَوَاءٍ وَإِنِ أَدْرِي أَقْرَبُ أَمْ بَعِيدٌ مَّا تُوعَدُونَ ﴿١٠٩﴾ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ مِنَ الْقَوْلِ وَيَعْلَمُ مَا تَكْتُمُونَ ﴿١١٠﴾ وَإِنِ أَدْرِي لَعَلَّهُ فِتْنَةٌ لَّكُمْ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ ﴿١١١﴾ قَالَ رَبِّ احْكُم بِالْحَقِّ وَرَبُّنَا الرَّحْمَنُ الْمُسْتَعَانُ عَلَىٰ مَا تَصِفُونَ ﴿١١٢﴾

ریزدرب: ای پیامبر! در گفتارهایت با مردم روی این محورها متمرکز شو.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقا با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

تَبَّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقا می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ می فرماید: ای پیامبر! به مشکلات رسالت آنقدر اهمیت نده، زیرا همین الآن عده زیادی سمیات در داخل اردوگاه کفرداری که از ترس سران خویش جرات پیوستن به دعوت ندادند و ضمن نکوهش کفار لجوج، که علی‌رغم در دسترس داشتن عناصر ایمان‌زا، ایمان نمی‌آورند، می فرماید ای کافران! تکلیف خودتان را در رابطه با این پیام الهی روشن کنید.

در پاراگراف ۲ می فرماید: ای پیامبر! این کافران از باب هشدار و تشویق، سخن مستدل روشن، و صبر و حوصله، و چشم پوشی، به اندازه کافی مورد مامشات و مدارا قرار گرفته اند، دیگر بین تو و آنان حجت تمام شده است. منتظر تحولات آینده باش.

در پاراگراف ۳ می فرماید: ای پیامبر ضعف انسان و هولناکی آخرت و بیچارگی کافران و حق مطلق بودن این قرآن و احتمال هلاکت دستجمعی را بیاد آنان بیاور.

در پاراگراف ۴ می فرماید: ای پیامبر برمشکلات رسالت صبر کن، به موقع یاری خواهی شد. در این پاراگراف می فرماید: به همه پیامبران پس از اینکه مشکلات اولیه شان حل شد ندا دادیم که «ای پیامبران! این امت شماست که در مقابل قانون دین شما یکجور هستند و روش و قانون آن اقوامی که هلاک شدند دیگر بر نمی‌گردد، نه تنها بزودی روزهای سخت شما پایان می یابد بلکه روش الهی مورد نظر شما که مبتنی بر تقوی و فضایل است، مستقر می‌شود و باقی خواهد ماند، و روزی که بساط آسمان در هم پیچیده شود، کافران معذب و مؤمنان نجات یافته خواهند بود.

۴- سوالات

- ۱- (درابتدای آیه ۱۰۱)، چرا خداوند نیک انجामी مومنان را به خویش نسبت داده؟
- ۲- همین موضوع را با وضوح بیشتر در سوره هود داشتیم. محل آن را مشخص کنید.
- ۳- در آیه ۱۰۴ «كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نَعِيدُهُ» اگر کنکاش مناسب انجام شود به کشف یک «معجزه علمی» می انجامد. موضوع آن را بیابید.
- ۴- منظور از «ذکر» (آیه ۱۰۵) چیست؟
- ۵- ارتباط موضوع آیه ۱۰۷ را با کل این پاراگراف مشخص کنید.
- ۶- «ه» در «لعله» (آیه ۱۱۱) اشاره به چیست؟ (نا معلوم بودن زمان وقوع قیامت؟ یا...؟)
- ۷- فاعل فعل «قال» (آیه ۱۱۲) کیست؟
- ۸- «هَذَا» (آیه ۱۰۶) اشاره به چه دارد؟

- ۹- ارتباط موضوع آیه ۱۱۰ را با قبل و بعد آن مشخص کنید.
- ۱۰- حالت کلی این پاراگراف چگونه است؟ (امید بخشی؟ دلداری؟ ارشاد؟ هر سه؟ یا...؟)

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

در این پاراگرافها که از آیات ۴۵ شروع و به آیه ۹۱ ختم می‌شود، نمونه‌هایی از الطاف و نعمت‌های الهی را که به پیامبران و مؤمنان ارزانی داشته، به یاد می‌آورد که به قرار ذیل می‌باشند:

- ۱- دادن ملاک تشخیص حق و باطل (حضرت موسی، آیه ۴۸)،
 - ۲- دادن پند پربرکت (پیامبر اسلام، آیه ۵۰)،
 - ۳- رشد (ابراهیم، آیه ۵۱)،
 - ۴- نجات از طریق معجزه آسا (ابراهیم، آیه ۶۹)،
 - ۵- نجات و ارسال بسوی زمین با برکت (ابراهیم، آیه ۷۱)،
 - ۶- اولاد صالح در پیری (ابراهیم، آیه ۷۲)،
 - ۷- حکمت و علم (لوط، آیه ۷۴)،
 - ۸- نجات (لوط، آیه ۷۴)،
 - ۹- اجابت دعا و نجات (نوح، آیه ۷۶)،
 - ۱۰- نابودی دشمنان (نوح، آیه ۷۷)،
 - ۱۱- تعلیم قضاوت (داوود و سلیمان، آیه ۷۸)،
 - ۱۲- هماهنگ نمودن کوه‌ها و طیور با داوود برای تسبیح (داوود، آیه ۷۹)،
 - ۱۳- تعلیم ساختن زره (داوود، آیه ۸۰)،
 - ۱۴- رام کردن باد سرکش (سلیمان، آیه ۸۱)،
 - ۱۵- واداشتن شیاطین برای غواصی و کار (سلیمان، آیه ۸۳)،
 - ۱۶- اجابت دعا و برطرف کردن ناراحتی‌ها و دادن دو برابر نعمتهائی که از دست داده بود (ایوب، آیه ۸۴)،
 - ۱۷- رحمت بر صابران (اسمعیل، ادریس، ذالکفل، آیه ۸۵)،
 - ۱۸- اجابت و بخشش و نجات (یونس، آیه ۸۸)،
 - ۱۹- نجات (مؤمنان، آیه ۸۸)،
 - ۲۰- اجابت دعا و دادن اولاد در پیری (زکریا، آیه ۹۰)،
 - ۲۱- دادن اولاد بطور معجزه آسا (مریم، آیه ۹۱).
- چنانکه دیده می‌شود حدود ۷۵٪ نمونه‌های لطف و رحمت الهی که در این آیات

ذکر شده ، ناظر بر نجات مؤمنان (آنهم به طریق فوق العاده و معجزه‌ای) و دادن نعمت‌های بسیار بسیار مهم به آنان (آنهم به طریق فوق العاده و معجزه‌ای) می‌باشد و از همینجا فهمیده می‌شود همزمان با نزول این آیات مؤمنان پیرو رسول خدا(ص) خیلی تحت فشار بودند و بنظرشان چنین می‌آمد که راه‌های چاره قطع است و این نوع آیات آتش امید و نجات‌خواهی آنها را خیلی تیز می‌کرد و آنها را در همبستگی هرچه قوی‌تر به پیامبر(ص) تشویق می‌نمود.

از دو آیه ۹۸ و ۹۹ فهمیده میشود سران کفار معاصرِ نزول این آیه ها، غیر از «الهی» ها (که برخی از فرشتگان باشند) عبادت (= اطاعت) کسان دیگری را نیز میکردند، و چه بسا منظور آیه، همان اطاعتی باشد که از انسان های دیگر (که داعی شرک و یا داعی نتایج شرک و یا داعی متفرعات شرک بودند) میکردند.

آیه های ۱۰۵ و ۱۰۶ متضمن پیام روشن پیروزی برای جبهه رسول خدا (ص) است، اما در آیه ۱۰۹ (که بیشتر به نظر می آید روی سخن بطرف پیروان آنحضرت باشد) میگوید فکر نکنید این پیروزی خیلی زود حاصل شود، و همچنین آیه ۱۱۱ متضمن نوعی هشدار هم هست که مبدا شما هم مانند اقوام سلف خراب کنید! (چنانکه مسلمانان هم اصلا خراب نکردند!)

۶ - زاویه با تفاسیر رایج

۱ - إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُون ﴿۹۲﴾ در مورد این آیه در تفاسیر غوغا

است، راجع به تک تک کلمات آیه سخنان متخالف گفته اند.

اما، ما که به ترتیب نزول و درس و درب متکی هستیم حرفی زده ایم که ذیلا خواهید دید و خودتان مقایسه کنید.

منظور از کلمه «کم» پیامبرانی است که در پاراگراف‌های قبل اسمشان آمد، و نیز همه پیامبرانی که وجود داشتند و اسمشان در قرآن نیامده است.

چرا؟ زیرا به دلیل خطاب یا «ایها الرسل» (=ای پیامبران) در آیه ۵۱ سوره مؤمنون، که درست پس از آن، دو آیه دقیقاً شبیه دو آیه ۹۲ و ۹۳ آمده است.

چرا؟ به دلیل اینهمه شرح موفقیت‌های پیامبران، که در پاراگراف‌های قبل از این پاراگراف در این سوره، و نیز آیه‌های ۴۹ و ۵۰ و ۵۱ سوره مؤمنون، فرموده است.

لذا منظور از آیه ۹۲ این سوره این بوده که خداوند تلویحاً دارد به پیامبر(ص) و پیروانش می‌فرماید ای پیامبر! و ای مسلمانان! به زودی شما هم از این وضعیت به

وضعیت مطلوب در خواهید آمد، اما آنطور نباشید که قبلی‌ها شدند، یعنی مطابق آیه ۵۳ سوره مؤمنون، و آیه ۹۳ این سوره رفتار نکنید، بلکه در همان حالت «امت واحده» بمانید.

۲- درباره آیه ۹۵ وَحَرَامٌ عَلَىٰ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ ﴿۹۵﴾ نیز همچنین است.

مفسران محترم سلف در تفسیر آیه ۹۵ نوعاً به این معنی گرایش دارند که در آن محلی که آن قریه مورد عذاب بوده، پس از وقوع آن عذاب، دیگر در آنجا آبادی به وجود نخواهد آمد.

این معنی خطا است زیرا تعداد پیامبران، به دلیل «ولکل قوم هاد» سوره رعد، لاتعد و لاتحصی است، و اگر قرار بود آن معنی درست باشد پس اینک در روی زمین نباید جای آبادی وجود داشته باشد، در حالی که می‌بینیم امروز روی ربع مسکون کره زمین، یا جنگل است یا کشاورزی است، یا جاده و اتوبان است، یا نیروگاه برق است، یا تأسیسات مخابراتی است، یا انواع صنایع است، و خلاصه اینکه در اکثر ربع مسکون «زندگی» جریان دارد و این، آن گرایش تفسیری را رد می‌کند.

تفسیر درست‌تر این است که:

«راه و روش زندگی» آن اقوام مغضوب و هلاک شده دیگر بر نمی‌گردد.

ان قلت: کسی ممکن است بگوید: اگر حرف شما صحیح باشد، امروز می‌باید در دنیا همجنس‌بازی وجود نداشته باشد، در حالیکه می‌دانیم در دوره مغول‌ها و پس از آن، تاکنون، همیشه لواط وجود داشته، و به خصوص امروز این همه فیلم‌هایی که به صورت لوح فشرده در داخل کشور ما به صورت وارداتی وجود دارد که در جهت تبلیغ و رفع قبح لواط است، و معروف‌ترین هنرپیشه‌ها، (که گران‌ترین دستمزدها را دارند) در آنها بازی کرده‌اند، و نیز در بعضی کشورهای به اصطلاح پیشرفته، لواط «قانونی» است، و اینک (که اواخر ۲۰۲۰ میلادی است) همجنس‌هایی با یکدیگر در کلیسا ازدواج رسمی میکنند، آیا این عمل قوم لوط نیست که برگشته؟

می‌گوییم! بله! گرچه اینها واقعیت دارد اما قوم لوط «روش غالب زندگی» شان لواط بود و قوم شعیب «روش غالب زندگی» شان کم‌فروشی بود و قوم عاد «روش غالب زندگی» آنها «زدن بر سر ناتوان دست زور» بود، و ما عرض می‌کنیم این چیزها بر نمی‌گردد، یعنی به فرموده آیه ۹۵، روزی نخواهد آمد که «روش غالب زندگی» مردم «لواط» و «کم‌فروشی» و «زدن بر سر ناتوان دست زور» باشد و اگر می‌بینیم در اینجا و آنجا لواط و کم‌فروشی و زور صریح و عریان دیده می‌شود، از لحاظ اکثریت

مردم، این کارها پسندیده نیست بلکه نفرت‌آور و کریه است.
یعنی خداوند در آیه ۹۵ می‌فرماید :

«چیزهای ناپسندی را که اقوام هلاک شده پسندیده می‌دانستند، و روش غالب زندگی آنها بود و هلاک شدند، دیگر به صورت روش غالب پسندیده مطرح نخواهد شد»

۷ - آیات برجسته این پاراگراف

حَتَّىٰ إِذَا فُتِحَتْ يَأْجُوجُ وَمَأْجُوجُ وَهُمْ مِّنْ كُلِّ حَدَبٍ يَنْسِلُونَ ﴿٩٦﴾

این آیه از آن لحاظ که به دو نوع از موجودات هنوز ندیده و نشناخته اشاره دارد مورد استفاده مکرر وعاظ است و نیز در کتاب‌های اعجاز قرآن بحث‌هایی راجع به آن شده و هم کسانی که به خیال خودشان می‌خواهند به قرآن ایراد بگیرند مورد سوء استفاده واقع می‌شود.

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ ﴿١٠٧﴾

این آیه، هم ورد زبانها است و هم از زبان وعاظ نمی‌افتد و هم اگر در مفهومی یکی دو ثانیه بیاندیشیم چنان به الطاف الهی و اهمیت وجود مقدس پیامبر اکرم منتقل می‌شویم که اگر کمی ادامه دهیم اشک جاری می‌شود.

۸ - آیات مشکل

آیه‌های ۹۲ و ۹۳ و ۹۵ و ۹۹ و ۱۱۲، از نوع آیات مشکل است، مشکل بودن این آیات نیز از لحاظ اختلاف نظر مفسران است، و گرنه برای ما که به ترتیب نزول کار می‌کنیم و به درس و درب متکی هستیم مشکل نیست، چنانکه ذیلا خواهیم دید.

۹ - پیشگویی‌های تحقق یافته (علمی)

در آیه ۱۰۴ می‌فرماید: روزی که آسمان را در هم بپیچیم مانند در هم پیچیدن طومارهای نوشته. همانطور که آفرینش نخستین را آغاز کردیم آنرا باز می‌گردانیم که البته انجام دهنده اش هستیم.

از آیه فوق فهمیده می‌شود که در «آفرینش اول» آسمان «بسته» بود، و بعداً «باز» شد. عبارت دیگر باز هم همان نظریه «انفجار عظیم» را در اینجا هم می‌بینیم.

در آیه ۱۰۵ در موضوعی تلویحی نزدیک به صریح وعده موفقیت به گفتمان آنحضرت می‌دهد.

در آیه ۱۰۷ وعده روشنی میدهد که دین تو به حصار های مکه محصور نخواهد ماند.

۱۰ - در این پاراگراف، کدام فقرات، فوق ذهنیات معاصران نزول است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه ۹۴ «قیامتی» است، و هیچ بنی بشری تجربه اش را ندارد، و قبل از قیامت نخواهد داشت، لذا، چه در آن روزهای نزول وحی و چه الی یوم القیامه بالاتر از ذهنیات بشر خواهد بود. همچنین است آیه های ۹۷ تا ۱۰۴.

آیه ۹۳ از این لحاظ که مربوط به اقوامی است که در قبل از تاریخ بوده اند، و علم باستان شناسی آنقدر رشد نکرده که ما از احوال آنها مطلع باشیم، برای ما نیز روشن نیست، چه رسد به مخاطبان اولیه این آیات.

در آیه ۹۶ به موجوداتی اشاره شده که معهود ما بشر قرن حاضر هم نیست، چه رسد به مشافهین ۱۴۰۰ سال قبل!

۱۱ - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟

در باره آیات این پاراگراف، حتی امروز نیز، با توجه به معانی والای آن، حتی برخی مفسران هم، درک مقبولی از آن ندارند، چه رسد به مخاطبان اولیه!

۱۲ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره ها، تقریباً تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

بحث متنی

آیه های ۹۲ و ۱۰۷، «پرانتری» میباشند، دلیلش هم اینکه اگر چشم خویش را بر آنها ببندیم و قبل و بعد آنها را وصل کنیم خواهیم دید روال سخن صافت و یکدست و بی سخته است.

فعل خداوند قانونمند است

در رابطه با آیه ۱۰۱، و تیتز فوق، «از جانب ما برای آنها نیکی رقم خورده»، یعنی «مطابق قوانین ما لیاقت نیکی یافته‌اند»

یاجوج و ماجوج

چنانکه در سوره کهف خواهیم دید «ذی القرنین» شکاف بین دو کوه را با ریختن مواد مذاب و خرده فلز پر کرد و لذا «یاجوج و ماجوج» دیگر نتوانستند نه از آن بالا روند و نه بر آن نقب بزنند و پشت آن «سد» محبوس ماندند و شرشان موقتاً دفع شد.

«یاجوج و ماجوج»ی که در آیه ۹۶ مطرح است آن چیزی نیست که در سوره کهف ذکر شده است. زیرا مطلب سوره کهف علیرغم شباهت و حتی انطباق لفظ، مربوط به گذشته دور است، در حالی که موضوع آیه ۹۶ مربوط به آینده‌ای است که هنوز به وقوع آن خیلی مانده است.

مفسرین محترم هم درباره آیه ۹۶ تفسیری که به دل بچسبد و فکر قانع شود ندارند. در اینجا باید نکته‌ای عرض شود و آنهم اینکه امروز بسیاری از آیات را می‌بینیم که معجزه علمی یا معجزه تاریخی است.

یعنی اینکه امروز فهمیده می‌شود اما قبلاً به خوبی امروزه فهمیده نمی‌شد.

به همان قیاس می‌توان انتظار داشت در قرآن کریم آیاتی هم باشد که حتی امروز هم فهمیده نشود و سال‌ها بعد فهمیده شود و ممکن است این آیه نیز یکی از آنها باشد. در هر حال یکی از علائم نزدیک بودن وقوع قیامت، ظهور قوم یاجوج و ماجوج است که مثل سیل از تپه‌هایی سرازیر می‌شوند. (البته دلیلی هم وجود ندارد که این «یاجوج و ماجوج» همان یاجوج و ماجوجی باشد که در سوره کهف ذکر شده است)

فرضیه پیشنهادی: پیشنهاد ما این است که این یاجوج و ماجوج، همان قومی که در سوره کهف و در داستان ذی القرنین آمده، نیست.

یاجوج و ماجوج مطرح در آیه ۹۶، لااقل در امروز هنوز موجود نیست.

زیرا اگر بود، این خبرنگارهایی که دنبال کوچکترین چیز عجیب و غریب می‌گردند تا آنرا با تبلیغات زیاد مطرح کنند و تیراژ مجله‌شان یا قیمت آگهی کانال رادیو - تلویزیونی‌شان را بالا ببرند تا حالا آنها را به نمایش درآورده بودند. لذا آنها بعداً بوجود خواهند آمد.

بوجود آمدن آنها هم اینطور خواهد بود که با اینهمه کار مهندسی ژنتیک که دارد روی انسان و حیوان انجام می‌شود و سعی می‌شود ضریب توانائی مغزی انسان و

حیوان بالاتر برود، یا این باصطلاح «مشابه‌سازی»ها که با این گستردگی دارد انجام می‌شود و این مراقبت‌ها و حفاظت‌های ضعیفی که بعلت خصوصی بودن لابراتورها اعمال می‌شود باعث خواهد شد درب یکی از آزمایشگاه‌ها مدتی باز بماند و موجوداتی بتوانند فرار کنند.

بعضی از آن فراریان جای دور از چشمی را پیدا خواهند کرد و آنرا برای زندگی خویش مناسب خواهند نمود و خود را نیز با آن وفق خواهند داد.

به احتمال زیاد چون جنگ‌های محلی طولانی نیز در کل جهان زیاد است (مثلاً جنگ‌های ایرلند بیش از چهل سال و در آنگولا حدود بیست و پنج سال و در ایران و عراق هشت سال) و زیادتر هم خواهد شد، آنها از جنگ‌های محلی نزدیک به خود استفاده کرده و (در امنیت حاصله از بی‌خبری طرفین و دیگران) بسرعت زیاد خواهند شد و بجائی خواهند رسید که دیگر نمی‌توانند در جغرافیای خویش محدود بمانند و مانند «بیرها» که یکی از دلایل سقوط حکومت رُم (غربی) بودند، آنها هم به «جهان متمدن» وقت که دیگر مانند حکومت روم فرتوت و ضعیف و دارای مشکلات لاینحل داخلی است، سرازیر خواهند شد و کاری خواهند کرد که آیه ۹۶ گوشه‌ای از آن را بازگو می‌کند.

اینک که اواسط سال ۲۰۲۰ است و این پاراگراف دارد ویرایش مختصر میشود پیدایش «داعش» را که ناگهان و در یک سال با کمک اسرائیل به وجود آمد و اینهمه وحشیگری و سفاکی را به نام مقدس اسلام کرد و حتی یک تیر هم بطرف اسرائیل شلیک نکرد، و بیشترین سود را به اسرائیل رساند، یکی از شبیه ترین نمونه‌ها به یاجوج و ماجوج را دارد عملاً نشان میدهد زیرا اینها گروهی هستند که شعار اسلام – اسلام میدهند و در رفتارشان ذره‌ای از حقیقت شعارشان دیده نمیشود و همه رفتارهای عمده آنها در جهت خلاف شعارشان است و گوئی گنگ و عقب مانده ذهنی (که معنی یاجوج و ماجوج باشد) هستند و لذا پیدایش چنان موجوداتی در اواخر تاریخ بشر نیز چندان دور از ذهن نیست.

معذب شدن کسی که «معبود» واقع شده یعنی چه؟

در رابطه با آیه ۹۸ معذب شدن آنکس که غیر خدا را عبادت می‌کند مفهوم و معقول است اما معذب بودن آنکس که عبادت می‌شود، چه توجیهی دارد؟ در اینجا باید توجه خواننده محترم را جلب نمائیم که اگر به آیه اواخر سوره یس توجه فرموده باشید که می‌گوید «ای بنی‌آدم آیا با شما قرار نگذاشته بودم که عبادت

شیطان نکنید...» خواهیم فهمید که یک معنی عبادت، پیروی و اطاعت است. با توجه به این مفهوم، موضوع آیه ۹۸ روشن می‌شود: کسی که غیر خدا را اطاعت می‌کند، معذب بودن او مفهوم و معقول است اما کسی که مورد چنین اطاعت ناحقی قرار می‌گیرد، از لحاظ نقشی که در این امر داشته مسئول است، مثلاً مردم را دعوت به اطاعت ناحق از خویش نموده و بعداً این قضیه عادت شده و یا مردم را تشویق و یا مجبور به اطاعت خویش نموده و بعدها این اطاعت ناحق عادت شده، و بصورت «روش آباء و اجدادی» تقدس هم یافته است. او نیز از لحاظ نقشی که در آن اطاعت (= عبادت) خلاف داشته، معذب خواهد بود و این تعدیب مفهوم و معقول و منطقی است. به این ترتیب آیه‌های ۹۹ و ۱۰۰ نیز مفهوم است.

وقوع قیامت در سطح منظومه شمسی است

در رابطه با آیه ۱۰۴ پدید آمدن قیامت همانطور که قبلاً کراراً دیده‌ایم در اینجا در آیه ۱۰۴ مجدداً مورد اشاره واقع شده و توجه به کلمه «آسمان» قابل توجه است و نشان می‌دهد که «در هم پیچیده شدن» مذکور در سطح منظومه شمسی خواهد بود و نه در کل جهان زیرا در آنصورت لازم بود کلمه «آسمانها» بکار رود.

آیه «فلسفه تاریخ»ی

آیه ۱۰۵ چنانکه ملاحظه می‌کنیم راجع به آینده بشریت القاء کننده دید مثبت است، (که شر در مقابل خیر رنگ می‌بازد و خیر حاکم می‌شود) و این یک نکته مهم «فلسفه تاریخ»ی و مغایر با فلسفه‌های رایج موسوم به «پوچی» است و با نفس و ذات انسان که همواره در تکاپو بطرف تکامل و تعالی است همخوانی دارد.

ترجمه تفسیری آزاد

ای پیامبرانی که شما و پیروانتان را نجات دادیم! اینک این امت شماسست، امتی یکجور، و من پروردگارتان هستم پس مرا عبادت کنید (۹۲)

اما، به تدریج امت‌ها کار خویش را در بین خویش پاره پاره کردند غافل از اینکه همگی شان بسوی ما بازمیگردند (۹۳) پس هر کس که از کارهای شایسته انجام

دهد و مومن هم باشد نسبت به کوشش او ناسپاسی نمیشود و ما خودمان بنفع او می نویسیم (۹۴)

و بر هر شهری که هلاکش کردیم حرام شده است که رفتارِ غالبِ آنها مجددا در روی زمین غالب شود (۹۵) تا نزدیک وقوع قیامت که یاجوج و ماجوج آزاد شوند و از هر بلندی سرازیر گردند (۹۶) و آن وعده حق نزدیک شود و آنوقت چشمهای کافران خیره میماند که وای بر ما که ما از این غافل بودیم بلکه ظالم هم بودیم (۹۷) به آنها خطاب میشود شما و آنچه که غیر خدا عبادت میکنید، سوخت جهنمید که وارد آن خواهید شد (۹۸) اگر آن معبودان قلبی خدا بودند وارد آن نمیشدند اما همگی در آن جاودان خواهند بود (۹۹) در آن ناله ها خواهند کرد و در آن نمی شنوند (۱۰۰) آنان که از جانب ما نیکی برایشان رقم خورده، از آن برکنار خواهند ماند (۱۰۱) حتی زمزمه آن را نیز نخواهند شنید و در آنچه دلشان بخواهد جاودان خواهند بود (۱۰۲) و آن هراس بزرگتر نیز به سراغشان نخواهد آمد و غمگینشان نخواهد کرد و فرشتگان به استقبالشان خواهند آمد که این همان روزی است که به شما وعده میدادند (۱۰۳)

روزی که آسمان را در هم بیچیم، مانند در هم پیچیدن طومارهای نوشته. همانطور که آفرینش نخستین را آغاز کردیم آن را به همان حالت باز می گردانیم که البته انجام دهنده اش هستیم (۱۰۴)

و البته در زبور نیز پس از آن پند نوشتیم که زمین به بندگان صالحم به ارث میرسد (۱۰۵) که البته در این برای مردم عبادت پیشه پیام رسائی هست (۱۰۶)

ای پیامبر! ما تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم (۱۰۷) بگو جز این نیست که بمن وحی میشود که البته خدایتان خدائی است واحد، آیا قبول میکنید؟ (۱۰۸) پس اگر روی گرداندند بگو به همه تان اعلام کردم و نمیدانم آنچه که به آن وعده تان میدهند نزدیک یا دور است (۱۰۹) که او البته به آنچه از گفتارتان که آشکار یا پنهان میدارید آگاه است (۱۱۰) و نمیدانم شاید آن مایه امتحانی برایتان باشد و یا برخورداریی تا زمانی معین (۱۱۱)

ای پیامبر! در دعایت بگو : پروردگارا به حق حکم کن و به پیروانت بگو پروردگارمان
خدای رحمان است که در مورد آنچه که آرزویش را میکنید مورد کمک خواهی
است (۱۱۲)

سوره صفات

﴿ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴾

وَالصَّافَّاتِ صَفًّا ﴿١﴾ فَالزَّاجِرَاتِ زَجْرًا ﴿٢﴾ فَالتَّالِيَاتِ ذِكْرًا ﴿٣﴾ إِنَّ إِلَهُكُمْ لَوَاحِدٌ ﴿٤﴾ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَرَبُّ الْمَشَارِقِ ﴿٥﴾ إِنَّا زَيْنَا الدُّنْيَا بَرِيَّةَ الْكَوَاكِبِ ﴿٦﴾ وَحَفِظًا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مُارِدٍ ﴿٧﴾ لَا يَسْمَعُونَ إِلَى الْمَلَأِ الْأَعْلَى وَيُقَدِّفُونَ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ ﴿٨﴾ ذُخْرًا وَلَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ ﴿٩﴾ إِلَّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَةَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ ثَاقِبٌ ﴿١٠﴾ فَاسْتَفْتِهِمْ أَهْمُ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ مَنْ خَلَقْنَا إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِنْ طِينٍ لَازِبٍ ﴿١١﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یعنی «درس» سوره)، برای کل ۱۱۴ سوره قرآن، در کتاب «خودآموز تفسیر قرآن» (از همین قلم) وجود دارد، و خود کتاب مذکور را میتوانید در سایت (<https://tafsir.ganjei.com>) بیابید، و البته مبانی این موضوع نیز در ۱۶۰ صفحه اول کتاب «علوم قرآنی» (موجود در همان سایت) شرح داده شده است. و در مورد این سوره، عصاره محتوا، همان است که ذیلا دیده میشود.

درس: ایمان سبب نجات در دو جهان است.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: قسم به فرشتگانی که در حوزه وحی مسئولند و مسیر وحی که مربوط به رساندن حقایق ایمانی است کاملاً حفاظت شده می باشد.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

وَالصَّافَّاتِ صَفًّا ﴿١﴾ فَالزَّاجِرَاتِ زَجْرًا ﴿٢﴾ فَالتَّالِيَاتِ ذِكْرًا ﴿٣﴾ إِنَّ إِلَهُكُمْ لَوَاحِدٌ ﴿٤﴾
ریز درب: اعتقاد به وحدانیت خداوند بسیار مهم است.

۲

رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَرَبُّ الْمَشَارِقِ ﴿٥﴾

ریزدرب: ذکر یکی از صفات الهی.

۳

إِنَّا زَيْنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِرَبِينَةِ الْكَوَاكِبِ ﴿٦﴾ وَحَفِظْنَا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَّارِدٍ ﴿٧﴾ لَا يَسْمَعُونَ إِلَى الْمَلَأِ الْأَعْلَى وَيُقَذَّفُونَ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ ﴿٨﴾ دُخُورًا وَهُمْ عَذَابٌ وَأَصِيبٌ ﴿٩﴾ إِلَّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَةَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ ثَاقِبٌ ﴿١٠﴾

ریزدرب: وحی که عنصر اصلی موجب ایمان است، محفوظ است و خالص میماند.

۴

فَأَسْتَفِيهِمْ أَهْمٌ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ مَنْ خَلَقْنَا إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِنْ طِينٍ لَازِبٍ ﴿١١﴾

ریزدرب: این خداوند واحد مورد ایمان، بینهایت عالم و قادر است.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لبّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳ - سوالات

- ۱ - در آیه ۱، تنوین روی «صف» بابت تعظیم است یا تصغیر؟
- ۲ - اساساً «صف» چه چیزی را به ذهن می آورد؟
- ۳ - کدام معنی «تلاوت» در آیه ۳ مورد نظر است؟ (خواندن؟ دنباله روی؟ یا.....؟)
- ۴ - در آیه های ۲ و ۳ چرا از صفت فاعلی مونث استفاده شده است؟

- ۵ - منظور از «مشرق» (آیه ۵) معنی لغوی آن است یا اصطلاحی؟
- ۶ - با توجه به آیه ۵، بین آسمان ها و زمین چه چیزهایی هست؟
- ۷ - منظور از «من خلقنا» (آیه ۱۱) چه کسانی است؟
- ۸ - در رابطه با آیه ۶، «کواکب» (=ستارگان) خیلی از زمین دور، و خیلی از آن بزرگترند و طبعاً اینطور نیستند که در «کره هوا» قرار بگیرند، بلکه وقتی که ما به آسمان نگاه میکنیم چنین بنظرمان میاید که آنها در همین نزدیکیها هستند، سوال این است که این طرز سخن گفتن از چه نوع است؟ (به زبان مخاطب؟ به زبان مثال؟ یا.....؟)
- ۹ - حالت کلی این پاراگراف چگونه است؟
- ۱۰ - در آیه ۷ منظور از «شیطان» چیست؟ (به معنی لغوی آمده و منظور از آن موجودات مزاحم است؟ یا...؟)

۴ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

در آیه ۴ روی وحدانیت خداوند و در آیه ۵ روی ربوبیت آنحضرت در خصوص آسمانها و زمین و بین آنها و «مشرق»ها تاکید دارد، و از آن، این فهمیده میشود که در آن روزها از لحاظ اعتقادی دو مشکل در اذهان عمومی بوده، یکی وحدانیت خداوند و دیگری ربوبیت او.

در آیات ۷ تا ۱۰ مصدر وحی را آسمان و مسیر وحی را ایمن و موجودات مزاحم را از دسترسی به وحی ناتوان معرفی میفرماید، و از آن این فهمیده میشود که در اذهان مردم در آن روزها خلاف این مطالب وجود میداشته است.

در آیه ۱۱ مخالفان آنحضرت را دچار توهم و علت مخالفتشان را بی علمی تعلیل میکند.

۵ - پیشگوئی های تحقق یافته (علمی)

کلمه «مشرقها» در آیه ۵ از این لحاظ که با کروییت زمین همخوانی دارد، چیزی است که تا هزار سال پس از نزول این آیات هنوز توسط فیزیکدانان مطرح نشده بود و از این لحاظ بار اعجازی دارد. همچنین است موضوع «طین لازب» در آیه ۱۱.

۶ - زاویه با تفاسیر رایج

(المیزان): در این سوره بر مساله توحید احتجاج شده، بلکه عصاره محتوای سوره که از راه محاسبه استخراج کرده ایم چنین میگوید:
درس: ایمان سبب نجات در دو جهان است.

۷ - آیات مشکل

وَالصَّافَّاتِ صَفًّا ﴿۱﴾ فَالزَّاجِرَاتِ زَجْرًا ﴿۲﴾ فَالتَّالِيَاتِ ذِكْرًا ﴿۳﴾ إِنَّ إِلَهُكُمْ لَوَاحِدٌ ﴿۴﴾

مشکل بودن آیات فوق از زیادی اختلافاتی است که مفسران بر سر تفسیر آن با یکدیگر پیدا کرده اند، و برای اینکه تصویری از آن داشته باشید در نرم افزارهایی که اکثر تفسیرهای مطرح را در خود دارند و امروز بسیاری از تفسیرخوانان آنها را بر گوشی ها و کامپیوترهای خویش نصب کرده اند، ببینید ذیل همین آیات چه ها گفته اند! اما، ما که به ترتیب نزول کار میکنیم و به درس و درب مجهزیم، مشکلی در این آیات نمی بینیم و چنانکه ذیلا می بینید به آسانی و به وجهی معقول و مقبول معنی شان کرده ایم.

۸ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَرَبُّ الْمَشَارِقِ ﴿۵﴾
إِنَّا زَيْنًا السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِرَبِّنَا الْكَوَاكِبِ ﴿۶﴾ وَحَفَظًا مِّنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَّارِدٍ ﴿۷﴾ لَا يَسْمَعُونَ إِلَى الْمَلَأِ الْأَعْلَى
وَيُقَدِّفُونَ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ ﴿۸﴾ دُخُورًا وَهُمْ عَذَابٌ وَأَصِيبٌ ﴿۹﴾ إِلَّا مَنْ حَفَظَ الْحُطْفَةَ فَاتَّبَعَهُ شِهَابٌ نَّاقِبٌ
﴿۱۰﴾

فَاسْتَفْتِهِمْ أَهْمُ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ مَنْ خَلَقْنَا إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِّن طِينٍ لَّزِبٍ ﴿۱۱﴾

یکی ممکن است معترض شود که «چرا این تیتیر را اینهمه تکرار میکنی؟»
در این خصوص باید خاطر نشان کنیم که یک شبهه ای اخیرا در سطح وسیع القا شده که مطالب قرآن خارج از فهم مخاطب های اولیه نیست،
ماهم با ذکر تیتیر فوق در حقیقت داریم آن شبهه را در هر پاراگراف چک میکنیم.
آیا مخاطب های اولیه کوچکترین تصویری از «دارای مشرق ها و مغرب ها بودن» زمین داشته اند و اساسا میتوانسته اند داشته باشند؟
آیا مخاطب های اولیه کمترین تصویری از اینکه کره هوا مانع از صدمه دیدن ساکنان زمین از سوی عوامل خارج از زمین است، داشته اند؟ و اساسا میتوانستند داشته باشند؟
آیا مخاطب های اولیه اساسا میتوانستند کوچکترین تصویری از «راهزنی اجنه و شیاطین» در مورد وحی داشته باشند؟ و آیا حتی ما قرن بیست و یکمی ها کوچکترین تصویری در باره آن میتوانیم داشته باشیم؟
آیا مخاطب های اولیه اساسا میتوانستند کوچکترین تصویری از دور ترین منشاء حیات

در روی زمین داشته باشند؟
البته ذیلاً شرحی - با توجه به بضاعه مزجات علمی خویش - برای موارد مذکور تقدیم کرده ایم.

۹ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره ها، تقریباً تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

«سازمان» القاء کلمه حق

آیه اول، به بهترین وجهی «نظم» و «سازمان یافتگی» را به ذهن می‌آورد و با توجه به آیه‌های ۳ و ۲ آیه اول که بیانگر «نظم سازمانی» است، در آن «سازمان»، «سرعت عمل» و «پند» از اولویت‌های اصلی است.
بنابراین، این قسم به نوعی سازمان وحی‌رسانی اشاره دارد که قبلاً نیز در قسم‌های ابتدای سوره مرسلات با آن آشنا شده‌ایم.
در آیه ۴ هدف اصلی کار این سازمان وحی‌رسانی، القاء کلمه توحید است و درحقیقت با توجه به این آیه، باید به این نکته منتقل شد که این سازمان مکمل سازمان مطرح شده در قسم‌های سوره مرسلات است.

منشاء آفرینش حیات

با توجه به آیه ۱۱ در ترتیب نزول سوره‌ها، این اولین بار است که به منشاء خیلی دور پیدایش آدمی اشاره می‌شود.
اما از این پس، به عبارات مختلف، و وجوه گوناگون، این تعبیر پیگیری می‌شود.
«گلی چسبنده»، به رسوبات اولیه چندین میلیون و بلکه چندین میلیارد سال قبل در دریاها اشاره دارد که منشاء حیات بوده است و این نوع تعبیر خیلی دور از فهم نه تنها مخاطبان اولیه، بلکه حتی کل جهان آن روزها بوده و یکی از پیشگویی‌های تحقق یافته قرآنی است.

حفاظ بودن «آسمان دنیا»

کلمه «دنیا» (آیه ۶) را اگر بمعنی لغوی آن، یعنی «نزدیکتر» بگیریم، در آنصورت

«آسمان نزدیک‌تر» همین «کره هوا» است، که محدوده آن نیز، همان محدوده جاذبه زمین است.

این «کره هوا» از چه چیزهائی حفاظت می‌کند؟

تاکنون این را فهمیده‌ایم که ما را از «اجرام سماوی سرگردان» حفاظت می‌کند و آنها بمحض نزدیک شدن به زمین در اثر اصطکاک با کره هوا و حرارت حاصله از آن تا به زمین برسند و اصابت کنند و احیاناً چیزی را خراب کنند، چیزی از آنها باقی نمانده است، مگر اینکه بسیار بزرگ باشند که علیرغم سوختن قسمت عمده‌ای از وجودشان، هنوز چیزی از آن بماند و باقیمانده به زمین اصابت کند که در آنصورت خرابی به بار می‌آورد و اگر هم در نقاط غیرمسکونی به زمین بیفتد، حفره‌ای ایجاد می‌کند که از این نوع حفره‌ها در سطح زمین چند تائی وجود دارد.

و اگر این کره هوا، چنین نقش حفاظتی نداشت کره زمین و حیات موجود بر روی آن، زیر بمباران دائمی اینهمه اجرام آسمانی سرگردان که میلیونها عدد از آنها در هر ثانیه به زمین فرود می‌آید، کاملاً نابود می‌شد.

این موضوع نیز هنوز سیصد سال نشده که شناخته شده و آیه ۷ از این لحاظ بار اعجازی دارد.

جاسوسی ممنوع

در رابطه با آیات ۷ تا ۱۰، در سوره جن دیدیم که جنیان از استماع مطالب وحی پیامبر(ص) در آسمان منع شده‌اند و اگر بخواهند استراق سمعی کنند؛ «شهاب ثاقب» دنبالشان می‌کند.

در این پاراگراف نوع این حفاظت تشریح می‌گردد:

۱- شیاطین (و جن)، از استراق سمع مکالمات «بزرگان عالی‌رتبه آسمانی» منع می‌شوند و این منع از طریق «رانده شدن» آنان انجام می‌شود.

۲- این رانده شدن با سرکوبی نیز همراه است.

۳- ممکن هم هست بالاخره بعضی از آنها موفق به استراق سمعی هم بشوند که در آنصورت مورد تیراندازی شهاب‌های نافذ قرار خواهند گرفت و چنانکه از آیه ۷ پیداست، این مکانیزم حفاظتی در «آسمان دنیا» تعبیه شده است.

ترجمه تفسیری آزاد

بسم الله الرحمن الرحيم

قسم به صف بستگانِ صف در صف (۱) که با تندی و غضب مزاحمان را می رانند (۲) و خوانندگانی که پند با عظمتی را می خوانند (۳) که البته خدای شما یکی است (۴) که پروردگار آسمانها و زمین و بین آنها و پروردگار مشرق هاست (۵)

البته آسمانِ نزدیک به شما را به زینت ستارگان آراستیم (۶) و از هر موجود مزاحمی محفوظش داشتیم (۷) هیچکس نمی تواند به گفتگوی بزرگانِ عالِمِ رتبه آسمانی گوش سپارد و اگر کسی چنین قصدی داشته باشد از هر طرف رانده میشود (۸) به دورها، و عذابی سخت خواهد داشت (۹) و گر کسی از آنها چیزی حتی کوچک را نیز برباید شهابی درخشان در تعقیب او خواهد بود (۱۰) پس، ای پیامبر! از آنان که کفر میورزند بپرس آیا خلقت آنها محکمهتر است یا آن کسانی که در آسمانها آفریده ایم؟ اینان را که از گلی چسبنده آفریده ایم (۱۱)

صافات ٢ آيات ١٢ تا ٧٤

بَلْ عَجِبْتَ وَيَسْخَرُونَ ﴿١٢﴾ وَإِذَا ذُكِّرُوا لَا يَذْكُرُونَ ﴿١٣﴾ وَإِذَا رَأَوْا آيَةً يَسْتَسْخِرُونَ ﴿١٤﴾ وَقَالُوا إِنَّا هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿١٥﴾ أَيْنَمَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَيْنَا لَمَبْعُوثُونَ ﴿١٦﴾
 أَوَأَبَاؤُنَا الْأَوْلُونَ ﴿١٧﴾ قُلْ نَعَمْ وَأَنْتُمْ دَاخِرُونَ ﴿١٨﴾ فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ فَإِذَا هُمْ يَنْظُرُونَ ﴿١٩﴾ وَقَالُوا يَا وَيْلَنَا هَذَا يَوْمُ الدِّينِ ﴿٢٠﴾ هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ ﴿٢١﴾
 اخشروا الذين ظلموا وأزواجهم وما كانوا يعبدون ﴿٢٢﴾ من دون الله فاهدوهم إلى صراط الجحيم ﴿٢٣﴾ وقفوهم إنهم مسئولون ﴿٢٤﴾ ما لكم لا تتاصرون ﴿٢٥﴾ بل هم اليوم مستسلمون ﴿٢٦﴾ وأقبل بعضهم على بعض يتساءلون ﴿٢٧﴾ قالوا إنكم كنتم تأتوننا عن اليمين ﴿٢٨﴾ قالوا بل لم تكونوا مؤمنين ﴿٢٩﴾ وما كان لنا عليكم من سلطان بل كنتم قوماً طاعين ﴿٣٠﴾ فحق علينا قول ربنا إنا لذائقون ﴿٣١﴾ فأغويناكم إنا كنا غاوين ﴿٣٢﴾
 فإنهم يؤمئذ في العذاب مشركون ﴿٣٣﴾ إنا كذلك نفعل بالمجرمين ﴿٣٤﴾ إنهم كانوا إذا قيل لهم لا إله إلا الله يستكبرون ﴿٣٥﴾ ويقولون آئنا لتاركوا آلهتنا لشاعر مجنون ﴿٣٦﴾ بل جاء بالحقى وصدق المرسلين ﴿٣٧﴾ إنكم لذائقو العذاب الأليم ﴿٣٨﴾ وما تجزون إلا ما كنتم تعملون ﴿٣٩﴾ إلا عباد الله المخلصين ﴿٤٠﴾ أولئك هم رزق معلوم ﴿٤١﴾ فواكه وهم مكرمون ﴿٤٢﴾ في جنات النعيم ﴿٤٣﴾ على سرر متقابلين ﴿٤٤﴾ يطاف عليهم بكأس من معين ﴿٤٥﴾ بيضاء لذة للشاربين ﴿٤٦﴾ لا فيها غول ولا هم عنها ينزفون ﴿٤٧﴾ وعندهم قاصرات الطرف عين ﴿٤٨﴾ كأهنّ بيض مكنون ﴿٤٩﴾ فأقبل بعضهم على بعض يتساءلون ﴿٥٠﴾ قال قائل منهم إني كان لي قرين ﴿٥١﴾ يقول إنك لمن المصدقين ﴿٥٢﴾ أئنا ميتنا وكنا ترابا وعظاما آئنا لمدينون ﴿٥٣﴾ قال هل أنتم مطلعون ﴿٥٤﴾ فاطلع فرآه في سواء الجحيم ﴿٥٥﴾ قال تالله إن كدت لتزدن ﴿٥٦﴾ ولولا نعمة ربّي لكنت من المخضرين ﴿٥٧﴾ أفما نحن بمبينين ﴿٥٨﴾ إلا موتتنا الأولى وما نحن بمعدين ﴿٥٩﴾ إن هذا هو الفوز العظيم ﴿٦٠﴾ ليمثل هذا فليعمل العاملون ﴿٦١﴾ أذلك خير نزلًا أم شجرة الزقوم ﴿٦٢﴾ إنا جعلناها فتنة للظالمين ﴿٦٣﴾ إنها شجرة تخرج في أصل الجحيم ﴿٦٤﴾ طلعها كأنه زووس الشياطين ﴿٦٥﴾ فإنهم لا يكون منها فيما لوون منها البطون ﴿٦٦﴾ ثم إنهم عليها لشوبا من حميم ﴿٦٧﴾ ثم إن مرجعهم لىلى الجحيم ﴿٦٨﴾ إنهم ألقوا آباءهم ضالين ﴿٦٩﴾ فهم على آثارهم يهرعون ﴿٧٠﴾ ولقد ضل قبلهم أكثر الأولين ﴿٧١﴾ ولقد أرسلنا فيهم مندبين ﴿٧٢﴾ فانظر كيف كان عاقبة المندبين ﴿٧٣﴾ إلا عباد الله المخلصين ﴿٧٤﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده آید) عصاره محتوای سوره را استخراج می‌کنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:

درس: ایمان سبب نجات در دو جهان است.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: معرفی برخی از صفات کسانی که ایمان دارند و ندارند و عاقبت اخروی هر دوی آنها.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

بَلْ عَجَبْتَ وَيَسْخَرُونَ ﴿۱۲﴾ وَإِذَا ذُكِّرُوا لَا يَذْكُرُونَ ﴿۱۳﴾ وَإِذَا رَأَوْا آيَةً يَسْتَسْخِرُونَ ﴿۱۴﴾ وَقَالُوا إِن هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿۱۵﴾ أَنْدَا مِنَّا وَكُنَّا تَرَابًا وَعِظَامًا إِنَّا لَمَبْعُوثُونَ ﴿۱۶﴾ أَوْ أَبَاؤُنَا الْأَوْلُونَ ﴿۱۷﴾ قُلْ نَعَمْ وَأَنْتُمْ دَاخِرُونَ ﴿۱۸﴾ فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ فَإِذَا هُمْ يَنْظُرُونَ ﴿۱۹﴾ وَقَالُوا يَا وَيْلَنَا هَذَا يَوْمُ الدِّينِ ﴿۲۰﴾ هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ ﴿۲۱﴾
ریزدرب: معرفی برخی از صفات فعالان کفر.

۲

اِحْشُرُوا الَّذِينَ ظَلَمُوا وَأَزْوَاجَهُمْ وَمَا كَانُوا يَعْبُدُونَ ﴿۲۲﴾ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَاهْدُوهُمْ إِلَى صِرَاطِ الْجَنَّةِ ﴿۲۳﴾ وَقِفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُورُونَ ﴿۲۴﴾ مَا لَكُمْ لَا تَنْصَرُونَ ﴿۲۵﴾ بَلْ هُمْ الْيَوْمَ مُسْتَسْلِمُونَ ﴿۲۶﴾
ریزدرب: بازداشت فعالان کفر و بازجویی از آنان در قیامت.

۳

وَأَقْبَلْ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ ﴿۲۷﴾ قَالُوا إِنَّكُمْ كُنْتُمْ تَأْتُونَنَا عَنِ الْيَمِينِ ﴿۲۸﴾ قَالُوا

بَلْ لَمْ تَكُونُوا مُؤْمِنِينَ ﴿٢٩﴾ وَمَا كَانَ لَنَا عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ بَلْ كُنْتُمْ قَوْمًا طَاغِينَ ﴿٣٠﴾ فَحَقَّ عَلَيْنَا قَوْلُ رَبِّنَا إِنَّا لَلْدَائِقُونَ ﴿٣١﴾ فَأَعْوَيْنَاكُمْ إِنَّا كُنَّا غَاوِينَ ﴿٣٢﴾ فَأَنَّهُمْ يَوْمئذٍ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ ﴿٣٣﴾ إِنَّا كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ ﴿٣٤﴾

ریزدرب: کافران در بازداشت بگومگوی «تقصیر تو بود» خواهند داشت.

٤

إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ ﴿٣٥﴾ وَيَقُولُونَ إِنَّا لَنَارِكُوا آهْتِنَا لِشَاعِرٍ مَجْنُونٍ ﴿٣٦﴾ بَلْ جَاءَ بِالْحَقِّ وَصَدَقَ الْمُرْسَلِينَ ﴿٣٧﴾

ریزدرب: توصیف برخی دیگر از صفات و افعال فعالان کفر.

٥

إِنَّكُمْ لَلدَائِقُونَ الْعَذَابِ الْأَلِيمِ ﴿٣٨﴾ وَمَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٣٩﴾

ریزدرب: صدور قرار مجرمیت برای فعالان کفر.

٦

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ﴿٤٠﴾ أُولَئِكَ لَهُمْ رِزْقٌ مَعْلُومٌ ﴿٤١﴾ فَوَاكِهِ وَهُمْ مُكْرَمُونَ ﴿٤٢﴾ فِي جَنَّاتٍ النَّعِيمِ ﴿٤٣﴾ عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ ﴿٤٤﴾ يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِكَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ ﴿٤٥﴾ بَيْضَاءَ لَبَدَةٍ لِّلشَّارِبِينَ ﴿٤٦﴾ لَا فِيهَا غَوْلٌ وَلَا هُمْ عَنْهَا يُنْزَفُونَ ﴿٤٧﴾ وَعِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ عِينٌ ﴿٤٨﴾ كَأَنَّهُنَّ بَيْضٌ مَكْنُونٌ ﴿٤٩﴾

ریزدرب: اوضاع بندگان مومن، در همان شرایطی که کافران در آن وضعیت هستند، عالی است.

٧

فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ ﴿٥٠﴾ قَالَ قَائِلٌ مِّنْهُمْ إِنِّي كَانَ لِي قَرِينٌ ﴿٥١﴾ يَقُولُ أَتِنَّكَ لَمِنَ الْمُصَدِّقِينَ ﴿٥٢﴾ أَتَدَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا إِنَّا لَمَدِينُونَ ﴿٥٣﴾ قَالَ هَلْ أَنْتُمْ مُطَّلِعُونَ ﴿٥٤﴾ فَاطَّلَعَ فَرَآهُ فِي سَوَاءِ الْجَحِيمِ ﴿٥٥﴾ قَالَ تَاللَّهِ إِن كِدْتَ لَتُرْدِينِ ﴿٥٦﴾ وَلَوْلَا نِعْمَةُ رَبِّي لَكُنْتَ مِنَ الْمُحْضَرِينَ ﴿٥٧﴾ أَفَمَا نَحْنُ بِمَبْتَلِينَ ﴿٥٨﴾ إِلَّا مَوْتَتَنَا الْأُولَىٰ وَمَا نَحْنُ بِمُعَدِّينَ ﴿٥٩﴾ إِنَّ هَذَا هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٦٠﴾ لِمَثَلِ هَذَا فَلْيَعْمَلِ الْعَامِلُونَ ﴿٦١﴾

ریزدرب: مومنان در آسودگی خیال، گفتمان «عجب خطری از بیخ گوش ما گذشت ها!» دارند.

۸

أَذَلِكْ خَيْرٌ نُّزُلًا أَمْ شَجَرَةُ الزُّقُومِ ﴿٦٢﴾ إِنَّا جَعَلْنَاهَا فِتْنَةً لِلظَّالِمِينَ ﴿٦٣﴾ إِنَّمَا شَجَرَةُ مُخْرَجٌ فِي أَصْلِ الْجَحِيمِ ﴿٦٤﴾ طَلَعَهَا كَأَنَّهُ رُؤُوسُ الشَّيَاطِينِ ﴿٦٥﴾ فَاهُمْ لَا كَلُونَ مِنْهَا فَمَا لَوْوَنَ مِنْهَا الْبُطُونَ ﴿٦٦﴾ ثُمَّ إِنَّ هُمْ عَلَيْهَا لَشَوَّبًا مِّنْ حَمِيمٍ ﴿٦٧﴾ ثُمَّ إِنَّ مَرْجِعَهُمْ لَإِلَى الْجَحِيمِ ﴿٦٨﴾

ریزدرب: اوضاع بد کافران در قیامت خارج از تصور است.

۹

إِنَّهُمْ أَلْفَوْا آبَاءَهُمْ ضَالِينَ ﴿٦٩﴾ فَهُمْ عَلَى آثَارِهِمْ يُهْرَعُونَ ﴿٧٠﴾ وَلَقَدْ ضَلَّ قَبْلَهُمْ أَكْثَرُ الْأَوَّلِينَ ﴿٧١﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا فِيهِمْ مُنْذِرِينَ ﴿٧٢﴾

ریزدرب: توصیف برخی دیگر از صفات و افعال فعالان کفر.

۱۰

فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنْذَرِينَ ﴿٧٣﴾ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ﴿٧٤﴾

ریزدرب: ای پیامبر! بدان که به استثناء مومنان، عاقبت همگان این است.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لَبَّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ که ابتدای سوره است می فرماید که معبود شما یکی است و «سازمان» جهان براساس توحید سازماندهی شده است و خداوند را به ذکرصفت شدت و علو آنحضرت معرفی می فرماید و ضمناً از کافران به ظرافت انتقاد میکند که گویا راجع به خویش زیاده بینی و راجع به آفرینش آسمانها و زمین کم بینی دارند.

در این پاراگراف می فرماید: ای پیامبر! تعجبت از این است که اینها به حقایق به آن مهمی اهمیت نمی دهند؟ مهم نیست، عده ای هم هستند که بسیاراهمیت میدهند و به نتایج عالیش هم دست می یابند.

۴- سوالات

- ۱- در آیه ۲۲ منظور از «زواج» چیست؟
- ۲- با توجه به آیه ۱۵ این آیات روی آن کافران چه تاثیری داشت؟
- ۳- منظور از «صراط» (آیه ۲۳) چیست؟
- ۴- «آل» در ابتدای آیه ۴۰، چه را از چه مثنی میکند؟
- ۵- از آیه های ۴۱ و ۴۵ و ۴۸ چه به ذهن تان می آید؟
- ۶- فاعل «قال» در آیه ۵۴ کیست؟
- ۷- ظرف زمانی و مکانی آیه ۵۴ را بیان کنید.
- ۸- چرا در آیه ۶۳ بجای ظالمین نفرموده کافرین؟
- ۹- برای آیه ۶۸، چه معادلی در سوره های قبلی (البته به ترتیب نزول) می شناسید؟
- ۱۰- منظور از «اولین» (آیه ۷۱) چیست؟
- ۱۱- مکانیزم «فانظر» (آیه ۷۳) چیست؟
- ۱۲- از آیه ۶۹ فهمیده میشود که اقوام سلف به «ضالین» بودن آباء خویش ادعان داشتند، در اینصورت علت پیروی سرسختانه آنها از همانها چه بوده؟

۵- حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

از آیات ۱۲ تا ۱۵ و آیه ۳۶ فهمیده میشود آنحضرت در مقابل این آیات (با وجود اینکه تا کنون اینهمه وحی دریافت کرده بود) موضع تحسین و اعجاب داشت اما کافران معاصر موضعشان بی توجهی و مسخره و جادو نامیدن آن، و شاعر و مجنون نامیدن خود آنحضرت بوده است.

از آیه ۳۴ فهمیده میشود علت کفر آنها «مجرمیت»شان بوده است. از آیه ۴۱ فهمیده میشود اوضاع آن مردم از لحاظ معیشتی خیلی با امروز فرق داشته و اینطور نبوده که امنیت غذایی داشته باشند، و از آیه ۴۷ فهمیده میشود نوشیدنی های سکر آور آن روزها دارای ضرر جسمانی برای مصرف کننده بوده، و از آیه ۴۸ فهمیده میشود ملاکات زیبایی زنان از نظر آنها با امروز خیلی فرق داشته، و از آیات ۵۲ تا ۵۴ فهمیده میشود در باره تعالیم و حیانی بین برخی مردم معاصر نزول آیات بحثهای بین الاثنتینی جدیدی صورت می گرفته است. از آیه ۶۵ فهمیده میشود معاصران نزول این آیات تصویری که از شیطان داشته اند تصویری از چهره ای زشت بوده است. از آیه ۶۹ فهمیده میشود جبهه مخالف آنحضرت به غلط بودن رفتار خویش آگاهی داشته اند اما ضمنا به سبب عللی (لابد اقتصادی) دست از آن نمی کشیدند.

۶- در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

کل آیات توصیف عذاب کافران و نعمت مومنان، و حوادث نزدیک به وقوع قیامت، از دم، خارج از ذهنیات مخاطبان اولیه بوده، زیرا، علیرغم اینکه میگویند عرب های هزار و چهارصد سال پیش با یهودیان و مسیحیان محشور بوده اند و مطالبی از آنها شنیده بودند و از طریق آنها مطالبی را که در قرآن آمده در ذهن داشته اند، باید بدانیم که این سخن سست و باطل است، زیرا :

۱- خود قرآن متعرض این مطلب شده، و تصریح کرده که ادبیات قیامتی قرآنی در ذهنیات عرب ۱۴۰۰ سال پیش نبوده، و مدرک این سخن نیز شش آیه اول سوره نباء است که قبلا در جای خود توضیح داده ایم.

و البته آیاتی که موید مدلول آیات مذکور باشند نیز کم نیستند.

۲- اطلاعاتی که گفته میشود عرب های ۱۴۰۰ سال پیش میتوانسته اند از یهودیان و مسیحیان گرفته باشند از ۴ انجیل فعلی و تورات و تلمود فعلی که فراتر نبود، و اگر تورات و تلمود فعلی را دیده باشید تصدیق خواهید کرد که از لحاظ مطرح کردن و توصیف و تشریح قیامت و آخرت اصلا به گرد قرآن هم نمیرسند، و ادبیات قرآنی در باره قیامت و آخرت آنقدر صریح و دارای جزئیات و پرتکرار و پرتشریح است که مقایسهء متنی قرآن و تورات به راحتی این را نشان میدهد.

لذا، کل آیاتی که در این پاراگراف هست و در آن از حوادث نزدیک به وقوع قیامت، و نعیم اخروی و عذاب اخروی سخن رفته، تماما، نه تنها «فوق ذهنیات» مخاطب های اولیه، بلکه فوق ذهنیات ماها نیز هست.

۷- کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیه های ۱۲ تا ۳۹ و ۶۹ تا ۷۴، بقیه آیات پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

بحث متنی

اصلی-فرعی:

کل آیات ۱۳ تا ۳۹ همه در جهت توضیح کلمه «یسخرون» آیه ۱۲ است و لذا همه آیات مذکور فرعی است.

کل آیات از ۴۱ تا ۶۰ اوضاع و احوال آخرتی مدلول آیه ۴۰ را توضیح می دهند و فرع بر آن هستند.

تغییر مخاطب (التفات):

مخاطب آیات ۱۲ تا «قل» آیه ۱۸، پیامبر (ص) است.

مخاطب سه کلمه آخر آیه ۱۸ تا چهار آیه اول آیه ۱۹، کافران است.

مخاطب سه کلمه آخر آیه ۱۹ تا آخر آیه ۲۰ پیامبر (ص) است.

مخاطب آیه ۲۱ کافران است، اما ظرف زمانی این خطاب روز قیامت است.

معنی کلمات:

کلمه «ازواجهم» در آیه ۲۲ به معنی رایج نیست، بلکه به معنی «همراهانشان» است، و در قرآن در جاهای دیگری هم کلمه زوج به معنی همراه آمده (مثلا آیه ۱۳۱ طه - که البته منحصر به آن نیست)

همچنین است کلمه «یمین» در آیه ۲۸ که به معنی رایج (یعنی راست در مقابل چپ) نیست و بلکه به معنی قدرت است و در قرآن هم آنقدر شواهد دارد که نیاز به رفرنس دادن نیست.

تقصیر متقابل

آیات ۲۷ تا ۳۳ ناظر به دعوای گروهی از جهنمی ها نسبت به گروهی دیگر است که

آن‌ها را عامل گمراهی خویش می‌پندارند ولی آن‌ها این ادعایشان را رد می‌کنند و می‌گویند خودتان هم مقصر بودید. موضوع فوق را بطور اشاره در چند سوره قبلی دیدیم، و در اینجا اندکی باز تر مطرح شده، و چنانکه بعداً خواهیم دید، در سوره‌های آینده بیشتر باز شده و بالاخره در سوره اعراف در اوج خویش مطرح خواهد شد.

این که گول نخوردی، لطف خداوند بوده

در رابطه با آیات ۵۷-۴۰ باید توجه داشته باشیم که قبلاً با این نوع آیات به اندازه کافی آشنا شده‌ایم.

موضوعی که در پاراگراف قبل دیدیم در اینجا نیز دیده می‌شود. اما بر عکس. به این معنی که در پاراگراف قبلی دیده بودیم که اغوا کننده‌ای هست و اغوا شونده‌ای. اما در این پاراگراف می‌بینیم که اغوا کننده وجود داشته اما طرف مقابل اغوا نشده و گول نخورده اما این گول نخوردن خود را به خویش نسبت نداده بلکه لطفی از سوی خداوند دانسته.

صرفنظر از توافقی که آن شخص ابراز کرد، باید توجه داشت که نظر او بیان یک حقیقت است. اغوا نشدن در مقابل اغواگر یک «امر وجودی» است و هر امر وجودی به خداوند مربوط است.

نعمت بزرگ بهشتی

یکی از نعمت‌های بزرگ در بهشت، امکان خبرگیری از اوضاع و احوال معذبان در جهنم است.

این موضوع از لحاظ‌های زیادی اهمیت دارد:

۱ - توجه به الطاف الهی که مانع شد تحت تاثیر همگان خویش قرار گیرند و از آنان نشوند.

۲ - تشفی خاطر برای استهزئات و اذیت‌ها (اعم از روحی و غیره) که مومنان در زندگی دنیا از آنها کشیده‌اند اما بر ایمان خویش پایدار مانده‌اند.

۳ - امکان مطالعات دقیق روی مکانیزم تاثیرات اقران بر اقران هم سطح و استخراج قوانین علمی که ممکن است به درد جوامع مشابه بخورد، یا در بقیه زندگی اخروی مومنان اثر خوب داشته باشد.

ترجمه تفسیری آزاد

ای پیامبر! بسا که تعجب میکنی که اینها تعالیم ما را مسخره میکنند (۱۲) و هنگامی

که پند داده میشوند نمی پذیرند (۱۳) و وقتی که نشانه ای ببینند به ریشخند میگیرند (۱۴) و میگویند این چیزی جز جادویی آشکار نیست (۱۵) و مثل می زنند که آیا هنگامی که مُردیم و خاک و استخوان شدیم برانگیخته میشویم؟ (۱۶) همچنین نیاکانمان؟ (۱۷) بگو بله و خوار و ذلیل خواهید بود (۱۸) و جز این نیست که آن یک نهیب خواهد بود و سپس همگی نگران خواهند گردید (۱۹) و میگویند وای بر ما این روز قیامت است (۲۰) به آنها خطاب میشود این همان روز جدا کردن است که تکذیبش میکردید (۲۱) و به ماموران قیامت فرمان داده میشود که ظالمان و همگونانشان و آنچه را که به غیر از خداوند عبادتش میکردند (۲۲) بیاورید و راه جهنم را نشانشان دهید (۲۳) و متوقفشان کنید که باز خواست شوند (۲۴) در آن روز به آنان خطاب میشود چه تان شده؟ چرا یکدیگر را یاری نمی کنید؟ (۲۵) بله، در آن روز تسلیم خواهند بود (۲۶) و پرسش کنان به یکدیگر روی می آورند (۲۷) برخی به برخی دیگر میگویند شما بودید که به نزد ما میآمدید که گمراهان کنید (۲۸) آنها میگویند نه، بلکه خودتان مومن نبودید (۲۹) ما بر شما تسلطی نداشتیم، خودتان سرکش بودید (۳۰) و گفتار پروردگاران بر ما فرود آمد که داریم آنرا می چشیم (۳۱) تازه اگر هم شما را گمراه کردیم، به این سبب بود که خودمان هم گمراه بودیم (۳۲) پس آنها در آنروز در عذاب مشترکند (۳۳) با مجرمان چنین می کنیم (۳۴) آنها چنان بودند که وقتی به آنها گفته میشد خدائی جز خداوند نیست گردنفرای می کردند (۳۵) و میگفتند آیا باید خدایانمان را فقط برای گفتار یک شاعر مجنون رها کنیم؟ (۳۶) بلکه آن کسی که او را چنین می نامیدند به حق آمده بود و پیامبران قبلی را نیز تصدیق میکرد (۳۷) و اینک البته شما چشند عذاب دردناک خواهید بود (۳۸) و کیفری نمی بینید مگر برای آنچه انجام داده اید (۳۹)

البته بندگان ناب خدا اوضاعشان خیلی متفاوت خواهد بود (۴۰) آنها روزی معلوم خواهند داشت (۴۱) از همه نوع میوه ها، و بسیار محترم هم خواهند بود (۴۲) در بهشتهایی پر نعمت (۴۳) که بر تختهایی روبروی یکدیگر تکیه زده و مصاحبت هایی دلپذیر خواهند داشت (۴۴) کاسه هائی از نوشابه های روان برای استفاده شان گردانده میشود (۴۵) که رنگی سفید خواهد داشت و برای نوشندگان لذیذ خواهد بود (۴۶) که نه دارای ضرری بوده و نه از آن مست خواهند شد (۴۷) و نزدشان زنانی درشت چشم خواهد بود که فقط به همسران خویش نظر دارند (۴۸) و مانند تخم نهفته پرندگانند (۴۹) آنگاه این خوشبختان پرسش کنان به یکدیگر روی می

آورند (۵۰) یکی از آنها میگوید رفیقی داشتم (۵۱) که میگفت تو واقعاً از تصدیق کنندگان این پیامبری؟ (۵۲) آیا وقتیکه مُردیم و خاک و استخوان شدیم واقعاً دو باره احیاء شده و جزا خواهیم یافت؟ (۵۳) آیا شما که این چیزها را قبول دارید و واقعاً اطلاع پیدا کرده اید؟ (۵۴) در همین حین سرک میکشد و او را در وسط آتش می بیند (۵۵) و به او میگوید به خدا که نزدیک بود نابودم کنی (۵۶) و اگر نعمت پروردگارم نبود اینک مثل تو از بازداشت شدگان بودم (۵۷) و با خوشحالی با خویش میگوید آیا این ما هستیم که دیگر مرگ نداریم؟ (۵۸) غیر از آن مرگ اول؟ و دچار عذاب نمیشویم؟ (۵۹) البته این همان پیروزی بزرگ است (۶۰)

پس البته اهل عمل، باید برای چنین هدفی بکوشند (۶۱) آیا این پیشکشی بهتر است یا درخت زقوم؟ (۶۲) که آنرا مایه فتنه ای برای ظالمان قرار دادیم (۶۳) درختی است که از عمق جهنم در می آید (۶۴) میوه اش گوئی سرِ شیطانها است (۶۵) از آن میخورند و شکم هایشان را از آن پر میکنند (۶۶) سپس روی آن آبی کثیف جوشان خواهند داشت (۶۷) آنگاه بازگشتگاهشان آتش سوزان خواهد بود (۶۸) آنان پدرانشان را گمراه یافتند (۶۹) با وجود این، شتابان دنبال آنان میرفتند (۷۰) و البته قبل از آنان اکثر پیشینیان گمراه شدند (۷۱) در حالیکه در میان آنان هشدار دهندگان را فرستاده بودیم (۷۲) پس بنگر که عاقبت هشدار شوندهگان چگونه شد؟ (۷۳) مگر بندگان خالص شده خداوند که نجات یافتند (۷۴)

صافات ٣ آيات ٧٥ تا ١٤٨

وَلَقَدْ نَادَانَا نُوحٌ فَلَنِعْمَ الْمُجِيبُونَ ﴿٧٥﴾ وَجَعَلْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ ﴿٧٦﴾ وَجَعَلْنَا
 ذُرِّيَّتَهُ هُمُ الْبَاقِينَ ﴿٧٧﴾ وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ ﴿٧٨﴾ سَلَامٌ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ ﴿٧٩﴾
 إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿٨٠﴾ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ﴿٨١﴾ ثُمَّ أَعْرَفْنَا الْآخِرِينَ ﴿٨٢﴾
 وَإِن مِّن شَيْعَتِهِ لِإِبْرَاهِيمَ ﴿٨٣﴾ إِذْ جَاء رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ ﴿٨٤﴾ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَاذَا
 تَعْبُدُونَ ﴿٨٥﴾ أَفُنُكَا آهَةٌ دُونَ اللَّهِ تَعْبُدُونَ ﴿٨٦﴾ فَمَا ظَنُّكُمْ بِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٨٧﴾ فَنَظَرَ
 نَظْرَةً فِي النُّجُومِ ﴿٨٨﴾ فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ ﴿٨٩﴾ فَتَوَلَّوْا عَنْهُ مُدْبِرِينَ ﴿٩٠﴾ فَرَاغَ إِلَىٰ آهَتِهِمْ
 فَقَالَ آلَا تَأْكُلُونَ ﴿٩١﴾ مَا لَكُمْ لَا تَنْطَفُونَ ﴿٩٢﴾ فَرَاغَ عَلَيْهِمْ صَرْبًا يَأْتِمِنُ ﴿٩٣﴾ فَأَقْبَلُوا
 إِلَيْهِ يَرْفُونَ ﴿٩٤﴾ قَالَ أَتَعْبُدُونَ مَا تَنْحُوتُونَ ﴿٩٥﴾ وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ ﴿٩٦﴾ قَالُوا
 ابْنُؤا لَهٗ بُنْيَانًا فَاَلْقُوهُ فِي الْحَجِيمِ ﴿٩٧﴾ فَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَسْفَلِينَ ﴿٩٨﴾ وَقَالَ إِنِّي
 ذَاهِبٌ إِلَىٰ رَبِّي سَيَهْدِينِ ﴿٩٩﴾ رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿١٠٠﴾ فَتَبَشَّرْنَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ
 ﴿١٠١﴾ فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَىٰ فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْكُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَىٰ قَالَ
 يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ ﴿١٠٢﴾ فَلَمَّا أَسْلَمَا وَتَلَّهُ لِلْجَبِينِ
 ﴿١٠٣﴾ وَنَادَيْنَاهُ أَن يَا إِبْرَاهِيمُ ﴿١٠٤﴾ قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ
 ﴿١٠٥﴾ إِنَّ هَذَا هُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ ﴿١٠٦﴾ وَفَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ ﴿١٠٧﴾ وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي
 الْآخِرِينَ ﴿١٠٨﴾ سَلَامٌ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ ﴿١٠٩﴾ كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿١١٠﴾ إِنَّهُ مِنْ
 عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ﴿١١١﴾ وَتَبَشَّرْنَاهُ بِإِسْحَاقَ نَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿١١٢﴾ وَبَارَكْنَا عَلَيْهِ وَعَلَىٰ
 إِسْحَاقَ وَمِن ذُرِّيَّتِهِمَا مُحْسِنٌ وَظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ مُبِينٌ ﴿١١٣﴾ وَلَقَدْ مَنَّا عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَارُونَ
 ﴿١١٤﴾ وَجَعَلْنَاهُمَا قَوْمَهُمَا مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ ﴿١١٥﴾ وَنَصَرْنَاهُمْ فَكَانُوا هُمُ الْغَالِبِينَ
 ﴿١١٦﴾ وَآتَيْنَاهُمَا الْكِتَابَ الْمُسْتَبِينَ ﴿١١٧﴾ وَهَدَيْنَاهُمَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ﴿١١٨﴾
 وَتَرَكْنَا عَلَيْهِمَا فِي الْآخِرِينَ ﴿١١٩﴾ سَلَامٌ عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَارُونَ ﴿١٢٠﴾ إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي
 الْمُحْسِنِينَ ﴿١٢١﴾ إِنَّهُمَا مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٢٢﴾ وَإِن إِلْيَاسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٢٣﴾
 إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ آلَا تَتَّقُونَ ﴿١٢٤﴾ أَتَدْعُونَ بَعْلًا وَتَذَرُونَ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ ﴿١٢٥﴾ وَاللَّهُ رَبُّكُمْ
 وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأُولِينَ ﴿١٢٦﴾ فَكَذَّبُوهُ فَأَنَّهُمْ لَمُخَضَّرُونَ ﴿١٢٧﴾ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ
 ﴿١٢٨﴾ وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ ﴿١٢٩﴾ سَلَامٌ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ ﴿١٣٠﴾ إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي
 الْمُحْسِنِينَ ﴿١٣١﴾ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٣٢﴾ وَإِن لُّوطًا لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٣٣﴾ إِذْ
 جَعَلْنَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ ﴿١٣٤﴾ إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ ﴿١٣٥﴾ ثُمَّ دَمَرْنَا الْآخِرِينَ ﴿١٣٦﴾
 وَإِنكُم لَتَمُرُّونَ عَلَيْهِمْ مُصْبِحِينَ ﴿١٣٧﴾ وَبِاللَّيْلِ أَفْلا تَعْقِلُونَ ﴿١٣٨﴾ وَإِن يُؤْنَسَ لَمِنَ

الرُّسُلِينَ ﴿١٣٩﴾ إِذْ أَبَقَ إِلَى الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ ﴿١٤٠﴾ فَسَاهَمَ فَكَانَ مِنَ الْمُدْحَضِينَ ﴿١٤١﴾ فَالْتَقَمَهُ الْحَوْثُ وَهُوَ مُلِيمٌ ﴿١٤٢﴾ فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ ﴿١٤٣﴾ لَلَبِثَ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿١٤٤﴾ فَنَبَذْنَاهُ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ سَقِيمٌ ﴿١٤٥﴾ وَأَنْبَتْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِّنْ يَّقُوطٍ ﴿١٤٦﴾ وَأَرْسَلْنَاهُ إِلَى مِثَةِ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ ﴿١٤٧﴾ فَآمَنُوا فَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَىٰ حِينٍ ﴿١٤٨﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:

درس: ایمان سبب نجات در دو جهان است.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: معرفی بعضی از پیشگامان ایمان و نتایج ایمانشان در همین جهان.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

وَلَقَدْ نَادَانَا نُوحٌ فَلَنَعَمْ الْمُجِيبُونَ ﴿٧٥﴾ وَخَينَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ ﴿٧٦﴾ وَجَعَلْنَا ذُرِّيَّتَهُ هُمُ الْبَاقِينَ ﴿٧٧﴾ وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ ﴿٧٨﴾ سَلَامٌ عَلَىٰ نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ ﴿٧٩﴾ إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿٨٠﴾ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ﴿٨١﴾ ثُمَّ أَعْرَفْنَا الْآخِرِينَ ﴿٨٢﴾

ریزدرب: نوح از پیشگامان ایمان بود و در همین جهان نیز نجات یافت.

۲

وَأَنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لِإِبْرَاهِيمَ ﴿٨٣﴾ إِذْ جَاءَ رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ ﴿٨٤﴾ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَاذَا تَعْبُدُونَ ﴿٨٥﴾ أَتُنْفَكُوا إِلَهَةً دُونَ اللَّهِ تُرِيدُونَ ﴿٨٦﴾ فَمَا ظَنُّكُمْ بِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٨٧﴾ فَنَظَرَ نَظْرَةً فِي النُّجُومِ ﴿٨٨﴾ فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ ﴿٨٩﴾ فَتَوَلَّوْا عَنْهُ مُدْبِرِينَ ﴿٩٠﴾ فَرَاغَ إِلَىٰ آهْتِهِمْ ﴿٩١﴾ فَتَطَّقُونَ ﴿٩٢﴾ فَرَاغَ عَلَيْهِمْ صَرْبًا بِالْيَمِينِ ﴿٩٣﴾

فَأَقْبَلُوا إِلَيْهِ يَرْفُوقَ ﴿٩٤﴾ قَالَ أَتَعْبُدُونَ مَا تَنْحِتُونَ ﴿٩٥﴾ وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ ﴿٩٦﴾ قَالُوا ابْنُوا لَهُ بُنْيَانًا فَأَلْفُوهُ فِي الْجَحِيمِ ﴿٩٧﴾ فَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَسْفَلِينَ ﴿٩٨﴾ وَقَالَ إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَىٰ رَبِّي سَيَهْدِينِ ﴿٩٩﴾ رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿١٠٠﴾ فَبَشِّرْنَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ ﴿١٠١﴾ فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَىٰ فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْكُتُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَىٰ قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ ﴿١٠٢﴾ فَلَمَّا أَسْلَمَا وَتَلَّهُ لِلْجَبِينِ ﴿١٠٣﴾ وَنَادَيْنَاهُ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ ﴿١٠٤﴾ قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا إِنَّا كَذَلِكَ نَجْرِي الْمُحْسِنِينَ ﴿١٠٥﴾ إِنَّ هَذَا لَهُ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ ﴿١٠٦﴾ وَفَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ ﴿١٠٧﴾ وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ ﴿١٠٨﴾ سَلَامٌ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ ﴿١٠٩﴾ كَذَلِكَ نَجْرِي الْمُحْسِنِينَ ﴿١١٠﴾ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ﴿١١١﴾ وَبَشِّرْنَاهُ بِإِسْحَاقَ نَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿١١٢﴾ وَبَارَكْنَا عَلَيْهِ وَعَلَىٰ إِسْحَاقَ وَمِن ذُرِّيَّتِهِمَا مُحْسِنٌ وَظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ مُبِينٌ ﴿١١٣﴾

ریزدرب: ابراهیم نیز از پیشگامان ایمان بود و در همین جهان نیز نجات یافت، و بعلاوه آن، نعمت های خارق العاده ای یافت.

۳

وَلَقَدْ مَنَّا عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَارُونَ ﴿١١٤﴾ وَخَيَّنَاهُمَا وَقَوْمَهُمَا مِنَ الْكُرْبِ الْعَظِيمِ ﴿١١٥﴾ وَنَصَّرْنَاهُمْ فَاكْنُوتُوا هُمُ الْعَالِيْنَ ﴿١١٦﴾ وَآتَيْنَاهُمَا الْكِتَابَ الْمُسْتَبِينَ ﴿١١٧﴾ وَهَدَيْنَاهُمَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ﴿١١٨﴾ وَتَرَكْنَا عَلَيْهِمَا فِي الْآخِرِينَ ﴿١١٩﴾ سَلَامٌ عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَارُونَ ﴿١٢٠﴾ إِنَّا كَذَلِكَ نَجْرِي الْمُحْسِنِينَ ﴿١٢١﴾ إِنَّهُمَا مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٢٢﴾

ریزدرب: موسی و هارون نیز از پیشگامان ایمان بودند و در همین جهان نیز نجات یافتند.

۴

وَإِنَّ الْإِنْسَانَ لِمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٢٣﴾ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٢٤﴾ أَتَدْعُونَ بَعْلًا وَتَذَرُونَ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ ﴿١٢٥﴾ وَاللَّهُ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ ﴿١٢٦﴾ فَكَذَّبُوهُ فَإِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ ﴿١٢٧﴾ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ ﴿١٢٨﴾ وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ ﴿١٢٩﴾ سَلَامٌ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ ﴿١٣٠﴾ إِنَّا كَذَلِكَ نَجْرِي الْمُحْسِنِينَ ﴿١٣١﴾ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٣٢﴾

ریزدرب: ایلیاس نیز از پیشگامان ایمان بود و در همین جهان نیز نجات یافت.

وَإِنَّ لَوْطًا لَّمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٣٣﴾ إِذْ جَعَلْنَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ ﴿١٣٤﴾ إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ ﴿١٣٥﴾ ثُمَّ دَمَرْنَا الْآخَرِينَ ﴿١٣٦﴾ وَإِنكُمْ لَتَمُرُونَ عَلَيْهِمْ مُّصْحِحِينَ ﴿١٣٧﴾ وَبِاللَّيْلِ أَفْلا تَعْقِلُونَ ﴿١٣٨﴾

ریزدرب: لوط نیز از پیشگامان ایمان بود و در همین جهان نیز نجات یافت.

وَإِنَّ يُونُسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٣٩﴾ إِذْ أَتَى إِلَى الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ ﴿١٤٠﴾ فَسَاهَمَ فَكَانَ مِنَ الْمُدْحَضِينَ ﴿١٤١﴾ فَالْتَقَمَهُ الْحُوتُ وَهُوَ مُلِيمٌ ﴿١٤٢﴾ فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ ﴿١٤٣﴾ لَلَبِثَ فِي بطنِهِ إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ ﴿١٤٤﴾ فَنبَدْنَاهُ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ سَقِيمٌ ﴿١٤٥﴾ وَأَنْبَتْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِّنْ يَقْطِينٍ ﴿١٤٦﴾ وَأَرْسَلْنَاهُ إِلَى مِثَةِ أَلْفٍ أَوْ يَرِيدُونَ ﴿١٤٧﴾ فَآمَنُوا فَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَى حِينٍ ﴿١٤٨﴾

ریزدرب: یونس نیز از پیشگامان ایمان بود و در همین جهان نیز نجات یافت.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لُبّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ که ابتدای سوره است می فرماید که معبود شما یکی است و «سازمان» جهان براساس توحید سازماندهی شده است و خداوند را به ذکر صفات شدت و علو آنحضرت معرفی می فرماید و ضمناً از کافران به ظرافت انتقاد میکند که گویا راجع به خویش زیاده بینی و راجع به آفرینش آسمانها و زمین کم بینی دارند.

در پاراگراف ۲ می فرماید: ای پیامبر! تعجب از این است که اینها به حقایق به آن مهمی اهمیت نمی دهند؟ مهم نیست، عده ای هم هستند که بسیاراهمیت میدهند و به نتایج عالیش هم دست می یابند.

در این پاراگراف می فرماید: بندگانی که توسط خداوند خالص شده اند (رجوع کنید به شرحی که در اوخرسوره هود تحت عنوان «امروجدی-امرعدمی» عرض کردیم) هم در این جهان، وهم در آخرت، از زندگی مطلوبی برخوردار خواهند شد. و در این مقال دلداری به آنحضرت و پیروانش نیز نهفته است.

۴ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

این پاراگراف نسبتاً طولانی (آیات ۷۴ تا ۱۴۸) متضمن اشاره‌هایی به شرح حال پیامبران گذشته است، با این گرایش که ایمانشان سبب نجات و پیروزی بر دشمنانشان گردید (که پیامبر(ص) و پیروان آنحضرت نیز دلگرم شوند که مانند آنها، مورد لطف و رحمت الهی هستند و بزودی گرفتاری‌هایشان پایان می‌یابد و خصم شکست می‌خورد)

۵ - زاویه با تفاسیر رایج

چون این قسمت طولانی است، در قسمت «شرح مختصر» عرضه میشود.

۶ - پیشگوئی‌های تحقق یافته

در آیات ۷۴ تا ۷۹ با ذکر داستان نوح تلویحا میگوید که همانطور که نوح موفق شد و روشش مستقر گردید تو نیز موفق خواهی شد.

در آیات تا ۱۰۹ موضوعی مشابه را با ذکر داستان ابراهیم بیان میکند.

در آیات تا ۱۱۴ تا ۱۲۰ موضوعی مشابه را با ذکر داستان موسی و هارون بیان میکند.

در آیات تا ۱۲۳ تا ۱۳۱ موضوعی مشابه را با ذکر داستان الیاس بیان میکند.

در آیات تا ۱۳۳ تا ۱۳۸ موضوعی مشابه را با ذکر داستان لوط بیان میکند.

در آیات تا ۱۳۹ تا ۱۴۸ موضوعی مشابه را با ذکر داستان یونس بیان میکند.

۷ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه های ۱۳۷ و ۱۳۸ نه تنها فوق ذهنیات مخاطبان اولیه بلکه حتی فوق ذهنیات ما نیز هست.

دو آیه مذکور خطاب به مردم مکه حاضر در قرن ششم میلادی میگوید ای عرب های ساکن در مکه قرن ششم میلادی! آثار خرابه های قوم لوط در زیر پاهای شما و در محدوده جغرافیای مسکونی شما موجود است، و بایک حفاری شما قابل کشف و بازیابی است.

چنانکه در قرن هجده پس از فتح مصر در زمان ناپلئون حفاری هائی صورت گرفت و آثاری از تمدن مصر باستان بدست آمد و طومارهایی به خط هیروگلیف پیدا و توسط شامپولین ترجمه گردید و اطلاعات زیادی توسط آن حفاری ها از قبیل سکه ها و ظروف و مجسمه ها و چه و چه کشف شد و زندگی زمان معاصر حضرت موسی از «ماقبل تاریخ» به دوره تاریخی منتقل شد، با حفاری هائی در محدوده مسکونی مکه قرن ششم میلادی نیز چیزهایی کشف خواهد شد که اطلاعات حیرت انگیزی به ما خواهد داد که سبب میشود زمان لوط نبی (ع) (و متعاقب آن زمان حضرت ابراهیم) از «ماقبل تاریخ» به دوره تاریخی منتقل گردد.

همچنین اسست آیات ۱۳۹ تا ۱۴۸، که از چندین لحاظ، نه تنها فوق ذهنیات مخاطب های اولیه، بلکه حتی از چندین لحاظ فوق ذهنیات ما مردم قرن بیست و یکمی هم هست.

۸ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

البته تا کنون در برخی از سوره ها، به تناسب اوضاع و احوال زمان نزول و نیاز های پیروان آنحضرت، گوشه هائی از وقایع زمان پیامبران گذشته (ع) ذکر شده، و برخی از سوره ها ذکر پیامبرانی که در همین پاراگراف هم ذکر شده اند مذکورند، اما، در این پاراگراف، این داستانها ویژگی هایی دارند که عبارت «برای اولین بار» را میتوان در باره آنها بکار برد.

شرح مختصر

زاویه با تفاسیر رایج

۱- آیه ۸۸ تا ۹۸: (المیزان): " فَنَظَرَ نَظْرَةً فِي النُّجُومِ فَقَالَ إِنِّي سَمِيمٌ " شکی نیست در اینکه ظاهر این دو آیه این است که خبر دادن ابراهیم (ع) از مرضی خود مربوط است به نظر کردن در نجوم، حال این نگاه کردن در ستارگان یا برای این بوده که وقت و ساعت را تشخیص دهد، مثل کسی که دچار تب نوبه است، و ساعات عود تب خود را با طلوع و غروب ستاره‌ای و یا از وضعیت خاص نجوم تعیین می‌کند.

و یا برای آن بوده که از نگاه کردن به نجوم، به حوادث آینده‌ای که منجم‌ها آن حوادث را از اوضاع ستارگان بدست می‌آورند، معین کند. و صابئی مذهبیان به این مساله بسیار معتقد بودند و در عهد ابراهیم (ع) عده بسیاری از معاصرین او از همین صابئی‌ها بوده‌اند.

بنا بر وجه اول، معنایش آیه چنین می‌شود: وقتی اهل شهر خواستند همگی از شهر بیرون شوند تا در بیرون شهر مراسم عید خود را به پا کنند، ابراهیم نگاهی به ستارگان انداخت و سپس به ایشان اطلاع داد که به زودی کسالت من شروع می‌شود، و من نمی‌توانم در این عید شرکت کنم. و بنا بر وجه دوم معنایش این می‌شود: ابراهیم در این هنگام نگاهی به ستارگان کرد و طبق قواعد منجمین پیشگویی کرد که به زودی من مریض خواهم شد، و در نتیجه نمی‌توانم با شما از شهر بیرون شوم.

ولی وجه اولی با وضع ابراهیم (ع) مناسب‌تر به نظر می‌رسد، برای اینکه آن جناب با اینکه توحیدی خالص داشت، دیگر معنا ندارد برای غیر خدا تأثیری قائل باشد. و از سوی دیگر دلیلی هم که به قوت دلالت کند بر اینکه آن جناب در آن ایام مریض نبوده در دست نداریم، بلکه دلیل داریم بر اینکه مریض بوده، برای اینکه از یک سو خدای تعالی او را صاحب قلبی سلیم معرفی کرده و از سوی دیگر از او حکایت کرده که صریحا گفته است: من مریضم و کسی که دارای قلب سلیم است، دروغ و سخن بیهوده نمی‌گوید.

این بود آن وجهی که ما در تفسیر این دو آیه اختیار کردیم. و مفسرین در توجیه آن وجوهی ذکر کرده‌اند که از همه وجیه‌تر و بهتر این است که: نگاه کردنش به نجوم، و خبر دادنش از مرضی خود، از باب معارضی کلام است. و معارضی عبارت است از اینکه:

گوینده چیزی را بگوید که شنونده از ظاهر آن معنایی بفهمد و خود او معنای دیگری اراده کند. پس شاید نظر کردن آن جناب در ستارگان نظر کردن موحد در صنع خدای تعالی باشد، تا از آن راه بر وجود خدای تعالی و یکتایی او استدلال کند، ولی مردم خیال کردند که نظر کردن او مثل نظر کردن منجم‌ها است، که می‌خواهد از وضع ستارگان بر پیش آمدن حوادثی استدلال کند. آن گاه فرموده: " من مریضم " و منظورش این بوده که او به زودی دچار بیماری می‌شود، چون آدمی در طول عمر بدون بیماری نمی‌شود، هم چنان که باز از همان جناب حکایت کرده که گفت: " وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ " چیزی که هست مردم خیال کردند منظور او این است که همین امروز که روز عید ایشان است مریض است، و آنچه در نظر آن جناب مرجح بوده که این همه زحمت به خود بدهد، این بوده که در شهر تنها بماند و آن هدفی را که در نظر داشته انجام دهد، یعنی بت‌های اهل شهر را بشکند.

لیکن این وجه- که گفتیم بهترین وجوهی است که مفسرین ذکر کرده‌اند- وقتی صحیح است که آن جناب در آن روز مریض نبوده باشد و حال آنکه خواننده عزیز متوجه شد که گفتیم هیچ دلیلی بر این معنا نیست. علاوه بر این گفتن معاریض برای انبیاء جایز نیست، زیرا باعث می‌شود اعتماد مردم به سخنان ایشان سست گردد.

موضوع یک تمارض بوده تا فرصت کند به بتها نزدیک شود اما اینکه میزان آنقدر خود را به تکلف انداخته تا همین موضوع ساده را بگوید بی وجه است زیرا ابراهیم (ع) در آن موقع (با توجه به آیه ۶۰ سوره انبیاء) هنوز پیامبر نشده بود، زیرا اگر شده بود باید اعلام میکرد، و لذا به قول المیزان « معاریض » برای او اشکال نداشت.

۲- (آیه های ۱۰۲ تا ۱۰۷) : خطای پیامبرانه حضرت ابراهیم ع و «عتاب محترمانه» او (که) در اثر خطای تفسیری یک نوع افتخار برای آنحضرت قلمداد شده است.

در ابتدا متن ذیل را که ترجمه آیاتی از سوره صافات است چند بار مرور کنید :

و گفت من بسوی پروردگارم میروم و او البته بزودی هدایتم خواهد کرد (۹۹) پروردگارا (فرزندی) از صالحان بمن بده (۱۰۰) پس مژده پسری موقر را به او دادیم (۱۰۱) و هنگامی که (آن فرزند) بالغ شد و در سعی همراهش بود، به او گفت: پسرکم! در خواب می بینم که تو را ذبح میکنم. نظرت چیست؟ گفت: پدر جان! آنچه را که مأمور هستی انجام ده. انشاء الله مرا صابر خواهی یافت (۱۰۲) پس چون تسلیم شدند و پیشانی او را بر زمین گذاشت (۱۰۳) ندایش دادیم که ای ابراهیم! (۱۰۴) تو موضوع روایت را تصدیق کردی و نیکوکاران را چنین پاداش میدهیم (۱۰۵) البته این یک آزمایش آشکار بود (۱۰۶) و با قربانی عظیمی جایگزینش دادیم (۱۰۷) و در میان بازماندگان برایش بجا گذاشتیم: (۱۰۸) سلامی بر ابراهیم (۱۰۹) و نیکوکاران را چنین پاداش میدهیم (۱۱۰) که او البته از بندگان مومن ما بود (۱۱۱)

اگر کمی دقت کنید خواهید دید آیات ۱۰۲ تا ۱۰۷ «پرانتری» است ، دلایلش هم اینکه اگر چشم خویش را بر آن ببندیم و قبل و بعدش را (انتهای آیه ۱۰۱ را به ابتدای آیه ۱۰۸) وصل کنیم می بینیم روال سخن کاملاً صاف و هموار و بی دست انداز خواهد بود . دلیل مهم تر نیز این است که روح کلی این پاراگراف (که آیات ۷۴ تا ۱۴۸ را در بر میگیرد) این است که «آن پیامبر به فلان مشکلات دچار شد و ما نجاتش دادیم و طرف مقابلش را هلاک کردیم و برای او نام نیکی در تاریخ بشر قرار دادیم و نیکوکاران را چنین پاداش میدهیم»

و در پاراگراف مذکور این فرمول را برای حضرت های نوح (ع) و ابراهیم (ع) و موسی (ع) و الیاس (ع) و لوط (ع) و یونس (ع) بکار گرفته و البته حجم مطلب مربوط به حضرت ابراهیم (ع) از همه مفصل تر است، بطوریکه مثلا آنچه راجع به حضرت موسی (ع) فرموده ۷ آیه و راجع به حضرت ابراهیم (ع) ۳۰ آیه است. که خواندن کل آن پاراگراف را توصیه میکنیم:

اما آیات مورد بحث (یعنی آیات ۱۰۲ تا ۱۰۷) که در فضای کلی «به ابراهیم هم چنین لطفی کردیم» است، نسبت به کل داستان ابراهیم (ع) «سکته دار» است، زیرا کل داستان متضمن تحسین اوست، اما آیات مورد بحث متضمن «عتاب»ی است که به او نموده، و خطای او را مانند مورد حضرت ایوب (ع) جمع و جور فرموده، و مانند حضرت یونس (ع) لطف خویش را مجددا نسبت به او برقرار نموده است.

اینک میتوانیم «پرانتری» بودن آیات مورد بحث را در متن ذیل نشان دهیم: و گفت من بسوی پروردگارم میروم و او البته بزودی هدایتم خواهد کرد (۹۹) پروردگارا (فرزندی) از صالحان بمن بده (۱۰۰) پس مژده پسری مقرر را به او دادیم (۱۰۱) و هنگامی که (فرزندش) بالغ شد و در سعی همراهش بود، به او گفت: پسرکم! در خواب می بینم که تو را ذبح میکنم. نظرت چیست؟ گفت: پدر جان! آنچه را که مأمورش هستی انجام ده. انشاء الله مرا صابر خواهی یافت (۱۰۲) پس چون تسلیم شدند و پیشانی او را بر زمین گذاشت (۱۰۳) ندایش دادیم: ای ابراهیم! (۱۰۴) روایت را تصدیق نمودی و نیکوکاران را چنین پاداش میدهیم (۱۰۵) البته این یک آزمایش آشکار بود (۱۰۶) و قربانی عظیمی به جایگزینی اش دادیم (۱۰۷) و درمیان بازماندگان برایش بجا گذاشتیم: (۱۰۸) سلامی بر ابراهیم (۱۰۹) و نیکوکاران را چنین پاداش میدهیم (۱۱۰) که او البته از بندگان مومن ما بود (۱۱۱)

ملاحظه میکنید؟ اگر آیات مورد بحث را ندید بگیریم در روند مطلب سسکته ای پدید نمی آید و نیز اگر به متن دقیق شویم، کاملا معلوم میشود که آن تکه که «پرانتری» اش نامیده ایم از جنس قبل و بعد خویش نیست.

اینکه که متوجه این موضوع شده ایم، اگر روی همان قطعه «پرانتری» تمرکز کنیم دلایل زیادی پیدا میکنیم که تاییدگر «عتاب»ی بودن قطعه مذکور است:

۱- اینکه آن حضرت به پسرش گفت «در خواب می بینم» (اری فی المنام) این معنی را میدهد که خود آن حضرت هم اعتقاد نداشت که خواب او وحی است زیرا

گفته «می بینم» و نگفته «دیده ام» و معلوم میشود چندین بار دیده بوده ولی باور نکرده بوده، و البته اینکه با آن پسر مشورت کرده و او گفته «پدر جان آنچه را مامورش هستی انجام ده»، دلیلی بر چیزی نمیشود زیرا او پسر بچه ای بوده و به پدرش به عنوان پیامبر بزرگ الهی کوچکترین شکی نداشته و تصورات او را عین حقیقت تلقی کرده و آنقدر تسلیم حق بوده که بدون کوچکترین تردیدی تسلیم کشته شدن در راه چیزی که آن را حقیقت محض می پنداشته شده است، و این داستان اگر برای پدرش یک خطا بود برای او یک افتخار است.

۲- قسمت اصلی عتاب در جمله «قد صدقت الرویا» است، که به این معنی است که ای ابراهیم! تو که به وحی دسترسی داشتی، چرا در باره خوابت که خودت هم راجع به آن شک داشتی، از ما استعلام نکردی؟ مگر همین خودت نبود که در باره چگونگی زنده کردن مردگان از ما خواستی که موضوع را به تو نشان دهیم و در پاسخ سئوال «مگر راجع به آن ایمان نداری؟» گفتی «چرا، ولی میخواهم دلم مطمئن شود» چطور در آنجا دنبال اطمینان قلبی بودی اما در اینجا که پای جان انسانها در میان است دنبال اطمینان نبودی و به خواب اطمینان کردی؟

۳- جمله «و نیکوکاران را چنین پاداش میدهیم» یعنی اینکه **با وجود این خطائی که از او سر زد**، سوابق درخشانش مانع شد که ما تنبیهش کنیم بلکه با جایگزینی قربانی خطایش را رفع و رجوع کردیم.

توجه دارید که جمله مذکور تکراری است و هم در اینجا آمده و هم در آیه ۱۱۰ و در اینجا به معنایی است که نیاز جمله «عتابی» را بر آورد و در آیه ۱۱۰ به همان معنایی است که راجع به حضرت های نوح و موسی و الیاس و لوط و یونس (علیهم السلام) و بالاخره راجع به خود آنحضرت نیز آمده، و لذا دو آیه ء كاملا مشابه ۱۰۵ و ۱۱۰ به یک معنی نیست.

ملاحظه فرمودید؟

دلیل وقوع چنین خطای بزرگی در تشخیص معنی که در طول قرن های طولانی از این کتاب به آن کتاب و از این مفسر به آن مفسر منتقل شد، چیزی نیست جز اینکه آن قسمت پرنانزی اصلی فرض شد، و این مورد تنها مورد نیست، و نظایر زیادی دارد، چنانکه خواهیم دید. البته میزان این خطا را ایجاد نکرد، بلکه فقط از پیشینیان پیروی کرد، اما، ایراد این است که در روش کار میزان چیزی نبود که این خطا را کشف کند.

نکاتی (بر حسب ترتیب نزول) جدید در این داستانهای پیامبران

الف) حضرت ابراهیم(ع)

- ۱- از آیه ۸۴ فهمیده می‌شود که حضرت ابراهیم رأساً و مستقیماً هدایت خویش را یافته و دلش به ایمان به خداوند و دوری از بتها محکم شده بود.
- ۲- پس از ایمان یافتن مستقیم خویش و محکم شدن درباره آن، با «پدر و بستگان و مردم» به مناقشه پرداخته و با آنها برخوردی استدلالی می‌نمود.
- ۳- از آیات ۸۸ تا ۹۰ فهمیده می‌شود که قوم او ستاره‌پرست بودند و برای ستارگان مراسمی برپا می‌کردند و او را نیز جزء خودشان حساب می‌کردند و در مراسم خویش شرکت می‌دادند.
- ۴- از آیات ۹۱ تا ۹۶ فهمیده می‌شود او در غیاب آنان به سراغ بت‌های آنها رفت و متعرض آنها شد و کاری با آنها کرد که از نظر آنها بی‌احترامی عظیم و مستوجب کشته شدن بود.
- ۵- از آیه ۹۷ فهمیده می‌شود آتشی که برای او ساخته بودند آتشی بسیار مهیب بوده که انداختن ابراهیم در آن، به آسانی ممکن نمی‌شد و لازم بوده برای این منظور «بنای بلندی» ساخته شود.
- ۶- از آیه‌های ۹۸ و ۹۹ معلوم می‌شود موفق نشدند و حضرت ابراهیم سالم ماند و از آنها و از آنجا کناره گرفت و بسوی زندگی خاص مستقل خویش پیش رفت.
- ۷- آیات ۱۰۰ تا ۱۰۳ راجع به فرزند حضرت ابراهیم است که با توجه به آیه ۱۱۲ معلوم می‌شود این فرزند، غیر از اسحاق است که سرسلسله پیامبران بنی‌اسرائیل است، و از کلمه «سعی» در آیه ۱۰۲ معلوم می‌شود این همان اسمعیل است که در مکه بود زیرا «سعی» جزء اعمال حج است و حج هم در مکه است و از همینجا معلوم می‌شود که تولد اسمعیل مقدم بر اسحاق بوده است.
- و همچنین از همین آیه ۱۰۲ معلوم می‌شود که قربانی کردن برای خداوند یک رسم جا افتاده و یک عرف بوده که از همین واقعه قربانی انسانی لغو گردید.
- ۸- در این سوره ضمناً یک نکته مهم در داستان آنحضرت است که مفسران سلف در باره آن دچار خطا شده و عتاب آنحضرت را تایید الهی تصور کرده اند که ما از

کتاب «صدها ایراد بر تفاسیر کلاسیک» (به همین قلم) فوقاً عیناً نقل کرده ایم.

ب) حضرت الیاس(ع)

با توجه به آیات ۱۲۳ تا ۱۲۷ چنانکه اطلاعات تاریخی بما می‌گوید «بعل» نام بت مورد پرستش تمدنی بود که در محل عراق فعلی مستقر و تا سرزمین مغرب (مراکش فعلی) نیز نفوذ یافته بود، و لذا الیاس باید پیغمبر این خطه باشد. آیا الیاس از نژاد بنی‌اسرائیل بود یا از اولاد اسماعیل؟ سوره متعرض این مطلب نشده و ندانستن آن هم به بحث اصلی ضرری نمی‌زند.

ج) حضرت لوط(ع)

با توجه به آیه‌های ۱۳۷ و ۱۳۸ قبلاً در چندین مورد با داستان حضرت لوط آشنا شده‌ایم آنچه در اینجا جدید است ذیلاً مورد دقت قرار گیرد:

۱- کلمه «شما» در آیه ۱۳۷ خطاب به چه کسانی است؟ بدیهی است منظور از آن، مخاطبان پیامبر اکرم(ص) است و از همین نکته معلوم می‌شود که محل هلاکت آنها در نزدیکی‌های مخاطبان اولیه آنحضرت بوده. (یعنی نزدیک مکه)

۲- «آیا تعقل نمی‌کنید» آیه ۳۸ نشان می‌دهد باید چیزی یا چیزهایی وجود داشته باشد که فکر را به کار بیاندازد و لذا معلوم می‌شود که آثاری از قوم لوط بر جا مانده و قابل شناسائی بوده و این آثار در سر راه مخاطبان آنحضرت بوده و آنها به آسانی می‌توانستند آن آثار را دیده و طبعاً می‌باید در خصوص آنها تفکر و تعقل کرده باشند. این نکته از لحاظ باستان‌شناسی دارای اهمیت انکارناپذیری است و متضمن یکی از معجزات علمی قرآنی نیز می‌باشد و جا دارد مسئولان راجع به این مورد حساب ویژه‌ای باز کنند و عده‌ای متخصص ژرف‌نگر را مسئول کشف آثار آن قوم نموده و به این ترتیب برگ زرین دیگری به کتاب پر صفحه معجزات قرآنی بیافزایند.

د) حضرت یونس(ع)

در رابطه با آیات ۱۳۹ تا ۱۴۸ داستان حضرت یونس که جدید است و در سوره‌های قبلی جز اشاره‌ای کوتاه در انتهای سوره قلم به آن ندیدیم و حاوی نکات عجیبی است:

۱- آن چه «ماهی» ای بود که «او را لقمه‌ای» کرد؟ و آنقدر هم بزرگ بود که او در

شکم آن، هنوز می توانست به نماز بایستد. زیرا بزرگترین نهنگ‌هایی هم که امروزه می‌شناسیم، چنین ظرفیتی ندارند.

۲- دیگر اینکه آن ماهی امکان جاودانگی تا آخر این جهان را داشته. یعنی مرگ نداشته و حتی خود حضرت یونس نیز که امکان زندانی بودن جاوید در آنجا را پیدا کرده بود، حیرت‌انگیز است.

۳- معلوم می‌شود تمدنی که حضرت یونس بر آن برانگیخته شده بود تمدن بزرگی بوده زیرا «صد هزار نفر و بلکه هم بیشتر» آنهم با مقیاس زندگی‌های ابتدائی آن زمانها، گستره وسیعی را شامل می‌گردد.

۴- از آیات ۱۴۰ تا ۱۴۲ معلوم می‌شود که او در نوعی «قرعه‌کشی برای به دریا انداختن» بازنده شده بود (که می‌توان آنرا نوعی تنبیه الهی برای «استعفا از مسئولیت پیامبری» دانست)

ترجمه تفسیری آزاد

نوح وقتیکه به دشواری برخورد صدایمان زد و ما هم به خوبی جوابش دادیم (۷۵) و او را و اهلیش را از آن گرفتاری بزرگ نجات دادیم (۷۶) و خاندانش را باقی گذاشتیم (۷۷) و در میان اقوام بعدی در میان مردم جهان برایش (۷۸) سلامی بر نوح بجا گذاشتیم (۷۹) نیکوکاران را چنین پاداش می‌دهیم (۸۰) زیرا که از بندگان مومن ما بود (۸۱) و بقیه را غرق کردیم (۸۲)

و از پیروان او ابراهیم بود (۸۳) هنگامی که با قلبی سلیم به سوی پروردگارش آمد (۸۴) آن وقت که به پدرش و قومش می‌گفت چه می‌پرستید؟ (۸۵) آیا بجای خداوند خدایانی دروغین را می‌خواهید؟ (۸۶) پس نسبت به پروردگار جهانیان چه گمانی دارید؟ (۸۷) آنگاه نگاهی به ستارگان انداخت (۸۸) و گفت مریضم (۸۹) پس همشهریانش او را بحال خویش گذاشته و رفتند (۹۰) وقتیکه ابراهیم تنها شد بسوی خدایان آنها رفت و گفت چه تان است چرا نمی‌خورید؟ (۹۱) چه تان است؟ چرا سخن نمی‌گویید؟ (۹۲) پس پنهانی با ضربتی محکم آنها را زد (۹۳) پس از مدتی همشهریانش سراسیمه بسوی او شتافتند و از او توضیح خواستند (۹۴) گفت آیا چیزی را که خودتان می‌تراشید می‌پرستید؟ (۹۵) در حالیکه خداوند شما و آنچه را عمل می‌کنید آفریده؟ (۹۶) گفتند بنای بلندی برایش بسازید و او را در آتش سوزان بیفکنید (۹۷) و نیرنگی برایش ترتیب دادند ولی ما آنها را فروتر قرار دادیم (۹۸) و او پس از اینکه نجاتش دادیم از آنها کناره گرفت و گفت من بسوی پروردگارم میروم

و او البته بزودی هدایت‌م خواهد کرد (۹۹) پروردگارا فرزندی از صالحان بمن عطا کن (۱۰۰) پس مژده پسری مقرر را به او دادیم (۱۰۱) و هنگامی که بالغ شد و در حج همراهش بود به او گفت: پسرکم! در خواب هایم می بینم که تو را ذبح می‌کنم. نظرت چیست؟ گفت: پدر جان! آنچه را که مأمور هستی انجام ده. انشاء الله مرا صابر خواهی یافت (۱۰۲) پس چون تسلیم شدند و پیشانی او را بر زمین گذاشت (۱۰۳) ندایش دادیم: ای ابراهیم! (۱۰۴) تو موضوع روایت را تصدیق کردی؟ و ما نیکوکاران را چنین پاداش می‌دهیم (۱۰۵) البته این یک آزمایش آشکار بود (۱۰۶) و با قربانی عظیمی جایگزینش دادیم (۱۰۷) و درمیان بازماندگان برایش (۱۰۸) سلامی بر ابراهیم بجا گذاشتیم (۱۰۹) و نیکوکاران را چنین پاداش می‌دهیم (۱۱۰) که او البته از بندگان مومن ما بود (۱۱۱) و او را به تولد اسحق نیز مژده دادیم که پیغمبری از شایستگان بود (۱۱۲) و به او و به اسحق برکت دادیم و از اولاد آنها کسانی مومن بودند و کسانی هم بطور آشکار به خویش ظلم می‌کردند (۱۱۳)

و البته به موسی و هارون نیز لطف کردیم (۱۱۴) و آنها و قومشان را از آن گرفتاری عظیم نجات دادیم (۱۱۵) و یاری شان کردیم و آنها غالب شدند (۱۱۶) و آن کتاب روشنگر را به آنها دادیم (۱۱۷) و آنها را بجاده مستقیم هدایت کردیم (۱۱۸) و در میان بازماندگان برای آنها (۱۱۹) سلامی بر موسی و هارون بجا گذاشتیم (۱۲۰) و نیکوکاران را چنین پاداش می‌دهیم (۱۲۱) آنها از بندگان مومن ما بودند (۱۲۲)

و الیاس هم از فرستادگان بود (۱۲۳) هنگامی که به قومش گفت پروا نمی‌کنید؟ (۱۲۴) که «بعل» را به دعا می‌خوانید و بهترین آفریدگار را او می‌گذارید؟ (۱۲۵) که خداوند است و پروردگار شما و نیاکانتان است؟ (۱۲۶) اما تکذیبش کردند و در جرگه بازداشت شدگان اُخروی گردیدند (۱۲۷) مگر بندگان خالص شده خداوند که از میان آنها نجات یافتند (۱۲۸) و برای او در میان مردم بعدی (۱۲۹) سلامی بر الیاسی‌ها قرار دادیم (۱۳۰) و نیکوکاران را چنین پاداش می‌دهیم (۱۳۱) که او البته از بندگان مومن ما بود (۱۳۲)

و لوط هم از فرستادگان بود (۱۳۳) هنگامی که او و اهلیش را جمعاً نجات دادیم (۱۳۴) مگر پیرزنی را که در عذاب شدگان ماند (۱۳۵) آنگاه بقیه را هلاک کردیم (۱۳۶) و شماها صبحگاهان بر آنها عبور می‌کنید (۱۳۷) و نیز شب‌ها. آیا تعقل نمی‌کنید؟ (۱۳۸)

و البته یونس هم از فرستادگان بود (۱۳۹) هنگامی که با قهر و غضب نسبت به امت

نافرمانش بسوی آن کشتی پر از جمعیت میگریخت (۱۴۰) و هنگامی که کشتی دچار تلاطم شد و نگران شدند و خواستند کشتی را سبک کنند و قرعه کشیدند و او از باختگان شد (۱۴۱) و آن ماهی غول آسا او را لقمه ای کرد و او سزاوار نکوهش بود (۱۴۲) پس اگر اینطور نبود که حتی در شکم آن ماهی هم جزء تسبیح گویان بود (۱۴۳) تا روز قیامت در شکم آن میماند (۱۴۴) اما او را به کرانه ای بایر انداختیم و مریض هم بود (۱۴۵) و بر او درختی از کدو رویاندیم (۱۴۶) و پس از بهبودیش او را بسوی صد هزار نفر بلکه بیشتر به رسالت فرستادیم (۱۴۷) و ایمان آوردند و ما هم تا مدتی بهره مندشان کردیم (۱۴۸)

صافات ۴ آیات ۱۴۹ تا ۱۸۲

فَاسْتَفْتِهِمَ الرِّبْتَكَ الْبَنَاتَ وَهُمْ الْبَنُونَ ﴿١٤٩﴾ أَمْ خَلَقْنَا الْمَلَائِكَةَ إِنَاثًا وَهُمْ شَاهِدُونَ ﴿١٥٠﴾
 أَلَا إِنَّهُمْ مِّنْ إِفْكِهِمْ لَيَقُولُونَ ﴿١٥١﴾ وَلَدَ اللَّهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿١٥٢﴾ أَصْطَفَى الْبَنَاتَ عَلَى
 الْبَنِينَ ﴿١٥٣﴾ مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ﴿١٥٤﴾ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿١٥٥﴾ أَمْ لَكُمْ سُلْطَانٌ مُّبِينٌ
 ﴿١٥٦﴾ فَأَتُوا بِكِتَابِكُمْ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿١٥٧﴾ وَجَعَلُوا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجَنَّةِ نَسَبًا وَلَقَدْ عَلِمَتِ
 الْجِنَّةُ إِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ ﴿١٥٨﴾ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ ﴿١٥٩﴾ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ
 ﴿١٦٠﴾ فَإِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ ﴿١٦١﴾ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ بِفَاتِنِينَ ﴿١٦٢﴾ إِلَّا مَنْ هُوَ صَالٍ الْجَحِيمِ
 ﴿١٦٣﴾ وَمَا مِنَّا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَّعْلُومٌ ﴿١٦٤﴾ وَإِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُونَ ﴿١٦٥﴾ وَإِنَّا لَنَحْنُ
 الْمُسْتَبْحُونَ ﴿١٦٦﴾ وَإِن كَانُوا لَيَقُولُونَ ﴿١٦٧﴾ لَوْ أَنَّ عِنْدَنَا ذِكْرًا مِّنَ الْأُولِينَ ﴿١٦٨﴾ لَكُنَّا
 عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ ﴿١٦٩﴾ فَكَفَرُوا بِهِ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿١٧٠﴾ وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا
 الْمُرْسَلِينَ ﴿١٧١﴾ إِنَّهُمْ هُمُ الْمُتَنصُرُونَ ﴿١٧٢﴾ وَإِن جُنَدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ ﴿١٧٣﴾ فَتَوَلَّ
 عَنْهُمْ حَتَّى حِينٍ ﴿١٧٤﴾ وَأَبْصَرْتَهُمْ فَسَوْفَ يَبْصُرُونَ ﴿١٧٥﴾ أَفَعِدَّابْنَا يَسْتَعْجِلُونَ ﴿١٧٦﴾
 فَإِذَا نَزَلَ بِسَاحَتِهِمْ فَسَاءَ صَبَاحُ الْمُنْدَرِينَ ﴿١٧٧﴾ وَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّى حِينٍ ﴿١٧٨﴾ وَأَبْصُرْ
 فَسَوْفَ يَبْصُرُونَ ﴿١٧٩﴾ سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ ﴿١٨٠﴾ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ
 ﴿١٨١﴾ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٨٢﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج می‌کنیم:
 طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه
 کرده ایم که مطابق ذیل است:

درس: ایمان سبب نجات در دو جهان است.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: ارزیابی ریشه های محتمل فکری کافران و رد آن و ذکر یک قانون الهی در مورد
 تایید پیامبران و نیروهای مومن و نیز توصیه هایی به پیامبر که در مقابل این کافران
 چنین کن و چنین بگو.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان

۱

فَاسْتَفْتِهِمُ الرِّبَا وَالْبَنَاتِ وَهُمْ الْبُنُونَ ﴿١٤٩﴾ أَمْ خَلَقْنَا الْمَلَائِكَةَ إِنَاثًا وَهُمْ شَاهِدُونَ ﴿١٥٠﴾
أَلَا إِنَّهُمْ مِنْ إَفْكِهِمْ لَيَقُولُونَ ﴿١٥١﴾ وَلَدَ اللَّهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿١٥٢﴾ أَصْطَفَى الْبَنَاتِ عَلَيَّ
الْبَيْنِ ﴿١٥٣﴾ مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ﴿١٥٤﴾ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿١٥٥﴾ أَمْ لَكُمْ سُلْطَانٌ مُبِينٌ
﴿١٥٦﴾ فَأْتُوا بِكِتَابِكُمْ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿١٥٧﴾

ریزدرب: ای کافران! چه دلیلی برای این اعتقاد به این باطلی دارید؟

۲

وَجَعَلُوا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجَنَّةِ نَسَبًا وَلَقَدْ عَلِمْتِ الْجِنَّةُ إِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ ﴿١٥٨﴾ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ
﴿١٥٩﴾ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ﴿١٦٠﴾

ریزدرب: بطلان اعتقادات کافران فقط محدود به فرزند قائل شدن برای خداوند نیست.

۳

فَإِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ ﴿١٦١﴾ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ بِفَاتِنِينَ ﴿١٦٢﴾ إِلَّا مَنْ هُوَ صَالِ الْجَحِيمِ ﴿١٦٣﴾
ریزدرب: ای کافران! نه شما و نه معبودان باطل تان فتنه ای برای خداوند محسوب نمیشوید.

۴

وَمَا مِنَّا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَّعْلُومٌ ﴿١٦٤﴾ وَإِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُونَ ﴿١٦٥﴾ وَإِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ
﴿١٦٦﴾

ریزدرب: ملائکه هر یک در جاتی دارند، اما خودشان عابدند نه معبود.

۵

وَإِنْ كَانُوا لَيَقُولُونَ ﴿١٦٧﴾ لَوْ أَنَّ عِنْدَنَا ذِكْرًا مِنَ الْأُولِينَ ﴿١٦٨﴾ لَكُنَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ
﴿١٦٩﴾ فَكْفَرُوا بِهِ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿١٧٠﴾

ریزدرب: ای پیامبر! کافران برای بقاء در کفر بهانه می آورند.

۶

وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ ﴿١٧١﴾ إِنَّهُمْ هُمُ الْمَنْصُورُونَ ﴿١٧٢﴾ وَإِنَّا جُنَدْنَا هُمْ
الْفَالِقُونَ ﴿١٧٣﴾ فَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ ﴿١٧٤﴾ وَأَنْصِرْهُمْ فَسَوْفَ يُنصِرُونَ ﴿١٧٥﴾
ریزدرب: ای پیامبر! به یاری ما و موفقیت خودت مطمئن باش، و مدتی از آنها
روی بگردان، که بزودی خواهی و خواهند دید.

۷

أَفِعْبَادِنَا يَسْتَعْجِلُونَ ﴿١٧٦﴾ فَإِذَا نَزَلَ بِسَاحَتِهِمْ فَسَاءَ صَبَاحُ الْمُنذِرِينَ ﴿١٧٧﴾
ریزدرب: ای پیامبر! کافران که به عنوان یک بهانه یکریز میگویند اگر راست
میگوئی آن عذاب را بر ما فرود آر، وقتی با آن مواجه شوند بد احوال خواهند
بود.

۸

وَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ ﴿١٧٨﴾ وَأَنْصِرْ فَسَوْفَ يُنصِرُونَ ﴿١٧٩﴾ سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا
يَصِفُونَ ﴿١٨٠﴾ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ ﴿١٨١﴾ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٨٢﴾
ریزدرب: ای پیامبر! فعلا به حال خویش رهاسان کن و به ما واگذارشان.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لُبّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف
که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه
استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ که ابتدای سوره است می فرماید که معبود شما یکی است و «سازمان» جهان براساس

توحید سازماندهی شده است و خداوند را به ذکر صفات شدت و علو آنحضرت معرفی می فرماید و ضمناً از کافران به ظرافت انتقاد میکند که گویا راجع به خویش زیاده بینی و راجع به آفرینش آسمانها و زمین کم بینی دارند.

در پاراگراف ۲ می فرماید: ای پیامبر! تعجب از این است که اینها به حقایق به آن مهمی اهمیت نمی دهند؟ مهم نیست، عده ای هم هستند که بسیار اهمیت میدهند و به نتایج عالیش هم دست می یابند.

در پاراگراف ۳ می فرماید: بندگان که توسط خداوند خالص شده اند (رجوع کنید به شرحی که در او خرسوره هود تحت عنوان «امروجدی-امرعدمی» عرض کردیم) هم در این جهان، وهم در آخرت، از زندگی مطلوبی برخوردار خواهند شد. و در این مقال دلداریی به آنحضرت و پیروانش نیز نهفته است.

در این پاراگراف می فرماید: ای پیامبر! به این کافران که عقایدشان باطل، و دلایلشان برای ایمان نیاوردن دروغ است فعلاً اهمیتی نده، تا زمان مناسب که برسد، و آنگاه، البته برخورد مناسب با آنها صورت خواهد گرفت و راجع به یاری ما مطمئن باش، ماهنوز وقت آن نرسیده، لذا لازم است مدتی کوتاه منتظرمانی. تا آن موقع، فعلاً روش این باشد که به آنها اهمیتی ندهی.

۴ - سوالات

- ۱ - حالت کلی این پاراگراف چگونه است؟ (دلداری به پیامبر - ص - و پیروانش؟ دلداری و ارشاد همزمان آنحضرت؟ یا.....؟)
- ۲ - منظور از «کلمه» (آیه های ۱۷۱) چیست؟
- ۳ - «حین» (آیه های ۱۷۴ و ۱۷۸) اشاره به بازهء زمانی کوتاه دارد یا بلند؟
- ۵ - چرا خداوند در اینجا از ضمیر «ما» (کلمتنا عبادنا جندهنا عذابنا....) استفاده فرموده؟
- ۶ - چرا خداوند از بین صفات ممکن، برای معرفی خویش از صفاتی مانند ربّ العزّه و ربّ العالمین استفاده فرموده؟

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

از آیه ۱۵۸ معلوم می شود که مشرکان، غیر از اینکه بین ملانکه و بین پیامبران و خداوند نسبت هائی (مثلاً پدر و فرزندی) برقرار کرده بودند بین جنیان و خداوند نیز چنین نسبت هائی قرار داده بودند.

آیات ۱۶۷ تا ۱۶۹ از زبان مشرکان معاصر این آیات است که می گویند اگر مانند

گذشتگان کتابی بر ما نازل شده بود البته ما هم صالح می‌شدیم (یعنی قرآن را لااقل در حد کتابهای گذشتگان هم نمی‌دانستند)

آیه ۱۷۰ نیز همین مطلب اخیر را با صراحت بیشتر ذکر می‌کند و راجع به نتیجه آن نیز که یا عذاب در آخرت و یا شکست در این جهان است، هشدار می‌دهد.

همچنین از آیه ۱۴۹ و ۱۵۰ و ۱۵۳ معلوم میشود که در باور های مخالفان معاصر نزول این آیات تناقضی آشکار است که از طرفی جنس مونث را پست می‌انگاشتند و از طرف دیگر برای آنها مقام های بسیار بالای الوهیتی قائل بودند.

از آیه های ۱۷۶ و ۱۷۷ فهمیده میشود جبهه مخالف آنحضرت به هشدار های آنحضرت کوچکترین اهمیتی نمیدادند و - چنانکه قبلا هم در سوره های پیشین دیدیم - میگفتند «اگه راست میگی این عذابی که حرفشو میزنی برامون بیار»

۶ - پیشگوئی های تحقق یافته

آیات ۱۷۱ تا ۱۸۲ صراحتا دارای این وعده هاست:

- ۱ - پیامبران یاری خواهند شد (آیه ۱۷۲)
 - ۲ - نیروهای الهی پیروز نهائی خواهند بود (آیه ۱۷۳)
 - ۳ - ای پیامبر! پس از مدتی کوتاه موفق خواهی شد (آیه ۱۷۸)
 - ۴ - موفقیت تو آنقدر نزدیک است که معاصرانت آن را خواهند دید (آیه ۱۷۹)
- و چنانکه میدانیم همه این پیشگوئی ها به تحقق پیوسته است.

۷ - در این پاراگراف، کدام فقرات، فوق ذهنیات معاصران نزول است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه ۱۶۳ «قیامتی» است، و هیچ بنی بشری تجربه اش را ندارد، و قبل از قیامت نخواهد داشت، لذا، چه در آن روزهای نزول وحی و چه الی یوم القیامه بالاتر از ذهنیات بشر خواهد بود.

در آیه ۱۵۰ به موجوداتی اشاره شده که معهود ما بشر قرن حاضر هم نیست، چه رسد به مشافهین ۱۴۰۰ سال قبل!

۸ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیات ۱۴۹ تا ۱۵۷، و آیه های ۱۵۹ تا ۱۶۳ و ۱۷۴ تا ۱۷۶ و ۱۷۸ و ۱۷۹، بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

عصاره مطلب :

آیه‌های ۱۴۹ و ۱۵۰ و ۱۵۳ و ۱۵۸ ردیه‌ای است بر اینکه کافران سعی می‌کرده‌اند برای خداوند «دور و بری» و «حاشیه» و «نزدیکانی» جعل کرده و خود را به آنها بچسبانند و ماده اصلی شرک نیز همین است که این «اطرافیان» و «حاشیه‌ها» و «نزدیکان» به صورت فرزند و اجته مطرح می‌شده است.

در آیات ۱۶۴ تا ۱۶۶ واقعیت به این صورت مطرح می‌شود که خداوند «اطرافیان و حاشیه و نزدیکان» ندارد بلکه ملائکه‌ای دارد که صفات عمده آنها در رابطه با خداوند بیان شده است.

در آیات ۱۶۷ تا ۱۷۰ قول کافران نقل می‌شود که اگر «پند»ی می‌داشتیم ایمان می‌آوردیم اما دروغ می‌گویند.

بنابراین، این پاراگراف، سه محور دارد:

- ۱- خداوند «اطرافیان و نزدیکان» (به آن معنی رایج مشرکانه) ندارد.
- ۲- خداوند «بندگان خالص شده» (ملائکه و پیامبران و ...) دارد.
- ۳- کافران که می‌گویند اگر چنین و چنان می‌شد ما بهترین بندگان می‌شدیم دروغ می‌گویند و به زودی هم متوجه حقایق خواهند شد.

خلاصه اینکه می‌فرماید کافران راجع به خداوند و چگونگی اداره جهان اشتباه، و برای ایمان نیاوردن هم بهانه‌گیری می‌کنند.

از آنجا که تعداد قابل توجهی توصیه ارشادی هم به پیامبر دارد (فتول عنهم، ابصرهم، تول عنهم، ابصر، که عبارت از دوبار «از آنان رویگردان» و دوبار «بنگر» باشد) به عصاره مطلب، علاوه بر آنکه در چند سطر فوق عرض کردیم، میباید آنچه را که ذیلاً هم می‌بینید اضافه کرد:

«ای پیامبر، حتماً موفق خواهی شد، لذا فعلاً چندان اهمیتی به آنان مده و منتظر باش»

چند دریافت مستقیم و کوتاه

از آیه ۱۶۰ فهمیده میشود که بندگان خالص شده خداوند چنین نسبت‌هایی برقرار نمی‌کنند و خداوند را به یکتایی می‌شناسند.

آیات ۱۶۱ تا ۱۶۳ در بیان این مطلب است که کسی که جهنمی باشد خودش عامل اصلی جهنمی شدن خویش است.
آیات ۱۶۴ تا ۱۶۶ از زبان ملائکه است که یعنی ما دختران خداوند نیستیم بلکه مخلوقاتی از جهان بیکران آفرینش او هستیم.

ترجمه تفسیری آزاد

ای پیامبر! از آنان بپرس آیا دختران را که خودتان جنس پست می‌شمارید برای خدا می‌پسندید و پسران را برای خودتان می‌خواهید؟ (۱۴۹) آیا ما ملائکه را ماده آفریده ایم و آنها شاهد این موضوع هستند؟ (۱۵۰) بدانید آنها از دروغگوئی شان است که می‌گویند (۱۵۱) خداوند فرزندی زاده و آنها که چنین می‌گویند حتما از دروغگویانند (۱۵۲) آیا خداوند دختران را بر پسران ترجیح داده که ملائکه را دختران خویش قرار داده و به فرزندی گرفته؟ (۱۵۳) چه تان شده چگونه حکم می‌کنید؟ (۱۵۴) آیا اندیشه نمی‌کنید؟ (۱۵۵) آیا دلیل روشنی دارید؟ (۱۵۶) پس کتابتان را بیاورید اگر راست می‌گوئید (۱۵۷)

و آنها علاوه بر این، بین خداوند و بین جنیان نیز نسبتی قرار دادند در حالیکه خود آن جنیان دانسته اند که جزء بازداشت شدگانند (۱۵۸)

منزه است خداوند از آنچه وصفش می‌کنند (۱۵۹) البته بندگان خالص شده خداوند چنین باطل‌هایی نمی‌گویند (۱۶۰)

ای پیامبر! به آنان بگو البته شما و آنچه می‌پرسید (۱۶۱) نمی‌توانید فتنه ای علیه خداوند بپا کنید (۱۶۲) جز اینکه به درون آتش سوزان خواهید افتاد (۱۶۳) و خود فرشتگان هم از اینگونه سخنان در باره خویش براءت می‌جویند و می‌گویند از ما نیست مگر کسی که جایگاهی معلوم دارد (۱۶۴) و البته ما همواره در صف خدمت و اطاعت خدائیم (۱۶۵) و تسبیحش می‌گوئیم (۱۶۶)

و البته این کافران علاوه بر آن سخنان باطل دیگری نیز می‌گفتند: (۱۶۷) مثلاً اینکه اگر نزد ما پندی از گذشتگان بود (۱۶۸) البته ما هم جزء بندگان خالص شده

خداوند میبودیم (۱۶۹) و این سخن به این معنی است که به این قرآن کفر ورزیدند و بزودی عاقبت خویش را خواهند دانست (۱۷۰)

و البته قبلاً کلمه ما راجع به بندگان فرستاده مان صادر شده بود (۱۷۱) که آنها حتماً یاری خواهند شد (۱۷۲) و اینکه لشکر ما حتماً غالب خواهد گردید (۱۷۳)

ای پیامبر! پس تا مدتی از آنان روی برگردان (۱۷۴) و در کار آنها بنگر و خودشان هم بزودی خواهند دید که چه عاقبتی خواهند داشت (۱۷۵) آیا عذاب ما را به عجله میخواهند؟ (۱۷۶) پس وقتیکه عذاب ما به محدوده آنها رسید، حالت آنها که قبلاً هشدار یافته بودند بد خواهد گردید (۱۷۷) پس، تا مدتی از آنان روی برگردان (۱۷۸) و در کارشان نظاره کن و بزودی آنها هم خواهند فهمید که: (۱۷۹) منزّه است پروردگارت، همان پروردگار پیروزمند، از آنچه وصف میکنند (۱۸۰)

و سلام بر فرستادگان (۱۸۱) و ستایش مخصوص پروردگار جهانیان است (۱۸۲)

سوره ص

﴿ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴾

ص وَالْقُرْآنِ ذِي الذِّكْرِ ﴿١﴾ بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي عَذَابٍ وَشِقَاقٍ ﴿٢﴾ كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ فَنَادَوا وَلَا تَحِنِّ مَنَاصٍ ﴿٣﴾ وَعَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنذِرٌ مِنْهُمْ وَقَالَ الْكَاْفِرُونَ هَذَا سَاحِرٌ كَذَّابٌ ﴿٤﴾ أَجْعَلُ الْآلِهَةَ إِلَهًا وَاحِدًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عُجَابٌ ﴿٥﴾ وَانطَلَقَ الْمَلَأُ مِنْهُمْ أَنْ امشُوا وَاصْبِرُوا عَلَى آلِهَتِكُمْ إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ يُرَادُ ﴿٦﴾ مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي الْمِلَّةِ الْآخِرَةِ إِنْ هَذَا إِلَّا خِثْلَقٌ ﴿٧﴾ أَنْزَلَ عَلَيْهِ الذِّكْرَ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِنْ ذِكْرِي بَلْ لَمَّا يَدُوقُوا عَذَابَ ﴿٨﴾ أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَحْمَةِ رَبِّكَ الْعَزِيزِ الْوَهَّابِ ﴿٩﴾ أَمْ هُمْ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَلْيَرْتَقُوا فِي الْأَسْنَابِ ﴿١٠﴾ جُنْدًا مَا هُنَالِكَ مَهْزُومٌ مِنَ الْأَحْزَابِ ﴿١١﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یعنی «درس» سوره)، برای کل ۱۱۴ سوره قرآن، در کتاب «خودآموز تفسیر قرآن» (از همین قلم) وجود دارد، و خود کتاب مذکور را میتوانید در سایت (<https://tafsir.ganjei.com>) بیابید، و البته مبانی این موضوع نیز در ۱۶۰ صفحه اول کتاب «علوم قرآنی» (موجود در همان سایت) شرح داده شده است. و در مورد این سوره، عصاره محتوا، همان است که ذیلا دیده میشود.

درس: آیات و نعمت های مهمی که به پیامبران داده شده، در اثر توجه و دقت در اطاعت خداوند و تواضع و توجه دائمی به سوی او بوده است.

درب: ای پیامبر! کافران غرق خودپسندی و خود محوری هستند و ایرادها شان نیز ناشی از همین است.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان :

۱

ص وَالْقُرْآنِ ذِي الذِّكْرِ ﴿١﴾ بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي عَذَابٍ وَشِقَاقٍ ﴿٢﴾

ریزدرب: ای پیامبر! این کافران خود پسند، و مایل به تافته جداافتگی خویش اند.

۲

كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِمَّن قَرَّبْنَا دَاوَأَ وَلَاتَ حِينَ مَنَاصٍ ﴿٣﴾ وَعَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنذِرٌ مِنْهُمْ وَقَالَ الْكَافِرُونَ هَذَا سَاحِرٌ كَذَّابٌ ﴿٤﴾ أَجْعَلُ الْآلِهَةَ إِمَّا وَاحِدًا إِنْ هَذَا لَشَيْءٌ عُجَابٌ ﴿٥﴾ وَانطَلِقِ الْمَالَ مِنْهُمْ أَنْ امشُوا وَاصْبِرُوا عَلَى آهْتِكُمْ إِنْ هَذَا لَشَيْءٌ يُرَادُ ﴿٦﴾ مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي الْمِلَّةِ الْآخِرَةِ إِنْ هَذَا إِلَّا اخْتِلَاقٌ ﴿٧﴾ أَنْزَلَ عَلَيْهِ الذِّكْرَ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِمَّنْ ذَكَرِيَ بِالنَّارِ لَمَّا يُدْخَلُونَ عَذَابٍ ﴿٨﴾

ریزدرب: ای پیامبر! این کافران چنین می اندیشند و چنین رفتار میکنند.

۳

أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَحْمَةِ رَبِّكَ الْعَزِيزِ الْوَهَّابِ ﴿٩﴾ أَمْ لَهُمْ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَلْيَرْتَقُوا فِي الْأَسْبَابِ ﴿١٠﴾ جُنْدًا مَا هُنَالِكَ مَهْزُومٌ مِنَ الْأَحْزَابِ ﴿١١﴾

ریزدرب: ای پیامبر! این کافران راجع به خویش چه توهماتی دارند!

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف یر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

نَبِّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳ - سوالات :

- ۱ - تنوین موجود در انتهای دو کلمه عِزَّة و شِقَاق (آیه ۲) از باب تعظیم است یا تصغیر؟
- ۲ - از لحاظ دستور زبان، «بَلْ» (آیه ۲) چه نقشی دارد؟
- ۳ - منظور از «فی عِزَّة» (آیه ۲) چیست؟ (در توهم عِزَّة؟ یا . . .؟)
- ۴ - «لَاتَ حِينَ مَنَاصٍ» (آیه ۳) چه نوع از سخن است؟ (کنایه؟ یا...؟)
- ۵ - «انطَلِقِ» (آیه ۶) چطور؟
- ۶ - منظور از الْمِلَّةِ الْآخِرَةِ (آیه ۷) چیست؟

۷ - چرا خداوند در اینجا خود را «عزیز» (=دست نیافتنی) و «وهاب» (بخشنده) معرفی فرمود؟

۴ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

از آیه ۲ فهمیده میشود سران کافران معاصر نزول، خود را در موقعیت برتر حساب میکردند.

از آیات ۴ تا ۸ فهمیده میشود سران کفار هنوز همان قول سابق خویش را حفظ کرده و آنحضرت را ساحر و کذاب و گوینده سخن من در آری میخواندند و اینکه وحی به شخصی از میان خودشان نازل شود را مایه تعجب میدیدند و موضعشان بی اعتنائی و ادامه دادن روش مالوف بود.

از آیه های ۹ و ۱۰ فهمیده میشود که استدلال وحی برای باطل کردن آن گفتمان این است که آسمان و زمین مال ما است و ما بهتر میدانیم لطف خود را کجا خرج کنیم، و بهتر است آنها مواظب خویش باشند که به عاقبت مشابهان سلف خویش گرفتار نشوند.

۵ - زاویه با تفاسیر رایج

(المیزان) : در این سوره گفتار پیرامون رسول خدا (ص) دور می‌زند و اینکه آن جناب با ذکر از ناحیه خدا که بر او نازل شده مردم را انداز می‌کند.

آنچه فوقاً می‌بینید «غرض» سوره است به نقل از المیزان (که کارکرد «عصاره محتوای سوره» را دارد) نقل کرده ایم.

ما عصاره محتوای سوره ها را از راه محاسبه استخراج کرده ایم که این است:

درس: آیات و نعمت های مهمی که به پیامبران داده شده، در اثر توجه و دقت در اطاعت خداوند و تواضع و توجه دائمی به سوی او بوده است.

۶ - پیشگویی های تحقق یافته

۱ - در این پاراگراف کتابی که دارد بر آنحضرت نازل میشود «قرآن» نامیده شده، و اگر به ترتیب نزول به قرآن نگاه کنیم و حجم از ابتدا تاکنون را نسبت به کل محاسبه کنیم، به حجمی کمتر از ۴۰٪ از کل میرسیم.

اینکه رسالت آنحضرت دوام خواهد یافت و آنحضرت موفق خواهد شد ۶۰٪ بقیه را نیز دریافت کند، یک پیشگویی تحقق یافته است.

۲ - در این پاراگراف و بخصوص آیه ۱۱ چنان با تحقیر به جبهه مخالف آنحضرت

اشاره میفرماید و چنان پیشگوئی هزیمت آنان را میکند که آن را میتوان پیشگوئی روشن ارزیابی نمود، و چنانکه همگان میدانند این نیز تحقق یافته است.

۷ - در این پاراگراف، کدام فقرات، فوق ذهنیات معاصران نزول است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

شروع سوره با «ص» است که از حروف مقطعه است، که این عنصر قرآنی هنوز معنی مقنعی نیافته، یعنی معهود بشر امروز نیز نیست، چه رسد به مخاطبان ۱۴۰۰ سال پیش!

آیه های ۳ و ۱۱ از این لحاظ که مربوط به اقوامی است که در قبل از تاریخ بوده اند، و علم باستان شناسی آنقدر رشد نکرده که ما از اوضاع و احوال آنها مطلع باشیم، برای ما نیز روشن نیست، چه رسد به مخاطبان اولیه این آیات.

۸ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیه ۴ و ۸، بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

قرآن پند دار

در این سوره، قرآن را که ما معمولاً به نام های قبلی اش که کریم و مجید و عزیز و امثال آن باشد یاد میکنیم، با نامی یاد فرموده که معمولاً کسی به آن نام یادش نمیکند و اصطلاحاً آن نامش جانیقافته است، که «ذی الذکر» باشد یعنی قرآن پند دار.

ترجمه تفسیری آزاد

بسم الله الرحمن الرحيم

ص.

قسم به قرآن پنددار (۱)

لیکن کافران در غرور و مخالفتی بزرگ هستند (۲) چه اقوامی را قبل از آنان هلاک کردیم که هنگام دیدن نتیجه رفتارشان به فریاد درآمدند که دیگر فایده ای نداشت

(۳) آیا اینان تعجب کرده اند که همدار دهنده ای از میان خودشان بسویشان آمده که گفته اند این جادوگری بسیار دروغگوست (۴) که همه خدایان را یکی کرده؟ و گفته اش چیز بسیار عجیبی است (۵)

ای پیامبر! نگران مباش، سران و بزرگانشان این راه را انتخاب کردند که به زیر دستان خویش گفته اند به این پیامبر گوش نکنید و به مشی خویش ادامه دهید و بر خدایان خویش پایداری کنید که این چیزی است که از شما میخواهیم (۶) همچنین به آنها گفته اند این چیزهایی که این پیامبر میگوید را از هیچ قوم دیگری نشنیده ایم و اینها چیزی جز دروغ ساخته و پرداخته نیست (۷) آیا از میان ما، این وحی فقط براونازل شده؟

ای پیامبر! نگران مشو، آنها با این نوع سخنان نسبت به تذکرات خداوند در شکی هستند، زیرا هنوز عذاب را نچشیده اند (۸) آیا انبارهای رحمت پروردگار عزتمند بخشنده ات نزد آنان است که چنین میگویند؟ (۹) یا اینکه فرمانروایی آسمانها و زمین و بین آندو از آن آنان است، پس اگر چنین باشد، این تکذیب کنندگانت باید بتوانند با اسباب و وسایلی به آسمانها بالا روند (۱۰) اینان لشکری شکست خورده هستند و از نوع همان احزاب هلاک شده پیشین میباشند (۱۱)

ص ٢ آيات ١٢ تا ٤٨

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ ذُو الْأَوْتَادِ ﴿١٢﴾ وَثَمُودُ وَقَوْمُ لُوطٍ وَأَصْحَابُ الْأَيْكَةِ
أُولَئِكَ الْأَخْرَابُ ﴿١٣﴾ إِنَّ كُلَّ إِلَّا كَذَّبَ الرَّسُلَ فَحَقَّ عِقَابُ ﴿١٤﴾ وَمَا يَنْظُرُ هَؤُلَاءِ إِلَّا
صَيْحَةً وَاحِدَةً مِمَّا لَهَا مِنْ فَوَاقٍ ﴿١٥﴾ وَقَالُوا رَبَّنَا عَجَلْنَا لَنَا قَبْلَ يَوْمِ الْحِسَابِ ﴿١٦﴾
اصْبِرْ عَلَيَّ مَا يَقُولُونَ وَاذْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُودَ ذَا الْأَيْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ ﴿١٧﴾ إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ
يُسَبِّحُنَّ بِالْعَمَسِيِّ وَالْإِشْرَاقِ ﴿١٨﴾ وَالطَّيْرَ مَحْشُورَةً كُلٌّ لَهُ أَوَّابٌ ﴿١٩﴾ وَشَدَدْنَا مُلْكَهُ وَآتَيْنَاهُ
الْحِكْمَةَ وَفَصَّلَ الْخِطَابِ ﴿٢٠﴾ وَهَلْ أَتَاكَ نَبَأُ الْخَضْمِ إِذْ تَسَوَّرُوا الْمِحْرَابَ ﴿٢١﴾ إِذْ دَخَلُوا
عَلَى دَاوُودَ فَفَرِعَ مِنْهُمْ قَالُوا لَا تَخَفْ خَصِمَانِ يَئِي بَعْضُنَا عَلَى بَعْضٍ فَاحْكُم بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَلَا
تُشْطِطْ وَاهْدِنَا إِلَى سَوَاءِ الصِّرَاطِ ﴿٢٢﴾ إِنَّ هَذَا أَخِي لَهُ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ نَعَجَةً وَقِي نَعَجَةٌ وَاحِدَةٌ
فَقَالَ أَكْفُلْنِيهَا وَعَزَّنِي فِي الْخِطَابِ ﴿٢٣﴾ قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعَجِكَ إِلَى نَعَاجِهِ وَإِنَّ كَثِيرًا
مِنَ الْخُلَطَاءِ لِيَبْغِي بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَقَلِيلٌ مِمَّا هُمْ وَظَنَّ
دَاوُودُ أَنَّمَا فَتَنَّاهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَحَرَّ رَأْيَهُ وَأَنَابَ ﴿٢٤﴾ فَغَفَرْنَا لَهُ ذَلِكَ وَإِنَّ لَهُ عِنْدَنَا لَزُلْفَى
وَحُسْنَ مَآبٍ ﴿٢٥﴾ يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ
الْهَوَى فَيُضِلَّكَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ هُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ
الْحِسَابِ ﴿٢٦﴾ وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ذَلِكَ ظَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا قَوْلًا
لِّلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ ﴿٢٧﴾ أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ
أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ ﴿٢٨﴾ كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ
﴿٢٩﴾ وَوَهَبْنَا لِدَاوُودَ سُلَيْمَانَ نِعَمَ الْعَبْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ ﴿٣٠﴾ إِذْ عَرَضَ عَلَيْهِ بِالْعَمَسِيِّ الصَّافِنَاتُ
الْجِيَادُ ﴿٣١﴾ فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَن ذِكْرِ رَبِّي حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ ﴿٣٢﴾ رَدُّوهَا
عَلَيَّ فَطَفِقَ مَسْحًا بِالسُّوقِ وَالْأَعْنَاقِ ﴿٣٣﴾ وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ وَأَلْقَيْنَا عَلَى كُرْسِيِّهِ جَسَدًا ثُمَّ
أَنَابَ ﴿٣٤﴾ قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَا يَبْغِي لِأَحَدٍ مِّنْ بَعْدِي إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ
﴿٣٥﴾ فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُحَاءً حَيْثُ أَصَابَ ﴿٣٦﴾ وَالشَّيَاطِينَ كُلَّ بِنَاءٍ وَعَوَاصٍ
﴿٣٧﴾ وَآخِرِينَ مَقْرَبِينَ فِي الْأَصْفَادِ ﴿٣٨﴾ هَذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ
﴿٣٩﴾ وَإِنَّ لَهُ عِنْدَنَا لَزُلْفَى وَحُسْنَ مَآبٍ ﴿٤٠﴾ وَاذْكُرْ عَبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِي
الشَّيْطَانُ بِئْسَبٍ وَعَدَابٍ ﴿٤١﴾ ارْكُضْ بِرِجْلِكَ هَذَا مُغْتَسَلٌ بَارِدٌ وَشَرَابٌ ﴿٤٢﴾ وَوَهَبْنَا لَهُ
أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنَّا وَذَكَرَى لِأُولِي الْأَلْبَابِ ﴿٤٣﴾ وَخَذَ بِيَدِكَ ضِعْفًا فَأَضْرِبَ بِهِ وَلَا
تَحْتِثُ إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِعَمَ الْعَبْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ ﴿٤٤﴾ وَاذْكُرْ عَبْدَانَا إِبرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ
أُولِي الْأَيْدِي وَالْأَبْصَارِ ﴿٤٥﴾ إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ ذَكَرَى الدَّارِ ﴿٤٦﴾ وَإِنَّهُمْ عِنْدَنَا لَمِنَ

الْمُصْطَفَيْنِ الْأَخْيَارِ ﴿٤٧﴾ وَادْكُرْ إسمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَذَا الْكِفْلِ وَكُلٌّ مِنَ الْأَخْيَارِ ﴿٤٨﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:

درس: آیات و نعمت های مهمی که به پیامبران داده شده، در اثر توجه و دقت در اطاعت خداوند و تواضع و توجه دائمی به سوی او بوده است.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: ذکر آیات و نعمت هایی که به حضرت داود و سلیمان و ایوب و چند پیامبر دیگر (ع) و نیز قرآن که به پیامبر اسلام (ص) داده شده و در عین حال ذکر توجه و دقتی که آنها در عبادت و توبه به سوی خدا داشته اند.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان :

۱

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ ذُو الْأَوْتَادِ ﴿١٢﴾ وَمَمُودٌ وَقَوْمُ لُوطٍ وَأَصْحَابُ الْأَيْكَةِ
أُولَئِكَ الْأَخْرَابُ ﴿١٣﴾ إِنَّ كُلًّا إِلَّا كَذَّبَ الرَّسُلَ فَحَقَّ عِقَابِ ﴿١٤﴾ وَمَا يَنْظُرُ هَؤُلَاءِ إِلَّا
صَيْحَةً وَاحِدَةً مِّمَّا هُنَّ مِنْ فُوقٍ ﴿١٥﴾ وَقَالُوا رَبَّنَا عَجَلْ لَنَا قِطْعًا قَبْلَ يَوْمِ الْحِسَابِ ﴿١٦﴾

ریزدرب: بی توجهی به آیات و نعمت های الهی و سرکشی به اینجا میرساند.

۲

اصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَادْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُودَ ذَا الْأَيْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ ﴿١٧﴾ إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ
يُسَبِّحُنَّ بِالْعَمَسِيِّ وَالْإِشْرَاقِ ﴿١٨﴾ وَالطَّيْرَ مَحْشُورَةً كُلٌّ لَهُ أَوَّابٌ ﴿١٩﴾ وَشَدَدْنَا مُلْكَهُ وَآتَيْنَاهُ
الْحِكْمَةَ وَفَصَّلَ الْخِطَابِ ﴿٢٠﴾

ریزدرب: ای پیامبر! صبر کن و امیدوار باش، دور نیست که تو را نیز موفق کنیم.

۳

وَهَلْ آتَاكَ نَبَأُ الْخَصْمِ إِذْ تَسَوَّرُوا الْمِحْرَابَ ﴿٢١﴾ إِذْ دَخَلُوا عَلَى دَاوُدَ فَفَرَعَ مِنْهُمْ قَالُوا لَا تَخَفْ خَصْمَانِ بَغَى بَعْضُنَا عَلَى بَعْضٍ فَاحْكُم بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَلَا تُشْطِطْ وَاهْدِنَا إِلَى سَوَاءِ الصِّرَاطِ ﴿٢٢﴾ إِنَّ هَذَا أَجْرِي لَهُ نَسْعٌ وَتَسْعُونَ نَعِجَةً وَلِيَ نَعِجَةٌ وَاحِدَةٌ فَقَالَ أَكْفِلْنِيهَا وَعَزَّنِي فِي الْخِطَابِ ﴿٢٣﴾ قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعِجَتِكَ إِلَى نِعَاجِهِ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْخُلَطَاءِ لِيَبْغِيَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَقَلِيلٌ مَّا هُمْ وَظَنَّ دَاوُدُ أَنَّمَا فَتَنَّاهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَخَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ ﴿٢٤﴾ فَغَفَرْنَا لَهُ ذَلِكَ وَإِنَّ لَهُ عِندَنَا لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ مَّآبٍ ﴿٢٥﴾

ریزدرب : پیامبران هم، علیرغم درجه بالایشان، ظرائف دقیقی را می باید رعایت میکردند.

۴

يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ ﴿٢٦﴾

ریزدرب : داود (ع) به مقام خلیفه الهی نیز مفتخرشد.

۵

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ذَلِكَ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ ﴿٢٧﴾ أَمْ يُجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ يُجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ ﴿٢٨﴾

ریزدرب : این جهان به حکمت آفریده و اداره میگردد، و رشد یافتن دائمی مومنان از هدف های حکمت مذکور است.

۶

كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِّيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿٢٩﴾

ریزدرب : این کتاب حاوی مطالبی است که مومنان را به درجات پیامبران نزدیک میکند.

۷

وَوَهَبْنَا لِدَاوُدَ سُلَيْمَانَ نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ ﴿٣٠﴾ إِذْ عَرَضَ عَلَيْهِ بِالْعَشِيِّ الصَّافِيَاتِ الْجِبَادِ ﴿٣١﴾ فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَنْ ذِكْرِ رَبِّي حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ ﴿٣٢﴾ رُدُّوهَا عَلَيَّ فَطَفِقَ مَسْحًا بِالسُّوقِ وَالْأَعْنَاقِ ﴿٣٣﴾ وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ وَأَلْقَيْنَا عَلَى كُرْسِيِّهِ جَسَدًا ثُمَّ أَنَابَ ﴿٣٤﴾ قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِّنْ بَعْدِي إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ ﴿٣٥﴾ فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رِجَاءً حَيْثُ أَصَابَ ﴿٣٦﴾ وَالشَّيَاطِينَ كُلَّ بِنَاءٍ وَعَوَاصٍ ﴿٣٧﴾ وَآخَرِينَ مُقَرَّبِينَ فِي الْأَصْفَادِ ﴿٣٨﴾ هَذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٣٩﴾ وَإِنَّ لَهُ عِنْدَنَا لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ مَّآبٍ ﴿٤٠﴾

ریزدوب : پیامبران هم، علیرغم درجه بالایشان، ظرائف دقیقی را می باید رعایت میکردند.

۸

وَادْكُرْ عِبَادَنَا يُؤُوبَ إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ ﴿٤١﴾ ارْكُضْ بِرِجْلِكَ هَذَا مُغْتَسَلٌ بَارِدٌ وَشَرَابٌ ﴿٤٢﴾ وَوَهَبْنَا لَهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُم مَّعَهُمْ رَحْمَةً مِنَّا وَذِكْرَىٰ لِأُولِي الْأَلْبَابِ ﴿٤٣﴾ وَخُذْ بِيَدِكَ ضِغْثًا فَاصْرُبْ بِهِ وَلَا تُحَنِّتْ إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ ﴿٤٤﴾

ریزدوب : پیامبران هم، علیرغم درجه بالایشان، ظرائف دقیقی را می باید رعایت میکردند.

۹

وَادْكُرْ عِبَادَنَا إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ أُولِي الْأَيْدِي وَالْأَبْصَارِ ﴿٤٥﴾ إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ ذِكْرَى الدَّارِ ﴿٤٦﴾ وَإِنَّهُمْ عِنْدَنَا لَمِنَ الْمُصْطَفَيْنِ الْأَخْيَارِ ﴿٤٧﴾ وَاذْكُرْ إِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَذَا الْكِفْلِ وَكُلٌّ مِّنَ الْأَخْيَارِ ﴿٤٨﴾

ریزدوب : پیامبران هم، علیرغم درجه بالایشان، ظرائف دقیقی را می باید رعایت میکردند.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

بُ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ که ابتدای سوره است می فرماید: کافران پندناپذیر و خودبزرگبین و در نتیجه مخالف حق اند و ای پیامبر! به این کافران امیدی میند (فعلاً اصلاح ناپذیرند) و کافران نسبت به عظمت دستگاه الهی و رحمت و وسعه خداوند و خطر امکان هلاکت دستجمعی بی توجهند. در این پاراگراف به رسول اکرم(ص) تلویحاً میفرماید که اینها آنقدر در راه کفر و تکذیب افراط کرده اند که بعید نیست مانند اقوام سابق به عذاب هلاکت دستجمعی هم دچار شوند (اما اینکه به آن نوع عذاب معذبشان نمیکنیم حکمتی دارد که بعداً معلوم میشود) و ضمناً به داود و سلیمان و ایوب و چند پیامبر دیگر (ع) آیات و نعمت‌هایی داده شده و آنها نیز متوجه موقعیت خویش نسبت به خداوند بوده اند. و همچنین بطور تلویحی دارد وعده پیروزی اردوگاه پیامبر اکرم(ص) و پیروانش را میدهد اما مسلمانان را نسبت به تخلفات احتمالی-پس از پیروزی- برحذر میدارد و به آنحضرت یادآوری میفرماید که ای پیامبر! به تو نیز قرآن را داده ایم.

۴- سوالات

- ۲- لحن آیه ۱۶ چه نوع از کلام است؟ (دهن کجی؟ یا ..)
- ۳- «هم» در کلمه «قبلهم» (آیه ۱۲) اشاره به چه کسانی دارد؟
- ۴- در همان آیه «ذوالاوتاد» کنایه از چیست؟
- ۵- منظور از «اصحاب الایکه» (آیه ۱۳) چیست؟
- ۶- با توجه به آیه ۲۶، حدّ و حدود خلیفگی حضرت داود (ع) چه بود؟
- ۷- آیات ۱۷ تا ۲۱ چه تاثیری در روحیه مسلمانان آن روزها میتوانست داشته باشد؟
- ۸- المیزان در تفسیر آیات این پاراگراف یک فقره سخن بشدت غیر مقبول دارد، مربوط به کدام نقطه از پاراگراف است و تفصیلش چیست و جوابش چه؟
- ۹- بحث معروف «عصمت انبیاء» در علم کلام، چه حد و حدودی دارد و خطای

اصلی آن بحث در چیست؟

- ۱۰ - کل داستان موضوع آیات ۲۱ تا ۲۴، آنطور که المیزان گفته که تمثیل است، اگر اینطور بوده باشد، تکلیف عبارت «هل اتاک» در آیه ۲۱ چه میشود؟ به عبارت دیگر موضوع هل اتیک یک موضوع واقعی است یا خیالی؟
- ۱۱ - کلمه شیطان در داستان ایوب (ع) به معنی لغوی بکار رفته یا اصطلاحی؟
- ۱۲ - همین سوال را راجع به عناصر آیه ۴۲ جواب دهید.
- ۱۳ - اساساً در کل داستانهای مربوط به حضرت ایوب در کل قرآن هیچ قرینه و اماره و اشاره ای وجود دارد که نشان دهد همسر او یکی از عناصر داستان های او هست؟
- ۱۴ - در آیه ۴۳ کلمه «هل» به چه معنا بکار رفته؟ (افراد خانواده؟ پیروان؟ یا .؟)
- ۱۵ - چگونه شد که پس از نوشیدن آب خنک آن چشمه و غسل در آن ناگهان اهل او دو برابر شدند؟
- ۱۶ - منظور از عبارت «اولی الایدی و الابصار» (آیه ۴۵) چیست؟
- ۱۷ - از آیه ۴۴ چه میفهمید؟
- ۱۸ - داستان ایوب ع چه شباهتی به داستان پیامبر ما ص دارد؟

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

از آیه ۱۶ فهمیده میشود هنوز ماده اصلی محاجّه آنان این بود که میگفتند «اگه راست میگی اون عذابی که حرفشو میزنی بر ما فرود بیار»

از آیه های ۲۷ و ۲۸ معلوم میشود که تصور کافران این بود که جهان به باطل آفریده شده و عاقبت پس از مرگ برای مومن خوش عمل و شخص بدکار یکی است.

از آیه ۲۹ فهمیده میشود قرآن بسیار پرمفعت است و می باید در آیاتش دقت شود و خردمندان از مطالبش پند گیرند.

کل آیات ۳۰ تا ۴۰ در جهت دلداری و ترفیع روحیات آنحضرت و پیروانش است که تلویحاً میگوید سلیمان که یک پیامبر فرعی از یکی از ادیان سابق است به لطف ما به چنین جایگاهی رسید، شما هم مقداری صبر کنید وضع شما هم روبراه میشود.

در این پاراگراف قابل حدس است که پیامبر (ص) در جریان پیگیری رسالتش به مشکلاتی دچار شده و خود را از حل آنها ناتوان می بیند و چشمش به آسمان است، و خداوند به او میفرماید چاره ای جز صبر ندارد زیرا حل مشکلات او (مانند داود و سلیمان) از مسیر قدرت و ثروت نمیگذرد و می باید ایوب وار از طریق صبر و جمعیت

نیرو مشکلاتش را از میان بردارد.

۶- زاویه با تفاسیر رایج

چون این قسمت طولانی است در بخش «شرح مختصر» عرضه می‌گردد.

۷- پیشگویی های تحقق یافته

در آیات ۴۱ تا ۴۴ با ذکر یک نمونه عالی یک مرد صبور که به پاداشی بزرگ رسید همان وعده تلویحی را به نحوی دیگر تکرار فرموده و پیشگویی بهبود و گشایش و رفع مشکلات برای آنحضرت نموده که بعدا تحقق یافت. همچنین در آیات ۴۵ تا ۴۸ نیز بطور تلویحی پیشگویی مشابهی نموده که تحقق آن را نیز همگان دیده اند.

۸- کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره ها، تقریبا تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

بحث متنی

آیه های ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ بطور واضح «پرانتری» است، دلیلش هم اینکه اگر چشم خویش را بر آنها بسته و قبل و بعد آنها را وصل کنیم خواهیم دید روال سخن صاف و یکدست خواهد شد .

در ابتدای آیه ۴۲، تغییر مخاطب (التفات) صورت گرفته است.

معنی کلمات :

شیطان : در آیه ۴۱ «شیطان» را باید بمعنی لغوی (یعنی اشخاص اهل شر و خلافکاری و مزاحمت) گرفت، زیرا کمی بالاتر درداستان سلیمان ع نیز به همین معنی آمده بود که در اینصورت معنی آیه مفهوم است.

اما اگر بمعنی اصطلاحی آن (یعنی شیطان در مقابل انسان - یعنی موجوداتی که در ذهن آدمی وسوسه می کنند) بگیریم، معنی آیه این می شود که گول شیطان را

خوردم، که البته چنین معنی با مکانت والای پیامبری هیچ سازگاری ندارد. بعلاوه اینکه معنی اخیر برای آن کلمه با آیه ای از قرآن معارض است که میگوید شیطان (به آن معنی) در «فیزیک» جهان تصرفی ندارد و حوزه عمل او فقط ذهن آدمیان است، آنهم نه همه آدمیان، زیرا مخلصین مستثنا میباشند (و بنا بر همین استثنای اخیر الذکر ایوب نمیتوانسته است گول شیطان را خورده باشد)

یعنی حضرت ایوب با یک موجود شرور معاصر بوده که میتواند طاغوت زمانه اش باشد، مثلا کدخدای ده شان یا فرماندار شهرشان که مانند ابن زیاد و حجاج بن یوسف خیلی شرور و خبیث بوده است.

نُصَب: کلمه ای در قرآن آمده باشد و با این کلمه هم‌ریشه باشد در سوره کهف و در داستان حضرت موسی آمده که خداوند از او نقل قول کرده که «لقد لقینا من سفرنا هذا نصبا»

در سفر، آنهم سفرهای حدود پنج هزار سال قبل، به مسافر چه میرسید جز رنج و خستگی؟

لذا کلمه فوق به معنی خستگی زیاد است، زیرا کلمه مذکور مصدر است.

عذاب: واضح است که کلمه فوق به معنی عذاب اخروی نیست زیرا اولاً آخرت که پس از قیامت است و قیامت هم که هنوز وقوع نیافته، لذا کلمه مذکور به همان معنی لغوی اش بکار رفته که به معنی درک و احساس ناراحتی و ناخوشایندی پی در پی است.

یعنی آن طاغوت معاصر آن حضرت روزگارش را تیره کرده و نیروی او را از شدت توطئه های پی در پی تحلیل برده بود.

اهل: اولین معنی که در باره کلمه اهل به ذهن میرسد افراد خانواده است، که البته معنی مذکور در اینجا درست در نمی آید، زیرا افراد خانواده به این سرعتی که از آیه فهمیده میشود دوبرابر نمیشود، بلکه معنی بهتر همان است که خداوند به نوح (ع) راجع به پسرش فرموده بود «انه لیس من اهلک انه عمل غیر صالح» یعنی در داستان نوح کلمه اهل به معنی پیرو و مومن و صالح آمده است که در اینجا نیز با موضوع تناسب دارد و ضمناً میتواند در مدت کوتاه نیز در اثر ایمان و گرایش عده ای جدید دو برابر هم بشود.

با توجه به آیه ۴۳ یعنی در اثر عمل آن طاغوت و خستگی مفرط آنحضرت پیروانش نیز از دورش پراکنده شده بودند که با توجه به کمک الهی از طریق چشمه خنکی

که از نزدیک زیر پایش جوشیده بود، هم آب خنک و هم حمام آب سرد قوایش را به او باز گرداند و او دوباره با قوت و صلابت قبلی، و بلکه هم قوی تر از قبل، از جلوی طاغوت درآمد، که این حالت جدیدش سبب شد پیروانش به دور او برگشتند و عده ای دیگر را هم با خود آوردند، که اینک معادله تغییر کرده و او قوی تر از قبل شده، و در عوض، آن طاغوت ضعیف شده، و هنگام مقابله جدی فرارسیده بوده است.

ید: کلمه ید نیز به همان معنایی که فوراً به ذهن می آید در اینجا کاربرد ندارد زیرا در همین پاراگراف آن پیامبران عالیقدر را «اولی الایدی» توصیف فرموده، یعنی صاحبان دستها، و مگر سایر پیامبران بی دست بودند؟! بلکه ید در اینجا به معنی قوت و نیرو میباشد که در جمله یدالله فوق ایدیهم آمده است. یعنی اینک حضرت ایوب قویتر از سابق با نیروئی که جدیداً یافته می باید ضربه نهائی را به طاغوت بزند و او را مغلوب کند.

ضعثا و فاضرب: همیشه با کلمه ضعثا را در عبارت «اضغاث احلام» در سوره یوسف داریم و لذا معنی ضعث در اینجا چیزی است که هویت و تشخیص خاصی ندارد و اگر با «نیرو»ی فوق الذکر قرین باشد به معنی سیاهی لشکر خواهد بود، یعنی لازم نیست نیروهای مومن دوآتشه ات را اختیار کنی بلکه از همین آدمهای معمولی دم دستی کسانی را «خذ» (بگیر) کن و با همانها او را (یعنی آن طاغوت را) بزن، یعنی از اریکه قدرت بکش پائین تا دیگر نتواند تو را دچار نصب و عذاب کند.

لا تحنث: همیشه با این کلمه را در سوره واقعه دیده ایم، آنجا که فرموده و کانوا یصرون علی الحنث العظیم. که معنی در حدود گناه بزرگ میدهد، مانند آن تکذیب های لجوجانه ای که میکردند، بنابر این، این «لا تحنث» یعنی اینکه ای پیغمبر ما! ای جناب ایوب! حالا که اوضاع فرق کرده و با اندک نیروئی میتوانی آن طاغوت را بزنی، بزن، ولی از حد نگذران که دچار گناهی بزرگ (در اینجا یعنی اسراف) شده باشی.

چند دریافت مستقیم و کوتاه

آیه های ۳۶ و ۳۷: این دو آیه در سوره نمل (در خود متن قرآنی) تفسیر شده که ما نیز شرح آن را در آنجا عرض خواهیم کرد. اما همین مقدار را در اینجا ذکر می کنیم که «شیطان» دو معنی دارد: لغوی و اصطلاحی، و در اینجا معنی لغوی آن ذکر شده، یعنی موجوداتی شرور و اهل خلاف و ایجاد مزاحمت و امثال آن.

آیه ۳۹: یعنی این عطای ما را بنفع هر که خواهی بکار ببر (نه اینکه این عطای ما

را به هر که خواهی عطا کن)
آیه ۴۰: خداوند دوری و نزدیکی ندارد لذا «جایگاه نزدیک» به معنی «جایگاه از لحاظ معنوی نزدیک» است.

آیه ۴۸: به قرینه «یسع» و «ذالکفل»، فهمیده میشود که این حضرت نیز از انبیاء بنی اسرائیل است و آن حضرت اسمعیل جد پیامبر ما (ص) نیست، بلکه همان کسی است که در نزد مسیحیان «ساموئل» و در نزد یهودیان «اشموئیل» نام دارد و ظاهراً می باید همان پیامبری بوده باشد که در داستان «طالوت»، در سوره بقره، ذکرش خواهد آمد.

فهمیدن منظور داستان های قرآنی آسانتر است

موضوع تیتیر فوق واضح است و شرحی نمیطلبد و لذا ما در پاراگراف های داستانی شرح زیادی لازم نمی بینیم، مگر در برخی موارد استثنائی که وقتی به آن استثنائات رسیدیم اگر عرایض توضیحی لازم بود عرض میکنیم.

خطای حضرت داود (ع) چه بود؟

با توجه به آیات ۲۱ تا ۲۵ اشتباه حضرت داوود در آن قضیه این بود که بدون اینکه نظر طرف دیگر دعوی را بپرسد، یک حکم کلی را به آن مورد خاص نفاذ داد در حالی که باید دقت بیشتری به کار می برد.

خطای حضرت سلیمان (ع) چه بود؟

براساس آیه ۳۲، ظاهراً گوئی محو تماشای اسبهای قوی و با نشاط شده و از عبادت مربوط به غروب غفلت کرده بود، و نیز بر اساس آیه ۳۳، ظاهراً می باید آن عمل کفاره ای باشد برای آن غفلتی که به او دست داده بود، و لذا ظاهراً باید بعضی روایاتی را که در این باب وارد شده پذیرفت که «او با این کار آنها را برای قربانی مشخص می کرد»

براساس آیه ۳۴، و به قرینه آیه ۳۵، می باید جسد خود او (در یک فرایند مرگ موقت یا فلج)، یا جسد کسی بوده باشد که سلیمان به او امیدها بسته بود (مثلاً فرزندش)، که پس از تنبه، دعاها آیه ۳۵ را برای پیشبرد رسالتش کرد که مستجاب هم شد.

البته چون میدانیم پس از وفات آنحضرت اساس سیادت بنی اسرائیل و نیز دین

بیهود به سرعت متزلزل و دچار فروپاشی گردید نتیجه میگیریم که آن دعایی که کرده (و مستجاب هم شده بود) کمکی به رسالتش نکرد، و چه بسا استجابت دعای او به این خاطر بود که خداوند میخواست پیامبران بعدی بدانند که قدرت و ثروت به امر نبوت و رسالت کمک عمیق و موثر نمیکند.

خطای حضرت ایوب چه بود؟

خطای آن پیامبر خدا این بود که در مورد مبارزه با طاغوت زمان خویش چشم به آسمان دوخته و انتظار روشهای اعجازی داشت و در این فکر نبود که به روش های انسانی از قبیل مبارزه رودررو و پیگیری در آن، نیز، میتواند کار حق طلبانه اش را پیش ببرد.

خطای واضح مفسران سلف

۱ - درباره حضرت داود : (المیزان) : معنای آیه این است که: داوود (ع) بدانست که این واقعه امتحانی بوده که ما وی را با آن بیازمودیم و فهمید که در طریقه قضاوت خطا رفته. پس، از پروردگار خود طلب آموزش کرد از آنچه از او سرزده و بی‌درنگ به حالت رکوع درآمد و توبه کرد.

خصوصیات این داستان دلالت می‌کند بر اینکه این واقعه یک واقعه طبیعی، (هر چند به صورت ملائکه) نبوده، چون اگر طبیعی بود باید آن اشخاص که یا انسان بوده‌اند و یا ملک، از راه طبیعی بر داوود وارد می‌شدند، نه از دیوار. و نیز با اطلاع وارد می‌شدند، نه به طوری که او را دچار فرغ کنند. و دیگر اینکه اگر امری عادی بود، داوود از کجا فهمید که جریان صحنه‌ای بوده برای امتحان وی. و نیز از جمله " فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَ لَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ " بر می‌آید که خدای تعالی او را با این صحنه بیازموده تا راه داوری را به او یاد بدهد و او را در خلافت و حکمرانی در بین مردم استاد سازد. همه اینها تایید می‌کنند این احتمال را که مراجعه کنندگان به وی ملائکه بوده‌اند که به صورت مردانی از جنس بشر ممثل شده بودند.

در نتیجه این احتمال قوی به نظر می‌رسد که واقعه مذکور چیزی بیش از یک تمثیل نظیر رؤیا نبوده که در آن حالت افرادی را دیده که از دیوار محراب بالا آمدند، و به ناگهان بر او وارد شدند یکی گفته است: من یک میش دارم و این دیگری نود و نه میش دارد، تازه می‌خواهد یک میش مرا هم از من بگیرد. و در آن حالت به صاحب یک میش گفته: رفیق تو به تو ظلم می‌کند

در اینجا هم حاکم کردن روایات بر قرآن صورت گرفته، که خیلی باعث تاسف است، و اگر کسی بگوید با این نوع تفسیر تکلیف «اذکر» آیه ۱۷ چه میشود چه جواب خواهد داد؟ آیا پیامبر (ص) می‌باید داود واقعی را بیاد می‌آورد یا - مطابق این تفسیر - داود خیالی را؟!!

۲ - حضرت سلیمان (ع)

المیزان در این مورد نقل قول هایی از تفاسیر دیگر کرده و روایاتی را ذکر کرده که

بعضا، هم در نقل قول ها و هم در روایات، مطالبی نا معقول نیز وجود دارد، مثلا اینکه سلیمان به ملائکه دستور داد خورشید را به حالت قبل از غروب بر گردانند که او بتواند عبادت غروبگاهیش را انجام دهد، که اینهم از آن حرفها است، انگار که ملائکه صاحب ندارند، در حالیکه توضیح مطلب روشن تر از این حرفهاست، و ما در اینجا به روش خودمان که توجه به عصاره محتوای سوره (یعنی «درس») باشد توضیحی را که به سهولت مفهوم میشود عرض میکنیم:

بنا به عصاره محتوای سوره، این سوره در جهت دلداری دادن به پیامبر (ص) و پیروان آنحضرت است،

میدانیم که سلیمان یک پیغمبر فرعی از شریعت حضرت موسی(ع) بود، و پیامبر ما (ص) حتما به این موضوع توجه داشت، خداوند در این پاراگراف دارد تلویحا به آنحضرت میگوید که میدانیم جریان ماموریتت در مرحله سختی قرار دارد و دشمنانت قوی و خودت و بارانت کم و ضعیف هستی ولی توجه داشته باشید که من که خدای شما باشم عاجز نیستم اوضاع مطلوبی برایتان فراهم کنم و تو در نزد ما از سلیمان کمتر نیستی که قدرت و ثروتی داشت و اسبان جنگی را برای او سان میدادند و آنها آنقدر خوب و تماشائی بودند که گاهی او را از عبادتش هم غافل میکردند، و او دستور داد آنها را به او بازگردانند تا خود را بوسیله دل کردن از آنها جرمه کند و علیرغم اینکه پادشاهی و تخت و بارگاهی هم داشت ولی دلخوشی نداشت و حوادث تلخی هم برایش پیش می آمد مثلا درست روی تخت پادشاهی خویش شاهد جسدی گردید و فهمید این نیز مانند قضیه اسبان تیز تک بلیه دیگری است که نتیجه آلودگی های ثروت و مکننت است و لذا از خداوند سلطنتی خاص خویش (و شاید نزدیکتر به معنویت پیامبرانه) درخواست کرد. خلاصه اینکه ای پیامبر قدرت و ثروت فعلا به دردت نمیخورد ولی اگر وقتش برسد چیزی که به سلیمان هم دادیم برای تو نیز ممکن خواهد بود.

خطابودن روایت مذکور از این قرینه نیز فهمیده میشود که سلیمان قدرت و سلطنتش را از راه دعا به درگاه خداوند بدست آورده بود و اینطور نبود که هرکاری را بتواند در کائنات بکند و دعای او به درگاه الهی پس از شیفتگیش نسبت به اسب ها و پس از دیدن جسد بر تختش بود. و رد شمس (برگرداندن خورشید که آقا نماز فراموش کرده اش را بخواند) هم از آن حرفهاست! و توهین به ملائکه (که انگار بی صاحب باشند) و نیز توهین به خداوند متعال است و از ساحت پیامبری بسیار دور میباشد.

۳ - حضرت ایوب (ع)

داستان حضرت ایوب در نزد ما آنقدر مشهور است که تلویزیون ما یک سریال در باره آن حضرت ساخته و سالها پیش نمایش داده و بعدا هم در شبکه های دیگر نمایشش را تکرار کرده است.

معمولا برای ساخت یک فیلم یا یک سریال مدتی نسبتا طولانی مطالعاتی صورت میگیرد و ضمنا جامعه ما نسبت به مطالب دینی حساس است و مراجع تقلید و کسانی که خود را دلواپس می نامند و زورشان زیاد است واکنش نشان میدهند و لذا سازنده فیلم و سریال های دینی خیلی احتیاط میکند که فیلم و سریال هیچ گوشه ای به هیچ جای باور های عمومی نزنند و لذا سریال مذکور یک ویتترین خوب است برای نمایش اعتقادات و درجه آمیختگی اش با خرافات در برخی از زمینه های تاریخی مرتبط با پیامبران سلف.

در سریال مذکور نشان داده میشود که ایوب چگونه برای نعمت ها شاکر و برای ناملایمات صابر است و خداوند او را به ملائکه نشان میدهد که ببینید چه بنده ای است و به او مباحث میکند!!

شیطان از این مطلب شاکی است و به خدا میگوید اگر اموالش را هم از دست بدهد باز هم همینطور می ماند؟

خداوند اموالش را از او میگیرد و او فقیر میشود ولی او باز هم همانطور صابر میماند. شیطان باز هم به خداوند مراجعه میکند که ایوب خانواده اش را هنوز دارد، اگر آنها را از دست بدهد باز هم شاکر و صابر خواهد ماند؟

خداوند هم فرزندان و ایل و تبار ایوب را میمیراند ولی ایوب باز هم کما فی السابق صابر می ماند.

شیطان نزد خدا می رود و از او میخواهد که اختیار بدن ایوب را به او یعنی شیطان بدهد تا او به خدا نشان دهد که او از آن پس چندان صابر و شاکر نخواهد بود و خدا هم قبول میکند!! شیطان ایوب را به مریضی ای فجیع و دلخراش دچار میکند که همه نفرت میکنند و از او پراکنده میشوند و فقط یکی از زناش که هنوز زنده مانده برایش می ماند.

این زن در این ایام دلخراش به کارگری در خانه این و آن می‌رود تا لقمه نانی تهیه کند و برای خودش و شوهرش به خانه بیاورد.

در یکی از این خانه‌هایی که زن در آنجا به کارگری مشغول است شیطان به شکل انسان در می‌آید و به آن زن پیشنهاد میکند که گیسوی بلندش را در ازاء پول قابل توجهی بفروشد و آن زن هم مشروط به مخفی ماندن این معامله از سرِ اضطرار قبول میکند، شیطان هم فوراً گیسوی او را به شوهرش نشان میدهد و چون آن روزها فروش گیسو کار ناپسندی بوده و توسط روسپیان انجام میشده، زن ایوب را نزد شوهرش به زنا متهم میکند و او را سرزنش میکند که با این ادعای پیامبری خدا نانخور زن زناکارش است!

ایوب که کارش به اینجا رسیده دیگر صبر از کف میدهد و قسم می‌خورد که حدّ زنا بر همسرش اقامه کند و ضمناً به درگاه خدا دعا میکند و رفع ناراحتی‌هایش را از او طلب میکند، خدا هم به او چشمه‌ای را نشان میدهد که از آن بنوشد و در آب آن غسل کند و به این ترتیب بیماری‌اش شفا می‌یابد و خانواده از دست رفته‌اش هم زنده میشوند و خداوند یک برابر دیگر هم به خانواده‌اش اضافه میکند و در باره قَسَمی هم که خورده که زنش را حدّ بزند راه کلاه شرعی را به او یاد میدهد که دسته‌ای علف نرم به اندازه صدتا تهیه کند و با آن یک بار او را بزند که معادل صد ضربه بوده باشد.

این است داستان ایوب در مدارک و منابع ما که مورد استفاده آن سریال قرار گرفته است.

آیا در باره این داستان سراسر جعل و کذب و خرافه می‌باید حرفی هم بزنیم یا اینکه خواننده اجلّ از این است که نیاز به نقد این داستان داشته باشد؟

هرچه باشد، معنی کلمات و عناصر این داستان را در ذیل تیتراژ «کلیدهای تفسیری» عرض کرده ایم، که آن، ضمن بیان قرآنی ماجرا، جواب این مطالب را هم خواهد داد.

اما، از ذکر چند مورد خیلی درشت که قباحتش واضح است نمیتوان گذشت:

۱ - در این داستان خدا بازیچه شیطان شده (هی شیطان جرّ میزند و هی خدا عقب نشینی میکند)

۲ - شیطان مطرود و مدحور کجا و اینهمه دیالوگ زود به زود با خدا کجا (مثل اینکه خدا فراموش کرده که شیطان را مطرود و مدحور کرده، معاذالله!)

۳ - خدا برای خاطر عزیز! شیطان لن تجد لسنه الله تحویلا و . . . تبدیلا را زیر پا گذاشته (آنهم نه یکبار بلکه چندبار!)

۴ - نکند در دوره ایوب (ع) سزای زنای محصنه صد ضربه بوده و بعدا شدیدتر شده؟! در حالیکه علی القاعده می باید به عکس بوده باشد، زیرا هرچه که در تاریخ به عقب میرویم درجه خشونت بیشتر میشود و لذا حالا که سزای زنای محصنه بیش از صد ضربه است، قدیم ها نمیتوانسته به اندازه زنای غیرمحصنه امروز بوده باشد.

۵ - ما نمیدانستیم خدا اینقدر پارتی باز است که خودش راه کلک و کلاه شرعی را به پیغمبرش یاد میدهد (پس اگر ماهم از این کارها کنیم عیبی ندارد لابد!!)

۶ - این چه پیغمبری است که گول شیطان را در باره زنش میخورد؟! (ان جانکم فاسق بنیاء فتبینوا چه میشود؟ فاسق تر از شیطان هم قابل تصور است که او به همین راحتی سخن او را راجع به همسر امتحان داده اش می پذیرد؟)

۷ - در کل قرآن، کجا کوچکترین قرینه ای هست که همسر ایوب (ع) یکی از پرسوناژهای قضیه او باشد؟

۸ - و و و و و

۹ - یعنی اینهمه علماء بزرگ سلف اینهمه چیزهای واضح را نمی دیده اند؟

ترجمه تفسیری آزاد

ای پیامبر! قبل از این تکذیبگران، قوم های نوح و عاد و فرعون که سلطنتش ریشه دار بود نیز پیامبران را تکذیب کردند (۱۲) و نیز ثمود و قوم لوط و یاران اَبَکَه. آنها همان احزابی بودند که نابود شدند (۱۳) همگی آنها پیامبران را تکذیب کردند و مجازاتم محقق گشت (۱۴) این کافرانِ معاصرت نیز چیزی را انتظار ندارند مگر صدائی بلند را که پس از آن مهلتی نخواهند داشت (۱۵) با وجود این، جاهلانه در جهت تکذیب تو میگویند پروردگارا سهم ما را قبل از روز حساب فوراً از آن عذابی که این پیامبر ادعا میکند بده (۱۶)

ای پیامبر! بر آنچه میگویند صبر کن و بنده مان داوود را یاد کن که نیرومند و بسیار توبه کار بود (۱۷) کوه ها را رامش کردیم که شامگاهان و صبحگاهان با او تسبیح میگفتند (۱۸) و همچنین پرندهگان را نیز که نزد او گرد میآمدند و بسوی او باز می گشتند (۱۹) و فرمانروائی او را محکم کردیم و به او حکمت و سخن پایان بخش در

قضاوت دادیم (۲۰) آیا داستان آن دو طرف دعوا را هنگامی که به محراب او درآمدند شنیده‌ای؟ (۲۱) هنگامی که بر داوود وارد شدند، از آنان بی‌مناک شد. گفتند مترس. دو طرف یک دعوا هستیم که یکی بر دیگری تجاوز روا داشته. لذا بین ما به حق حکم کن و ناحق مگو و ما را به راه راست هدایت کن (۲۲) این برادر من است که نود و نه گوسفند دارد و من فقط یکی دارم و می‌گویند آن را هم بمن واگذار و در کلامش هم درستی میکند (۲۳) داود گفت البته در اینکه گوسفندت را برای مخلوط کردن با گوسفندانش از تو می‌خواهد به تو ظلم کرده و البته بسیاری از شریکان چنین اند که بعضی شان به بعضی ظلم می‌کنند مگر آنانکه ایمان آورده و عمل شایسته میکنند و چقدر هم آنها کم هستند و داوود گمان کرد ما در این قضیه او را امتحان کرده ایم لذا از پروردگارش از این لحاظ که در قضاوت عجله کرده بود استغفار کرد و به سجده افتاد و توبه کرد (۲۴) اما این موضوع را بر او بخشودیم و البته او نزد ما جایگاه نزدیک و سرانجام نیکو دارد (۲۵) به او خطاب کردیم ای داوود! تو را در زمین جانشین قرار دادیم. لذا بین مردم به حق حکم کن و از هوای نفس پیروی مکن زیرا که تو را از راه خدا گمراه میکند. البته آنها که از راه خدا گمراه شوند بخاطر اینکه روز حسابرسی را فراموش کرده اند عذابی شدید خواهند داشت (۲۶)

و آسمان و زمین و آنچه را که بین آنهاست به باطل نیافریده ایم. این گمان آنان است که کفر ورزیده اند، و وای بر کافران از آن آتش (۲۷) آیا آنان را که ایمان آورده و عمل شایسته کرده اند مانند مفسدان زمین قرار میدهیم؟ یا اینکه با اهل تقوا مانند گناهکاران رفتار می‌کنیم؟ البته که چنین نخواهیم کرد (۲۸)

ای پیامبر! کتابی پر برکت بسویت فرستادیم تا در آیاتش اندیشه کنند و تا اینکه خردمندان پند گیرند (۲۹)

و به داود سلیمان را دادیم، که بنده ای خوب و بسیار بازگشت کننده بود (۳۰) وقتی غروب هنگام، آن اسبان تیز تک را به تماشایش آوردند (۳۱) آنقدر متوجه آنها بود که از عبادتش غافل شد، پس با تاسف گفت من دوستی مال را به یاد پروردگارم ترجیح دادم تا اینکه آفتاب غروب کرد (۳۲) آنها را بمن برگردانید. پس بنا کرد به نگاه عبرت به گردنها و ساقهای آنها دست کشیدن (۳۳) و البته سلیمان را نیز

آزمودیم و بر تخت او جسدی افکندیم، پس بسوی ما توبه نمود (۳۴) گفت پروردگارا مرا بیامرز و بمن سلطنتی ده که هیچکس پس از من به آن نرسد. که تو بسیار بخشنده ای (۳۵) پس باد را رام او کردیم که به امر او هر جا که میخواست به نرمی میوزید (۳۶) و نیز از شیطان ها و جن ها و اشخاص خلافکار عده ای را رام او کردیم که برایش بنایی و غواصی میکردند (۳۷) و دیگرانی را نیز در غل و زنجیر نمود (۳۸) و به او خطاب کردیم ای سلیمان! این عطای ما است، هر که را خواهی از این نعمت که به تو داده ایم برخوردار کن و از هر که خواهی دریغ ورز (۳۹) و البته او در نزد ما جایگاهی نزدیک و سرانجامی نیک دارد (۴۰)

ای پیامبر! بنده مان ایوب را یادآر. هنگامی که پروردگارش را صدا زد که عوامل شر مرا به خستگی و ناراحتی و تلخکامی انداخته اند (۴۱) به او یاد دادیم که پایت را به این زمین بزن. این آبی است که مایه تن شوئی، و نیز نوشیدنیی خنک است (۴۲) در اثر آن نوشیدن و آن غسل، حالتش بهبود، و نیروئی درخور یافت و مانند سابق در کار مقابله با عوامل شر فعال شد و در اثر بهبود یافتنش و تجدید فعالیتش پیروانش به او بازگشتند، و عده ای دیگر نیز که تقریباً هم اندازه پیروان سابقش بودند به پیروی او درآمدند. تا رحمتی از ما و تذکری برای خردمندان باشد (۴۳) به او ندا دادیم که ای ایوب! قسمتی از هر کدام از نیروهایت را که خواستی اختیار کن و با آن به مقابله آن عامل شر برو و او را از آن شرور بازدار، اما در این مورد زیاده روی مکن. البته او را صبور یافتیم، بنده ای خوب و بسیار توبه کار بود (۴۴)

و ای پیامبر! همچنین یادآر بندگانمان ابراهیم و اسحق و یعقوب را که نیرومند و بصیر بودند (۴۵) که ما البته آنها را به آخرت اندیشی خالص کرده بودیم (۴۶) و البته آنها در نزد ما از بین خوبان برگزیده شده اند (۴۷) و نیز اسمعیل و یسع و ذالکفل را نیز بیاد آر که همه از نیکان بودند (۴۸)

ص ۳ آیات ۴۹ تا ۶۴

هَذَا ذِكْرٌ وَإِنَّ لِلْمُتَّقِينَ لِحُسْنِ مَآبٍ ﴿٤٩﴾ جَنَّاتٍ عَدْنٍ مُمْتَحَةً لَّهُمْ الْأَبْوَابُ ﴿٥٠﴾ مُتَّكِنِينَ فِيهَا يُدْعَوْنَ فِيهَا بِفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ وَشَرَابٍ ﴿٥١﴾ وَعِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ الْأَثْرَابُ ﴿٥٢﴾ هَذَا مَا تُوَعَّدُونَ لِيَوْمِ الْحِسَابِ ﴿٥٣﴾ إِنَّ هَذَا لَرِزْقُنَا مَا لَهُ مِنْ نَفَادٍ ﴿٥٤﴾ هَذَا وَإِنَّ لِلطَّاعِينَ لَشَرَّ مَآبٍ ﴿٥٥﴾ جَهَنَّمَ يَصَلُّوْنَهَا فَيُنْسِ الْمِهَادُ ﴿٥٦﴾ هَذَا فَلْيَذُوقُوهُ حَمِيمٌ وَعَسَاقٌ ﴿٥٧﴾ وَآخِرُ مِنْ شَكْلِهِ أَزْوَاجٌ ﴿٥٨﴾ هَذَا فَوْجٌ مُقْتَحِمٌ مَعَكُمْ لَا مَرْحَبًا بِهِمْ إِنَّهُمْ صَالُوا النَّارَ ﴿٥٩﴾ قَالُوا بَلْ أَنْتُمْ لَا مَرْحَبًا بِكُمْ أَنْتُمْ قَدْ مَتَّمْتُمُوهُ لَنَا فَيُنْسِ الْقَرَارُ ﴿٦٠﴾ قَالُوا رَبَّنَا مَنْ قَدَّمَ لَنَا هَذَا فَرُدَّهُ عَدَابًا ضِعْفًا فِي النَّارِ ﴿٦١﴾ وَقَالُوا مَا لَنَا لَا نَرَى رِجَالًا كُنَّا نَعُدُّهُمْ مِنَ الْأَشْرَارِ ﴿٦٢﴾ أَتَّخَذْنَا هُمْ سِخْرِيًّا أَمْ زَاغَتْ عَنْهُمْ الْأَبْصَارُ ﴿٦٣﴾ إِنَّ ذَلِكَ لَحَقٌّ تَخَاصُمُ أَهْلِ النَّارِ ﴿٦٤﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:

درس: آیات و نعمت های مهمی که به پیامبران داده شده، در اثر توجه و دقت در اطاعت خداوند و تواضع و توجه دائمی به سوی او بوده است.
برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:
درب: تفاوت نتیجه رفتار خدامحورانه با خود محورانه در جهان دیگر.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

هَذَا ذِكْرٌ وَإِنَّ لِلْمُتَّقِينَ لِحُسْنِ مَآبٍ ﴿٤٩﴾ جَنَّاتٍ عَدْنٍ مُمْتَحَةً لَّهُمْ الْأَبْوَابُ ﴿٥٠﴾ مُتَّكِنِينَ فِيهَا يُدْعَوْنَ فِيهَا بِفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ وَشَرَابٍ ﴿٥١﴾ وَعِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ الْأَثْرَابُ ﴿٥٢﴾ هَذَا مَا تُوَعَّدُونَ لِيَوْمِ الْحِسَابِ ﴿٥٣﴾ إِنَّ هَذَا لَرِزْقُنَا مَا لَهُ مِنْ نَفَادٍ ﴿٥٤﴾

ریزدرپ: ذکر نمونه ای از نعمت های باتقویان در جهان دیگر.

هَذَا وَإِنَّ لِلطَّاعِينَ لَشَرَّ مَا بٍ ﴿٥٥﴾ جَهَنَّمَ يَصَلُّوْنَهَا فَبِئْسَ الْمِهَادُ ﴿٥٦﴾ هَذَا فَلْيُدْوَ قُوهُ حَمِيمٍ
وَعَسَاقُ ﴿٥٧﴾ وَآخِرُ مِنْ شَكْلِهِ أَوْجٌ ﴿٥٨﴾
ریزدرب: ذکر نمونه ای از عاقبت سرکشان در جهان دیگر.

هَذَا فَوَجَّ مُقْتَجِمٌ مَّعَكُمْ لَا مَرْحَبًا بِمِمْ إِهْمٌ صَلُّوا النَّارِ ﴿٥٩﴾ قَالُوا بَلْ أَنْتُمْ لَا مَرْحَبًا بِكُمْ أَنْتُمْ
قَدَّمْتُمُوهُ لَنَا فَبِئْسَ الْقَرَارُ ﴿٦٠﴾ قَالُوا رَبَّنَا مَنْ قَدَّمَ لَنَا هَذَا فَرَدُّهُ عَذَابًا ضِعْفًا فِي النَّارِ ﴿٦١﴾
وَقَالُوا مَا لَنَا لَا نَرَى رِجَالًا كُنَّا نَعُدُّهُمْ مِنَ الْأَشْرَارِ ﴿٦٢﴾ أَخَذْنَاَهُمْ سِحْرِيًّا أَمْ رَاغَتْ عَنْهُمْ الْأَبْصَارُ
﴿٦٣﴾ إِنَّ ذَلِكَ حَقٌّ تَخَاصُمُ أَهْلِ النَّارِ ﴿٦٤﴾
ریزدرب: ذکر نمونه ای دیگر از عاقبت سرکشان در جهان دیگر.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لبّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ که ابتدای سوره است می فرماید: کافران پندناپذیر و خودبزرگبین و در نتیجه مخالف حق اند و ای پیامبر! به این کافران امیدی میند (فعلاصلاح ناپذیرند) و کافران نسبت به عظمت دستگاه الهی و رحمت واسعة خداوند و خطر امکان هلاکت دستجمعی بی توجهند.

در پاراگراف ۲ به رسول اکرم(ص) تلویحاً میفرماید که اینها آنقدر در راه کفر و تکذیب افراط کرده اند که بعید نیست مانند اقوام سابق به عذاب هلاکت دستجمعی هم دچار شوند (اما اینکه به آن نوع عذاب معذیشان نمیکنیم حکمتی دارد که بعداً معلوم میشود) و ضمناً به داود و سلیمان و ایوب و چند پیامبر دیگر (ع) آیات و نعمت‌هایی داده شده و آنها نیز متوجه موقعیت خویش نسبت به خداوند بوده اند. و همچنین بطور تلویحی دارد وعده پیروزی اردوگاه

پیامبر اکرم (ص) و پیروانش را امیدهد اما مسلمانان را نسبت به تخلفات احتمالی - پس از پیروزی - برحذر میدارد و به آنحضرت یادآوری میفرماید که ای پیامبر! به تو نیز قرآن را داده ایم. در این پاراگراف می فرماید: ای کافران! چه چیزی واقعا می ارزد که خود را به چنین عاقبتی دچار، و خود را از چنان عاقبتی محروم کنید؟

۴ - سوالات

- ۱ - در اینجا شش بار کلمه «هذا» آمده، و همه آنها نیز «هم مفهوم» نیستند، مفهوم هریک را بیان کنید.
- ۲ - در آیه ۵۱، تنوین سه کلمه آخر، از باب تعظیم است یا تصغیر؟
- ۳ - در آیه ۶۲، فاعل «قالوا» کیست؟
- ۴ - منظور آنها از «رَجَالًا كُنَّا نَعُدُّهُمْ مِنَ الْأَشْرَارِ» (آیه ۶۲) چیست؟
- ۵ - «رَأَعَتْ عَنْهُمْ الْأَبْصَارُ» (آیه ۶۳) چه نوعی از سخن است؟ (کنایه؟ اصطلاح؟ یا...؟)
- ۶ - «حق» در آیه ۶۴ به چه معنی بکاررفته؟ (از این لحاظ که این اتفاقات حتما خواهد افتاد؟ یا اینکه خود این تخاصم چیز درست و بجائی است؟ یا...؟)
- ۷ - حالت کلی این پاراگراف چگونه است؟ (امیدبخش برای مومنان؟ هشدار دهنده برای کافران؟ هردو؟ یا...؟)
- ۸ - برای این «بگومگو»ی موجود در این پاراگراف چه سابقه ای در سوره های قبلی دارید؟

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

از آیه های ۶۲ و ۶۳ فهمیده میشود مخالفان آنحضرت، پیروان او را بی اهمیت و ناچیز میدیدند، به عبارت دیگر، چنین فهمیده میشود که اکثر پیروان آنحضرت از افشار فرودست بوده اند.

۶ - در این پاراگراف، کدام فقرات، فوق ذهنیات معاصران نزول است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیات ۴۹ تا ۶۴ «قیامتی» است، و هیچ بنی بشری تجربه اش را ندارد، و قبل از قیامت نخواهد داشت، لذا، چه در آن روزهای نزول وحی و چه الی یوم القیامه بالاتر از ذهنیات بشر خواهد بود.

۷ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره ها، تقریباً تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

دعوا و بگومگوی اهل جهنم

مطالب آیات ۶۴ تا ۵۹ شرح دعوی اهل جهنم با یکدیگر است که بر طبق آن، هر گروهی سعی می‌کند گناه خود را گردن دیگری بیاندازد و عده‌ای می‌گویند در زندگی دنیا شما رئیس ما بودید و ما را مجبور کردید و لذا عذاب ما باید مال شما باشد، آن‌ها هم در جواب می‌گویند درست است که ما رئیس و بالادست بودیم اما اگر شما نمی‌خواستید پیروی ما را بکنید ما که نمی‌توانستیم مجبورتان کنیم؛ و خلاصه اینطور با هم درگیر می‌شوند که این هم خودش یک نوع عذاب است.

ترجمه تفسیری آزاد

ای پیامبر! اینها پندی است. و البته تقوا داران سرانجامی نیک خواهند داشت (۴۹) بهشت هائی جاودان که درب‌های آن برایشان گشوده است (۵۰) در آن تکیه زده و دستور میوه و نوشیدنی خواهند داد (۵۱) و نزدشان همسرانی است که جز به شوهران خویش نظر ندارند (۵۲) و به آنان گفته میشود این است چیزی که برای روز حساب به شما وعده داده شده (۵۳) البته این رزق ماست که تمامی ندارد (۵۴)

چنین است، و البته طغیانگران نیز بد سرانجامی خواهند داشت (۵۵) جهنمی که در آن انداخته میشوند که بد جایگاهی است (۵۶) که در آن باید آبی داغ و چرکین و متعفن بچشند (۵۷) و چیزهای دیگری مانند آنها (۵۸) و ماموران جهنم هنگام ورود عده‌ای جدید، به جهنمیان میگویند این گروه انبوه که دارند به جهنم انداخته میشوند نیز باشمایند. آنها جواب میدهند خوششان مباد، زیرا که داخل آتش خواهند شد (۵۹) جهنمیان جدید به اینها میگویند خودتان خوشتان مباد، شما این عذاب را برای ما فراهم کرده اید و چه بدفرارگاهی است (۶۰) میگویند پروردگارا هر کس که این را برایمان فراهم کرده او را در آتش دو چندان عذاب فرما (۶۱) و همچنین

میگویند چه مان شده که مردمی را که جزء اشرار می شمردیم نمی بینیم؟ (۶۲)
آیا آنها را دست کم میگرفتیم و بعکس تصور ما نجات یافتند یا در اینجا به چشممان
نمی آیند؟ (۶۳) ای پیامبر! این گوشه ای از دعوای اهل آتش است، و کاملاً همینطور
خواهد بود (۶۴)

ص ۴ آیات ۶۵ تا ۸۸

قُلْ إِنَّمَا أَنَا مُنذِرٌ وَمَا مِنِّي إِلَهٌ إِلَّا اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ﴿٦٥﴾ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا
الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ ﴿٦٦﴾ قُلْ هُوَ نَبَأٌ عَظِيمٌ ﴿٦٧﴾ أَنْتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ ﴿٦٨﴾ مَا كَانَ لِي مِنْ عِلْمٍ
بِالْمَلَأِ الْأَعْلَى إِذْ يَخْتَصِمُونَ ﴿٦٩﴾ إِنْ يُوحَىٰ إِلَيَّ إِلَّا أَنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿٧٠﴾ إِذْ قَالَ رَبُّكَ
لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ طِينٍ ﴿٧١﴾ فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ
﴿٧٢﴾ فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ ﴿٧٣﴾ إِلَّا إِبْلِيسَ اسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ ﴿٧٤﴾
قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإَيْدِي اسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ ﴿٧٥﴾ قَالَ
أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ ﴿٧٦﴾ قَالَ فَأَخْرِجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ ﴿٧٧﴾ وَإِنَّا
عَلَيْكَ لَنَعْتَنِي إِلَىٰ يَوْمِ الدِّينِ ﴿٧٨﴾ قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَىٰ يَوْمٍ يُبْعَثُونَ ﴿٧٩﴾ قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ
الْمُنظَرِينَ ﴿٨٠﴾ إِلَىٰ يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ ﴿٨١﴾ قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٨٢﴾ إِلَّا
عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ ﴿٨٣﴾ قَالَ فَالْحَقُّ وَالْحَقُّ أَقُولُ ﴿٨٤﴾ لِأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ وَمِمَّنْ
تَبِعَكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٨٥﴾ قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ ﴿٨٦﴾ إِنْ هُوَ
إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ﴿٨٧﴾ وَلِتَعْلَمُنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ ﴿٨٨﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه
کرده ایم که مطابق ذیل است:

درس: آیات و نعمت های مهمی که به پیامبران داده شده، در اثر توجه و
دقت در اطاعت خداوند و تواضع و توجه دائمی به سوی او بوده است.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: تحلیل علل روانشناختی رفتار خود محورانه تکذیبگران مخالف
پیامبر اکرم (ص) و توصیه به آنحضرت که بازهم توجه آنها را به مطالب
اساسی عقیدتی جلب کن.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

قُلْ إِنَّمَا أَنَا مُنذِرٌ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ﴿٦٥﴾ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ ﴿٦٦﴾ قُلْ هُوَ نَبَأٌ عَظِيمٌ ﴿٦٧﴾ أَنْتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ ﴿٦٨﴾ مَا كَانَ لِي مِنْ عِلْمٍ بِالْمَلَأِ الْأَعْلَى إِذْ يَخْتَصِمُونَ ﴿٦٩﴾ إِنْ يُوحَىٰ إِلَيَّ إِلَّا أَنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿٧٠﴾

ریزدرب: ای پیامبر! علیرغم آیات و نعمت های مهمی که به تو داده شده تواضع در پیش گیر و فقط موقعیت هشدار دهنده‌گی خویش را به یادشان بیاور.

۲

إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ طِينٍ ﴿٧١﴾ فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ ﴿٧٢﴾ فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ ﴿٧٣﴾ إِلَّا إِبْلِيسَ اسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ ﴿٧٤﴾ قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ لِمَا خَلَقْتُ مِنْ طِينٍ ﴿٧٦﴾ قَالَ فَأَخْرَجُ مِنْهَا فِرَاتَكَ رَجِيمٍ ﴿٧٧﴾ وَإِنِّ عَلَيْكَ لَعْنَتِي إِلَى يَوْمِ الدِّينِ ﴿٧٨﴾ قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ ﴿٧٩﴾ قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ ﴿٨٠﴾ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ ﴿٨١﴾ قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٨٢﴾ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ ﴿٨٣﴾ قَالَ فَالْحَقُّ وَالْحَقُّ أَقُولُ ﴿٨٤﴾ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ وَمِمَّن تَبِعَكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٨٥﴾

ریزدرب: ابلیس در مقابل آیات و نعمت های الهی دقت و توجه و تواضع نشان نداد که چنان شد.

۳

قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ ﴿٨٦﴾ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ﴿٨٧﴾ وَلِتَعْلَمَنَّ نِبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ ﴿٨٨﴾

ریزدرب: ای پیامبر! فعلا چندان راجع به کافران حساس مباش و حقانیت موضعت را به اجمال بگو.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت‌هایی را که می‌بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

تَبَّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف‌ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب‌ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می‌بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ که ابتدای سوره است می‌فرماید: کافران پندناپذیر و خودبزرگ‌بین و در نتیجه مخالف حق‌اند و ای پیامبر! به این کافران امیدی مبنی (فعلاصلاح ناپذیرند) و کافران نسبت به عظمت دستگاه الهی و رحمت واسعة خداوند و خطر امکان هلاکت دستجمعی بی‌توجهند. در پاراگراف ۲ به رسول اکرم(ص) تلویحاً می‌فرماید که اینها آنقدر در راه کفر و تکذیب افراط کرده‌اند که بعید نیست مانند اقوام سابق به عذاب هلاکت دستجمعی هم دچار شوند (اما اینکه به آن نوع عذاب معذبشان نمی‌کنیم حکمتی دارد که بعداً معلوم میشود) و ضمناً به داود و سلیمان و ایوب و چند پیامبر دیگر (ع) آیات و نعمت‌هایی داده شده و آنها نیز متوجه موقعیت خویش نسبت به خداوند بوده‌اند. و همچنین بطور تلویحی دارد وعده پیروزی اردوگاه پیامبر اکرم(ص) و پیروانش را می‌دهد اما مسلمانان را نسبت به تخلفات احتمالی-پس از پیروزی- برحذر میدارد و به آنحضرت یادآوری می‌فرماید که ای پیامبر! به تو نیز قرآن را داده ایم.

در پاراگراف ۳ می‌فرماید: ای کافران! چه چیزی واقعا می‌ارزد که خود را به چنین عاقبتی دچار، و خود را از چنان عاقبتی محروم کنید؟

در این پاراگراف می‌فرماید: اخلاق ابلیسی درست نقطه مقابل اخلاق پیامبرانه است و علت رفتارهای اینها قبول القائنات ابلیسی و شیطانی است که نقطه محوری آن خودبینی است، و اینکه ای پیامبر! از اینکه مطالب اساسی عقیدتی را باز هم با اینها مطرح کنی خسته مشو و به اینها بگو حتما بزودی خواهید فهمید حقیقت چیست.

۴- سوالات

۱- چرا خداوند از بین صفات ممکن، خود را به صفات مندرج در این قطعه معرفی نمود؟

۲- از مطالب این پاراگراف چه «حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها» میتوان زد؟

- ۳ - حالت کلی این پاراگراف چگونه است؟ (ارشاد؟ تقریر؟ ارشاد تقریری؟ یا...؟)
- ۴ - منظور از «يَخْتَصِمُونَ» (آیه ۶۹) چیست؟
- ۵ - «بناءً عظیم» (آیه ۶۷) اشاره به چه دارد؟ (جاافتادن اعتقاد به توحید؟ آخرت؟ یا...؟) و چرا؟
- ۶ - چرا خداوند در اینجا از ضمیر «من» (انی خالق سویت نفخت روحی قال خلقت یدی لعنتی اقول املئن) استفاده فرموده؟
- ۷ - در کلمه «آنی» (آیه ۷۱) چه حالتی وجود دارد؟ (تاکید؟ یا...؟)
- ۸ - چرا بجای «خالق» (آیه ۷۱) فرموده «خالق»؟
- ۹ - تنوین روی انتهای کلمه «بشرا» (آیه ۷۱) از باب تعظیم است یا تصغیر؟
- ۱۰ - برای کلمه «سوئی» (آیه ۷۲) چه سابقه ای درسوره های قبل سراغ دارید؟
- ۱۱ - «نفخت» (آیه ۷۲) چه نوع از سخن است؟ (به زبان مثل؟ به زبان مخاطب؟ یا...؟)
- ۱۲ - منظور از «سجده» (آیه ۷۳) چیست؟ (بیعت برای اطاعت؟ یا...؟)
- ۱۳ - منظور از آیه ۷۳ چیست؟ (هماهنگی همه کارگزاران جهان برای امکان زندگی مناسب بشر مورد بحث آیه ۷۱؟ یا...؟)
- ۱۴ - بین موضوع دو آیه ۷۱ و ۷۲ فاصله زمانی هست یا بلافاصله است؟
- ۱۵ - (با توجه به آیه ۷۶) چرا ابلیس به آن نتیجه رسید؟ مگر آتش نسبت به خاک برتر است؟ (برچه اساس؟) و به فرض صحت افضلیت مذکور، بر کدام اساس آن نتیجه گیری مقبول است؟
- ۱۶ - منظور از «مخلصین» (آیه ۸۳) چه کسانی هستند؟
- ۱۷ - با توجه به سابقه این موضوع در همین تفسیر، «حوزه» فعالیت شیاطین کجاست؟
- ۱۸ - «وقت المعلوم» اشاره به چه زمانی دارد؟ (قیامت؟ انتهای تاریخ بشریت؟ وقتی که بشریت آنقدر رشد یافته شود که دیگر وسوسه های شیطانی نتواند در او کارگر شود؟ یا...؟)
- ۱۹ - «متکلف» (آیه ۸۶) به چه معنا است؟ (زورگو - اعم از اینکه بر خود یا دیگران باشد - ؟ مدعی چیزی که واقعیت نداشته باشد؟ یا...؟)

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

از آیه ۸۶ فهمیده میشود که مخالفان آنحضرت تصور میکردند که انگیزه ایشان از

ادعاء دریافت وحی یکی انگیزه مادی و دیگری انگیزه سروری یافتن است.

۶ - پیشگویی های تحقق یافته

از آیه ۸۸ با توجه به درس و درب چنین مفهوم است که «به زودی» حقانیت قرآن و مطالب آن، معلوم خواهد شد. چون پس از چند سال، بطور گسترده باور و اعتقاد به قرآن و مطالب آن وقوع یافت، این آیه نیز در زمره پیشگویی های تحقق یافته درآمد.

۷ - آیات برجسته این پاراگراف

آیات ۷۱ تا ۸۵ که نظر بر داستان شیرین آفرینش انسان است، مانند سایر پاراگراف های دیگر در سوره های دیگر از لحاظ های متنوعی برجستگی دارد که چون در کتاب خویش (پیدایش انسان، برگزیدگی آدم، ماهیت شیطان) مشروحا به آن پرداخته ایم و شرحش طولانی است در اینجا به آن نمی پردازیم و خواننده کنجکاو را به همانجا دعوت میکنیم که در سایت ما در دسترس است و آدرسش را هم در ابتدا و انتهای همین کتاب ذکر کرده ایم.

۸ - در این پاراگراف، کدام فقرات، فوق ذهنیات معاصران نزول است؟

(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد) مکاتیم اجرایی آیه های ۶۷ تا ۸۵ برای ما ساکنان قرن ۲۱ نیز روشن نیست چه رسد مخاطب های اولیه! همچنین در همان آیه ها به موجوداتی اشاره شده که معهود ما بشر قرن حاضر هم نیست، چه رسد به مشافهین ۱۴۰۰ سال قبل!

۹ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیات ۶۵ تا ۶۸، بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

ترتیب نزول

مطلب، تفسیر، اشاره : آیه ۸۵ یکی از موارد واضح این ریزعنوان (سوتیتر) است.

در سوره‌های قبل داشتیم که «حتماً جهنم را از انسان و جن پر خواهیم کرد» اینک آن آیه با آیه ۸۵ تفسیر میشود که میگوید «جهنم را از آن دسته از افراد انسانی و جنی که از تو - یعنی از ابلیس - پیروی کنند پرمیکنم»

آن «خبر بزرگ» که کفار از آن روگردان بودند چه بود؟

موضوع آیه‌های ۶۷ و ۶۸ علی‌رغم تفسیرهایی که مفسران ارجمند مختلف کرده‌اند بطور وضوح اشاره به همان مطلبی دارد که ابتدای سوره نباء مطرح شده است، وقتی که چنین نصّ واضحی داریم دیگر چه جای ذکر مطالب شاذّ و نادر و غیره است. آیه ۶۷ این سوره به وضوح می‌گوید «هو نباء عظیم» و آیه ۲ سوره نباء نیز به وضوح می‌گوید «عن النباء العظیم»

تقریباً در تمامی طول مدت رسالت پیامبر(ص) نیز موضوع قیامت و آخرت همواره مورد تبلیغ پیامبر(ص) و مخالفت کفار بوده و لذا دیگر چه جای مطرح کردن چیزهایی است که با این نصّ به این وضوح مغایر باشد؟

«دست» خداوند

امروزه دیگر این تصور که خداوند مانند یک مجسمه‌ساز مجسمه‌ای از گل ساخت و سپس در آن فوت کرد و آن، همان آدم ابوالبشر شد، طرفدار قابل توجهی ندارد. و بلکه این الگو جا افتاده است که پیدایش انسان در روی زمین نیز مانند پیدایش سایر مخلوقات از روی یک نقشه گسترده طولانی مدت و با یک مکانیزم قابل درک علمی صورت گرفته است و با آنچه مورد بحث علوم زمین‌شناسی و زیست‌شناسی است، تناسب دارد.

لذا اینکه فرموده «با دست خود»، باید آن را به «علم و قدرت خود» معنی کنیم. سجده نمودن ملائکه نیز، از آنجا که ملائکه نماد نیروهای عامل در جهان هستی هستند، باید به معنی رام بودن جهان هستی برای پیدایش و زندگی انسان باشد. ماحصل مطلب این است که خداوند فرمود توجه ویژه‌ای به پیدایش انسان در روی زمین دارد و می‌خواهد همه عوامل جهان هستی در این جهت هماهنگ باشند و همه عوامل غیر از ابلیس هماهنگ شدند.

در سوره کهف خواهیم دید که ابلیس از جن بود و لذا اساساً جزء ملائکه (= نیروهای عامل در جهان هستی) نبود و اینکه هماهنگ نشد، نشان دهنده اختیار و آزادی

اوست و از این لحاظ مانند انسان است که می‌تواند چیزی را بپذیرد و یا نپذیرد و او هم صرف‌نظر از علتش، نپذیرفت. (گرچه استدلال او در آیه ۷۶ بسیار کودکانه و حتی خارج از عقل معمولی است)

البته چنانکه در سوره‌های رحمان و احقاف و جن دیدیم، جن نیز مخلوقی آزاد و مختار است.

«از آن» خارج شو (آیه ۷۷) یعنی چه؟

از آیه‌های ۷۲ و ۷۴ فهمیده می‌شود که باید «نوعی مجمع ملائکه» را تصور کنیم که ابلیس نیز راهی در آن داشت و در آیه ۷۷ قابلیت عضویت در آن مجمع را از دست داد و علت از دست دادن این قابلیت اولاً ندیدن این حقیقت بود که عقل خالق بالاتر از عقل مخلوق است و لذا اگر عقل مخلوق حکم به برتری چیزی بر چیز دیگر می‌کند، و عقل خالق برعکس آن است، بهتر است مخلوق به این نتیجه برسد که بدلالی که بر او روشن نیست، باید حکم خود را کنار گذاشته و به حکم خالق تمکین کند.

ملائکه این جمع‌بندی را داشتند و ابلیس نداشت و لذا از آن پس لایق عضویت در آن مجمع نبود و اخراج شد.

رحمت و نعمت

از آیه ۷۸ فهمیده می‌شود که «رحمت» الهی، وجود همین عقل و فهم است که در بخش فوق به آن اشاره شد و نعمت‌هایی که به شخص مورد رحمت می‌رسد، نتایج آن است. زیرا «لغنت» به معنی «فقدان رحمت الهی» است.

بنابراین «از رحمت من دور خواهی بود» یعنی از نعمت‌هایی که نتیجه داشتن آن نوع عقل است که ملائکه داشتند و تو نداری دور خواهی بود.

با این بیان بسیاری از آیات مربوط به جن روشن‌تر می‌گردد. مثلاً اینکه جن نیز مانند انسان اختیار و آزادی دارد و نیز اینکه از آتش آفریده شده (یعنی «مادی» نیست یعنی عناصر جدول مندلیف در ساختمان وجودی او نیست) و نیز اینکه محکوم بجاذبه زمین نیست و به راحتی می‌تواند به آسمانها برود و برگردد. و اینکه سعی می‌کند از آسمانها «استراق سمع» می‌کند زیرا قبلاً پدر بزرگ‌شان یکی از اعضاء «مجمع ملائکه» بوده و فی‌الجمله آشنایی با آن عوالم دارند و نیز اینکه پس از سعی در استراق سمع تعقیب می‌شوند زیرا عضویت خود را از دست داده‌اند و برگشتن به مکانی که حقی در آن ندارند یک حرکت دزدانه است و با واکنش روبرو می‌شوند و غیره و غیره، و بسیاری از آیات با توضیح فوق مفهوم‌تر می‌گردد.

ترجمه تفسیری آزاد

ای پیامبر! به اینها بگو جز این نیست که من هشدار دهنده ای هستم و جز خداوندِ واحدِ قهارِ خدائی نیست (۶۵) همو که پروردگار آسمانها و زمین و بین آنهاست و عزتمند آمرزشگر است (۶۶)

ای پیامبر! بگو آن خبرِ قیامت خبری بسیار مهم است (۶۷) که شما از آن رویگردانید (۶۸) هیچ علمی نسبت به آن بزرگان عالیمرتبه آسمانی، آن هنگام که مشاجره میکردند، ندارم (۶۹) بمن جز این وحی نمیشود که هشدار دهنده ای آشکارم (۷۰)

ای پیامبر! آن هنگام را یاد کن که پروردگارت به ملائکه گفت آفریدگار بشری از خاک خواهیم بود (۷۱) پس هر گاه او را پرداختم و از روح خویش در او دمیدم برایش به سجده بیفتید (۷۲) آنگاه ملائکه همگی سجده نمودند (۷۳) مگر ابلیس که گردنفرازی کرد و از کافران گردید (۷۴) خداوند گفت ای ابلیس! چه چیز مانعت شد که برای چیزی که با علم و قدرت خویش آفریدمش سجده کنی؟ آیا خود را بزرگ دیدی یا واقعاً از بزرگ مرتبگانی؟ (۷۵) گفت من از او بهترم. مرا از آتش و او را از خاک آفریده ای (۷۶) گفت، پس، از اینجا بیرون شو که رانده شده ای (۷۷) و تا روز قیامت از رحمت من دور خواهی بود (۷۸) گفت پروردگارا! تا روزی که برانگیخته میشوند مهلتم ده (۷۹) گفت باشد، تو از مهلت یافتگانی (۸۰) تا روزی که وقت معلومی دارد (۸۱) گفت: قسم به عزّت که همگانشان را گول خواهیم زد (۸۲) مگر آن بندگانت که خالص شده باشند (۸۳) گفت حق این است که میگویم (۸۴) حتماً جهنم را از تو واز کسانی که پیرویت کنند پر میکنم (۸۵)

ای پیامبر! به اینها بگو من برای آن رسالت از شما مزدی نمیخواهم و من از آن متکلفان که چیزی بخود ببندند اما واقعا آنطور نباشند نیستم (۸۶) این قرآن چیزی جز پندی برای جهانیان نیست (۸۷) و البته خبرش را پس از چندی خواهید دانست (۸۸)